

رفتارهای جنسی بشر

اروین هیبرله

رفتارهای جنسی بشر

نویسنده: اروین هیبرله (1)

مترجم: جهانگیر شیرازی

Erwin J. Haeberle-1

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

4	مقدمه: رفتار جنسی چیست؟
4	تاریخ واژه
11	معانی امروزی واژه
17	کشش (نیروی محرکه) جنسی
19	عوامل دخیل در رفتارهای جنسی بشر
22	رشد و تکامل رفتار جنسی
22	پیش درآمد
25	نسخه ها و پیش نویسهای جنسی
30	ابعاد اجتماعی و فرهنگی
32	مراحل رشد
56	انواع اولیه رفتارهای جنسی
57	خودتحریکی
62	ارگاسم در خواب
65	خودارضایی
69	آمیزش جنسی دگرجنسگرایانه و انواع آن
88	رفتارها و برخوردهای فرهنگی با انواع مقاربتهای جنسی دگرجنسگرایانه
89	آمیزش جنسی همجنسگرایانه و انواع آن
100	رفتارها و برخوردهای فرهنگی با انواع مقاربتهای همجنسگرایانه
101	تماس جنسی با حیوانات
104	تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی
105	حقوق جنسی
109	نابهنجاریهای جنسی
110	پس زمینه تاریخی جنسیت شناسی
123	اقلیت های جنسی و مبارزه برای به رسمیت شناخته شدن
129	گی ها و لزبین ها
132	دوجنسگرایان (بایسکسوالها)
134	ضربدریها (swingers)
135	فتیش ها
136	سادومازوخیستها
137	ترانس وستابیت ها
144	ترانس سکسوالها
149	آسکسوالها
150	رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی
151	تماس جنسی بزرگسالان با کودکان
157	بچه بازی (پدوفیلی)
160	جنبه های روانی و قضایی پدوفیلی
162	زنای با محارم (Incest)
165	فحشای کودکان
168	پورنوگرافی کودکان

170.....	روسیگری.....
174.....	جنبه های قضایی روسپیگری.....
180.....	روسیگری زنان و انواع آن.....
184.....	روسیگری الکترونیکی زنان.....
187.....	روسیگری مردان و انواع آن.....
188.....	روسیگری مردان همجنسگرا.....
189.....	روسیگری الکترونیکی مردان.....
191.....	روسیگری مردان دگرجنسگرا.....
192.....	خشونت جنسی.....
194.....	انواع مزاحمت های جنسی.....
198.....	تجاوز جنسی و انواع آن.....
201.....	زنان قربانی.....
204.....	مردان قربانی.....
206.....	کمک به قربانیان.....
209.....	مُثله کردن اندام های جنسی دختران و زنان.....
210.....	انواع مُثله کردن ها.....
214.....	منشاء، شیوع و توجیهات مُثله کردن ها.....
220.....	استراتژی برای پیشگیری و مقابله.....
222	سئوالات آزمون.....

مقدمه- رفتار جنسی چیست؟

لینگام و یونی



این سمبل مذهب کهن هند، اتصال اندام جنسی مرد (لینگام) به اندام جنسی زن (یونی) را نشان می دهد. این سمبل در بسیاری از معابد هندویی، جایی که وصلت بین زن و مرد به عنوان مظهري از نیروی پایان ناپذیر کیهانی مورد پرستش قرار می گیرد، یافته می شود.

گرفته شده از یک نقاشی هندی (قرن 18 بعد از میلاد)

مفهوم مدرن «رفتار جنسی» بیانگر یک دیدگاه علمی از جهان و فعالیت بشر می باشد. این اصطلاح در دوران باستان و قرون وسطی ناشناخته بود، و حتی امروز هم در جوامع «ماقبل مدرن» ناشناخته می باشد. وقتی که آنها از مسائل مطروحه در این دوره آموزشی صحبت می کنند، کلمات خیلی متفاوتی به کار می برند، ولی آیا منظورشان با منظور ما یکی است؟ در تلاش برای پاسخ به این سؤال، متوجه می شویم که نمی توان به طور شایسته ای به مطالعه «رفتار جنسی» دست زد مگر آنکه ابتدا راه و روش تفکر خود را مورد غور و بررسی قرار دهیم.

مقدمه- رفتار جنسی چیست؟ تاریخ واژه

اصطلاح «رفتار جنسی» تا دوران مدرن در هیچ زبانی یافته نمی شود. در هیچ کجای انجیل ویا قرآن استفاده نشده، و برای نویسندگان کلاسیک غرب از هومر گرفته تا دانته، شکسپیر، سروانتس، ولتر، و گوته ناشناخته بوده است. درحقیقت، حتی خود کلمه «جنسی» (سکسوال) که امروزه صدها سال قدمت دارد هم، به تدریج معانی و مفاهیم متفاوت امروزی خود را به دست آورد. این لغت در ابتدا، بر عمل یا احساس دلالت نمی کرده، بلکه صرفاً بر وضعیت نر یا ماده بودن دلالت داشته است. (1)
البته ما می دانیم که در زمانهای کهن و سده های میانه، دهها و شاید صدها واژه و لغت برای اندامهای جنسی زن و مرد و برای عمل آمیزش جنسی، در بین مردم رواج داشته اند. ما این را هم می دانیم که مردمان قدیم درباره باروری و تولید «از گوشت و خون خود» صحبت می کرده اند. آنها معنی بوسیدن، در آغوش گرفتن و نوازش کردن را می فهمیده اند و با لذت نفس، تحریک جسمی و هیجان ناشی از آن آشنا بوده اند. آنها با افتخار از عشق و شوق، شیفتگی و تمنا، شور و شرر، محبت و دلدادگی، دلباختگی، کوپید(2) و زهره (ونوس) حرف می زده اند.

بعضی از زنان و مردان از «زبان کثیف» (3)، با تصاویر برهنه، مجسمه ها، یا تماشا کردن و دید زدن، لذت می برده اند. برخی عاشق نمایش بدنهای برهنه خود یا مشاهده برهنگی دیگران بوده اند. دیگرانی هم در پی سرکوب «شهوت» خود بوده اند و با نفرت، از خواهش تن، هرزگی، نفس پرستی، یا اغوا شدن توسط شیطان صحبت می کرده اند. این دسته، عفت، حیا، پاکدامنی، عصمت و باکرگی را ارج می نهادند و در عین حال، خواهشهای نفسانی و گناه در برابر خداوند و طبیعت را محکوم می کردند. با این همه، با نگاهی دقیق تر

معلوم می شود که اجداد ما همه این چیزها را با یک واژه ساده توصیفی، و از جهت اخلاقی بی طرف، تحت عنوان «رفتار جنسی»، جمعبندی نکرده بودند.

- 1- امروزه واژه سکس (sex) در زبان انگلیسی از جمله دو معنی دارد، یکی به معنای جنس (مذکر/ مؤنث) و دیگری به معنای سکس (عمل جنسی). همین ممکن است فهم 9 بخش مربوط به تاریخ واژه سکس را برای خواننده فارسی زبان مبهم سازد. چون در جایی به معنای جنس (نر/ماده) و در جایی به معنای سکس به کار برده شده است. مترجم
- 2- کوپید: خدای عشق در افسانه های یونان که به صورت کودک برهنه مجسم می شده-م
- 3- اشاره به حرفهای رکیک شهوت برانگیز-م

مقدمه- رفتار جنسی چیست؟ تاریخ واژه 1

قبل از آنکه صفت «جنسی» (سکسوال) زاده شود، می بایست اسم «جنس» (Sex) وارد فرهنگ لغت



جان وی کلیف
(John Wycliffe)
حوالی 1328-1384 که
«ستاره صبح
رفرماسیون» هم نامیده
شده است»، حکیم الاهیات
در دانشگاه اکسفورد و
رئیس تیمی بود که اولین
ترجمه انگلیسی انجیل را
عرضه نمود.

شود. در زبان انگلیسی، این امر همزمان با ترجمه انجیل از لاتین توسط جان وی کلیف (John Wycliffe) و تیم او در سال 1382 اتفاق افتاد. در این ترجمه، نوح برای کشتی خود، از هر حیوان دو نوع را انتخاب می کند. جنس (Sex) نر و جنس (Sex) ماده. (پیدایش 06:19). در اینجا کلمه «جنس» به سادگی، چیزی در مایه نوع، تیپ، دسته، نژاد و یا گونه بود. درواقع، حتی تا مدت‌ها در قرن هیجده میلادی، این واژه به همان حالتی مورد استفاده قرار می گرفت که واژگان فرقه و دسته؛ به عبارتی مثل اشاره به گروهی از پیروان یک دسته، یک گروه مذهبی، یک بخش، فرقه و یا یک شیوه تفکر، بود.

مقدمه- رفتار جنسی چیست؟ تاریخ واژه 2

صفت «جنسی» (سکسوال) در ابتدا کاربرد خیلی محدودی داشت و هیچوقت بر چیزی جز نمونه ای از یک نوع دلالت نداشت. تا اینکه در قرن هیجده میلادی بود که این لغت معنی ومفهوم گسترده تری یافت و

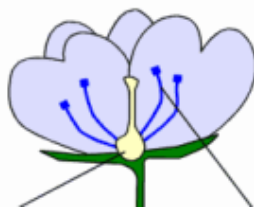


کارل ون لینه (Car Von Linne)
1707-1778، «پدر طبقه بندی» خوانده
شده است چرا که او سیستم ببولژیکی
جهت نامگذاری، دسته بندی، و کلاسه
کردن ارگانیزم ها را تهیه نمود. او
"binary nomenclature" را معرفی
کرد، یعنی او به هر گیاه یا حیوان دو اسم
واگذار کرد؛ اول جینوس (مثل نام
خاتوانگی)، و در دنباله آن اسمی دیگر (مثل
نام).
مثال: Quercus rubra (بلوط قرمز)،
Homo Canis lupus (گرگ)، و
Sapiens (انسانی که امروز می شناسیم).

دلالت کردن بر روند تولید مثل را هم شامل گردید. این امر، تا حدودی، نتیجه پیشرفت علمی بود. برای مثال در سال 1735 گیاه شناس سوئدی کارل ون لینه (Car Von Linne) آنچه که او Methodus sexualis می نامید، را تهیه کرد که عبارت بود از متد یا سیستم طبقه بندی جنسی که طبق آن گیاهان بر اساس کاراکتر یا شماره های ساختاری تولید مثل خود، دسته بندی شدند. این روش، که اکنون منسوخ شده، بر متخصصان و حتی مردم عوام آن

زمان تاثیر زیادی بر جای نهاد ولی، یک نوع مخالفت عجیبی هم در برابر آن قد علم نمود. یعنی، سیستم لینه مورد حمله شدید تعدادی از رهبران مذهبی قرار گرفت که متوجه شده بودند که این سیستم امکان همزیستی مشترک یک مادگی با چندین ساقه (پرچم) نرینگی در یک گل واحد را مطرح می کند. این امر، بی نزاکتی

آشکاری بود و افترا به خداوند که غیر ممکن بود چنین فسادى را خلق کند. و به این خاطر، از معلمان بیولوژى درخواست گردید که از چنین امرى با دانش آموزان جوان خود حرفى نزنند.



مقدمه- رفتار جنسى چیست؟ تاریخ واژه 3

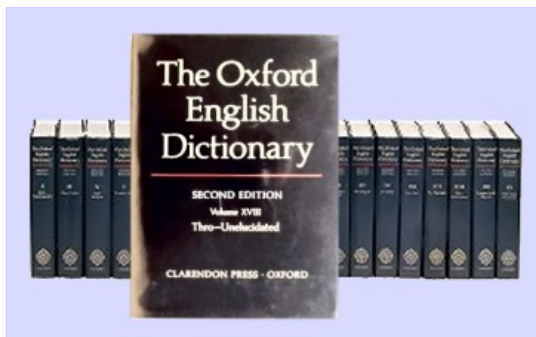
مخالفت با «متد طبقه بندى جنسى» **لینه**، تا حدودى قابل فهم بود. اخلاق گرایان بسیاری بر این تصور بودند که لینه و دیگر دانشمندان در پی «سکسوالیزه» کردن طبیعت، یا به عبارتى، نسبت دادن یک هدف شهوانى به رویش هر برگ چمنى در طبیعت بود.

هرچند که این اتهام منصفانه نبود، ولی به هر حال برداشت عوام را منعکس مى کرد. با پیشرفت سریع تحقیقات بیولوژى و پزشکی، عرصه هاى هر چه بیشترى از زندگى بی محابا مورد تحقیق و کالبد شکافى قرار گرفته، و رفتارها با هم مورد مقایسه قرار مى گرفتند، و رابطه هاىی که در گذشته حتى حس هم نشده بودند برملا شدند. **به محض آنکه مردم گلهاى رز و نرگسها را به عنوان موجوداتى جنسى در نظر گرفتند، کل سکس مفهومی فراگیر یافت و ابعاد کاملاً تازه ای به خود گرفت.** سکس ناگهان عمومیت (2) یافت، و این درک و فهم، به نوبه خود، خواه ناخواه بر اذهان قابل تحریک جوانان تأثیر بدی داشت. اما، طنز این است که، بعدها، خود اخلاق گرایان از مزایای چنین منظرى سود جستند و تولید مثل انسانها را با صحبت از «**گلها، پرندگان و زنبوران**»، برای کودکان خود توضیح دادند.



2- منظور از آن عمومیت این است که حتى لقاح درختان هم به عنوان یک نوع عمل جنسى/سکسى تلقى گردید. مترجم.

مقدمه- رفتار جنسى چیست؟ تاریخ واژه 4



جنجال حول «متد جنسى» لینه دال بر آن داشت که مفهوم بسته قبلى sex گسترش یافته بود. حالا دیگر جنس نه تنها شامل مذکر و مؤنث مى شد، بلکه روند تولید و انواع واکنشهای فیزیکی و روانی وابسته به آن را هم در بر مى گرفت. به این ترتیب، در خلال 150 سال بعد از آن، تعدادی مفاهیم تازه و کاملاً ویژه ابداع شدند و سریعاً جذب اغلب زبانهای

دیکشنرى انگلیسى اوکسفورد همه لغات موجود در زبان انگلیسى را ردیف و تعریف مى کند. همچنین، هر جا که لازم باشد، تغییرات وارده در معانى آنها را هم از طریق ارائه اولین نقل قولی که در آن به کار رفته توضیح مى دهد.

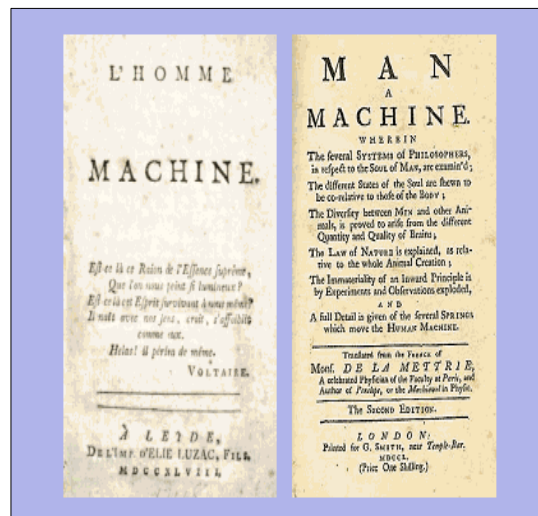
اروپایی گردیدند. زبان انگلیسی، مثل هر زبان دیگری، این روند عمومی را منعکس می کند. برای مثال، دیکشنری انگلیسی اوکسفورد لیست واژه های زیر را همراه با تاریخ اولین کاربرد آنها ردیف کرده است: "sexual intercourse" / مقاربت جنسی (1799)، "sexual function" / کارکرد جنسی (1803)، "sexual organs" / اعضاء و اندامهای جنسی (1828)، "sexual desire" / میل و شهوت جنسی (1836)، "sexual instinct" / غریزه جنسی (1861)، "sexual impulse" / تکانه و هوس جنسی (1863)، "sexual act" / رفتار و عمل جنسی (1888) و "sexual immorality" / بی اخلاقی و فساد جنسی (1911). جالب توجه آنکه بسیاری از این اصطلاحات جدید به محض کاربردی شدن شروع به گسترش معنی و مفهوم کردند. برای مثال، در ابتدا، از «اندامهای جنسی» صرفاً اندامهای مذکر و مؤنث (یعنی اندامهای آناتومیک متمایز کننده هر جنس) مد نظر بود. این برداشت بعداً، با گذر زمان، اندامهای جنسی با لذت اروتیکی (اندامهایی که در فعالیت لذتبخش جنسی به کار می روند) را هم شامل گردید. در نتیجه، بلافاصله به هر رفتاری که به تحریک این اندامها منجر می شد، به عنوان یک رفتار «سکسوال/جنسی» نگریسته می شد. به همین دلیل، حتی این زمینه نیز فراهم شد که از رفتار «جنسی» بین دو فرد همجنس که مبنای آناتومی مشابهی داشتند هم، صحبت به میان آید.

مقدمه- رفتار جنسی چیست؟ تاریخ واژه 5



جولین اوفرای دلامتری (Julien Offray de La Mettrie) پزشک فرانسوی و فیلسوف ماتریالیسم، بیشتر به خاطر خلق (L Homme machine) انسان ماشینی معروف است. در این اثر بدن انسان مثل یک قطعه ماشینی تشریح گردیده. به نوشته خود نویسنده: جزئیات کاملی از چند مهره که موتور انسان را می گردانند، ارائه شده است. از آنجا که کتاب جایی برای روح مستقل و ابدی باقی نمی گذارد، توسط حاکمان، شرم آور و مقتضح تلقی شد و در انتظار عموم به آتش کشیده شد. نویسنده فرار کرد و در برلین، در دربار پادشاه پروس، فردریک اعظم، پناه جست. دلامتری، درواقع صرفاً رشد ادراکی زمان خود را فرموله کرد و، به طور غیر مستقیم، تا حدود زیادی بر مطالعات رفتاری بعد از آن تأثیر گذاشت.

شکی نیست که تغییرات تدریجی در مفهوم «سکس»، تحول در تصویری که مردم از خود داشتند را منعکس می کرد. چون به هر حال، از اواخر قرنهای میانه، سبک زندگی در اروپا دچار تحولات پر شتاب و ژرفی شده بود. گذار از فئودالیسم به اقتصاد کاپیتالیستی، رشد تجارت و پیشرفت تکنولوژی باعث شکل گیری رفتارها، عادات و ارزشهای تازه ای گردید. طبقه متوسط شهری یا بورژوازی در حال ظهور، خود را به شکل بی سابقه ای با میزان بالاتری از نظم، انضباط، کنترل و انکار نفس بی سابقه ای تربیت نمود. بهره وری، وقت شناسی، تولید، و سود، به عنوان ارزشهای ایده آل جدید، معرفی شدند. به بدن انسان، به عنوان ماشینی که می بایست به اعلی ترین درجه ممکن از نظم و سوددهی کار کند، نگریسته شد، و توقع بر این بود که این «ماشین» هم، در عملکرد جنسی خود عملکردا و مقرون به صرفه باشد. بنابراین، تکانه های جنسی خودانگیز و امیالی که در استفاده «بهینه» از اندامهای جنسی، ایجاد اخلاص می کردند، به شدت سرکوب شدند. در نتیجه، همین سرکوب، انقیاد، مقهورسازی، و ترس از بدن، نظرها را به طور فزاینده ای متوجه کیفیت «جنسی» آن نمود.



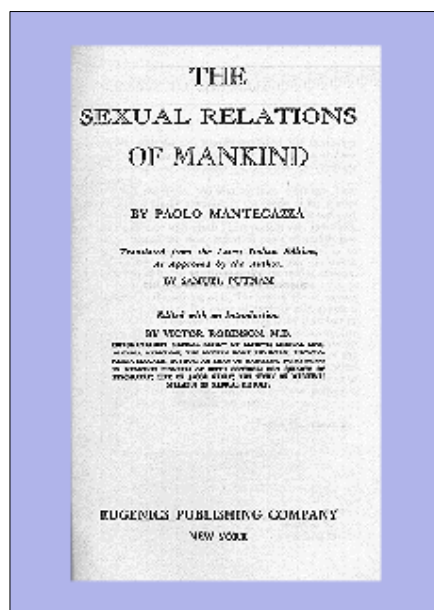
کتاب جنجال بر انگیز دلامتری
چپ: صفحه عنوان کتاب به اصل فرانسوی (1748)
راست: ترجمه انگلیسی (1750)
(حدود بیست سال بعد، جیمز وات، با بهبود موتور بخار، «عصر ماشین» را، یعنی انقلاب صنعتی را شروع کرد.)

مقدمه- رفتار جنسی چیست؟ تاریخ واژه 6



پاولو مونتگازا (Paolo Mantegazza)
1831-1910
پزشک و مردم شناس ایتالیایی، سه
جلد معروف و علمی «تریولوژی
عشق»؛ «فیزیولوژی عشق»-1872،
بهداشت عشق-1877؛ و عشق بشر-
1885 را منتشر کرد. در ترجمه
انگلیسی کتاب اخیر به جای کلمه
«عشق» «روابط جنسی» به کار
گرفته شد.

در اوایل قرن نوزدهم ضمیر اسمی «جنسیت» (سکسوالیتی) در بحثهای علمی ظاهر شد. البته این لغت هم، باز در ابتدا، فقط به کیفیت مذکر یا مؤنث بودن اشاره داشت. ولی، در عرض چند دهه، برای مشخص کردن اشتغال به موضوعی جنسی به کار گرفته شد، و در آخر هم معنای برخوردار بودن از قدرت جنسی یا دارا بودن توانایی احساسات اروتیکی را به خود گرفت. حالا دیگر «جنسیت» (سکسوالیتی) معنایی فراتر از دلالت بر مذکر یا مؤنث بودن داشت، و لزوماً همیشه بر مقاربت زن و مرد یا تولید مثل هم دلالت نداشت، بلکه از آن فراتر رفت و حتی استمناء انفرادی (بدون دخالت دیگری) هم یک رفتار جنسی تلقی گردید، و از آن به عنوان تجلی جنسیت فرد برداشت می شد. یک چنین تحولی در تصور ادراکی، در ترجمه انگلیسی یک کتاب مهم ایتالیایی در آن زمان، نمایش داده شده است: مطالعات مونتگازا حول عادات جنسی خارجیانی (Gli amori degli uomini)، با عنوان «روابط جنسی نوع بشر» «The Sexual Relation of Mankind» ترجمه شد. به کار بردن «روابط جنسی» (Sexual Relation) به جای «عشق» (amori)، در این ترجمه، بیانگر پیروز شدن تحقیقات مدرن جنسی بر رهیافتهای سنتی به موضوع می باشد. به عبارتی دیگر، ars amatoria (هنر عشق)، به نفع Scientia sexualis (علم سکس) کنار گذارده شد. «عشق»، رموز، و اغلب گریزان، خیلی گنگ، شاعرانه و احساسی تلقی شد و می بایست با سلاح علم با آن رو به رو شد. در عوض «سکس» بیشتر فنی، بی طرف و موضوعی کمتر مبهم است که، با ذهن باز و بدون ابهام می توان به بررسی و تجزیه و تحلیل آن دست زد. بنابراین، «عشق» خود را برای فلسفه بافی و انهداد، «روابط جنسی» قابلیت مقیاسی و طبقه بندی شدن داشت.



نسخه آمریکایی «عادات جنسی خارجیانی» مونتگازا.

مقدمه- رفتار جنسی چیست؟ تاریخ واژه 7

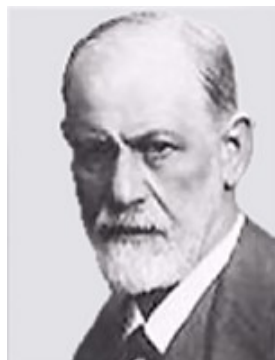


(Richard Von Kraft-Ebing)
ریچارد فون کرافت-ایبینگ 1840-1902
روانکاو شاغل در اتریش. مطالعات
تأثیرگذار خود Psychopathia
"Sexualis" (سایکوپاتولوژی جنسی) را
در سال 1886 به چاپ رساند. او در این
کتاب، موارد بسیاری از رفتارهای جنسی
غیر عرفی را برشمرد و آنها را به عنوان
علائمی از بیماری روانی دانست. او
همینطور برای برخی از این رفتارها
اسامی روانشناسانه در نظر گرفت؛ مثل
«سادیسزم»، «مازوخیسم» و «اروتیک
بچه بازی».

در اواخر قرن نوزده میلادی، «جنسیت» مؤنث و مذکر، و
تظاهر ابعاد پرشمار آن موضوع و هدف پژوهشهای علمی قرار
گرفت. درواقع، مردم «سکس» را در همه جا می دیدند. اما در عین
حال، با محدودیت واژه ها و اصطلاحات جهت بیان عواطف، هوسها
واحساسات شهوانی خود مواجه شدند. تنوع خارق العاده در زبان
انگلیسی، فرانسوی، اسپانیایی، ایتالیایی و آلمانی برای اندامهای
جنسی، عملکرد بدنی، و عشق ورزی، به مرور با واژه ها و
استعاراتی شرمگین و تعداد معدودی لغات ناقص یونانی و لاتین
جایگزین شده بود. چون، واژه ها و اصطلاحات گسترده بومی و
محلی به بهانه رکیک، مبتذل و «کثیف» بودن مورد بی مهری قرار
گرفته و کنار گذاشته شده بودند.

وقتی «فون کرافت-ایبینگ» (Von Kraft- Ebing) مطالعات
خود "Psychopathia Sexualis" را به زبان مادری اش، آلمانی،
منتشر کرد، زبان «عامه پسند» آنچنان فقیر، و جامعه به حدی حساس
شده بود، که کسی قادر نبود در ملاء عام، در مورد موضوع
«سکس» حرفی به میان آورد. نه تنها خود عنوان کتاب، بلکه حتی
بسیاری از عبارات و بخشهای صریح کتاب هم به زبان لاتین نوشته
شدند تا مبادا خواننده معمولی آنها را بفهمد و به رگ غیرتش بر
بخورد.

مقدمه- رفتار جنسی چیست؟ تاریخ واژه 8



(Sigmond Freud)
زیگموند
فروید 1856-1939 «پدر روانکاوی»،
مفهوم سکس را به مقدار وسیعی گسترش
داد. او در آن تجلی یک کشش اولیه رو به
زندگی (اروس)، که علیه کششی مخالف
و رو به مرگ (تاناتوس) می جنگد، می
دید.

آنگاه که همه کلمات «کثیف» ممنوع شده بودند، چند اصطلاح
«قابل قبول» باقی مانده، باید آنچنان کش و قوس داده می شدند تا
کل علم معانی لغات را پوشش دهند. در همین رابطه، مثلاً کلمه
«جنسی» (سکسوال) با پر کردن خلاء ترمینولوژی به وجود آمده،
پیوسته معانی تازه ای به خود می گرفت. اروپائیان و آمریکائیان
مدرن، هنگام صحبت درباره بسیاری از پدیده های کاملاً مجزا و
بی ربط، جز به کار گیری کلمه مفرد «سکسوال» چاره دیگری
نداشتند. چنین کاربردی، به نوبه خود، بر ذهن و درک مردم جامعه
تأثیرگذار بود. مردم دیگر به این عادت کردند که در هر نوع
رفتاری، که پیش از این «پاک» و از جهت جنسی بی مورد می
نمود، انواع و اقسام تأثیرات ریشه و دلایل جنسی بیابند. به عبارت
دیگر، مردان و زنان، رفتار و نگرشی حساس و به شدت حشری
در قبال همدیگر در پیش گرفتند. در اوائل قرن بیستم، و تحت تأثیر
رشد فزاینده تفکر روانکاوانه، مفهوم سکسوالیتی هر چه فراگیرتر
شد. طوری که نه تنها بر تولید مثل و لذت جویی شهوانی، بلکه

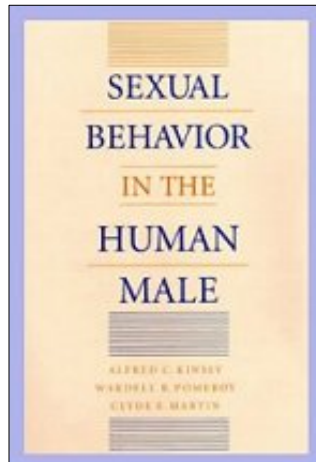
همچنین بر نیاز به عشق و احساس کمال فردی هم دلالت می کرد، از جمله به خود نفس «شور زندگی».
درواقع، فروید و پیروانش آموختند که عنصر و جوهری از جنسیت را تقریباً در همه فعالیت‌های بشری بیابند
و بعداً آن را به عنوان مظهر غریزه ای اولیه، تجلی یک «نیروی» پایه ای و قدرتمند، توصیف کردند.

مقدمه- رفتار جنسی چیست؟ تاریخ واژه 9

تاریخچه مختصر تاریخ واژه رفتار جنسی، می تواند ما را در درک و فهم یک حقیقت ساده کمک کند: وقتی که ما از رفتارهای «جنسی» بشر صحبت می کنیم فقط ساده و بی طرفانه رخدادهای حقیقی را توضیح نمی دهیم. بلکه همچنین نقطه نظر معینی را برای تمرکز بر این رخدادهای هم انتخاب می کنیم. به عبارتی، ما فلسفه ای شخصی (و چه بسا کوتاه فکرا نه) را بیان می داریم. چارچوب ذهنی خاص و مدرنی لازم است تا علائم «جنسی» را در هر گوشه ای باز شناسد و از «سکس» به عنوان نیرویی اساسی و نافذ در همه جا، درک و تصور داشته باشد. چنین ذهنیتی لزوماً ظرفیت و توان بیشتری در شهوترانی، یا زندگی پر بار عشقی را بازتاب نمی دهد. درحقیقت، چنین امری چه بسا نشانه ای از شهوانیتی چلاق و زمین گیر شده یا بینوا باشد. داشتن اشتغال ذهنی در رابطه با سکس معادل برخورداری از کامیابی جنسی تمام عیار نمی باشد. به هر حال، به نظر می رسد وقار و متانت آن باشد که به کل موضوع با احتیاط نزدیک شویم.

برای مثال: بر همگان آشکار است که بسیاری از مردمان به اصلاح بدوی از بازشناسی عنصر جنسی در شرایط خاصی که برای مشاهده کننده مدرن غربی چیزی جز «سکس» نیست، باز می مانند. چنین چیزی حتی ممکن است در مورد مردمانی صدق کند که برای خشنودی جنسی جایگاه ویژه ای قائلند. آنها کلاً متوجه انواع متفاوت نشانه ها، علائم و دلالت های ممکن «متمدنانه» آن نمی شوند. می توان همین را به کودکان در فرهنگ خودمان که به فعالیتهای «جنسی» می پردازند، هم تعمیم داد. بسیاری از این فعالیتها برای آنها به هیچ وجه «جنسی» محسوب نمی شوند، بلکه درواقع، برداشتهای بزرگسالان را به مرور و اغلب بر خلاف میل خود، جذب می کنند.

و آخر اینکه، این یک تجربه عام روان درمانگران مدرن است که در گروه درمانیهای مختلط، بسیاری از مشکلات روابط دو طرفه با طبیعت و ریشه «جنسی» توضیح داده می شوند. در حالی که، با همین مشکلات در گروههای کاملاً مردانه یا کاملاً زنانه، به شکل دیگری برخورد می شود. در اینجا، بعد «جنسی» چندان مهم تلقی نمی شود، بنابراین، شرکت کنندگان آمادگی آن را دارند که به دنبال علل و ریشه های دیگری بگردند.



تصویر جلد اولین «گزارش» کینزی در سال 1948. همانطور که از عنوان پیداست، کتاب از منظر بیولوژیکی نوشته شده است. (مثلاً عنوان یکی از مطالعات بیولوژی می ممکن است چنین باشد: رفتارهای خودآماده سازی در شمشانزه نر) یک مطالعه غیر بیولوژی عنوان دیگری انتخاب می کرد، اما کینزی می خواست فاصله خود را با دیدگاه آن زمان غالب پزشکی درباره سکس، حفظ کند. جالب آنکه، او تعریفی از مفهوم «رفتار جنسی» ارائه نداد، بلکه خیلی ساده بر این باور بود که خواننده معنی آن را می فهمید.

پیش درآمد- رفتار جنسی چیست؟ معانی امروزی واژه

وقتی که زبان حرفه ای دوران فعلی خودمان را مورد بررسی قرار می دهیم، متوجه می شویم که واژه «رفتار جنسی» بسته به موضوع، پس زمینه و علاقه علمی نویسنده، می تواند چهار معنی اولیه مختلف داشته باشد:

واژه «رفتار جنسی» می تواند دال بر این موارد باشد:

1. همه کنش و واکنشهای بیان کننده نقش جنسیتی فرد (رفتارهای جنسیتی).
2. هر رفتاری که «واکنش جنسی» بدن را در بر گیرد (رفتارهای اروتیکی).
3. همه فعل و انفعالات ضروری برای لقاح (رفتارهای تولید مثلی).
4. همه مظاهر «غریزه زندگی» (رفتارهای بهبود بخش زندگی).

پیش درآمد- رفتار جنسی چیست؟ ملاحظه ای برای احتیاط

هنگام صحبت از رفتارهای جنسی، به خاطر داشتن تمایزات و تفاوتهای بین رفتارهای جنسیتی، رفتارهای اروتیکی، رفتارهای تولید مثلی و رفتارهای بهبود بخش زندگی، مهم و ضروری است. بسیاری از نویسندگان اصطلاح «رفتار جنسی» را به صورت گل و گشاد به کار می برند و تمایزی بین معانی مختلف آن قائل نمی شوند. آنها این اصطلاح را طوری به کار می گیرند که گویا معانی مختلف آن با هم قابل معاوضه اند، و در خلال یک بحث، بدون آنکه خود خبردار شوند، ممکن است از منظوری به منظوری دیگر تغییر جهت دهند و معانی مختلف رفتارهای جنسی را با هم قاطی کنند. این امر می تواند به خطایی اساسی منجر شود.

برای نمونه: پژوهشگرانی الگوی جفتگیری موشهای صحرایی را مورد مطالعه قرار دادند، یعنی رفتارهای باروری و تولید مثلی آنان را، و بعداً از یافته های خود، به نتیجه گیری در مورد رفتارهای اروتیکی انسان رسیدند. اما، این کار خطاست. چون بدان منجر می شود که هر دو رفتار، بدون توجه به تمایزات آنها، «جنسی» نامیده شوند. این مثل «مقایسه سیب و پرتقال» می ماند که هر دو را میوه بنامیم. حالا اینکه موش صحرایی انسان نیست، به کنار، ولی کلاً این موضوع که رفتارهای اروتیکی و رفتارهای تولید مثلی انسان موضوعاتی کاملاً جداگانه اند، نیز نادیده گرفته می شود یا، مثال دیگری را در نظر بگیریم: محققان در طول سالهای سال، شباهتهای اشتباه و نادرستی بین رفتارهای اروتیکی و رفتارهای جنسیتی (جنسیتی)، ترسیم می کردند. به همین خاطر، آنها، همجنسگرایی در مردان را معادل زنانگی در نظر گرفتند و آن را «انحراف جنسی» نامیدند. طبق نظر آنان، میل جنسی در بعضی از مردان «منحرف» شده، یعنی با میلی جایگزین گردیده که شاخص و معرف زنان می بود. یعنی در واقع این «منحرفان» «روحی زنانه در بدن مردانه» خود داشتند. این محققان متوجه این موضوع نبودند - یا نمی خواستند متوجه شوند- که آنها با دو موضوع کاملاً مجزا رو به رویند. نقش جنسی یک مرد، هیچ ربطی به گرایش جنسی او ندارد. در آخرین تجزیه و تحلیل، چه بسا مردان دارای رفتارها و حرکات غلیظ زنانه (بسیار فمینیین) از جهت میل اروتیکی به زنان تمایل داشته باشند، و در عین حال مردان بسیار «مردانه» و ماسکولین چه بسا به مردان دیگر گرایش داشته باشند. باز در اینجا هم، قصور در تشخیص تمایزات ضروری، مانع هرگونه شناخت واقعی گردید. در بخشهای بعدی به این تمایزات با جزئیات بیشتری پرداخته خواهد شد.

پیش درآمد- رفتار جنسی چیست؟ معانی امروزی واژه 1: رفتار جنسیتی (جندری)



این اصطلاح «رفتار جنسی» می تواند به همه اعمال و واکنشهای بیانگر و بازتاب دهنده نقش جنسیتی (جندری) فرد، اطلاق گردد. این یک تعریف عام و کلی است، اما کاربرد رایجی دارد. و کلاً اولین تأثیری که فرد به عنوان یک موجود «جنسی» بر جای می نهد را ثبت می کند؛ یعنی مذکر یا مؤنث بودن فرد، و درجه ماسکولین یا فمنین بودن ادا و اطوار او که فرد ناظر، اغلب ناخودآگاه، متوجه آن می شود و آنها را برای جنس مذکر یا مؤنث، مناسب و یا نامناسب می داند. اما فرد به نوبه خود، عمیق ترین حس خویشتن خویش بودن را از توانایی یا عدم توانایی اش در ایفاء و ابراز نقش جنسیتی ای که از آن برخوردار است، و منطبق سازی هویت خود با نقش جنسیتی واقعی اش، دریافت می کند. کوتاه سخن اینکه، رفتارهای جنسیتی فرد، هرگونه مراوده اجتماعی او، از جمله مراوده اروتیکی اش با دیگران را شکل می دهد.

رفتارهای جنسی در این شکل مقدماتی و اولیه، یعنی ایفاء نقش جنسیتی مذکر یا مؤنث، قبل از هر رفتار جنسی دیگری، آموخته می شوند. پروسه یادگیری نقش جنسیتی، بلافاصله از بدو تولد، یعنی از زمانی که به نوزاد اسم مذکر یا مؤنث داده می شود، لباس با رنگ صورتی یا آبی پوشانده، و به شکلی متناسب با جنس ظاهری اش بغل می شود، شروع می گردد. بعدها، از کودک در حال رشد و در سنین بالاتر، توقع می رود که علائم، حرکات و رفتارهای فمنین یا ماسکولین «متناسب» با جنس ظاهری اش از خود بروز دهد، و همین، به نوبه خود، بر دیگر رفتارهای جنسی او که بعد از آن یاد می گیرد، و در زیر به آنها پرداخته می شود، تأثیر می گذارد.

پیش درآمد- رفتار جنسی چیست؟ معانی امروزی واژه 1: رفتار جنسیتی جدول جمع بندی: جندر

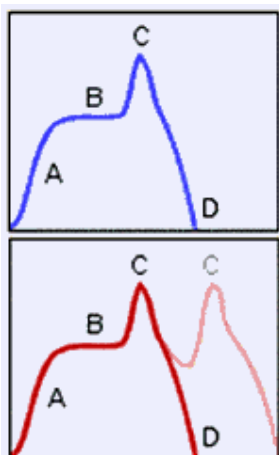
جندر

- جندر به **فمنینیتی** و **ماسکولینیتی** (ادا و اطوار، رفتار، حرکات، شکل صحبت کردن، نشست و برخاست، و حتی نوع لباس و...) فرد دلالت دارد، که براساس کیفیت فیزیولوژیکی خاصی که در یک جنس تشویق و در جنس دیگر بازدارنده می شود، تعیین می گردد.
- افراد به آن حد و درجه ای فمنین یا ماسکولین می باشند که با جندر آنها مطابقت دارد.
- اغلب افراد از جهت جندری با جنس فیزیکی خود تناسب دارند.
- اما، اقلیتی از افراد، تا حدودی، جندری را اختیار می کنند که با جنس فیزیکیشان تناسب ندارد (**ترانس و سستیسزم**)، و در اقلیت باز هم کوچکتری، این عدم تناسب، «انحراف»، کامل می باشد (**ترانس سکسوالیسم**).

البته، همانطور که مورخان فرهنگی مطلعند، مفهوم و محتوای نقشهای جندری (جنسیتی) ممکن است از کشوری به کشوری دیگر، و از قرن به قرن دیگر، متفاوت باشد. بنابراین، چه بسا مردمان گذشته، از زنانگی و مردانگی برداشتی مغایر با برداشت امروزی ما داشته اند. این مفاهیم حتی امروز هم، ممکن است در همه بخشهای جهان به یک معنا نباشند. به عبارت دیگر، «جنس» یک مسئله بیولوژیکی است، اما جندر اغلب توسط فرهنگ شکل داده می شود. در عین حال که زنانگی و مردانگی از یک بعد بیولوژیکی برخوردار است، اما معنی حقیقی و چگونگی ابراز و بیان آنها می تواند با گذشت زمان تغییر کند. به هر حال، فارغ از اینکه این دو

در هر جامعه ای چگونه تعریف و تبیین می شوند، ولی در تعیین همه مرادده های جنسی بشری نقش عمده ای دارند.

پیش درآمد- رفتار جنسی چیست؟ معانی امروزی واژه 2: رفتارهای اروتیک



پاسخدهی جنسی

در انسان، پاسخدهی جنسی در مردان (آبی) و در زنان (قرمز) در اساس از الگوی مشابهی پیروی می کند.

A= برانگیختگی

B= پلاتو

C= ارگاسم

D= فرونشینی

ولی متغیراتی در پاسخدهی

جنسی زنان دیده می شود؛ مثلاً

ارگاسمهای مکرر که یک زن ممکن

است در یک همافوشی تجربه کند.

2. این اصطلاح «رفتار جنسی» می تواند به هر نوع رفتار مربوط به «واکنش جنسی» بدن اطلاق گردد.

این تعریفی است مدرن و عملی، و بیانگر مشاهداتی است که حیوانات هنگام جفتگیری، تغییرات فیزیکی ای با نشان و ویژگیهای خاصی را تجربه می کنند که می توان آنها را تحت عنوان «پاسخدهی جنسی» (SEXUAL RESPOND) جمع بندی نمود. همچنین مشاهده شده که این واکنش و پاسخدهی جنسی حتی در شرایطی که تولید مثل غیر ممکن بوده هم اتفاق می افتد. مثلاً دیده شده که بعضی حیوانات، در تنهایی، آلت جنسی خود را تحریک می کنند، یا سوار حیوانی همجنس خود می شوند، یا سعی می کنند با حیوانی از گونه ای دیگر (که شامل انسان هم می شود) جفتگیری کنند. در همه این حالات، مشخصاً برانگیختگی جنسی دخالت دارد. این رفتار جنسی به معنای محدود کلمه است. در مورد انسان، این حالت اغلب رفتار شهوانی (اروتیکی) خوانده می شود.

پیش درآمد- رفتار جنسی چیست؟ معانی امروزی واژه 2: رفتارهای اروتیک پستانداران تکامل یافته تر



میمونهای در حال جماع

رفتار تولید مثلی؟

رفتار بیانگر سلسله مراتب و

جلب رضایت؟

رفتار آرامبخش؟

رفتار لذت آور؟

در بسیاری از پستانداران تکامل یافته تر، رفتارهای جنسی را نمی توان تنها با مفاهیم تولید مثل و روابط زن و مرد توضیح داد. درواقع، در مواردی، این به اصطلاح رفتار جنسی را به راحتی می توان طور دیگری، ساده تر و بهتر بیان نمود، مثلاً «رفتار هشدار»، «رفتار استقبالی»، «رفتار جلب رضایت»، «رفتار اعلام جایگاه سلسله مراتب» و امثالهم. مثلاً نوع خاصی از میمونهای نر، جهت اعلام خطر به کسی که وارد حریم زندگی آنها شده، آلت شق شده خود را نشان می دهند. آنها برای خوش آمد گویی یا جلب رضایت آنانی که در گروهشان از رتبه بالاتری برخوردارند در برابرشان با حالتی آماده جفتگیری ظاهر می شوند، یا با سوار

کپتران خود شدن، قدرت و موقعیت برتر خود را در گروه اعلام می دارند. به همین خاطر، زمانی که ما چنین رفتارهایی را جنسی می نامیم، صرفاً آنها را توصیف کرده ایم، بدون آنکه چیز خاصی در اهمیت آنها بیان کرده باشیم. ما فقط می گوئیم که این رفتارها از نوعی بار جنسی، هر چقدر ابتدایی، برخوردارند. ما نمی

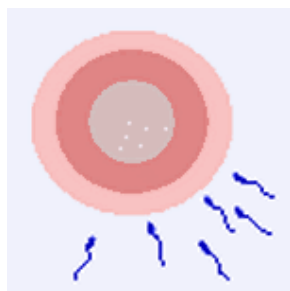
گوئیم که معنای آنها چیست. درواقع، چه بسا در بعضی از حیوانات مشاهدات زیادی لازم باشد تا بتوان به معنای واقعی این رفتارها پی برد.

پیش درآمد- رفتار جنسی چیست؟ معنای امروزی واژه 2: رفتارهای اروتیکی انسان

در نوع بشر، معنی رفتارهای جنسی به هیچ وجه روشن و مشخص نیست. نفس پاسخدهی جنسی ممکن است واضح باشد اما انگیزه و هدف آن رفتار چه بسا مبهم و نامعلوم باقی بماند. اگر بخواهیم برای توضیح بیشتر از یک اصطلاح معروف کمک بگیریم آنوقت می توان اصطلاح «استفاده از اهرم سکس به عنوان یک وسیله برای اهداف غیر جنسی» را به کار برد. به هر حال، بحث حول اینکه این اهداف کدامها هستند، همچنان لاینحل باقی است.

لازم به گفتن نیست که، صحبت از رفتارهای جنسی بدون اشاره به معانی و منظور احتمالی آنها، مزیتهایی در بر دارد؛ یعنی کاربرد بی طرفانه ما را از پیشداوری نسبت به موضوع باز می دارد. به همین دلیل، این شیوه امروزه، در بین پژوهشگران جنسی که برآنند تا تعریفی همراه با جزئیات کامل از عمل فرد، قبل از قضاوت در مورد علت عمل او ارائه دهند، متداول است. مشخصاً، این تعریف، همه انواع رفتارهای جنسی بشر را در بر می گیرد (خودتحریکی جنسی، مقاربت جنسی دگرجنسگرایانه و همجنس گرایانه، و تماس جنسی با حیوانات)، ولی درجه جایگاه و سلسله مراتب بین آنها را در بر نمی گیرد. و علاوه بر آن، راه را برای انواع تفسیرها از هر کدام از این رفتارها باز نگه می دارد. کوتاه سخن اینکه، تعریف فوق، سکس را معادل تولید مثل یا هر منظور خاص دیگری تلقی نمی کند. بلکه صرفاً توجه را به واکنش فیزیکی خاصی جلب می کند که در انواع مختلف فعالیتها مشترک می باشد. با این همه، ما می دانیم که دست کم در نوع بشر، این واکنش اغلب با یک احساس قوی لذت همراه است.

پیش درآمد- رفتار جنسی چیست؟ معنای امروزی واژه 3: رفتارهای تولید مثلی



بسته شدن نطفه

شرط تولید مثل جنسی، وقوع یک رشته متوالی از کنش و واکنش فیزیکی توسط نر و ماده لازم است. در پستانداران، این رشته متوالی ممکن است به اتصال آلت جنسی آن دو به هم منجر شود، و همین اتصال به نوبه خود به بارور شدن سلول جنس ماده (تخمک) توسط سلول جنس نر (اسپرم) منجر می شود. مسلماً تنها بسته شدن نطفه کافی نیست، بلکه به دنبال آن بارداری و تولد موفقیت آمیز هم لازم است.

3. این اصطلاح «رفتار جنسی» می تواند به همه انواع رفتارها و واکنشهای لازمه لقاح، اطلاق گردد. این تعریفی است بسیار تنگ و محدود، و بیانگر این است که هر کدام از گونه های حیوانات تکامل یافته، به دو نوع جنس نر و ماده تقسیم شده اند، و به صورت جنسی تولید مثل می کنند. یعنی نر و ماده، سلولهای متفاوت اما مکمل یکدیگر، تولید می کنند. حیات تازه زمانی شکل می گیرد که سلول نر (اسپرماتوزوئید) با سلول ماده (تخمک) متحد شده و آن را بارور کند. لازمه تحقق چنین چیزی آن است که نر و ماده یک رشته از مراحل مشخص و متوالی از کنش و واکنشهای فیزیکی را به اتفاق طی کنند. این توالی (و هر قسمتی از آن) رفتار جنسی خوانده می شود.

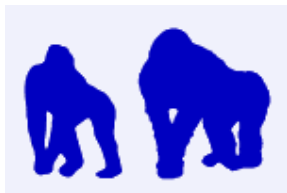
پیش در آمد- رفتار جنسی چیست؟ معانی امروزی واژه 3: رفتارهای تولید مثلی پستانداران کمتر تکامل یافته



در پستانداران کمتر تکامل یافته، رفتارهای جنسی به طور محکمی به وسیله کنترل‌های فیزیولوژی خاصی تنظیم می‌گردند. در زمانی خاص، هنگامی که امکان لقاح وجود دارد، نر و ماده نسبت به رفتارهای «اشاره ای» خاصی در همدیگر واکنش نشان داده و بنابراین به شیوه ای به مراد به هم می‌پردازند که سلولهای جنسی نر و ماده آنها به هم رسانده می‌شوند. مثلاً نر ممکن است بر پشت ماده سوار شود، آنوقت شاید آلت‌های جنسیشان به هم متصل شوند و احتمالاً حیوان نر در درون بدن ماده، جایی که ممکن است لقاح صورت گیرد، به انزال برسد. با این همه، توالی کل رشته های کنش و واکنشها به شرطی تکمیل می‌شود که همه اشاره های مورد نیاز توسط هر دو طرف دریافت شده باشند.

رفتارهای جنسی نر و ماده باید در هر قدمی به شکلی خاص مکمل همدیگر (همخوان) باشند. بدن این حیوانات طوری برنامه ریزی شده که لقاح را ممکن می‌سازد اما بدون مکمل سازی (همخوانی) دو طرفه، برنامه ریزی صورت گرفته مختل می‌شود و چه بسا شروع هم نشود. این، ازجمله، بدان معنا است که رفتارهای جنسی این حیوانات «غریزه ای»، یعنی کاملاً از درون هدایت شده، نمی‌باشد، بلکه در پاسخ (واکنش) به محرکهای خاصی در زمانی که اتفاق می‌افتد، «شکل گرفته» یا «کنار هم ردیف» می‌شوند.

پیش در آمد- رفتار جنسی چیست؟ معانی امروزی واژه 3: رفتارهای تولید مثلی پستانداران تکامل یافته تر



در حیوانات تکامل یافته تر، کنترل‌های فیزیولوژیکی ذاتی مربوط به رفتارهای جنسی، جفتگیری «موفقیت آمیز» را تضمین نمی‌کنند، بلکه این کنترلها بایستی با آموزش و یادگیری تکمیل شوند. برای مثال، میمونها و بوزینه هایی که در انزوا رشد کرده و فرصت مشاهده یا تمرین جفتگیری را نداشته اند، کماکان ظرفیت واکنش نسبت به اشاره های (جنسی) میمون یا بوزینه هایی که ناگهان در برابرشان ظاهر می‌شوند، را دارند اما شاید بلد نباشند که چگونه با آنها تعامل کنند و در نتیجه حرکات بدنی آنها خام، نامناسب و همراه با دست و پا چلفتی باشد. بنابراین، لقاحی هم صورت نمی‌گیرد. با این حساب، کاملاً روشن می‌شود که رفتارهای جنسی «نرمال» این حیوانات تا حدود زیادی به تمرین و تجربه بستگی دارد. علاوه بر این، روشن است که رفتارهای جنسی بسیاری از حیوانات تکامل یافته تر بسیار متنوع و مفصل می‌باشد و کارکردی فراتر از صرفاً تولید مثل دارند و به موازنه و حفظ انسجام اجتماعی هم کمک می‌کنند.

پیش در آمد- رفتار جنسی چیست؟ معانی امروزی واژه 3: رفتارهای تولید مثلی بشر



الگوهای رفتاری در تکامل یافته ترین پستاندار، یعنی نوع بشر، انعطاف پذیرتر و پیچیده تر است. انسانها با ظرفیت پاسخدهی جنسی نسبتاً ساده ای متولد می‌شوند، ولی به شکل خاصی، برای جفت گیری، برنامه ریزی (programmed) نشده اند. در نتیجه، تقریباً به طور کامل به مشاهده و تجربه وابسته اند. رفتارهای جنسی انسانها، بسیار متغیرند، و چه بسا تولید مثل،

هدف مقدم آن رفتارها نباشد. در عوض، ممکن است رضایت و خشنودی فردی و اهداف گوناگون اجتماعی او خیلی مهم تر باشند. به طور خلاصه، وقتی ما از انسان صحبت می کنیم، نمی توانیم سکس را معادل تولید مثل قرار دهیم. رفتارهای جنسی بشر خیلی فراتر از رفتارهای تولید مثل بوده، و به همین دلیل نیازمند تعریفی جامع تر و وسیع تر از آن چیزی که در فوق آمد، می باشند.

پیش در آمد- رفتار جنسی چیست؟ معانی امروزی واژه 4: رفتارهای بهبود بخش زندگی

4. این اصطلاح «رفتارهای جنسی» می تواند به همه مظاهر «غریزه زندگی» دلالت داشته باشد. این



اروس، خدای عشق (چپ)، توسط تاناتوس (راست) مهار شده است.
(نقاشی بر روی یک گلدان قدیمی یونانی.)

تعریف بسیار وسیعی است و رد پای آن می تواند به فروید و تنوری روانکاوی او برسد. فروید بود که مفهوم «لیبیدو» (لاتین: شور جنسی) را توسعه داد. این مفهوم در ابتدا برای او انرژی فیزیولوژیکی مرتبط با امیال جنسی را در خود جمع می کرد، اما بعداً آن را به معنای همه تلاشهای سازنده انسان تعبیر نمود. در انتها، فروید زندگی انسان را کلاً تحت تسلط دو غریزه متضاد بنیانی دانست که او آن دو غریزه را به نام دو خدای کهن یونانی: اروس (غریزه زندگی) و تاناتوس (غریزه مرگ) نامگذاری کرد. بخشی از پیروان او این دیدگاه را نپذیرفتند، اما تصور غریزه یا نیروی اروتیکی قدرتمند ذاتی، در سطح وسیعی مورد قبول واقع گردید و حتی به عنوان جزئی از فهم و دانش مدرن عمومی جا افتاد. بر همین اساس، در بسیاری از اذهان «کشش و میل جنسی»، بازتاب دهنده جستجوی انواع لذتها توسط انسان، و «سکس» انگیزه اصلی هر نوع فعالیت کیفیت را بهبود بخش زندگی گردید.

پیش در آمد- رفتار جنسی چیست؟ معانی امروزی واژه 4: رفتارهای بهبود بخش زندگی اروس، «غریزه زندگی»

هنگامی که «رفتار جنسی» به عنوان بیان و تجلی اروس، غریزه بنیانی حیات، تعریف شود، آنوقت



اروس
مجسمه «اروس» در میدان
پیکادلی سیرکوس لندن. ساخته شده
در 1893، در ابتدا قرار بود که این
مجسمه «فرشته رحمت عیسوی» را
تداعی کند، اما مردم خیلی زود
ترجیح دادند که خدای کهن یونانی
عشق را در آن ببینند.

«رفتارهای جنسی» اصطلاحی نسبتاً فراگیر می گردد، و نه تنها همه انواع عشق ورزی بین زن و مرد را در برمی گیرد بلکه همه دیگر اشکال فعالیت های انسان را هم شامل می شود. درواقع، حتی چه بسا از مکیدن انگشت و پستان مادر در کودکی گرفته تا خوردن، نوشیدن، رقصیدن، آواز خواندن، نقاشی کردن، یا جمع آوری آثار هنری در بزرگسالی را هم دربرگیرد. انگیزه، مسئله اصلی همه این فعالیتها است. چنانچه رفتاری با انگیزه لذت شخصی صورت بگیرد، اگر رفتاری بنا به انگیزه درونی نیاز به احساس کمال فردی انجام گیرد، اگر رفتاری فرد را ارضاء می کند و به او آرامش می بخشد، اگر احساس زنده بودن او را تشدید و تقویت می کند، آنوقت این رفتاری است جنسی. حتی می توان از این هم فراتر رفت و از رفتارهای جنسی در افرادی صحبت کرد که در مورد عشق خیال می بافند، یا به فانتزیهای اروتیکی خود، در جامعه، به شکلی سمبلیک و ناشناخته جامعه عمل می پوشانند.

این را هم می توان گفت که در بعضی از مردان و زنان، «میل و کشش جنسی» بلوکه، تار، و یا مختل شده می باشد، و به همین دلیل،

آنها برای رسیدن به ارضاء جنسی، به شیوه ای «منحرفانه»، به دیگران آسیب رسانده و یا آنها را مورد آزار و ضرب و جرح قرار داده و حتی به قتل می رسانند. در برخی از این حالات، حتی ممکن است سرخ مسائل جنسی کاملاً غایب باشد. ولی به هر حال، یک تجزیه و تحلیل روانکاوانه ممکن است بتواند رد پای علت آنها را بیابد و انگیزه «حقیقی» عمل را برملا کند. (از طرفی، در آخر، انگیزه «حقیقی» ممکن است کاملاً منفی از آب درآید، یعنی تجلی «تاناتوس، غریزه مرگ». با این حساب، آنوقت آشکار می شود که رفتار جنسی مورد شک واقع شده، کلاً جنسی نبوده است.)

این چند مثال شاید برای اثبات اینکه تعریف ارائه شده فوق از رفتار جنسی مشکل ساز است، کافی باشند. مسلماً این تعریف، همچون دو تعریف قبل از خود، تشریحی و بی طرفانه نیست. بلکه، ارزش مدار و حاوی عناصر قدرتمندی از حدس و گمان می باشد. در هر صورت، فایده آن برای دانشمندان ثابت نشده، اما با همین مشخصه، مورد توجه زیاد اخلاق‌گرایان و فلاسفه واقع گردیده است.

مقدمه- رفتار جنسی چیست؟

«کشش جنسی»

«کشش»: از بیولوژی تا روانکاوی

همانطور که مشاهده شد، حتی در سطح تئوری هم «سکس چندان ساده نیست». اضافه بر این، مشخصاً به آن شکلی که مردم معمولاً درباره «سکس»، «رفتار جنسی»، و یا «کشش/نیروی محرکه جنسی» صحبت می کنند هم، چندان دقیق نمی باشد، و مسلماً، برای یک تجزیه و تحلیل مستقل هم مناسب نیست. برای مثال، اگر چیزی به اسم کشش (نیروی محرکه) جنسی وجود داشته باشد، این کشش دقیقاً چه چیزیست؟ آیا نیرویی است برای تولید مثل؟ یا نیرویی است برای تخلیه فشاری خاص به روشی ویژه؟ آیا کششی است برای تجربه لذت؟ در ابتدا، باید روشن شود که این نیروی محرکه/کشش واقعاً چه چیزی هست.

اصطلاحات انگلیسی “sexual instinct”، “sexual drive”، “sex drive” (کشش سکس، کشش جنسی، غریزه جنسی) در آلمانی معادلی دارند به اسم “sexualtrieb”، مفهومی که بخصوص در اوائل قرن بیستم طرفداران زیادی یافت. ادعا می شد که غرائز یا کششها، نیروهایی فطری و درونی هستند که حیوانات را به انجام رفتارهای خاص و قابل پیش بینی، وا می دارند. بخصوص، نیروهای ویژه ای، حیوان را وا می دارند که خود را از مشقاتی همچون گرسنگی یا تشنگی برحذر دارد، یا تنش درونی را از طریق فعالیت جنسی تخلیه نماید. بنابراین، مثلاً، وقتی حیوانی به شکار طعمه می پرداخت، این امر دال بر عملکرد و فعالیت کشش گرسنگی آن حیوان قلمداد می شد، جستجوی آب، عملکرد غریزه مربوط به تشنگی را اثبات می کرد، و تلاش برای فعالیت جنسی، فعالیت و عملکرد کشش با همان نیروی محرکه جنسی را ثابت می کرد.

در اصل، واژه «کشش/نیروی محرکه» صرفاً یک اصطلاح محدود (در ادبیات) زیست شناسی بود. ولی همانطور که پیشتر دیدیم، برای زیگموند فروید، مفهوم غریزه جنسی یا کشش/نیروی محرکه جنسی ابعاد بیشتر و وسیعتری یافت؛ به این صورت که تحت نام میل جنسی (لیبیدو)، و بعدها اروس، بخشی از تئوری روانکاوی او گردید که با کمک آن در پی توضیح انگیزه های (عمدتاً نهفته در ضمیر ناخودآگاه) رفتارهای انسان برآمد. درواقع، تا همین امروز هم رهروان و هواداران فروید اصطلاح «کشش-نیروی محرکه جنسی» را به شکل خاص خود به کار می برند که هرچند توافق عمومی درباره آن وجود ندارد، اما در چارچوب دیگر پیش فرضهای روانکاوانه توجیه پذیر است. با این همه، حتی تا همین امروز هم، روانکاوی پیش از هر چیز، بیشتر موضوعی است اعتقادی تا سندی علمی.

مقدمه- رفتار جنسی چیست؟

«کشش جنسی»

1. «کشش» در روانشناسی



در مباحث علمی معاصر، کلمه «کشش/نیروی محرکه» مثل سابق، زیاد به کار نمی رود. در حقیقت، بسیاری از دانشمندان کلاً این مفهوم را رد کرده اند. آنها بر این باورند که توضیح گرسنگی به عنوان کشش/نیروی محرکه گرسنگی هیچ مزیتی ندارد، و به جای گفتن حیوانات «کشش تشنگی خود را ارضاء می کنند»، ترجیح می دهند بگویند که حیوانات آب می خورند چون تشنه اند. به علاوه، این نظر که حیوانات کلاً «باطنی» هستند و توسط نیرویی درونی «هدایت» می شوند، هر چه بیشتر مورد سؤال قرار می گیرد. با این همه، برای روانشناسان که در پی توضیح انگیزه هایی هستند که ریشه روانی دارند، مفهوم «کشش-نیروی محرکه» همچنان جذاب می نماید. به این خاطر، در کتابهای روانشناسی، مفهوم کشش-نیروی محرکه «ممکن است این طور تعریف شود: «شرایطی که در آن رفتار موجود زنده، به سمت احتراز و پرهیز از مشقت و سختی یا عدم توازن و تعادل روانی، هدایت می شود». کشش یا نیروهای محرکه در این مفهوم، چیزهایی مثل گرسنگی، تشنگی، نیاز به خواب، و نیاز به دمای معتدل می باشد. کمبود غذا، آب و خواب، یا دمای حرارت خیلی گرم یا خیلی سرد، این نیروهای محرکه را به فعل (عمل) وامی دارد. هر چه عدم توازن و تعادل بیشتر باشد، کشش/نیروی محرکه قویتر و شدیدتر است. با همین مختصات، هنگامی که غذا، آب، خواب و دمای حرارت مناسب فراهم گردید، آنوقت کشش/نیروی محرکه راضی می شود، و آرام می گیرد. البته تا زمانی که کمبود و عدم توازن مجدداً ایجاد می شود. نهایتاً، معلوم می گردد که این کششها / نیروهای محرکه، در زندگی موجود زنده نقش مهمی دارند. بدون آب، غذا، خواب، و در دمای حرارت بسیار گرم یا خیلی سرد موجود زنده تاب نمی آورد و می میرد.

مقدمه- رفتار جنسی چیست؟

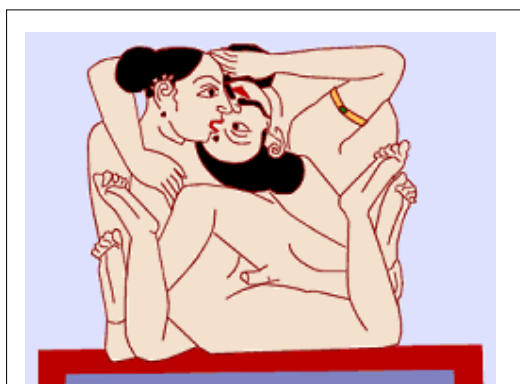
«کشش جنسی»

2. «کشش و نیروی محرکه جنسی» چطور؟

امروزه دانشمندان استدلال می کنند که آیا مفهوم کشش/نیروی محرکه، حتی در موارد «ساده» هم واقعاً

چیزی را می رساند یا نه. اما، هر چه که باشد، حداقل در رابطه با سکس، می توان دید که این مفهوم (کشش) معنای چندانی ندارد.

اولاً، فعالیت جنسی برای بقاء موجود زنده هیچ ضرورتی ندارد. بی غذایی و تشنگی به مرگ منجر می شود، اما زندگی بدون سکس تا به حال باعث مرگ کسی نشده است. دوم اینکه، قدرت و صلابت میل جنسی ربطی به حرمان جنسی ندارد. یعنی محرومیت جنسی همیشه به افزایش خواهش جنسی منجر نمی شود و فعالیت ممتد و مستمر جنسی هم، لزوماً آن را کاهش نمی دهد؛ بالعکس، کسانی که برای مدتی طولانی فعالیت جنسی ندارند، در آخر کلاً به سکس بی علاقه می شوند، اما افرادی که فعالیت جنسی بسیار زیادی دارند، راحت تر تحریک می شوند. علاوه بر آن، افراد، همیشه آگاهانه خود را تشنه یا گرسنه نمی کنند،



هنر عشق ورزی

در بعضی تمدنها و دوره های تاریخی، زنان و مردان، تکنیکهای جنسی مفصلی را در پیش می گرفتند که یادگیری آن لازمه تمرینات مفصل و طولانی بود و از هدف صرفاً تولید مثلی فراتر می رفتند. در عوض آنها در پی دستیابی به سلامت جسمی و روحی بودند. (تصویر فوق از یک نقاشی هندی قرن هیجدهم گرفته شده است.)

ولی اغلب آگاهانه به دنبال تحریک و فعالیت جنسی می روند. همچنین، برخلاف گرسنگی و تشنگی، تحریک جنسی ممکن است صرفاً به کمک عوامل روانی به تنهایی، شروع و تشدید شود. و آخر اینکه، تشنگی و گرسنگی تجاربی ناخوشایندند، درحالیکه تحریک جنسی به خودی خود خوشایند است و بر همین اساس خود به خود نوعی پاداش است حتی اگر شخص «ارضاء» نشود.

مقدمه- رفتار جنسی چیست؟

عوامل دخیل در رفتارهای جنسی بشر

محققان مدرن مسائل جنسی مفهوم کلی کشش/نیروی محرکه جنسی را عملاً کنار گذاشته اند. در عوض، میل به این دارند که آن را به اجزاء مختلف تقسیم کنند. در همان سال 1940، ر. ل. دیکینسون بین «استعداد جنسی، توان جنسی، و کشش جنسی» تمایزاتی قائل گردید. در 1948، آلفرد. س. کینزی از «قدرت» جنسی به عنوان نقطه مقابل «عملکرد واقعی» صحبت به میان آورد. و در سال 1958، لستر آ. کیرکندال تمایزاتی بین «ظرفیت جنسی، عملکرد جنسی، و کشش جنسی» را پیشنهاد نمود.

(“ Toward a Clarification of the Concept of Male Sex Drive, Marriage and Family Living, 20. November 1958 ”)

تا کنون، این رهیافت اخیر امیدوارکننده تر از بقیه به نظر می رسد و به همین دلیل شاید بد نباشد که در اینجا برهان کیرکندال را (البته با کمی تعدیل زبانی که او به خدمت گرفته) به کار گیریم. کوتاه سخن اینکه، هنگام صحبت درباره رفتارهای جنسی بشر، تمایز قائل شدن بین سه فاکتور اساسی مفید فایده می باشد:

1. توان جنسی، یعنی آنچه که فرد می تواند انجام دهد.
2. انگیزه جنسی، یعنی آنچه که فرد می خواهد انجام دهد.
3. عملکرد جنسی، یعنی آنچه که فرد در واقع انجام می دهد.

مقدمه- رفتار جنسی چیست؟

عوامل دخیل در رفتارهای جنسی بشر

سه فاکتور نامبرده 1

توان جنسی (یعنی ظرفیت و توانایی فرد به تحریک جنسی شدن و به ارگاسم رسیدن) به وضعیت عمومی جسمانی، و بخصوص به کارکرد سیستم عصبی و ماهیچه ای فرد بستگی دارد. این ظرفیت در افراد مختلف متفاوت است و حتی در خود فرد هم در زمانهای مختلف یکسان نمی باشد. برای مثال، توان جنسی فرد در دوران نوزادی، کودکی، نوجوانی، جوانی و پیری متفاوت می باشد.

انگیزه جنسی (یعنی میل به انجام فعالیت جنسی)، ممکن است تحت تأثیر سطح هورمونهای خاصی در بدن باشد، اما به نظر می رسد که عمدتاً به عوامل روانی بستگی دارد. عوامل مهمتر همانا شرایط اجتماعی و وضعیت و شرایط خاص هر موقعیت می باشند. با این حساب، (حد و حدود) انگیزه های جنسی در افراد مختلف متفاوت است، و در هر فردی هم در زمانهای مختلف یکسان نمی باشد.

عملکرد جنسی (صرف عمل و نه چیز دیگر) نه تنها به عوامل فیزیولوژیکی و روانی، بلکه به گیر آوردن فرصت و موقعیت هم بستگی دارد. لازم به گفتن نیست که مرز حداکثر عملکرد جنسی با توان جنسی فرد محدود می شود.

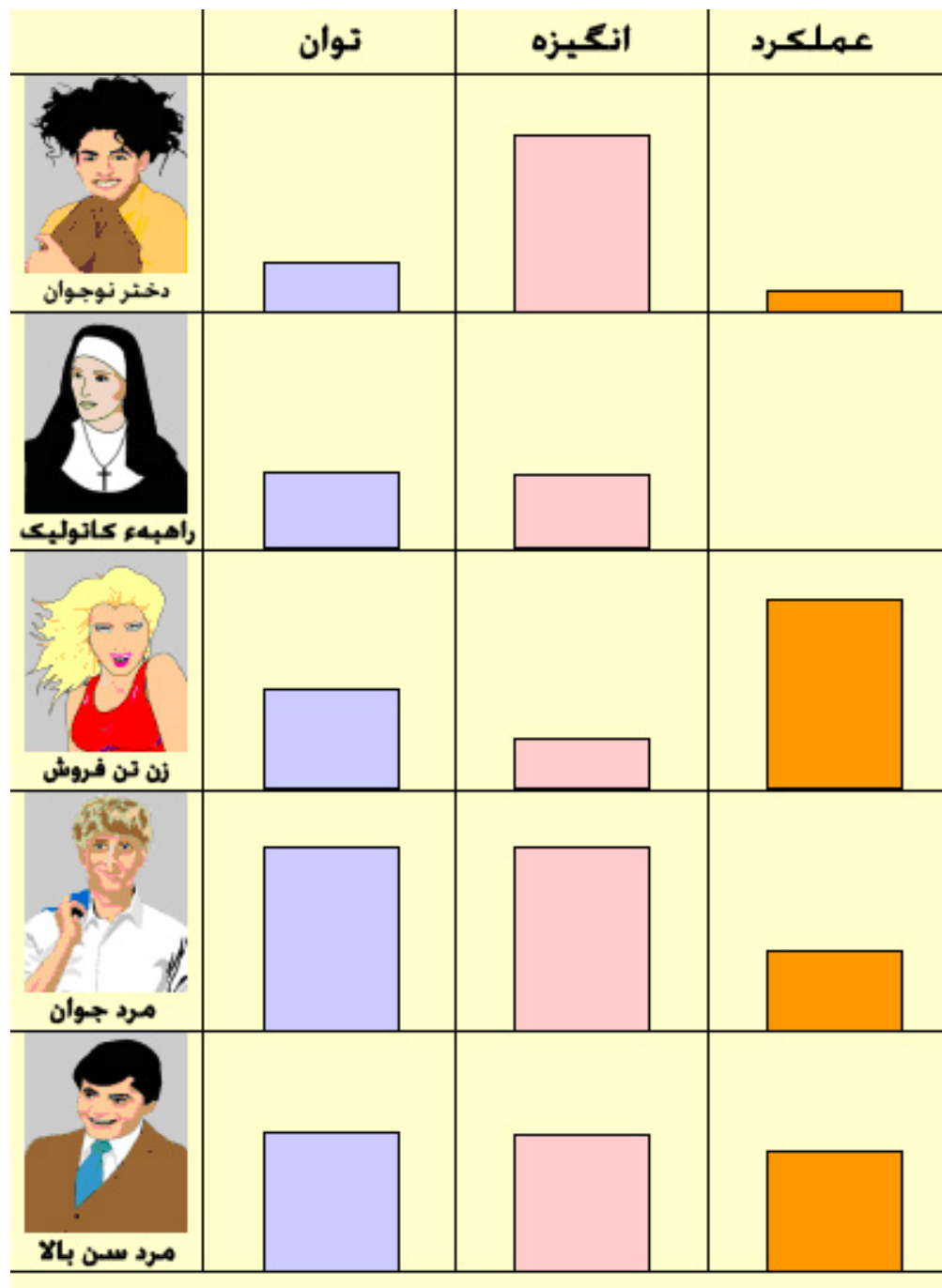
مقدمه- رفتار جنسی چیست؟

عوامل دخیل در رفتارهای جنسی بشر

سه فاکتور نامبرده 2

عقل سلیم به ما می گوید که توان، انگیزه و عملکرد جنسی همیشه بر هم منطبق نیستند، یعنی همه آنها همزمان فراهم نمی شوند. حداقل، در رابطه با سکس، تعداد کسانی که فرصت می یابند هر چه را که می توانند و هر چه را که می خواهند، انجام دهند، محدود است. تازه، پژوهشگران جنسی ثابت کرده اند که مثلاً در افراد مذکر، حداکثر توان جنسی، معمولاً بلافاصله بعد از بلوغ به فرد دست می دهد، درحالیکه بنا به انواع

محدودیت‌های اجتماعی، عوامل روانی بازدارنده درون فرد، و نداشتن فرصت و موقعیت، سطح عملکرد جنسی آنها در سطح خیلی نازلی قرار دارد و سالها بعد، زمانی که موقعیت بهتری برایشان فراهم شود، آنوقت ممکن است فعالیت (عملکرد) جنسی آنها به اوج خود برسد؛ اما در آن زمان، توان جنسیشان دیگر در آن سطح بالایی که قبلاً بوده، نمی‌باشد. مثال دیگری بیاوریم: ثابت شده که سطح توان جنسی زنان خیلی بالاتر از سطح انگیزه جنسی آنها است. و باز مشاهده شده که، در برخی افراد، ممکن است درعین پائین بودن سطح انگیزه جنسی، اما سطح عملکرد جنسی آنها بالا باشد. برای نمونه زمانی که انگیزه بیشتراقتصادی باشد (در حالت زنان روسپی)، یا بیشتر اجتماعی (نمونه زنانی که خسته اند و رغبتی به سکس ندارند اما برای راضی نگه داشتن شوهر، به سکس تن می‌دهند).



انواع ترکیبات فاکتورهای دخیل در رفتارهای جنسی بشر

مقدمه- رفتار جنسی چیست؟

عوامل دخیل در رفتارهای جنسی بشر

سه فاکتور نامبرده 3

با توجه به یافته های تحقیقات مدرن، دیگر صحبت از «کشش/نیروی محرکه جنسی» بشر چندان موثره نمی باشد. چنین رهیافت عجولانه ای، ره به جایی نمی برد. به نظر می رسد که بررسی جنبه های خاص و مشخص فعالیت های جنسی بشر امیدوارکننده تر می باشد. گفتنی است که بسیاری از چنین بررسی هایی پیشاپیش انجام گرفته و به نتایج مفید و گاهی تعجب آوری منتهی شده اند. **کینزی «خرج کل»** (یعنی تعداد دفعات **عملکرد جنسی**) را شماره گیری کرد. ویلیام اچ. ماسترز و ویرجینیا ای. جانسون، در آزمایشگاه خود، نه تنها **عملکرد جنسی**، بلکه **همینطور توان جنسی** را هم اندازه گیری کردند. اینها و بسیاری مطالعات دیگر، در روشن کردن مسائل کمک زیادی کرده اند. در دوران فعلی، دانشمندان تحقیقات جزء به جزئی در عرصه **انگیزه جنسی** به پیش می برند. به هر حال، این کوششها و تلاشهای مشابه، ممکن است ما را به حقیقتی حول رفتارهای جنسی بشر رهنمون کنند که امروزه از نظرها پنهانند. می توان امیدوار بود که در آینده شناخت بهتری از معمای پیچیده رفتارهای جنسی بشر داشته باشیم.

مقدمه- رفتار جنسی چیست؟

تعریف ما 1- «رفتار» یعنی چه؟

قبل از هر چیز، باید گفت که خود مفهوم «رفتار» پیچیده می باشد و نیاز به شکافته شدن دارد. برای مثال بسیاری از نویسندگان بین رفتارهای «پنهان» و «آشکار» تفاوت قائل می شوند. برای نمونه:

1. رفتار «عملی شده» و قابل مشاهده (**آشکار**)
2. واکنشهای صرفاً روانی بدون هیچگونه تظاهر بیرونی قابل مشاهده (**پنهان**).

بنابراین در رابطه با رفتارهای جنسی، می توان بین **اعمال** جنسی انجام گرفته (**آشکار**)، و صرف **احساسات جنسی** (**پنهان**) تفاوت قائل شد و هر دو را می توان با هم تحت عنوان «رفتار» جمع بندی نمود. به هر حال چنین کاربردی نواقص خاص خود را دارد و اشکالات آن به تخصصهای خاصی مربوط می شود. به هر حال، ما در این دوره آموزشی انواع ممکن کاربردی مفهوم «رفتار» را به کار نگرفته ایم. بلکه، به تعریف نسبتاً ساده خودمان از مفهوم رفتار بسنده کرده ایم.

مقدمه- رفتار جنسی چیست؟

تعریف ما 2- تعریف به کار برده شده در این دوره آموزشی

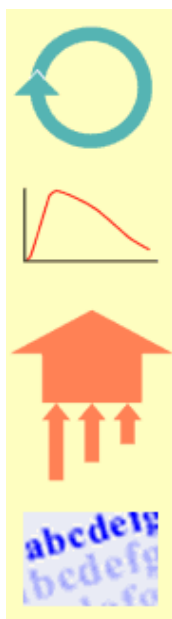
در این دوره آموزشی، اصطلاح «رفتارهای جنسی بشر» در هر دو شکل معنای وسیع و معنای محدود کلمه به کار برده شده است. وقتی که به معنای وسیع کلمه به کار برده شده، آنوقت خیلی ساده، به معنی هر چیزی است که مردم به عنوان موجوداتی جنسی انجام می دهند. این تعریف از جمله، چگونگی رفتار کردن به عنوان مذکر یا مؤنث را هم شامل می شود، یعنی چگونگی ادا کردن نقشهای جنسیتی مردانه یا زنانه خود، چگونگی انتخاب شریک جنسی و همینطور چگونگی رهیافت آنان به شریک جنسی خویش. استفاده اینچنینی از مفهوم رفتار جنسی ممکن است مبهم به نظر آید، اما وسیعاً پذیرفته شده و عموماً آن را می فهمند. لذا، مشکلی جدی ایجاد نمی کند.

اما، همانطور که دیدیم، تعریف مفهوم رفتار جنسی در معنای محدود کلمه، دشوارتر می باشد. بدون شک، رفتارهای جنسی به شکلی به تولید مثل ربط می یابند، یا حداقل، در ابتدا در رابطه با تولید مثل نضج گرفته اند. در عین حال، ما این را هم می دانیم که در حیوانات تکامل یافته تر و بخصوص در نوع بشر، کل قضیه به اینجا ختم نمی شود. بی گمان، فروید و پیروان او بر این پیش فرض هستند که در هر انسانی، یک غریزه جنسی اولیه، با کشش قدرتمندی وجود دارد. خوشبختانه، برای اهداف محدود ما در این دوره آموزشی، رد یا تأیید چنین پیش فرضی ضرورتی ندارد. در عوض، می توانیم خود را به یک دیدگاه بیشتر عملی محدود کنیم. در بخشهای بعدی، مفهوم رفتار جنسی در معنای محدود زیر به کار گرفته شده است:

رفتار جنسی، هر گونه رفتاری است که شامل تحریک و برانگیختگی آلت جنسی شود.

ما در مورد علل، انگیزه ها و اهداف چنین رفتاری هیچگونه پیشداوری نمی کنیم.

رشد رفتارهای جنسی



به منظور درک پیچیدگی رفتارهای جنسی بشر و چگونگی رشد آن از کودکی تا پیری، محققان از مدلها و الگوهای متفاوتی استفاده کرده اند. برای مثال، آنها دوره آن را با یک دایره مقایسه کرده اند، و یا به یک منحنی صعود و سقوط کننده. و بعضیها هم آن را به صورت برآمد اجزاء متعامل چند نیرو با هم، و یا مظهر تنها یک نیروی کامل و جامع، دیده اند. اخیراً، یک نفر آن را به صورت عملکرد یک نسخه، یا نتیجه تعامل چند نسخه با هم، که از طرف جامعه ارائه گردیده و در فرد درونی شده، تعریف کرده است. اینگونه مدلها به عنوان ابزاری روشنگرانه که در درک واقعیتها به ما کمک می کنند، مفیدند، اما این مدلها خود واقعیت نیستند و جای آن را نمی گیرند. مدلها با هدف انجام مقایسه، که ممکن است در توضیح چیزهای غیر قابل فهم کمک کنند، تهیه و به کار برده می شوند. در همین راستا، زمانی که مدلها، دیگر پاسخگوی چنین هدفی نیستند، کنار گذاشته می شوند. به محض آنکه مشخص شد که مدلی مناسب نیست، با مدل دیگری که مناسبتر است و امکان فهم عمیق تری را فراهم می کند، جایگزین می گردد. این مسئله در رشته های علوم تحت نام جایگزینی الگویی (paradigm shift) معروف است. این جایگزینی، همیشه، و اکنون نیز، مشخصه پیشرفت علمی بوده و هست. (1) در این دوره آموزشی، ما طرحی از رشد جنسی بشر ارائه می دهیم. اما آگاهی و اشراف کامل هم داریم که این طرح ممکن است ابدی نباشد. درواقع، در آینده، کاملاً محتمل است که این طرح تغییر داده شود، اصلاح گردد و یا در نتیجه مدلی تازه و متفاوت، با طرح تازه ای جایگزین گردد. آنچه که ما در اینجا می توانیم انجام دهیم این است که توافقات امروزی سکسولوژی را جمعبندی کرده و ارائه دهیم.

(1) For a detailed discussion, see the book by Thomas S. Kuhn (1922 - 1996), The Structure of Scientific Revolutions, 1962

رشد رفتارهای جنسی پیش درآمد

ما، در یکی از بخشهای قبلی، بین سه عامل اساسی در رفتارهای جنسی بشر، قدرت، انگیزه و عملکرد، تمایزاتی قائل شدیم. ما این را هم توضیح دادیم که هر کدام از این سه عامل، کاملاً مجزا با نیروی برابر نیستند، و اینکه تعادل بین آنها و همینطور اهمیت هر کدام در زمانهای مختلف متفاوت می باشد. درحقیقت رفتارهای جنسی بشر، در قدرت، انگیزه، و عملکرد خود، از تولد تا مرگ، دستخوش رشد و توسعه مداوم می باشند. این رشد و توسعه زمانی کند و نه چندان قابل توجه (مثلاً در دوران کودکی)، و در زمانی دیگر، سریع، مهیج (نمونه دوران بلوغ) می باشد. به هر حال، تغییر و تحول حتی در میانسالی و پیری هم، که بعضی از آنها جزئی و تدریجی، و بعضی دیگر چشمگیر و ناگهانی، ادامه می یابند. به دیگر سخن، قدرت، انگیزه و عملکرد جنسی فرد در مراحل مختلف زندگی او، و با سرعتی متفاوت، در حال تغییر و تحول می باشند.

این تغییرات از دو دسته دلائل ناشی می شوند:

1. دلائل بیولوژیکی، طبیعی: ابتدا رشد و سپس انحطاط بدن
2. دلائل روانی: آموختن نسخه های جنسی و سپس ترک آنها

در بخشهای زیر، به این تغییرات و دلائل آنها با جزئیات هر چه بیشتری پرداخته می شود.

رشد و نمو رفتارهای جنسی

پیشگفتار یک چرخه؟



بیشتر اوقات، مسیر زندگی انسان از تولد تا مرگ، به عنوان یک چرخه توصیف شده است. حتی از «چرخه زندگی» انسان از کودکی، سپس عبور از مراحل مختلف رشد و بلوغ و میانسالی و کهولت، و سپس بازگشت به «کودکی دوم» او، صحبت به میان آورده شده است. اما، این حرفها تصنعی اند و خردمندانه نمی باشند. برای مثال، تفسیر کهولت به عنوان کودکی دوم به این باور غلط انجامیده که زنان و مردان کهول همچون کودکان «آسکسوال» هستند و نیاز یا توان جنسی ندارند. به هرحال، برای خود فرد، زندگی چرخه ای نیست، یعنی وقتی که تمام شد، دیگر

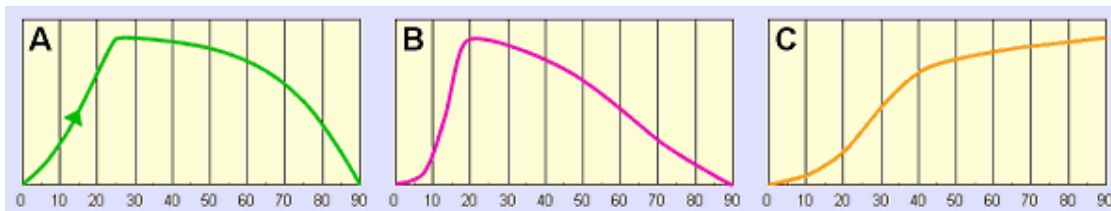
دوباره شروع نمی شود. در مواجهه با این حقیقت ناخوشایند، بعضی از مذاهب، به چرخه زندگی از نوع دیگری، «انتقال روح»، یعنی امکان تولد دوباره در قالب یک فرد دیگر یا در قالب یک حیوان، اعتقاد دارند، اما در بحث علمی فعلی، باید چنین اعتقاداتی را به کنار نهیم. با این همه، شاید بتوان زندگی انواع موجودات، از جمله انسان را به صورت دوره ای توصیف کرد: نسل جدیدی متولد می شود، زندگی می کند و از بین می رود، درست همچون نسلهای قبل از خود و این دور تسلسل همچنان و نسل اندر نسل تکرار می گردد. ولی در هر صورت، این تصویر درکل چیزی ارائه نمی دهد. به هرحال، در جهان مدرن ما، تجارب هر نسلی از تجارب نسل قبل از خود متفاوت است. و نه فقط این، بلکه در سطح فردی هم، تفاوت تجارب بسیار مشخص و برجسته می باشد، و در آخرین تجزیه و تحلیل، تجارب نسلها با هم قابل مقایسه نیستند. کوتاه سخن آنکه: زیبایی و وقار هر زندگی انسانی براساس اصل منحصر به فرد و گذار بودن آن است. زندگی طی شده، دیگر تکرار نمی شود. این حقیقت حتی در مورد هر لحظه گذرای زندگی هم صدق می کند. وقتی لحظات می گذرند، هرگز باز نمی گردند.

رشد و نمو رفتارهای جنسی

پیشگفتار یک منحنی؟

هنگام توضیح رشد و نمو جنسیت بشر، بایستی خود ویژگی و منحصر به فرد بودن زندگی هر فرد انسانی را هم در نظر گرفت. ممکن است از شروع، رشد و تکامل، و بالاخره تحلیل رفتن و افول سخن به میان آورده شود، اما این چرخه نیست. حداکثر، ممکن است شکل انحناء و خمیدگی یک منحنی را تداعی کند، و این فقط به شرطی صدق می کند که قدرت فیزیکی و توان جنسی به عنوان معیار در نظر گرفته شوند. به هرحال، معیارهای دیگر، همچون ظرفیت و توان عشق ورزیدن، تجربه شادی و احساس رضایت و خرسندی، منحنی متفاوتی را ترسیم می کنند؛ یعنی صعود مداوم و قطع ناگهانی با مرگ.

در هر صورت، باید از مقایسه های ساده و سهل الوصول پرهیز نمود. رشد و نمو رفتارهای جنسی که ما در اینجا ارائه می دهیم، نباید به اشتباه، به عنوان، هنجار، نرم، و برای هر کسی الزامی تلقی شود، و طرحی هم نیست که فقط افراد بیمار یا بدسرشت از آن تمرد می کنند. رفتارهای جنسی بشر آنچنان پیچیده و متنوعند که هرگونه طرح، توصیف و توضیحی نمی تواند چیزی فراتر از یک کلی گویی ساده و مبهم باشد. البته در همین حد هم، تا حدودی در درک و فهم یک سری واقعیات در مورد خودمان، به ما کمک می کند.



- A- رشد بیولوژیکی:** این منحنی رشد بیولوژیکی انسان از تولد تا کهنوت و سپس تحلیل رفتن و مرگ را نمایندگی می کند. شماره ها به دهه های زندگی اشاره دارند. در این منحنی، مثل منحنیهای بعدی، عمر درازی، در نظر گرفته شده است.
- B- توان جنسی:** این منحنی، توان جنسی یک مرد متوسط از تولد تا بلوغ، بزرگسالی و کهنوت را نشان می دهد. به نزول پله به پله، بلافاصله بعد از اوج جوانی، دقت شود.
- C- توان و ظرفیت احساس شادی و رضایت خاطر:** این منحنی توان و ظرفیت انسان در عشق ورزی، شادی و خرسندی را نشان می دهد. به صعود مرتب تا آخر عمر دقت شود.

رشد و نمو رفتارهای جنسی پیشگفتار: یک منحنی؟

کدام منحنی؟

همانطور که دیدیم، توان جنسی فرد ممکن است با گذر زمان کاهش یابد، درحالیکه توان او در احساس شادی و خرسندی همچنان افزایش می یابد. این شناخت تازه ای نیست، اما سئوالهای جالبی را برمی انگیزاند که به ندرت مطرح شده اند:

ذات و گوهر واقعی تجربه جنسی بشر چه چیزی می باشد؟ آیا تا ابد به توان و قدرت فیزیکی ما وابسته



عشق به پرواز در می آید.

بنا بر باوری کهن، عشق قادر است زن و مرد را از دنیای مادی خارج و جان آنها را در آسمان به پرواز درآورد. نقاشی دیواری در کوئیکی در غرب چین، سلسله تانگ (قرنهای 7 تا 10 بعد از میلاد). گرفته شده از: موزه سکس چین.

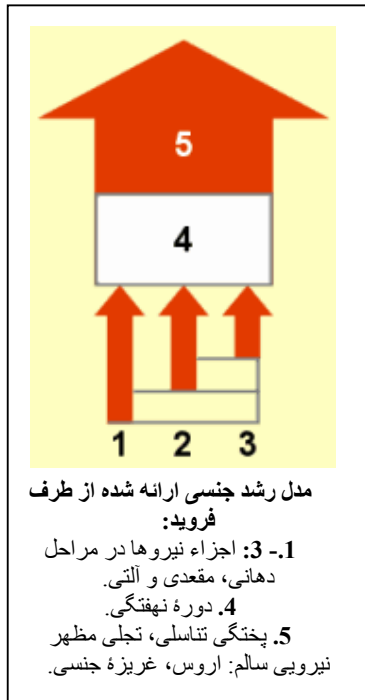
است؟ آیا برای احساس رضایت جنسی، حتماً به نعوذ و ارگاسم نیاز داریم؟ به هر حال، عشق، بله عشق اروتیکی، می تواند در غیاب هرگونه پاسخدهی «جنسی»، همچنان عمیقتر شود. وقتی که عشق یافته شد، دیگر با گذر عمر فرسوده نمی شود. آنوقت بدیهی است که شادی و خرسندی ما، به جوانی و قدرتمان ربطی ندارد. اما شادی چه چیز است؟ چه بسا لذت جنسی چیزی جز مدخلی بر رضایتمندیهای احتمالی دیگر نباشد. آیا آغازی بر رابطه ای هرچه عمیق تر و خصوصی تر، یا، به هم رسیدن جانها است؟ آیا نقطه شروع تحول فردی و سفری معنوی است؟ فرهنگهای زیادی، درست چنین اعتقادی داشتند، و به این دلیل هم، بر جنبه معنوی و متعالی لذت جنسی تأکید می ورزیدند، و این برای آنها، مسیری جهت رسیدن به مرحله بالاتری از هشیاری ذهنی بود. درحقیقت، احساس عمقی تر چه بسا به زنان و مردان کمک کند تا لحظه را دریابند و به گذرا بودن عمر و پذیرش همدیگر به عنوان موجوداتی با عیب و نقصهای خود، و لذت بری از کنار هم بودن، رو آورند. برای بعضیها تقسیم همین درک و آگاهی عمیق، خود سعادت است.

البته، چنین اعتقاداتی خارج از قلمرو علم واقع اند، و درنتیجه از آنها می گذریم. سکسولوگها باید خود را به آنچه که قابل مشاهده و اندازه گیری است، محدود کنند. آنها باید به گفتن اصول، به شکلی که آنها را می یابند، و اینکه تنها «حقیقت کوچکی» از وضعیت جنسی بشر را بازگو می کنند، راضی باشند. آنها می دانند که آن «حقیقت بزرگ» برای همیشه از همه ما پنهان خواهد ماند.

رشد و نمو رفتارهای جنسی

پیشگفتار یک کشش؟

در اوائل قرن بیستم، زیگموند فروید، طرح و مدلی از چگونگی رشد و نمو جنسی معرفی کرد که برای



سالهای سال، در سطح وسیعی نه تنها از سوی روانکاوان پیرو او و اهالی دیگر علوم تخصصی، بلکه حتی به شکلی تصنعی، از طرف عموم نیز، مورد استقبال قرار گرفت. امروزه، تئوریهای فروید مثل سابق طرفدار ندارند. درواقع، بسیاری از سکسولوگها بی سر و صدا آنها را کنار گذاشته اند، و امروزه از مدلهای متفاوتی برای توضیح رفتارهای جنسی بشر استفاده می کنند. با این همه، بنا به دلایل تاریخی، بد نیست یک جمع بندی از نظرات فروید حول جنسیت دوران کودکی، ارائه گردد:

رفتار جنسی بشر بازتاب و مظهر نیرویی قدرتمند می باشد: **اروس**، غریزه زندگی. این مظهر در چندین مرحله رشد می کند:

1- **مرحله دهانی**: نوزاد از راه دهان به دنبال ارضاء و خوشنودی خود می گردد. (مکیدن پستان مادر، به دهان بردن هر چیزی که به دستش برسد).

2- **مرحله مقعدی**: لذتهای تهییج آور کودک حول مقعد او متمرکز می شوند. (دفع و نگهداری مدفوع و همینطور تمرین توالت رفتن).

3- **دوره آلتی**: کودک به آلت جنسی علاقه مند می شود و از آن لذت می برد. در خلال همین مرحله، تعارض شروع می شود، یعنی عشق به والد همجنس خود، و نفرت از تعلق او به جنس مخالف. (به اصطلاح **عقده اویدیپوس** در پسران، و **عقده الکترا** در دختران). به محض آنکه این تعارض به این یا آن سمت حل شود، کودک وارد مرحله چهارم می گردد؛

4- **دوره نهفتگی**: که در خلال آن تمام خواهشهای جنسی نهان و خفته می شوند. ولی در دوره بلوغ با قدرت هر چه بیشتری بیدار می گردند و این زمانی است که نوجوان وارد پنجمین مرحله می شود؛

5- **مرحله تناسلی**: در این مرحله اجزاء نیروها (دهانی، مقعدی، و آلتی)

در هم آمیخته شده و به تعادل مناسب بین خود می رسند. ادغام موفقیت آمیز این سه نیرو در هم، به «پختگی تناسلی»، یعنی توانایی ورود به رابطه دگرجنسگرایانه رضایتمند، منجر می گردد. درعوض، اگر در یکی از مرحله ها (ی قبیلی) چیزی دچار اشکال شده باشد، فرد به پختگی آلتی نمی رسد و تجلی و بازتاب جنسی او هم به انواع ممکن دچار نقصان می گردد.

این جمع بندی، البته، کمی تصنعی است. تئوریهای فروید در مراحل مختلف و در طی سالهای طولانی رشد کردند و پیچیده تر از آنند که بتوان آنها را در اینجا توضیح داد. به هر حال، همانطور که قبلاً گفته شد، محققان جنسی امروزه به آنها توجهی نمی کنند. آنها همینطور به نیرو / کشش جنسی هم باور ندارند؛ بلکه در عوض ترجیح می دهند که رفتارهای جنسی بشر را به عنوان پیش نویس (نسخه)، توضیح دهند.

رشد و نمو رفتارهای جنسی

پیشگفتار یک نسخه آماده ؟

در اوائل دهه هفتاد میلادی، دو جامعه شناس آمریکایی شاغل در انستیتوی کینزی، مدل جدیدی را برای توضیح رشد و شکل گیری رفتارهای جنسی بشر پیشنهاد دادند. **جان گاکون و ویلیام سایمون (John Gagnon and William Simon)** رفتارهای جنسی را به عنوان «رفتارهای پیش نویسی شده / نسخه ای» توضیح دادند. ("**Scripted behavior**") یعنی، به عنوان رفتارهایی که مطابق نسخه - یا مجموعه ای از نسخه های عجین شده- که جامعه ارائه داده و فرد آنها را در خود درونی کرده، عمل می کنند. یک نسخه (پیش نویس) اجتماعی را می توان با یک فیلمنامه مقایسه کرد که به هنرپیشه ها اینکه چه باید بگویند و چگونه عمل کنند، و در صحنه های مختلف چطور بازی کنند، را ارائه می دهد؛ نقش آنها را تعیین می کند، به آنها می گوید که چگونه لباسی بپوشند، چگونه حرکت کنند و چطور با کاراکترهای دیگر معامله کنند. درکل، پیش نویس برای آنها و تماشاگران روشن می کند که کل نمایش و موضوع آن درباره چیست. نسخه ها و پیش نویسهای اجتماعی در همه عرصه های زندگی وجود دارند؛ هرچند که بعضی از آنها هرگز بیان نمی گردند. قوانین نوشته و نانوشته، چگونگی رفتار کردن در هر شرایطی را پیش پای ما می نهند؛ در مدرسه، محل

کار، در جشن، در ملاقات با یک غریبه، در مهمانی، صحبت تلفنی، رانندگی، چک کردن در فرودگاه؛ و خلاصه اینکه هر تعاملی در جامعه، یک نوع نسخه رفتاری را دنبال می کند، و به این دلیل، همه رفتارهای انسانی را می توان به عنوان رفتارهای نسخه ای (پیش نویسی شده) در نظر گرفت. رفتارهای جنسی هم از این قاعده مستثنی نیستند. درحقیقت، از لحظه ای که ما آنها را به عنوان نسخه های پیش نویسی شده در نظر می گیریم، تصویر کاملاً تازه ای از آنها در ذهنمان شکل می گیرد.



ویلیام سایمون (1930-2000) و جان گانگتون (م.1933)

این دوره آموزشی تنها شمه ای از تئوری آنها را معرفی می کند. برای اطلاع بیشتر به سند اصلی مطالعات آنها مراجعه شود:
J. Ganan, W. Simon, "Sexual Conduct: The Social Sources of Human Sexuality", Chicago. 1973

©Kinsey Ijnsstitute

رشد و نمو رفتارهای جنسی

پیشگفتار: یک نسخه آماده ؟

اساس بیولوژیکی



بایستی بر این نکته تأکید شود که همه رفتارهای جنسی از یک اساس و بنیان بیولوژیکی برخوردارند، و نسخه ها (پیش نویسی) فقط قادرند به خمیرمایه های درونی و مادرزادی شکل دهند.

یک مقایسه ساده موضوع را روشن می کند: هر کودکی با توان تکلم زاده می شود. اما، اینکه کودک چه زبانی یاد می گیرد، به محیط اجتماعی او بستگی دارد. او در انگلستان، انگلیسی، و در فرانسه، فرانسوی می آموزد. تنها این نیست؛ کودک والدینی سخندان، با مهر و عاطفه، که مرتب با او حرف زده می شود، نسبت به کودکی که نسبت به او بی توجهی شده، از مهارت زبانی بهتری برخوردار خواهد شد. و آخر اینکه، بعضی از کودکان از استعداد خاصی در زبان برخوردارند و این دسته از کودکان در مقایسه با کودکان دیگر، از شنیده های خود بهره بهتری می برند. کوتاه سخن اینکه، خمیرمایه درونی قدرت تکلم، در مسیرهای مختلفی رشد می کند، و حتی ممکن است در محیطی که به تلاش کودک جهت به کارگیری تکلمی بهتر، وقعی نمی نهد، زبانی خنثی و شلخته از آب درآید.

همین مسئله در مورد پتانسیل جنسی فرد هم صدق می کند. یعنی این پتانسیل در امتداد خطوط پیشنهادی محیط اجتماعی رشد می کند. کودکان از والدین و بستگان دور و بر خود می آموزند که کدام نقشهای جنسیتی مناسب آنها است، چه رفتارهایی «جنسی» قلمداد می شوند، کدام رفتارها مجازند و کدامها ممنوع. کودکان بزرگتر و نوجوانان، از حلقه اطرافیانی که مرتباً گسترش می یابد و از دوستان خود، می آموزند که چه موقع و چگونه به شرکای جنسی بالقوه خود نزدیک شوند، چه چیزی با آنها انجام دهند و به کدام ترتیب. آنها این را هم یاد می گیرند که برای یک رابطه لذتبخش متقابل جنسی چگونه مذاکره کنند، و چطور «خود را از خطرات به دور نگه دارند.» ولی به هر حال، توان و ظرفیت بالقوه جنسی آنها ممکن است تحت تأثیر تجارب و آموزشهای منفی، مختل و بازدارنده شده باشد. کوتاه سخن اینکه، افراد در مسیر رشد خود می آموزند که چگونه رفتارهای جنسی خود را بر اساس نسخه ها و پیش نویسهایی که محیط

اجتماعی در برابر آنها قرار می دهد، شکل دهند. آنها تلاش می کنند این کار را به شکلی انجام دهند که هم اسباب خرسندی خودشان را فراهم آورد، و هم مورد پذیرش جامعه واقع شود. اکثر مردم در این کار موفق می شوند اما نه همه.

رشد و نمو رفتارهای جنسی

پیشگفتار: یک نسخه؟

یک فرآیند تعاملی

پذیرش و در پیش گرفتن یک نسخه (پیش نویس) جنسی، یک فرایند تعاملی است، که طی آن فرد و جامعه حول یک نتیجه مورد پذیرش هر دو طرف مذاکره و به توافق می رسند. چنین امری همیشه به سازشها و توافقاتی نیاز دارد. برای مثال:

محیط اجتماعی نسخه ای را برای نقش جنسیتی ارائه می دهد، و فرد آن را به طور کامل، یا تنها بخشهایی از آن را می پذیرد، یا با توجه به نیازهای ویژه شخصی، تعدیلهایی در آن وارد می کند. این امر واکنش جامعه را برمی انگیزاند، که به شکل تأیید، در قالب ستایش و حمایت، یا به شکل مخالفت و سرزنش می باشد. واکنش جامعه، به نوبه خود ممکن است تمایل فرد به پذیرش یا نفی نسخه (پیش نویس) را تضعیف یا تقویت کند، که این باز به نوبه خود به واکنش اجتماعی می انجامد و الی آخر.

همین مسئله در مورد نسخه های اجتماعی حول رفتارهای اروتیکی و تولید مثلی هم صدق می کند. پذیرش و درونی کردن، یا رد و نفی این نسخه ها و پیش نویسه ها ممکن است روندی طولانی، با مشقت و پر و پیچ و خم باشد، و تا حدود زیادی به سرسختی یا منعطف بودن خود نسخه ها و به روشی که به فرد ارائه می شوند، بستگی دارد. بعضی از افراد به راحتی خود را با انتظارات اجتماعی تطبیق می دهند، اما بعضی دیگر آنها را نفی می کنند و یا حتی در مقابل آنها سر به شورش می گذارند. این، به نوبه خود می تواند به واکنش اجتماعی بسیار متفاوتی بیانجامد- از سرکوب گسترده و آشکار تا تحمل و پذیرش از روی اکراه و ناچاری- و فرد هم ممکن است واکنشی درخور انجام بدهد یا ندهد. بسته به موضوع، حل این تضاد ممکن است بسیار طولانی باشد.



تعامل متقابل فرد و محیط اجتماعی

نمودار ساده شده فوق، مکانیسم ساده فیدبک را نمایش می دهد. فرد (نمای سرخ رنگ کوچک)، انواع نسخه ها از منابع مختلف (بخشهایی الفبایی در پایه پیکانه های خاکستری بزرگ) را پیش روی خود می بیند. اما، واکنش فرد (پیکانه های قرمز رنگ) بخشهایی از نسخه (پیشنهادی) را تغییر می دهد (حروف سیاه رنگ نسخه را به رنگ قرمز در می آورد). نسخه تعدیل شده نهایی که پذیرفته می شود از همین کنش و واکنش و فعل و انفعال متقابل منتج می گردد.

وقتی به یاد آوریم که در دوران مدرن فعلی، فرد نه تنها با یک یا دو نسخه، بلکه با انواع نسخه های جنسی رقابتی مواجه می باشد، آنوقت موضوع نسخه های اجتماعی باز هم پیچیده تر، و سردرگمی بیشتر می شود.

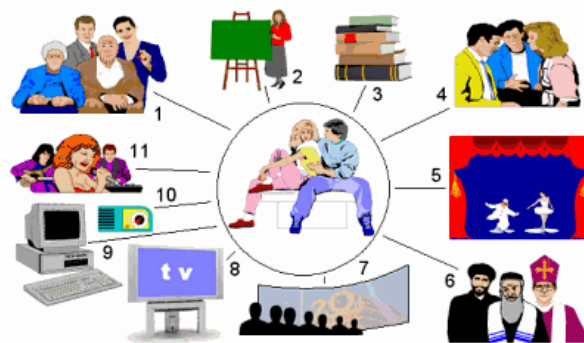
رشد و نمو رفتارهای جنسی

پیشگفتار: یک نسخه؟

نسخه های رقابتی

همانطور که همه ما بر اساس تجارب خود می دانیم، حتی از همان اواخر دروان کودکی، و بخصوص بعد از شروع بلوغ، تنها با یک نسخه جنسی مواجه نمی شویم، بلکه با انواع مختلف نسخه ها، که اغلب رقیب همدیگر، و گاهی حتی نسخه هایی انحصاری، مواجه می شویم. مسئله شاید در جوامع راكد ما قیل صنعتی، که استانداردهای جنسی ثابت همراه با مرزهای مشخص داشته اند، متفاوت بوده باشد، اما، جهان مدرن فعلی، همراه با انواع ارزشهای نامتجانس با ما مواجه می شود. مثلاً بزرگسالان مختلفی ممکن است معنی و مفاهیم متفاوتی از زنانگی و مردانگی به ما معرفی کنند. یا ممکن است والدین ما نخواهند که ما مقاربت جنسی داشته باشیم، درحالیکه دوستانمان انجام آن را به ما پیشنهاد می دهند. معلمانمان ممکن است در رابطه با اقدام به فعالیتهای جنسی خاصی به ما اخطار دهند، درحالیکه وسایل ارتباط جمعی همان فعالیتهای جنسی را پسندیده و مطلوب جلوه دهند. رهبران مذهبی ممکن است ما را به خاطر استفاده از کاندوم محکوم کنند، درحالیکه مسئولان بهداشت استفاده از کاندوم را توصیه کنند و غیره.

در مواجهه با این همه نسخه های متناقض و متضاد، درنهایت ما انتخاب خود را می کنیم و نسخه ای را بر می گزینیم که با کاراکتر و شخصیت خودمان همخوانی داشته باشد. ما می توانیم این امر را با درهم آمیزی عناصر انتخابی نسخه های مختلف، در یک نسخه تازه و با معیارهای رفتاری فردی، متحقق نماییم. به هر حال، این کار همیشه آسان نیست. چون در آخرین تجزیه و تحلیل، نسخه شخصی ما، باید اجازه «داد و ستد» جنسی با دیگرانی که چه بسا نسخه های شخصی خاص خود را دارند، فراهم آورد. ضمناً باید محدودیتهای و مرزهای تعیین شده توسط جامعه را هم در نظر بگیریم. گاهی اوقات، یافتن تعادل مناسبی بین نسخه های جنسی رقابت آمیز در فرهنگمان، کار مشکلی است. به همین دلیل، دوره جوانی، دوران آزمون و خطا می باشد.



بعضی از منابع نسخه های جنسی

برخی از نسخه های جنسی ارائه شده به جوانان در فرهنگ ما، متضاد هم و گاهی انحصاری می باشند. در این تصویر فقط چند منبع برای نمونه آورده شده اند.

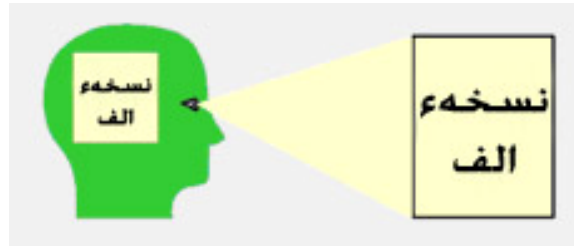
1. خانواده 2. مدرسه 3. کتابها 4. دوستان 5. تئاتر 6. رهبران مذهبی 7. فیلمها 8. تلویزیون 9. اینترنت 10. رادیو 11. موسیقی عامه پسند.

رشد و نمو رفتارهای جنسی

پیشگفتار: یک نسخه؟

سه بعد نسخه ها و پیش نویسیها

- ما می توانیم سه جنبه مختلف نسخه گزینی جنسی را از هم متمایز کنیم:
1. روند درون روانی که فرد در طی آن، یک نسخه یا معجونی از نسخه ها را بر می گزیند. این موضوعی است که به جنبه روانی فرد مربوط می شود.



2. فرایند مراوده ای که در آن دو یا چند نفر، نسخه های متفاوت خود را، در یک آمیزش جنسی با هم، آشتی می دهند و تلفیق می کنند.



3. فرایند فرهنگی که در طی آن، فرهنگی خاص، برداشت عام خود از این که چه رفتاری «جنسی» است و کدام رفتار جنسی خوب و کدام بد است را تعریف می کند و به آن پایبند می ماند. این فرایند، هنجارها و ارزشهای بنیادی آن جامعه را بازتاب می دهد، و تا حدود زیادی محتوای دو جنبه دیگر (درون روانی و مراوده ای) را تعیین می کند.

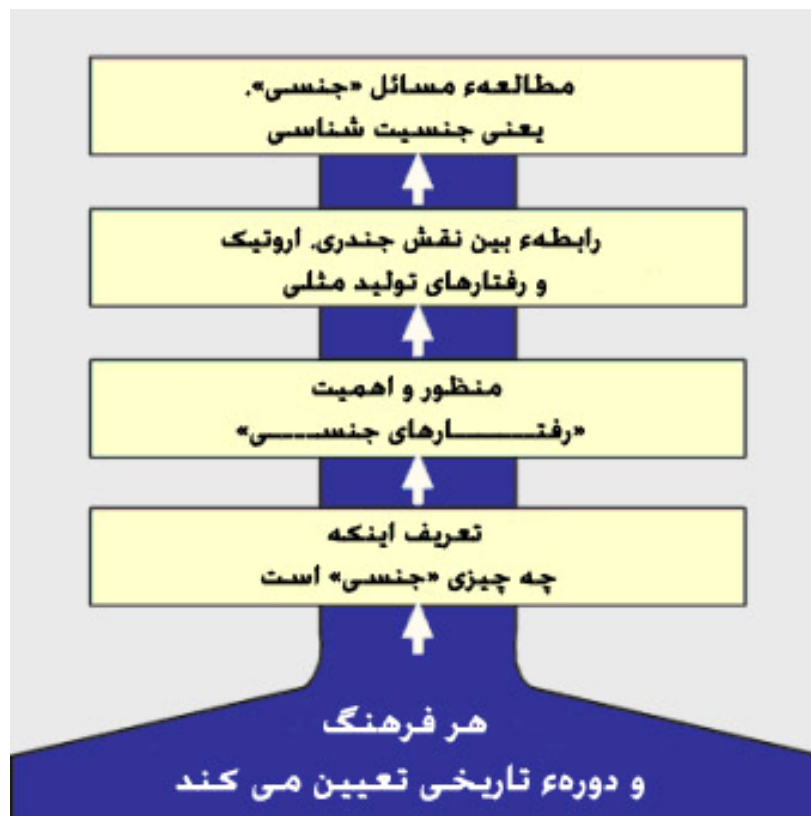


رشد و نمو رفتارهای جنسی

پیشگفتار: یک نسخه؟

بعد فرهنگی نسخه های جنسی

ابعاد روان درونی و مراوده ای بایستی در چارچوب بعد وسیع تر فرهنگی، که یک تعریف عموماً پذیرفته شده از اینکه چه چیزی «جنسی» است و چه چیزی نیست، ارائه می دهد، دیده شوند. بر این اساس، نسخه فرهنگی سپس اهمیت رفتار «جنسی» را هم توضیح می دهد، یعنی هم معنی و منظور، و هم ضرورت و اهمیت آن را. مهمتر از هر چیز آنکه نسخه فرهنگی تعیین می کند که آیا رفتارهای جنسیتی، رفتارهای اروتیکی و رفتارهای تولید مثلی باید به هم ربط داده شوند یا نه، و اگر جواب آری است، تا چه اندازه. دربرخی فرهنگها رابطه های بین این رفتارها، مثل، و در بعضی دیگر سفت و محکم اند. برای مثال، بعضی فرهنگها تأکید دارند که نقشهای جنسیتی (دوجنس) باید در مقابل همدیگر تعریف شوند (زن یک نوع رفتار و حرکات دارد و مرد رفتار و حرکاتی دیگر)، و اینکه رفتارهای اروتیکی باید در چارچوب مقاربت جنسی بین زن و مرد محدود شود، و این رابطه اروتیکی همیشه باید در خدمت هدف تولید مثل باشد. فرهنگهای دیگر اما سخت گیری کمتری دارند. این فرهنگها به رفتارهای اروتیکی و رفتارهای تولید مثلی به عنوان دو موضوع جداگانه می نگرند و به همین دلیل روابط بین دو همجنس را هم مجاز می دانند.



مسئله اینها بدین معنا است که مطالعات مربوط به سکس و جنسیت یعنی جنسیت شناسی (سکسولوژی)، هم در فرم و هم در محتوا، توسط فرهنگی که این مطالعات در آن صورت می گیرد، شکل داده می شود. درحقیقت، خود «سکس» یک ساختار فرهنگی است؛ و یک چیز واقعی و قطعی نیست بلکه یک مفهوم روشنفکری است که مسائل فرهنگی خاصی را منعکس می کند؛ بازنمایی از دانشمندی با چارچوب ذهنیتی خاص که از زاویه خاصی بدان می نگرند. به همین خاطر، مطالعه «جنسیت»، قبل از هر چیزی به معنای مطالعه ایدئولوژی جنسی جامعه ای خاص در دوره زمانی معینی، می باشد.

رشد و نمو رفتارهای جنسی

پیشگفتار: یک نسخه؟

تغییر نسخه های فرهنگی 1

نسخه های فرهنگی تعیین می کنند که چه چیزی «جنسی» است؛ و کدام بخش آن خوب و کدام بخش آن بد است. این بدین معنا است که نسخه های فرهنگی «نرمالهای» جنسی را هم مشخص می کنند؛ یعنی شاخصهای مناسب نقشهای جنسیتی، رفتارهای اروتیکی و تولید مثلی را تعیین می کنند. ولی به هرحال، این معانی و مفاهیم، از فرهنگی به فرهنگی و از دوره ای تاریخی به دوره تاریخی دیگری، با هم متفاوتند. بنابراین، نرمالهای جنسی ممکن است در جامعه ای خیلی بسته و محدود تعریف شوند، در جامعه ای دیگر کمی بازتر، و باز در جامعه دیگری خیلی بازتر و گسترده تر.



طیف رفتارهای جنسی بشر و نرمالهای متغیر آن 1

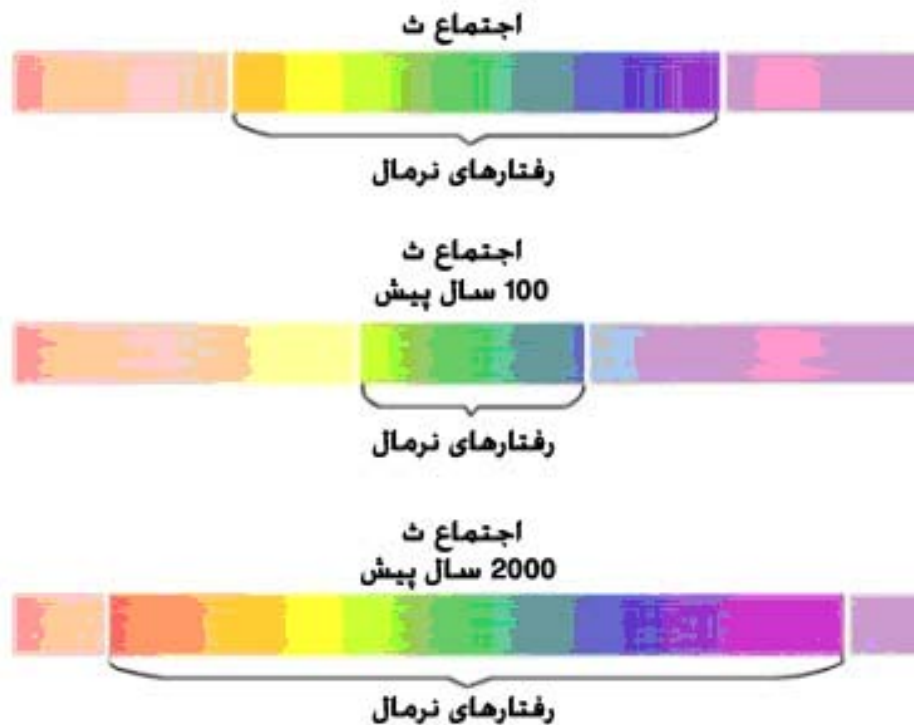
جوامع مختلف (الف، ب، ث) ممکن است مرزهای محدود و یا گسترده تری از این طیف را بپذیرند.

رشد و نمو رفتارهای جنسی

پیشگفتار: یک نسخه؟

تغییر نسخه های فرهنگی 2

شاخصهای نرمال جنسی ممکن است در ادوار مختلف یک فرهنگ واحد متفاوت باشند. بنابراین، جامعه ای ممکن است امروزه گستره وسیع تری از رفتارهای جنسی را به عنوان رفتارهای نرمال پذیرفته باشد، ولی یک بررسی تاریخی ممکن است نشان دهد که صد سال پیش این گستره «نرمالها» خیلی بسته و محدود بوده است. اگر باز هم عقبتر، مثلاً به 2000 سال پیش برگردیم، ممکن است کشف کنیم که گستره نرمالهای جنسی آن دوره خیلی وسیع تر از گستره امروزی بوده است. تصویر زیر شمایی کلی از وضعیت اروپای غربی را نشان می دهد.



طیف رفتارهای جنسی بشر و نرمالهای متغیر آن 2
حتی خود یک جامعه (ث) ممکن است در دوران مختلف بخش محدود و یا گسترده تری از طیف رفتارهای جنسی را بپذیرد.

رشد و نمو رفتارهای جنسی مراحل رشد

همانطور که قبلاً توضیح داده شد، اولین نسخه جنسی که موجود انسان جذب می کند، نسخه ای است که نقش جنسیتی «مناسب» او را تعریف می کند. از لحظه تولد، به دختران و پسران نامهای مختص جنسیتی داده می شود. به آنها لباسهای متفاوت پوشانده شده و با آنها به اشکال متفاوتی رفتار می شود. همراه با عبور از دوره نوزادی و ورود به مرحله کودکی، اسباب بازیهای متفاوتی به آنها می دهند، و به آنها می آموزند که «یک دختر واقعی» و «یک پسر واقعی» چگونه رفتار می کنند. به محض رسیدن به بلوغ، نقشهای پیشنهادی نسخه های جنسیتی تا حدود زیادی در آنها درونی شده و همین توقعات و رفتارهای اروتیکی آنان را شکل می دهد. همینطور، لازم به گفتن نیست که، درونی کردن این دو نسخه جنسی (ابتدا جنسیتی و سپس اروتیکی)، قبل از روند احتمالی تولید مثلی آنها اتفاق می افتد.

در نتیجه، گشتن به دنبال «تفاوتهای طبیعی» در رفتارهای «جنسی» زن و مرد، کار خطایی است. در آخرین تجزیه و تحلیل، هر دو رفتارهای جنسیتی (جندری) و اروتیکی، نسخه ای و پیش نویس اند. علاوه بر آن، رفتارهای جنسیتی قبل از رفتارهای اروتیکی آموخته می شوند، و به این خاطر از همان ابتدا به آنها رنگ می دهند. (رفتارهای اروتیکی از همان ابتدا از رفتارهای جنسیتی رنگ می گیرند و تأثیر می پذیرند. م. نسخه احتمالی تولید مثلی که در ادامه می آید، بر اساس دو نسخه قبلی شکل داده می شود. به طور خلاصه، در امری که به مقدار بسیار زیادی نتیجه آموخته های اجتماعی است، شایسته نیست که به دنبال «طبیعت» بگردیم. در هر حال، تا آنجا که به رفتارهای جنسی بشر مربوط می شود، یافتن زیربنای بیولوژیکی در زیر روبناهای فرهنگی آن، کار فوق العاده مشکلی است.

با این وجود، می دانیم که جنبه فیزیکی سکس، یعنی ظرفیت و توان، انگیزه و عملکرد جنسی فرد در تمام طول زندگی در معرض تغییرات مداوم قرار دارد. همینطور، پذیرش و درونی کردن نسخه های جنسی کم و بیش در بزرگسالی تکمیل می شود، ولی اشکال بروز آنها در قالب رفتارهای جنسی ثابت نیست و در خلال

زمان دچار تغییر می شود. در بخشهای بعدی، توضیحات مختصری حول این تغییرات در خلال مراحل مختلف زندگی، از نوزادی تا کهنولت، آورده می شود.



رشد و نمو رفتارهای جنسی مراحل رشد نوزادی



تصاویر سونوگرافی، جنبه‌های مذکر در حال نموذ را نشان داده اند، و حتی در نوزادان مونث مهبل خیس یافته شده است. با اصطلاحات به کار برده شده توسط ماسترز و جانسون، این پدیده ها را می توان «پاسخدهی جنسی» نامید، اما این کاربرد در مورد نوزادان شاید چندان مفید نباشد. چون می دانیم که واکنشهای فیزیکی و روانی مرتبط با تحریک «جنسی» دیرتر از این زمان ظاهر می شوند. برای نوزادان و کودکان خردسال، بسیاری از تجارب خوش و لذت آور کماکان مبهم اند. درحقیقت، صحبت از «حیات جنسی کودک»، که بعضی از سکسولوگها پیش کشیده اند، شاید چندان عاقلانه نباشد. **جنسیت کودکی شاید بیشتر یک بدعت مدرن باشد تا یک کشف تازه.** با نگاه به آن به عنوان یک ساختار فرهنگی، یعنی تفسیری تازه از حقایق قدیمی بیولوژیکی، بهتر درک می شود. در دوران گذشته به شکل دیگری به مسائل نگاه می شد، مثلاً ما می دانیم، در جوامع پیش الفبایی، و در سده های میانه اروپا، والدین، پدر و مادر بزرگها و پرستاران، برای آرام کردن کودکان خردسال، به استمناء آنها می پرداختند. آیا ما این را بایستی «سوء استفاده جنسی از کودک» برداشت کنیم؟ اجداد ما چنین برداشتی را درک نمی کردند. درواقع، حتی وقتی که خود کودکان دست به استمناء می زدند، خانواده شان، با این مسئله به عنوان یک امر «طبیعی» که کودک جهت خلاص کردن خود از یک ناراحتی مثل خارش یا گرفتن بینی خود انجام می دهد، برخورد می کردند. کودکان شاید شور و هیجان لذت بخشی احساس می کرده یا به ارگاسم می رسیده اند، اما، موضوع به عنوان یک تجربه «جنسی» تلقی نمی شده است. با شروع سپیده دمی عصر مدرن، موضوع «جنسی» گردید؛ یعنی از زمانی که خود دوران کودکی به عنوان مرحله ای خاص و محافظت شده از مراحل رشد انسان، درنظر گرفته شد. و این، به نوبه خود، توجهات تازه ای را بر ما مکتشف می سازد: فرد بالغی که علاقه اروتیکی به کودکان داشته باشد، نیاز این کودکان به محبت را به غلط به عنوان نیاز «جنسی» تلقی می کند. کودکان وقتی به منظور اروتیکی فرد بالغ پی می برند، چه بسا متعجب و شوکه شوند. خلاصه اینکه، مفهوم جنسیت کودکی (childhood sexuality) بنا به دلائلی مشکل ساز است. کاربرد بی رویه آن، به تصورات غلط می انجامد و به این دلیل بهتر است که چشم بسته پذیرفته نشود. در رابطه با نوزادان و کودکان، کلمه «جنسی» همیشه باید با احتیاط به کار برده شود.

رشد و نمو رفتارهای جنسی مرحله رشد: نوزادی رفتارهای جنسیتی

اصطلاح «رفتار جنسی» را قطعاً در رابطه با رفتارهای جنسیتی، یعنی رفتارهایی که نمایانگر کاراکتر فمنین یا ماسکولین هستند، می توان به نوزادان هم تعمیم داد. هنگام تولد، هر کودکی به عنوان پسر یا دختر شناخته می شود و این پیامدهای دراز مدتی به همراه می آورد. اسم اول نوزاد و لباسی که بر تن او پوشانده

می شود، رفتار جنسیتی او را تثبیت می کند. این رفتار جنسیتی، از طریق واکنشهایی که بزرگترها از خود بروز می دهند، تأیید، تثبیت و پالایش می گردد. (فرهنگهای مختلف اسامی و رنگهای مختص جنسیتها متفاوت را به کار می برند که چه بسا در طول زمان تغییر کنند.) در سالهای نخست زندگی، تفاوت جنسیتی پیشنهادی و مورد توقع ممکن است چندان دقیق و برجسته نباشد، ولی حضور دارد و با رشد کودک هر چه نمایان تر می شود. (در رابطه با استثناهای مربوط به تعیین جنس نوزاد هنگام تولد، به بخش انترسکسوالیتی مراجعه شود.) (بد نیست به شماره چهار فصلنامه جنسیت و جامعه، که یک دوره آموزش آناتومی و فیزیولوژیکی جنسیت انسان است، هم مراجعه شود.)



نوزاد دختر

نوزاد پسر

رشد و نمو رفتارهای جنسی مرحله رشد: نوزادی «پاسخدهی جنسی»

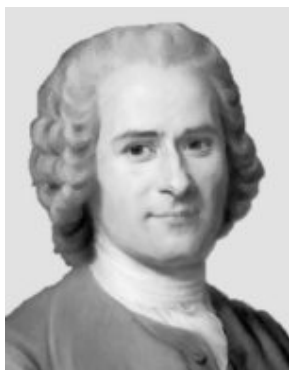
نوزادان در مدت زمان کوتاهی، تغییرات جسمی و روانی چشمگیری را از سر می گذرانند. آنها ممکن است خیلی زود از توانایی «پاسخدهی جنسی» ساده و اولیه برخوردار شوند، و برخی حتی شاید ارگاسم را هم تجربه کنند. آنها تا دو سالگی یاد می گیرند که از دستهای خود برای شناخت دنیای پیرامون و بدن خویش استفاده کنند. و در عرض چند ماه بعدی انتظار می رود که فعالیت مثانه و روده (ادرار و مدفوع) خود را در کنترل داشته باشند. این به نوبه خود، به آنها کمک می کند که نوعی حس استقلال را در خود پرورش دهند، و – اگر در کارشان دخالت نشود – ممکن است شروع به تحریک آگاهانه آلت جنسیشان کنند. این بدان معنا نیست که این احساس و تجربه آنها با تجارب اروتیکی بزرگسالان قابل مقایسه می باشد، اما ترجمان این است که توان بیولوژیکی آن را می توان در مراحل اولیه زندگی کشف کرد. در دوره نوزادی و خردسالی، انواع تجارب لذتبخش جسمی، مشخص و دسته بندی نشده اند. کودکان فقط به مرور یاد می گیرند که کدام احساس «جنسی» هست و کدام نیست. آنها این را از طریق نسخه عمومی فرهنگی که توسط والدین، بستگان و دیگر بزرگسالان به آنها منتقل می شود، یاد می گیرند.



رشد و نمو رفتارهای جنسی

مرحله رشد کودکی

قبل از ورود به جزئیات مربوط به رشد جنسی در دوران کودکی، شاید یادآوری پیشینه تاریخی آن مفید واقع شود: در دوران باستان و قرون وسطی، به کودکان به چشم «خرده بزرگسالانی» که در حد توان خود، در همه فعالیت‌های روزانه شرکت داشتند، نگریسته می‌شد. در قرنهای هیجده و نوزده میلادی بود که طبقات متوسط اروپایی و آمریکایی، کم‌کم به دوران کودکی به عنوان مرحله ای خاص و «معصوم» از مراحل زندگی که نیازها و قوانین خاص خود را دارد، پی بردند. درحقیقت، به مرور زمان، حتی نوجوانی (adolescence) هم به عنوان مرحله ای خاص و «محافظت شده» درآمد. در نتیجه مدت زمان وابستگی، فاصله بین کودکی تا بزرگسالی، که در خلال آن جوانان باید از فعالیت جنسی برحذر باشند، هر چه طولانی‌تر شد.



ژان-ژاک روسو (1712-1778)
اهل ژنو، به عنوان نویسنده و
آهنگساز در فرانسه و انگلستان
زندگی کرد. او از «بی گناهی»
جنسی کودکان پشتیبانی، و ادعا کرد
که نوجوانان را باید از کنجکاو
جنسی خودشان محافظت نمود.

کتاب اولیه ای در این موضوع، **توسط ژان-ژاک روسو**، یکی از مهمترین نویسندگان دوران روشنگری، نوشته شد. او در «امیل یا تربیت» (Emile or On Education 1762) اعلام می‌دارد که کودکان «کاملاً بی گناه» زاده می‌شوند و ناگاهی جنسیشان بایستی به صلاح خود آنها به کار گرفته شود. بعد از بلوغ، دانش جنسی بایستی فقط در رابطه با سئوالات مستقیم ارائه شود، اما حتی در آن صورت هم، می‌بایست با پاسخی که داده می‌شود، حال نوجوان را به هم زد تا کنجکاو او تحریک نشود. حتی شاید بهتر آن باشد که آموزش دهنده، روی جنبه رابطه آلت‌های جنسی با متعویترین مدفوعاتشان، تأکید کند. در عین حال، می‌بایست مواظب هم بود که میادا با صراحت زبانی، شهوتی را نابهنگام تحریک نمود. تنها یک اشاره بی جا می‌تواند زندگی نوجوان را تباه کند. تا آنجا که ممکن است، می‌بایست بی گناهی «طبیعی» نوجوان را از معرض تأثیرات مخرب اجتماع بزرگسالان محافظت نمود. ایده های روسو بر نسل‌هایی از مربیان آموزشی تأثیر بسیار عمیقی بر جای نهاد، و آنها هم، به نوبه خود به فضای خفقان جنسی قرن نوزدهم یاری رسانند.

رشد و نمو رفتارهای جنسی

مرحله رشد: کودکی

رفتارهای جنسی

نقش جنسی اعطایی در زمان تولد، در طول سالهای کودکی تثبیت و پالایش می‌گردد. برآمد هر چه بیشتر در تفاوت نوع لباسهای دختران و پسران، مدل آرایش موها، نوع اسباب بازیها و غیره، با لطافت، اما آشکار و علنی، این را اعلام می‌دارد که دختران و پسران باید نقشهای اجتماعی متفاوتی به عهده بگیرند. این امر، حتی به رفتارهای اروتیکی بعدی که از آنها انتظار می‌رود هم، گسترش می‌یابد. به عنوان مثال، دختران کوچولو پیشاپیش یاد گرفته اند که درباره سینه خود، جایی که بعدها پستانشان رشد می‌کند، متواضع و فروتن باشند. با وجود آنکه قبل از بلوغ، سینه دختران و پسران مثل هم هستند اما دختران کوچولو را معمولاً با نیم تنه، یا با «بیکی» می پوشانند تا قسمت بالای بدنشان پنهان شود، درحالیکه پسران فقط با شرت هستند و سینه هایشان دیده می‌شود. بنابراین، سینه دختران شروع به «اروتیزه» شدن می‌کند. ولی سینه پسران نه. (این یکبار دیگر به ما یادآوری می‌کند که به دنبال تفاوت‌های «طبیعی» در رفتارهای اروتیکی زنان و مردان گشتن، امر خطایی است.)



در عین حال، بزرگسالان توضیح می دهند که از «یک دختر واقعی» یا «یک پسر واقعی» چگونه رفتارهایی توقع می رود. بیشتر کودکان در پذیرش و درونی کردن نقشهای جنسیتی اعطا شده به آنان، با مشکلی مواجه نمی شوند. درحقیقت در چهار سالگی آنها هویت جنسیتی بی شبهه ای را برای خود کسب کرده اند: دختران خود را به عنوان ماده / مؤنث، و پسران خود را به عنوان نر / مذکر بازمی شناسند. و حالا دیگر هویت جنسیتی و نقش جنسیتی آنها دو روی یک سکه گشته اند: مؤنثی و زنانگی (فمینیته)، و مذکری و مردانگی (ماسکولینته) به شکل بی نظیری، یکپارچه و بر هم منطبق شده اند. اما با این حال، تعدادی از کودکان، بخشی یا کل نقش جنسیتی اعطایی را رد می کنند. دختران مردانه (ماسکولین) و پسران زنانه (فمینین) ممکن است اسباب نگرانی والدین خود شوند، و در مواردی استثنایی، کودکانی ممکن است به تعلق خود به جنس مقابل اصرار ورزند؛ دختران ممکن است اصرار ورزند که پسر هستند، و پسران ممکن است اصرار کنند که دختر می باشند.

رشد و نمو رفتارهای جنسی

مرحله رشد: کودکی

«واکنش جنسی» 1

در فاصله بین یک تا دو سالگی، کودکان شروع به کشف بدن خود می کنند. آنها همزمان با کشف انواع احساسات لذتبخش، معمولاً به بازی با اندامهای جنسی خود هم رو می آورند. در مرز دو سالگی، بعضی از کودکان، و در مرز پنج سالگی، نزدیک به نصف آنها ارگاسم را تجربه کرده اند. آنها حتی ممکن است کودکان دیگر را در آغوش گرفته و ببوسند. درحقیقت، اگر کسی در کارشان دخالت نکند، حتی ممکن است به اندامهای جنسی همبازیهای خود، از جمله خواهر و برادرهای خود هم، دست بزنند و با آنها ور بروند. در کل، پسران در این امر فعالتر از دختران عمل می کنند. با این همه، اغلب این کشفهای متقابل بدنهای همدیگر (در قالب «دکتر بازی») از حس کنجکاوی ساده نسبت به بدن همدیگر ناشی می شود و فاقد خصیصه اروتیکی در مفهوم بزرگسالی است.



جان بابتیست و عیسای مسیح
تصویری که در نقاشیهای رنسانس به وفور دیده می شود. تصویر فوق اثر جان ووث کلیو (1464-1540) می باشد.

همین مسئله حتی در مواردی که کودکان ادای مقاربت جنسی، و ایفای نقش «فاعل» و «مفعول» را درمی آورند هم، صدق می کند. همه اینها، بیش از هر چیزی، بازتاب تلاش برای شناخت خود و دیگران است. با این همه، با بزرگتر شدن کودکان، ممکن است آنها از تحریک اندامهای جنسی خود، «لذت خاصی» ببرند، و «سکس بازی» آنها با دوستانشان هرچه بیشتر خصلت جنسی/تهییجی به خود بگیرد. کودکان مسن تر حتی ممکن است مجذوب کسی شده، «عاشق شوند» و رابطه نزدیکی با هم به وجود آورند. این «دوست ویژه و خاص» ممکن است به جنس مخالف و یا جنس موافق تعلق داشته باشد. و این مشکلی نیست. اما، بسیار مهم است که والدین رابطه نزدیک با فرزندان خود را حفظ کرده، و هنگام توضیح اندامهای مختلف بدن و کارکردشان به آنها، احساس راحتی کنند. کودکان از همان پنج سالگی می خواهند بدانند

که «بچه ها از کجا می آیند» و به پاسخهای صادقانه برای بسیاری از سؤالات جنسی خود نیاز دارند. در عین حال، آنها به فضایی برای آزمایشات خود هم نیازمندند. با این حساب، با کمک والدینی که این مسائل را درک و به فرزندانشان خود کمک می کنند، کودکان به مرور به موجوداتی «جنسی» فرا می رویند و برای رفتارهای اروتیکی آگاهانه آماده می شوند.

رشد و نمو رفتارهای جنسی

مرحله رشد: کودکی

«واکنش جنسی» 2



والدین و نزدیکان معمولاً از خود می پرسند که در برابر خودتحریکی و رفتارکشف متقابل بدنهای همدیگر که کودکان انجام می دهند، چگونه باید برخورد کنند. آیا می بایست مانع آن شوند؟ نادیده بگیرند؟ یا آن را تشویق نمایند؟ و به راستی هم، آیا چیزی به عنوان رفتارهای «جنسی» درخور و مناسب برای کودکان وجود دارد؟ تا امروز، برای این سؤال پاسخی که برای همه پذیرفته باشد، وجود ندارد، و حتی نفس چنین سؤالی ممکن است برای بسیاری از مردم ناروا جلوه کند. با این همه، در جهان «گلوبالیزه» شده ما، نسخه های جنسی متفاوتی در رابطه با کودکان، با هم در رقابتند، که بعضی از آنها بسیار سخت گیر و بعضی دیگر بی بند و بار می باشند. تنها یک اصل وجود دارد که همه جوامع مدرن آن را می پذیرند: کودکان را می بایست از نزدیکی اروتیکی کودکان خیلی بزرگتر، نوجوانان و بزرگسالان محافظت کرد. به عنوان یک قاعده، این نوع تماس «جنسی» تحمل نمی شود، و اگر بزرگسالان دست به چنین کاری بزنند، به عنوان مجرم مجازات می شوند. از جهتی دیگر، نسخه ها (پیش نویسهای) جنسی برای کودکان از جامعه ای به جامعه ای دیگر، و از گروهی به گروهی دیگر در جامعه، با هم بسیار متفاوت می باشند.

در طبقات متوسط «لیبرال» غربی، والدین معمولاً رفتار واقع بینانه ای درپیش می گیرند: به برخی از «سکس بازیهای» کودکی تا جایی که خصوصی باقی بمانند، اجازه داده می شود، اما مرزبندیهای دقیقی در مورد معامله با کودکان دیگر و بزرگسالان هم، اعمال می شود. در پیش گرفتن چنین راه میانه ای ممکن است رشد جنسی «آیده آل» را تضمین

نکند، اما در اغلب موارد سازش و مصالحه کارآمدی است که ادامه رشد روانی کودک را هموار می سازد. در هر صورت، امروزه ما می دانیم که آن دسته از کودکانی که در محیطی حمایتی بزرگ می شوند، «دوره نهفتگی» را تجربه نمی کنند. آنها احساسات و فعالیتهای جنسی خود را شروع می کنند و بدون توقف تا مرحله بلوغ و بعد از آن ادامه می دهند.

رشد و نمو رفتارهای جنسی مراحل رشد: نوجوانی و جوانی



سمبل‌های آمادگی (از چپ به راست) 1. در خلال این مراسم در آفریقا ماسکی پوشیده می شود. 2. مراسم ختنه یک نوجوان در مصر باستان. 3. سمبل ثواب یهودی. 4. تعمید مسیحیت.

ادولسنس (Adolescence) از لاتین گرفته شده و معنای رشد کرده را می دهد، و فاصله مابین بلوغ و بزرگسالی را دربر می گیرد. (1) در چند قرن اخیر، این دوره طولانی تر شده است، اما در بخش اعظم تاریخ بشر، این دوره نسبتاً کوتاه بوده است. درواقع حتی امروز هم، بعضی فرهنگهای سنتی - ماقبل صنعتی در نقاط مختلف جهان، ادولسنس را در مفهوم مدرن آن، به رسمیت نمی شناسند. آنها در عوض، برای تأیید و برجسته کردن رشد کودکان، مراسم به اصطلاح آمادگی را به محض رسیدنشان به بلوغ، اجرا می کنند. برخی از این سنتهای باستانی در جوامع مدرن غربی هم پابرجا مانده اند، اما معنا و مفهوم اصلی خود را از دست داده اند: به عنوان مثال مراسم ثواب یهودی و غسل مسیحیت عمدتاً مراسمی سمبلیک هستند. این مراسم ایمان اعتقادی و عضویت در جامعه (خودی) را تأیید می کنند اما فاقد هرگونه اثر اجتماعی می باشند. جوانان، ادولسنس، در معرض انواع محدودیتها و محروم از حقوقی که شامل حال بزرگسالان می شود، باقی می مانند. و درواقع ممکن است سالها هم طول بکشد تا قادر شوند «روی پای خود بایستند»، تحصیلات خود را به پایان برسانند، محل زندگی خود را بیابند، و از جهت اقتصادی مستقل شوند. به عبارتی دیگر: بلوغ در اوایل نوجوانی شروع و چند سال بعد تمام می شود. ادولسنس با بلوغ شروع می شود و امروز حتی یک دهه تمام و شاید بیشتر هم طول می کشد.

بلوغ یک فرایند رشد (بلوغ) جسمی - فیزیکی است که صفات ثانویه جنسی را تولید می کند و به باروری می انجامد. درعوض، ادولسنس به عنوان بلوغ روانی و اجتماعی، که به شهروندی کامل منتهی می شود، تعریف می گردد. بلوغ یک پدیده بیولوژیکی، و ادولسنس یک پدیده فرهنگی می باشد.

(1)- در اینجا «نوجوانی» معادل ادولسنس گرفته شده است. (مترجم)

رشد و نمو رفتارهای جنسی مراحل رشد: نوجوانی و جوانی رفتارهای نقش جنسیتی

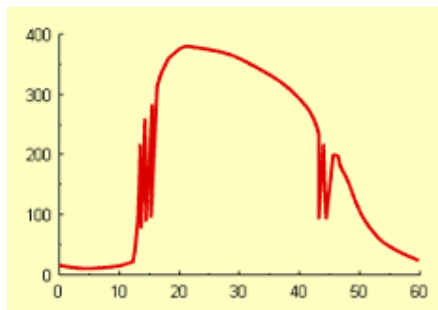


در دوران بلوغ، صفات ثانویه جنسی در دختران و پسران رشد می کنند. همزمان با نمایانتر شدن تفاوت‌های فیزیکی آنها، تفاوت‌های روانیشان هم هرچه برجسته تر می گردند. دختران، از بزرگسالان، و بخصوص گروه همسالان خود، می آموزند که چگونه زنانگی و جذابیت زنانه را در خود پرورش دهند، درحالیکه پسران می آموزند، «مردانگی با ابهتی» که مورد تأیید خانواده و دوستانشان است، را فرا گیرند. نسخه های مربوط به رفتارهای جنسیتی درخور هر جنس، ممکن است در جزئیات از جامعه ای به جامعه ای دیگر متفاوت باشند، اما در همه آنها از دختران و پسران توقع می رود که رفتارهای متفاوتی داشته باشند. دختران از پوشش متفاوتی استفاده می کنند، مدل موی متفاوتی را به خدمت می گیرند، به شکل خاصی آرایش می کنند و غیره. درحالیکه پسران، ظاهر «زمخت تری» را برای خود ترجیح می دهند و سعی می کنند در رقابتهای ورزشی برتری خود را به اثبات برسانند، یا از جهت فیزیکی سعی می کنند «مردانگی» خود را به اثبات برسانند. اما، باید به خاطر داشت که نه همه نوجوانان می توانند و نه همه آنها می خواهند که براساس این نسخه های قراردادی رفتار کنند، و توقعات گنجانده شده در آنها را برآورده کنند. همیشه کسانی هستند که یا نمی توانند و یا نمی خواهند در قالب نرمهای موجود، قرار گیرند. بعضی از نوجوانان، بخشهایی و یا کل نسخه های مربوط به رفتارهای جنسیتی پیشنهادی را رد می کنند. این موضوع، در فرهنگهای متعصب و سرکوبگر، می تواند به مقابله جوییهای بی ثمر و انواع مشکلات دیگر بیانجامد. برای مثال ممکن است این شبیه به وجود آید که دختران «مرد صفت»، و پسران «اوا خواهر»، «گرایشات همجنسگرایانه» داشته باشند، و یا چنین اتهامی به آنها زده شود، درحالیکه چنین ادعایی ممکن است عاری از حقیقت باشد. در کل، نقش جنسیتی و گرایش جنسی، به عنوان دو بعد از ابعاد پایه ای جنسیت بشر، از همدیگر مستقل می باشند. به هر حال، حتی اگر آن سوء ظن حقیقت هم داشته باشد، باز هم دلیلی برای طرد و تبعیض نمی شود. به همین سبب، در همه انواع مسائل مربوط به نقشهای جنسیتی، ضروری است که والدین، خویشاوندان، و معلمان، صبور و حامی خوبی برای فرد باشند. در آخرین تجزیه و تحلیل، نوجوانان باید یاد بگیرند که خود را آنطور که «واقعاً» هستند، قبول کنند و شایسته تر آن است که این مقبولیت مورد پذیرش محیط و اطرافیان آنها هم قرار گیرد.

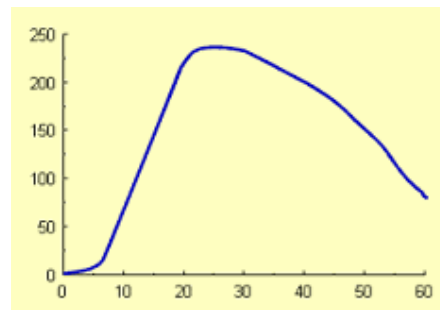
رشد و نمو رفتارهای جنسی مراحل رشد: نوجوانی و جوانی پاسخدهی جنسی

تغییرات هورمونی ناشی از بلوغ، شهوت جنسی قابل ملاحظه ای، بخصوص در پسران، تولید می کند. آنها ممکن است در خواب به ارگاسم و انزال (استحلام) برسند، و در اوقات بیداری، نعوذ ناخواسته به آنها دست دهد. در اصل، آنها معمولاً چند سال بعد از اولین انزال، به اوج توان جنسی خود می رسند. آنها وقتی چاره دیگری ندارند، ممکن است به طور مرتب دست به استمناء بزنند. یا گاهی به همراه یک یا چند نفر از دوستان پسر خود، با هم استمناء می کنند. به این ترتیب، آنها با واکنش فیزیکی خود آشنا می شوند، واکنشی که آنها، حالا دیگر آن را «جنسی» می نامند. درمقابل، بسیاری از دختران، اولین بار چنین واکنشی را در کنار یک «دوست پسر» تجربه می کنند، و حتی در چنین حالتی هم، این احساس تجربه شده ممکن است تا حدودی مبهم باشد. علاوه بر آن، در این سن و سال، تنها نصف تعداد دختران نسبت به پسران، استمناء می کنند. البته استثناها همیشه وجود دارند، اما درکل می توان گفت که: درحالیکه دختران زودتر از پسران به بلوغ فیزیکی خود می رسند، اما پاسخدهی «جنسی» آنها کندتر رشد می کند. بنابراین، به عنوان یک قاعده کلی، دختران و پسران نوجوان همسن و سال، از جهت جنسی با هم توازن ندارند. پسران تماس فیزیکی بیشتری می طلبند، و

دختران نسبت به آن تمایلی نشان نمی دهند، نه فقط به خاطر قراردادهای اجتماعی، بلکه به این علت هم هست که به شدت پسران، نیاز آن را احساس نمی کنند. درواقع، بسیاری از دختران، در اواخر دهه سوم و اوایل دهه چهارم زندگی خود به اوج شهوت و توان جنسی خود می رسند.



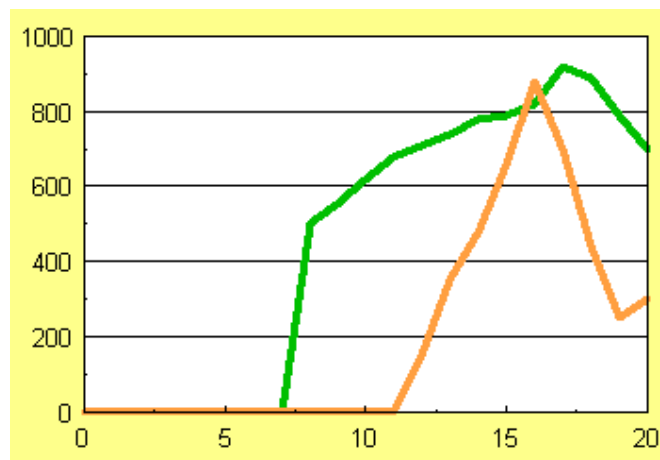
سطح متوسط استروژن در افراد مؤنث
از کودکی تا بزرگسالی (0 تا 60 سالگی)
(میلی گرم/24 ساعت) استروژن به همراه
ادرار دفع می شود.



سطح متوسط تستسترون در افراد مذکر
از کودکی تا بزرگسالی (0 تا 60 سالگی)
میلی گرم/لیتر اندروسترون در پلاسما

رشد و نمو رفتارهای جنسی مراحل رشد: نوجوانی و جوانی واکنش جنسی 2

یادداشتهای جنسی دو مرد، آقایان ض. و ث.، تصویر خوبی از توان اولیه جنسی افراد مذکر ارائه می دهند. با وجود آنکه آنها در دو کشور مختلف اروپایی زندگی می کنند، اما از لحاظ جنسی نقاط اشتراک زیادی با هم دارند: هردوی آنها، در نوجوانی و جوانی، فرصت مقاربت جنسی نیافتند و در نتیجه به استمناء به عنوان تنها راه موجود پناه آوردند. هردو به محض آنکه بزرگتر شدند، ازدواج کرده و بچه دار شدند. و هردو هم به یادداشت برداریهای دقیقی که بیش از پنج دهه فعالیت جنسی آنها را توضیح می دهد، دست زدند. چنین یادداشت نویسی هایی به شدت نادرند، و در نتیجه محتوای آنها هم تعمیم پذیر نیستند. با این همه، گلچین معرفی شده، که بیست سال اول زندگی آنها را دربر می گیرد، درجه ای از فعالیت جنسی را ثبت می کند که هیچکدام از آنها قادر به انجام آن در بزرگسالی نیست. حداقل از این زاویه، یادداشتهای درواقع نمایی از یک مرحله عمومی رشد و نمو را بازتاب می دهند. در یادداشتهای آنها آمده که در فاصله 15 تا 17 سالگی، هرکدام سالانه حدود 900 ارگاسم داشته است، یعنی حدود 2 - 3 ارگاسم در هر روز. (درواقع فعالیت آقای ض. از همان کودکی، در «مرحله نهفتگی» مطرح شده توسط فروید، شروع می شود.)



دفعات استمناء در سال، از تولد تا بیست سالگی.
سبز: آقای ض، نارنجی: آقای ث.

رشد و نمو رفتارهای جنسی مراحل رشد: نوجوانی و جوانی رفتارهای اروتیکی: یادداشتی تاریخی

در اواسط قرن نوزدهم، نوجوانان طبقات متوسط کشورهای غربی خود را از هر سو زیر نظر و تحت فشار احساس کردند. آنها را در راه آمادگی برای «زندگی واقعی» مشغول نگه می داشتند: مدت مدید تحصیلی، و مدت زمانهای هرچه طولانی تر جهت آمادگی برای شغلای تخصصی، مانع انحراف ذهنی آنها به سمت مسائل احساسی و عاطفی می شد. در آن دوره زمانی، جوانان حتی بعد از بلوغ هم «بالغ» نبودند. و از آنها انتظار می رفت که تا ازدواج، از مسائل جنسی دوری کنند، اما ازدواج ناممکن بود، مگر زمانیکه داماد کاری یافته و آنقدر پس انداز داشت که «بتواند نیاز مالی خانواده را تأمین کند». با این وجود، افراد بزرگسال تحصیلکرده از ظرفیت و نیروی شهوت نوجوانان و جوانان آگاه بودند و در همه فرهنگها آن را پاس می داشتند. درحقیقت، بسیاری از عشاق مشهور در هنر و ادبیات غرب، نوجوان می باشند: اروس و سایکه، پیراموس و ثایبه، ترویلوس و کرسیدا، دافینس و کول، فلوریر و بلانچفلور، آوکازیان و نیکولت، رومئو و جولیت. (Eros and Psyche, Pyramus and Thisbe, Troilus and Cressida, Daphnis and Chloe, Floire and Blancheflor, Aucassin and Nicolette, Romeo and Juliet.)

پسران و دختران جوان اغلب به عنوان مظهری از رمانس و عشق آتشین تصویر می شدند: هلن فقط دوازده ساله بود که شوهرش منلائوس را ترک کرد و به همراه پاریس به تروای رفت. نارسیس فقط شانزده ساله بود که «بسیاری از دوشیزگان جوان در پی عشقش بودند». گانیمد حتی از این هم کم سن و سالتر بود زمانیکه زنوس او را محبوب خود کرد. هیاسینتوس در سن نوجوانی بود زمانیکه آپولو و زفیروس برای رسیدن به عشق او، با هم به مرافعه پرداختند. ما در اپراهای معروف هم به نمونه هایی از عشاق جوان بر می خوریم: چروبینو، این عاشق پیشه دلباخته در «ازدواج فیگارو» ی موتزارت حدود پانزده سال دارد، اوکتاویان در «روسن کوالیر» ریشارد اشترواس هفده ساله است و معشوق یک زن مسن تر متأهل. در آخر، فاصله بین اخلاق «از ما بهتران» و طبقات متوسط به سطحی رسید که ادامه آن اسباب شرم و فضاحت گردید. بخصوص جوانان علیه «ریای اخلاقی» بزرگترها سر به شورش زدند، و در نیمه دوم قرن بیستم، اغلب کشورهای غربی، رفتاری آسان گیر، زمینی و واقعی در قبال رفتارهای اروتیکی نوجوانان در پیش گرفتند.



تصاویری از داستانهای معروف قرن نوزده
(از چپ به راست) اروس و سایکه، نارسیس، گانیمد، آپولو و هیاسینتوس، رومئو و جولیت.
منبع:

FCIT, <http://etc.usf.edu/clipart>

رشد و نمو رفتارهای جنسی مراحل رشد: نوجوانی و جوانی رفتارهای اروتیکی 2



برای بسیاری از دختران و پسران، دوره نوجوانی، زمانی است که آنها اولین تماس جنسی خود را با فردی دیگر برقرار می کنند. این دوره، زمانی است که آنها «عاشق» می شوند، و اهمیت واقعی پاسخدهی فیزیکی

خود را کشف می کنند. معنی و مفهوم «جنسی - سکسی» نسخه های مربوط به نقشهای جنسیتی که قبلاً به آنها آموخته شده هم، برایشان آشکار می شود. حالا دیگر، آن رفتارهای متفاوتی که در دختران و پسران رشد داده شده اند، در جذابیت متقابل آنها نسبت به هم، برجسته تر می گردند. در نتیجه آنها، هم توان و ظرفیت آن را دارند و هم مایلند که آگاهانه به رفتارهای اروتیکی متقابل با هم روی آورند.

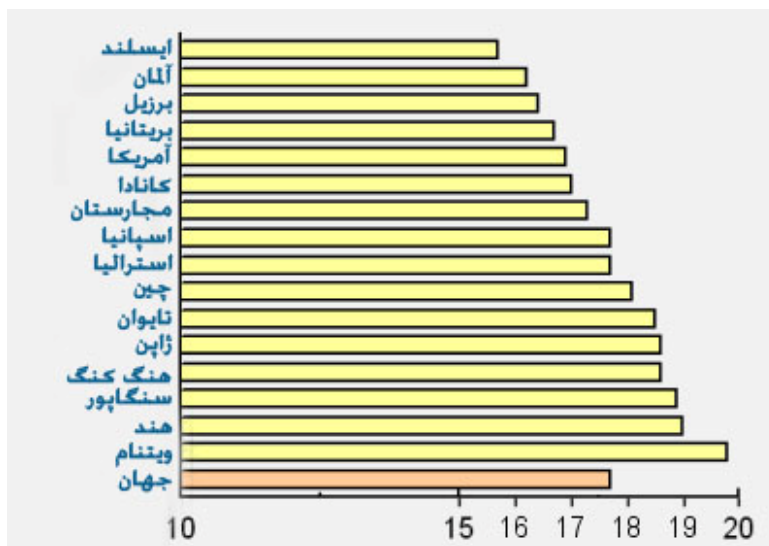
با این همه، بخصوص جوانی و نوجوانی، دوره قاطعی کردن و سرگیجه آور شدن پیش نویسها و نسخه های جنسی است. به عبارتی، این دوره ای است که نسل جوان باید از بین انواع نسخه های جنسی رقابتی، یکی را برگزیند و به طور همزمان با مسائل دیگری هم دست و پنجه نرم کند، از جمله، استقلال تدریجی از والدین، فقدان تجربه در امر چگونگی نزدیک شدن به جنس مخالف، کنجکاوی و سؤالات ذهنی حول کارکرد آناتومی و فیزیولوژیکی جنسی انسان، میل به آزادی فردی بیشتر و شورش علیه محدودیتها، بی اعتمادی فزاینده نسبت به همه مسئولان، آرزوی «یافتن جایگاهی برای خود در این جهان» و برنامه ریزی برای آینده، نیاز به پذیرفته شدن توسط دوستان و در عین حال به دنبال استقلال خود بودن و امثالهم. کوتاه سخن اینکه، نوجوانان و جوانان بایستی در کنار شناخت خود و جهان پیرامون، مهارتهای زندگی اجتماع را هم یاد بگیرند و همزمان با همه اینها، در درون بدنشان هم تغییرات هورمونی ژرفی در حال وقوع می باشد. با این حساب، در جهان مدرن امروزی، نوجوانی دوره آزمایش و خطا است، که آنها، و حتی بزرگترها هم، به آن دست می زنند. والدین و بزرگترها معمولاً نوجوانان را، با هدف محافظت از آنها، از نزدیک شدن به مسائل جنسی برحذر می دارند، ولی خود نوجوانان این امر را محدود کننده و حتی سرکوبگر می یابند. در هر صورت، اغلب آنها خیلی زود اولین تماس جنسی خود را، با موافقت یا بدون موافقت بزرگترها، برقرار می کنند.

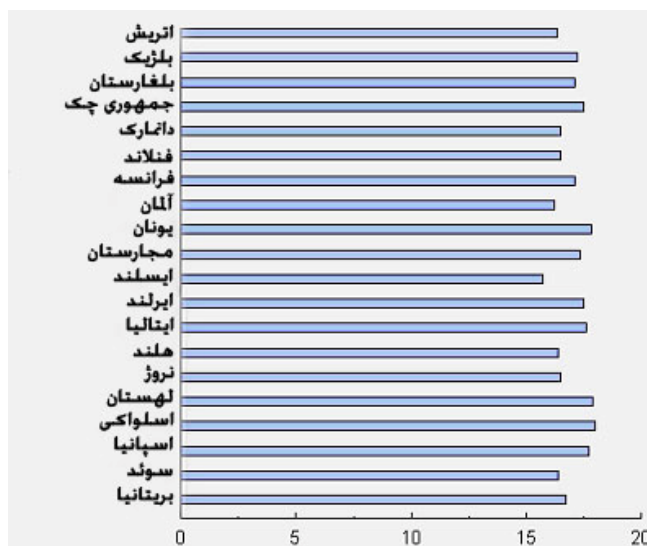
رشد و نمو رفتارهای جنسی مراحل رشد: نوجوانی و جوانی رفتارهای اروتیکی 3

در سراسر جهان، حد متوسط سن هنگام اولین تماس جنسی بین 18 و 17 سالگی است. البته در بعضی از کشورهای غربی خیلی پائین تر از این سن می باشد. ارقام دقیق، از کشوری به کشوری دیگر، متفاوت است، اما در رابطه با شروع تماس جنسی، روند کلی به سوی سنین پائین تر سمت و سو دارد. در دهه 1950، حد متوسط سن هنگام اولین مقاربت جنسی کماکان حوالی 21 سال بود، اما در همان زمان هم رو به کاهش بود. به بازار آمدن قرصهای پیشگیری از بارداری، و «انقلاب جنسی» در دهه 70 این گرایش را تقویت نمود. در ضمن، این را هم باید به خاطر داشت که در سطح جهانی، امروزه، دختران و پسران در سن و سال پائین تری به بلوغ می رسند، و در عین حال سن ازدواج در بسیاری از کشورها بالاتر می رود. معنای همه اینها آن است که، احتمال اینکه جوانان تا ازدواج صبر کنند و دست به مقاربت جنسی نزنند، بسیار کم است. با در نظر گرفتن این مسئله، آمار و ارقام فعلی به هیچ وجه تعجب آور نمی باشند.

سن متوسط اولین مقاربت جنسی (دختران و پسران)
در کشورهای منتخب

منبع: Durex Global Sex Survey 2004





رشد و نمو رفتارهای جنسی مراحل رشد: نوجوانی و جوانی رفتارهای اروتیکی 4

مقایسه جنسی می تواند برای نوجوانان و جوانان غیر متأهل مشکل آفرین باشد. اولین مقایسه دخیلی معمولاً تجربه ای است که با ناخشنودی همراه است، بخصوص برای دختران، و به همین دلیل ممکن است تا مدتی تکرار نشود. پسران هم ممکن است در اولین مقایسه دخیلی خود، به دلیل دست پاچگی و فقدان تجربه، آنچنان ارضاء نشوند. (انزال و ارضاء دو موضوع جداگانه اند. - م.) این عدم ارضاء معمولاً در اثر تکرار مقایسه های جنسی و کسب تجربه برطرف می شود. مشکل جدی دیگر، ترس واقعی از ابتلا به عفونتهایی است که در مقایسه های جنسی منتقل می شوند. به علاوه، نگرانی از بارداری ناخواسته هم وجود دارد. به همین دلیل مجبّر شدن دختران و پسران جوان به دانش چگونگی پیشگیری از بیماریهای مقایسه ای و بارداری ناخواسته، مسئله ای حیاتی است. متأسفانه، بسیاری از جوانان فاقد این دانش اند، و اگر هم آگاهی داشته باشند، از عمل بدان غفلت می ورزند. در عین حال، بعضی از جوانان روش خاصی را، برای «سکس سالم» به کار می گیرند که آن را «مقایسه بیرونی» یعنی آمیزشی که طی آن کلاً از دخول پرهیز می شود، می نامند. این روش آمیزش ممکن است تا سالها قبل از اولین آمیزش همراه با دخول واژنی، به کار گرفته شود. این شیوه آمیزش توسط جفتهای غیر متأهل در جوامع سنتی که بر «باکره بودن» عروس تأکید دارند هم، به کار گرفته می شود. (بسیاری از جفتهای که نگران بارداری ناخواسته یا خواهان حفظ باکرگی دختر هستند، از دخول مقعدی استفاده می کنند، اما منظور نویسنده در اینجا کلاً پرهیز از هر نوع دخول، نه تنها با هدف پیشگیری از بارداری و حفظ باکرگی، بلکه به منظور مقابله با شیوع بیماریهای مقایسه ای هم می باشد. در نتیجه، جفتهای با به کارگیری انواع روشهای عشق ورزی همدیگر را ارضاء می کنند. - م.)

امروزه اغلب فراموش می شود که در بخش اعظم تاریخ بشر، جوانان برای ازدواج خود زیاد معطل نمی ماندند. آنها به محض رسیدن به بلوغ وارد اجتماع بزرگترها می شدند و می توانستند برای خود خانواده تشکیل دهند. دختران به محض رسیدن به سن باروری، «به خانه بخت» فرستاده می شدند. و اگر پسران به دلیل مسائل اقتصادی چند سالی باید صبر می کردند، اما راه و امکاناتی برای برآورده کردن نیازهای جنسیشان وجود داشت. در بسیاری از جوامع گذشته، تماسهای جنسی موقتی با همجنس و رفتن به فاحشه خانه ها چندان «جدی» تلقی نمی شد و با سکوت و مماشات تحمل می گردید. به عبارت دیگر، در طول هزاران سال، چنین توقعی وجود نداشت که جوانان روزه جنسی مدیدی را تحمل کنند؛ بلکه این امر برای همه مسلم و پذیرفته شده بود که بعد از بلوغ، هر کسی، هم از آمادگی، و هم از حق برقراری آمیزش جنسی، برخوردار است.



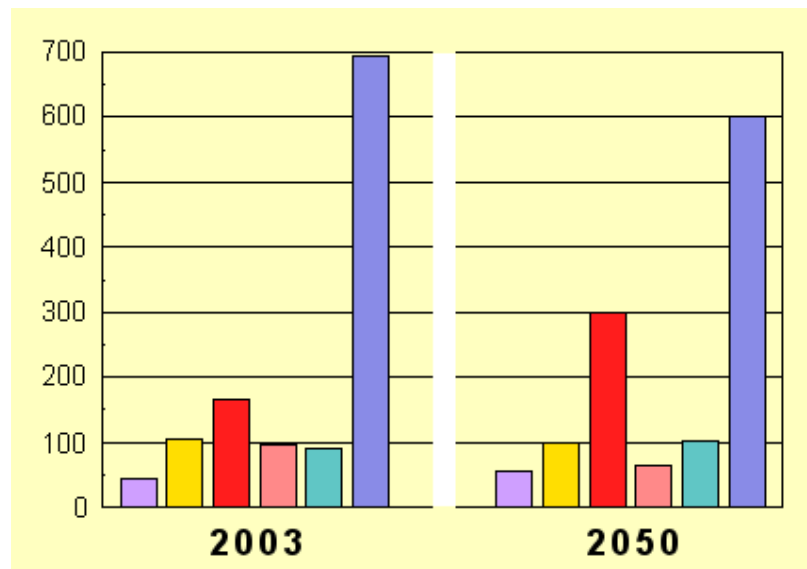
ازدواج نوجوانی

در گذشته، ازدواج در اوان نوجوانی سنت بسیاری از جوامع بود. در اروپا، این امر، در خدمت منافع سیاسی اشراف تا همین دوران مدرن بوده است. در این عکس ازدواج ماری آدلاید ساووی (12 ساله) و یکی از شاهزاده های (14) ساله در ورسای در سال 1697 را نشان می دهد. لویی شانزدهم پدر بزرگ داماد در سمت راست عکس دیده می شود.

رشد و نمو رفتارهای جنسی مراحل رشد: نوجوانی و جوانی رفتارهای اروتیکی 5

توصیه هایی که در رابطه با پرهیز از آمیزش جنسی تا ازدواج، به نوجوانان و جوانان غیر متأهل داده می شود، ممکن است با در نظر داشتن مسئله ایذ و امکان آبستنی، قابل توجیه باشد، اما در کل، در سطح جهانی کمتر گوش شنوایی می یابد. در سراسر جهان، سن بلوغ کاهش، و در عین حال، سن ازدواج افزایش می یابد. این موضوع بخصوص در مورد کشورهای در حال رشد، جایی که جوانان 85% جمعیت را تشکیل می دهند، صدق می کند. اغلب افراد این بخش بزرگ جمعیتی، از طولانی شدن دوران خویشنداری جنسی خود ناراضی اند. متأسفانه، بسیاری از آنها فاقد دانش کافی در مورد بیماریهای مقاربتی، تولید مثل و پیشگیری از بارداری می باشند و در نتیجه نمی توانند دست به انتخابی مسئولانه بزنند. مزید بر آن، جوانان و نوجوانان اغلب فاقد نیروی اعتماد به نفس کافی جهت ردّ تقاضاهای جنسی اجباری می باشند. بخصوص دختران جوان در بیشتر مواقع مورد سوء استفاده جنسی قرار می گیرند. اضافه بر این، در بسیاری از کشورهای در حال رشد، مکانیسمهای کنترل اجتماعی در حال شکسته شدن می باشند، به این شکل که دکترینهای مذهبی و سیاسی نفوذ خود را از دست می دهند، و در عین حال، شیوه زندگی غربی، اغلب بدون هیچگونه نقدی، در پیش گرفته می شود. این امر، گاهی واکنشها و مقاومتهاى فوق محافظه کارانه ای را دامن می زند، ملت را دوشقه می کند، و سردگمی اخلاقی نوجوانان و جوانان را دوچندان می سازد.

■ آفریقا ■ آمریکای لاتین و کارائیب ■ آمریکای شمالی
■ آسیا و اقیانوسیه ■ منطقه کشورهای عربی ■ اروپا



جمعیت سنی نوجوانان 2003-2050

نمای فوق اندازه جمعیت نوجوان (در رقم میلیونی) سالهای 2003 – 2050 را نشان می دهد. همانطور که مشاهده می شود، بزرگترین ارقام در آفریقا و آسیا / اقیانوسیه دیده می شوند. (ادولسنس یعنی نوجوان در اینجا سن 10 تا 19 سالگی تعریف می شود.) چون در بعضی جاها «نوجوانان» به افراد 10 تا 24 ساله اطلاق می گردد. در حالی که منظور از «نوجوانان» افراد بین 15 تا 24 ساله می باشد.)

منبع: UNFPA www.unfpa.org/swp/2003/english/ch1/

رشد و نمو رفتارهای جنسی مراحل رشد: نوجوانی و جوانی رفتارهای اروتیکی 6

همانطور که قبلاً گفته شد، نمونه های زیادی از رفتارهای اروتیکی همجنسگرایانه در ادبیات اروپا دیده می شود. بخصوص، شعر، فلسفه و اساطیر یونان و روم باستان دارای الگوهایی برای آن دسته از نوجوانان و جوانانی است که به همجنس خود گرایش جنسی دارند. این دسته از نوجوانان و جوانان، در همه جا، در اقلیت هستند، اما، باید به مسائل و نیازهای آنان توجه لازم مبذول گردد.

از کشوری به کشوری، و از یک دوره تاریخی به دوره ای دیگر، می توان تفاوت های برخوردی نسبت به رفتارهای اروتیکی همجنس خواهانه را مشاهده نمود، اما در کل، آنها را می توان به این شکل دسته بندی کرد:

- بی تفاوتی: رفتار همجنسگرایانه «جدی» تلقی نمی شود و آگاهانه نسبت بدان اغماض می شود.
- ممنوعیت: رفتار همجنسگرایانه مذموم، محکوم و ممنوع اعلام شده، و مجازات می شود.
- بردباری: رفتار همجنسگرایانه با اکراه و بی میلی تحمل می شود.
- پذیرش: رفتار همجنسگرایانه به طور کامل مورد پذیرش قرار گرفته است.

در حال حاضر، می توان نمونه هایی از انواع برخوردهای فوق را در جوامع مختلف روی کره زمین، و حتی گاهی در درون یک اجتماع مشاهده کرد. اغلب کشورهای غربی، در چند دهه اخیر، از برخورد ممانعت به پذیرش تغییر موضع داده اند، و چندیایی هم به سمت پذیرش کامل و تمام عیار قدم برداشته اند. این امر عمدتاً به کمک جنبش «رهایی بخش همجنسگرایان» و بازبینی کتابهای پزشکی که مدت ها است «همجنسگرایی» را از لیست بیماریها حذف کرده اند، میسر شده است.



پرچم رنگین کمان

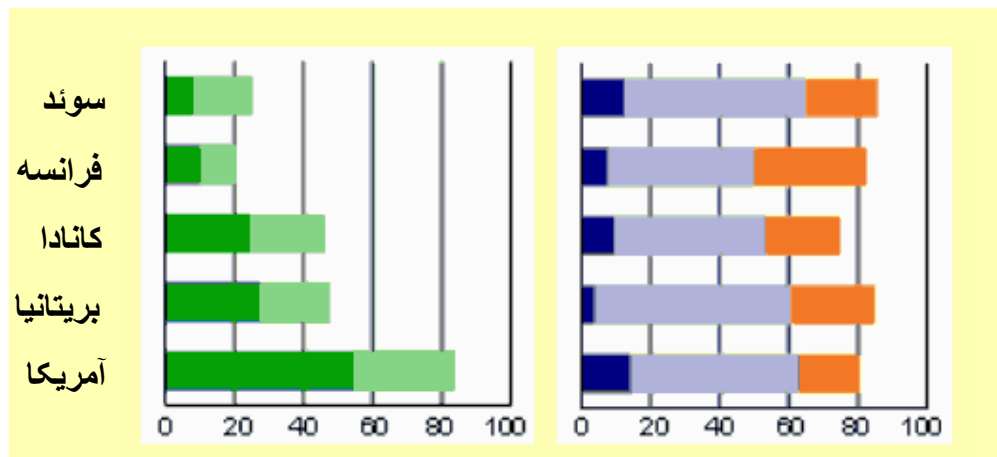
توسط گیلبرت باکر (Gilbert Baker) در سال 1978 برای «رژه روز آزادی همجنسگرایان سان فرانسیسکو» طراحی گردید و بعد از آن به عنوان سمبل «آزادی همجنسگرایان» درآمد که امروزه در سراسر جهان شناخته می شود.

علی رغم همه پیشرفتهای، بعضی از نوجوانان و جوانان، حتی در جوامع مدرن هم، کماکان به خاطر گرایش جنسی خود با مشکلاتی مواجه اند. این مشکلات، از جمله، شامل طرد شدن توسط دوستان یا والدین، تناقضات ذهنی - مذهبی، احساس انزوا، افسردگی، و حتی افکار مربوط به خودکشی، می باشند. به همین دلیل، به نام نیکی و صداقت هم که شده، تصور مبنی بر این که همه نوجوانان و جوانان همیشه به جنس مخالف خود گرایش دارند، باید برای همیشه کنار گذاشته شود و بایستی تفاوت‌های واقعاً موجود در علائق جنسی به رسمیت شناخته شوند. این، از جمله، بدین معنا هم هست که مسئولان آموزشی نباید نوشته های کلاسیک را پنهان و یا سانسور کنند، چون در آن صورت برای حمایت از یک دیدگاه، تاریخ را جعل و تحریف نموده اند. درحقیقت، نگاه بی تزویر و منصفانه به واقعیت، این را نشان می دهد که رفتارهای اروتیکی همجنسگرایانه در بین نوجوانان و جوانان هیچگاه غیر معمول نبوده و نیست. مسلماً، این پدیده ای است گذرا، ولی این خود دلیل دیگری است که چرا نباید عجولانه لکه داغ و ننگ بر آن زده شود. از طرف دیگر، آن دسته از نوجوانان و جوانانی که خود را «لژیبن» و یا «گی» می دانند هم، در مسیر پذیرش خود، به حمایت و پشتیبانی نیاز دارند.

رشد و نمو رفتارهای جنسی مراحل رشد: نوجوانی و جوانی رفتارهای تولید مثلی

دختران و پسران جوان، در دوران بلوغ، از توانایی تولید مثل برخوردار می شوند. امروزه در کشورهای در حال رشد، دختران در سن 8 تا 12 سالگی اولین عادت ماهانه خود را، و پسران در سن 12 تا 14 سالگی، اولین انزال خود را، تجربه می کنند. از منظر فیزیکی، این بدان معناست که آنها می توانند در سن خیلی پائینی پدر و مادر شوند. اما، به عنوان یک قاعده کلی، از جهت روانی و اجتماعی برای این کار آمادگی ندارند و بنابراین، مناسب پدر و مادر شدن نمی باشند.

متأسفانه، بسیاری از نوجوانان و جوانان، مقاربت جنسی را بدون آنکه درک کاملی از عواقب آن داشته باشند و بدون استفاده از وسائل پیشگیری از بارداری، شروع می کنند. اغلب اوقات، اولین سکس دخولی، بدون برنامه ریزی و «تصادفی» اتفاق می افتد. این امر بخصوص در مورد جفتهای خیلی جوان صدق می کند. ولی، دختری که عادت ماهانه خود را شروع کرده، به راحتی می تواند «در همان اولین بار» آبستن شود. بعضی از جفتهای هیچ احتیاطی به خرج نمی دهند و به همین دلیل شاید برایشان لازم شود که بعداً با بارداری ناخواسته دست و پنجه نرم کنند. این، حتی در بهترین حالت هم، مشکل عمده ای است، اما شرایط همیشه مناسب و در بهترین حالت نیست. بخصوص دختران از نتایج پیش آمده گریزی ندارند. حتی اگر فرزندی سالم به دنیا بیاید، باز هم باری بر دوش دختر جوان و والدین او خواهد بود. ولی، در بیشتر مواقع، سقط جنین به عنوان تنها راه خلاصی از وضعیت پیش آمده، در نظر گرفته می شود. اما باز این کار هم بار سنگینی بر دوش دختر جوان می گذارد. مشکل بارداریهای ناخواسته را می توان با ارائه آموزشهای سلامت جنسی مناسب و درخور، از همان سنین کم، حل نمود. فقط آن دسته از نوجوانان و جوانانی که با کارکرد بدن خود آشنا، و به راههای پیشگیری از بارداری و شیوع بیماریهای مقاربتی وارد هستند، می توانند عاقلانه و خردمندانه رفتار کنند و در برابر رفتارهای تولید مثلی خود، مسئولیت بپذیرند.



تین ایچ ها (زنان 15 - 19 ساله): تولد و سقط جنین در برخی کشورها (اواسط دهه نود میلادی)
معیار یک در هزار در نظر گرفته شده است.

تین ایچ ها: مقاربت جنسی در برخی کشورها (اواسط دهه نود میلادی)
درصد زنان 20 تا 24 ساله که در دوران تین ایچی خود مقاربت جنسی داشته اند.

تولد
سقط جنین

15 تا سالگی
18 تا سالگی
20 تا سالگی

منبع: Guttmacher Institute, New York, NY

رشد و نمو رفتارهای جنسی مرحله رشد بزرگسالی



رشد جنسی انسان در نوجوانی و جوانی متوقف نمی شود، بلکه در بزرگسالی هم، کماکان ادامه می یابد. در بزرگسالی است که اکثر دختران و پسران، مادر و پدر می شوند. و همین مسئله، چشم انداز آنها نسبت به زندگی را عوض می کند. به جز این، نقشهای جنسیتی و ترجیحات اروتیکی آنها هم ممکن است دچار تحول گردد. یعنی چه بسا مدل‌های مختلفی از زنانگی و مردانگی (فمینیزیتی و ماسکولینیتی) مد، و رفتار و شیوه های جنسی جدیدی آزمایش شوند و باب طبعشان قرار گیرند. حتی شاید گرایش جنسی هم در طول زمان به نوعی دچار تحول شود.

در هر صورت، امروزه، روابط جنسی بزرگسالان ممکن است اقسام و اشکال متفاوتی به خود بگیرد: علاوه بر ازدواج مادام العمر سنتی با یک شخص از جنس مخالف، ما امروزه به انواعی از سبکهای زندگی «مجردی» برمی خوریم که در آن یک جفت «فقط و صرفاً با هم زندگی می کنند»، و گروههایی که سکس «کمون» را آزمایش می کنند. بعضی از زنان و مردان «ازدواج در باز» دارند، و دیگری هم سریال ازدواج متعهدانه (در بسته) را تمرین می کنند (ازدواج تکراری یعنی ازدواج، طلاق و ازدواج مجدد). اضافه بر این، برخی از کشورها «پیوند مشترک» جفتهای همجنسگرا، و چند کشوری هم، ازدواج همجنسگرایان را به رسمیت می شناسند.

تعجب آور نیست که تعداد قابل توجهی از زنان و مردان چندین نوع از سبکهای شمرده شده را در طول زندگی خود تجربه می کنند، و به همین دلیل هم ترسیم خطوط کلی و جمع بندی روابط جنسی امروزی کار چندان آسانی نیست. با این همه، با اطمینان می توان گفت که، **شادی و پایداری روابط مشترک، به احترام، اعتماد، و درک متقابل بستگی دارد تا به فعالیت جنسی.** ممکن است «سکس» نقش درجه دوم اهمیت را ایفا کند، اما همراه با بالا رفتن سن، تعداد دفعات و شدت آن هم خواه ناخواه فرو می گاهد. در عوض، عشق، که در لمس و نزدیکی فیزیکی تجلی می یابد، به عامل تعیین کننده تبدیل می شود.

رشد و نمو رفتارهای جنسی

مرحله رشد: بزرگسالی

رفتارهای نقش جنسیتی



نقشها و خصوصیات جنسیتی (جندری) فرد از بدو تولد شکل می گیرند، در کودکی، نوجوانی و جوانی قوام و استحکام می یابند، ولی باز در بزرگسالی ممکن است تغییراتی بر آنها وارد شود. اگر عدم تجانسات جندری (gender incongruities) که در جای جداگانه ای باید مورد بحث قرار گیرد را به کنار نهیم، باز می بینیم که در کل، مفهوم زنانگی و مردانگی (femininity and masculinity) در ذهن زنان و مردان، در گذشته تغییر کرده و همچنان در حال تغییر می باشد. حدس و گمان این که این تغییرات به کجا ختم می شوند چندان ساده نیست. تا همین جا هم، افزایش آزادی انتخاب، باعث سردرگمی زیادی شده است.



امروزه، اینکه یک زن «واقعی» و یک مرد «واقعی»، «واقعاً» چگونه زن یا مردی است، چندان روشن و مشخص نمی باشد. در حال حاضر، حول این که نقشهای زن خانه دار مطیع، و مردسالار امر کننده، دیگر مناسب دوران نیستند، توافق وسیعی وجود دارد، و آن کلیشه ذهنی مبنی بر «مفعول» بودن زن و «فاعل» بودن مرد، مدتها است که مردود اعلام شده است. با این همه، نسخه ها و دستورالعملهای مربوط به نقشهای جنسیتی که امروزه پیشنهاد می شوند هم، آنچنان متنوع و متغیّرند، که ثبات لازم را به وجود نمی آورند. برای زنان: مدل دلربا و سحرانگیز، «مادر شاغل»، از خود گذشته و مربی کودکان، زن زرنگ و تاجر

شاغل در امور بازرگانی، رئیس شرکت، فعال سیاسی، یا به هر حال، خانه دار و مرکز ثقل و هسته کانون خانواده. برای مردان: «شوهر خانواده»، «مرد ملایم» و وفادار به خانواده، یا «مرد عیاش» و «دلربای زنها»، ماجراجویی شجاع، تاجری جسور، مدیری بی رحم، نان آوری قابل اعتماد و «شخصیتی ساکت و متین»، یاری که درک می کند، یا، معشوقی گرم و داغ، شوهری دلخواه و پدري دلسوز، یا تحصیلکرده ای که سخاوتمندانه در شستن ظرفها به همسرش کمک می کند و غیره. اما در پشت همه انواع نظرات و پیشنهادات نامبرده، یک فرض بر زبان نیاورده ای هم هست که فرد بایستی همه این نقشها و خصوصیات را یکجا و به طور همزمان داشته باشد.

همه اینها، کار هر دو جنس را در انتخاب و اختیار نقشی که هم منطبق بر نیازهای درونیشان باشد و هم با آن بتوانند فرد مناسبی را برای زندگی بیابند، مشکل کرده است. درواقع، بی اعتمادی در نقشهای جنسیتی، بر رفتارهای اروتیکی یک جفت تأثیر می گذارد.



زنان شاغل

در قرن بیستم، زنان در مشاغل زیادی که قبلاً مختص مردان بودند، به موفقیتهایی دست یافتند. همین امر از جمله، نقشهای جنسیتی سنتی زنان را تغییر داد.

رشد و نمو رفتارهای جنسی مرحله رشد: بزرگسالی واکنش جنسی



ازدواج و دفعات مقاربت جنسی

زنان و مردان جوان متأهل دفعات مقاربت جنسی بیشتری نسبت به همسن و سالان غیر متأهل خود دارند. ولی، با گذر زمان، دفعات فعالیت هر دو گروه زنان مسن (متأهل و مجرد) کاهش یافته و همسطح می شود. برای مردان هم، همراه با گذر زمان، سطح فعالیت هر دو گروه (متأهل و مجرد) کاهش یافته و در سطح پائینتری، یکسان می شود.

در رابطه با مردان جوان، ازدواج، تعداد دفعات آمیزش جنسی آنها را تغییر می دهد: مردان زیر بیست سال متأهل به طور متوسط هفته ای پنج بار ارگاسم دارند، درحالیکه غیر متأهلان (زیر بیست سال)، فقط کمی بیش از 3 بار در هفته ارگاسم دارند. اما بعد از آن، منحنی دفعات در هر دو گروه سریعاً سیر نزولی پیدا می کند. در پنجاه سالگی، دفعات ارگاسم هفتگی برای همه مردان، کمتر از دو بار، برای افراد شصت ساله، هفته ای کمی بیش از یک بار، و برای افراد هفتاد ساله، هفته ای کمتر از یکبار. البته اینها یافته های **آلفرد س. کینزی** در اواسط قرن بیستم بود، و بنابراین ارقام دقیق ممکن است به دلایل زیادی متفاوت باشند. با این همه به راحتی نمی توان به خطوط کلی ای که این ارقام به تصویر می کشند، شک نمود. درحقیقت، تحقیقات بعدی هم آن را تأیید کرده اند. در رابطه با زنان، کینزی و همکاران او، بالعکس، به یک خط بیشتر مستقیم دست یافتند که نمایی با دفعات فعالیت جنسی خیلی کمتری در طول عمر را ترسیم می کرد. نه شیب صعودی اولیه در آن بود و نه سیر نزولی آنچنان قابل توجهی. البته، مثل مورد مردان جوان، ازدواج به تغییراتی در دفعات مقاربت جنسی زنان جوان هم منجر می شود. به محض ازدواج، آنها هفته ای 2 تا 3 ارگاسم دارند. و درحقیقت، درفاصله سی تا پنجاه سالگی، آنها کماکان هفته ای حدود 2 ارگاسم دارند. از طرف دیگر، زنان غیر متأهل، در طول زندگی خود، هفته ای یکبار ارگاسم، و یا کمتر از آن، ثبت کرده اند. همین رقم در مورد زنان متأهل بالای پنجاه سال هم صدق می کند. البته، باید تأکید شود که این ارقام، حد متوسط هستند، و تفاوت های عظیمی در بین افراد دیده می شود. علاوه بر آن، این ارقام فقط ارگاسم را نمایندگی می کنند، اما درباره منبع ارگاسم اطلاعاتی ارائه نمی دهند، و مهمتر از آن، همه واکنشهای جنسی پیش از ارگاسم را مسکوت می گذارند. ولی با این همه، درست همین تقلیل ظاهراً بی فکرانه به ارقام «قابل شمارش» است که چگونگی رشد و نمو واکنش جنسی زنان و مردان در خلال سالها را، به شکل خیلی مناسبی به تصویر می کشد. به همین دلیل، یافته های کینزی همچنان با اعتبار باقی مانده اند. (1)

(1) منبع:

: Alfred C. Kinsey et al., "Sexual Behavior in the Human Male", 1948, p. 267 and "Sexual Behavior in the Human Female" 1953, p. 549.

رشد و نمو رفتارهای جنسی مرحله رشد: بزرگسالی رفتار اروتیکی



رفتار اروتیکی بزرگسالان، دقیقاً مانند رفتارهای مربوط به نقشهای جنسیتی، از یک نسخه (پیش نویس)، یا معجونی از چندین نسخه مختلف، تبعیت می کند. این مسئله در مورد موضوع ظاهراً ساده جماع زوجهای متأهل و غیر متأهل، هم صدق می کند. آن نسخه (پیش نویس) ذهنی، و تعاملی مابین دو نفر که در اینجا عمل می کند، از نسخه های فرهنگ عمومی در تبیین معنا و اهمیت مقاربت جنسی، هدف آن، تعداد ایده آل دفعات و مدت «نرمال» آن، رنگ و تأثیر می گیرد. نسخه های مورد نظر، این را هم اعلام می کنند که مقاربت جنسی، کجا و در چه مواقعی باید انجام گیرد، و کجا و در چه مواقعی نباید انجام بگیرد، چه کسی باید شروع کننده باشد و غیره. و آخر اینکه، نسخه های فرهنگی تعیین می کنند که به غیر از دخول، کدامیک از انواع و اشکال فعالیت جنسی، و تحت چه شرایطی ممنوع یا مجاز می باشند.

همه آنها بدان معنا است که تغییرات در محیط اجتماعی - فرهنگی، به احتمال زیاد، به تغییراتی در رفتار اروتیکی افراد منجر می شوند. برای مثال، در نیم قرن اخیر در ایالات متحده، مقاربت (سکس) دهانی در بین جفتهای متأهل و غیر متأهل شایع تر شده است. این بدون شک، از هر چه لیبرالیزه تر شدن جو اجتماعی در همه کشورهای غربی، ناشی شده است. این جو اجتماعی ابتدا به افزایش مقاربت مقعدی در بین همجنسگرایان مرد منجر گردید، اما بعد از آمدن ایدز، به شدت کاهش یافت. خلاصه اینکه، **مراوده های جنسی افراد با هم، همچون دیگر رفتارهای اجتماعی، بازتابی از تغییرات بزرگتر در جامعه می باشند.** با این حال، همیشه افرادی هستند که به رفتارهای قدیمی می چسبند. یک مثال خوب در این مورد، خشونت است که توسط مردان علیه زنانی که در پی به دست آوردن استقلال بیشتری هستند، اعمال می شود. بسیاری از این خشونتها، نسخه های فرهنگی اند و یادگاری از دوران پدرسالاری که در آن حاکمیت مرد امر تضمین شده ای بود. بعضی مردان کماکان از این نسخه های کهنه و منسوخ پیروی کرده و در ادامه کار آن را به روابط اروتیکی خود هم تعمیم می دهند. همین امر باعث ناسازگاری و اختلال جنسی گشته، و در نهایت به جدایی منجر می شود. از جنبه مثبت قضیه، امروزه بسیاری از جفتهای، بخصوص در سنین بالاتر، به توافق و هماهنگی بیشتری با هم دست می یابند. چرا که آنها در این سن، در کنار نهادن کلیشه های سنتی، خود را آزاد احساس می کنند. آنها با پشت پا زدن به نقشهای جنسیتی و رفتارهای اروتیکی سنتی، قدرت ابداع و خلاقه خود را به کار می گیرند و در روابطشان، به نیازهای فردی خود بها می دهند، و در نتیجه احساس رضایت و خرسندی بیشتری هم می کنند. همه اینها به کنار، این را باید به خاطر داشت که بزرگسالی دوره ای است که تأثیرات نسخه های جنسی دوران کودکی، نوجوانی و جوانی، در آن هر چه برجسته تر می شوند. ترجیحات و علائق اروتیکی فرد خود را کاملاً عیان ساخته و وجود تفاوتهای قابل توجهی از فردی به فردی دیگر را برملا می سازد. در نتیجه، بزرگسالانی را می توان یافت که به یک، چند، بسیاری، و یا همه انواع رفتارهای جنسی، مبادرت می ورزند.

رشد و نمو رفتارهای جنسی

مرحله رشد: بزرگسالی

رفتار تولید مثلی 1



در سطح فردی، بزرگسالی معمولاً زمانی است که زنان و مردان تصمیم به بچه دار شدن می گیرند. در جوامع مدرن، بچه دار شدن در نوجوانی چندان مرسوم نیست و اگر اتفاق بیافتد بیشتر نتیجه یک بارداری ناخواسته می باشد. در مقابل، اغلب بزرگسالان آگاهانه تصمیم می گیرند که بچه دار شوند. آنها همینطور تصمیم می گیرند که چه موقع، با کدام فاصله زمانی و چند فرزند داشته باشند. آنها با به کار گیری روشهای پیشگیری از بارداری، موضوع رفتارهای تولید مثلی و رفتارهای اروتیکی خود را با هم قاطی نمی کنند، بلکه این دو را از هم سوا می دانند. درواقع، این دیدگاه توسط بسیاری از حکومتها که نگران رشد بی رویه جمعیت هستند، تبلیغ هم می شود. یک نمونه خوب، چین می باشد، جایی که سیاست رسمی «هر جفت یک فرزند» این را برای هر شهروندی روشن می کند که **سکس و تولید مثل** دو مسئله جدا از هم می باشند.

از طرف دیگر، برخی سنتهای مذهبی همچنان روی ارتباط این دو به هم تأکید می کنند. برای مثال، کلیسای کاتولیک می خواهد که مقاربت جنسی همیشه «راه را برای امکان یک حیات تازه» باز نگه دارد. بر اساس این دکترین، اکثر انواع پیشگیریها «مصنوعی» و غیر اخلاقی اند. امروزه در اغلب کشورها، تصمیم گیری در مورد استفاده از وسایل پیشگیری از بارداری به وجدان خود فرد واگذار شده است. همین مسئله در مورد برخورد با مسئله **عقیمی** هم صدق می کند. بعضیها این را خواسته خداوند می دانند و خود را به زندگی بدون فرزند عادت می دهند، عده ای تصمیم به فرزند خواندگی می گیرند، و باز عده ای دیگر، از بسیاری از امکانات مدرن روشهای **غلبه بر عقیمی**، استفاده می کنند.

رشد و نمو رفتارهای جنسی

مرحله رشد: بزرگسالی

رفتار تولید مثلی 2

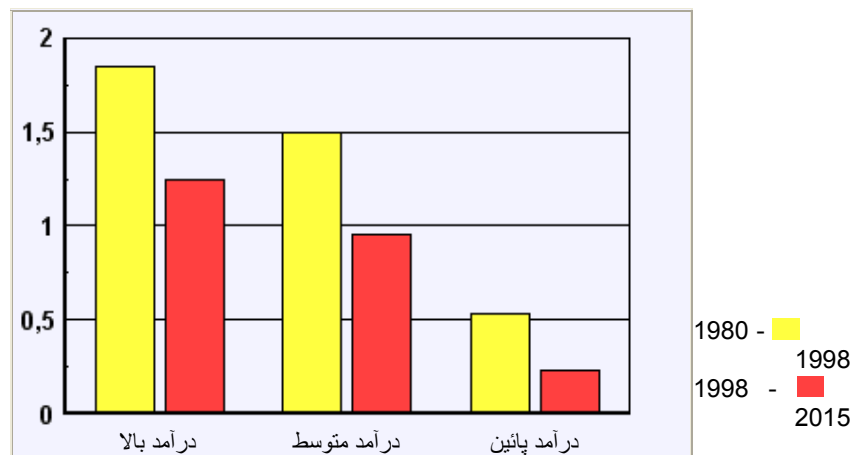
در سطح جهانی، رفتارهای تولید مثلی بشر، به طور فزاینده ای اسباب نگرانی می شوند. جمعیت شناسان، از دو قرن پیش، از زمان توماس مالتوس (Thomas Malthus)، نگران «ازدیاد بی رویه سکته زمین» بوده و افزایش تولید مثل را مشکلی که به راه حلی نیاز دارد، دانسته اند. هرچند که پیش بینی وخیم مالتوس عملی نشده، اما بسیاری از ترس و نگرانیهای او هنوز به قوت خود باقی اند. بحث مفصل در این باره خارج از حیطه این دوره آموزشی است، ولی حداقل یک مسئله آن باید در اینجا مطرح شود:

مسلم به نظر می رسد که در آینده، کشورهای دارای کمترین امکانات، بالاترین نرخ زاد و ولد را خواهند داشت. به عبارت دیگر، در سطح جهانی، زوجهای فقیر تعداد فرزندان بیشتری نسبت به زوجهای غنی خواهند داشت. اگر موضوع را به شکل دیگری مطرح کنیم، این طور عنوان می شود: کشورهای با سطح درآمد بالا، جایی که کودکان از شانس بهتری برای رشد تواناییهای بالقوه خود برخوردارند، نسبت به کشورهای دارای سطح درآمد پائین، جایی که امکان تحصیلات و کار خوب نایاب است و احتمالاً نایابتر هم می شود، سطح زاد و ولد پائین تری داشته و خواهند داشت.

یافتن علت این امر چندان مشکل نیست: زنان در کشورهای رشد یافته، از برابری جنسیتی بیشتری برخوردارند، به راحتی به وسایل پیشگیری از بارداری دسترسی دارند، و در نتیجه در زمان تمرکز بر پیشرفتهای شغلی، می توانند از بارداری جلوگیری کنند. برعکس، زنان در کشورهای در حال رشد اغلب تحصیلاتی ندارند، به نقش زن خانگی و مادر بودن محدود شده اند، و به سختی به وسایل پیشگیری از بارداری دسترسی دارند.

به غیر از مشکلات آشکار اقتصادی و زیست محیطی منتج از این نابرابری رشد جمعیتی، این پرسش مطرح است که کشورها برای کنترل جمعیت خود تا کجا می توانند، و باید، پیش بروند. سؤال مشکلتری هم هست که چه بسا در آینده مطرح شود: کشورهای غنی تا چه اندازه می توانند و باید رشد جمعیتی کشورهای فقیر را کنترل کنند؟

سطح متوسط رشد جمعیت 1980 – 2015



تصویر فوق، رشد فعلی جمعیت در سه گروه از کشورها را نشان می دهد: کشورهای دارای درآمد پائین، درآمد متوسط، و درآمد بالا. رشد جمعیت در هر سه گروه رو به کاهش است، اما، انتظار می رود که ارقام قطعی، در آینده قابل پیش بینی افزایش یابند. در مقایسه با کشورهای با درآمد بالا، رشد جمعیت در کشورهای با درآمد پائین و متوسط سیر صعودی دارد. منبع: بانک جهانی

رشد و نمو رفتارهای جنسی

مرحله رشد

سن کهولت



این اواخر، رفتارهای جنسی دوران کهولت، به مد تبدیل شده است. نه تنها انتشارات علمی، بلکه کتابها و مجلات عام هم توجه خود را روی این موضوع، که زمانی رسماً فراموش شده بود، متمرکز کرده اند. یکی از دلایل فراموشی و بی توجهی، این باور تأسف انگیز حول «چرخه زندگی» فرد، در گذشته بود که پیری را به عنوان بازگشتی به دوران کودکی می دانست؛ یعنی «کودکی دوم». چنین باوری وجود داشت که، هر دو گروه خیلی جوان و خیلی مسن، هیچ علاقه ای به مسائل جنسی ندارند. درحقیقت، در «خانه های سالمندان» و مراکز مراقبت از افراد مسن، فرصت ادامه روابط جنسی ای که قبل از ورود به این مراکز شکل گرفته بودند را از زنان و مردان سلب می کردند، و حق شروع رابطه جنسی جدیدی هم به کسی داده نمی شد. این موضع ادامه داشت تا اینکه در دهه 1970 میلادی رو به تغییر نهاد. رسانه های ارتباط جمعی غرب ناگهان متوجه شدند که افراد پا به سن به عنوان بخش رو به رشد جمعیت، و در نتیجه، هدفی برای تبلیغات و دیگر استراتژیهای بازاریابی می باشند. ناگهان همه متوجه شدند که افراد نسبت به گذشته، بیشتر عمر می کنند، سالم تر می مانند، و پول بیشتری برای خرج کردن دارند. به عبارت دیگر، افراد مسن حالا، مشتریان بالقوه ردیفهایی از محصولات بودند؛ از تورهای مسافرتی به خارج و تورهای دریایی تا هتلها، خانه های موتور، وسایل ورزشی، کرمهای زیبایی، قرصهای ویتامین دار، مد و سرگرمیها. در نتیجه، افراد کهول ناگهان خود را خواستنی، عزیز، و در جایگاه «طبقه خوشگذران»، لذت جو با شهوتی سیری ناپذیر، یافتند. ولی، این تصویر به اندازه همان تصویر قبلی، اشتباه است. پروسه بیولوژیکی کهولت به طور اجتناب ناپذیری به از دست دادن انرژی فیزیکی منجر می شود، و این، انرژی اروتیکی را هم دربر می گیرد. توان و کارایی فعالیت جنسی کاهش می یابد، و بدن، کهولت خود را عیان می سازد: موی سر سفید می شود و یا می ریزد، ماهیچه ها شل می شوند، و پوست چین و چروک می اندازد، احساس شنوایی و بینایی ضعیف می شوند، و همه واکنشها و حرکات فیزیکی آهسته تر می گردند.

خوشبختانه، هیچکدام از اینها به معنای پایان روابط جنسی رضایت بخش نیست. زنان و مردان مسن در صورت آموختن راههای بی اعتنایی به کلیشه های سنتی دست و پا گیر مرسوم درباره «سکس»، می توانند در پیری هم بدون انکار ضعف فیزیکی خود، به ارضاء اروتیکی برسند.

رشد و نمو رفتارهای جنسی

مرحله رشد: کهولت

نقش جنسیتی (جندری)



اغلب مشاهده شده که همراه با گذر زمان، جفتهای مسن شبیه هم می شوند. منظور نه شباهت فیزیکی، بلکه رفتار و منش کلی، و چگونگی کنش و واکنش آنها با هم و با محیط پیرامون می باشد. در ظاهر، تفاوت جنسیتی (جندری) آنها ممکن است مثل سابق واضح و آشکار باشد، اما انطباق پیوسته تعمیق یافته متقابل آنها به همدیگر در طول زمان، تعادل خاصی بین آنها به وجود آورده، و خصائل مردانگی - زنانگی که قبلاً خیلی برجسته بودند را، رقیق و کمرنگ کرده است. مسلماً، این مسئله به هیچ وجه در مورد همه جفتهای صدق نمی کند، و به سختی شامل حال آنهایی می شود که تنها زندگی می کنند. با این همه، بررسیها، بار دیگر حقیقت بیان شده در فوق را تأیید می کنند: حتی نقشهای جنسیتی، که از همان ابتدا تثبیت شده، و اساس همه رفتارهای اجتماعی بعدی است، اغلب می توانند در دوران بزرگسالی دچار جرح و تعدیلاتی شوند. این پروسه تغییر چه بسا تا دوران کهولت هم ادامه یابد. بسیاری از والدین، بعد از آنکه فرزندان بزرگ شده و از آنها مستقل شدند، تعدیلاتی در تقسیم کار قبلی مابین خود، به وجود می آورند. فاکتور دخیل دیگر، ممکن است عامل بازنشتگی از کار باشد. آزادی و وقت اضافی ای که از این طریق به وجود می آید ممکن است باعث

شود که زن به دنبال چالشهای جدیدی برود؛ مثلاً انجام کارهای داوطلبانه و یا ثبت نام در یک مدرسه یا دانشگاه. در مقابل مرد ممکن است ترجیح دهد که در خانه بماند، آشپزی و تمیزی خانه را انجام دهد، و علائق فردی خود را دنبال نماید. یا اینکه زن و شوهر، به صورت برابر، پروژه یا برنامه کاملاً جدیدی را مشترکاً با هم شروع کنند. اینها همه بدان معناست که نقشها و رلهای جنسیتی، در دوران کهولت هم می توانند به طرق مختلفی عوض شوند و بر رابطه زن و مرد تأثیر گذارند. درواقع، توان ترک الگوهای رفتاری قبلی و بازنویسی نسخه های سنتی برای خود، ممکن است در امر گذار موفق از بزرگسالی به کهولت، حداقل در عرصه جنسی انسان، بسیار مهم و اساسی باشد. برای مثال: یکی از بزرگترین موانع ادامه رضایت و خشنودی، شاید این الزام باشد که مرد همیشه باید ابتکار عمل را به دست گیرد، و این که اگر مردی در هنگام عشق ورزی «مفعول و پاسیو» باشد، حتماً اشکالی دارد. از طرف دیگر، زنان پا به سن ممکن است ترس این را داشته باشند که در صورت به دست گرفتن ابتکار عمل و شروع عشقبازی، ممکن است لطافت و زنانگی خود را از دست بدهند. یک جفت مسن، بدون این موانع دست و پا گیر، به احتمال قوی، احساس خرسندی بیشتری خواهند کرد.

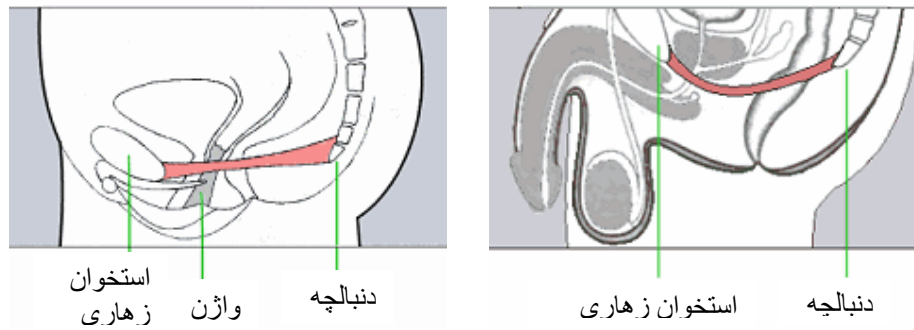
رشد و نمو رفتارهای جنسی

مرحله رشد: کهولت

واکنش جنسی 1

همانطور که بارها تکرار شده، همراه با افزایش سن، پاسخدهی جنسی انسان هم تضعیف می گردد. این تضعیف، بخصوص در مورد مردان، که معمولاً توان، انگیزه و عملکرد جنسیشان، بعد از پنجاه سالگی به طور قابل ملاحظه ای کاهش می یابد، صدق می کند. این افول در زنان، که عملکرد و کارایی جنسیشان کلاً هیچوقت به سطح مردان نمی رسد، کمتر مشهود است. با این وجود، هر دو جنس می توانند کماکان مقاربتهای جنسی رضایت‌مندی داشته باشند، اما، به شرطی که انتظارات غیر واقعی و پیشداوریهای منسوخ در رابطه با شروع «درخور»، میانه، و انتهای عمل آمیزش جنسی، نداشته باشند.

یانسگی به معنای پایان فعالیت جنسی یک زن نیست. برعکس، بسیاری از زنان، فعالیت جنسی خود را افزایش می دهند، چون آنها دیگر نگران بارداری و وسائل پیشگیری از آن نیستند. از جهت فیزیولوژیکی، دیواره واژن در زنان مسن، نازکتر می شود و در نتیجه، ترشح مایع واژنی آنها هم کاهش می یابد. این مسئله را می توان با مالیدن موضعی پمادهای هورمونی درمان نمود. (خوردن یا تزریق داروهای هورمونی برای زنان و مردانی که مشکل سلامتی ندارند، همیشه تجویز نمی شود. چون ممکن است در مواردی مفید، و در مواردی مضر باشند.) در بعضی از زنان، عضلات اطراف مهبل هم سست شده و باعث شل شدن آن می شوند. این نوع «شل» شدگی واژن را می توان از طریق تمرین ماهیچه های پی سی، برطرف نمود. (از جمله از طریق تمرینات کیگل. این فایل در کتابخانه مجازی جنسیت و جامعه موجود است، م.) درواقع، مردان هم می توانند با انجام این تمرینات، پاسخدهی جنسی خود را بهبود بخشند. به هر حال، مردان مسن به مدت زمان بیشتری برای شق شدن آلت خود نیاز دارند، و احتمالاً به شقی سابق هم نمی رسد. از سوی دیگر، نیاز به رسیدن به ارگاسم و انزال هم معمولاً به شدت و حدت سابق نیست، و به این ترتیب، مرد قادر می شود مقاربت جنسی را برای مدت زمان طولانی تری نسبت به دوران جوانی خود ادامه دهد. در هر صورت، تا زمانی که یک جفت، واقعاً با هم صمیمی مانده و کانال رابطه و گفتگو را بین خود باز نگه دارند، آنوقت ضعف پاسخدهی جنسی آنها به رابطه شهوانیشان با هم لطمه نمی زند، بلکه بالعکس آن را محکم تر هم می کند.



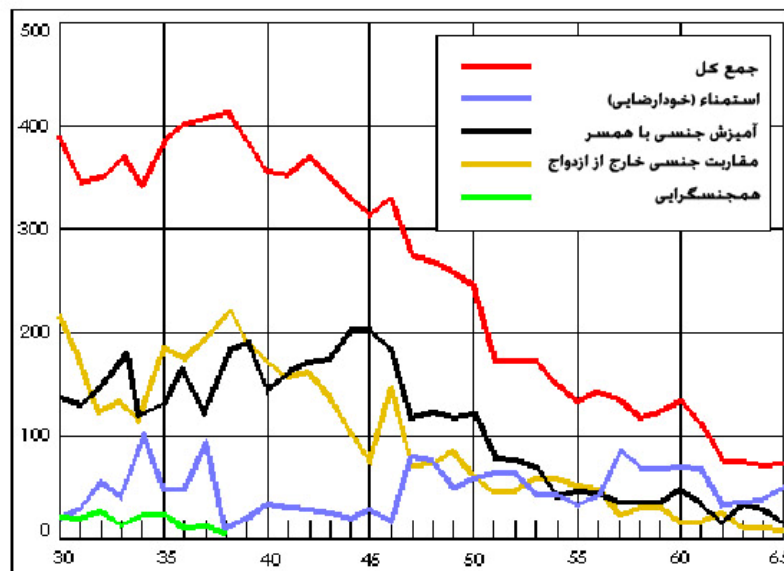
ماهپچه های پی سی (به رنگ سرخ در تصویر فوق) از استخوان واقع در قسمت استخوان زهاری (pubic bone) تا استخوان دنبالچه (coccyx) امتداد می یابند.
(چپ) در زنان این ماهپچه ها به واژن محاط شده و آن را دربر گرفته اند.
(راست) تصویر ماهپچه های پی سی در مردان.

رشد و نمو رفتارهای جنسی

مرحله رشد: کهولت

واکنش جنسی 2

نمودار زیر، کاهش عملکرد جنسی همراه با بالا رفتن سن یک مرد (دکتر وای) را نشان می دهد. سند موجود، تعداد دفعات انواع فعالیتهای جنسی سالانه او را به تصویر می کشد. این امر به ویژه از این جهت قابل توجه است که این نوع زندگی و حیات جنسی، از بسیاری جهات، غیر معمولی است. با این وجود، همراه با افزایش سن او، عملکرد جنسی اش هر چه بیشتر، به عملکرد جنسی مردان هم سن و سالش شباهت می یابد.



نمای فعالیت جنسی دکتر «وای» از 30 تا 65 سالگی

آلفرد س. کینزی، دکتر «وای» را در سن 30 سالگی که تازه ازدواج کرده بود، تشویق نمود که از انواع فعالیتهای جنسی خود یادداشت برداری کند. پیشنهادی که او تا 65 سالگی با دقت و وسواس عجیبی دنبال نمود. در خلال این مدت او هیچوقت به طور جدی بیمار نشد، او چندین فرزند داشت و در هشتاد سالگی که درگذشت همچنان با زن اول خود زندگی می کرد. او هیچوقت با زن دیگری ازدواج نکرد. دکتر «وای» زندگی جنسی بسیار غنی ای داشته اما کاهش تعداد دفعات عمل جنسی او بعد از پنجاه سالگی کاملاً مشهود است.

کپی رایت: Erwin J. Haeberle

رشد و نمو رفتارهای جنسی

مرحله رشد: کهولت

رفتار اروتیکی 1



دوران پیری، به راحتی می تواند زمان تحقق رویاها و آرزوهای جنسی باشد. اما، این به شرطی امکانپذیر است که زنان و مردان با ضعف فیزیکی خود کنار آمده، آن را بپذیرند و با نزدیکی عمیق تر عاطفی، ضعف فیزیکی خود را جبران کنند. در این روند، آنها باید نگرش و شیوه برخورد جدیدی در قبال خود و همسر خویش، درپیش گیرند و برخی از الگوهای رفتاری سابق خود را تعدیل کنند. برای مثال، ممکن است یکی از مشکلات غیر ضروری برای جفتهای مسن، تأکید بر اندامهای جنسی و ارگاسم باشد. متأسفانه در دنیای مدرن ما، این بند کردن، بخشی از پیش نویسها و نسخه های فرهنگی ارائه شده می باشد و وسائل ارتباط جمعی بی وقفه آن را، به همراه تأکید بر جوانی، زیبایی و انرژی تکرار می کنند. اما اگر این نسخه ها بدون هیچگونه نقدی پذیرفته و در فرد درونی شوند، نتیجه به **اعوجاج روابط جنسی** منجر می شود. این امر شاید برای زوجهایی که هنوز پا به سن نگذاشته اند چندان مشهود نباشد. با این حال، چنانچه جفتها بتوانند باقی بمانند، این اعوجاج، هرچند که به صورت مبهمی احساس می شود، اما می توان به نوعی آن را تحمل کرد. ولی، با افزایش سن و زوال قدرت، زنان و مردان در صورت تمایل به ادامه ارتباط جنسی، خواه ناخواه باید تعادل از دست رفته بین خود را دوباره به دست آورند. برای جفتهای مسن، کشف تمام بدن به عنوان منطقه محرک جنسی، بهره گیری از همه انواع ارتباطات جنسی، و تمرکز بیشتر بر خود پروسه و عمل، تا نتیجه نهایی، یعنی ارگاسم احتمالی، بازده خیلی بیشتری برایشان به همراه دارد. درحقیقت، کهولت، دورانی است که در آن، جفتها تفاوت بین «سکس» و اروتیسیسم (شهوة انگیزی) را کشف می کنند، و رفتارهای اروتیکیشان، حتی در شرایط ضعف پاسخدهی جنسی آنها، برایشان رضایت بخش تر می شوند. در این مفهوم، ظرفیت احساس شادی و رضایت خاطر، تا هر زمان که زنده بمانند، در آنها همچنان بیشتر می شود. این موضوع در مورد هر دو جفتهای غیر همجنس و همجنس، صدق می کند. تا زمانی که رابطه ها سالم و بدون خدشه باقی بمانند، هر دو، تغییرات مشابهی را از سر می گذرانند، و امکان مساوی برای رشد فردی فراهم می کنند، فارغ از این که رابطه بین دو غیر همجنس باشد یا دو همجنس.

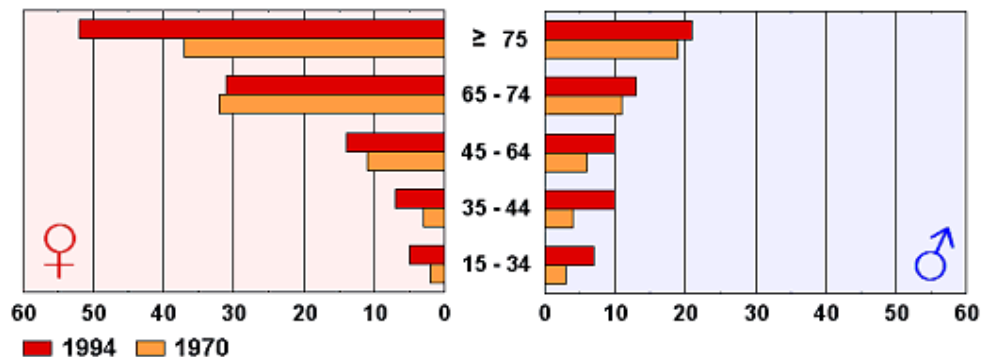
رشد و نمو رفتارهای جنسی

مرحله رشد: کهولت

رفتار اروتیکی 1

زنان و مردان مسنی که تنها زندگی می کنند، با چالش تماس گیری و یافتن ارتباط فیزیکی و عاطفی مواجهند. متأسفانه، فرهنگ مدرن ما، برای ارضاء نیازمندیهای جنسی در دوران کهولت، نسخه ای جز ازدواج ارائه نمی دهد. افراد مسنی که مجرد یا بیوه هستند، برای روابط اروتیکی خود، نسخه و مدلی که قابل تأیید اجتماع باشد، نمی یابند، و در نتیجه ناچارند خود برای آن راه حلی بیابند. برای مثال، بعضی از جفتهای مسن جداگانه زندگی می کنند، ولی مرتب به هم سر می زنند یا با هم به تعطیلات می روند. عده ای دیگر، در خانه مشترکی با هم زندگی می کنند ولی بدون آنکه ازدواج کرده باشند، چون نمی خواهند از حقوق بازنشستگیشان کسر شود. ضمناً، عده ای از زنان و مردان دیگر هم که در شرایط مشابهی هستند، به صورت گروهی با هم زندگی می کنند. این اواخر «خانه های سالمندان» و دیگر محلهای نگهداری افراد سالمند، شروع به تحمل و حتی تشویق روابط جنسی در بین ساکنان خود نموده اند. ولی اینها و موارد مشابه، کلاً در «منطقه خاکستری» جای دارند و از مقبولیت عام برخوردار نیستند. تعداد بسیار زیادی از سالمندان بدون هیچگونه تماس فیزیکی و عاطفی در آخر عمرشان رها شده اند. **مسئولیت یافتن نسخه ای فرهنگی که نیازهای اروتیکی سالمندان را پاسخ دهد، همچنان بر دوش جامعه باقی است.** در جهان پیشرفته، تعداد «مجردانی» که هرگز ازدواج نکرده اند، و همینطور تعداد زنان و مردانی که قبلاً متأهل بوده اند و حالا تنها زندگی می کنند، رو به افزایش است. در عین حال، امروزه مردم عموماً بیشتر عمر می کنند، و بنابراین، احتمال اینکه موضوع سالمندان مجرد در آینده حادثر شود، بیشتر است. تصویر زیر، اوضاع را در آمریکا در فاصله 1994 - 1970 نشان می دهد، اما مسیر کلی همچنان رو به بالاست و در بسیاری از کشورهای دیگر هم دیده می شود.

درصد بزرگسالان، بر حسب سن و جنس، که تنها زندگی می کنند. (سمت چپ: زنان، سمت راست: مردان) 1970 و 1994



منبع: اداره آمار ایالات متحده.

انواع اولیه رفتارهای جنسی



ویلهلم فون هامبولت
(Wilhelm Von Humboldt)
(1767 – 1835) متفکر آلمانی
اصلاحگر دانشگاهها، اولین نویسنده
(دوران) مدرن بود که رفتارهای
جنسی بشر را به صورت از جهت
اخلاقی بی طرفانه ای، کلاسه بندی
نمود.

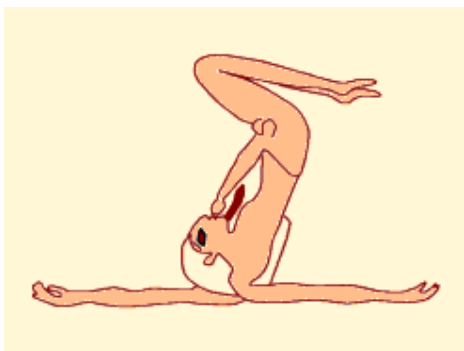
ویلهلم فون هامبولت (Wilhelm Von Humboldt) در 27-1826 خطوط کلی پژوهشهای جنسیت شناسی وسیعی تحت عنوان «تاریخ وابستگی در نژاد انسانی»، را ترسیم نمود. برنامه او بر این بود که در تاریخ «غریزه زایش» و تن فروشی تحقیق و تفحص کند. برنامه کار او هرگز به اتمام نرسید، اما هامبولت، برای اولین بار، رفتارهای جنسی بشر را به صورتی از جهت اخلاقی بی طرفانه، بر اساس احتمال چهارگانه آن، کلاسه بندی نمود.

1. (با) خود
2. (با) دگرجنس
3. (با) همجنس
4. (با) حیوان

این کلاسه بندی تا همین امروز هم برای ورود به موضوعی به این پیچیدگی، مفید می باشد؛ بنابراین ما هم در بخشهای بعدی این دوره آموزشی آن را به کار خواهیم برد. ولی، با توجه به ترمینولوژی علمی امروزی، ما به صورت دوم شخص و سوم شخص «دگرجنسگرا» (هتروسکسوال)، و «همجنسگرا» (هموسکسوال)، صحبت خواهیم کرد. (هترو و همو دو حرف اضافه یونانی اند و معنای «متفاوت» و «همسنگ» را می دهند).

شیوه های اولیه رفتارهای جنسی

1. خودتحریکی جنسی



اطوم (Atum) خالق زندگی

(نقاشی قدیمی مصری)

طبق یکی از افسانه های کهن مصری خدای خالق، اطوم، که در جهان تنها بود، به تحریک و مالش اندام جنسی خود پرداخت و اسپرم خود را بلعید. بعد با به بیرون تف کردن آن، اولین زن و اولین مرد را خلق کرد. بر طبق یکی از اسطوره های کهن سامری هم، خداوند بزرگ به نام انکی، خودارضایی کرده و از انزال او رودهای حیات بخش دجله و فرات زاده شدند.

نوع بشر (و بسیاری دیگر از حیوانات از نظر تکاملی پیشرفته) قادرند که بدون حضور شریک جنسی، تحریک شده و به ارگاسم برسند. امکان این گونه خودتحریکی در هر سن و سالی وجود دارد. احتمال این که به طور غیر ارادی و در خواب اتفاق بیفتد هم هست، یا اینکه فرد به طور ارادی، به وسیله استمناء به آن برسد. خلاصه اینکه، تا زمانی که ما سالم هستیم، فارغ از اینکه با کسی باشیم یا تنها، اما بدنمان همیشه از توان پاسخدهی جنسی برخوردار است. خودتحریکی جنسی همیشه شایع ترین نوع فعالیت جنسی بشر بوده، و از قدیم الایام در تصاویر و نوشته های تاریخی در همه نقاط جهان آمده است. درحقیقت، در بعضی از افسانه های کهن خلقت، خودتحریکی خالق، علت و ریشه زندگی است.

شیوه های اولیه رفتارهای جنسی

1. خودتحریکی جنسی: تاریخچه

عهد عتیق



کلادیوس گالینوس (گالن)

(201 – 129 بعد از میلاد)

بزرگترین پزشک دوران روم قدیم، خودارضایی را به عنوان یکی از ضروریات حفظ سلامتی، پیشنهاد نمود.

در عهد عتیق، تصور بر این بود که ارگاسم غیر ارادی زمانی دست می دهد که یک فرشته، یک روح یا شیطان، فرد را در خواب زیارت کند و بسته به شرایط، این می توانست اتفاقی خوب یا بد باشد. یونانیان قدیم و اطباء رومی بر این عقیده بودند که اسپرم محبوس در بدن، به سم تبدیل می شود و به این خاطر باید با فواصل منظم به بیرون دفع شود. و چنانچه شریک جنسی در دسترس نبود، آنوقت استمناء، آلترناتیو و راه حل خوبی بود. هر دو حالت، سلامتی فرد را تضمین می کردند. از سوی دیگر، یهودیان قدیمی، اعتقاد داشتند که منی همیشه باید برای هدف تولید مثل، محفوظ نگه داشته شود، و هرگز نباید تلف و ریخت و پاش شود. به این خاطر ارگاسمهای غیر ارادی (در خواب) مایه تأسف بودند، و خودارضایی یک جرم جدی محسوب می شد.

شیوه های اولیه رفتارهای جنسی

1. خودتحریکی جنسی: تاریخچه قرون وسطی

نگرانی از احتمال «ریخت و پاش» منی باعث نفی کلی خودارضایی مردان در مسیحیت گردید. علی رغم این حقیقت که در انجیل، از خودارضایی هیچوقت اسمی برده نشده است، اما مسیحیان برخورد های سنتی منفی یهودیان پیش از خود را در پیش گرفتند. با این همه، در اروپای سده های میانه، خودارضایی به عنوان یک مشکل تلقی نمی شد. درحالیکه خودارضایی در دارالتأدیبهای مختلف محکوم می شد، اما (در نوشته های مذهبی علمای آن دوره، به ندرت، یا فقط به طور غیر مستقیم به آن اشاره شده است. حتی در کتابهای پرسش و پاسخ اصول دین که در قرن شانزدهم طرفدار زیادی داشتند، در این باره چیزی آورده نشده است. این «از قلم افتادگی» در اولین نگاه ممکن است عجیب به نظر برسد، اما اگر به یاد بیاوریم که جنسیت در سده های میانه مفهوم نسبتاً محدودی داشت، آنوقت موضوع، عجیب به نظر نخواهد رسید. درحقیقت خود این موضوع ناشناخته بود. در عوض، مردم تنها یک رفتار را به عنوان عمل صرفاً جنسی به شمار می آوردند: آمیزش جنسی دخولی بین بزرگسالان. بنابراین به نظر می رسد که حداقل زنان و کودکان در رابطه با خودارضایی، چندان احساس گناه نمی کردند، بلکه به سادگی به آن به عنوان راهی جهت تسکین ناراحتی فیزیکی، همچون خارش، می نگریستند.

شیوه های اولیه رفتارهای جنسی

1. خودارضائی جنسی: تاریخچه اوائل عصر مدرن

در قرون 16 و 17، موضوع فعالیت جنسی و خودارضایی کودکان، برای اروپا کماکان تا حدود زیادی مسئله ای نبود. برای مثال، پادشاه فرانسه، هنری چهارم، درحالیکه تختی را که پسر کوچکش در آن نطفه بسته بود، به او نشان می داد، پیش چشمان کودک، آلت خود را در آورده، با دست کشیده و به او گفت: «ببین، این همانی است که تو را آنطور که هستی، درست کرد». درحقیقت، طبق گزارشات پزشک دربار، ولیعهد جوان، که بعداً با نام لوئیس سیزدهم تاجگذاری کرد و پادشاه شد، به طور مرتب از پرستاران و دیگر زنان قصر درخواست می کرد که آلتش را برای او نوازش کنند و بمالند. او به محض اینکه توانست راه برود، به این عادت کرد که آلتش را به بزرگترها نشان داده و آنها با آلتش بازی کرده و آن را می بوسیدند. در خصوص استمناء، خانواده پادشاهی، پیرو آموزه های جالینوس بود: هنگامی که شاهزاده به سن بلوغ رسید، روزی از روزها به محض آنکه «رئیس تشریفات» او را دید که با آلت شق شده از حمام به در آمد. خدمتکار هوشیار بلافاصله به وضعیت اضطراری پی برد و با دست خود برای نوجوان جلق زد. و گفت «این درمانی است که دیده ام در انگلستان آن را به کار می برند.»

	
هنری چهارم (1553 – 1610)	لوئیس سیزدهم (1601 – 1643)
پادشاهان فرانسه، هنری چهارم و لوئیس سیزدهم، از جهت جنسی آزاد و بی قید بودند، ولی با این وجود، پزشکان دربارشان، کماکان آموزه های «کلاسیک» پزشکی را به کار می بردند. در نتیجه، آنها خودارضایی را امری طبیعی و سالم می پنداشتند.	

شیوه های اولیه رفتارهای جنسی

1. خودارضایی جنسی: تاریخچه
اوائل قرن هیجدهم

در سال 1710 میلادی، جزوه ای، بدون اسم نویسنده، با این نام در انگلستان ظاهر شد: «اونانیا، یا گناه شنیع خودآلودگی و تمام عواقب وحشتناک آن در هر دو جنس. همراه با راهنماییهای عملی و معنوی برای آنانی که با این کار ناپسند به خود آسیب رسانده اند.» (1)
امروزه باور بر این است که نویسنده یک روحانی جعلی سابق بوده که حرفهای کهنه و قدیمی در باب خطرات «ریخت و پاش» منی را، تزئین کرده و به خورد خوانندگان خود داده است. او این عمل را «اونانیا» (Onania) نامید که از نام «اونان»، شخصیتی در انجیل که به علت سرپیچی از دستور خداوند مبنی بر آبستن کردن بیوه برادر خود مجازات گردید، گرفته شده است. طبق سنت آن زمان، او بعد از فوت برادر، با بیوه (برادر) مقاربت جنسی داشت اما با استفاده از روش بیرون کشیدن پیش از انزال، هرگونه احتمال آبستن شدن زن برادر را منتفی نمود. (سفر پیدایش: 10-8:38). متأسفانه، ایده های مضحک و بی معنی، و اصطلاح غلط انداز نویسنده خیلی زود با استقبال عمومی مواجه شد. جزوه نامبرده بلافاصله به چندین زبان اروپایی ترجمه شد و در آخر به چاپ هشتادم هم رسید.

1. "Onania, or the Heinous Sin of Self-Pollution and All Its Frightful Consequences in Both Sexes, Considered with Spiritual and Physical Advice To Those Who Have Already Injured Themselves By This Abominable Practice".



شیوه های اولیه رفتارهای جنسی

1. خودارضایی جنسی: تاریخچه
تیسولت و راش (Tissot and Rush)

در سال 1760، یک پزشک محترم سوئیسی به نام ساموئل تیسوت کتاب تأثیرگذارتری به اسم «اونانیسم، یا رساله ای حول اختلالات ناشی از استمناء» منتشر نمود. نویسنده ادعا کرد که استمناء نه تنها گناه و جرم است، بلکه علت اصلی بسیاری از بیماریهای جدی همچون «تحلیل قوا، کم سوئی، اختلال دستگاه هاضمه،

ناتوانی جنسی، و جنون» هم می باشد. تیسوت به موفقیتی خیره کننده دست یافت. نه تنها همه جا از او نقل قول می شد، بلکه در همه محافل از او به عنوان بزرگترین و معتبرترین منبع آگاه در موضوع استمناء نام برده می شد و در سطح جهانی به عنوان بانی خیر مردم، مورد احترام و تقدیر قرار گرفت. در خلال چند دهه، دیدگاههای او به عنوان دکتترین رسمی پزشکی به رسمیت شناخته شدند. مسئله آنچنان حاد شد که در جهان غرب، پزشکان در ردیابی ریشه هر مشکل فیزیکی، به استمناء می رسیدند.

در سال 1812، هنگامی که بنیامین راش (Benjamin Rush) «تحقیق و مشاهدات پزشکی حول اختلالات ذهنی» را منتشر نمود، اثرات مضر استمناء، در همه جا امر مسلمی دانسته می شد و تأثیرات مخرب آن هم به مقدار زیادی افزایش یافته بود. طبق نظر راش، جلق زدن نه تنها به جنون می انجامید، بلکه باعث «تضعیف اسپرما، ناتوانی جنسی، ناراحتی کلیوی، قوز پشتی، سوء هاضمه، عفونت خونی، ضعف بینایی، سرگیجه، صرع، افکار مایخولیایی، ضعف حافظه، جنون و مرگ» هم می گردید.



شیوه های اولیه رفتارهای جنسی

1. خودارضایی جنسی: تاریخچه گراهام و کلوگ

در آمریکای قرن نوزدهم، دو تن از بزرگان مبارزه با دیو خودارضایی، منادیان رادیکال «زندگی سالم» بودند. آنها، با تلفیق ترسهای کهنه روانپزشکی و نگرانیهای جدید مربوط به تغذیه و رژیم غذایی، مرزهای تازه ای درنوردیدند و بر فرهنگ طبقه متوسط آمریکایی تأثیر شگرفی گذاشتند. سیل وستر گراهام (Sylvester Graham)، کشیش کلیسای مشایخی پروتستان، که شاید تا امروز هم به عنوان مخترع (1) «Graham Crackers» در ذهنها به یاد مانده باشد، و الحق که او نوعی رژیم غذایی گیاهی را معرفی کرد که می توانست شهوت جنسی را فروکش کند. ولی با این حال، او ابتدا به عنوان فردی که علیه «سوء استفاده از خود»، نویسندگی و سخنرانی می کرد، معروف شد. او با ردیابی ریشه هر ناخوشی و ناسلامتی، به این «عادت نفرت انگیز» موفق شد ترس از استمناء را در دل بسیاری از خوانندگان، و جمعیت عظیمی که در مجالس سخنرانیهایش حضور می یافت، ببندازد.

جنگاور صلیبی بعدی علیه خودارضایی، پزشکی به اسم دکتر جان اچ. کلوگ (John H. Kellogg) بود. این گیاهخوار متعصب، آسایشگاهی در «باتل کریک» میشیگان راه انداخت و بیماران خود را با تنقیه و انواع تغذیه های حبوباتی، درمان می نمود. او، کلاً هر نوع عمل جنسی را به عنوان فعالیتی ناسالم رد می کرد. ازدواج خود او بدون هیچگونه آمیزش جنسی باقی ماند. او بخصوص خودارضایی را مضر می دانست و آن را «قاتل خاموش شب» می نامید. آنانی که جلق زنانی مسلم بودند، به کلینیک او راه داده نمی شدند، چون او آنها را درمان ناپذیر می دانست. در نتیجه، استمناء در خفاء، علت هر بیماری درمان ناپذیر شناخته می شد.

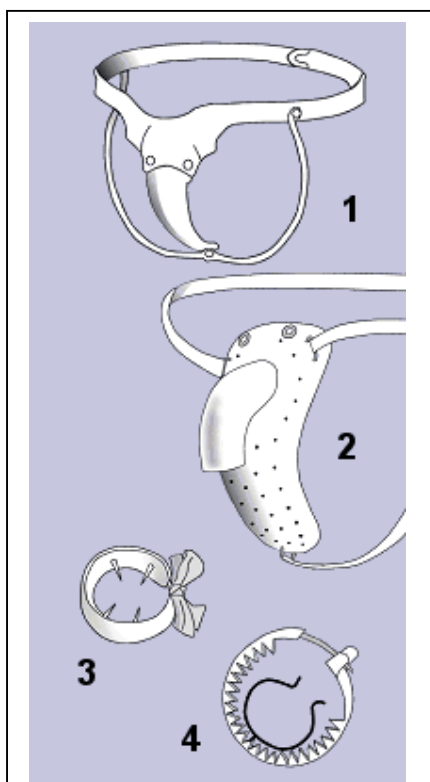


(چپ) سیلوستر گراهام (1795-1851)

(راست) جان هاروی کلوگ (1852-1943)

(1)- نوعی بیسکویت که با پنیر مصرف می شود. م.

شیوه های اولیه رفتارهای جنسی 1. خودارضایی جنسی: تاریخچه «جنون خودارضایی»



وسایل ضد استمناء

1+2 «کمربندهای عفت» که از نعوذ و شق شدن آلت جنسی جلوگیری می کنند. (دومی امکان ادرار کردن را می دهد.)
3+4 حلقه های خاردار برای آلت مردانه که مانع نعوذ می شوند.

در خلال قرن نوزدهم، پزشکان هر چه بیشتری بیماریهای شدید روانی را به استمناء ربط می دادند. هنری مودسلی (Henry Maudsley)، بزرگترین روانپزشک انگلیسی آن زمان، در سال 1867 «جنون خودارضایی» را «انحراف شدید احساسی که در مراحل اولیه به انحراف ذهنی، و در مراحل بعدی به کم هوشی، هذیانهای شبانه، و افکار قتل و خودکشی منجر می شود» تعریف کرده است. به دیگر سخن، استمناء کنندگان قاتلان بالقوه دانسته می شدند و احتیاط آن بود که در پشت درهای بسته نگهداری شوند. اگر این همه کافی نبود، حتی بعدها این بیماری کلاً درمان ناپذیر تلقی گردید. پس تنها کاری که پزشکان می توانستند انجام دهند، کشف آن در مراحل اولیه و کلاً پیشگیری از وقوع بود. به این دلیل، به والدین توصیه می شد که شبها دستهای فرزندان خود را به کناره های تخت ببندند، یا دستکشهایی با خارهای آهنی به دستشان نهند. نواربندهایی مخصوص و «کمربندهای عفت» (Chastity belts) برای پوشاندن و غیر قابل دسترسی کردن اندامهای جنسی، به کار گرفته شدند. پزشکان اهل فوت و فن، اسبابهایی اختراع کردند که مردم را در برابر «سوء استفاده از خود» «محافظت» می کرد. و نهایتاً، اگر همه اینها به شکست کشیده می شدند، پیشنهاد جراحی داده می شد. جراحیهای بیشتر مورد پسند، برای مردان، «اینفیبولایشن» (Infibulation) (گذاشتن یک حلقه فلزی در درون پوسته سر آلت مرد، با هدف پیشگیری از نعوذ- چفت

کردن آلت جنسی)، و برای زنان «کلیتوریدکتومی» (Clitoridectomy) (بریدن کلیتوریس دختران) بود. البته، گاهی سوزاندن با درفش داغ، یا قطع کردن عصبهای منتهی به آلت جنسی و اختگی هم ضروری می شد. لازم به گفتن نیست که همه این وسایل مکانیکی و عملیات جراحی، به تمرکز ذهنها بر روی آلت‌های جنسی و کارکرد آنها، منجر گردید. بنابراین، برای «بیماران» غیر ممکن بود که حتی لحظه ای هم «مشکل» خود را فراموش کنند. پس جای تعجب نیست که برای بسیاری، نگرانی در مورد استمناء به وسواس کامل فرا روئید.

شیوه های اولیه رفتارهای جنسی

1. خودتحریکی جنسی: تاریخچه

قرن بیستم



ویلهلم رایش (1897 – 1957)
روانکاو رادیکال اتریشی، که او
هم خودارضایی را برای درمان
توصیه نمود.

(1) - کتاب ویلهلم رایش به
اسم «کشف انرژی اورگن-
فونکسیون ارگاسم- روانشناسی در
عمق» توسط استپان سیمونیان
به فارسی ترجمه شده است.
مطلب «رابطه سرکوب جنسی
با اختگی روانی» که در شماره
هشت فصلنامه جنسیت و جامعه
به چاپ رسیده، از همین کتاب
گرفته شده است. م.

<http://www.wilhelmreichmuseum.org/index.html>

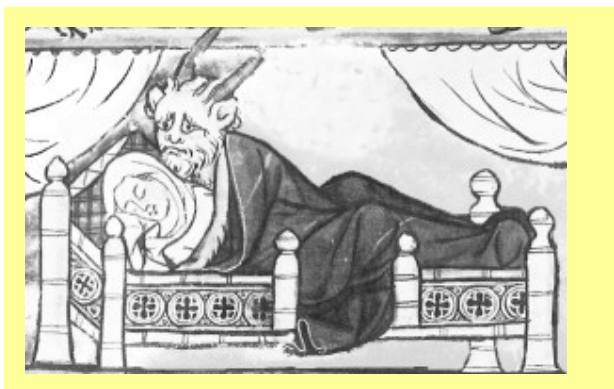
در اواخر قرن نوزدهم، زمانی که همه جوامع غربی صنعتی شده و شروع به خوردن میوه های خوان نعمت خود کردند، پروسه آهسته ای از لیبرالیزگی جنسی هم شکل گرفت و دکترینهای غالب پزشکی درباره خودارضایی مورد سؤال قرار گرفتند. در ابتدا، برخی از روانپزشکان این را مطرح کردند که خودارضایی، ممکن است نه سبب، بلکه نتیجه جنون باشد. سپس کلاً هرگونه رابطه ای بین جنون و خودارضایی مورد شک و شبهه قرار گرفت. «سوء استفاده از خود» شاید فقط یک «بد عادت» باشد، یا ممکن است علامت بالینی «رشد بازداشته شده» باشد. اما، بعضی از پزشکان، همچنان اصرار می ورزیدند که رشد فیزیکی یک جوان در گرو صرفه جویی در اسپرمش می باشد، و یک جوان با ریخت و پاش، و مصرف زود هنگام منی خود، باعث تضعیف بدن خود می شود. ولی این نظریه خیلی زود، در نتیجه نداشتن هرگونه سند و پشتوانه علمی، به کنار نهاده شد. در نتیجه، مد روز این شد که فقط در برابر «اصراف» در خودارضایی هشدار داده شود، و این موضع برای مدتی، موضع مناسب و راحتی به نظر می رسید. و چون حد و مرز «اصراف» هیچوقت تبیین و تعیین نگردید، پس ارائه سند و مدرک علمی هم لازم نبود، ولی با این همه، باعث دست نگه داشتن هر فردی می شد که ممکن بود به خودارضایی بیندیشد. از طرف دیگر، روانکاوانی همچون ویلهلم رایش (1) (Wilhelm Reich) به این بینش رسیدند که خودارضایی نوعی درمان است، بخصوص برای زنان. و درنهایت، تحقیقات مدرن و پژوهشهای جنسی موفق به نشان دادن این واقعیت گردیدند که: خودارضایی به خودی خود، هیچ ضرر فیزیکی یا روانی در بر ندارد، و «بیش از حد» یک مسئله نسبی است. درحالیکه بعضی از افراد هیچوقت خودارضایی نمی کنند، عده ای دیگر در طول دهها سال، روزی چند بار دست به خودارضایی می زنند، و این رفتار همانقدر «طبیعی»، «نرمال»، یا «سالم» است که آن رفتار دیگر.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

1. خودتحریکی جنسی: ارگاسم در خواب

این موضوع همواره آشنایی بوده است که موجود انسانی در حالت خواب هم قادر به تجربه پاسخدهی جنسی است. اما در فرهنگها و دوره های تاریخی خاصی، مردم این خصلت را فقط به مردان نسبت می داده اند. به عنوان مثال، در انجیل آمده که در بین عبرانیهای قدیم، از مردی که در حین خواب به ارگاسم رسیده بود، درخواست شده است که برای پاک کردن خود، به حمام برود. انزال غیر ارادی و خروج منی از او، «آلودگی» (احتلام) نام گرفت که، باعث «ناپاک» شدنش شده بود. (تثنیه 23 لاویان 15)

معادل چنین درخواستی برای زنان وجود نداشت. از آنجا که انزال به زنان دست نمی‌دهد، کسی به ارگاسم غیر ارادی آنها هم توجهی ننمود. اما، این مسئله در قرون وسطی، با زنده شدن اعتقادات قدیمی مربوط به شیاطین شبانه، تغییر نمود. در نتیجه، خوابهای جنسی، به آمدن جن، که به شکل زن بر مرد ظاهر شده و در زیر او می‌خوابد، و **دیو** که به شکل مرد بر زن ظاهر شده و بر روی او می‌افتد، نسبت داده می‌شد. این فکر بعداً نقش مهمی در «کشف» و پیگرد «ساحره‌های جادوگر» در قرون 15 – 17 میلادی ایفاء کرد، که یکی از غم‌انگیزترین دوره‌های هیستری جمعی و حماقت انسانی است.



دیو
از کتابی از دوران قرون وسطی

انواع اولیه رفتارهای جنسی

1. خودتحریکی جنسی: ارگاسم در خواب واژه‌ها و اصطلاحات

تا همین اواخر، اولیاء امور دینی و پزشکی به این عادت داشتند که کل موضوع را تحت نام «**آلودگی شبانه**» یا «**انزال شبانه**» مورد بحث و بررسی قرار دهند. حوالی نیمه قرن بیستم بود که کینزی و همکارانش، آمار قابل اعتمادی درباره دفعات این نوع عمل جنسی عرضه کردند. آمار و ارقام ارائه شده نشان می‌دادند که، نه تنها مردان، بلکه بسیاری از زنان هم، البته با درصد کمتری نسبت به مردان، در حین خواب به ارگاسم می‌رسند. در نتیجه، کینزی دیگر از اصطلاح «انزال شبانه» استفاده نکرد و به جای آن، «**رویاها**ی جنسی **شبانه**» (یا «**خوابهای جنسی شبانه**») (nocturnal sex dreams) را به کار گرفت. این اصطلاح می‌توانست در مورد هر دو جنس به کار برده شود. با این همه، رویاهای جنسی ممکن است در خلال خواب بعد از ظهر هم به سراغ فرد بیایند، و در آن صورت باید «**رویاها**ی جنسی روزانه» نام نهاده شوند. علاوه بر آن، رویاهای دارای بار جنسی تقریباً عادی اند اما اکثر آنها، مبهم و پراکنده بوده و کلاً به تحریک (جنسی) فیزیکی قابل توجهی نمی‌انجامند. به حساب آوردن این گونه رویاها در اینجا، صحیح به نظر نمی‌رسد، و عملی‌تر آن است که فقط آن دسته از رویاهای جنسی را به حساب آوریم که تحریک فیزیکی کاملی را شامل می‌شوند. به همین دلیل، به نظر می‌رسد که «**ارگاسم در خواب**» ساده‌ترین و صحیح‌ترین واژه (برای این پدیده) باشد.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

1. خودتحریکی جنسی: ارگاسم در خواب یک عمل طبیعی



روایاهای سکسی
داستانهای «زیبای خفته» و
«سفید برفی» که با بوسه شاهرزاده ای
خوش تیپ از خواب بیدار می شوند،
به شکلی سمبولیک به روایاهای جنسی
دختران جوان اشاره دارند.

ارگاسم در خواب، تقریباً همیشه با روایاهای جنسی همراه است. این مسئله بخصوص در مورد افراد مذکر صدق می کند. یعنی اگر به بلوغ جنسی رسیده باشند، اسپرم هم از آنها خارج می شود؛ به عبارتی احتلام. این روایاهای جنسی در خلال خواب ممکن است رفتارهای جنسی نامعمول و ممنوع همچون مقاربت جنسی با خویشاوندان نزدیک، با کودکان و یا با حیوانات، سکس گروهی و دسته جمعی، تن نمایی (exhibitionism) و بسیاری رفتارهای دیگر را هم تجسم کنند. رفتارهایی که فرد در حالت بیداری هرگز آنها را به تصور نمی آورد. به هر حال، در خواب، قید و بندها و موانع ذهنی معمولی و کنترلهای آموخته شده اجتماعی، اثر کمتری دارند، و در نتیجه، بسیاری از آرزوهای ناخودآگاه ما، به شکلی نمادین و بی ضرر، به خود جامعه عمل می پوشانند.

غیاب خویشتنداری آگاهانه درحین خواب، در پدیده دیگری هم اثر دارد: بسیاری از افراد (بخصوص زنان)، خیلی سریع تر از اوقات بیداری، به ارگاسم می رسند.

امروز، نگرشهای مذهبی و پزشکی نسبت به چنین تجربه ای به طور کلی بسیار ملایم است. بعضیها نسبت به این امر کلاً احساس نگرانی نمی کنند، و فقط زمانی آن را گناه می دانند که به نحوی برای آن برنامه ریزی شده باشد یا مورد استقبال قرار گرفته، و یا از آن لذت برده شود. درواقع، در حال حاضر باور عمومی بر این است که ارگاسم در خواب، ضروری، سالم، و یک جبران «طبیعی» برای روزه جنسی محسوب می شود. اما، این برداشت عمومی نادرست است. مثلاً بر اساس یافته های کینزی، زنانی که ناگهان فرصت چندین ارگاسم مقاربتی خود در هفته را از دست می دهند، در کل سال، تنها چند ارگاسم بیشتر در حین خواب به آنها دست می دهد. (تعداد ارگاسمهایی که در طول یک سال در خواب تجربه شده اند کمی بیشتر از تعداد ارگاسمهای تجربه شده در بیداری در خلال یک هفته می باشد.م.) درحقیقت، به بعضی از زنان، زمانی ارگاسم در خواب دست می دهد که در بیداری تعداد بیشتری ارگاسمهای ارادی داشته باشند. به طور خلاصه: ارگاسم در خواب، یک عملکرد ممکن طبیعی بدن انسان است، اما جایگزینی برای فعالیت جنسی آگاهانه نمی باشد.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

1. خودتحریکی جنسی خودارضایی (استمناء)



را برای خودارضایی به کار گرفته است.
پائین: موجود نیمه انسان و نیمه بز
(در افسانه های یونان) در حال
خودارضایی است. (از نقاشی بر روی
گلدانی یونانی که از دوران باستان باقی
مانده، گرفته شده است.)

کلمه ماستربایشن (استمناء) از فعل لاتین masturbare (manus: hand, stuprare= to defile, or turbare= to disturb) به معنی با دست آلوده کردن یا، بر هم زدن با دست، مشتق شده است. این اصطلاح فقط حدود دویست سال پیش وارد زبان انگلیسی شد. قبل از آن، مردم ظاهراً از واژه ها و اصطلاحات با بار تصریحی و تشریحی کمتری، همچون «شهوت جوانی» یا «لذت انفرادی» استفاده می کردند. اما کلمه «ماستربایشن» امروزه، وارد بیشتر زبانهای اروپایی شده، و در کتابهای تخصصی جایگزین دیگر واژه ها و اصطلاحات شده است. در شرایط فعلی، ما چاره ای جز ادامه همین رسم گفته شده، نداریم. ولی، نباید فراموش کرد که این واژه دقیق نیست و غلط انداز می باشد؛ چون هم زنان و هم مردان قادرند بدون استفاده از دستان خود، «ماستربایشن» کنند. به این دلیل برای محققان مدرن و امروزی، ماستربایشن «به هر نوع خودتحریکی فیزیکی که به پاسخدهی جنسی می انجامد، گفته می شود.» (1)

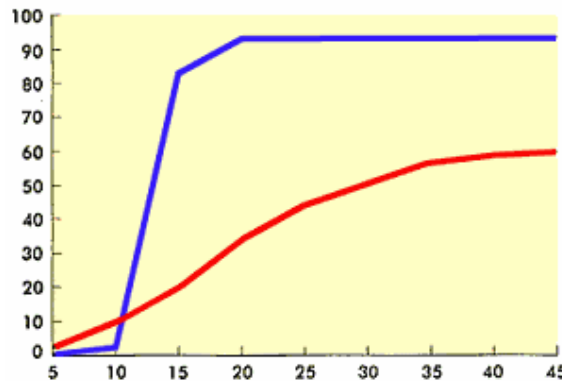
1- سکسولوگها می پذیرند که چه بسا افرادی باشند که قادرند با کمک فانتزی و ذهن، خود را تحریک کرده و حتی به ارگاسم برسند، اما اینگونه افراد، بخصوص آنهایی که قادرند با کمک فانتزی به ارگاسم برسند، آنقدر نادرند که در مباحث آموزش جنسی می توان از آنها گذشت و به طور عام به مسئله پرداخت چون در صحبت از خودارضایی و استمناء تنها نعوذ مد نظر نیست بلکه ادامه تحریک تا رسیدن به ارگاسم مد نظر است. م.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

1. خودتحریکی جنسی: خودارضایی

تجارب اولیه

هر دو افراد مؤنث و مذکر، ممکن است در همان دوران نوزادی، استمناء کردن را به خودی خود یاد بگیرند. آنها در حال بازی کردن با آلت جنسی خود، ممکن است نوعی لذت تجربه کنند که خیلی راحت بعداً هم بخواهند آن تجربه لذت را تکرار کنند. اما، اغلب اوقات، استمناء منظم و آگاهانه تا قبل از بلوغ اتفاق نمی افتد. پسران اغلب چگونه استمناء کردن را به همدیگر یاد می دهند، یا در صحبت‌های بین خود، درباره آن می شنوند. از آنجا که پسران خیلی علنی تر از دختران درباره مسائل جنسی بحث می کنند، معمولاً دانش و اطلاعات جنسی را هم در سنین پائین تری نسبت به دختران فرا می گیرند. در مقابل، در اغلب موارد دختران به تنهایی و به طور تصادفی، خودارضایی را کشف می کنند. بعضی از آنها، از طریق «لاس» با پسران، آن را یاد می گیرند، و برخی هم در کتابها و مجلات درباره آن می خوانند. حتی در مواردی، دخترانی وجود دارند که در طول سالها دست به خودارضایی می زنند بدون آنکه بدانند واقعاً دارند چه کاری انجام می دهند. به هر حال، به نظر می رسد که در کل، دختران کمتر از پسران تا مرحله ارگاسم، استمناء می کنند.



خودارضایی در دختران و پسران از کودکی تا میانسالی
درصد کل افراد مؤنث (قرمز) و افراد مذکر (آبی) که به تناسب سن خود، تا مرحله ارگاسم استمناء کرده اند.
منبع: کینزی و همکاران 1948

انواع اولیه رفتارهای جنسی

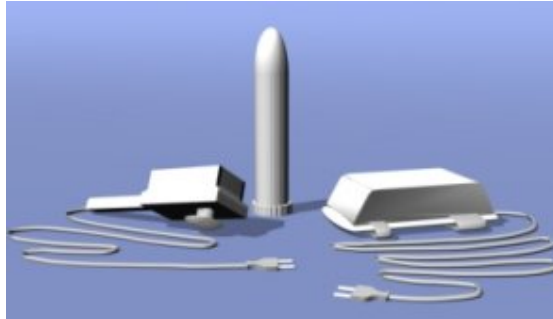
1. خودتحریکی جنسی: خودارضایی: افراد مؤنث

دختران و زنان هنگام خودارضایی ممکن است یک یا هر دو دست خود را به کار گیرند. آنها در اغلب موارد، کل فرج خود را می مالند، یا آرام و ملایم سر چوچوله (کلیتوریس) و لبهای داخلی فرج را می مالند. برخی از زنان، به طور همزمان همزمان با نوک پستانهای خود هم بازی می کنند، و در مواردی، همین مالش پستانها به تنهایی به ارگاسم می انجامد.

هم دختران و زنان، و هم پسران و مردان، گاهی به جای استفاده از دستان خود، ممکن است خیلی راحت آلت جنسی خود را به چیزی مثل بالش، حوله، تخت یا تشک بمالند. درواقع برخی از دختران با دوچرخه سواری هم به ارگاسم می رسند. بعضی از دختران با روی هم انداختن پاهای خود، یا به هم فشردن رانهای خود به همدیگر و عقب جلو کردنهای موزون آنها، به ارگاسم می رسند. در موارد خاصی، تنها انقباض و انقباض ریتمیک ماهیچه ای برای تولید ارگاسم کافی است.

بسیاری از مردان بر این تصورند که زنان هنگام خودارضایی، انگشتان و یا یک شیئی استوانه ای وارد واژن خود می کنند. ولی، زنانی که اشیائی را به طور عمیق وارد واژن خود می کنند، این کار را اغلب برای ارضاء لذت مرد انجام می دهند. اشیائی که برای این منظور مورد استفاده قرار می گیرند، معمولاً وسایلی ساده خانگی همچون شمع و یا خیار می باشند. آنچه که از قدیم الایام معروف بوده و هست، آلت مصنوعی مردانه یا **دیلدو** (dildo) می باشد. (1) دیلدو احتمالاً از کلمه ایتالیایی *diletto*، به معنی شمع، خوشی و لذت گرفته شده

است. دیلدوها از چوب، لاستیک و یا پلاستیک ساخته می شوند. امروزه انواع دیگری از وسایل کمکی خودارضایی در بازار یافته می شوند؛ برای نمونه وسیله الکتریکی ارتعاش دهنده ای به شکل آلت مردانه که به آن **ویبراتور** گفته می شود. انواعی از ویبراتورها یا ماساژ دهنده ها هم هستند که با هدف استفاده بر روی اندامهای جنسی بیرونی، ساخته شده اند. اینگونه وسایل آنچنان تحریک جنسی قوی ای ایجاد می کنند که دخول در واژن به پای آنها نمی رسد.



سه نمونه از انواع ویبراتورها

1- دیلدو= نره، ذکر، کیر/ قضیب مصنوعی، کیر کاشی، چرمینه. مچاچنگ. م.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

1. خودتحریکی جنسی: خودارضایی: افراد مذکر

خودارضایی افراد مذکر هم می تواند به اشکال مختلفی انجام شود. در اغلب موارد، دستها مورد استفاده قرار می گیرند. یعنی پسران و مردان ممکن است با دستهای خود، آلت جنسیشان را تا رسیدن به ارگاسم، نوازش کنند یا ماساژ دهند. آنها ممکن است در حین عمل، یک دست خود را برای نوازش و تحریک نقطه حساس دیگری در بدنشان به کار گیرند. مثلاً برای افزایش لذت جنسی خود ممکن است تخمهایشان را بالا بکشند، یا انگشتی وارد مقعد خود کنند. حتی در موارد نادر، بعضی افراد برای لذت بیشتر، شیء جامدی مثلاً یک سیم را، وارد سوارخ ذکر خود می کنند. اما این گونه افراد به شدت نادرند. (لازم به گفتن نیست که این عمل دردآور و به طور بالقوه خطرناک می باشد.) انواع مختلفی از ابزارهای مکانیکی، و حتی الکتریکی (پمپهای واکوم) خودارضایی برای مردان هم وجود دارند. این ابزارها، که عمل مکیدن موزون هوا بر روی آلت جنسی را اعمال می کنند، احتمالاً برای معلولین جسمی و یا افراد دارای اختلال جنسی هم کاربرد دارند. اما، برای پسران و مردان سالم، این وسایل نسبت به اشکال «سنتی» خودارضایی هیچ مزیتی ندارند.



ابزار و آلات امداد جنسی

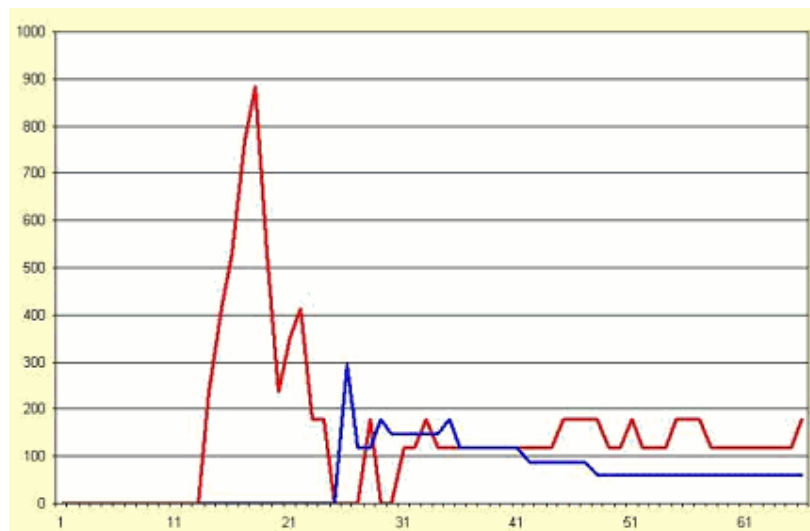
امروزه در بسیاری از کشورها، انواع «فروشگاههای سکس»، «اسباب بازیهای جنسی» یا «ابزار و آلات امداد جنسی» می فروشند. برای مثال: (سمت چپ) یک پمپ واکوم شفاف است که از موادی سفت، و با هدف کمک به نعوذ و شق شدن ذکر ساخته شده است. (سمت راست): یک روکش ویبراتوری است که با باتری کار می کند و از ماده ای نرم جهت کمک به استمناء ساخته شده است.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

1. خودتحریکی جنسی: خودارضایی

فعالیتی عام

برخی از کتابهای پزشکی، خودارضایی را صرفاً کار نوجوانان و جوانان معرفی می کنند. درحقیقت، ما می دانیم که برای بسیاری از افراد زیر بیست سال، خودارضایی رایج ترین و حتی تنها راه لذتبری جنسی است. ولی، این بدان معنا نیست که خودارضایی موضوعی است که مختص مرحله اولیه رشد جنسی بشر می باشد، و درنتیجه، فقط در دوران نوجوانی و جوانی «مناسبت» دارد. برعکس موضوع بدین معناست که نوجوانان و جوانان امکانات و فرصتهای کافی برای مقاربت و مقاربت جنسی در اختیار ندارند. وگرنه، در عالم واقع، بسیاری از بزرگسالان، از جمله افراد متأهل هم، خودارضایی می کنند. خودارضایی یک فرد متأهل، فی نفسه و به خودی خود چیزی را درباره روابط تأهلی او بازگو نمی کند. خیلی ساده، یک زن یا شوهر ممکن است در کنار روابط جنسی زناشویی خود، از استمناء و خودارضایی هم لذت ببرند. زنان و مردان مسنی که تنها زندگی می کنند، یا همسرشان بیمار، دارای ضعف و یا به عللی ناتوان است هم، ممکن است مجدداً، به شدت به خودارضایی علاقه مند شوند. در این حالات و بسیاری موارد مشابه، خودارضایی جایگزینی برای مقاربت جنسی است؛ چون از شدت فشار جنسی می کاهد، ورزش و تمرینی برای بدن است، قدرت تصور و خیال را تقویت می کند، و توان و ظرفیت جنسی فرد را هم زنده نگه می دارد. و نهایتاً اینکه، خودارضایی ممکن است برای افرادی که دارای نقص عضو یا ناتوانیهای خاصی باشند، به عنوان راه حل مهمی جهت خلاصی از تنش و فشار جنسی عمل کند.



دفعات سالانه خودارضایی و مقاربت جنسی زناشویی

آقای ث. یک مرد اروپایی متأهل و دارای دو فرزند، فعالیت جنسی خود را از کودکی تا شصت و هفت سالگی یادداشت نمود. همانطور که دو منحنی فوق نشان می دهند، **خودارضایی (منحنی قرمز)** تا قبل از ازدواج تنها راه لذت بری جنسی او بوده و در امتداد **مقاربتهای جنسی زناشویی (آبی)** او هم ادامه می یابد. رفتارهای آقای ث. ممکن است به همه قابل تعمیم باشد یا نباشد. با این حال، نمودار فوق افزایش ظرفیت و توان جنسی مرد، بلافاصله بعد از بلوغ، را نشان می دهد.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

2. مقاربت جنسی دگرجنسگرایانه

طبق فرهنگ لغات، کلمه اینترکورس intercourse از کلمه لاتین intercurrere به معنی مابین رفتن،



تصویری قدیمی از مقاربت جنسی

حکاکی روی سنگ، حوالی 1500 سال قبل از میلاد مسیح. ایالت گوانگسی در چین. موزه سکس در تونگی-چین

گرفته شده است و می تواند به هرگونه تبادل و ارتباط بین افراد دلالت داشته باشد. پس، کسی ممکن است از اینترکورس اجتماعی به طور عام صحبت کند یا به طور خاص، از اینترکورس مشاهده ای بین دو فرد که به هم چشمک می زنند، یا اینترکورس دهانی بین مردمی که با هم حرف می زنند، یا از اینترکورس دستی بین دو فردی که با هم دست می دهند. اما با این وجود، بسیاری از نوشته های کتابی، این واژه را در معنای محدود آن به کار می برند. و هنگام کاربرد اینترکورس فقط یک نوع رابطه جنسی، و آنهم نوع خاصی از رابطه جنسی را مد نظر دارند: جماع دخولی یعنی مقاربت واژنی. متأسفانه، این کاربرد محدود، حالا دیگر کلاً توسط مردم پذیرفته شده است. برای مثال، در نوشته های عام، بین «اینترکورس» (مقاربت واژنی) و «لاس زدن» (همه دیگر انواع نزدیکی و تماس جنسی) تفاوت گذاشته می شود. آنها حتی این را هم اعلام می کنند که دخول واژنی باید با «لاس زدنهای قبلی» و «نوازشهای بعدی» همراه شود. کوتاه سخن اینکه، آنها این را می رسانند که تنها تماس جنسی که واقعاً به حساب می آید، همانا تماس بین واژن زن و ذکر مرد می باشد. این نظر بسیار کوتاه بینانه ای است. در آخرین تجزیه و تحلیل، همانطور

که در دوره آموزشی شماره یک دیدیم (1)، واکنش جنسی بشر، شامل حال کل بدن می شود، و از راههای مختلفی می توان به ارگاسم رسید. دخول واژنی شاید عام ترین نوع رابطه جنسی باشد، اما به هیچ وجه تنها روش نمی باشد. درواقع بسیاری از زنان و مردان این روش را برتر نمی شمارند. علاوه بر این، افراد بیشمار وجود دارند که بنا به مسائلی همچون نقص عضو، بیماری، جراحات و غیره، کلاً از جهت فیزیکی قادر به انجام عمل دخول نیستند. ولی با این وجود، بسیاری از آنها دیگر انواع مقاربت جنسی را به کار می گیرند و در روابط خود به ارضای جنسی می رسند.

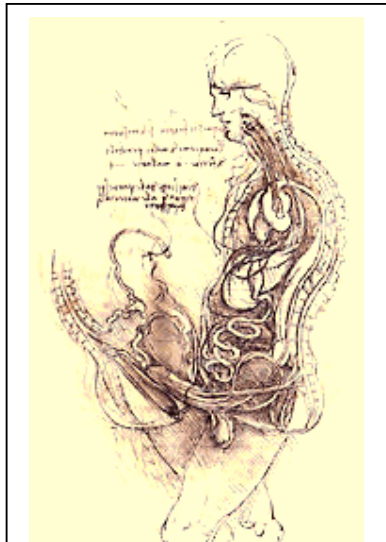
(1). شماره چهار فصلنامه جنسیت و جامعه ترجمه کامل همین دوره آموزشی شماره یک می باشد.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

2. مقاربت جنسی دگرجنسگرایانه

نه فقط مقاربت دخولی

دخول واژنی تنها شکل مقاربت جنسی است که به تولید مثل می انجامد، و به این خاطر، در فرهنگ ما، نسبت به دیگر روشهای آمیزش جنسی، به عنوان عملی برتر، ستوده شده است. طبق سنتهای مذهبی یهودی و مسیحی، منظور، جدایی ناپذیر بودن سکس و تولید مثل بوده است. هر نوع فعالیت جنسی که بنا به طبیعت خود، به بارداری نمی انجامید، گناه تلقی می شد و می بایست از آن اجتناب نمود. درحقیقت، در بیشتر کشورهای اروپایی، گناه به مرور، به جرم تبدیل شد. مقاربت جنسی غیر دخول واژنی، در طول قرن‌ها به عنوان یک جرم جدی تلقی می گردید و مجازات شدیدی داشت. و در آخر، روانپزشکان مدرن، با این ادعا که آن دسته از افراد بالغی که دخول واژنی را بر دیگر انواع آمیزشهای جنسی ترجیح نمی دهند، بیمار روانی هستند، یا حداقل «نابالغ»، جرم را به بیماری تبدیل کردند. تأکید بیش از اندازه بر دخول واژنی، بدون شک، زندگی بسیاری از افراد را بی‌نوا کرده است. درمانگران جنسی (سکس تراپیستهای) مدرن، معتقدند که بند کردن زنان و مردان به واژن و ذکر، و بی توجهی به دیگر نقاط و قسمتهای حساس و شهوت برانگیز بدن، خود می تواند در نهایت، به حساسیت زدایی و در نتیجه، زیان رسانی و محدودیت کارکرد جنسی آنها منجر شود.



دخول واژنی
رسم آناتومی توسط لئوناردو
داوینچی (1519 – 1452)
وینزا، کلکسیون خانواده سلطنتی
بریتانیا

درواقع، با برتر شمردن و تنها روش اصولی دانستن آمیزش جنسی دخولی، دیگر انواع مقاربت جنسی، کمتر ارزشمند به حساب خواهند آمد. یا حداقل به عنوان «تنوع»، یا «فرع» یا نوعی «پیش درآمد» یا «پس درآمدی» بر «عمل اصلی» تلقی می شوند. به عبارت دیگر، جفتها، می بایست انواع مختلف و متنوع مراوده جنسی خود با همدیگر در حین مقاربت جنسی را با منتهی کردن همه آنها به دخول واژنی، به شکلی توجیه کنند. آنها با تقسیم کردن مقاربت جنسی خود به بخشهای مختلف، و ارزشگذاری هر بخش، خود را از بهره مندی از رشد و توان کامل جنسی خویش، محروم می سازند.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

2. مقاربت جنسی دگرجنسگرایانه

تعریفی که ما ارائه می دهیم

ما، در این دوره آموزشی، از رهیافتهای استاندارد معرفی شده در بسیاری از راهنماهای سکس و ازدواج، پیروی نمی کنیم، بلکه با موضوع به شکلی عام برخورد خواهیم کرد؛ یعنی، به جای تلاش برای تحمیل نوع خاصی از ترجیح بند جنسی، با یک تعریف ساده شروع می کنیم:

آمیزش جنسی به هر نوع رابطه بین افراد که شامل پاسخدهی جنسی می باشد، گفته می شود.

مسلماً، چنین رابطه ای می تواند، انواع و اشکال متنوعی به خود بگیرد. ممکن است افراد در حین بغل کردن و بوسیدن هم، یا فقط هنگام چشم دوختن به هم، یا هنگام صحبت تلفنی با هم، نسبت به همدیگر تحریک جنسی شوند، به عبارت دیگر، آنها ممکن است هیچوقت به اندامهای جنسی همدیگر دست نزنند،

و حتی هیچگونه تماس مستقیم فیزیکی با هم نداشته باشند. با این همه، تا وقتی که نوعی مبادله و آگاهی متقابل مبنی بر حضور میل و احساس جنسی بین آنها وجود دارد، آنوقت به معنای واقعی کلمه، بین آنها آمیزش جنسی (سکسوال اینترکورس) برقرار شده است.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

2. مقاربت جنسی دگرجنسگرایانه

انواع اولیه مقاربت جنسی

نویسندگان آکادمیک اغلب چنین نیازی احساس می کنند که آنچه را که مردم در حین عشق ورزی با هم انجام می دهند را مشخص، کلاسه و دسته بندی کنند. برای مثال، حتی مقاربت جنسی بدون تماس فیزیکی هم می تواند به چند زیر مجموعه تقسیم شود. بنابراین، در مورد فردی که با صحبت های تلفنی سکسی، تحریک و تهییج می شود، و حتی تماس گیرنده را هم به ادامه کار تشویق می کند، ممکن است گفته شود که او در آمیزش جنسی «صوتی و سمعی» شرکت دارد. به همین شکل، می توان در مورد افرادی که نامه های مهیج و شهوت برانگیز، عکس و یا ایمیل با هم رد و بدل می کنند، یا با دوربین اینترنتی همدیگر را دید می زنند، از «آمیزش جنسی پستی»، یا «آمیزش جنسی اینترنتی» صحبت کرد. با این همه، در زندگی روزانه، این نوع ترمینولوژی، غیر ضروری است. در نتیجه، اغلب متخصصان عملاً حول چند نوع مقاربت جنسی که شامل تماس مستقیم فیزیکی حداقل یک طرف رابطه با اندام جنسی طرف دیگر می شود، توافق کرده اند. این، مسئله را عملاً تا حدود زیادی ساده می کند. به این دلیل، ما هم آن را به کار برده، و بین چهار نوع اولیه آمیزش و مقاربت جنسی تفاوت قائل می شویم:

وقتی که اندامهای جنسی یک طرف در تماس با دست (های) طرف دیگر باشد، ما از **مقاربت جنسی دستی** صحبت می کنیم.

وقتی که اندامهای جنسی یک طرف در تماس با دهان طرف دیگر باشد، ما از **مقاربت جنسی دهانی** صحبت می کنیم.

وقتی که اندامهای جنسی یک طرف در تماس با اندامهای جنسی طرف دیگر باشد، ما از **مقاربت جنسی آلتی** صحبت می کنیم.

وقتی که اندامهای جنسی یک طرف در تماس با مقعد طرف دیگر باشد، ما از **مقاربت جنسی مقعدی** صحبت می کنیم.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

2. مقاربت جنسی دگرجنسگرایانه

غیر انحصاری



مجسمه ای اروتیکی در یک معبد هندویی در خواجورا، مرکز هند، قرن دهم بعد از میلاد. با تشکر از سودهر بیروندکار

چهار نوع اولیه مقاربت جنسی، آلترناتیوهای مشخص و حد و مرز داری، یا شیوه های منحصر به فردی را نمایندگی نمی کنند. این درست است که بعضی از مردان و زنان خود را به نوع خاصی از مقاربت جنسی مقید می کنند، اما امروزه اغلب جفتها، خیلی راحت انواع شیوه های مختلف را به کار می گیرند. یعنی، مقاربت جنسی آنها در ابتدا ممکن است دستی باشد، بعد دهانی، و در آخر آلتی. درحقیقت اگر کسی بخواهد به خرده ریزه ها هم توجه کند، آنگاه مثلاً وقتی که دو نفر با نگاه عمیق به همدیگر، لذت خود را دو چندان می کنند، می توان از «مقاربت بینایی» صحبت کرد، یا زمانی که مرد آلت خود را در میان رانهای طرف مقابل قرار دهد می توان آن را «مقاربت فحذی» یا هنگامی که مرد آلت

خود را در بین پستانهای طرف مقابل قرار دهد، آن را «مقاربت پستانی» نامید. به هر حال، یک جفت ممکن است ساعتها در بغل همدیگر وقت گذارنده و انواع و اقسام عشق ورزی را تا رسیدن به ارگاسم تجربه کنند. و شاید زمانی دیگر، آنها فقط به لذت تحریک و تهییج متقابل همدیگراکتفا کنند بدون آنکه به ارگاسم برسند. هیچکدام از اینها، با تعریف ارائه شده ما، تناقضی ندارند.

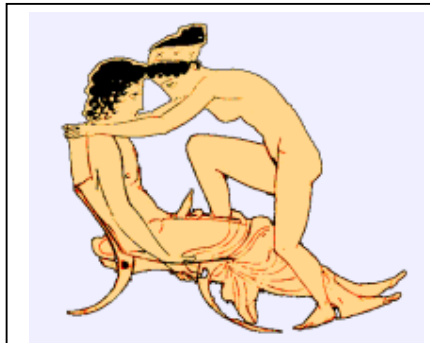
از طرف دیگر، باید به یاد داشته باشیم که اینجا صرفاً جنبه جنسی رابطه مد نظر ماست. برای نمونه، تعریف ما از مقاربت جنسی دستی، شامل حال معاينة دستی اندامهای جنسی بیمار توسط پزشک نمی شود. به صرف اینکه اندامهای جنسی یک فرد در تماس با دست، دهان، اندامهای جنسی، یا مقعد فرد دیگری قرار گیرند، به خودی خود، دلیلی برای اطلاق مقاربت جنسی بر آن نمی گردد. مقاربت جنسی زمانی اطلاق می گردد که حداقل یک طرف، آنچنان واکنش / تحریک جنسی ای از خود بروز دهد که طرف دیگر متوجه قضیه شده و آن را تشویق کند. این، از جمله بدان معنا است که عمل کودکانی که صرفاً از روی کنجکاوی به اندامهای جنسی همدیگر دست می زنند، را نمی توان مقاربت جنسی نامید.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

2. مقاربت جنسی دگرجنسگرایانه

تعریف واحدی وجود ندارد

درحالیکه توافق حول یک تعریف عام از مقاربت جنسی، کار آسانی است اما، هر تلاشی جهت ارائه یک تعریف استاندارد شده از آن، ابلهانه است. در اجتماع انسانی، سکس اساساً یک مسئله فردی است. هر فردی، علائق جنسی خود را دارا است و به همین جهت، جفتی وجود ندارد که دقیقاً شبیه جفت دیگری، عشق ورزی کند. بعضیها در طول عمر خود، فقط به یک روش خاص بسنده می کنند، بعضی دیگر روشهای خاصی را در مواقعی خاص به کار می گیرند، و برخی هم به طور مرتب به دنبال روشهای جدیدی می گردند. جفتهایی هستند که برای مقاربت و عشق ورزی خود فقط چند ثانیه یا چند دقیقه وقت لازم دارند، و جفتهایی هم وجود دارند که مقاربت و عشق ورزی خود را تا ساعتها ادامه می دهند. برخی از زنان و مردان بعد از اولین مقاربت جنسی، دیگر هرگز آن را تکرار نمی کنند، دیگری، با فواصل طولانی آن را انجام می دهند، و باز دیگری هم ممکن است مقاربت جنسی خود را روزی



جفتی در حال شروع آمیزش دخولی.
نقاشی روی گلدانی از دوران یونان باستان
موزه دولتی برلین

چند بار تا سالهای سال ادامه دهند. بر هیچکدام از این انتخابها (حالتها) به شرطی که رضایت و خرسندی طرفهای درگیر را فراهم آورند، اشکال و ایرادی وارد نیست، و مضحکانه خواهد بود اگر که «اولیاء امور و مسئولان» چیزی غیر از این به آنها بگویند. با این وجود، در طول دورانی مدید در تاریخ غرب، فقط مقاربت جنسی همراه با دخول واژنی «طبیعی» و قابل قبول شمرده می شد. خوشبختانه، در این مدت، اغلب متولیان امور دینی، قانونگذاری و پزشکی، برخورد روشن بینانه ای با موضوع درپیش گرفته اند. آنها این را درک می کنند که یک رابطه جنسی، کل فرد را، به صورت تمام و کمال درگیر می کند، و در نتیجه درخواست این که رابطه جنسی به اجزاء خاصی از بدن محدود شود، خود یک خواسته غیر طبیعی است. بر همین اساس، امروزه، حداقل در عمل، تجربه انواع و اقسام مقاربتهای جنسی، تا حدود زیادی امر پذیرفته شده ای است. در بخشهای بعدی، نگاهی به بعضی از انواع مقاربت جنسی، بدون تأکید خاص بر تولید مثل یا ارگاسم، خواهیم انداخت. در این نوشته هیچ تلاشی برای جا انداختن استاندارد، نرم، یا هدف مقاربتهای جنسی، به جز لذت متقابل، صورت نگرفته است.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

2. مقاربت جنسی دگرجنسگرایانه

مقاربت جنسی دستی

در اینجا، مقاربت جنسی دستی به معنای تماس اندامهای جنسی یک نفر با دست (های) دیگری، تعریف شده است. در راهنماهای قدیمی تر، این نوع مقاربت جنسی به معنای «لاسیدن» یا «عشق بازی» قبل از دخول و مقدمه ای بر آن، تعریف شده است. مالش شدید اندامهای جنسی زن، با دست مرد، برای تحریک و آمادگی کامل زن، ضروری دانسته می شد، و به مردان پند و اندرز داده می شد که این کار را به عادت برای خود تبدیل کنند تا بتوانند زنان خود را به ارضاء برسانند. متأسفانه، بسیاری از مردان این «مقدمه چینی» را به عنوان مسئولیت دیگری بر دوش مردها تلقی نمودند. علاوه بر آن، از آنجا که آنها دانش چندانی از واکنش جنسی زنان نداشتند، بعضیها، مالش و تحریک کلیتوریس را آنچنان شدید انجام می دادند که درد آن بیشتر از لذتش می شد. در مقابل، زنان میلی به دست زدن به اندامهای جنسی مردان نداشتند. خلاصه این که، آمیزش و مقاربت جنسی دستی، به ندرت به عنوان یک تجربه مشترک لذتبخش مستقل و قائم به ذات خود، در نظر گرفته می شد.

به هر حال، به نظر می رسد که امروزه یک تغییر و تحول کلی در نگرش و رفتارهای جنسی در حال اتفاق است. بسیاری از زنان و مردان، خیلی راحت و به طور علنی به همدیگر می گویند که در سکس از چه چیزی خوششان می آید، و در عرصه جنسی، کلاً آمادگی بیشتری برای آزمایش کردن، از خود نشان می دهند. در نتیجه، آنها متوجه این امر می شوند که دخول واژنی به هیچ وجه تنها راه رسیدن به ارضاء جنسی نمی باشد. در حقیقت، آنها چه بسا متوجه شوند که فقط با دست زدن، نوازش و ماساژ بدن همدیگر، به لذت دهی و لذت بری زیادی نائل می شوند. علاوه بر آن، درمانگران جنسی مدرن به این نتیجه رسیده اند که این نوع لذت دهی و لذت بری متقابل می تواند احساسات و خواسته های جنسی منع شده و سرکوب گشته در زنان و مردان را زنده کند و از این طریق بر ناکفایتی جنسی غلبه شود.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

2. مقاربت جنسی دگرجنسگرایانه

مؤنث – مؤنث

در حالی که جفتها نقاط و مناطق حساس و شهوت برانگیز بدن همدیگر را کشف می کنند، امکان اینکه آنها مجدداً، بارها و بارها به آن نقاط بیشتر حساس- اندامهای جنسی-



ماریا تریازا
(1780 – 1717)

دوشس بزرگ (همسر دوک اعظم)
اتریش، ملکه مجارستان و بوهمیا، زن
امپراطور روم مقدس. در اوائل ازدواجش،
پزشک بارگاهش، این نصیحت را به زبان
لاتین به همسرش داد:

“Ceterum censeo vulvam
Sanctissimae Majestatis ante
coitum esse titillandam”

(استنتاج من این است که فرج حضرت
مقدس می بایست قبل از جماع، غلغلک داده
شود.)

در آخر، او 16 فرزند به دنیا آورد.

مراجعه کنند، بیشتر است. پس، خیلی راحت و طبیعی، ممکن است یکدفعه متوجه شوند که مشغول مقاربت جنسی دستی، شده اند. چه بسا این را هم کشف کنند که هر کدام از آنها ممکن است مبتکر و شروع کننده باشد، یا به طور همزمان عمل کنند. در حالت اخیر، می توان از استمناء متقابل برای هم، سخن گفت. مسلماً چنانچه مردی بخواهد برای زنی استمناء کند، بهتر است که از او بپرسد که کجاها را می خواهد برایش مالش دهد و چگونه مالشی را بیشتر می پسندد. (شیوه خودارضایی کمتر زنی شبیه شیوه خودارضایی زن دیگری است.) در بیشتر مواقع جوابی که مرد دریافت می کند این خواهد بود که کلیتوریس نسبت به تماس مستقیم خیلی حساس است و بهتر است که مالش و تحریک، روی کناره های بدنه کلیتوریس و لبهای کوچک (داخلی) مهبلم متمرکز شود. به علاوه، با تحریک و شهوتی شدن زن، واژن او هم مرطوب می شود. مرد می بایست با به کارگیری انگشتان خود، این مایع لزج ترشح شده در واژن را به کلیتوریس هم برساند تا مانع سایش دردآور و احساس ناراحتی در آن ناحیه شود. مرد این را هم باید به یاد داشته باشد که با شدت گرفتن شهوت و هیجان زن، کلیتوریس به زیر پوسته غلاف یا کلاهک خود رفته و از نظر پنهان می شود. اما مرد،

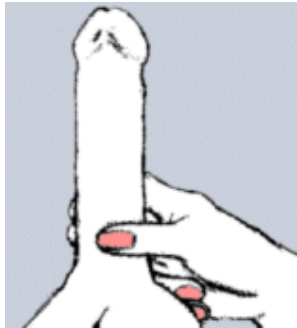
با مالش کل فرج و ادامه انجام دستورالعملهای زن مبنی بر این که کجاها را مالش دهد، آنوقت معمولاً قادر خواهد بود که زن را به ارگاسم برساند. درحقیقت، با توجه به این که زنان قادر به ارگاسمهای متوالی در فواصلی کوتاه می باشند، مرد می تواند عمل مالش و تحریک کردن زن با دست خود را ادامه دهد یا به مقاربت جنسی دهانی و یا آلتی رو آورد.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

2. مقاربت جنسی دگرجنسگرایانه

مونت – مذکر

از آنجا که راهنماهای سنتی ازدواج، معمولاً زن را از جهت جنسی، مفعول معرفی می کنند، در آنها، هیچ گونه پیشنهادی مبنی بر اینکه زن باید به اندامهای جنسی شوهرش دست بزند و آنها را تحریک کند، آورده نشده است. ولی، خیلی از مردان از اینکه کسی به آلتشان دست بزند و با آن بازی کند، لذت می برند. درحقیقت، هیچ کار دیگری به اندازه همین دست زدن، در تحریک جنسی سریع مرد، تأثیرگذار نیست. مسلماً زنی که می خواهد برای مردی استمناء کند، بهتر است که از او بپرسد که او دقیقاً می خواهد که آلتش چطور به دست گرفته شود و چگونه مالش داده شود. او اغلب می تواند با خیس کردن انگشتان خود با بزاق دهانش و یا مایع لزج کننده (لوبریکانت)، لذت مرد را دو چندان کند. چنانچه مرد در حال استمناء شدن به ارگاسم برسد، آنوقت به زمان کافی نیاز دارد تا دوباره بتواند به نعوذ دست یابد. ولی با این وجود، در این لحظه چنانچه زن بخواهد، مرد توان ارضاء او را دارد. در این حالت راه و تکنیک، مشخصاً همانا مقاربت جنسی دستی و یا دهانی خواهد بود.



تکنیک فشار

مردانی که اغلب مشکل کنترل ارگاسم خود را دارند، ممکن است روش پیشنهادی درمانگران جنسی به دردشان بخورد:
زن آلت مرد را تا لحظه نزدیک شدن به ارگاسم مالش می دهد، اما در این لحظه و بلافاصله قبل از انزال، به شکلی که در تصویر دیده می شود، آلت مرد را می فشارد، و با این تمرین می تواند به مرد کمک کند تا یاد بگیرد که چگونه انزال خود را به تأخیر نیندازد.

بعضی از زنان برای دست زدن و بازی کردن با آلت مرد، رغبتی ندارند چون چنین رفتاری را غیر زنانه، بچگانه، و یا کاری بد می دانند. آنها حتی ممکن است فکر کنند که هیچ مرد «واقعی» اجازه نمی دهد که اینگونه مورد «سوء استفاده» قرار بگیرد. اما بد نیست این دسته از زنان به یاد بیاورند که در طول تاریخ مردان برای دریافت چنین خدماتی به زنان تن فروش پول پرداخت کرده اند، و حتی امروز هم بسیاری از مراکز تن فروشی زنان، با ارائه این خدمات، به درآمدهای سرشاری دست می یابند.

همانطور که قبلاً گفته شد، محققان مدرن سکس، در ارزش مداوایی مقاربتهای جنسی دستی، شک و تردیدی ندارند، و بسیاری از درمانگران جنسی، در طول دوران مداوای بیماران خود، به آنها توصیه می کنند که آن را به کار گیرند. دلیل این راهنمایی ساده است: زن و مردی که یاد گرفته اند با به کارگیری دستهایشان به لذت دهی و لذت ستانی متقابل با هم بپردازند، معمولاً از توان و آمادگی خوبی جهت به کارگیری بهتر و مؤثرتر دیگر روشهای مقاربت جنسی برخوردارند.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

2. آمیزش جنسی دگرجنسگرایانه

مقاربت جنسی دهانی

آمیزش جنسی دهانی (سکس دهانی) در اینجا به مفهوم تماس شهوانی بین اندامهای جنسی یک فرد با دهان



آمیزش جنسی دهانی
سفالهای پیش کلمبیایی
فرهنگ موجیکا - کشور پرو.

دیگری است. اندامهای جنسی و دهان دو منطقه بسیار حساس بدن هستند که به راحتی تحریک می شوند، و به این دلیل، به هم رساندن این دو در هنگام مراوده جنسی، کاملاً طبیعی است. درحقیقت، این رفتار تقریباً در همه پستانداران دیده می شود، و از نقطه نظر بیولوژیکی، دلیلی وجود ندارد که انسان به عنوان رشد یافته ترین و حساس ترین پستاندار، از این قاعده مستثنی باشد.

به هر حال، در گذشته، در بعضی از جوامع و دوره های تاریخی، سکس دهانی گناه، جرم، و بیماری محسوب می شد، و جفتهایی که به آن دست می زدند، به شدت تنبیه می شدند. علی رغم محکومیت مذهبی، قانونی و پزشکی، اما سکس دهانی همچنان به طور وسیعی در فرهنگ ما رواج داشته است. البته این امر تعجب آور نیست، چون این نوع سکس به ارضاء زن و مرد - هردو - منجر می شود. به علاوه، سکس دهانی باعث آیستنی نمی شود و برای جفتهایی که مایل به پیشگیری از بارداری هستند، و برای این کار داروهای مناسبی نمی یابند، به عنوان یک عمل و راه حل طبیعی جلوه می کند.

جوانان و نوجوانان مجرد ممکن است از مزایای سکس دهانی، نه تنها در امر پیشگیری از بارداری، بلکه برای حفظ «یکارت» دختر هم، سود ببرند. پسران هم شاید به همان اندازه انزال در واژن، از ریختن «آب» خود در دهان دختر احساس لذت کنند. خلاصه اینکه، جفتهای زیادی، انواع و اشکال مختلف سکس دهانی را کشف و آنها را در جهت لذت و ارضاء جنسی خود به کار می گیرند.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

2. آمیزش جنسی دگرجنسگرایانه: آمیزش دهانی

مکیدن (خوردن) آلت مرد (Fellatio)



آلت خوری
آلت مرد جوانی توسط زنی
خورده (مکیده) می شود.
(نقاشی گلدانی از عهد یونان
باستان)

لغت «فلاسیو»، از کلمه لاتین Fellare به معنی مکیدن گرفته شده، و برای توضیح عمل لیسیدن و مکیدن (خوردن) اندامهای جنسی مرد به کار برده می شود. بسیاری از مردان، از مکیده شدن آلت خود لذت می برند، و بسیاری از زنان هم از اینکه مردان خود را با این شیوه به ارگاسم برسانند، احساس لذت می کنند. اندامهای جنسی بیرونی مرد نسبت به تماس بسیار حساسند، و لبها، زبان و گرمی و رطوبت درون دهان زن، بیشترین تحریک لذتبخش جنسی را یکجا فراهم می آورند. درحقیقت، یک زن می تواند تنها با بوسیدن حاشیه های داخلی رانهای مرد، در نواحی نزدیک منتهی به آلت جنسی، و یا با لیسیدن تخمهایش، او را به شدت تحریک کند. زن، همچنین می تواند با استفاده از دهان خود، مثلاً با لیسیدن پرینه (ناحیه بین تخمها و مقعد) مرد، و یا حتی با لیسیدن مقعد مرد، او را تحریک و شهوتی کند.

زنی که می خواهد آلت مرد را بمکد، بهتر است از او بپرسد که کدام نوع و شکل «خوردن» را بهتر می پسندد. زن این را هم باید

درک کند که چه بسا به مقداری تمرین و ممارست نیاز دارد تا بتواند مرد را با کمک دهان خود به ارگاسم برساند. حرکت آرام اما محکم دهان و زبان معمولاً اثربخشی بهتری دارند. در عین حال، زن باید مواظب باشد که دندانهایش، در هیچ نقطه ای با آلت مرد در تماس قرار نگیرند. هنگامی که مرد به ارگاسم نزدیک می شود، بهتر است که زن حرکت خود را تندتر کند و ضمن مکیدن سر ذکر، با دهان خود، پایه آلت را هم به کمک یک یا هر دو دست خود، جلق بزند. با این همه، این امکان هم وجود دارد که زن ابتدا عمل مکیدن را برای تحریک و هوسی کردن مرد انجام دهد و به محض شهوتی شدن مرد، او (زن) به دیگر انواع آمیزش جنسی با مرد، روی آورد. در اینجا، مثل همیشه، ترجیحات فردی یک جفت با هم، بهترین راهنمای عمل آنها می باشد.

همانطور که گفته شد، بسیاری از زنان از اینکه مرد در دهانشان به انزال برسد، لذت می برند، و حتی از مزه اسپرم هم خوششان می آید. اسپرم، ماده ای تمیز و بی خطر بوده و بدون هیچگونه اثر منفی، می تواند بلعیده شود. تنها استثنا، اسپرم مردی است که به بیماریهای انتقالی از راه آمیزش جنسی، دچار باشد.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

2. آمیزش جنسی دگرجنسگرایانه: آمیزش دهانی

لیسیدن و مکیدن آلت زن Cunnilinctus

لغت «کونیلینکتوس»، از کلمه لاتین *Cunus* به معنی فرج و *Linguere* به معنی لیس زدن گرفته شده، و برای توضیح عمل لیسیدن و مکیدن اندامهای جنسی زن به کار برده می شود. (در فارسی عامیانه، کس خوری یا کس لیبی گفته می شود. م.) معمولاً آلت های جنسی بیرونی زن و نواحی اطراف آنها، حساس ترین نقاط بدن او هستند، و به راحتی با کمک نوازش ملایم یک دست یا بوسه هایی داغ و آرام، تحریک می شوند. به عبارتی، یک مرد می تواند تنها با لیسیدن نواحی داخلی رانها و یا پرینه (ناحیه بین آلت جنسی و مقعد)، و حتی خود مقعد زن، او را تحریک کند. مرد همچنین می تواند با کمک بوسیدن، لیسیدن و مکیدن لبهای کوچک فرج و بدنه چوچوله، درجه شهوت و هوس زن را دو چندان سازد.

در حقیقت، مرد با کمی تمرین و ممارست، قادر خواهد بود که با استفاده از همین روش گفته شده، زن را به ارگاسم برساند. مردی که به لیسیدن اندامهای جنسی زن می پردازد باید از او بپرسد که چه نوع لیسیدنی را بهتر می پسندد و بعد به توصیه های زن عمل کند. مرد حتی در شرایطی که مشکل نعوذ دارد، می تواند با حوصله، تنها با کمک همین شیوه نوازش و تحریک (سکس دهانی)، زن را به ارگاسم برساند. گاهی هم ممکن است که مرد سکس دهانی را به عنوان وسیله ای برای هوسی و شهوتی کردن مقدماتی زن (و خود) به کار گیرد و بعداً به انواع دیگری از مقاربت جنسی رو آورد. با اوج گیری هوس جنسی و به اصطلاح عامیانه، با داغ شدن زن، واژن او مایع لزج خاصی ترشح می کند. در زنان سالم، این مایع لزج ترشح شده، کاملاً پاک و بی خطر است و می تواند بدون هیچ مشکلی بلعیده شود. تنها استثنا، مایع زنی است که به بیماریهای جنسی دچار باشد.

در سالهای اخیر صنایع مولد وسایل آرایشی، به تولید نوعی اسپری و شستشو دهنده خاصی به اسم «feminine hygiene» و واژن شوییهای خوشبویی دست زده اند. این تولیدات مصنوعی ممکن است تعادل زیست محیطی واژن را به هم بریزند و اسباب حساسیت و عفونت شوند. به همین دلیل، بهتر است که زنان از کاربرد اینگونه وسایل بپرهیزند و تنها به شستن و تمیز کردن اندامهای جنسی خود با آب و صابون اکتفاء کنند. واژن، به کمک مایعی که ترشح می کند، خود را تمیز نگه می دارد. ترشحات غیر عادی، یا بوی نامطبوع واژن علائمی از ناسالم بودن محیط مهبل است و در این صورت زن بایستی با پزشک مشورت کند. بعضی از جفتها ممکن است در خلال عادت ماهانه زن، از عمل «خوردن فرج» بپرهیزند. این یک مسئله شخصی است. این نظر هم مطرح است که در مراحل نهایی آبستنی، مرد بایستی از لیسیدن و مکیدن واژن و نواحی آن



فرج خوری
تزیینات دروازه نقره ای یک
عشرتکده در پکن-چین
قرن نوزدهم
موزه سکس چین، تونگلی.

بپرهیزد، چون ممکن است هوا وارد واژن شده و سلامت زن و جنین را به خطر اندازد. درحقیقت برای هر نوع آمیزش جنسی در مراحل پایانی بارداری، جانب احتیاط باید رعایت شود.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

3. آمیزش جنسی دگرجنسگرایانه: سکس دهانی «69»



شمای کوچک چینی
سلسله کیونگ، اواخر قرن نوزدهم.
موزه سکس چین، تونگلی.

اصطلاح عامیانه انگلیسی 69 (فرانسوی – Soixante neuf) برای توضیح حالتی از آمیزش جنسی به کار برده می شود که در آن یک جفت به طور همزمان به لیسیدن و مکیدن آلت های جنسی همدیگر می پردازند. در چنین وضعیتی، بدن های آنها نسبت به هم به حالت اعداد شصت و نه (69) انگلیسی قرار می گیرند.

دست زدن به آمیزش دهانی متقابل و همزمان، می تواند برای هر دو طرف، عمل بسیار لذت آوری باشد، و مسلماً می تواند به ارگاسم هم بیانجامد. ولی عموماً اکثر زنان و مردان، آن را فقط جهت تحریک و شهوتی کردن همدیگر به کار می گیرند و بعداً به انواع دیگر آمیزش جنسی رو می آورند، چون ممکن است نگه داشتن تعادل بدنی نسبت به هم در حالت نامعمول شصت و نه، به مدت طولانی برایشان مشکل باشد. البته می توان وضعیت قرار گرفتن را تغییر داد؛ مثلاً می توان به حالت عکس رو به روی هم خوابیدن را

با حالت عکس رو می همدیگر خوابیدن (افتادن) عوض کرد؛ اما باز در این حالت شاید فقط یکی از آنها بتواند به ارگاسم برسد. در این صورت، شاید بهتر آن باشد که آمیزش جنسی خود را به شکل دیگری ادامه دهند.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

2. آمیزش جنسی دگرجنسگرایانه: سکس دهانی شرط احتیاط



خطر اچ.آی.وی/ ایدز

شرکای جنسی تصادفی ممکن است بدون آنکه خود بدانند، به اچ.آی.وی / ایدز مبتلا باشند. به این خاطر، سکس دهانی با آنها با خطر ابتلاء به عفونت، بخصوص برای طرفی که اسپرم، ترشحات واژنی، خون قاعدگی، یا هر مایع دیگر بدنی را می بلعد، همراه است. با تشکر از BZgA کلن –آلمان.

با توجه به شیوع اچ.آی.وی. / ایدز، و گسترش بیماری های مقاربتی در جهان، زنان و مردان، هر دو، باید خطر سرایت عفونت از طریق مقاربت دهانی با افراد ناشناس و تازه آشنا را جدی بگیرند. حتی چنانچه شرکای جنسی آشنا هم، با افراد ناشناس و یا مبتلا، به آمیزش جنسی دست بزنند، و بعداً شریک جنسی رسمی آنها، اسپرم آلوده، ترشحات واژنی، خون قاعدگی، یا هر مایع دیگر بدنشان را بلعد، آنوقت طرف را به بیماری مبتلا می کنند. خطر انتقال اچ.آی.وی. / ایدز از طریق سکس دهانی چندان زیاد نیست، اما به هر حال وجود دارد.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

2. آمیزش جنسی دگرجنسگرایانه

آمیزش جنسی آلتی

در اینجا، آمیزش جنسی آلتی به معنای تماس شهوانی بین اندامهای جنسی دو فرد می باشد. اندامهای جنسی، حساس ترین نقاط شهوانی در بدن انسان می باشند، و به همین دلیل، از بین انواع آمیزشهای جنسی، اکثریت بزرگی از زنان و مردان، آمیزش جنسی آلتی را ترجیح می دهند. علاوه بر آن، از جهت ساختاری (آناتومی) هم، واژن و ذکر به راحتی به هم متصل می شوند. درواقع، در طول بخش بزرگی از تاریخ بشر، همین نوع اتصال و جماع (به لاتین Copulation) بین اندامهای زن و مرد بوده که زایش و تسلسل نسلها را امکانپذیر کرده است.



اهمیت معنوی دخول واژنی
تصویر اروتیکی بودا
سلسله کیونگ، چین
(1911 – 1644 بعد از میلاد)
موزه سکس چین، تونگلی.

(البته امروزه، یک زن می تواند به کمک لقاح مصنوعی هم آبستن شود.) در فرهنگ یهودی – مسیحی غربی، سکس به طور سنتی به هدف تولید مثل، ربط داده شده است. درنتیجه، به هم رسیدن و جماع واژن و ذکر، به عنوان تنها نوع طبیعی آمیزش جنسی معرفی می شد. گاهی، تحریک دستی و دهانی به شرطی مجاز شمرده می شد که دو طرف آن را به قصد اتمام کار با دخول واژنی، انجام می دادند. بدون چنین قصدی، این نوع مقاربت (دستی و دهانی)، گناه محسوب می شد. به علاوه، در اغلب کشورهای غربی، گناه، تحت عنوان جرم مجازاتی هم در بر داشت، و در قرن نوزدهم، روانپزشکان، گناه را به بیماری و اختلال روانی فرا رويانددند. با این وجود، تعداد هر چه بیشتری از روانپزشکان، فرضیات کلی و بلامنازع درباره هدف رفتارهای جنسی را مورد سؤال قرار دادند. و درنتیجه، امروزه، با خودارضایی و سکس دهانی به عنوان رفتارهایی سالم و دارای اثر درمانی مثبت، برخورد می شود. بر اساس این دیدگاه نسبت به جنسیت بشر، مقاربت و آمیزشهای جنسی غیر دخول واژنی، به خودی خود، و تا زمانی که به ارضاء طرفهای درگیر می انجامند، نباید اسباب نگرانی کسی شوند. البته، دلائلی وجود دارند که باور کنیم که آمیزش واژنی، هیچوقت محبوبیت خود را از دست نخواهد داد. در گذشته، این نوع آمیزش جنسی بر دیگر انواع ترجیح داده شده، و مسلماً در آینده هم چنین خواهد بود.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

2. آمیزش جنسی دگرجنسگرایانه: آمیزش جنسی آلتی

مالش اندامهای جنسی به هم



هماغوشی عاشقانه یک جفت
معبد هندویی در خاجورا، در
نواحی مرکزی هند.

وقتی که جوانان (teenagers) مجرد، دست زدن به مقاربت جنسی را شروع می کنند، آنها اغلب از فرو کردن ذکر خود در واژن دختر می پرهیزند، چون یا از بارداری ناخواسته می ترسند و یا به این خاطر که دختر می خواهد «باکرگی» خود را حفظ کند. اما از آنجا که پسرها در چنین مواقع عشق ورزی معمولاً به شدت تحریک می شوند، گاهی دختران به آنها اجازه می دهند که از طریق «لاس زندهای شدید» به ارگاسم برسند. مثلاً، دختری که خود زیاد شهوتی نشده باشد اما به پسر اجازه دهد که با لباس روی او خوابیده و ادای حرکات دخول واژنی را در آورد. اغلب پسران به راحتی از این طریق به ارگاسم می رسند، و در بین خودشان، این عمل را «dry humping» («جماع خشک») می نامند. دوست دختر، به مرور اجازه بیشتری به آنها می دهد. درنتیجه، آنها ممکن است تمام یا بیشتر

لباسهای خود را درآورند، و در آخر، شاید هم جفتها تصمیم بگیرند که در حین عمل کاملاً لخت شوند. با این وجود، ممکن است دختر همچنان از آبیستن شدن و یا از دست دادن هیمن (پرده بکارت) خود واهمه داشته باشد. او شاید از خونریزی، درد، و یا ابتلا به بیماریهای مقاربتی هم بترسد. با این حال، او ممکن است با رضایت خاطر به دوست پسرش اجازه دهد که ذکر خود را روی فرجش بمالد، اما به شرطی که سعی نکند آن را به داخل فشار دهد. چنین تماسی بین اندامهای جنسی فرد مذکر و مؤنث می تواند برای هر دوی آنها لذتبخش باشد، و با کمی تمرین و ممارست، ممکن است هر دو موفق شوند که با استفاده از همین تکنیک، به ارگاسم برسند. چون در این روش، ذکر به طور مستقیم تحریک می شود، و درحالیکه به نواحی و قسمتهای خاصی از فرج فشار وارد می کند، می تواند به طور غیر مستقیم کلیتوریس حساس، و لبهای کوچک فرج را مالیده و تحریک کند. حتی جفتهایی که به دخول واژنی می پردازند هم، می توانند گاهی از همین شیوه آمیزش جنسی (مالش آلتهاى جنسی به هم) لذت ببرند. بخصوص در مواقعی که اندامهای جنسی داخلی زن به خاطر بیماری و یا جراحات، بسیار حساس شده باشند.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

2. آمیزش جنسی دگرجنسگرایانه: آمیزش جنسی آلتی

آمیزش واژنی

واژه "coitus" and "coition" از لغت لاتین Coire به معنی با هم رفتن، مشتق شده، و به دخول ذکر



در واژن دلالت می کند. این احتمالاً شایع ترین نوع مقاربت جنسی است، و تنها نوع آمیزش جنسی است که می تواند به انعقاد نطفه بیانجامد. جوامعی وجود داشته اند که تماس جنسی بین زن و مرد را صرفاً به مقاربت واژنی (دخول واژنی)، بدون هرگونه مقدمه چینی کم و زیادی، محدود کرده اند. اینگونه جوامع معمولاً روی بازده تولید مثلی سکس تأکید زیادی داشته و هر نوع لذت جنسی، بخصوص برای زنان را، مردود می شمرده اند.

درواقع، حتی در فرهنگ امروزی خود ما (در غرب) هم هنوز مردانی وجود دارند که فقط به الحاق ذکر و واژن به هم، علاقه

مندند و هر گونه عشق ورزی و آماده سازی اولیه برایشان مضحک و بی معنی است. ضمناً، مقاربت واژنی آنها هم ممکن است بیش از چند ثانیه طول نکشد. و درنتیجه، این افراد به جز ارگاسم سریع هیچگونه لذت جنسی دیگری تجربه نمی کنند. از طرفی دیگر، شریک مؤنث آنها کاملاً محروم باقی می ماند. البته جفتهایی هم هستند که مقاربت جنسی خود را آرام و مفصل به صورت یک آئین و آداب در می آورند، و به مقاربت واژنی به عنوان تنها یکی از انواع راههای به ارضاء رساندن همدیگر، می نگرند، و هنگامی که به آمیزش جنسی با هم روی می آورند، چه بسا تا ساعتها آن را ادامه دهند. در دهه های اخیر، تولید وسایل قابل اطمینان پیشگیری از بارداری، زنان و مردان را از ترس بارداریهای ناخواسته رها نموده است. همین به نوبه خود به افزایش لذت آنها از مقاربت واژنی منجر شده است.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

2. آمیزش جنسی دگرجنسگرایانه: آمیزش جنسی آلتی

مقاربت واژنی

اولین مقاربت واژنی

شروع مقاربت واژنی آسان است اما، همچون در دیگر انواع آمیزش جنسی، رضایت مندی کامل طرفین در آن، در نتیجه تمرین و ممارست حاصل می شود. افراد جوان، اغلب توقعات بسیار زیاد و خیلی سریعی دارند. بیشتر دختران و پسران، مدتها قبل از اولین مقاربت واژنی خود، به فکر و خیال آن بوده و حتی درباره آن صحبت می کنند، و امیدها، واهمه ها، و رؤیاهایشان، می تواند تجربه واقعی و عملی آنها را به ضد خود تبدیل کند. یک مثال خوب در این مورد، اهمیت و جایگاهی است که به پاره شدن پرده بکارت دختر داده می شود. پرده بکارت ممکن است بر اثر استفاده از تامپون، با خودارضایی، یا در نتیجه ورزشهای اندامی خاصی، پاره شود. با این همه، در اغلب دختران، تا آن لحظه ای که ذکری به واژن فرو شود، صدمه ندیده باقی می ماند.

بسیاری از نوجوانان و جوانان درباره همین لحظه دارای افکار و ایده های اغراق آمیز و غیر واقعی می باشند، و حتی چه بسا از سالها قبل به آن فکر کنند و نگران آن باشند.

مثلاً پسری ممکن است نگران این باشد که آیا آلتش آنچنان سفت خواهد شد که بتواند پرده بکارت را پاره کند یا نه، یا دختری ممکن است فکر کند که چنین کاری دردآور بوده و از جهت فیزیکی به او صدمه خواهد زد. ولی، هیچکدام از این نگرانیها واقعی نیستند. دلیلی برای تند رفتن مردان وجود ندارد چون پرده بکارت معمولاً به آسانی و به راحتی پاره می شود. در واقع نزدیکی قدم به قدم، آهسته و آرام بهتر از هر چیزی است. دختران ممکن است ناراحتی خفیفی حس کنند و مقدار کمی خونریزی داشته باشند، اما ترس از درد غیر ضروری است. تنها در موارد بسیار نادری، ضخامت پرده بکارت از پاره شدن آن جلوگیری می کند. در چنین حالتی، پزشک به راحتی می تواند با یک عمل ساده جراحی در مطب خود، مشکل را حل کند.



انواع مختلف پرده بکارت (هیمن)

پرده بکارت از دختری به دختری دیگر فرق می کند.
پرده بکارت ممکن است تقریباً به طور کامل در ورودی واژن را ببندد، یا ممکن است دارای چندین سوراخ کوچک باشد، و یا حتی شاید سوراخ بزرگی در وسط داشته باشد.
در حالت اخیر، شاید پاره شده به نظر بیاید در حالی که واقعاً دست نخورده باقی است.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

2. آمیزش جنسی دگرجنسگرایانه: آمیزش جنسی آلتی

مقاربت مهبل (دخول واژنی)

تکنیک آمیزش مهبل 1

در کل، به جفتها توصیه می شود که آمیزش مهبل را با عجله و بدون مقدمه شروع نکنند، بلکه با صرف وقت کافی، قدم به قدم و آگاهانه به سمت آن بروند. برای نمونه، آنها ممکن است ابتدا دست زدن به آمیزش جنسی دستی و یا دهانی را مفید ببینند. شاید زن به این طریق، حتی قبل از مقاربت واژنی، یک تا چندین ارگاسم را هم تجربه کند. به هر رو، باید زمانی برای مقاربت واژنی (دخول) اقدام کرد که مهبل به اندازه کافی مایع لزج کننده ترشح کرده و خیس شده باشد. بدون این مایع لزج کننده، دخول ذکر می تواند برای هر دو دردناک باشد. (تنها همراه با بالا رفتن سن است که لزج شدن طبیعی واژن در برخی از زنان کاهش می یابد. این حالت را معمولاً می توان به کمک هورمون درمانی برطرف نمود. حتی در بازار کاندومهای لزج شده ای یافت می شوند که در اینگونه مواقع به درد می خورند. ولی، لزج کننده هایی همچون وازلین که در آمیزش دستی می تواند مورد استفاده قرار گیرد در واژن به کار برد.)
وقتی واژن به اندازه کافی خیس و لزج شد، آنگاه مرد می تواند آرام و قدم به قدم، ذکر خود را به درون آن فرو کند. نیازی به فرو کردن عمقی در همان لحظه اول وجود ندارد، چون علی رغم هیجان جنسی زن در آن لحظه، باز ممکن است که او هنوز به طور کمال آماده نشده باشد. در چنین وضعیتی، معمولاً مرد می تواند با آهسته عقب - جلو کردن سر آلت خود در همان درگاه ورودی واژن، به آماده شدن زن کمک کند. بعداً، وقتی که بیشتر خوشش آمد، آنوقت خودش می تواند با فشار لگن خاصره خود، دخول را عمقی تر کند. فشار لگن خاصره و عقب - جلو کردن آن در هنگام مقاربت جنسی در همه پستانداران به صورت «طبیعی» انجام می گیرد. این را حتی در نوزادان هم، هنگامی که آنها واکنش



مقاربت واژنی از پشت
مجسمه ای سفالین، منطقه وارنا، مجارستان. حوالی 2000 سال پیش از میلاد.

جنسی بدن خود را کشف می کنند، می توان مشاهده کرد. البته، علی رغم غریزه ای بودن این عمل، عشق ورزان با تجربه می توانند تا حدود زیادی آن را به صورت باز هم بهتری انجام دهند.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

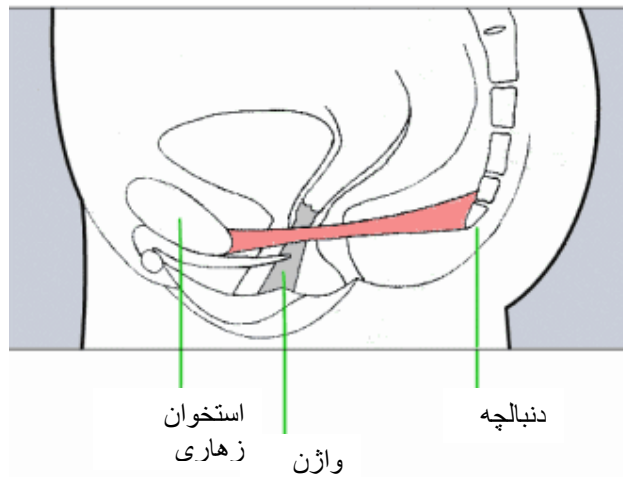
2. آمیزش جنسی دگرجنسگرایانه: آمیزش جنسی آلتی

مقاربت مهبل

تکنیک آمیزش مهبل 2

مردان کم تجربه بر این تصورند که عقب- جلو کردنهای یکنواخت، عمیق، و سریع، مؤثرترین و بهترین روش است. اما در عالم واقع، این تصور به ندرت صدق می کند؛ بخصوص در شروع آمیزش واژنی، یک مرد می تواند به کمک حرکات آرام دخول و خروج سطحی، در همان درگاه ورودی واژن، لذت زیادی نصیب خود و طرف مقابل بکند. درحقیقت مرد می تواند با واگذاری ابتکار عمل به زن در شروع کار، چیزهای زیادی یاد بگیرد. زن، اغلب اوقات، حرکات آهسته تنظیم شده ای که طی آنها، سر ذکر در درگاه ورودی واژن عقب-جلو می شود را، ترجیح می دهد. دلیل این امر ساده است: با افزایش هیجان زن، قسمت داخلی واژن فراخ تر می شود و همزمان با آن قسمت نزدیک به در ورودی، تنگتر می شود؛ چون از خون مشحون می گردد. به عبارت دیگر، همین قسمت پرخون و تنگ شده واژن (معروف به پلاتفرم ارگاسم زا) است که بیشترین ماساژ و تحریک بر روی ذکر مرد را انجام می دهد. این را هم باید اضافه نمود که بسیاری از زنان به تجربه می آموزند که ماهیچه های داخلی محاط به قسمت ورودی واژن را به خوبی کنترل کنند. پس، آنها ذکر را حسابی در بر می گیرند و از این طریق تحریک و لذت جنسی بیشتری را برای هر دو طرف، فراهم می آورند. (زنانی که ورودی واژنشان شل است، یا از ماهیچه های واژن بی اطلاعند، یا فکر می کنند که این ماهیچه ها چندان رشد یافته نیستند، می توانند با تمرینات خاصی، از جمله تمرینات کیگل، وضعیت خود را بهبود بخشند.)

The pubococcygeus (ماهیچه پی سی)



انواع اولیه رفتارهای جنسی

2. آمیزش جنسی دگرجنسگرایانه: آمیزش جنسی آلتی

مقاربت مهبل



آمیزش مهبل در حالت نشسته
نقش روی ظرف چینی کوچکی، مردی را در حال انجام آمیزش مهبل از پشت، نشان می دهد. سلسله کوئینگ، اواخر قرن نوزدهم. موزه سکس چین، تونگلی

تکنیک آمیزش مهبل 3

در ادامه مقاربت مهبل، زن و مرد معمولاً حرکات لگن خاصره خود را افزایش داده و به دخول هرچه عمقی تر مهبل رو می آورند. گاهی فقط یکی از آنها این حرکات را انجام می دهد و دیگری بدون حرکت باقی می ماند، و گاهی هم، هر دو به صورت هماهنگ با هم حرکت می کنند. به علاوه، در حین حرکات، آنها ممکن است شدت عمل خود را از دخول عمقی به رفت و برگشت سطحی و بالعکس، تغییر دهند، و شاید هم به کمک حرکات باسنی، ذکر مرد را در عمق مهبل، دایره وار به صورت عقب – جلو بگردانند.

یک جفت تنها به کمک تجربه می آموزد که چگونه در آمیزش واژنی، بهترین لذتها را نصیب خود کند.

معمولاً چنانچه دو نفر نسبت به واکنشهای همدیگر حساس باشند، خیلی زود یاد می گیرند که چگونه همدیگر را ارضاء کنند. به هر حال، آمیزش مهبل، کنکاش و داد و ستدی است بین دو فرد، و هیچ مشاوره فنی نمی تواند به اندازه رابطه مستقیم و رو در روی خودشان، به آنها کمک کند. به ویژه زن، هیچگاه نباید از گفتن اینکه دقیقاً از چه چیزی خوشش می آید و به چه شکلی دوست دارد تحریک و نوازش شود، واهمه داشته باشد. زن این را هم باید بداند که وقتی خودش را تسلیم احساساتش می کند، درواقع به سود هر دو طرف عمل کرده است. مرد ممکن است سعی به کنترل انزال خود بکند، در حالیکه زن نیازی به این کار ندارد، چون تا زمانی که مرد قادر به حفظ نعوذ خود باشد، زن می تواند همچنان به ارگاسم برسد.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

2. آمیزش جنسی دگرجنسگرایانه: آمیزش جنسی آلتی

مقاربت مهبل

تکنیک آمیزش مهبل 4

متأسفانه، بسیاری از مردان و زنان، با تمرکز بیش از اندازه حواس خود بر ارگاسم، لذت آمیزش مهبل را فرو می کاهند. مردان به رسیدن نسبتاً سریع خود به ارگاسم واقفند، و از این واهمه دارند که مبدا قبل از ارضاء شدن زن به انزال برسند. در مقابل، زنان نگران این می شوند که مبدا دیر به ارگاسم برسند، یا کلاً ارگاسم به آنها دست ندهد. لازم به گفتن نیست که چنین دلواپسیهای پنهانی، به طور جدی بر رابطه یک جفت تأثیر می گذارند، و حتی عملکرد جنسی عادی آنها را غیر ممکن می سازند.

اینطور به نظر می رسد که چنانچه دو نفر حواس خود را بیشتر بر نفس پروسه مقاربت مهبل متمرکز کنند تا نتیجه احتمالی آن، آنوقت جفتهای بیشتری به نتایج جنسی رضایتبخشی دست خواهند یافت.

اصولاً چنین قانونی که بگویند هدف هر مقاربت جنسی، رسیدن به ارگاسم می باشد، وجود ندارد. تا آنجا که به عشق



مقاربت مهبل (حالت ایستاده)
نقاشی مزاحی روی پرده ابریشمی توسط هنرمند بزرگ ژاپنی کاتوشیکا هوکوسای (1849 – 1760)

ورزی مربوط می شود، افراد با تعیین هدف نهایی، درواقع کمکی به خود نمی کنند. نه «اوج» یا «موفقیت» نهایی، بلکه تجربه مشترک لذت فیزیکی است که مقاربت مهبل را ارزشمند می سازد. بنابراین، برای عشاق مجرب، بناسازی هنرمندانه شور و شر، کشش و هیجان، هوس و خواهش، و شهوت و لذت، در تار و پود جان و روان و بدن همدیگر، بیشتر مهم است تا خلاص شدن نهایی. ارگاسم، جایزه ای نیست که باید برایش جنگید و آن را به چنگ آورد، بلکه خیلی ساده، چیزی است که در اوج تحریک و شهوت جنسی، به طور غیر ارادی اتفاق می افتد.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

2. آمیزش جنسی دگرجنسگرایانه: آمیزش جنسی آلتی

آمیزش مهبل

تکنیک آمیزش مهبل 5

در بعضی از کتابهای راهنمای زناشویی قدیمی، نه تنها به جفتها پند و اندرز داده می شد که برای رسیدن به ارگاسم تلاش کنند بلکه از آنها هم خواسته می شد که به طور همزمان به ارگاسم برسند. و تجربه خلسه و نشئه بی نظیری به عنوان پاداش کار، به آنها وعده داده می شد. در عمل، ضرر این راهنمایی بیشتر از فایده آن بود، و فهم آن هم چندان دشوار نیست؛ چون اولاً، نه بر روند فعالیت جنسی، بلکه بر نتیجه آن تأکید می کند. دوم اینکه، به هر دو طرف فشار می آورد که روش حساب شده ای را درپیش بگیرند تا کنترل خود را از دست ندهند. اغلب چنین رفتاری، در کل مانع رسیدنشان به ارگاسم می شد. و آخر اینکه، باعث می گردید که آن دسته از زنان و مردانی که موفق به همزمان کردن ارگاسم خود نمی شدند، احساس بی کفایتی کنند. جای بسی خوشحالی است



جفتی در حال مقاربت مهبل
مجسمه سنگی، سلسله هان شرقی، قرن اول بعد از میلاد، موزه سکس چین، تونگی

که این نوع نگاه و رهیافت به مقاربت مهبل، مدتهاست که از مد افتاده است. در عین حال، اغلب «متخصصان سکس» بیشتر واقع گرا شده، و اعتراف می کنند که: **ارگاسم همزمان دلیلی بر وجود یک رابطه بی عیب و نقص نمی باشد.** درواقع امروزه، این باور هرچه عمومی تر و جا افتاده تر می شود که نگرانی در مسئله ارگاسم را کلاً باید کنار نهاد. در عوض، جفتها می آموزند که هر لحظه هماغوشی با هم را، فی نفسه ارج نهند و مزه کنند، بدون آنکه در پی رسیدن به جایی، یا اثبات چیزی باشند. طنز اینجاست که همین عشق ورزی تقریبی و خالی از توقع، عمیق ترین رضایت عاطفی – روانی را به همراه می آورد. این روش، اغلب به باز شدن گره پاسخدهی جنسی سرکوب شده کمک می کند، و در نتیجه به افزایش توان اروتنیکی فرد کمک می کند، و این خود به خود به ارگاسم بیشتر می انجامد.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

2. آمیزش جنسی دگرجنسگرایانه: آمیزش جنسی آلتی

آمیزش مهبل

تکنیک آمیزش مهبل 6

در گذشته، بعضی از فرهنگهای پوریتانی مسیحی (مذهب پروتستان یکی از دو شاخه مسیحیت، و پوریتانیسم شعبه ای از مذهب پروتستان می باشد، که پیروان آن بیشتر خشکه مقدس و مذهبی می باشند. م.) از مذهبیون توقع داشتند که مقاربت مهبل را فقط به یک شکل خاصی انجام دهند: به صورت رو در رو؛ یعنی زن روی کمر دراز می کشد و مرد روی او می خوابد. («کفار و مشرکین» آفریقایی، آسیایی و مردمان جزائر واقع در دریای آرام، که کمتر احساسات خود را سرکوب می کردند، با «موضع مبلغ» (حالت میسیونری) خواندن این روش مقاربت، آن را به سخره می گرفتند.) به هرحال، با افزایش داد و ستد فرهنگها در قرن نوزدهم، اروپائیان و آمریکائیان متوجه شدند که رویکرد آنها به سکس، خشک و انعطاف ناپذیر می باشد، و در پی یافتن روشهای مقاربت مهبل جالبتر و مهیج تر، به جستجو در نقاشیهای روی گلدانهای به جا مانده از

دوران یونان باستان، دیوارهای روم قدیم، پرده های چینی، چوب بریهای ژاپنی، و راهنماهای عشقی هندی، روی آوردند. آنها با نتایج و کشفهایی که به دست آوردند، به این نتیجه رسیدند که رازهای سالها گم شده یک رابطه جنسی اصیل و حقیقی را پیدا کرده اند.



شرق و غرب

این نقاشی قرن هیجده هندی، زنی هندی و مردی اروپایی را در حال مقاربت مهبلی به حالت میسیونری نشان می دهد.

به هر حال، هرچند که بدون شک، تکرار و انعطاف ناپذیر بودن در مسائل جنسی چیز خوبی نیست، ولی، نه سحر و شعبده ای، و نه چیزی به عنوان بهترین روش، و یا حتی شیوه ای «طبیعی» یا «نرمال» برای عمل مقاربت مهبلی وجود ندارد.

کلاً، جفتهای دارای تخیلات قوی، که در پی ارضاء امیال جنسی خود می باشند، برخوردها، رهیافتها و تکنیکهای خود را بنا به شرایط و موقعیت، عوض می کنند، و به این طریق، پیوسته روشهای جدیدی را برای مقاربت مهبلی خود یاد می گیرند. تشریح جزئیات این روشها در اینجا، غیر ضروری است، و چه بسا مضر هم باشد چون به ترویج دیدگاهی مکانیکی از مقاربت مهبلی مساعدت می کند.

درحقیقت، کلاً مطرح کردن روش ویژه و خاصی برای آمیزش مهبلی، عاقلانه نیست. مقاربت واژنی همیشه به صورت حرکتی موجدار است که در طی آن، اغلب جفتها، به طور ناخودآگاه و بدون برنامه قبلی، روشی را به روشی دیگر تغییر می دهند. فایده ای ندارد که بخواهیم ده، دوازده، بیست (یا بیشتر) روش مقاربت مهبلی خاصی را برشمرده و به هر کدام معنی خاصی نسبت دهیم. البته می توان در بین چند نوع اولیه اشکال آمیزش مهبلی، تفاوتهایی قائل شد، اما تعداد آنها جداً محدود است: جفتها ممکن است به حالت ایستاده، نشسته، دراز کشیده و یا رو به روی هم باشند؛ ممکن است زن پشتش به مرد باشد، یکی از دو نفر در بالا قرار بگیرد، یا اینکه ممکن است هر دو به پهلو دراز کشیده باشند.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

2. آمیزش جنسی دگرجنسگرایانه: آمیزش جنسی آلتی آمیزش مهبلی

تکنیک آمیزش مهبلی 7

زمانی، چنین باوری وجود داشت که روش خاصی از آمیزش مهبلی، اثر بهتری دارد چون این امکان را به مرد می دهد که ضمن جلو – عقب رفتنهای خود، به طور همزمان کلیتوریس زن را هم با آلت خود مالش دهد و تحریک کند. در عین حال روشهایی از مقاربت مهبلی هم، به این علت که واژن را تحریک نشده باقی می گذارند، کم ارزش شمرده می شدند. تحقیقات مدرن در عرصه سکس، هر دو تصور را اشتباه می دانند. چون، با تحریک شدن زن و افزایش هوس و شهوت او، کلیتوریس به زیر غلاف خود می خزد و در نتیجه برای هر نوع مالش و تحریک مستقیم، غیر قابل دسترس می گردد.



جفتی در حال شروع مقاربت مهبلی
نقاشی روی گلدانی از دوران یونان باستان
موزه های دولتی برلین- SPK

ولی، به وسیله حرکات غلاف خودش که از رفت و برگشت لبهای کوچک (داخلی) مهبل که از جلو – عقب رفتنهای ذکر مرد در داخل واژن ناشی می شود، به طور غیر مستقیم، مالش و تحریک می شود. این تحریک غیر مستقیم، تقریباً همیشه تضمین شده است. فرقی هم نمی کند که ذکر در چه حالت و روشی، و از کدام زاویه به مهبل فرو شود. با این همه، روشی وجود دارد که بسیاری از زنها آن را بسیار رضایتبخش می یابند، چون در این روش، حرکات دخول مهبل به طور درشت در اختیار خودشان قرار می گیرد: درحالیکه مرد به صورتی منفعلانه روی کمر خوابیده، زن روی آلت او سوار شده (نشسته) و با بالا- پائین رفتنهای خود، شدت و حدت عمل را در اختیار می گیرد. این روش، در بین یونانیان باستان و رومیان قدیمی محبوبیت داشت، و درواقع، حالت «نرمال» تلقی می گردید. این روش، امروزه هم، توسط درمانگران جنسی پیشنهاد می شود، چون در غلبه بر نارسائیهای جنسی، به زنان و مردان کمک می کند.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

2. آمیزش جنسی دگرجنسگرایانه: آمیزش جنسی آلتی

آمیزش مهبل

تکنیک آمیزش مهبل 8



زنانی هم هستند که ترجیح می دهند به صورت منفعل روی کمر خوابیده و وزن مرد را بر روی خود حس کنند. برای این دسته از زنان، حالت میسیونری (مرد در بالای زن و رو به روی او) لذت بیشتری دارد. به علاوه، اگر در این روش، آنها پاهای خود را هم خم کنند، آنوقت این امکان را برای آلت مرد فراهم می آورند که به حداکثر عمق ممکن نفوذ کند و در نتیجه، شانس بهتری برای آبستنی فراهم می شود. (اسپرم انزال شده، در نزدیکی گردنه رحم، به اصطلاح استخر اسپرم ایجاد می کند، و زن با باقی ماندن روی کمر مدتی بعد از اتمام مقاربت، امکان لقاح را افزایش می دهد). از این گذشته، خود دخول بسیار عمیق ممکن است برای زنانی لذتبخش باشد و در نتیجه آنها در شروع مقاربت جنسی خود به خود به روشی قرار می گیرند که امکان دخول عمقی را فراهم می آورد. در آخر این را هم باید اضافه کرد که راحتترین روش مقاربت برای افراد چاق یا دارای ضعف، روش به پهلو دراز کشیدن می باشد. درواقع، برای این دسته از افراد، ورود از پشت کم دردسرتترین راه است. این روش طبیعتاً برای زنان آبستن هم مناسب می باشد.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

2. آمیزش جنسی دگرجنسگرایانه: آمیزش مهبل

شرط احتیاط



با توجه به شیوع اچ.آی.وی. / ایدز، و گسترش بیماریهای مقاربتی در جهان، زنان و مردان، هر دو، باید خطر سرایت عفونت از طریق آمیزش مهبل با افراد ناشناس و تازه آشنا را جدی بگیرند. حتی چنانچه شرکای جنسی آشنا هم، به آمیزش جنسی با افراد ناشناس و یا آلوده دست بزنند، ممکن است ناخودآگاه آلوده شوند. خطر بیشتر متوجه زنی است که اسپرم آلوده دریافت می کند. (این از جمله بدان معنا است که زنان تن فروش بیشتر در معرض ابتلا به بیماریهای مقاربتی از طریق مشتریان مرد خود هستند تا بالعکس). مرد با خطر کمتری از ابتلا به بیماریهای مقاربتی از طریق مایع آلوده شده واژن، یا خون قاعدگی مواجه است، اما به هر حال، توصیه می شود که از کاندوم استفاده کنند.

در سطح جهان، آمیزش مهبل، اصلی ترین راه انتقال اچ.آی.وی. / ایدز می باشد.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

2. آمیزش جنسی دگرجنسگرایانه

آمیزش مقعدی

مقاربت مقعدی دگرجنسگرایانه، در اینجا، به معنای تماس جنسی بین آلت مرد و مقعد زن می باشد. در



نقاشی روی گلدانی از عهد یونان باستان.

اکثر افراد، مقعد، نسبت به تماس، بسیار حساس می باشد، و درواقع، یکی از حساس ترین محرکهای جنسی است. بنابراین، تعجبی ندارد که بسیاری از افراد در خلال فعالیت جنسی خود، به یک شکلی از تحریک مقعدشان لذت می برند. برای مثال، آنها ممکن است در خلال استمناء، انگشتانشان یا شیئی استوانه ای شکل را، در مقعد خود فرو کنند، یا شاید از بازی با مقعدشان همزمان با مقاربت دهانی و یا آلتی، لذت ببرند. بعضی از زنان و مردان دوست دارند که شریک جنسیشان، مقعدشان را ببوسد و بلیسد. در زبان تخصصی، این عمل **anilingus** (مقعد لیس- کون لیس / کون خوری) نامیده می شود. (از لاتین anus به معنی دهانه روده و **linguere** به معنی لیسیدن، گرفته شده است).

به هرحال، بدون تمیزی در حد وسواس، این کار در مواردی می تواند باعث ابتلا به هیپاتیت (یرقان) و دیگر بیماریهای جنسی شود. در آخر، این را هم باید اضافه نمود که بعضی از مردان از گذاشتن آلت خود در بین لمبرهای زن و حرکت به جلو - عقب، تا رسیدن به ارگاسم لذت می برند. هر چند که در این حالت هیچگونه دخولی صورت نمی گیرد، اما با این وجود زن هم ممکن است از آن لذت ببرد.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

2. آمیزش جنسی دگرجنسگرایانه: آمیزش مقعدی

دلایل آمیزش مقعدی

هرچند که مقاربت مقعدی در بین دگرجنسگرایان عمل روزمره ای نیست، اما برخلاف آنچه که اغلب تصور می شود، چندان نادر هم نمی باشد. بسته به پس زمینه فرهنگی افراد، دگرجنسگرایان به سه دلیل به آمیزش مقعدی دست می زنند:

1. حفظ «باکرگی» دختر،
2. پیشگیری از بارداری،
3. به خاطر تنوع اروتنیکی صرف.

البته گاهی هم معجونی از این دلایل، در این امر دخیلند.

- اولین دلیل، به احتمالی، برای بسیاری از جفتها در جوامع «سنتی» که آمیزش جنسی بین افراد مجرد را محکوم می کنند، سرنوشت ساز است. چون این جوامع اصرار می ورزند که دختران هنگام ازدواج باید باکره باشند و به این طریق دست نخوردگی و «بی گناهی» خود را ثابت کنند. پس برای جفتهای غیر متأهل، آمیزش مقعدی، مشخصاً یک گزینه قطعی است.

- دلیل دوم، به احتمال قوی برای جوامع و موقعیتهایی است که وسایل پیشگیری از بارداری در دسترس نمی باشد. در چنین شرایطی، ممکن است دو نفر، آمیزش مقعدی را به عنوان آلترناتیوی در برابر آمیزش مهبل، قلمداد کنند، چون باعث آبستنی نمی شود.

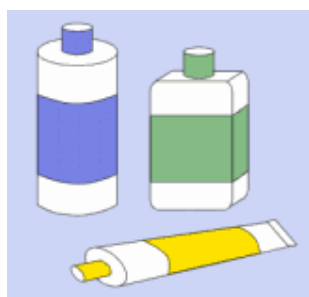
- دلیل سوم، شاید برای جفتهایی که حالت‌های مختلف عشق ورزی را آزمایش می‌کنند، و می‌خواهند در رابطه جنسی خود تنوعی ایجاد کنند، جذاب باشد.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

2. آمیزش جنسی دگرجنسگرایانه: آمیزش مقعدی

تکنیک آمیزش مقعدی 1

زنانی هستند که از آمیزش مقعدی به شدت لذت می‌برند. اما مقعد، برخلاف واژن، مایع طبیعی لزج‌کننده خود را تولید نمی‌کند، بنابراین، استفاده از نوعی ژل لوبریکانت توصیه می‌شود. بهتر است که لوبریکانت به خود مقعد مالیده شود. این کار فرصتی هم برای ماساژ ملایم ماهیچه حلقه ای مقعد که «باسطه» (چالنه یا همان اسفینکتر) نامیده می‌شود، یا حتی فرو کردن انگشت، فراهم می‌آورد. بعد از این آماده سازی، ذکر می‌تواند به داخل فرو داده شود. خود عمل فرو کردن بایستی خیلی آهسته و ملایم صورت گیرد، و به محض ورود به مقعد، ذکر باید برای مدتی، تا ریلکس شدن کامل حلقه ماهیچه ای مقعد، بدون حرکت باقی بماند. بعد از آن، مرد و یا زن، و یا هر دو طرف با هم، می‌توانند دست به حرکات رفت و برگشت بزنند.



انواع مختلفی از ژلهای لوبریکانت در بازار موجودند. این ژلهای به دو دلیل باید آبی (water-based باشند: 1- حساسیت یا خارش ایجاد نمی‌کنند و به راحتی شسته می‌شوند. 2- برخلاف لوبریکانتهای روغنی، باعث پاره شدن کاندوم نمی‌شوند. (این لوبریکانتهای اسپرم‌کشنده نیستند.م.)

زنی که به سکس مقعدی عادت نداشته باشد، ممکن است در ابتدا، فرو شدن ذکر به مقعد خود را دردناک و ناخوشایند حس کند. اما، بعد از چند بار تمرین آرام و ملایم، ممکن است از آن لذت ببرد، حتی اگر خودش با این عمل به ارگاسم نرسد. البته مرد می‌تواند در حین انجام مقاربت مقعدی، برای زن هم استمناء کند، و اگر زن به یک یا چند ارگاسم برسد، آنوقت منقبض شدن حلقه ماهیچه ای مقعدش در حین ارگاسم، به آلت مرد فشار آورده و باعث مالش و تحریک بیشتر آن می‌گردد.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

2. آمیزش جنسی دگرجنسگرایانه: آمیزش مقعدی

تکنیک آمیزش مقعدی 2

مشخصاً، آمیزش مقعدی می‌تواند به اشکال و حالت‌های مختلفی صورت گیرد. اما عموماً در اغلب حالتها، خیلی راحت، زن ایستاده و به جلو خم می‌شود، یا روی زانو و دستهای خود قرار می‌گیرد، و یا روی شکم می‌خوابد، و مرد در پشت او قرار می‌گیرد، یا اینکه زن روی کمر خوابیده و زانوهای خود را خم کرده به سمت سینه خود بالا می‌کشد و مرد از رو به رو به او نزدیک می‌شود.

سکس مقعدی باعث ایجاد تنوع در رابطه جنسی می‌شود، اما، فقط به شرطی که دو طرف بخواهند، و از آن لذت ببرند. تنها یک مسئله مهم بهداشتی وجود دارد که باید رعایت شود: به هیچ وجه نباید آلت را از مقعد در آورده و بلافاصله، بدون شستن و تمیزی کامل آن، وارد واژن نمود. یعنی تغییر حالت از آمیزش مقعدی به آمیزش واژنی، بدون تمیز شستن آلت مرد در فاصله بین دو حالت، ممکن است باعث انتقال باکتریهای مقعد به داخل واژن شده و اسباب عفونت گردد. با شستن آلت مرد با آب و صابون، در فاصله دو روش آمیزشی، می‌توان از چنان مشکلی



مجسمه ای برنزی- ساحل عاج
دو مجسمه کوچک را می‌توان به انواع و اقسام حالت‌های مختلف آمیزش مقعدی به هم چسباند.

پرهیز نمود.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

2. آمیزش جنسی دگرجنسگرایانه: آمیزش مقعدی

رفتار و برخوردهای فرهنگی

در هر دو سنتهای یهودی و مسیحی، آمیزش مقعدی، گناه و انحراف شمرده شده است، رفتار و برخوردی که بعداً به اسلام هم کشیده شد. مسیحیان قرون وسطی، این عمل را «جرم علیه طبیعت»، و یا «buggery» (گرفته شده از نام یک فرقه بدعت گذار در بلغارستان)، یا «سودومی» (گرفته شده از نام شهری به اسم «سودوم» در انجیل) نام نهادند. (لواط – از نام قوم لوط که ساکن سودوم بود گرفته شده است. - م). همانطور که واژه ها و اصطلاحات دلالت دارند، آمیزش مقعدی در ابتدا به عنوان یک جرم مذهبی تلقی می گردید، اما بعدها، به یک جرم مدنی هم فرا روئید و مجازاتی برای آن در نظر گرفته شد. (در بعضی قوانین جزائی، مقاربت دهانی هم جرم محسوب می شد، و مجازاتی برای آن در نظر گرفته شده بود.) به مرور و همراه با گذشت زمان، مقررات خشن «قوانین لواط» کمرنگ شدند، اما وجود آنها در کتابهای بعضی از کشورهای غربی تا قرن بیست و یکم ادامه داشته است. دگرجنس خواهان و همجنس خواهان، هردو، با استفاده از این قوانین محکوم و مجازات شده اند.



انهدام شهر سودوم

طبق انجیل، خداوند این شهر را به دلیل گناهان ساکنانش منهدم کرد.

(پیدایش: 19)

در سده های میانه، این گناهان، عموماً رفتارهای جنسی «غیر طبیعی» خوانده می شدند. آمیزش مقعدی زن و مرد و بخصوص آمیزش مقعدی مرد با مرد از جمله این گناهان بودند.
(موزانیک قرن 12، کلیسای جامع مونرل-سیسیل ایتالیا.)

اثرات روانی این مسئله تاریخی به کنار، اما بسیاری از افراد، همچنان، مقعد را به خاطر کارکردش، کثیف و مشمئز کننده می دانند. (اندامهای جنسی هم، البته به نسبت کمتری، به خاطر ارتباط آنها با خروج ادرار از بدن، تنفرآور و منزجر کننده دانسته می شوند.) این گونه برخوردها اغلب در اعماق ذهن فرد تهنشین شده اند و باید محترم شمرده شوند. به هر حال، خودخواهی است اگر از هر کسی خواسته شود که بر خلاف میل خود، نوعی فعالیت جنسی که بدان رغبتی ندارد را، انجام دهد. ولی، دانشمندان که بی طرفانه و از چشم انداز تاریخی و جهانی به بررسی موضوع می پردازند، به این نتیجه می رسند که انزجار از آمیزش مقعدی هرگز جهانی و همگانی نبوده است.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

2. آمیزش جنسی دگرجنسگرایانه: آمیزش مقعدی

رفتار و برخوردهای فرهنگی

شرط احتیاط



شرکای جنسی موقتی ممکن است بدون آنکه خود بدانند، به ای. وی. / ایدز مبتلا باشند. به همین خاطر سکس بدون حفاظ با آنها خطر بیشتری دربر دارد، بخصوص برای فرد گیرنده (دریافت کننده اسپرم). با تشکر از BZgA کلن - آلمان.

با توجه به شیوع ای. وی. / ایدز، و گسترش بیماریهای مقاربتی در جهان، زنان و مردان، هر دو، باید خطر سرایت عفونت از راه آمیزش مقعدی با افراد ناشناس و تازه آشنا را، جدی بگیرند. حتی چنانچه شرکای جنسی آشنا هم، به آمیزش جنسی با افراد ناشناس و یا آلوده دست بزنند، ممکن است ناخودآگاه آلوده شوند. خطر بیشتر متوجه زن می باشد چون دریافت کننده است، یعنی آلت در او فرو برده می شود و در نتیجه اسپرم احتمالاً آلوده دریافت می کند. مرد دهنده (فرو کننده) با خطر کمتری مواجه می باشد، اما به مردان هم توصیه می شود که برای حفظ سلامت خود (و دیگری) از کاندوم استفاده کنند. سکس مقعدی بین دگرجنسگرایان، یکی از راههای احتمالی انتقال ای. وی. / ایدز می باشد.

در پایان، به رفتار مخاطره آمیز دیگری هم باید اشاره شود: لیسیدن مقعد (یا همان کون خوری). این عمل علاوه بر دربر داشتن خطر انتقال بیماریهای مقاربتی «کلاسیک - آشنا» همچون سوزاک، سیفلیس، هپاتیت ب. و امثالهم، به انتقال روده زیهایی همچون آمیبها، کرمهای انگلی و دیگر باکتریهای روده ای هم منجر می گردد.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

3. آمیزش همجنسگرایانه

نوع بشر، همچون سایر پستانداران، نه تنها با جنس مخالف، بلکه ممکن است با همجنس خود هم دست به آمیزش جنسی بزند. به عبارت دیگر، زنان و مردان نه تنها ممکن است به آمیزش جنسی دگرجنسگرایانه، بلکه چه بسا به آمیزش جنسی همجنسگرایانه هم مشغول شوند.

مراوده جنسی بین دو همجنس در دوران کودکی امر رایجی است، و در نوجوانی و جوانی هم، به هیچ وجه غیر معمول نمی باشد. درحقیقت، در فرهنگ ما، دختران و پسران در سالهای پیش از بلوغ و یا در دوران بلوغ، ممکن است تماس جنسی بیشتری با افراد همجنس خود داشته باشند تا با افراد غیر همجنس. در این سن و سال، در برابر بازیهای دگرجنسگرایانه آنها مانع تراشی می شود، درحالیکه کسی به اعمال و فعالیتهای همجنسگرایانه آنها وقتی نمی نهد، یا با بی تفاوتی از کنار آن می گذرند. اما بعد از این دوران است که، قضیه حالت عکس به خود می گیرد. از دختران و پسران سیزده - چهارده ساله به بعد انتظار می رود که علاقه و کششی منحصرأ به غیر همجنس در خود پرورش دهند، و هر رفتار و حرکت همجنسگرایانه به شدت محکوم می شود. ولی با این حال، بسیاری از افراد روابط همجنسگرایانه خود را تا سن کهولت ادامه می دهند. برای برخی از افراد، تماسهای جنسی با همجنس چیزی جز وقایعی منفرد در یک زندگی کاملاً دگرجنسگرایانه، نمی باشند، و برای برخی دیگر، این تماسها تجاربی اند که هرازگاهی با فواصلی همچنان تکرار می شوند، و باز برای عده ای دیگر، این تماسها به نوع ارجح آمیزش جنسی، و



مردی مسن در حال عشقبازی با یک مرد جوان. (نقاشی روی گلدانی از یونان باستان).

یا تنها نوع فعالیت جنسی تبدیل می شوند.

انواع اولیه رفتارهای جنسی 4. آمیزش همجنسگرایانه: مقیاس درجه ای کینزی

آلفرد کینزی و همکارانش در دو پژوهش به یادماندنی خود حول رفتارهای جنسی انسان، از یک شیوه بسیار عملی برای روشن کردن موضوع استفاده کردند. آنها یک جدول پیوستاری (مقیاسی) هفت درجه ای (از صفر تا شش) ارائه دادند که تعادل بین تجارب دگرجنس خواهی و همجنس خواهی در کل جمعیت را اندازه گیری کرد. آنها، در یک انتهای پیوستار (دسته 0)، کسانی را قرار دادند که تجارب جنسیشان به طور محض دگرجنسگرایانه است، و در انتهای دیگر پیوستار (دسته 6) کسانی را قرار دادند که تجارب جنسیشان منحصراً همجنسگرایانه می باشد. در فاصله بین این دو گروه محض، کسانی قرار می گیرند که در خلال عمر خود، دگرجنسگرایی و همجنسگرایی را، البته به درجات و دفعات متفاوتی، تجربه می کنند. (دسته های 1 تا 5). یافته های کینزی در جدول زیر جمعبندی شده اند:

تجارب دگرجنسگرایی و همجنسگرایی						
0	1	2	3	4	5	6
دگرجنسگرایی محض	همجنسگرایی اتفاقی	همجنسگرایی بیشتر از فقط اتفاقی	دگرجنسگرایی و همجنسگرایی به یک اندازه	دگرجنسگرایی بیشتر از فقط اتفاقی	دگرجنسگرایی اتفاقی	همجنسگرایی محض

منبع:

Kinsey et al., Sexual Behaviour in the Human Male, (1948) p. 638.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

3. آمیزش همجنسگرایانه

موضوع به درجه، سطح، قیاس و اندازه ربط دارد

البته، در این درجه بندی، انقلاب یا چیز تازه ای وجود ندارد. این همیشه مسلم بوده است که عده ای فقط به مقاربت‌های جنسی دگرجنسگرایانه (آمیزش جنسی با جنس مخالف)، و عده ای فقط به مقاربت‌های جنسی همجنس خواهانه (آمیزش جنسی با همجنس) می پردازند. و عده ای هم با هر دو جنس موافق و مخالف به آمیزش جنسی دست می زنند. ولی به هر حال، قبل از پژوهشهای آماری گسترده کینزی، اغلب «متخصصان»، خیلی ساده، فرض را بر این می گرفتند که افراد دگرجنسگرای محض آنچنان درصد بالایی از جمعیت را تشکیل می دهند، و درصد بقیه آنچنان ناچیز است که هرگونه قیاس و درجه بندی معنی و مفهومی نخواهد داشت. به عبارت دیگر، چنین نظر و اعتقادی وجود داشت که تماسهای همجنسگرایانه آنچنان نادرند که به جز رفتارهای استثنایی «غیر طبیعی» و عجیب و غریب، چیزی بیش نیستند. کینزی نشان داد که این تصور سنتی اشتباه است. مثلاً، او در آمارهای خود نشان داد که پنجاه درصد همه مردان (و بیست درصد همه زنان)، تا رسیدن به مرز میانسالی، نوعی از تجارب آشکارا اروتیکی با همجنس خود را دارا می باشند. بعدها، این ارقام مورد مناقشه قرار گرفتند، و پژوهشگران بعدی، در تحقیقات خود، به درصد کمتری دست یافتند. اما با این وجود، هسته یافته های کینزی، با موفقیت از آزمایش گذر زمان، سربلند بیرون آمده است: **دگرجنسگرایی و همجنسگرایی موضوع درجه، سطح، مقیاس و اندازه می باشد.**

گرایش جنسی

گرایش جنسی به عنوان **دگرجنسگرایی** یا **همجنسگرایی** فرد تعریف می شود. این موضوع بر اساس اولویتهای فرد در انتخاب شریک جنسی تعیین می شود.

افراد به همان اندازه و درجه ای دگرجنسگرا و یا همجنسگرا می باشند که از جهت اروتیکی به دگرجنس یا همجنس کشش و تمایل دارند.

ارجحیتهای جنسی اکثر افراد به سمت جنس دیگر سمت و سو دارد و دگرجنسگرا می باشند. (**دگرجنسگرایی**).

اما به هر حال، اقلیتی وجود دارد که اولویتهای جنسی اش هم به دگرجنس و هم به همجنس سمت و سمت و سو دارد (**دوجنسگرایی**)، و اقلیت باز هم کوچکتری هست که اولویت جنسی اش عمدتاً به سوی همجنس خود می باشد (**همجنسگرایی**).

انواع اولیه رفتارهای جنسی 3. آمیزش همجنسگرایانه تسللی از تجارب

کینزی، از یافته های خود به نتیجه ای منطقی رسید که با قلم خویش آن را بیان نمود:

«مردان دو گروه مجزای جمعیتی، یعنی دگرجنسگرا و همجنسگرا، تشکیل نمی دهند. دنیا را نباید به گوسفند و بز تقسیم کرد. همه اشیاء سیاه یا سفید نیستند. طبیعت به ندرت با دسته بندی اینچینی سر و کار دارد. تنها ذهن انسان است که دسته بندی را کشف و سعی می کند که با فشار، انسانها را در لانه های کبوتری یعنی چاربهستهای مجزا بگنجاند. جهان زنده، در هرکدام از ابعاد خود، تسللی و زنجیره وار می باشد. هرچه که ما زودتر این موضوع را در خصوص رفتارهای جنسی بشر بیاموزیم، به همان اندازه سریعتر به درک عاقلانه ای از واقعیت سکس، دست خواهیم یافت. هرگاه که ما افراد را نه به صورت دگرجنسگرا و همجنسگرا، بلکه به عنوان افرادی که مقدار معینی تجارب دگرجنسگرایی و مقدار معینی تجارب همجنسگرایی دارند، ببینیم، آنوقت این امر، به تفکر روشنتری حول موضوع، کمک خواهد کرد.

منبع:

Alfred C. Kinsey et al., Sexual Behavior in the Human Male (1948) p. 639



اما، همانطور که همه ما می دانیم، در زندگی روزانه، مردم به این مسائل توجه نمی کنند، و از «همجنسگرایان» و «دگرجنسگرایان» طوری سخن می گویند که گویا آنها دو گروه کاملاً مجزا هستند. درحقیقت، بسیاری از همجنسگرایان، بنا به دلائل اجتماعی و سیاسی ترجیح می دهند که خود را یک گروه مجزا بدانند. اما، کسانی هم هستند که خواهان به رسمیت شناختن طیف بسیار وسیعتری از گرایشات جنسی می باشند. کل این موضوع به بحث مفصلی نیاز دارد. در مبحث دوجنسگرایی تا حدودی به آن اشاره شده است.

آلفرد. س. کینزی (1956) –
1894) تقسیم انسانها به دو گروه
مجازی- «همجنسگرا» و
«دگرجنسگرا» - را قبول نداشت.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

3. آمیزش همجنسگرایانه

نه افراد، بلکه رفتارها

کینزی، این را پذیرفت که با گذر زمان حتی در یک فرد نیز ممکن است تعادل بین دگرجنسگرایی -



Paidierastia (عشق به پسرها)

یونانیان قدیم رفتارهای همجنسگرایانه را به عنوان جزئی از فعالیت جنسی مرد قبول داشتند و با توجه به سود اجتماعی اش، آن را تحت نام Paidierastia (عشق به پسرها) در جامعه و فرهنگ خود پرورش دادند. این گونه روابط عشقی، سدی در برابر ازدواج و بچه دار شدن ایجاد نمی کرد.

(تصویری از نقاشی روی گلدانی از

یونان باستان)

SPK

موزه های دولتی برلین

همجنسگرایی تغییر کند. زنان و مردانی وجود دارند که در دوره ای از زندگیشان، رفتارهای دگرجنسگرایی محض، و در دوره ای دیگر از زندگی خود، رفتارهای همجنسگرایی محض، در پیش می گیرند. بعضیها هم، به هر دو نوع رفتار، البته به درجات مختلف و با شدت و حدتی متفاوت، مبادرت می ورزند.

عده ای هم، در ابتدا با یک نسبت کشش و علاقه به هر دو جنس شروع می کنند و بعد به مرور، بیشتر مجذوب این یا آن جنس می شوند. به هر حال، این ترجیح و اولویت دهی، ممکن است دائمی باقی نماند. درحقیقت، موقعیت یک فرد بر روی مقیاس درجه بندی کینزی، ممکن است در طول زمان، چندین بار جا به جا شود. اگر تقسیم کل جمعیت به «دگرجنسگرا» و «همجنسگرا» نادرست است، به همان اندازه هم، «دگرجنسگرا» و «همجنسگرا» نامیدن یک فرد نادرست می باشد. بر این اساس، غیر ممکن است بدانیم که چه تعداد از انسانها «دگرجنسگرا» و چه تعداد «همجنسگرا» می باشند.

تنها چیزی که می توان تعیین کرد این است که در هر زمان معینی، چه تعداد از افراد به هرکدام از مقیاسهای پیوستاری درجه ای دگرجنسگرا - همجنسگرا، تعلق دارند. سئوالاتی مثل «چه تعداد افراد همجنسگرا وجود دارند؟» یا «آیا من همجنسگرا هستم؟»، هیچ پاسخ علمی ارزشمندی ندارند. به طور خلاصه، رفتارهای همجنسگرایانه به اقلیت کوچک «همجنسگرایان» محدود نمی شود، بلکه، کم و بیش و به درجات متفاوتی، در بسیاری از افراد دیگر که مهر همجنسگرا بودن نمی خورند هم، دیده می شود. (برای مثال به اینجا مراجعه شود.)

به همین سبب، در اینجا، انواع بیشتر معمول آمیزشهای همجنسگرایانه، بدون در نظر داشتن این که چنین رفتارهایی در بین افراد خاصی اتفاق می افتند، توضیح داده می شوند.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

3. آمیزش همجنسگرایانه

انواع اولیه آمیزش جنسی

آنچه که قبل از این درباره آمیزش جنسی دگرجنسگرایانه گفته شد، در مورد آمیزش جنسی همجنسگرایانه هم صدق می کند. در اینجا هم، اغلب پژوهشگران جنسی، روی نمونه هایی از مقاربت جنسی که تماس فیزیکی مستقیم با اندامهای جنسی حداقل یک طرف رابطه را شامل می شوند، تمرکز می کنند. و این، موضوع را به مقدار زیادی ساده می کند. به این خاطر، ما هم در اینجا از آن پیروی کرده و چهار نوع مقاربت جنسی را از هم تفکیک می کنیم:

وقتی که اندامهای جنسی یک طرف در تماس با دست (های) طرف دیگر باشد، ما از مقاربت جنسی دستی صحبت می کنیم.

وقتی که اندامهای جنسی یک طرف در تماس با دهان طرف دیگر باشد، ما از مقاربت جنسی دهانی صحبت می کنیم.

وقتی که اندامهای جنسی یک طرف در تماس با اندامهای جنسی طرف دیگر باشد، ما از مقاربت جنسی آلتی صحبت می کنیم.

وقتی که اندامهای جنسی یک طرف در تماس با مقعد طرف دیگر باشد، ما از مقاربت جنسی مقعدی صحبت می کنیم.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

3. آمیزش همجنسگرایانه

مقاربت جنسی دستی

در اینجا، مقاربت جنسی دستی به معنای تماس بین اندامهای جنسی یک نفر با دست (های) دیگری، تعریف شده است. هر دو جفتهای مؤنث و مذکر، اندامهای جنسی همدیگر را نوازش و تحریک می کنند. به هر حال، کسی که برای فرد همجنسی خلق می زند، بنا بر تجارب شخصی خود می داند که چگونه طرف را به لذت برساند. کلاً، مقاربت جنسی دستی، به احتمالی، ساده ترین و شایع ترین نوع فعالیت جنسی همجنسگرایانه می باشد، و در عین حال، بی خطرترین نوع «سکس بی خطر» هم هست.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

3. آمیزش همجنسگرایانه: مقاربت جنسی دستی

زنان



یک جفت زن در حال شروع عشق

ورزی

نقاشی چینی

اوانل قرن بیستم.

موزه سکس چین، تونگلی.

مقاربت جنسی دستی بین زنان، تقریباً شبیه مقاربت جنسی دستی بین مردان می باشد. به طور مسلم، زنان عموماً عاشق لمس و نوازش کل بدن خود می باشند، و مثل مردان، برای مالیده شدن آلت جنسی خود، عجله ای ندارند. با این همه، زنان بهتر می دانند که چه چیزی به زنان لذت می دهد. آنها قادرند با استمناء برای همدیگر به ارگاسم برسند.

اضافه بر این، از آنجا که برانگیختگی جنسی در زنان، به طور طبیعی به خیس شدن واژن می انجامد، ضرورتی برای کاربرد لوبریکانتهای تولیدی هم وجود ندارد.

بر خلاف تصور بسیاری از مردان، زنان هنگام استمناء معمولاً چیزی به درون واژن خود فرو نمی کنند، بلکه خیلی راحت و ساده، به اندامهای جنسی بیرونی خود همچون بدنه کلیتوریس (نه سر آن)، لپهای کوچک و دهانه واژن دست برده و آنها را لمس و مالش می دهند. البته شاید، این نواحی را به شکل مؤثری، با یک ویبراتور الکتریکی هم تحریک کنند و برانگیزانند.

انواع اولیه رفتارهای جنسی 3. آمیزش همجنسگرایانه: مقاربت جنسی دستی مردان



یک جفت مرد در حال شروع عشق
ورزی
نقاشی چینی
سلسله کیونگ
موزه سکس چین، تونگلی.

مردانی که برای همدیگر استمناء می کنند، استفاده از بزاق دهان یا لوبریکانتهای تولیدی برای خیس کردن آلت جهت پیشگیری از زخم شدن نواحی حساس آن را ضروری می یابند. بهترین لوبریکانتهای برای این کار، لوبریکانتهای حلال (water-soluble) می باشند. چنانچه از ژل لوبریکانت به مقدار کافی استفاده شود، آنها می توانند از مقاربت دستی به مقاربت آلتی تغییر حالت دهند. بعضی از مردان دوست دارند که آلت خود و طرف مقابل را در دست خویش گرفته و به طور همزمان برای هر دو آلت جلق بزنند. مردان دیگری هم هستند که دوست دارند یکی برایشان استمناء کند بدون آنکه خود برای طرف مقابل چنین کاری انجام دهند.

انواع اولیه رفتارهای جنسی 3. آمیزش همجنسگرایانه: مقاربت جنسی دهانی

آمیزش جنسی دهانی (سکس دهانی) در اینجا به معنای تماس شهوانی بین اندامهای جنسی یک فرد با دهان دیگری است.



یک جفت زن در همآغوشی عاشقانه
چوب بری ژاپنی، قرن نوزدهم.

اندامهای جنسی و دهان، دو منطقه بسیار حساس بدن هستند که به راحتی برانگیخته می شوند، و به این دلیل، در تماس مستقیم قرار گرفتن دهان و آلت جنسی در هنگام آمیزش، تعجب آور نیست. درحقیقت، این رفتار تقریباً در همه پستانداران دیده می شود، و از نقطه نظر بیولوژیکی، دلیلی وجود ندارد که انسان به عنوان رشد یافته ترین و حساس ترین نوع پستاندار، از این قاعده مستثنی باشد.

به هر حال، در گذشته، در برخی جوامع و دوره های تاریخی، سکس دهانی گناه، جرم و بیماری محسوب می شد، و کسانی که به آن می پرداختند، به شدت مجازات می شدند. علی رغم

محکومیت مذهبی، قانونی و روانپزشکی سکس دهانی در کشورهای غربی، جفتهای دگرجنسگرا و همجنسگرا، هر دو، در طول تاریخ به طور وسیعی بدان مبادرت ورزیده اند. قابل ذکر است که تکنیکی که در عمل به کار برده می شود، در هر دو گروه یکی است.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

3. آمیزش همجنسگرایانه: مقاربت جنسی دهانی مکیدن (خوردن) آلت مرد (Fellatio)

لغت «فلاسیو» (در فارسی عامیانه: کیر خوری، ساک زدن)، از کلمه لاتین *Fellare* به معنی مکیدن گرفته شده، و برای توضیح عمل لیسیدن و مکیدن اندامهای جنسی مرد به کار برده می شود. مسلماً، وقتی که دو مرد به آمیزش جنسی با هم می پردازند، ممکن است به نوبت به «فلاسیو» برای همدیگر هم دست بزنند. دو مرد، طبیعتاً می توانند به طور همزمان به فلاسیو بر همدیگر هم مشغول شوند. (به توضیحات مربوط به «69» در زیر مراجعه شود.)

در گذشته مردم سعی بر این داشتند که در کار «فلاسیو»، بین «فاعل» و «مفعول» تمایز قائل شوند، و بدین طریق معنی این لغات را در ذهن خود وارونه جلوه می دادند. بر اساس تمایز گفته شده، فردی که آلت دیگری را به دهان گرفته و با حرکات و فعالیت خود آن را می مکد، «مفعول» می باشد، اما طرف دیگر که بی حرکت و به حالت سکون قرار گرفته و آلتش مکیده می شود، «فاعل» است. این نوع استدلال بدان انجامید که فرد متحرک، «مفعول» (پاسیو) و همجنسگرا است، اما آن «فعال» بدون حرکت، به نحوی دگرجنسگرایی خود را دست نخورده نگه داشته است. (در نوع دیگری از همین استدلال، گرفتن ذکر به دهان و مک زدن آن، حالت مک زدن آلت مرد توسط زن در روابط دگرجنسگرایی را تداعی می کند؛ پس اگر مردی آلت مرد دیگری را مک بزند، نقش زن را ایفاء کرده و طرف مقابل در نقش فرو کننده و مرد ظاهر می شود. و بدون هیچگونه توضیح دیگری، طرفی که «نقش زن» را ایفاء کرده، همجنسگرا، و طرف مقابل که «نقش مرد» را ایفاء نموده، به عنوان دگرجنسگرا شناخته می شود.)

پس تعجب آور نیست که بسیاری از مردان دوجنسگرا (و کسانی که نسبت به گرایش خود چندان مطمئن نیستند) و پسران تن فروش، از این استدلالها برای توجیه فعالیت‌های همجنسگرایانه خود سود می جویند. این افراد بر نقش بی تحرک و غیر فعال خود به عنوان «فاعل» اصرار می ورزند و سعی می کنند سرد و بی تفاوت جلوه کنند، تا بعداً ادعا کنند که واقعاً هیچ کار «گی» انجام نداده اند. اما درحقیقت، فاعل یا مفعول بودن، ربطی به جنس، جنس، و یا گرایش جنسی ندارد. وقتی که مردی به کمک مرد دیگری به ارگاسم برسد، این بدان معنا است که از جهت جنسی به طور تمام و کمال توسط یک مرد برانگیخته می شود، و هیچ لحن و دلیلی، این واقعیت را نمی پوشاند.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

3. آمیزش همجنسگرایانه: مقاربت جنسی دهانی: زنان: «کونیلینکتوس و 69» (Cunnilinctus and “69”) لیسیدن و مکیدن آلت زن

زنان: کونیلینکتوس

لغت «کونیلینکتوس»، از کلمه لاتین *Cunus* به معنی فرج و *Lingvere* به معنی لیس زدن مشتق شده، و برای توضیح عمل لیسیدن و مکیدن اندامهای جنسی زن به کار برده می شود. بسیاری از زنان، از لیسیده شدن اندامهای جنسی خود لذت می برند، و چنانچه با زن دیگری سکس داشته باشند، چه بسا با لیسیدن متقابل اندامهای جنسی همدیگر، با هم به تبادل لذت بپردازند. زنان، طبیعتاً می توانند به طور همزمان به لیسیدن آلت همدیگر مشغول شوند. (به توضیحات مربوط به «69» در زیر مراجعه شود.) زنان ممکن است از لیسیدن همدیگر به عنوان وسیله ای برای برانگیختن جنسی همدیگر سود جویند و بعد از آن، به انواع دیگر مقاربت جنسی با هم روی آورند، و یا لیسیدن اندامهای جنسی همدیگر را تا رسیدن به ارگاسم ادامه دهند. از آنجا که یک زن خود بنا به تجربه دقیقاً می داند که چه چیزی به او لذت می دهد، پس در لیسیدن و لذت دهی مؤثر به زن دیگری که مشغول آمیزش جنسی با اوست، هیچ مشکلی ندارد.

شصت و نه «69»

اصطلاح انگلیسی عامیانه سکستی ناین (شصت و نه) فرانسوی «Soixante – neuf» برای توضیح حالتی از آمیزش جنسی به کار برده می شود که در آن، یک جفت به حالت عکس هم دراز کشیده و به طور همزمان به لیسیدن آلت‌های جنسی همدیگر می پردازد. در چنین وضعیتی، بدنهای آنها نسبت به هم به حالت اعداد شصت و نه (69 انگلیسی) قرار می گیرند؛ یعنی سر یکی در لای پای دیگری واقع می شود.

مسلماً، هر جفتی که با هم به مقاربت جنسی می پردازد، می تواند از این شیوه استفاده کند. دو نفر می توانند از دست زدن به سکس دهانی همزمان برای همدیگر به عنوان روشی برای برانگیختگی جنسی خود سود جویند، و یا آن را تا رسیدن به ارگاسم ادامه دهند، بخصوص اگر یک جفت وقت کافی صرف این کار کرده و در موقعیت بدنی راحتی قرار بگیرد.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

2. آمیزش جنسی دگرجنسگرایانه: سکس دهانی شرط احتیاط

**سکس دهانی بدون حفاظ
(مردان یا زنان)**



خطر اچ. آی. وی. / ایدز
شرکای جنسی تصادفی ممکن است بدون آن که خود بدانند، به اچ. آی. وی. / ایدز مبتلا باشند. به این خاطر، سکس دهانی با آنها با خطر ابتلاء به عفونت، بخصوص برای طرفی که اسپرم، ترشحات واژنی، خون قاعدگی، یا هر مایع دیگر بدنی را می بلعد، همراه است.
با تشکر از BZgA
کلن - آلمان.

با توجه به شیوع اچ. آی. وی. / ایدز، و گسترش بیماریهای مقاربتی در جهان، زنان و مردان، هر دو، باید خطر سرایت عفونت از طریق مقاربت دهانی با افراد ناشناس و تازه آشنا را، جدی بگیرند. حتی چنانچه شرکای جنسی آشنا هم، با افراد ناشناس و یا مبتلا، به آمیزش جنسی دست بزنند، و بعداً شریک جنسی رسمیشان، اسپرم آلوده، ترشحات واژنی، خون قاعدگی، یا هر مایع بدنی دیگر آنها را بلعد، آنوقت، طرف را به بیماری مبتلا می کنند. خطر انتقال اچ. آی. وی. / ایدز از طریق سکس دهانی چندان زیاد نیست، اما به هرحال وجود دارد.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

3. آمیزش جنسی همجنسگرایانه آمیزش آلتی

در اینجا، آمیزش آلتی به معنای تماس شهوانی بین اندامهای جنسی دو فرد می باشد. بنا بر آموزه های فروید و پیروانش، هدف رشد و نموجنسی فرد، «بلوغ تناسلی» است، و آمیزش آلتی تنها شکل «بالغ و رسیده» بیان جنسی افراد بزرگسال می باشد.



دو مرد با نعوذ به هم نزدیک می شوند
کنده کاری، حدود 1500 سال قبل از میلاد، ایالت گوانکسی، چین.
موزه سکس چین، تونگلی.

به هرحال، این تنها نوع مقاربت است که به تولید مثل می انجامد. اما، از آنجا که دو زن، یا دو مرد با هم، قادر به تولید مثل نیستند، چه بسا به دیگر انواع آمیزش جنسی دست زده و لذت ببرند. با این وجود، هم جفتهای زن و هم جفتهای مرد، هر دو، گاهی به آمیزش جنسی آلتی با هم پرداخته و به ارضاء جنسی می رسند. این موضوع کاملاً قابل درک است چون هم آلت جنسی مرد و هم آلت جنسی زن، نسبت به لمس و تماس حساس می باشند و در اثر آن به شدت تحریک می شوند. مسلماً، به دلایل ساختاری، مقاربت آلتی یک جفت همجنس از مقاربت آلتی یک زن و مرد با هم، متفاوت می باشد. اما، این تفاوت خیلی کمتر از آن چیزی است که بعضیها علناً حاضر به اعتراف به آن باشند.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

3. آمیزش جنسی همجنسگرایانه: آمیزش جنسی آلتی

هم کناری آلت‌های جنسی نسبت به هم

دو زن، یا دو مرد همجنسگرا، ممکن است آنچنان همدیگر را تنگ در آغوش بگیرند که اندامهای جنسیشان در تماس مستقیم با هم واقع شوند. آنوقت، حرکات موزون لگنها، می تواند به تحریک و شهوانی کردن هر دو طرف بیانجامد.



دو زن در حال عشق ورزی
نقاشی روی یک بشقاب چینی
سلسله کونینگ
موزه سکس چین، تونگلی.

مردانی که بدین طریق آلت‌های خود را به هم می رسانند، استفاده از لوبریکانت برای خیس کردن آلت‌های خود و افزایش حساسیت، و همچنین جلوگیری از سایش نقاط حساس ذکر را، مفید می یابند. بدون کاربرد نوعی لوبریکانت، سر آلت یک طرف که به موهای اطراف آلت دیگری می خورد، ممکن است خراش بردارد. بسیاری از مردان این را هم دوست دارند که آلت خود و طرف مقابل را با هم، در دست گرفته و به طور همزمان هر دو آلت را، تا ارگاسم، جلق بزنند. البته این عمل را می توان آمیزش دستی هم نامید. دو زن هم از در تماس قرار گرفتن آلت‌های خود لذت می برند. این عمل گاهی حتی امکان ارگاسم هر دو طرف را هم برایشان فراهم می آورد. همانطور که قبلاً اشاره شد، حتی در آمیزش مهبل در یک رابطه دگرجنسگرایانه هم، حساسترین نقاط محرک جنسی زن، کلیتوریس، لب‌های کوچک مهبل و درگاه آن می باشند. همه این مناطق نامبرده را می توان با مالش آنها بر بدن زنی دیگر، تحریک نمود و برانگیخت. با این همه، زنانی وجود دارند که بالاخص از دخول عمقی مهبل لذت می برند. اینگونه زنان چه بسا به راحتی به آمیزش جنسی همجنسگرایانه بپردازند اما حس کنند که لذت فیزیکی آن کمتر از آمیزش مهبل است.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

3. آمیزش جنسی همجنسگرایانه: آمیزش جنسی آلتی

آمیزش مهبل تشبیهی

اگر یکی از دو زنی که به عشق ورزی با هم پرداخته اند، یک ذکر مصنوعی به بدن خود ببندد، آنوقت آنها می توانند آمیزش دخول مهبل (زن و مرد) را شبیه سازی کنند. درحقیقت، بسیاری از مردان هم، از تصور چنین کاری توسط یک زن، در ذهن خود، لذت می برند. انواع آلت‌های مصنوعی مردانه هم در بازار یافت می شوند که یا می توان از طریق پستی سفارش داد و یا از «فروشگاههای سکس» تهیه نمود. ولی، حقیقت این است که تعداد بسیار محدودی از زنان به چنین کاری دست می زنند. و اگر هم چنین کنند، احتمالاً بیشتر برای تحریک مردان بیننده است تا برای لذت جویی شخصی خودشان. همانطور که پیش از این اشاره شد، وقتی که زنان به مقاربت با هم می پردازند، دوست دارند که در ابتدا به شکل عام و کلی مورد لمس و نوازش قرار گیرند. سپس، وقتی که به سطح معینی از تهییج جنسی رسیدند، آنوقت تحریک و برانگیختن بلاانقطاع اندامهای جنسی بیرونی، عامل مهمی در رسیدن آنها به ارگاسم می باشد.



دیلدوی دو سره
برای استفاده همزمان توسط دو زن.
سلسله سونگ- چین
حدود 1000 سال بعد از میلاد
موزه سکس چین، تونگلی.

دیلدوی دو سره
برای استفاده همزمان توسط دو زن.
سلسله سونگ- چین
حدود 1000 سال بعد از میلاد
موزه سکس چین، تونگلی.

و کلی مورد لمس و نوازش قرار گیرند. سپس، وقتی که به سطح معینی از تهییج جنسی رسیدند، آنوقت تحریک و برانگیختن بلاانقطاع اندامهای جنسی بیرونی، عامل مهمی در رسیدن آنها به ارگاسم می باشد.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

3. آمیزش جنسی همجنسگرایانه

آمیزش مقعدی

مقاربت مقعدی در اینجا، به معنای تماس جنسی بین آلت یک طرف با مقعد طرف دیگر می باشد. از آنجا که مقعد یکی از حساس ترین نقاط شهوانی بدن می باشد، بسیاری از زنان و مردان در خلال عمل جنسی خود، به شکلی از تحریک مقعدی لذت می برند. در اصل، واقعیت این است که بعضی افراد برای لذت بیشتر در خلال استمناء، انگشت یا شیئی استوانه ای شکل، به مقعد خود فرو می کنند. بنابراین، هیچ تعجبی ندارد که گاهی، در خلال مقاربت جنسی مردان با هم، آلت یکی و مقعد دیگری به هم رسانده شوند. این امکان وجود دارد که یک مرد آلتش را در مقعد شریک جنسی خود فرو کند. اما از آنجا که مقعد برخلاف مهبل به طور طبیعی لزج نمی شود، کاربرد نوعی لوبریکانت توصیه می شود. کرمهای آبی (water-soluble creams) برای این کار مناسبند، و بهتر است که مستقیماً به مقعد مالیده شوند. بعد از آن، فرو کردن آهسته و آرام می تواند شروع شود. البته، مردانی هم هستند که صرفاً از مالیدن آلتشان در بین لمبرهای شریک جنسی خود لذت می برند.

هرچند که آمیزش مقعدی می تواند برای هر دو طرف بسیار رضایتبخش باشد، اما این رفتار برخلاف آنچه که بسیاری تصور می کنند، عمل «روزمره ای» نیست. در فرهنگ ما، بیشتر مردم آموخته اند که مقعد را به خاطر عملکرد آن، کثیف و مشمئزکننده تصور کنند. (اندامهای جنسی هم، البته به نسبت کمتری، به خاطر ارتباط آنها با خروج ادرار از بدن، تنفرآور و منزجر کننده دانسته می شوند.) در ضمن، یک تابوی قوی مذهبی و اجتماعی علیه تماس بین مقعد و ذکر هم عمل می کند. حتی در بعضی از کشورها این عمل جرم محسوب می شود. در چنین شرایطی، عجیب نیست که بعضی از همجنسگرایان به همان اندازه بسیاری از دگرجنسگرایان، از آمیزش مقعدی منزجرند.

در انتها، این را هم باید اضافه نمود که به دلایل ساختار بدنی (آناتومیک)، دو زن نمی توانند با هم به مقاربت مقعدی بپردازند. تنها استثناء این است که یکی از دو طرف آلت مصنوعی به کمر خود ببندد. اما این مسئله بیشتر تنویری است تا واقعی، چون زنانی که به عشق ورزی با هم می پردازند، معمولاً با به کارگیری دیگر انواع آمیزشهای جنسی همدیگر را ارضاء می کنند.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

3. آمیزش جنسی همجنسگرایانه: آمیزش مقعدی

دخول مقعدی

بد نیست به این موضوع هم اشاره شود که تعداد معدودی از مردان از این که شریک جنسیشان چیزی در مقعد آنها فرو کند، لذت می برند. این چیزها (اشیاء) گاهی ممکن است سفت و بلند باشند، و حتی در موارد بسیار نادری هم ممکن است یک شریک جنسی دست خود را به طور کامل وارد مقعد دیگری کند، که به آن «**fistfucking**» (فیسفت فاکینگ = مشت گایی) می گویند.

تنها می توان حدس زد که آن مردانی که به چنین عملی مبادرت می ورزند، از خطرات آن بی اطلاعند. پیش از هر چیز، با این کار، خطر عفونت از راه خراش دیدگی و چرک زیر ناخنها وجود دارد. همچنین خطر آسیب دیدگی داخلی وجود دارد که شاید حس نشود اما ممکن است به خونریزی و حتی مرگ منجر شود. هرچند که قابلیت ارتجاعی ماهیچه اسفینکتر مقعد توان کش دادن توسط آلت مردانه که به آرامی وارد می شود را دارد، اما کش دادن آن با یک مشت یا چیزی به اندازه آن، به قابلیت ارتجاعی ماهیچه مقعد صدمه می زند. به عبارت دیگر، درحالیکه آمیزش مقعدی به خودی خود مشکلی ایجاد نمی کند، اما «مشت گایی» می تواند به وارد آوردن صدماتی بیانجامد، بخصوص اگر این کار به یک عادت تبدیل شود. مواردی دیده شده که در نتیجه «فیسفت فاکینگ» کارکرد عادی مقعد کاملاً مختل و دخالت پزشک ضروری شده است.

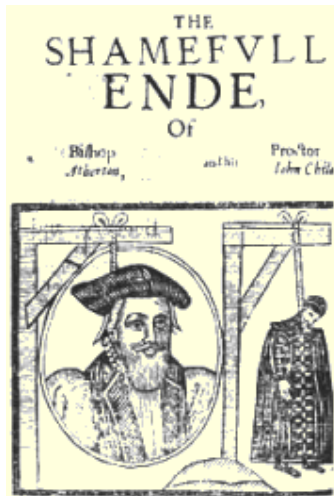


ویبراتورهایی برای فرو کردن در مقعد یا واژن

در بعضی از کشورها «فروشگاههای سکس» انواع مختلفی از ویبراتورهایی که با باتری کار می کنند را، عرضه می دارند. این ویبراتورها می توانند برای دخول مقعدی یا مهبل به کار برده شوند. قسمت بیرونی آنها معمولاً از لاتکس می باشد، و بعضی از آنها به شکل و شمایل آلت مردانه شاخته شده اند. بعضی فروشگاهها هم نوعی سوراخگیر (پلاگ = Plug)، یا سوراخگیرهایی که قابلیت باد شدن دارند، را برای اهداف جنسی مختلف می فروشند.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

3. آمیزش جنسی همجنسگرایانه: آمیزش مقعدی رفتار و برخوردهای فرهنگی



در انگلستان، قرن 17، اسقف جان اترتون (John Atherton 1598-1640) به تصویب قوانین کیفری سختی علیه سودومی و لواط (آمیزش مقعدی)، کمک نمود. سرانجام، خودش و مباشرش که «شریک جرمش» بود، با استناد به همان قوانین (به جرم لواط)، در ملاء عام به دار آویخته شدند.

برای مدت زمانی طولانی، آمیزش مقعدی، بخصوص آمیزش مقعدی بین مردان، در دو سنت یهودی و مسیحی، گناه و انحراف دانسته می شد، برخوردی که به اسلام هم کشیده شد. مسیحیان سده های میانه، چنین عملی را «جرم علیه طبیعت»، «باگری» یا «سودومی» می نامیدند، و مجازات شدیدی برای آن در نظر می گرفتند. درحقیقت، «قوانین سودومی» در بعضی از کشورهای غربی تا قرن بیستم اجرا می شدند، ولی بعداً به مرور لغو شدند.

ادامه اثرات روانی این میراث تاریخی به کنار، اما بسیاری از افراد، کماکان، مقعد را به خاطر عملکردش، کثیف و مشمتز کننده می دانند. (اندامهای جنسی هم، البته به نسبت کمتری، به خاطر ارتباط آنها با خروج ادرار از بدن، تنفرآور و منزجر کننده دانسته می شوند.) اینگونه برخوردها اغلب در اعماق فرد ته نشین شده اند و باید محترم شمرده شوند. به هر حال، خودخواهی است اگر از هر کسی خواسته شود که بر خلاف میل خود، نوعی فعالیت جنسی که به آن رغبتی ندارد را، انجام دهد. ولی، دانشمندانی که بی طرفانه، و از چشم انداز تاریخی و جهانی به بررسی موضوع می پردازند، به این نتیجه می رسند که انزجار از آمیزش مقعدی هرگز جهانی و همگانی نبوده است.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

2. آمیزش جنسی دگرجنسگرایانه: آمیزش مقعدی

رفتار و برخوردهای فرهنگی

شرط احتیاط

با توجه به شیوع اچ. آی. وی. / ایدز، و گسترش بیماریهای مقاربتی در جهان، مردان باید خطر سرایت



شرکای جنسی موقتی ممکن است بدون آن که خود بدانند، به اچ. آی. وی. / ایدز مبتلا باشند. به همین خاطر سکس بدون حفاظ با آنها خطر بیشتری دربر دارد، بخصوص برای فرد گیرنده (دریافت کننده اسپرم).
با تشکر از BZgA
کلن - آلمان.

عفونت از راه آمیزش مقعدی با افراد ناشناس و تازه آشنا را، جدی بگیرند. حتی چنانچه شرکای جنسی آشنا هم، به آمیزش جنسی با افراد ناشناس و یا آلوده دست بزنند، ممکن است ناخودآگاه آلوده شوند. خطر بیشتر متوجه طرفی است که گیرنده می باشد (آلت طرف مقابل در او فرو می شود و در نتیجه اسپرم احتمالاً آلوده دریافت می کند). مرد دهنده (فرو کننده) با خطر کمتری مواجه است، اما توصیه می شود که برای حفظ سلامت خود (و دیگری) همیشه از کاندوم استفاده کند. سکس مقعدی بین همجنسگرایان یکی از راههای اصلی انتقال اچ. آی. وی. / ایدز می باشد.

و در انتها، به رفتار مخاطره آمیز دیگری هم باید اشاره شود: لیسیدن مقعد (یا همان کون لیزی)، علاوه بر دربر داشتن خطر انتقال بیماریهای مقاربتی «کلاسیک - آشنا» همچون سوزاک، سیفلیس، هپاتیت ب. و امثالهم، به انتقال روده زیبایی همچون آمیبها، کرمهای انگلی و دیگر باکتریهای روده ای هم منجر می شود.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

4- تماس جنسی با حیوانات



سیما و منظری مذهبی

بالا: خدای اعظم یونانیان؛ زئوس، به قالب قوئی در آمده تا با لیدا، ملکه اسپارتا، جماع کند. (مجسمه قدیمی یونانی)

پائین: مجسمه ها و سنگ تراشیهایی برخی از معابد کهن هندوئی نحوه های انواع رفتارها و فعالیتهای جنسی را در معرض نمایش می گذارند. (در اینجا نمونه ای از معبد لاکشمانا، خواجه راهو، در مرکز هند. نشان داده می شود).

در افسانه ها و قصه های عامیانه بسیاری از فرهنگهای جهان، به موضوع آمیزش جنسی نوع انسان با دیگر انواع حیوانات، همچون ببر، گرگ، اسب، مار و تماس اشاره شده است. برخورد با این نوع رفتار همیشه منفی نبوده است. برای نمونه، مذهبی که به «دگردیسی و زایش جانها» یعنی ایده مبنی بر این که انسان بعد از مرگ مجدداً در قالب حیوان دیگری زاده می شود، معتقد هستند، با موضوع تماس جنسی انسان و حیوان برخورد کاملاً متفاوتی نسبت به آن مذهبی داشته اند که انسان را به عنوان یک استثنا، و بدون هرگونه رابطه معنوی با جهان حیوانات می دیده اند. در اغلب افسانه های کهن، حیوانات هستند که بیشتر مورد توجه و علاقه انسان واقع می شوند، اما نویسندگان یونان باستان و روم قدیم، مواردی تعریف می کنند که در آنها حیوانات ابتکار عمل را به دست گرفته و خود پیشقدم شده اند. مثلاً، در داستان معروفی از ایلینیان (Aelian = Claudius Aelianus) در قرن دوم میلادی، دلفینی به پسر دل می بندد، با او به عشق ورزی می پردازد و او را همدم خود می کند. وقتی که آن پسر در اثر حادثه ای تلف می شود، دلفین دلشکسته هم میل و رغبت به ادامه زندگی را از دست می دهد. یونانیان بر این اعتقاد هم بودند که زئوس، خدای اعظم آنان، گاهی به قالب حیوانی در می آمد تا موفق به آمیزش جنسی با زنان و دخترانی شود «که به راحتی پا نمی دادند». پس او، در قالب گاوی

نر با اروپا، و در قالب یک قو با لیدا جفتگیری کرد. افسانه های یونان این را هم به ما می گویند که «پاسیفانی» (Pasiphaë)، ملکه جزیره کریت، با یک گاو نر آمیزش جنسی داشته و انسان هیولایی به اسم «مینوتاور» (Minotaur) را از او به دنیا می آورد که سر گاو نر داشته است. داستانها و افسانه های مشابهی توسط برخی از مردمان قدیم در آسیا، آفریقا و آمریکا، روایت شده اند. برای مثال، قبائل خاصی در بین اسکیموها این اعتقاد را دارند که انسان سفیدپوست، در نتیجه مقاربت جنسی بین یک زن با سگ پدید آمده است.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

4- تماس جنسی با حیوانات

تاریخچه 1

در جوامع یهودی- مسیحی، تماس جنسی بین انسان و حیوان، برای مدت زمانی طولانی، جرم محسوب می شد. طبق آنچه که در انجیل آمده، عبریان کهن، با محکوم کردن افراد به مرگ، از این عمل جلوگیری می کردند. (20: سفر لاویان)

مجموعه قوانین شرعی و مدنی یهود (تلمود) به زن بیوه، به این دلیل که مبدا از سگ استفاده جنسی ببرد، هیچوقت اجازه نگهداری سگ به عنوان حیوان خانگی را نمی دهد. (Abodah Zarah 22b; Baba Metzia 71 a)

این برخورد منفی یهودی بعداً در آئینهای مسیحی هم به کار بسته شد، که به نوبه خود، بر قوانین مدنی بسیاری از کشورهای غربی هم تأثیر گذاشت. این جرم «سودومی» خوانده شد. (از نام شهر سودوم در انجیل گرفته شده که چون مردمانش «انواع اعمال جنسی غیر طبیعی» مرتکب شدند، منهدم گردید. کتاب پیدایش - 19)

در اذهان مردمان سده های میانه، این موضوع همه انواع آمیزش جنسی غیر مهیلبی، از جمله مقاربت جنسی با حیوانات و بخصوص اعمال همجنسگرایی را شامل گردید. (در اصل، انجیل نمی گوید که شهروندان سودوم چنین تماسهایی داشته اند)، اما،

طنز تاریخ این است که همان قوانین سودومی سرانجام علیه خود یهودیان به کار برده شدند. در سده های میانه، برخی از علمای مذهبی مسیحی اعلام کردند که تماس جنسی یک انسان مسیحی با یک فرد یهودی یا مسلمان، از جهت اخلاقی مترادف مقاربت «غیر طبیعی» با یک حیوان محسوب می شود، «نظر به اینکه این افراد در دین و قانون ما با حیوان فرقی ندارند». و چنین جرمی بسیار جدی تلقی می شد.

در طول قرنهای، تا همین اوائل دوران مدرن، زنان و مردان به جرم نزدیکی جنسی با حیوانات، زنده به گور یا حلق آویز شده و یا آتش زده می شدند. بعضی اوقات، حیوانی که فرد با او جماع داشته هم، به همراه فرد به قتل می رسید. این قوانین و سنن مذهبی، در اندیشه های پزشکی غربی هم منعکس شده بودند. پس، رفتارهایی که از نظر روحانیون معصیت و جرم تلقی می شدند، توسط روانپزشکان هم به راحتی به عنوان بیماری معرفی می شدند. آنها، مقاربت جنسی با حیوانات را، به عنوان علائم بالینی «اختلال»، «کجروی»، «ناهنجاری»، و یا «انحراف» می دانستند. آنچه که کلیسا و دولت آن را «سودومی» و «جرم علیه طبیعت» نامید، روانپزشکان با عجله «zoophilia» («جانور خواهی»)، و یا «bestiality» («حیوان بازی» نامگذاری کردند. در نتیجه، مردمانی که به چنین رفتاری دست می زدند، به عنوان بیمار معرفی شدند. در قرن بیستم بود که روانپزشکان به نقد نظرات خود دست زده و کم کم چنان قضاوت کلی و عمومی ای را به کنار نهادند.



بعد هنری

تماس جنسی انسان با حیوانات از دوران کهن در آثار همه فرهنگها دیده می شود. در تصویر فوق مردی در حال آمیزش با یک الاغ دیده می شود. حکاکی سنگی، وال کامونیکا - ایتالیا، حدود 3000 سال پیش از میلاد.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

4- تماس جنسی با حیوانات

تاریخچه 2



فردریک دوم (اعظم، 1786 – 1868)
پادشاه پروس، به سنت مذهبی
محکومیت شدید تماس جنسی انسان
با حیوان، پشت پا زد.



اگوست فورل (1848 – 1931)
لغو قوانینی که علیه تماس
انسان با حیوانات بودند را، خواستار
گردید.

در قرن هیجدهم، «دوران روشنگری»، در اغلب کشورهای غربی به مرور از شدت و حدت محکومیت مذهبی و پیگرد قانونی تماسهای جنسی افراد با حیوانات کاسته شد. مثلاً پادشاه پروس، فردریک کبیر، که خود را حاکمی روشن و آگاه می دانست، به دگمهای مذهبی وابسته نبود و در امور جنسی به حدی پراگماتیست (عملگرا) بود که وقتی که یکی از سربازان سواره نظام او، در حال آمیزش جنسی با یکی از مادیان پادشاه دیده شد، شاه مجازات ساده ای را بدعت نمود: «طرف باید به پیاده نظام منتقل شود.»

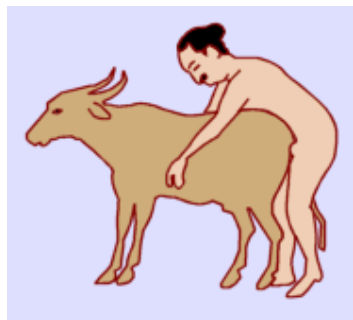
قرن نوزدهم شاهد کاهش روزافزون نفوذ مذهبی در قانونگذاری مدنی و کفیری اروپا بود، و بالاخره، در قرن بیستم، روانپزشک برجسته سوئیسی **اگوست فورل** (Auguste Forel) به طور جدی و غیر مترقبه ای خواستار لغو همه قوانین مربوط به «سودومی» گردید. «وقتی ابله فقیری با گاوی جفتگیری می کند، نه بر گاو جراحی وارد می شود و نه بر صاحب گاو. تازه، حتی در صورتی که متهم صاحب حیوان هم باشد، باز هم قاضی، حکم سودومی می دهد. قانون چگونه این حق را به خود می دهد که عملی که به هیچ کسی آسیبی نمی رساند را، مجازات کند؟ این سند آشکاری از پیاوه های مذهبی است، چیزی شبیه مجازات گناه علیه روح مقدس» (1)

درواقع، در دهه های بعد از آن، بسیاری از کشورهای غربی به بازبینی قوانین کفیری خود پرداخته، و در آخر هم قوانین مربوط به تماس جنسی با حیوانات را لغو کردند. امروزه تنها در چند جای محدود، این قوانین هنوز باقی مانده اند.

(1) Forel, A. The Sexual Question (German original edition.1905), engl ed: New York 1926., p. 400

انواع اولیه رفتارهای جنسی

4- تماس جنسی با حیوانات: شیوع و گستردگی



یک رفتار نادر
تماس جنسی بین انسانها و حیوانات
همیشه نادر بوده است. این مسئله معمولاً در
محیطهای کشاورزی و دامداری اتفاق می
افتد.
(نقاشی هندی، قرن نوزدهم)

در جوامع دامداری گذشته، ممکن است تماس جنسی بین چوپانان منفرد، با گاو، گوسفند یا بزهایشان، تا حدودی عادی بوده باشد، ولی در جهان مدرن ما، اینگونه تماسها تقریباً نادر می باشند. مسلماً، دستیابی به آمار دقیق، در این خصوص کار مشکلی است، اما یافته های **آلفرد. س. کینزی** تا امروز همچنان با اعتبار باقی مانده اند: تنها 8% مردان و 4% زنان آمریکایی چنین تجاربی داشته اند، و این تجارب معمولاً فرعی بوده اند. امروزه اگر هم تماس جنسی بین انسان و حیوان برقرار شود، عمدتاً در مناطق دورافتاده روستایی رخ می دهد. مثلاً، ممکن است پسران مزرعه داری شاهد جفتگیری دامها باشند و به وسوسه بیفتند که خودشان هم به آن نوع رابطه جنسی دست بزنند. آنها شاید به جماع مهبل با گوساله، اسبهای کوتاه با جثه

ریز (Pony-ponies)، گوسفند، خوک، سگ، و حتی اردک یا جوجه، دست بزنند. این نوع تماسها معمولاً تنها چند دفعه تکرار، و بعد کنار گذاشته می شوند. البته گاهی پسری، برای مدت زمانی، تماس جنسی منظمی با یک حیوان خاصی برقرار می کند. آمیزش مهملی تنها نوع ممکن تماس جنسی بین انسان و حیوان نمی باشد. برخی از پسران خیلی راحت برای حیوان استمناء می کنند (مثل زمانی که دامدار برای گرفتن اسپرم جهت لقاح مصنوعی حیوانات، عمل می کند)، یا شاید حیوان را به لیسیدن ذکر یا مقعد خود وادارند. تکنیکهای مشابهی توسط دختران و زنان هم به کار برده می شوند، هرچند که تماس جنسی بین زنان و دختران با حیوانات خیلی نادرتر از تماس افراد مذکر با حیوانات می باشد. اگر تماس جنسی انسان با حیوانات نسبتاً نادر است، اما، تماس بین حیوانات از گونه های مختلف با هم، چندان غیر معمول نیست. در بعضی موارد جفتگیریهایی همچون اسب با الاغ، یا شیر با ببر، ممکن است به تولید بچه هایی (برای نمونه قاطر و «شیرپلنگ») هم بیانجامد. حیوان انسان، خویشاوند نزدیکی در بین پستانداران ندارد، و شاید همین موضوع سبب محدودیت تماس جنسی انسان با حیوان باشد. بدیهی است که چنین تماسی هرگز به آبستنی هیچ حیوان یا انسانی، نمی انجامد.

انواع اولیه رفتارهای جنسی

4- تماس جنسی با حیوانات

یک رفتار نادر

امروزه، بعد از مطالعات جامع و نفس گیر آمارهای دفعات تماس جنسی انسانها با حیوانات، عجیب به نظر



تماس جنسی حیوان - انسان
تصویر، یک حکاکی سنگی در
چین را نشان می دهد.
ایالت گوانگسی، حدود 1500
سال پیش از میلاد.
موزه سکس چین، تونگلی.

می رسد که مقامات بالای مذهبی، قانونگذاری و روانپزشکی، اصلاً وقت خود را صرف پرداختن به چنین مسئله ای کرده باشند. اکنون، ما این را می دانیم که این نوع رفتار، درواقع بسیار نادر می باشد. این رفتار در بین مردان نادر است و در بین زنان، نادرتر. به عبارتی، موضوع فاقد هرگونه اهمیت اجتماعی است. به این دلیل، ما بر این تصوریم که محکومیت شدید آن، دراصل در خدمت اهداف سمبلیک خاص مذهبی بوده باشد.

می توان حدس زد که در آینده، مقامات قانونگذاری و پزشکی، ذهن خود را خیلی کمتر درگیر موضوع تماس جنسی انسان با حیوان، خواهند کرد. به هر حال، تا جایی که به حیوان صدمه ای وارد نشده، یا با آن بد رفتاری صورت نگرفته باشد، نیازی به دخالت جامعه در قضیه وجود ندارد. دلیلی هم برای زدن برچسبهای روانی بر مسائل پرتی مثل اینگونه تماسها، باقی نمی ماند. تنها، مردان و زنانی را که تماس جنسی با حیوانات را بر تماس جنسی با انسانی دیگر ترجیح می دهند، می توان از جهت جنسی، کژرو تلقی کرد. در چنین حالتی، همچون در دیگر حالات رفتارهای جنسی، که فرد وسواس روانی خاصی برای دست زدن به آنها احساس می کند و خود را ناچار می یابد (confining and compulsive)، ارائه کمکهای تخصصی به فرد، توصیه می شود. (برای اطلاع بیشتر [به اینجا](#) مراجعه شود.)

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی

همانطور که مشاهده شد، رفتارهای جنسی انسان، در چندین مرحله، و به اقسام جهات و سمت و سوهای ممکن، رشد می کنند. رفتار جنسی، بر پایه پتانسیل غریزی بیولوژیکی بنیان شده، و تحت تأثیر عوامل فرهنگی، که خود از دوره ای به دوره ای دیگر و از محلی به محلی دیگر فرق می کنند، شکل می گیرد. البته، این را باید به خاطر داشت که: هم ارزشهای جنسی و هم امکانات جنسی مناطق روستایی و شهری با یکدیگر فرق دارند. این مسئله در مورد مردم فقیر و غنی، جوانان و پیران، تحصیلکردگان و بی سوادان، زاهدان و بی دینان، و حتی در خانواده های با پیشینه فرهنگی و اجتماعی یکسان هم، صدق می کند. به علاوه، بسیاری از

کشورها، گروه‌های قومی مختلف و حتی گروه‌های مهاجر، فرهنگ و سنن خاص خود را دارا می‌باشند؛ لذا مسئله خیلی پیچیده تر و غامض تر از آن است که تصور می‌شود. در هر صورت، فرد در طول رشد خود، با نسخه‌ها و پیش‌نویس‌های جنسی بسیار متعددی رو به رو می‌شوند و آنهایی که به مذاقشان بیشتر خوش می‌آیند را، انتخاب می‌کنند. انتخاب نهایی که فرد انجام می‌دهد، نتیجهٔ پروسهٔ تعامل و داد و ستدی است که به شرایط و موقعیتهای بسیاری بستگی دارد، و از آنجا که شرایط و موقعیتهای افراد از هم متفاوتند، در نتیجه، انتخاب آنها نیز از هم متفاوت می‌باشند. بنابراین، وجود اینهمه تنوع در رفتارهای جنسی بشر، و تفاوت در علائق جنسی انسانها تعجب‌آور نیست. البته، در بعضی حالتها، علائق آنقدر ویژه و غیر معمولی اند که مسئله ساز می‌شوند. مسلماً، هر جامعه‌ای، مقدار معینی از تنوع در علائق جنسی را تحمل می‌کند و، محدوده‌ای از گستره رفتارهای جنسی را به عنوان «نرمال» می‌پذیرد. با این وجود، تعریف پذیرفته شده جهانی از نرمالیت جنسی وجود ندارد. (به بخش «رشد و نمو رفتارهای جنسی» پیشگفتار: یک نسخه؟ - تغییر نسخه‌های فرهنگی 1» مراجعه شود).

بسته به محیط اجتماعی، ممکن است انواع مختلفی از رفتارهای جنسی جذاب و مد شوند، یا غیر قابل درک، شنیع، و تفرآور تلقی گردند. حتی ممکن است قانوناً مجازات شوند. همانطور که گفته شد، عوامل تأثیرگذار و تعیین‌کننده همانا زمان و مکان می‌باشند.

در این دوره آموزشی، امکان توضیح همه و یا اکثر تنوعات رفتارهای جنسی بشر وجود ندارد. امکان بحث حول واکنشهای اجتماعی نسبت به این تنوعات و تفاوتها در گذشته و حال هم وجود ندارد. ولی، می‌توانیم آخرین سمت و سواها را به ثبت برسانیم: در چند دهه گذشته، خواست حقوق جهانی جنسی، هرچه گسترده تر شده است و، در نتیجه، کشورهای هرچه بیشتری هم، گستره وسیعتری از تنوعات علائق جنسی را پذیرفته‌اند. بعد از توضیحات و ارائه مدارکی در زیر، نمونه‌های بعضی از رفتارهای جنسی غیر معمول آورده می‌شوند.

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی

حقوق جنسی 1

امروزه، بسیاری از انسانها، حقوق جنسی را به عنوان بخشی از حقوق بشر خود مطالبه می‌کنند. این درخواست، در تاریخ بشر تازگی دارد. درواقع، حتی درخواست و مطالبه خود حقوق بشر هم موضوع نسبتاً تازه‌ای است. هرچند در بعضی از تمدنهای کهن دیده شده، اما جنبش حقوق بشری، تا قرن هیجدهم، به جنبشی جهانی و همگانی تبدیل نشد. سینه چاک‌ترین پیشگامان آن، نویسندگان اروپایی و آمریکایی «عصر روشنگری» بودند. هدف مشترک آنها، بنا کردن جامعه عادلانه‌ای بود که در آن همه افراد از حقوق برابر و مساوی برخوردار باشند. برای اولین بار، در «اعلامیه استقلال آمریکا» در سال 1776 تأکید گردید که: هر فردی «از حقوق سلب ناپذیر حیات، آزادی، و پیگیری شادی و سعادت خود» برخوردار است. انقلاب فرانسه، در سال 1789 اعلامیه حقوق انسان و شهروند را تصویب نمود، که الهام‌آور انواع جنبشهای اجتماعی در کشورهای دیگر شد، و سرانجام در سال 1948، به تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر سازمان ملل متحد منجر گردید.



اعلامیه استقلال آمریکا

این سند، با اعلام «حقوق سلب ناشدنی فرد در پیگیری خوشبختی خود» باعث گردیده که بسیاری از مدافعان حقوق انسانها، به آن به عنوان منبع الهام و دلیل و برهانی برای مطالبه حقوق جنسی، از جمله حق لذت فیزیکی، بنگرند. (در اینجا، اولین عنوان، و چند سطر اولیه آن، دیده می‌شود)

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی

حقوق جنسی 2

همانطور که می دانیم، علی رغم اعلامیه استقلال آمریکا، برده داری در ایالت‌های جنوبی آن کشور همچنان ادامه یافت، انقلاب فرانسه، به حقوق زنان بی توجهی نمود که با دلسردی و بی تفاوتی آنها مواجه شد، و اعلامیه سازمان ملل متحد هم حقوق جنسی، که چند دهه قبل از آن به موضوع مهم اجتماعی تبدیل شده بود، را مسکوت گذارد. درواقع، سند پیش نویس حقوق جنسی بشر در سال 1930، پیشنهاد شده بود، اما به دلیل گسترش هجوم فاشیسم و در ادامه آن جنگ دوم جهانی، خیلی راحت به فراموشی سپرده شد. هنگامی که سازمان ملل بالاخره اعلامیه حقوق بشر خود را منتشر کرد، رنه گایون آن را مورد انتقاد قرار داده و جزوه ای را، به هزینه خود چاپ و برای همه جنسیت شناسانی (سکسولوگهایی) که می شناخت، ارسال نمود.



اعلامیه سازمان ملل متحد و منتقدان آن

اعلامیه جهانی حقوق بشر (1948) به خاطر کوتاهی در امر پوشش دادن و حفاظت از حقوق جنسی، توسط رنه گایون مورد انتقاد قرار گرفت. در سمت راست تصویر فوق، جلد جزوه رنه گایون «حقوق بشر و انکار آزادی جنسی» (1951) دیده می شود.

سرانجام، موضوع به انواع گروههای ریز و درشت اجتماعی واگذار شد تا خود اعلامیه های حقوق انسانی، جنسی و تولید مثلی بشر را منتشر کنند. در حال حاضر، مهمترین این اعلامیه ها، اعلامیه حقوق جنسی می باشد که در سال 1999 توسط انجمن جهانی جنسیت شناسی WAS= world Association of Sexolog، که امروزه انجمن جهانی بهداشت جنسی نامیده می شود، تصویب گردید. متن اعلامیه مزبور در اینجا آورده می شود.

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی

حقوق جنسی 3



اعلامیه حقوق جنسی

جنسیت یکی از اجزاء جدائی ناپذیر شخصیت هر انسانی است. رشد و توسعه کامل آن به ارضاء و برآورده شدن نیازهای اولیه انسان، همچون میل به ارتباط، صمیمیت، ابراز احساسات، لذت، محبت و عشق بستگی دارد.

جنسیت از طریق تعامل بین فرد و ساختارهای اجتماعی قوام می یابد. رشد و توسعه همه جانبه جنسیت برای رفاه و تندرستی فرد، رابطه اش با دیگران، و خیر و سعادت جامعه، لازم و ضروری است.

حقوق جنسی، حقوق جهانشمول بشری است که بر اساس آزادی ذاتی، شرافت و برابری همه انسانها استوار است. از آنجا که سلامتی و تندرستی حق اساسی بشر است، بنابراین، سلامتی و تندرستی جنسی هم باید حق بنیادی بشر محسوب شود.

برای اطمینان از رشد تندرستی و سلامت جنسی بشر و جوامع، حقوق جنسی زیر بایستی در همه جوامع به رسمیت شناخته شده، با تمام وسایل مورد تبلیغ و ترویج، احترام، دفاع و حمایت قرار گیرند. تندرستی و سلامتی جنسی زاده محیطی است که همه این حقوق جنسی را به رسمیت شناخته، مورد احترام قرار داده و به آنها عمل می کند.

1- حق آزادی جنسی. آزادی جنسی شامل امکان و فرصت برای افراد جهت بیان کامل پتانسیل جنسیشان می باشد. اما این امکان، اجبار، بهره کشی، و سوء استفاده جنسی را دربر نمی گیرد.

2- حق خودمختاری جنسی، تمامیت جنسی و ایمنی بدن جنسی. این حق شامل توان تصمیم گیری مستقلانه درمورد زندگی جنسی خود در چارچوب اخلاق فردی و اجتماعی می باشد. این اصل همچنین شامل کنترل و لذت از بدن خود، فارغ از هر نوع شکنجه، قطع عضو و خشونت می باشد.

3- حق حریم خصوصی جنسی. شامل حق تصمیمات شخصی و رفتارهای فرد در صمیمیت و نزدیکی، تا جایی که وارد حریم حقوق جنسی دیگران نشود، می باشد.

4- حق برابری جنسی. این حق به فارغ بودن از همه اشکال تبعیض، بدون توجه به جنس، جنسیت فرهنگی (جندر)، گرایش جنسی، سن، نژاد، طبقه اجتماعی، مذهب، و معلولیت جسمی یا روانی، دلالت دارد.

5- حق لذت جنسی. لذت جنسی، از جمله خودکامی جنسی (Autoeroticism) منبعی است برای تندرستی جسمی، روانی، فکری و معنوی.

6- حق بیان عواطف جنسی. بیان عواطف جنسی فراتر از لذت کامروایانه (Erotic pleasure) یا عمل جنسی است. افراد حق دارند جنسیت خود را از طریق تماس، لمس، ابراز عواطف و عشق بیان کنند.

7- حق معاشرت آزادانه جنسی. این یعنی حق ازدواج کردن یا نکردن، حق طلاق و برقراری دیگر انواع پیوندهای جنسی مسئولانه.

8- حق تصمیم گیری آزادانه و مسئولانه در امر تولید مثل. این شامل حق تصمیم گیری درباره داشتن یا نداشتن فرزند، تعداد فرزندان، فواصل سنی بین آنها، و حق دسترسی کامل به تمام امکانات باروری و مقررات مربوط به آن می باشد.

9- حق دسترسی به دانش جنسی کسب شده از طریق پژوهشهای علمی. این حق تصریح دارد که دانش و اطلاعات جنسی بایستی از طریق فرایندی فارغ از مزاحمت، و در عین حال بر مبنای اخلاق تحقیقات علمی تولید شده و به روشهای اصولی در همه لایه های جامعه منتشر شوند.

10- حق برخورداری از آموزش جامع جنسی. این یک پروسه مادام العمر، از بدو تولد و در تمام طول عمر می باشد و، همه مؤسسات اجتماعی باید در آن مشارکت داده شوند.

11- حق برخورداری از مراقبتهای بهداشت جنسی. مراقبتهای بهداشت جنسی باید جهت پیشگیری و درمان همه نگرانیها، دلهره ها، مشکلات و اختلالات جنسی، در دسترس باشند.

مصوب چهاردهمین کنگره جهانی سکسولوژی در هنگ کنگ- 26 اوت 1999

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی پس زمینه تاریخی: از گناه تا بیماری



کنستانتین (حوالی 337 - 280 بعد از میلاد)

در بستر مرگ غسل تعمید داده شد،
و اولین امپراتور (قیصر) مسیحی
روم بود. او «روم جدیدی» در
بخش شرقی امپراطوری خود به
وجود آورد (روم شرقی) و پایتخت
آن را به بیزانس منتقل کرد و نام
آن را به قسطنطنیه (کنستانتینوپول
یعنی شهر کنستانتین- استانبول
امروزی) تغییر داد. در دوران
جانشینی او، مسیحیت، دین رسمی
امپراطوری گردید و وی عقاید
خود نسبت به جنسیت را، به شرق
و غرب اروپا تحمیل کرد.

در قرن چهارم بعد از میلاد، **کنستانتین اول** (کبیر) اولین امپراتور مسیحی روم گردید، و در دوران جانشینان، مسیحیت، دین رسمی دولت شد. در نتیجه، دیدگاه مسیحیت در رابطه با جنسیت، به تدریج، در قاره اروپا پذیرفته شد. این دیدگاه که بر اساس سنتهای قدیمی یهودی، و متأثر از فلسفه های زاهدانه کهن استوار شده، حتی بعد از سقوط امپراطوری روم، تا همین دوران مدرن، به عنوان دیدگاه غالب در جهان غرب و مستعمرات آنها باقی ماند. **طبق دکترین مسیحیت، فعالیت جنسی فقط با هدف تولید مثل موجه می باشد، و هرگونه مقاربت جنسی دیگری که در خدمت چنین هدفی نباشد، گناه و معصیت محسوب می شود.** درحقیقت، بعضی از انواع مقاربتهای جنسی همچون آمیزش دهانی یا مقعدی، و یا تماس جنسی با حیوانات، یا آمیزش جنسی دو مرد با هم، آنچنان مکروه و منفور بودند که در طول قرنهای، افراد خاطی، به عنوان مجرم، به شدیدترین وجهی مجازات می شدند. تنها در دویست سال اخیر است که بعضی از کشورهای اروپایی شروع به زدودن نفوذ مذهبی از قوانین کیفری خود کردند و مجازات «مکروهات» جنسی را کنار نهادند: چنانچه به کسی آسیبی وارد نشده باشد، قانون، به سادگی رفتار صورت گرفته را نادیده می گیرد.

اما، هر جا که قانون عقب نشینی کرد، پزشکی وارد میدان شد. روانپزشکی به عنوان رشته در حال تکوین پزشکی، آنچه که در گذشته گناه و معصیت شمرده می شد را به بیماری روانی تبدیل نمود و در نتیجه، «مکروهات»، تحت نام «اختلال و آسیبهای روان جنسی» بازتولید شدند. روانپزشکان برای مشخص کردن این بیماریها، حتی واژه های مذهبی قدیمی مثل «کجروی» (perversion)، «جنون» (aberration)، و «انحراف» (deviation) را به کار بردند.

در سده های میانه، این واژه ها به افراد مرتد و رافض دارای اعتقادات «التقاطی» مذهبی اطلاق می شدند، ولی در اوایل دوران مدرنیسم به کسانی که

دارای رفتارهای «التقاطی» جنسی بودند، نسبت داده شدند. در نتیجه، رافضان و مرتدان که زمانی مجرمان مذهبی بودند، در شروع مدرنیسم به بیماران پزشکی تبدیل شدند. بنابراین، دیگر مجازاتی لازم نداشتند بلکه باید مورد مداوا قرار می گرفتند. در اواخر قرن بیستم بود که بالاخره اهالی حرفه پزشکی، از اهالی دادگستری پیروی کرده و به زدودن رد پای مذهب از کتابهای راهنمای تشخیص بیماریها پرداختند. پزشکان «تازه روشنفکر»، متوجه شدند که به کار گیری چشم بسته ایده های مذهبی، موضوعی بیشتر اخلاقی و تهی از بار علمی بوده است. بنابراین، به کوشش جهت یافتن معیارهای عینی بی طرفانه برای بررسی رفتارهای جنسی روی آوردند. از آن به بعد، آنها دیگر از «افراد منحرف» و امثالهم حرفی نزدند، بلکه در پی یافتن واژه های تازه ای بودند که صرفاً توصیفی و از جهت اخلاقی و دآوری بی طرفانه باشند.

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی

پس زمینه تاریخی 2: «نابهنجاریهای جنسی» (paraphilia)

هنگامی که متخصصان پزشکی در پی یافتن واژه و اصطلاحی علمی، یعنی صرفاً توضیحی، و تهی از هرگونه دآوری اخلاقی، برای جایگزین کردن اصطلاحات قضاوتگر «گمراهی جنسی»، «کجروی»، و «انحراف» بودند، لغت «پارافیلیا» را انتخاب کردند. (از ریشه یونانی: پارا یعنی جانبی، و فیلیا یعنی عشق). اما از جهت منطقی، این تغییر متضمن هیچگونه پیشرفتی نیست. پارافیلیا، همانطور که از معنی آن عاید می شود، همچنان یک عشق جانبی (درجه دوم) باقی می ماند. این واژه چنین تداعی می کند که یک عشق (فیلیای) «اصلی»، «واقعی»، «طبیعی»، و «درست» وجود دارد که خواهران (1) کم ارزشی در حاشیه، پشت سر و یا در زیر آن قرار دارند، درست به همان شکلی که پرسنل پیراپزشکی ممکن است پشت سر و یا در رتبه زیر دکتر «واقعی» جای بگیرند. چنین برداشتی، از نقطه نظر علمی، فرض بیجایی است. کسانی که واژه نابهنجاری (پارافیلیا) را استعمال می کنند، این مفهوم را می رسانند که معنی «حقیقی» و هدف رفتارهای جنسی را می دانند، و ادعای مرجعیت اصلاح هرآنچه که مطابق ایده آل آنان نباشد، را دارند. این افراد، در بهترین حالت، ایدئولوگهایی اند که خود از نقش خویش بی خبرند.



فرد ریش اس. کراوس
(Friedrich S. Krauss –
18859 – 1938)
نژاد شناس اتریشی،
اصطلاح «پارافیلیا» را مرسوم
کرد. او بخش اروتیک فولکلور
کشورهای بالکان را جمع آری
نمود، مجله
“KAnthropophyteia”
را سردبیری (1904 – 1913)
کرد، و معاونت سردبیری اولین
مجله سکسولوژی (Zeitschrift
für
Sexualwissenschaft)
که در سال 1908 توسط مگنوس
هیرشفیلد بنیان نهاده شد را، به
عهده داشت.

درواقع، هر کدام از انواع معانی «پارافیلیا» فاقد ابتدائی ترین استانداردهای بی طرفی است؛ و درعوض، یا اخلاقی است و ساده انگارانه، یا به صورت توجیه ناپذیری مبهم، و یا حتی خشوی و زائد. برای مثال، بعضی نویسندگان از «رفتارهای جنسی غیر معمول و افراطی»، بعضی دیگر از «برانگیختگی جنسی با اشیاء یا شرایط و محیط، که بر توان و ظرفیت پاسخدهی جنسی – عاطفی متقابل در رابطه جنسی ایجاد اختلال می کند» صحبت می کنند، و باز هم دسته دیگری عنوان می کنند که «پارافیلیا ها، اختلالات تکانه های جنسی هستند که با رفتارهایی که منحرف دانسته می شوند، مشخص می شود»، و کسانی هم قاطعانه ادعا دارند که «پارافیلیا یک اختلال روانی است که در قالب رفتارهای منحرف جنسی تجلی می یابد». دو تعریف آخر (پارافیلیا اختلال است و در نتیجه یک انحراف و نابهنجاری می باشد) نه توجیه پذیرند و نه معنی و مفهومی دارند و در نتیجه زائد می باشند. چون مثل این می ماند که بگوئیم «رابطه خارج از ازدواج خود را در زنا متجلی می کند»، یا بگوئیم «فقر نتیجه بی پولی است». چنین فرمولبندیهای میان تهی در گفتمانهای علمی،

هیچ سود و حاصلی ندارند. چون چیزی را توضیح نمی دهند و راه را برای انواع برداشتهای دلخواهی هموار می سازند. ولی تعاریف دیگر هم بهتر از این نیستند. بسیاری از رفتارهای بشر غیر عادی و «نابهنجار» اند، بدون آنکه دال بر اختلال روانی باشند: صعود به قله کوههای بالا بلند، دوچرخه سواری به دور دنیا، خانقاه نشینی یا نذر سکوت، جمع آوری انگشتانه های چینی، و خیلی کارها و رفتارهای دیگر. واژه «افراطی» (Extreme) یک لغت و اصطلاح نسبی است و معنی واقعی آن از گوینده ای به گوینده دیگر، فرق می کند. «فعالیت جنسی متقابل پر عاطفه» ایده آل فرهنگی طبقه متوسط در جهان مدرن غربی است و چه از لحاظ تاریخی و چه از لحاظ جغرافیایی، جهانی و فراگیر نمی باشد. درعوض، بسیاری از کارها و فعالیتهای به اصطلاح پارافیلیایی، چه بسا حاوی بار عاطفی متقابل باشند. کوتاه سخن این که، «پارافیلیا» (نابهنجاری) به همان نسبت لغاتی که قرار بود جایگزینشان شود، ایدئولوژی زده و پیشاعلمی است.

(1) - عشق مؤنث است و خواهران در اینجا به عشقهای (خواهران) دیگر که در جنب، حاشیه، یا پشت سر عشق اصلی و فرع بر آن هستند، اشاره داریم.

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی پس زمینه تاریخی 3: جنسیت شناسی (سکسولوژی)

هنگامی که در قرن نوزده میلادی، روانپزشکان به بررسی و مطالعه جنسیت انسان روی آوردند، آنها با



ایوان بلوچ
(Iwan Bloch 1872 – 1922)

آلمانی متخصص پوست،
روی مفهوم سکسولوژی به
عنوان یک علم مستقل کار کرد و
آن را گسترش داد. او در سال
1913 به کمک مگنوس هیرشفیلد
و چند همکار دیگر، اولین انجمن
جنسیت شناسی را در برلین بنیان
نهاد.

این پیش فرض شروع کردند که بخش بزرگی از جنسیت بشر «نرمال» می باشد، و آن چند «انحرافی» که باقی می ماندند، کم و بیش در مایه همان فسق و فجور و معصیتهایی هستند که کلیسا در طول قرنها، علیه شان موعظه کرده بود. اما وقتی که نگاه دقیق تر به مسئله، تنوع پیش بینی نشده ای از علائق جنسی را برملا نمود، پزشکان برای نامگذاری، دسته بندی و کلاسه کردن هر کشف تازه ای خیز برداشتند. هر مطالعه جدیدی، اسامی عجیب و غریب یونانی یا لاتین، که از «algolagnia» (آزارطلبی جنسی)، تا «zoophilia» (عشق اروتنیکی به حیوان) اقتباس شده بودند، را به لیست بلند بالای «پاتولوژی» (امراض شناسی) افزود و آن را بلندتر کرد. در عین حال معلوم گردید که این لیست بلند بالای دیانگوستیکی (تشخیصی - بیماری شناسی) کلاً معجونی از عناصر ناجور و نامتجانس می باشد، و هیچگونه استاندارد درمانی برای هیچکدام از آنها وجود ندارد. بلکه، برای یک نوع بیماری، بسته به موضوع و حالت افراد، برنامه های درمانی مختلفی به کار گرفته می شد.

بدتر از هر چیز این که، برنامه های درمانی، هیچ سود و تأثیری نداشتند. در چنین وضعیتی، رویکرد جدیدی لازم می نمود. این رویکرد به وسیله علم تازه و خاصی، «علم سکس» ارائه گردید، که متدهای علوم طبیعی و اجتماعی را با هم تلفیق می نمود: جنسیت شناسی (سکسولوژی)، و بنیانگذار آن، ایوان بلوچ، آن را اینگونه توضیح می دهد:

«طبیعت دوگانه.....سکس.....بعد بیولوژیکی و بعد فرهنگی آن، این ضرورت را ایجاد می کند که به سکسولوژی (جنسیت شناسی) به عنوان علمی مستقل و قائم به ذات خود نگریسته شود، یعنی از این به بعد نباید به عنوان فرع و شعبه ای از هر کدام از علوم دیگر دیده شود..... اینکه این ما را به کجا رهنمون خواهد کرد، به وسیله دیدگاه صرفاً پزشکی- بالینی (کلینیکی) کسانی که فکر می کردند به غنای علم افزوده اند، در حالی که آنها فقط واژه هایی با لهجه خارجی وضع کرده اند، به ما نشان داده شده است..... نگاه صرفاً پزشکی (روانپزشکی که دیگر جای خود دارد) به جنسیت برای درک و فهم روابط چند بعدی سکس با دیگر حوزه های زندگی بشر، کافی نیست. این رابطه ها در کلیت خود، موضوع جنسیت شناسی (سکسولوژی) می باشند.» (1)

(1) Iwan Bloch, Die Prostitution, vol. I, Berlin: Louis Marcus 1912, pp. vii-viii

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی پس زمینه تاریخی 4

در خلال قرن بیستم، جنسیت پژوهان (سکسولوگها) به تحقیق و پژوهشهای بیولوژیکی، فیزیولوژیکی، روانشناسی، اجتماعی، قومی، و تاریخی وسیع و گسترده ای دست زدند، و یافته های آنان، بالاخره روانپزشکان را ناچار به نقد و بازبینی نظرات خود نمود. آنها در نتیجه، چندین بار کتابهای «راهنمای تشخیص بیماریها»ی خود را بازنویسی کردند. برای نمونه، لیست فعلی اختلالات جنسی و جنسیتی، «زوفیلیا» (حیوان خواهی) و «همجنسگرایی» را دربر نمی گیرد، و بحث از لیست خارج کردن انواع دیگری از «ناهنجاریها»

(پارافیلیاها) هم در جریان است. برخی از درمانگران حتی درخواست این را دارند که کل بخش «پارافیلیا» یکجا از لیست خارج شود. [\(برای اطلاع بیشتر اینجا کلیک کنید.\)](#)

البته، جزئیات این بحث برای اهداف این دوره آموزشی چندان مهم نیستند. آنچه مهم و تعیین کننده می باشد، همانا این سؤال بنیادی است: آیا انواع خاصی از تفاوتها و تنوعات موجود در رفتارهای جنسی بشر بایستی به عنوان بیماری یا اختلال روانی طبقه بندی شوند یا نه؟ اگر جواب آری است، آنوقت این طبقه بندی کدام رفتارها را باید شامل شود؟ اصول و معیارهای ناظر بر این طبقه بندی کدامها هستند؟ این کار چه نتایجی برای فرد و جامعه دارد؟ این کار چه نتایجی برای علم پزشکی دربر دارد؟ آیا مدل پزشکی بهترین مدل برای توضیح ویژگیها و رفتارهای جنسی- اروتیکی است، یا اینکه مدلهای دیگر، و احتمالاً بهتری هم، وجود دارند؟



کتاب راهنمای تشخیصی و آماری (دی اس ام)
انجمن روانپزشکی آمریکا.

این کتاب در چند دهه اخیر بارها بازنویسی شده، و انتظار می رود که مورد بازنویسیهای تازه ای هم قرار گیرد. سمت چپ، چاپ بازنویسی شده 1987، و سمت راست چاپ بازنویسی شده 1994 می باشد.

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی پس زمینه تاریخی 5: بخشی از فهرست «پارافیلیاها»

لیست بلندبالایی که در زیر آمده، به هیچ وجه کامل نیست. در طول این سالها، بسیاری از «متخصصین» این امر را به صورت سرگرمی برای خود در آورده و برای هرگونه تنوع و دگرگونی جنسی که به آن برمی خوردند اصطلاحات و نامهای پر زرق و برق «علمی» ابداع کردند. در نتیجه، لیست بلندبالایی از «پارافیلیاها» ایجاد شد که مجموعه ای از واژه های نوپرداز مطلقاً بی ربط و نامتجانس را یکجا در خود جمع کرده بود. ما در اینجا صرفاً به یک دلیل لیست زیر را می آوریم: تا به عنوان یک فرهنگ معانی، به بعضی از خوانندگان، در درک و فهم آن دسته از نوشته های پزشکی که این گونه لغات را به کار می برند، کمک کند.

پارافیلیاها	جاذبه ها و محرکهای جنسی
Acrotomophilia	شریک جنسی دارای دست یا پاهای قطع شده
Adolescentism	ادای نوجوانی درآوردن
Allogagnia, Algophilia	درد
Amputation fetish	شریک جنسی دارای دست یا پاهای قطع شده
Androgynophilia	دوجنسگرایی
Andromimesis	به شکل و شمایل فرد مذکر درآمدن
Andromimetophilia	شریک جنسی که شکل و شمایل فرد مذکر را درمی آورد یا ترانس سکسوال مؤنث به مذکر
Apodysoiphilia	خودنمایی- تیرج، «اکسوبیسنیسم»
Apotemnophilia	فانتزی دارا بودن دست و یا پای قطع شده
Aquaphilia	آب
Asphixophilia	حالت خفگی دادن به خود
Autoagonistophilia	خودنمایی در حال سکس و یا رفتن روی صحنه و اجرای عمل جنسی
Autoassinatophilia	برنامه ریزی برای قتل مازوخیستی خود

Autoerotic death	نزدیکی به مرگ، خود را مرده تصور کردن، و مرگ ناشی از بدحسابی
Autoflagellation	به خود تازیانه زدن
Automasochism	تحمیل درد به خود
Autonecrophilia	خود را جسد (مرده) مجسم کردن
Autonepiophilia	شکل و ادای کودک درآوردن یا مثل بچه مورد برخورد و رفتار واقع شدن. (اینفانتالیسم هم نامیده می شود.)
Autopedophilia	ادای کودک درآوردن یا مثل بچه مورد برخورد و رفتار واقع شدن.
Autophilia	کشش جنسی به خود
Autoscopophilia	نگاه به بدن یا آلت جنسی خود.
Bestiality	سکس با حیوانات
Blastophilia	حمله ناگهانی و خشن به افراد غریبه
Bondage and discipline	اعمال و فانتزیهای سادومازوخیستی
Chrematophilia	با زور مجبور به پرداخت پول در قبال خدمات جنسی شدن
Coprophagy	کشیدن نقاشی و تصاویر درباره مدفوع
Coprolagnia	فکر کردن، دیدن، بوکشیدن و دست زدن به مدفوع
Coprophagia	خوردن مدفوع
Coprophilia	بو یا مزه مدفوع و یا مشاهده کسی در حال دفع مدفوع
Diaperism	مثل بچه با پوشک پوشانده شدن
Ecouteurism	استفراغ کردن
Emetophilia	حشرات در سوراخ (های بدن)
Endosomatophilia	گوش دادن به داستانهای مقاربت جنسی و یا مشاهده خود عمل مقاربت
Eonism	لباس جنس مخالف پوشیدن (مرد)
Ephebophilia	شریک جنسی تازه به بلوغ رسیده
Erotic pyromania	ایجاد حریق عمدی
Erotic strangulation	اروتیک ناشی از خفگی دادن به خود
Erotolalia	صحبتهای مهیج (رکیک)
Erotomania	داشتن وسواس نسبت به مسائل جنسی یا بیش از اندازه مریض و بیمار تلقی کردن آن
Exhibitionism	آلت جنسی خود را در معرض نمایش عمومی قرار دادن.
Feeding fetishism	غذا خوری به شریک جنسی با هدف چاق کردن طرف
Fetishism	یک شیئی بی جان یا یک عضو غیر جنسی بدن (مثل پاها)
Formicophilia	لول خوردن جانوران کوچکی مثل مورچه، حشرات و مار بر روی آلت جنسی
Frottage	مالش خود به غریبه ها در محلهای عمومی
Gerontophilia	ترجیح دادن شریک جنسی بسیار مسن تر از خود
Golden shower	روی شریک جنسی خود ادرار کردن
Gynemimesis	خود را به شکل و شمایل زن درآوردن
Gynemimetophilia	ترجیح دادن شریک جنسی ترانس وستایت (زن پوش) یا ترانس سکسوال مذکر به مؤنث (مردی که می خواهد زن شود)
Homicidophilia	حالیگری جنسی
Homophilia	شریک جنسی همجنس
Hybristophilia	شریک جنسی که فرد مجرمی باشد
Hyphephilia	لمس کردن و دست زدن به پوست، حریر، چرم، و یا پارچه
Hypoxyphilia	خفگی به خود دادن با هدف لذت بری اروتیکی
Infantilism	ادا و شکل و شمایل نوزاد درآوردن و به صورت نوزاد مورد رفتار دیگران واقع شدن. همینطور autonepiophilia
Juvenilism	ادا و شکل و شمایل خردسالان را درآوردن و به عنوان یک خردسال مورد رفتار شریک جنسی خود واقع شدن.
Kleptomania, Kleptophilia	دزدی ناشی از اجبار روان - درونی
Klismophilia	تنقیه داده شدن
Masochism	تنبیه، تحقیر و مجازات شدن و اجبار به فرمان بری
Mixoscopia	دید زدن عمل جنسی دیگران
Mixoscopia bestialis	نگاه کردن به کسی که مشغول سکس با حیوان می باشد

Monopediomania	شریک جنسی دارای یک پا
Morphophilia	شریک جنسی ای که خصوصیات بدنش به شکل اغراق آمیزی متفاوت یا برتر از بدن خود فرد باشد
Multiphilia	دلدادگیهای مداوم و کوتاه مدت (هر روز عاشق یکی شدن)
Mysophilia	شیئی کثیف شده (مثل شرت یا تامیون قاعدگی)
Narratophilia	در حضور شریک جنسی، شنیدن یا بر زبان آوردن لغات و کلمات رکیک شهوت انگیز، یا خواندن داستانهای اروتیکی
Necromania	اجساد و مرگ
Necrophilia	تماس جنسی با جسد مرده
Nepiophilia	نوزادان، گرایش جنسی نوزاد بازی
Olfactophilia	بوهای متصاعد از بدن بخصوص در نواحی حساس جنسی
Osmolagnia	بوهایی که از قسمتهای مختلف بدن بخصوص نواحی جنسی متصاعد می شوند
Pederasty	نوجوانان
Pedomania	پسر یا دختری پیش از بلوغ یا در مراحل اولیه آن
Pedophilia	پسر یا دختری پیش از بلوغ یا در مراحل اولیه آن
Peeping Tom	ویوربست- فردی که از مشاهده لخت شدن یا آمیزش جنسی دیگران لذت می برد
Peodeiktophilia	خودنمایی غیر مترقبه در برابر چشمان دیگران به صورتی که باعث تعجب، حیرت یا شوکه شدنشان گردد.
Pictophilia	مشاهده تصاویر و فیلمهای اروتیکی
Podophilia	پاها
Polyterophilia	تکرار مداوم یک نوع عمل با شریک جنسی
Pornographomania	نوشتن و به تصویر کشیدن صحنه های شهوت انگیز
Pornolagnia	تن فروشی
Rape	تجاوز
Rapism, Raptophilia	برخورد به مقاومت از طرف یک قربانی عمل ناخواسته تجاوز جنسی
Renifleurism	بوی ادرار
Retifism	کفشهای زنانه
Sadism	تحقیر، تنبیه، شکنجه و اعمال درد به دیگران
Sadomasochism	سادومازوخیسم
Saliromania	کثافت، زشتی و بدقوارگی
Scatophilia	درباره سکس یا مسائل رکیک با افراد غریبه و ناآشنا حرف زدن
Scotophilia, passive	درخواست از افراد دیگر برای دیدن اعضاء جنسی خود (فرد)
Scotophilia, active	مشاهده فعالیت جنسی دیگران و یا اندامهای جنسی آنان
Somnophilia	وارد حریم غریبه خوابیده ای شدن و لاس زدن با او
Stigmatophilia	شریک جنسی دارای خالکوبی یا اثر زخم و بخیه های به جا مانده، یا خالکوبی بدن خود بخصوص روی اندامهای جنسی
Symphorophilia	حادثه ای را باعث شدن و بعداً به تماشای آن نشستن
Telephone scatophilia	درباره سکس یا موضوعات شهوت انگیز با یک شنونده غریبه حرف زدن.
Toucherism	آخرین نوع آن «اسکاتوفیلیای کامپیوتری» نامیده می شود. عمدی اما به حالت ناشیانه به نقاط اروتیک بدن غریبه (از جمله سینه و اندام جنسی او) دست زدن.
Transvestism	لباس جنس مخالف پوشیدن - ترانس وست ایسم
Transvestophilia	لذت وافر از پوشیدن لباس جنس مخالف
Troilism	مشاهده مقاربت جنسی شریک جنسی خود با دیگری
Undinism	ادرار و ادرار کردن
Urolagnia	بو و مزه ادرار
Urophilia	ادرار باران شدن یا ادرار باران کردن دیگری. لذت از بوی ادرار
Voyeurism	مخفیانه کسی را در حال لخت شدن و یا مشغول عمل جنسی دید زدن
Wetlook paraphilia	لباسهای خیس
Zoolagnia	ترجیح دادن سکس با حیوانات یا از بوی حیوانات حشری شدن
Zoophilia	سکس با حیوانات
Zoosadism	وارد کردن درد به حیوان- به درد آوردن حیوان

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی پس زمینه تاریخی 6: یک تمایز عملی

لیست بلند بالای «پارافیلیاها» که هر روز درازتر هم می‌شد، در نهایت برای خود روانپزشکان هم دیگر رضایتبخش نبود، و در نتیجه، به بازبینی و مختصر کردن آن روی آوردند. احتمال می‌رود که این بازبینی‌ها در آینده هم ادامه یابند. اما تا همین جا هم، یک نوع اجماع کلی حاصل شده و آن این که بایستی بین دو نمونه از تنوعات اروتیکی (شهوانی) تمایز قائل شد:

1. انواع شهوتگری (اروتیک) که به کسی آسیبی نمی‌رسانند، ولی عجیب و نادر هستند.
پس تا جایی که در حوزه خصوصی افراد باقی بمانند و به حوزه عمومی سرزیر نشوند، بهتر است که جامعه به آنها واقعی نهد، و یا آنها را تحمل کند. اما اگر به حوزه عمومی سرزیر شوند، آنگاه باید بسته به شرایط، واکنش مناسب اتخاذ گردد. برای جفتها و شرکای جنسی هم یک قانون ساده وجود دارد: اگر این نوع شهوتگری به تحکیم رابطه آنها منجر می‌شود، یا حداقل به رابطه شان صدمه ای نمی‌زند، بنابراین مشکلی هم محسوب نمی‌شود. اما، اگر باعث عدم توافق و اخلاف در رابطه آنها می‌گردد، شاید بهتر آن باشد که از هم جدا شوند و هرکدام شریک مناسب دیگری برای خود اختیار کند.

2. انواع شهوتگری (اروتیک) که به فرد دیگری آسیبهایی ملموسی وارد می‌کنند، یا برای خود فرد در دسر آفرین می‌باشند. (مثلاً چون از وسواس روانی ناشی می‌شوند). بسته به هر نوعی، ممکن است نیاز به دخالت و کمک افراد متخصص لازم باشد. شاید گاهی کمک روانپزشکی یا درمان پزشکی لازم آید، و گاهی دیگر مشاوره روانی غیر پزشکی ضروری باشد. اگر قانونی زیر پا گذاشته شده باشد، ممکن است نوعی دخالت قانونی هم لازم گردد: دستگیری و محاکمه، و احتمالاً مجازات. بعضی مواقع مجازات ممکن است با برنامه درمانی همراه باشد. در موارد نادری، فرد خاطی ممکن است برای سالهای سال، و گاهی تا آخر عمر، در مؤسسه‌های روانپزشکی نگهداری شود. در موارد نادر دیگری هم ممکن است تشخیص داده شود که فرد، از جهت عقلی، نمی‌تواند مسئولیت جنایت خود را به گردن بگیرد، در نتیجه ضمن نگهداری او در مراکز رواندرمانی، مجازات دیگری برایش در نظر گرفته نمی‌شود.
پیچیدگی مسائل دخیل در این قضایا، در اینجا، اجازه ورود بیشتر به این بحث را نمی‌دهد. ولی به هر حال، در زیر، مثالهایی از هر دو مورد فوق خواهیم آورد.

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی دو مثال

مبحث زیر دو نمونه از معروف ترین انواع رفتارهای جنسی یعنی **فتیشیسم** و **سادمازوخیسم** (آزارگری و آزارخواهی)، را خلاصه وار توضیح می‌دهد. هر کدام از این دو، به نوبه خود، انواع و اقسامی دارند و در نتیجه، جمع بندی آنها به شکل معنی داری مشکل می‌باشد. با این همه، به عنوان یک مدخل و مقدمه، شاید این تعاریف اولیه و کلی، خالی از فایده نباشند:

فتیشیسم با شیفتگی و افسون جنسی نسبت به اجزائی از بدن، یا اشیاء (بی جان)، یا فعالیت‌های خاصی، مشخص می‌شود.
سادمازوخیسم، میل به ایفای نقش مسلط یا مطیع در یک مراوده جنسی را می‌رساند.

همانطور که در زیر مشخص می‌شود، واقعیتهای کمی پیچیده تر از این هستند. یعنی در واقع ما در اینجا با رفتارهایی چندوجهی و چندبعدی مواجه هستیم، و بسیاری چیزها درباره آنها هنوز ناشناخته باقی مانده اند. مثلاً، هنوز حول علت آنها، و همینطور حول علت اکثر رفتارهای جنسی دیگر هم، توافقی حاصل نشده است. این احتمال کاملاً وجود دارد که بعضی از افراد، با ظرفیت و خوی و مزاج خاصی برای امیال اروتیکی ویژه ای، زاده می‌شوند، اما عامل تعیین کننده، بدون شک محیط اجتماعی آنها است. یعنی، خوی و مزاج خاص افرادی خاص در محیط پیرامون خاص است که، بسته به شرایط و موقعیت، به نتایج خاصی منتهی می‌شود. تنها یک چیز مسلم و قطعی است: هیچ کسی آگاهانه علائق جنسی خود را انتخاب نمی‌کند.

روانکاوان و بسیاری از نظریه پردازان آموزشی، حول این که شرایط و موقعیتهای خاصی در اوائل و یا اواخر دوران کودکی، در نوجوانی، و یا حتی در بزرگسالی، تعیین کننده می باشند، گمانه زنی هایی مطرح کرده اند. بدون شک، در یک منظر کلی، همه آنها درست می گویند. ولی، وقتی مسئله به موارد ویژه مربوط می شود، شواهد قطعی نیستند. همین مسئله در مورد انواع متدهای به کار گرفته شده جهت «اصلاح» تمایلات فتنشستی و سادومازوخیستی مسئله ساز هم، صدق می کند.

روان تحلیلی (روانکاوی)، هیپنوتیزم، و انواع درمانهای رفتاری و شناختی به کار برده شده اند، اما نتایج متفاوتی داشته اند. در موارد وخیم وسواسهای جنسی و احساسات جبری روانی (sexual obsessions and compulsions)، بعضی از معالجات دارویی در امر کاهش فشار جنسی و اشتغال ذهنی فرد به فانتزیهای جنسی ناخواسته، کمک کرده اند.

خوشبختانه، در اغلب مواقع، فتنشسم و سادومازوخیسم، نه تهدیدی متوجه جامعه می کنند و نه به آن ضرری می رسانند. در واقع، در چند دهه اخیر، زمینه ای برای رشد و شکل گیری خرده فرهنگ خاصی هم، فراهم آورده اند: سازمانها، کلوبها، مجلات، روزنامه ها، وبسایتها، فروشگاههای خاص متعلق به آنها، به روشنگری عمومی منجر شده و امکانی نیز برای دور هم جمع شدن افراد با علایق مشترک فراهم کرده اند. به این طریق، آنها شروع به معرفی و جا انداختن خود به عنوان یک **اقلیت جنسی** کرده، خواستار احترام دیگران به حریم خصوصی خود شده اند.

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی دو مثال: 1. فتنشسم

معنی اولیه کلمه «فتیش» (از لغت پرتغالی Feitiço که از لغت لاتین factitius به معنی مصنوعی آمده، مشتق شده است)، به یک شیئی، یک بتواره، یا یک ابژه مذهبی دارای قدرتی جادویی، دلالت دارد. این نوع فتیشها (بتواره ها) در بسیاری از جوامع پیش نوشتاری، پرستش می شدند و هنوز هم می شوند.

در تعمیم دادن موضوع به رفتارهای جنسی بشر، این لغت می تواند بر هر چیزی – یک ابژه، عضوی از بدن، یا فعالیتی خاص – که به تحریک جنسی منجر می شود، دلالت کند.

لطفاً این را به خاطر داشته باشید که: این تحریک و انگیزش جنسی از یک فرد کامل متصاعد نمی شود، بلکه به وسیله قسمتی از آن فرد، یا به وسیله شیئی متعلق به آن شخص، یا کلاً به وسیله هر چیزی یا حرکت و فعالیتی که برای فرد فتنشست از نوعی بار اروتیکی برخوردار است، ناشی می شود. به صورت خلاصه و مختصر: اصطلاح «فتنشسم جنسی» به شیفتگی و افسون جنسی به اعضای از بدن، یا اشیاء بی جان، یا فعالیتی خاص که به قیمت بی توجهی به کل شخصیت شریک جنسی تمام می شود، اطلاق می گردد.

نوعی فتنشسم محدود، رواج عمومی دارد. تقریباً هرکسی، این یا آن زمان، نامه عاشقانه ای، عکسی، دستمالی، گلی، گیسوی بریده ای، تکه لباسی، یا چیزهایی مشابه که یاد شخص محبوب را زنده می کند، نگه داشته و به آن ارج و احترام گذاشته است. حتی، در بعضی موارد، این اشیاء بی جان، اسباب برانگیختگی جنسی هم می شوند. ولی این انواع «ملایم»، «کلاً به حساب آورده نمی شوند»، و هنگام صحبت از فتنشسم «حاد» مد نظر واقع نمی شوند.

موضوع هنگامی حاد و مسئله ساز می شود که رفتارهای فتنشستی به نوعی وسواس تبدیل می شوند، و زمانی که در امر رضایتمندی طرفین رابطه، اخلال و یا مانع ایجاد می کند. با این وجود، حتی در چنین حالتی هم، باز به شرایط بستگی دارد که آیا دخالت یک درمانگر، یا هر فرد دیگری، جهت تغییر این حالت ضروری است یا نه. **(برای نمونه به این مثال مراجعه شود.)**



آلفرد بنه

(Alfred Binet 1857 – 1911)

پزشک و روانشناس، قبل از هر چیز به عنوان پیشگام آزمایشات هوشی (IQ test) معروف است او همچنین مفاهیم «نواحی حساس جنسی» (erogenous zones) و «فتنشسم شهوت زاء» (erotic fetishism) را معرفی نمود. پژوهشهای او Le fétichisme dans l'amour («فتنشسم در عرصه عشق») در سال 1882 منتشر شدند.

جهت تغییر این حالت ضروری

به طور خلاصه، هنگام صحبت از فتنشسم جنسی، درواقع از بافت و چارچوب مفاهیم اجتماعی، و درجه شدت و حدت مسئله، حرف زده می شود. یعنی موضوع به اعتقادات، باورها و برخوردهای اجتماعی و فردی نسبت به

رفتارهای جنسی ربط دارد. موضوع این است که در برابر وسواس و عقده های جنسی فرد، ممکن است شرکای جنسی مختلف، واکنشهای مختلفی از خود بروز دهند، و بعضیها حتی به راحتی آن را تحمل کنند، بخصوص چنانچه وسواسهای جنسی طرف، به نوعی با امیال و تمناهای خودشان «همخوانی و مطابقت» داشته باشد. در نتیجه، حتی فتنشیم «حاد» هم ممکن است مسئله ساز نباشد. بنابراین، تا جایی که یک جفت با آن مشکلی نداشته باشد، دلیل چندان برای قضاوت دیگری حول رفتارهای آنان باقی نمی ماند. و در چنین حالتی، این سؤال هم مطرح می شود که آیا برجسب منفی «فتنشیم» همچنان مفید است.

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی

دو مثال: 1. فتنشیم

لیست مختصری از فتنشیم

هر بخشی از بدن انسان، از سر تا پا، می تواند ابژه و موضوع فتنشیم شهوت را باشد. موها، گوشها، بینی، گردن، شانه ها، ساعد، دست وانگشتان، سینه، شکم، اندامهای جنسی، باسن، پاها، و بسیاری دیگر از اعضا و اندامهای ریز و درشت بدن. در بعضی حالتها، حتی شکل و فیزیک خاصی، وزن زیاد و چاقی هم، می تواند محرک اصلی حس شهوانی باشد. درواقع، حتی چه بسا به شکل و قواره خاصی، یا نقص عضوی از بدن هم، علاقه فتنشیستی خاصی وجود داشته باشد. قوز پشتی، تورم غده تیروئید، یا نقص دست و پاها. به علاوه، این احتمال هم وجود دارد که کارهای خیلی خصوصی انسان همچون ادرار کردن یا دفع مدفوع هم باعث برانگیختگی هوس و شهوت جنسی یک فتنشیست شوند. این قضیه در مورد پوشیدن لباسهای خیس، ماسک، یونیفورم، یا پوشک و تظاهر به کوچولو بودن هم، صدق می کند. و آخر اینکه، وقتی قضیه به اشیاء بی جان می رسد، امکانات واقعاً و به راستی که بی نهایت اند. یعنی، درست هر چیزی ممکن است ابژه مورد علاقه و فتنش یک فتنشیست واقع گردد - پوشیدن کلاه، دستکش، کفش، زیر پوش، یا لباسهای خزه و پوستی، چرم، لاتکس، ابریشم، یا وسایلی مثل زین (اسب)، چوب دستی، ترکه، تسمه، کمر بند، شلاق، دستبند، و بسیار بسیار چیزهای دیگر. ساختن لیستی از احتمالات بی شمار و بالقوه فتنشیم شاید برای بعضیها سرگرمی جالبی باشد اما، در نهایت کار مضحک و خنده آوری است. با این همه، و علی رغم احتیاط اولیه، ما لیست ناقص و ناکامل زیر را برای اثبات دوباره این درس ساده می آوریم که: رفتارهای جنسی بشر نه متحدالشکل هستند و نه می توانند متحدالشکل باشند.

توان و ظرفیتهای شهوت و هوس انسانها آنچنان تحت تأثیر انواع مختلف عوامل روانی - اجتماعی شکل داده می شوند، که راهی به جز اینکه به صورت انواع و اشکال بسیار متفاوتی تجلی یابند و بروز داده شوند، ندارند. همانطور که خواهیم دید، در نگاهی موشکافانه، حتی یک نمونه «پارافیلیا» مثل فتنشیم هم به زیر مجموعه ای از انواع و اقسام ریز و درشت دیگر تقسیم می شود.

برخی از ابژه های فتشیزم:

بارداری و آبستنی	پوست خالکوبی شده	فردی با دست یا پای قطع شده
لاستیک	پوست و خز	کوری
اسپریم و آب منی	دستکش	اسارت و اطاعت (بونداچ و دیسپلین)
کفش	مو	سینه و پستان
حریر و ابریشم	دست	چکمه
جوراب	ادای کودک در آوردن	باسن
بزاز دهان	لاتکس	دندان
مجسمه	چرم	فلز دندان
چشم	ماسک	موتراشی
لخت شدن	وسایل پزشکی و بیمارستانی	قندان کردن/ شدن
خالکوبی	شیر	عروسک
دگرجنس پوشی	خال	گوش
ادرار	ماهیچه و عضلات	عینک
زیرپوش	ناف	باد نفخ
یونیفورم	پشت گردن	مدفوع
لباس خیس	دماغ / بینی	غذا خوراندن
کشتی گیری	تنکه	پوست سر آلت خخته نشده
	سوراخ کردن- حلقه انداختن	مرد
		پا

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی

دو مثال: 1. فتیشیسم

یک سند و نمونه تاریخی – سنت پابندی چینی



مجسمه اروتیک چینی
متعلق به قرن پانزده بعد از میلاد
پاهای خمیده ناشی از سنت پابندی را به وضوح
نشان می دهد.
موزه سکس چین، تونگلی.

یک سنت چینی که زمانی محبوبیت داشت و بعدها ممنوع گردید، سند و نمونه تاریخی جالبی از بستن پای دختران ارائه می دهد: از همان دوران بچگی، پای دختر را در پارچه یا دستمالی سفت و محکم باندپیچی می کردند، تا از رشد طبیعی پاهای او جلوگیری شود. این عمل دردآور تا سالهای سال ادامه می یافت و در آخر باعث کج و معوجی، و ریزی پاهای زنان چینی گردید. در گزارشات اولیه آمده که این سنت در دوره سلسله سونگ (1279 – 960 بعد از میلاد) رسم جا افتاده ای بوده است؛ ابتدا در طبقات اعیان رسم می شود و بعداً در خلال قرنهای، به طبقات متوسط و پائین اجتماع هم رسوخ

می کند. یعنی از یک پدیده محدود به اعیان، به یک رسم و سنت عمومی فرا می روید. در زمان سلسله کیونگ (1636 – 1911)، «بستن پای دختران» آنچنان گسترش یافت و با آنچنان سختگیری ای اعمال می شد که همه زنان چینی را به موجوداتی لنگ و فلج تبدیل نمود. در آخر، هزار سال بعد، با پایان پادشاهی و شروع سیستم جمهوری در چین، سنت پابندی به عنوان بربریت، ممنوع اعلام گردید. علل پابندی را می شود به این شکل جمع بندی کرد:

پاهای به شکل غیر طبیعی کوچک زنان و دختران چه چیزی را بازگو می کردند؟

موقعیت اجتماعی

پالنگی جایگاه و موقعیت برجسته زنان اشراف و اینکه آنها لزومی به کار کردن نداشتند، را می رساند.

علامتی از سرکوب

زنان پالنگ قادر به تند راه رفتن نبودند و همین مانع «فرار» آنها می شد، و آنها را به شوهر و خانه هایشان پایبند می کرد؛ و البته فرمانبری از شوهرانشان را هم تضمین می نمود.

ابژه هایی برای امیال جنسی

پاهای لنگ دختران، ابژه هایی اروتیکی و شهوت انگیز به حساب می آمدند، و در نتیجه شانس دختر در بازار ازدواج را افزایش می داد. درواقع، دختران زیادی در قبال پرداخت جوهری به والدینشان، به عنوان عروس یا رفیقه و همخواه، در اختیار مردان غنی قرار داده می شدند.

مورد آخر برای جنسیت پژوهان جالب می باشد، چون بیانگر فوت فتیشیسم مردانه گسترده ای است که فرهنگهایی آن را پروارنده و گسترش داده اند.

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی

دو مثال: 1. فتیشیسم

یک سند و نمونه تاریخی – پابندی 2

به نظر می رسد که در طول صدها سال، میل و علاقه شهوانی وسواس گونه ای برای پاهای کوچک و ظریف، بخش جدائی ناپذیری از فرهنگ چینی بوده باشد. البته، امروزه امکان دسترسی به اطلاع دقیق از اینکه واقعاً چه تعدادی از مردان چنان علاقه ای داشته اند، ناممکن است. آنها شاید فقط یک اقلیت بوده اند، و دیگران تنها به مقدار کمی از آن لذت می برده اند، یا کلاً برایشان مفهومی نداشته است. اما، ما این را می دانیم که کوچکی اندازه پا، کشش و جذابیت خاصی داشته است. مردان معمولاً به خود پاها نگاه نمی کردند بلکه مجذوب رنگ و شمایل پوشش پاها یعنی «کفشهای لوتوس» بوده اند. با این حساب، کفشها به عنوان سند و برهانی بر میل و خواهش جنسی زن، خود به خود کاراکتر فتیشیستی به خود گرفتند. شاید کسی این را «فتیشیسم غیر مستقیم»، علاقه وسواس گونه ای برای پوشش عضوی از بدن و نه خود آن عضو، تلقی کند. به هر حال از هم سوا کردن انواع و اقسام

دلایل در هم تنیده دخیل در مسئله کار ساده ای نیست. ولی، انواع مختلفی از فتیشیسم پا و کفش، در جهان غرب هم وجود داشته است. نه تنها پاها، بلکه پاشنه و انگشتان پاها هم ابزارهای فتیشیستی برای بعضی از مردان بوده و هست. این موضوع، در مورد پوشش پاها، بخصوص زمانی که کفشهای پاشنه بلند و چکمه ها مد بودند، هم صدق می کند. مردانی هم هستند که مجذوب شورت و جورابهای زنانه، و حتی جورابهای عادی، می باشند و با آنها به شدت تحریک می شوند. مسلماً همه این انواع فتیشیسم تنها مختص دگرجنسگرایان نیستند بلکه شامل حال همجنسگرایان هم می شوند. بعضی از مردان به کمک پاها، کفش، چکمه، و جوراب مردان دیگر به تهییج و تحریک جنسی می رسند. باز هم، این را باید به خاطر داشت که مسئله فتیشیسم به شدت و حدت آن ربط می یابد، و مشکل و مسئله ساز شدن آن به شرایط و موقعیت بستگی دارد. در دوران امپراطوری چین، هیچ مرد «فوت» (پا) فتیشیستی به عنوان آنرمال و غیر طبیعی مورد قضاوت و پیشداوری قرار نمی گرفت، چون کل محیط اجتماعی، علاقه و مجذوبیت اروتیکی او را به عنوان یک مسئله عادی و معمولی تلقی می کرد و آن را پاس می داشت. نتیجه این که، رسم «بستن پای دختران» در چین، بار دیگر یک درس قبلی را به اثبات می رساند که: **نرمال و آنرمالهای جنسی مطلق نیستند، بلکه در فرهنگهای مختلف، معانی متفاوتی دارند.**



«کفشهای لوتوس»

پاهای کوچک و ظریف از فرم خارج شده دختران، ایده آلهای اروتیکی چین بودند. طول 7-8 سانتی به عنوان «پای لوتوس طلایی»، پاهای یک مقدار درازتر (ده سانتی) به عنوان «لوتوس نقره ای»، و اگر پاها از این هم درازتر بودند به عنوان «لوتوس آهنی» شناخته می شدند.

از سمت چپ: 1. جام شراب چینی 8.5 سانتیمتر، سلسله کیونگ 2. و 3. «کفشهای لوتوس» ابریشمی، 4. عکسی از پای معیوب یک زن چینی. موزه سکس چین، تونگلی.

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی دو مثال: 2. سادومازوخیسم



دو نویسنده معروف

روانپزشک اتریشی ریشارد فون کرافت –ابینگ، به پژوهشهایی حول آنچه که او «سایکوپاتولوژی جنسی» می نامید، دست زد. او برای معرفی دو نمونه مشخص، سادیسم و مازوخیسم، از نام دو نویسنده معروف استفاده کرد:

(سمت چپ) **دوناتین الفونسه فرانسویس، مارکیس دو ساد (1740 – 1814)**

(Donatien Alphonse François, Marquis de Sade)

اشراف زاده فرانسوی که آگاهانه داستان و نولهای جنجال برانگیزی می نوشت که در آنها فضیلت، نکوهیده، و ردیلت ارج نهاده می شد.

او ترسیم صحنه های آشکار رفتارهای جنسی و بی رحمی شخصیتهايش را برای رد این ادعای معاصرین «روشنفکر» خود که معتقد بودند انسان «ذاتاً خوب است»، به کار گرفت.

(راست) **لئوپولد فون ساخر – مازوخ (1836 – 1895)**

(Leopold von Sacher-Masoch)

نویسنده اتریشی، در بعضی از نوشته های خود، میل و کشش خویش به زنان قهار و مسلط را برملا می کند. برای نمونه در

«ونوس در پوست خز» (1870). البته، او از برچسب زندهای کرافت – ابینگ راضی نبود.

(«ونوس در پوست خز» در کتابخانه وبلاگ جنسیت و جامعه موجود است.)

واژه ترکیبی «سادومازوخیسم»، به دو پدیده سادیسم و مازوخیسم جنسی دلالت دارد، که آئینه ای از همدیگرند. ذات و جوهر سادیسم، تسلط و چیرگی یافتن بر شریک جنسی، و مازوخیسم، تحت سلطه و چیرگی شریک جنسی واقع شدن، می باشد. در قدیم، چندان معلوم نبود که این دو پدیده دو روی یک سکه اند، و رابطه بین سادیسم و مازوخیسم آن چیزی نیست که در نگاه اول به چشم می آید. این رابطه به راستی که رابطه متناقضی (پارادوکسی) می باشد. گاهی اوقات، یک جفت سادومازوخیست حتی ممکن است نقشهای خود را با هم عوض کنند: یک فرد ممکن است یک بار نقش سادیست یعنی مسلط، حاکم و چیره، و بار دیگر نقش مازوخیست یعنی مادون، برده و زبون را، ایفا کند. قبل از ورود بیشتر به این مبحث بسیار پیچیده، در ابتدا طرح تاریخچه ای که در زیر می آید، سودمند می باشد.

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی

دو مثال: 2. سادومازوخیسم: سابقه تاریخی: بی رحمی و سادیسم



دو فرد هم دوران: یکی بی رحم و دیگری سادیست

این دو چهره تاریخی فرق بین شقاوت و بی رحمی با سادیسم را نمایان می سازند. هر دو، به شیوه خاص خود، مردان شریر و هیولایی بودند. اولی به ظلم و ستم عمومی دست زد تا در داخل و خارج رعب و وحشت بگستراند، دومی، سادیسم خصوصی خود را برای لذت و خشنودی فردی خود به کار گرفت.

(سمت چپ) ولد میخ کش (Vlad III the Impaler 1431-1476)

دراکولای اصلی، هیولای خون آشام نبود، بلکه حاکم «والاچی» (بخشی از کشور رومانی امروزی) بود. او در شقاوت، بی رحمی و کشتارهای جمعی دشمنان واقعی و موهومی خود به وسیله انداختن آنها روی نیزه های تیز و بلند چوبی، زبانزد همه بود. ولی تا آنجا که اطلاع داریم، او سادیست نبود.

(سمت راست) «گیلز در رایز» (Gilles de Rais) (1404-1440) اسم اصلی او Gilles de Montmorency-Laval، Baron de Rai، ژاندارک (comrade-in-arms of Joan of Arc)، و یکی از بزرگترین قاتلان گروهی در تاریخ بود. او تعداد زیادی از کودکان- اغلب مذکر- را ربوده، به قصر خود می برد و در آنجا آنها را شکنجه می داد و به قتل می رساند. تا اینکه دستگیر، محاکمه و به دار آویخته شد. ظاهراً جرم او از طبیعت سادیستی برخوردار بود، که در بعضی از نوشته های مارکیس در ساد، به عنوان مدل و الگو به کار گرفته شد. او برای «بلویرد» افسانه ای، شوالیه ای که هرکدام از زنان خود را بلافاصله بعد از ازدواج، به قتل می رساند، الگو شد.

در تاریخ، نمونه های زیادی از حاکمان ظالم و بی رحم، وجود دارند، از امپراطور روم کالیگولا (Caligula) گرفته تا «ایوان مخوف» (Ivan the Terrible) و «ولد دراکولا» ی والاچیان، معروف به ولد میخ کش؛ اما، بی رحمی و شقاوت آنها ربطی به سادومازوخیسمی که در اینجا مورد بحث می باشد، نداشت. این بی ربطی، شامل عمل شکنجه گرانی که در گذشته در پی اعتراف گیری از متهمان بودند، هم می شود. این شکنجه گران عامل سیستمی بودن که شکنجه جزء جدایی ناپذیر آن بود. حتی گاردهای محافظ اردوگاههای کشتاری که نازیها دایر کرده بودند هم، «شغل خود را» طبق قانون و وظایف تعیین شده، «انجام می دادند»، و هیچگونه لذت شهوانی از آن نمی بردند. در همه این نمونه ها، شقاوت و بی رحمی عیان و آشکار است اما، از سادیسم خبری نیست.

شقاوت و سادیسم یکی نیستند. یک رفتار به شرطی سادیسمی است که، به تولید یا تقویت هیجان جنسی منجر شود. سادیسم می تواند شقاوت و خشونت را تداعی کند، اما اغلب خود شقاوت و خشونت نیست. به اصطلاح «قاتلان شهوتی»، یعنی افرادی که از شکنجه و به قتل رساندن شریک جنسی خود لذت می برند، به شدت نادر می باشند. در تاریخ، هرازگاهی نمونه هایی مثل گیلز در رایز ژاندارک مردم را ترسانده و ذهنیت عمومی در رابطه با رفتارهای سادیستی را شکل داده اند، اما این برداشت و ذهنیت، نادرست و گمراه کننده است.

اکثر افراد سادیست به دنبال یک شریک جنسی می گردند که داوطلبانه مطیع آنها شده و به زیر فرمانشان درآید. این تحت تسلیم و اطاعت درآوردن می تواند شامل وارد کردن درد به فرد مطیع و تسلیم شده هم باشد، اما اغلب از سنخ به کار بردن لغات و کلماتی جهت تحقیر طرف، نقش بازی کردن و دست و پا بستن (دار و فلک زدن) می باشد. روابط سادومازوخیستی بین افراد بالغ که آگاهانه و داوطلبانه بدان می پردازند، بسیار بیش از آن چیزی که قبلاً تصور می شد، رواج دارد. درحقیقت، در چند دهه اخیر، سادومازوخیسم در چند کشور غربی، هرچه بیشتر از خفا به در آمده، و حالا دیگر اینترنت، باعث شناخت بهتر آن در سراسر جهان شده است.

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی

دو مثال: 2. سادومازوخیسم

دو مثال: 2. سادومازوخیسم: سابقه تاریخی: 2: سنتهای آموزشی و مذهبی

برای مدت زمانی طولانی، سادیسم معادل بی رحمی و شقاوت تلقی می گردید و به عنوان «لذتی که از تحمیل درد به دست می آید» تعریف می شد. درمقابل، مازوخیسم به عنوان «لذت حاصل از احساس درد»، تعریف می شد. یعنی همان واژه قدیمی روانپزشکی "algolagnia" که معنی «لذت بردن از درد» را می دهد. (از لغت یونانی Algos به معنی درد، و lagneia به معنی شور و لذت). این دیدگاهی کوتاه بینانه، اما قطعاً قابل درک می باشد. در طول قرنهای، کتک و ضرب و شتم، هم در خانه و هم در کلاس درس، بخش جدائی ناپذیر تربیت و آموزش و پرورش بود. بسیاری از بزرگسالان، کتک خوردنها و لذتی که زجر دهندگانشان از تنبیه بی رحمانه آنها می بردند را به یاد می آوردند. پس چنین تصور و برداشتی منطقی به نظر می رسید که، یک لذت انحرافی ناشی از شقاوت و بی رحمی، محرک آنها در کتک زدن و زجر دادن دانش آموزان بیچاره بود. بنابراین، واژه جدید «سادیسم» اصطلاح مناسبی برای رفتارهایشان بود. از طرف دیگر، باز هم در طول قرنهای، مردم شاهد این بودند که چگونه بعضی از افراد و گروههای مذهبی، به خاطر نجات روح خویش، طی مراسمی بدن خود را مورد آزار و شکنجه قرار می دادند. و به نظر می رسید که آنها از درد و آزاری که به خود وارد می کردند، به نوعی لذت و وجد مذهبی می رسیدند. بنابراین، واژه «مازوخیسم» اصطلاح مناسبی برای آنها بود. و آخر اینکه، زنان و مردان تحصیلکرده، به رابطه مستقیم درد و لذت جنسی پی بردند. اعترافات ژان ژاک روسو (در کتابخانه وبلاگ جنسیت و جامعه موجود است.) که بعد از مرگ او منتشر شد، یک راز خصوصی نویسنده را برملا می کند: در هشت سالگی، وقتی خانم مربی سی ساله اش برای تنبیه روسو به کفل او ضربه می زد، به روسو لذت جنسی دست می دهد، و روسو از آن لحظه به بعد، تا آخر عمر خود، تشنه دریافت اینگونه مجازاتها بوده است. واژه «مازوخیسم» توصیف کامل چنین تمایلی است.

اما، همانطور که خواهیم دید، درد، زجر و تنبیه، تنها یک بعد و جنبه سادومازوخیسم است، و به هیچ وجه بعد ضروری آن نمی باشد.



کتک و ضرب و شتم در مذهب و آموزش و پرورش

(سمت چپ) کفل را به تازیانه گرفتن. در طول قرنهای غربی، کتک زدن بچه ها جزء جدائی ناپذیر تربیت و آموزش و پرورش بوده است. والدین و معلمان، از چیزهایی مثل ترکه، چوب سر پهن (از تخته یا پلاستیک)، عصا، تسمه، شلاق، یا کمربند، برای تنبیه و تربیت نسل جوان استفاده می کردند. اصطلاح «ترکه را بذار کنار تا بچه لوس بشه» گویای همین فلسفه است. تنها در اواخر قرن هیجدهم و در نتیجه جریان روشنگری بود که تحصیلکردگان نسبت به اثربخش بودن این شیوه تربیتی به شک افتادند، و این تا حدود زیادی مدیون نوشته های ژان ژاک روسو بود. به

علاوه، روسو نمونه های عبرت آموزی از تأثیر منفی که عمل به تازیانه بستن کفل، بر رشد جنسی کودک برجای می نهد، ارائه داد. (نقاشی رنسانس).

(سمت راست) به خود شلاق زدن (چیزی شبیه سینه زنی و زنجیر زنی). تنبیه کردن خود، به عنوان نوعی توبه و طلب بخشش و مغفرت الهی، سنت قدیمی بسیاری از مذاهب می باشد. این سنت در سده های میانه، در کشورهای مسیحی، زمانی به اوج خود رسید که دسته های «سینه زنی» با یک تب مذهبی، در ملاء عام به راه افتاده و به بدنهای خود شلاق می زدند. این احتمال وجود دارد که چنان عملی برای بعضی از شرکت کنندگان، یک حال و هوای جنسی داشته است.

(woodcut, Nuremberg Chronicle).

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی

دو مثال: 2. سادومازوخیسم: تناقض (پارادکس) قدرت

سادومازوخیسمی که ما در این دوره آموزشی سعی در توضیح آن داریم، امروزه خیلی راحت و ساده «اس».



ام. «S & M» خوانده می شود. (گاهی هم غلام و ارباب – برده و رئیس {Slave and Master} از آن برداشت می شود.) از آنجا که ذات و جوهر آن تسلط و اطاعت می باشد، گاهی هم «D & S» (Domination and Submissin) یعنی چیرگی و گردن نهی، خوانده می شود، و باز، از آنجا که انقیاد فیزیکی یا روانی، و یا هردو با هم به همراه تنبیه و تحت کنترل داشتن شریک جنسی، عادی ترین نوع آن است، «بونداژ و دیسیپلین» (Bondage and Dicipline) «B & D» یعنی اسارت و اطاعت آموزی نامیده می شود. ولی، با هر اسمی که خوانده و نامیده شود، سادومازوخیسم کلاً دو فرد دواطلبی را شامل می شود که حول مشارکت و اجرای «صحنه» سادومازوخیستی با هم،

به توافق می رسند. در چنین «صحنه ای»، فرد سادیست، از طریق به کارگیری لحن و الفاظ تحقیرآمیز، تنبیه جسمی، وارد کردن درد فیزیکی و، دست و پا بستن، بر فرد مازوخیست مطیع و گوش به فرمان، تسلط می یابد. از آنجا که مازوخیستها خود خواهان چنین چیزی هستند و، شدت و مرز همه اعمال را، خود کنترل می کنند، آنها درواقع سادیستها را برای رسیدن به امیال جنسی خود، به کار می گیرند. مازوخیست در هر لحظه ای که بخواهد، می تواند با ادا کردن و بر زبان راندن «لغت ایمنی» مورد توافق، سادیست را از ادامه کار بازدارد. (لغت ایمنی = واژه امن. رمز، خط قرمزی که مازوخیست قبل از شروع «صحنه» به سادیست می دهد و حول آن با هم توافق می کنند که هروقت مازوخیست آن لغت را ادا کند، معنای آن به مرز تحمل مازوخیست رسیدن می باشد و این که سادیست نباید از آن مرز عبور کند، یا قرارداد آنها منتفی است و «صحنه» تمام شده می باشد.)

بنابراین، برعکس آنچه که در ظاهر امر به نظر می رسد، آنکه در این رابطه، به راستی و به طور حقیقی، مسلط، چیره و کنترل کننده می باشد، همانا فرد مازوخیست است و نه سادیست، و درست همین تناقض است که در چنین رابطه ای، آن احساس «کیف و نشئه» را ایجاد می کند. همین مسئله روشن می سازد که چرا در روسپیگری مشتری عموماً نقش مازوخیست و زیور را برای خود انتخاب می کند. او با پرداخت پول به فرد تن فروش از او می خواهد که نقش سادیست را برایش بازی کند تا او (مشتری) به امیال مازوخیستی خود برسد. به عبارت دیگر، مشتری، با کنترل کردن فعالیت و عمل، خود دست بالا را دارد و رئیس و هدایت کننده اصلی رابطه، باقی می ماند.

با نگاهی دقیق تر به روانشناسی «صحنه»، بخصوص در خرده فرهنگ اس. ام. با تصویر پیچیده و متناقضی مواجه می شویم: رابطه سادومازوخیستی به طور همزمان در چندین سطح و لایه اتفاق می افتد و به پیش می رود:

1. سطح ظاهری و قابل مشاهده که در آن سادیست («فاعل») بر مازوخیست («مفعول») غلبه یافته و بر او مسلط شده است.
2. سطح قراردادی که حد و مرز آن را خود مازوخیست تعیین می کند، و بنابراین در تناقض با آنچه که در ظاهر دیده می شود، قرار می گیرد. این همان سطح حقیقی تناقض است. چون مفعول کنترل کننده، در عین حال، خواهان این است که به وسیله فاعل کنترل شود. فاعل هم به نوبه خود، ضمن احترام به حد و مرز تعیین شده به وسیله مفعول، مایل به اعمال کنترل بی حد و مزر می باشد. کوتاه سخن آنکه، ما در اینجا با یک وضعیت روانی در حال نوسان مواجه هستیم.
3. سطح شعائر تشریفات. در این سطح، مفعول یک نوع بی قدرتی حقیقی را تجربه می کند، و فاعل، در چارچوب مرزهای مورد توافق طرفین، یک قدرت و اقتدار حقیقی را تجربه می کند. این تجارب قادر به ایجاد و تقویت احساس عمیقی از اعتماد طرفین به هم، و رابطه ای حقیقی، حداقل در یک رابطه غیرمالی، می باشد. توضیح کوتاهی که آمد، نشان می دهد که چرا در خرده فرهنگ اس. ام. تعداد هر چه بیشتری از زنان و مردان، بیشتر مایل به ایفای نقش مازوخیست هستند تا نقش سادیست. سادیستهای حقیقی و واقعی، بسیار نادرند. به هر حال، اغلب مردم دوست دارند مسلط و کنترل کننده باشند، و مازوخیسم جنسی شیوه

متناقضی (پارادوکسالی) برای این کار در اختیار آنها قرار می دهد. این هم، حقیقتی است که افراد، گاهی نقشهای خود را با هم عوض می کنند، اما اغلب اوقات، ترجیحات جنسی انسانها و نقشهایی که ترجیح می دهند ایفا کنند، ثابت باقی می مانند. در آخر، این را هم باید اضافه نمود که سادومازوخیسم برای اکثریت مردم، جذابیت خیلی کمی داشته و یا هیچ جذابیتی ندارد. کسانی هم ممکن است آن را آزمایش کنند اما چون خوی و مزاج لازمه آن را ندارند، بعد از مدتی آن را کنار می نهند.

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی اقلیت های جنسی: مقدمه

هر جامعه ای، بخشی از گستره رفتارهای جنسی بشر را به عنوان «نرمال» می پذیرد. ولی، بعضی از جوامع در مقایسه با جوامع دیگر، بخش بزرگتری را به عنوان نرمال قبول می کنند. در نتیجه، بعضی از رفتارها ممکن است در جوامعی «نرمال» تلقی شوند و در جوامعی دیگر «آنرمال». برخی از جوامع، نسبت به رفتارهای «آنرمال»، تا جایی که ضرر و زیانی نرسانند، برخوردی همراه با مدارا، صبوری و اغماض در پیش دارند، اما برخی دیگر از جوامع، حتی «آنرمالهای» بی ضرر، مثلاً رفتارهای خصوصی دو فرد بالغ که به کسی ضرری نمی زنند اما از مرز نرمهای جنسی پذیرفته شده فراتر می روند، را هم به شدت محکوم و سرکوب می کنند. در مواجهه با سرکوب، این افراد بالغ احساس می کنند که به شکل غیر عادلانه ای محدود و محکوم شده اند. ولی، اغلب اوقات در برابر سرکوب خود قادر به هیچ کاری نیستند، و چاره ای ندارند جز آن که تحمل کنند و مترصد تغییری و تحولات اجتماعی بنشینند تا فرصتی برای دادخواهی آنان فراهم شود. در حقیقت، در شرایط مساعد، افراد مواجه با سرکوب جنسی، ممکن است فرصتی بیابند تا برای رسیدن به حقوق جنسیشان، دور هم جمع شده و خود را به عنوان «اقلیت جنسی» سازماندهی کنند.

«اقلیت جنسی» اصطلاح نسبتاً تازه ای است و در ادامه مفاهیم رایج تر اقلیت های ملی، قومی و مذهبی، مرسوم گردید. به عبارت دیگر، این اصطلاح تازه بدان معنا است که آن دسته از گروههای اجتماعی که در بعضی از کشورها تحت فشار و سرکوب بودند، حالا خواستار به رسمیت شناخته شدن حقوق مدنی خود شده اند. ولی به هر حال، قبل از ادامه مطلب، شاید بد نباشد که به خود مفهوم «اقلیت» نگاهی دقیقتر بیاندازیم.



(کمیته جایگزین کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد)

در سال 1992، سازمان ملل قطعنامه زیر را در حمایت از بعضی از اقلیت های «رسماً پذیرفته شده» به تصویب رساند. در اینجا دو ماده اول قطعنامه (با کمی اختصار) آورده می شوند:

بیانیه حقوق افراد متعلق به اقلیت های ملی، نژادی، مذهبی و زبانی
مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد طی قطعنامه شماره 47/135 مورخ 18 دسامبر 1992

بند 1

1. دولتها، از موجودیت و هویت ملی یا قومی، فرهنگی، مذهبی و زبانی اقلیت ها حفاظت خواهند کرد.

بند 2

1. افراد متعلق به اقلیت های ملی یا قومی، مذهبی و زبانی حق دارند که در حوزه خصوصی و اجتماعی، آزادانه، و بدون هرگونه تبعیض یا مزاحمت، از فرهنگ خود بهره مند شوند، مراسم مذهبی خود را به جا آورند، و زبان خود را به کار ببرند.

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی

اقلیت های جنسی: مقدمه 2: اقلیت و اقلیت های درون آن

اقلیتی که در اینجا مد نظر است، شامل هر گروه کوچک اجتماعی نمی شود، چون گروههای کوچک زیادی، مثل کودکان نابغه موسیقی، یا ریاضی دانان باهوش، اقلیت خوانده نمی شوند. از طرفی هم، بعضی از گروههای بسیار بزرگ، که حتی از جهت آماری در اکثریت هستند - مثل سیاهپوستان آفریقای جنوبی در دوران آپارتاید، و زنان در بسیاری از کشورهای جهان - گاهی ادعای اقلیت بودن کرده اند. بنابراین، به نظر می رسد که عنصر شاخص در مفهوم اقلیت اجتماعی، همانا عدم تعادل اجتماعی یا سیاسی، یک محرومیت تحمیل شده، یک تبعیض منفی، و نوعی بی قدرتی باشد. اما، تا زمانی که این بی قدرتی مطلق است، اقلیت قادر به متشکل کردن خود نیست. افراد تحت ستم، ایزوله شده باقی می مانند و اگر از جای خود بجنبند، یکی بعد از دیگری دست چین شده و به جرم برهم زدن نظم عمومی متهم می شوند. آنها فقط زمانی می توانند اقلیتی را تشکیل دهند که به همراه بقیه حول مسئله مشترکی متشکل شده و خود را به عنوان یک گروه به جامعه معرفی کنند. در نتیجه این کار، حداقل به طور بالقوه، به یک نیروی اجتماعی تبدیل می شوند. به عبارتی:

اقلیت ها، گروههای متشکلی از افراد سرکوب شده هستند که، بر اساس برخی علائق مشترک، با هم به نوعی اتحاد و همبستگی رسیده و در نتیجه، حتی به شکل سمبلیک هم که شده، مقدار معینی قدرت به دست آورده اند.

هرچند که این قدرت اولیه ممکن است محدود باشد، ولی به هر حال این امکان را برای آنها و دیگران فراهم می آورد که خواستار پایان دادن به سرکوب خود شوند. کوتاه سخن آنکه: اولین قدم در مسیر به رسمیت شناخته شدن توسط اکثریت، همانا تبیین و تعریف خود به عنوان یک اقلیت می باشد؛ حتی اگر این به رسمیت شناخته شدن چیزی جز توهین و تعرضات تازه و حملات بیشتر به آنها نباشد. ما در اینجا با یک تناقض مواجهیم: سرکوب شدگان به حداقلی از قدرت نیاز دارند تا بی قدرتی ناعادلانه ای که به آنها روا شده را نشان دهند. ولی، هدف نهایی آنها - و این دومین تناقض است - پیوستن به اکثریت به عنوان «نرمال» و در نتیجه از دست دادن موقعیت خود به عنوان اقلیت می باشد. البته حتی اگر چنین شود، باز آنها «فرهنگ اقلیتی» خود را به وجود می آورند، چون این فرهنگ، آنوقت دیگر نه به عنوان یک تهدید، بلکه به عنوان یک فولکلور پذیرفته می شود.

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی

اقلیت های جنسی: مقدمه 3 مبارزه برای به رسمیت شناخته شدن

مسیر و چگونگی شکل گیری اقلیت و انحلال نهایی آن را می توان در عرصه رفتارهای جنسی هم مشاهده نمود. در اینجا هم، نوع خاصی از سرکوب و محرومیت، به ایجاد و ادامه همبستگی گروهی از افراد دارای علائق جنسی ناهنجار، منجر می شود. آنها، به محض متشکل شدن، درخواست حقوق برابر می کنند. اما اکثریت، در برابر درخواست آنها به شدت مقاومت می کند، البته با این بهانه که این گروه جدید، یک اقلیت معتبر و قانونی را نمایندگی نمی کند بلکه درخواستهای غیر قابل قبول یک عده محدود خودخواه، مجرم و بیمار روانی را مطرح می سازد. و در ادامه گفته می شود که، اگر تبعیض علیه یک اقلیت معتبر و به رسمیت شناخته شده قومی یا مذهبی اشتباه باشد، اما این شامل حال «انرمالهای جنسی» نمی گردد. در واکنش به این برخورد، اقلیت جدید سعی می کند که علاقه جنسی خاص خود را به نقطه ثقل فعالیتها و درخواستهای سازمانی خود مبدل سازد، تا هم به اطلاع رسانی عمومی کمک کند و هم اعضاء جدیدی را به صفوف خود جلب کرده، و گسترده شدن اعضاء خود را به رخ اکثریت بکشاند. بالاخره، زمانی که گروه به اندازه غیر قابل اغماضی رشد نمود و نفوذ اقتصادی و سیاسی به دست آورد، آنوقت اکثریت، نرم شده و حق اقلیت بودن گروه، که مدتها در برابر آن مقاومت کرده بود را، به رسمیت می شناسد. این به معنای پایان حداقل برخی از تبعیضات و تضمین بخشی از حداقل حقوق جنسی است. همزمان با پایان تمام محرومیتها و تبعیضات، وقتی برابری کامل تضمین گردید، اقلیت منحل شده و جذب اکثریت می شود. و آنوقت مسئله و عنصر شاخصی که به شکل گیری و هویت یابی آن منجر شده بود، به یک موضوع اجتماعی و سیاسی فرعی تبدیل می شود. مثل هر گروه دیگری، این اقلیت ممکن است برای حفظ حضور خود در انظار عمومی و مطالبه نفوذ سیاسی، پروفایل مشخصاتی خود را حفظ کند، اما در آن صورت فقط یکی از رنگهای به رسمیت شناخته شده در بافت اجتماعات مدرن را نمایندگی می کند.

اکثریت ها و اقلیت ها در کشورهای مختلف

اقلیت	اکثریت	
در ایالات متحده آمریکا	در مکزیک	قومی: مکزیک
در ایالات متحده آمریکا	در آفریقای جنوبی	«نژادی»: سیاه
در ایالات متحده آمریکا	در ژاپن	مذهبی: شینتو

اکثریت ها و اقلیت ها در سانفرانسیسکو

اقلیت	اکثریت	
در کل شهر	در منطقه میشن	قومی: مکزیک
در کل شهر	در هانترز پوینت	«نژادی»: سیاهپوستان
در کل شهر	در جاپان تاون	مذهبی: شینتو
در کل شهر	در منطقه کاسترو	جنسی: گی ها و لزبین ها

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی

اقلیت های جنسی: مقدمه 4 اقلیت ها در سانفرانسیسکو

یک مورد خوب از نمونه اقلیت جنسی، شروع دشوار، و رشد و موفقیت آن را، می توان در شهر سانفرانسیسکو در آمریکا مطالعه و بررسی نمود. این شهر معروف کناره اقیانوس آرام، از همان روزهای «تب طلا جویی» در اواسط قرن نوزدهم، پناهگاه انواع و اقسام اقلیت های قومی، نژادی و مذهبی بوده است. این «شهر اقلیت ها»، به عنوان شهری مدارا پذیر، بردبار و با سعه نظر معروف بوده است. اما تحمل و بردباری آن هیچوقت شامل حال مهاجران چینی نشده، و در نتیجه انواع و اقسام تبعیض و بی عدالتیها بر آنان روا گردیده است. این تبعیض و بی عدالتی، حداقل بعد از جنگ دوم جهانی، شامل حال همجنسگرایان مرد هم گردید. در واقع تا همان دهه 1960 کلویهای «گی ها» مورد یورش و حمله پلیس واقع شده و مسئولان آنها بازداشت می شدند. چون به هر حال، تماسهای همجنسگرایانه مردان با هم، در قانون کالیفرنیا (ایالت آمریکا که سانفرانسیسکو در آن واقع شده)، یک جرم جدی محسوب می شد. ولی با این وجود، در آن زمان، تلاش و کوششهای بی وقفه تعداد معدودی افراد با شهامت، نه تنها در سانفرانسیسکو، بلکه در سراسر آمریکا، سنگ بنای جنبش حقوق مدنی «گی ها» را گذاشته بود. در نتیجه، وقتی که در ژوئن 1969، یورش پلیس به یک کافه (بار) «گی» در خیابان کریستوفر در نیویورک با مقاومت رو به رو، و به خشونت کشیده شد، جامعه گی و لزبین های آمریکا برای دادن واکنشی درخور آمادگی قبلی داشت.

اقلیت های قومی شهر سانفرانسیسکو عادت کرده بودند که با شرکت در رژه های مختلف، که از سال نو چینی در فوریه شروع می شد و تا روز کریسف کلمب ایتالیاییها در اکتبر ادامه می یافت، حضور خویش و قدرت رای خود را به نمایش بگذارند. در واقع در فاصله فوریه تا اکتبر، در هر ماهی مراسم رژه برگزار می شد، به جز در ماه ژوئن. و این فرصتی را برای مراسم رژه وسیع همجنسگرایان در این ماه فراهم نمود تا آنها با به کارگیری یک الگوی موجود، مراسم رژه و به میدان آوردن و نمایش نیروها و قدرت و گستردگی رای خود، به هدف مشابهی دست یابند: به رسمیت شناخته شدن به عنوان یک اقلیت اجتماعی. در واقع، موفقیت این استراتژی فراتر از حد انتظار بود. به محض آنکه شهردار و دیگر سیاستمداران، وسعت و گستردگی بالقوه این رای دهندگان را به چشم خود دیدند، همانطور که در مراسم رژه گروههای دیگر شرکت می کردند، به مراسم رژه همجنسگرایان هم پیوستند تا با اعلام حمایت خود از خواسته های آنان، رای آنها را در انتخابات به دست آورند. طولی نکشید که اولین «گی» در انتخابات مسئولین شهرداری انتخاب گردید، قانون ایالت کالیفرنیا در رابطه با منع تماسهای همجنسگرایانه مردان، لغو شد و بیماری بودن همجنسگرایی از کتابچه راهنمای تشخیص بیماریهای (روانی) انجمن روانپزشکی آمریکا حذف گردید. و به این طریق، «گی ها و لزبین های» سانفرانسیسکو در مسیر «نرمالیزه شدن» و اعتراف کامل اجتماعی قرار گرفتند. (رژه های اقلیت ها در بسیاری از دیگر شهرهای آمریکا هم معمول بود، و بعدها رژه «گی ها» هم به آنها افزوده شد، اما مورد سانفرانسیسکو، عینی ترین و آموزنده ترین نمونه ها است.)

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی

اقلیت های جنسی: مقدمه 5

آموزنده بودن نمونه سانفرانسیسکو دلیل دیگری هم دارد: در رژه همجنسگرایان، افرادی از دیگر اقلیت های نژادی و قومی شهر، چینی ها، ایرلندی ها، ژاپنی ها، مکزیکی ها، فلیپینی ها، ایتالیایی ها، و بسیاری گروههای دیگر هم، شرکت می کردند. همین مسئله نشان می دهد که یک شخص می تواند به طور همزمان عضو چندین اقلیت باشد.



مثلاً یک عضو جامعه اقلیت چینی آمریکایی، می تواند بودایی بوده و به اقلیت مذهبی بودایی هم تعلق داشته باشد. این فرد همچنین ممکن است فقط چینی صحبت کند و در نتیجه عضو یک اقلیت زبانی هم باشد. علاوه بر این، همین فرد شاید معلول باشد و از ویلچر استفاده کند و در نتیجه عضوی از اقلیت معلولان شهر هم باشد. و آخر اینکه، این فرد باز ممکن است همجنسگرا هم باشد و در نتیجه به یک اقلیت جنسی هم تعلق داشته باشد. درحقیقت، یک فرد حتی ممکن است به طور همزمان به چندین اقلیت جنسی تعلق داشته باشد، و البته بعضی از این اقلیت ها به درجات متفاوتی از اعتراف اجتماعی برخوردارند. برای مثال، اقلیت هایی همچون ترانس سکسوالهای «گی»، یا دوجنسگراهای «ضربدری» (swingers) و یا لزبینهای فتیش سادومازوخیست. اگر چنین باشد که افرادی از این اقلیت های جنسی نامبرده، به اقلیتی قومی، مذهبی، یا زبانی هم تعلق داشته باشند، آنوقت تصویر باز هم پیچیده تر می شود. همه اقلیت ها به یکسان در معرض تبعیض و بی حقوقی واقع نمی شوند، و همین موضوع، این سؤال را مطرح می کند که تعلق داشتن به کدام اقلیت، چه عواقبی را، برای فرد در این یا آن شرایط، به همراه خواهد داشت؟ مسلماً، شرایط مختلف، تعلق داشتن به اقلیت های متفاوتی را برجسته تر و ملموس تر می کند. یک لزبین چینی آمریکایی وابسته به ویلچر، ممکن است نه تنها در رژه سال نو چینی در ماه فوریه شرکت کند، بلکه در رژه همجنسگرایان در ماه ژوئن، و در موقعیتی دیگر در رژه معلولان برای درخواست حقوق مدنی بیشتر هم، شرکت نماید. همانطور که نمونه مورد اشاره نشان می دهد، تعلق داشتن به هر نوع

اقلیتی، هرگز قادر به تعریف کل فرد نیست. هرچند که زدن برچسب اقلیت به یک فرد گاهی شاید مفید باشد، و چه بسا چاره ای جز این هم نباشد، اما این کار می تواند گمراه کننده نیز باشد. همین قضیه در مواردی که افراد به خود مهر می زنند هم صدق می کند. زندگی انسان پیچیده تر از آن است که بتوان به سادگی او را کلاسه و دسته بندی نمود. بخصوص در عرصه جنسیت بشر، این خطر وجود دارد که برخورد کلیشه ای و قالبی با مردم، ما را از دیدن دیگر خصوصیات و چه بسا اجزاء مهمتر کاراکتر شخصیت آنها باز دارد. به عبارتی، قصور در دیدن کل شخصیت خود ویژه و قائم به ذات هر فرد، هم ناعادلانه است و هم این که خود ما را از داشتن تصویری واقعی از آن فرد محروم می سازد. در عالم واقعی، «افراد همجنسگرا»، «فتیشیست»، و یا «سادومازوخیست» وجود ندارند. بلکه اینان افرادی هستند واقعی که رفتارهای جنسی خاص خود را در

شرایطی خاص به نمایش می گذارند، اما این، چیز خاصی درباره زندگی آنها برای ما بازگو نمی کند. اینگونه مهر و نشانها، استفاده محدودی دارند و هرگز مناسب یا شایسته تعریف و تبیین وجود انسانی نمی باشند. هر زن و مردی خیلی بیشتر از صرفاً عضو این یا آن اقلیت بودن، می باشد.

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی

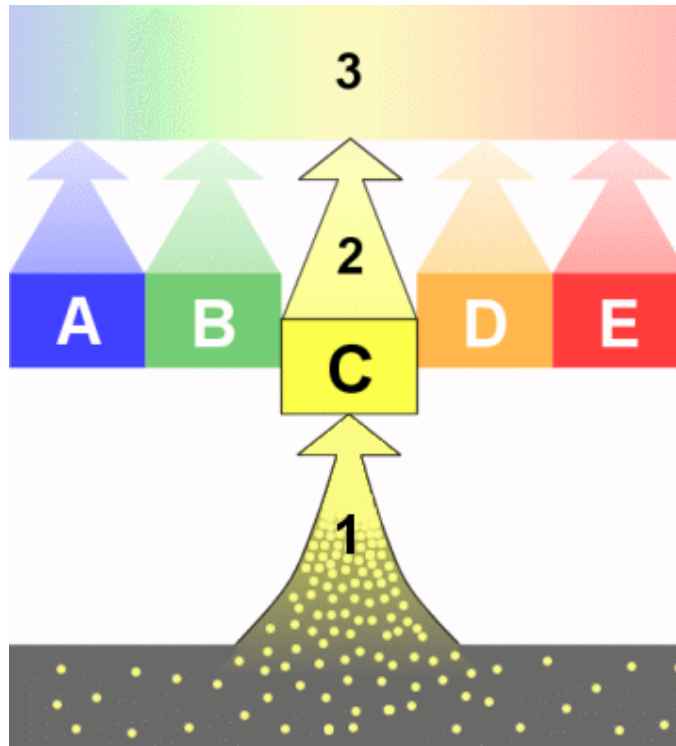
اقلیت های جنسی: مقدمه 6

شرایط، زمان، و مکان در شکل گیری یا عدم شکل گیری یک اقلیت جنسی، و در این که کدام اقلیت جنسی از شانس به رسمیت شناخته شدن برخوردار است، تعیین کننده می باشند. مثلاً، یک اقلیت «گی و لزبین» در یونان باستان یا روم قدیم، به تصور هم نمی آمد، چون تماس جنسی با همجنس نه تنها مسئله ای نبود بلکه عادی و مسلم هم تلقی می شد. اقلیت «گی و لزبین» در اروپای سده های میانه هم قابل تصور نبود اما دلیل آن برعکس بود: تماسهای همجنسگرایانه آنچنان مذموم و محکوم بود، و همجنسگرایان با چنان شدتی سرکوب می شدند که دفاع از آنها به منزله نوعی خودکشی می بود. امروزه، بخشهای مختلف جهان، تصاویر متفاوتی نشان می دهند: در بعضی از کشورهای غربی، اقلیت «گی ها و لزبین ها» خیلی راحت مورد اعتراف و رسمیت اجتماعی قرار گرفتند و اکنون حقوق برابر خود را دارا می باشند. در بعضی دیگر از کشورها، مبارزه برای حقوق مدنی برابر همچنان ادامه دارد، و باز در برخی دیگر از کشورها مبارزه تازه شروع شده است. در آفریقای جنوبی، جفتهای همجنس حق ازدواج با هم را دارند، در اوگاندا، مجازاتی که قانون برای تماس جنسی دو مرد با هم تعیین کرده، زندان ابد می باشد. کشورهای مختلف، سیاستهای مختلفی در پیش گرفته اند، نه تنها در آفریقا، بلکه در آسیا و آمریکا هم همینطور. به علاوه، بعضی از این سیاستها و رویه ها در حال تغییر می باشند، و به این خاطر ارائه یک جمع بندی هم مشکل است. همین قضیه در مورد دیگر اقلیت های جنسی هم صدق می کند. بعضی از آنها فقط این اواخر در کشورهای غربی شروع به سازماندهی خود کرده اند: دوجنسگرایان (بایسکسوالها)، فتیشتها، سادومازوخیستها، «ضربدریها»، ترانس و ستایتها، ترانس سکسوالها، و آسکسوالها. هنوز معلوم نیست که کدامیک و چه تعداد از این گروهها به موفقیت می رسند و کدامها دچار شکست و انحلال می شوند. این نیز معلوم نیست که کدامیک از آنها موفق می شوند به دیگر نقاط جهان هم گسترش یابند. اقلیت های جنسی واحدهای مطلق، ثابت، و ایستای انسانی نیستند. آنها، در شرایط و وضعیتهای دائماً متغیر اجتماعی و سیاسی شکل می گیرند و یا از بین می روند. ولی مسلماً، این به معنای تغییر در رفتارهای جنسی بشر نیست. چون رفتارهای جنسی بشر نتیجه پروسه تکامل طبیعی طولانی است و از زمانهای بسیار قدیم، در همه جا یکسان بوده اند. اما در طول تاریخ، برخورد اجتماعی جوامع مختلف در قبال این رفتارها تغییر کرده اند. در بخشهای زیر، آن دسته از اقلیت های جنسی که امروزه بهتر شناخته شده اند، معرفی می شوند. اما این را هم باید در نظر بگیریم که ممکن است تداخلاتی در آنها دیده شود، یا شاید افرادی حس کنند که به طور همزمان به چند اقلیت تعلق دارند.

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی

اقلیت های جنسی: مقدمه 6: یک شمای تصویری

شکل گیری و انحلال یک اقلیت جنسی



1. افراد منفرد مواجه با سرکوب جنسی، به همبستگی با هم رسیده و خود را به عنوان یک اقلیت تازه سازمان یافته، متشکل می کنند. (C)
آنها سعی می کنند که جایگاه خود را در کنار دیگر اقلیت های «به رسمیت شناخته شده» ملی، نژادی، مذهبی و زبانی، به دست آورند. (A, B, D, and E)
2. اقلیت جنسی تازه، اهداف مشترکی با دیگر اقلیتها دارد – یعنی به عنوان یک عضو مساوی الحقوق جامعه به رسمیت شناخته شدن.
3. به محض به رسمیت شناخته شدن و مورد اعتراف قرار گرفتن، اقلیت ها در کل عام ادغام می شوند. بعضی از آنها رسوم و عادات خود را نگه می دارند و آنها را نمایش می دهند، اما به آنها به عنوان اجزائی از کاراکترهای فولکلوریک بی خطر نگریسته می شود.

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی اقلیت های جنسی: 1. گی ها و لزبین ها



مگنوس هیرشفلد

(1868 – 1935)

پزشک آلمانی و یکی از
پیشگامان برجسته سکسولوژی
است. او و تتی چند از دوستانش،
در سال 1897، اولین سازمان
«حقوق همجنسگرایان» در جهان
را، به نام کمیته علمی – انسانی
([Wissenschaftlich-humanitäres Komitee](#),
[WhK](#)) تأسیس کردند.

وقتی که [مگنوس هیرشفلد](#) در سفر خود به دور دنیا، در سال 1931 به ژاپن رسید، مورد خطاب این سؤال یک پزشک ژاپنی قرار گرفت که: «چرا در آلمان درباره همجنسگرایی این همه صحبت می شود اما در ژاپن خبری از آن نیست؟» جواب هیرشفلد، حتی امروز هم، به راستی که ارزشمند و قابل تأمل می باشد: «همکار عزیز، به این خاطر که ما آن را ممنوع کرده ایم، و شما آن را رخصت داده اید.»

درحقیقت، خود هیرشفلد، از همان ابتدای شروع کار، به این موضوع پی برده بود که «مشکل همجنسگرایی» در اصل و اساس خود چیزی بیش از مقاومت جامعه در پذیرش واقعیت های جنسی، نمی باشد. قانون آلمان در مقابله با آمیزش جنسی مردان همجنسگرا با هم، ریاکاری و دورویی زیادی را به نمایش می گذاشت، بسیاری از شهروندان معروف، و مردانی در پست های حساس را تهدید می کرد، و به رواج اخاذی، باج خواهی، افشاگری و رسوایی های عمومی منجر می شد. فرانسه، ایتالیا، و البته ژاپن هم، که چنین قانونی نداشتند، با هیچکدام از این مسائل مواجه نبودند. خلاصه اینکه، قانون آلمان نه تنها مفید نبود، بلکه به زیان کشور هم بود. به همین خاطر، در سال 1897، هیرشفلد به اتفاق چند نفر از دوستانش، اولین سازمان «حقوق همجنسگرایان» در جهان را، به اسم «کمیته علمی انسانی» ([Wissenschaftlich humanitäres Komitee](#), [WhK](#)) بنیان نهادند. این سازمان طوماری با امضاهای بسیاری از افراد و شخصیت های سرشناس (از جمله آلبرت اینشتین)، که در آن ایجاد اصلاح و تغییراتی در قوانین آلمان درخواست شده بود را، تهیه کرد و به مجلس آلمان ارسال نمود. هیرشفلد، در طول زندگی خود، شاهد تغییری در قوانین نشد. در سال 1994 یعنی صد سال بعد، خواسته او و دوستانش تحقق یافت.

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی اقلیت های جنسی: 1. گی ها و لزبین ها 2



مبارزان «حقوق گی ها و لزبین ها» در ایالات متحده آمریکا

شرایط همجنسگرایان آمریکا نه تنها از شرایط همجنسگرایان آلمان بهتر نبود، بلکه شاید بدتر هم بود. آنها بعد از دهه ها مبارزه، موفق شدند به عنوان یک اقلیت اجتماعی مورد اعتراف و رسمیت قرار گیرند. در اینجا تصاویر چند تن از پیشگامان آنها آورده شده است.

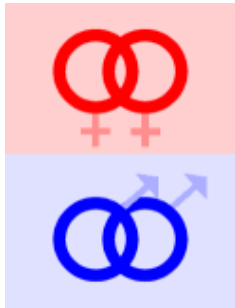
از چپ: 1. **هنری گلبِر** (1892 – 1972)، در بواریا (جنوب غربی آلمان) متولد شد و قبل از شروع جنگ جهانی اول به آمریکا مهاجرت کرد. او تحت تأثیر فعالیتهای مگنوس هیرشفلد در آلمان، در سال 1924 اولین سازمان «حقوق همجنسگرایان» در آمریکا، به نام «انجمن دفاع از حقوق بشر» را، در شیکاگو بنیان نهاد. این سازمان مجله ای به اسم «دوستی و آزادی» (Friendship and Freedom) منتشر نمود که یکسال بعد توسط نمایندگان و مسئولان ایالتی تعطیل گردید. 2. **هاری های** (1912 – 2002) آمریکایی بریتانیایی الاصل و از اعضای «انجمن ماتاچین» که در 1950 در لس آنجلس تشکیل گردید (دومین شکل مدافع «حقوق همجنسگرایان» در ایالات متحده). اسم «ماتاچین» به گروهها و دسته های رقص در سده های میانه فرانسه اشاره دارد که هنگام اجرای رقصهای نمایشی، صورت خود را با ماسک می پوشانند. تشکیل ماتاچین در سال 1953 انتشار «یک مجله» را شروع کرد و در سال 1955 «ماتاچین رویو» را منتشر نمود. 3. **فیلیس لیون** (متولد 1924) و **دل مارتین** (2008 – 1921) که هر دو در سانفرانسیسکو زندگی می کردند، در سال 1955 اولین تشکیل زنان لزبین در آمریکا را به نام «دختران بیلیتس» (The Daughters of Bilitis) به وجود آوردند. یکسال بعد، این تشکیل، مجله ارگان خود به نام «نردبان» (The Ladder) را منتشر نمود. اسم «بیلیتس» از یک کار هنری نویسنده فرانسوی، پیر لویس، به اسم «آوازهای بیلیتس» (1894) گرفته شده که ادعا می شود ترجمه اشعار شاعره ای یونانی که رقیب سوفو بوده است می باشد.

به دلیل **قانون سودومی** آمریکا، مردان همجنسگرای آن کشور هرگز از حقوق برابر برخوردار نشده بودند. به علاوه، هم مردان، و هم زنان همجنسگرا در آمریکا، از طرف جامعه روانپزشکی آن کشور به عنوان بیمار روانی شناخته می شدند، و رهبران مذهبی هم آنها را به عنوان گناهکار محکوم می کردند. اما با وجود این محدودیت سه گانه، فعالیتهای خستگی ناپذیر تعداد معدودی از افراد در ابتدای کار، که البته بعداً بر تعدادشان افزوده شد، به تشکیل یابی و ایجاد «جامعه گی و لزبین»، که به عنوان یک اقلیت تحت ستم از اعتراف عمومی برخوردار شد، منتهی گردید. (کلمه «گی» به معنی خوش، شاد یا رنگارنگ- به مرور در زبان محاوره ای آمریکا در قرن بیستم، یک معنی اضافی، یعنی «همجنسگرا»، هم به خود گرفت. کلمه «لزبین» از جزیره لزبوس- زادگاه شاعره یونانی سافو که اشعار عاشقانه ای برای دختران دانش آموز خود می سرود، گرفته شده است).

مبارزه برای «حقوق همجنسگرایان» در آمریکا، الهام بخش مبارزات مشابهی در بسیاری از کشورهای دیگر گردید. برخی از این جنبشها، با به کارگیری تاکتیکها و شعارهای مشابهی، حداقل به برخی از اهداف خود، و بعضی دیگر حتی به دست آوردهای بیشتری نسبت به همجنسگرایان آمریکا، دست یافتند. عاقبت، در سال 1973، انجمن روانپزشکی آمریکا کتاب راهنمای بیماریهای خود را مورد بازبینی قرار داده و در بازنویسی آن، همجنسگرایی را از لیست بیماریها حذف نمود و در سال 2003 دادگاه عالی آمریکا قانون سودومی را ملغی اعلام کرد. در طی این مدت، تعداد زیادی از رهبران مسیحی و یهودی، همجنسگرایان را به عنوان جزئی از جامعه خود مورد پذیرش و اعتراف قرار داده ند. با این همه، تمام حقوق برابر هنوز به دست نیامده اند و شمای کلی در همه جا یکسان نیست: در برخی از شهرهای بزرگ، بیشتر تبعیضات کهنه اجتماعی رنگ باخته اند اما، در بخشهای بزرگی از کشور همچنان باقی مانده اند.

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی

اقلیت های جنسی: 1. گی ها و لزبین ها 3



همه کشورها، دارای اقلیت جنسی گی و لزبین نیستند. اما این به معنای نبود رفتارهای همجنسگرایانه در بین آن جوامع نمی باشد. بعضی از کشورها از چنان درجه ای از فرهنگ صبور، تحمل، احترام به دیگری، گشادگی نظر، رعایت حقوق دیگران و احترام به تنوعات برخوردارند که در آنها نیازی به سازماندهی چنین اقلیت هایی نیست، و کشورهایی هم آنچنان سرکوبگرند که در آنها، امکان ایجاد اینگونه سازمانها اصلاً وجود ندارد. ولی، در چند دهه اخیر، سیر کلی در بسیاری از نقاط جهان به سوی رواداری جنسی بیشتر سمت و سو داشته است. علت مسئله تا حدودی از این امر ناشی شده که دست اندر کاران سلامتی و بهداشت جوامع به این واقعیت پی برده اند که سیاست مؤثر پیشگیری از آیدز بدون به رسمیت شناختن رفتارهای همجنسگرایانه، عملی نمی باشد. چون تا

زمانی که بخش بزرگی از مردم مجبور به دروغگویی و پنهان سازی منبع ابتلاء عفونتی خود باشند، طرح استراتژی و خطوط پیشگیری مؤثر، هم ممکن نمی شود، و در نتیجه همه در معرض خطر قرار می گیرند. درحالیکه بعضی از گی ها و لزبین ها در جهان، در مراحل اولیه مبارزه در راه برابری حقوقی خود هستند، بعضی دیگر به دست آوردهای قابل توجهی دست یافته اند. در واقع، در اغلب کشورهای غربی، آنچه که فعلاً باقی مانده همانا قانونی شدن ازدواج همجنسگرایان می باشد. مخالفان این مسئله ادعا می کنند که معنای حقیقی ازدواج پرورش فرزندان است و به همین دلیل، باید مختص جفتهای غیر همجنس باقی بماند. اما، از آنجا که زنان یائسه همیشه حق ازدواج داشته اند، بعید به نظر می رسد که این بهانه در دراز مدت موفقیتی به دست آورد. به علاوه، بسیاری از همجنسگرایان زن و مرد در نتیجه رابطه های دگرجنسگرایانه، دارای فرزند می باشند و می خواهند که بعد از جدایی، در پرورش و تربیت فرزندان خود سهیم شوند. درضمن، جفتهای لزبین از طریق لقاح مصنوعی و اهداء اسپرم هم بچه دار می شوند. با توجه به همین واقعیتها است که امروزه بعضی از کشورها، به جفتهای همجنس **حق کامل ازدواج** داده اند: آفریقای جنوبی، کانادا، بلژیک، اسپانیا و هلند. بعضی کشورهای دیگر هم، نه به طور کامل بلکه بخشی از **حقوق مرتبط با ازدواج را به جفتهایی که اتحاد خود را به ثبت مدنی رسانده اند**، اعطاء کرده اند: دانمارک، نروژ، سوئد، ایسلند، فنلاند، فرانسه، آلمان، پرتغال، جمهوری چک، اسلوانی، پادشاهی متحده (بریتانیا)، و نیوزلند. همینطور، برخی از کشورها، **روابط مشترک جفتهای همجنس که رابطه خود را به ثبت مدنی رسانده اند**، را با استفاده از قوانینی خاص به رسمیت می شناسند. در ایالات متحده آمریکا، در برابر ازدواج افراد همجنس، مقاومت شدیدی وجود دارد، اما برخی از ایالات به درجات متفاوتی از خواسته ازدواج همجنسگرایان حمایت می کنند. وضعیت ثابت نیست و متغیر می باشد، بنابراین ارائه یک لیست کامل هم امکانپذیر نمی باشد. تحولات تازه در وبسایت خاصی که در زیر آمده به ثبت می رسند.

http://www2.hu-berlin.de/sexology/ECE6/html/unions_and_partnerships_by_country.htm

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی

اقلیت های جنسی: 1. دوجنسگرایان (بای سکسوالها)



پیشگامان جنبش دوجنسگرایان

دوجنسگرایان آمریکا که از طرف هر دو اردوی همجنسگرایان و دگرجنسگرایان تحت فشار بودند، در دهه 1970 میلادی شروع به سازماندهی خود کردند. در اینجا تصاویر دو تن از پیشگامان آنها آورده شده اند.

مارگریت روبینسون (متولد 1930)، یک درمانگر آمریکایی، نیروی مؤثری در تأسیس «**مرکز دوجنسگرایان سانفرانسیسکو**» (Bisexual Center in San Francisco) در سال 1970 بود. این اولین سازمان دوجنسگرایان بود که محل و مرکزی خاص خود داشت و انواع خدمات را ارائه می داد. قبل از آن، گروهی به اسم «گروه آزادی بخش ملی دوجنسگرایان» در سال 1972 در نیویورک تأسیس شده بود.

فریتز کلین (1932 – 2006)، روانپزشک آمریکایی و پیشگام جنبش دوجنسگرایان، در سال 1978 کتابی به اسم «The Bisexual Option» منتشر نمود که اولین پژوهش روانشناسانه مختص به دوجنسگرایی بود.

زمانی که گی ها و لزبین ها در تلاش برای کسب اعتراف اجتماعی به عنوان یک اقلیت بودند، اعضاء بالقوه خود را به خروج از انزوا و «پناهگاه» خود («از گنج بیرون آمدن») تشویق می کردند و از آنها می خواستند که از تظاهر به دگرجنسگرا بودن دست بردارند و همجنسگرایی خود را علنی کنند. این مسئله، نتیجتاً، نسل بشر را به دو اردوگاه مانع الجمع – «همجنسگرا» یا «دوجنسگرا» و به قول آلفرد کینزی (به قلم خودش)، به «گوسفندان و بزها»، تقسیم می کرد. اما، این تقسیم بندی با حال و روزگار زنان و مردانی که از جهت جنسی (اروتیکی) به هر دو جنس گرایش داشتند، سازگار نبود. اینان که در واقع خود را از هر دو طرف، هم اقلیت همجنسگرا، و هم اکثریت دگرجنسگرا تحت فشار یافتند، هر دو گروه را یک سو نگر و «تک جنسگرا» (Monosexuals) نامیدند، و در مقابل شروع به سازماندهی خود به عنوان یک اقلیت مجزا کردند. دوجنسگرایان. دوجنسگرایان آمریکا با رشد و پا گرفتن جنبش خود، اولین کنگره ملی خود را در سال 1990 در سانفرانسیسکو برگزار کردند. پیوند شبکه ای با گروههای مشابه در کشورهای دیگر، به تشکیل اولین کنگره بین المللی دوجنسگرایان در سال 1991 در آمستردام انجامید، و کنگره های بعدی هم به دنبال آن آمدند. امروزه، جنبش دوجنسگرایان، انواع گروهها و افراد فراجنسی و فراجنسیتی (ترانس جندر) را در خود جای می دهد و کلاً خود را جزئی از کل جنبش آزادی بخشی می داند که قصد شکستن رسم و سنت تقسیم بندی جنسی قطبی گرایانه را دارد.

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی

اقلیت های جنسی: 1. دوجنسگرایان 2

اولین [کنگره](#) علمی حول دوجنسگرایی، در سال 1990 در برلین برگزار گردید. کنگره به بررسی دوجنسگرایی از دیدگاه رشته های مختلف علمی پرداخت، از جمله از دیدگاه تاریخی و زیست شناسی (بیولوژی). در این مدت، یافته های اصلی کنگره به مقدار وسیعی مورد پذیرش قرار گرفته و در عمل اجرا می شوند؛ بخصوص در حوزه پیشگیری از بیماریهای مقاربتی و ایدز.



اولین کنگره علمی حول دوجنسگرایی در سال 1990 در برلین
مهمترین سند ارائه شده در این کنگره، به هر دو زبان آلمانی (در سال 1994) و انگلیسی (در سال 1998) منتشر گردیده است.
برگزار کنندگان کنگره، اروین ج. هیبرله و ر. گیندورف بودند.

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی اقلیت های جنسی: 3. «ضربدریها» (swingers)

طبق تعریف حاضر، «ضربدری»، «مشارکت افراد بالغ و خودمختار در یک خوشگذرانی اجتماعی-جنسی» می باشد. این، در عمل بدین معنا است که دو یا چند جفت دگرجنسگرا با هم به توافق می رسند که با شرکای جنسی همدیگر دست به مقاربت جنسی بزنند، یا شریک جنسی خود را در خانه یا محل (کلوبی) خاص، یا محل ملاقاتی، با دیگران قسمت کنند. در بسیاری از کشورهای غربی، احتمالاً ضربدریها را می توان اقلیت جنسی نامید؛ چون با مجلات، وبسایتها، کنفرانسها، شبکه ها و اساسنامه های محلی و ملی خود، از سازماندهی خیلی خوبی برخوردار می باشند. بعضیها حتی با هم طرازان خود در کشورهای دیگر، «شبکه های عشق» بین المللی به وجود می آورند و به دیدار هم می روند. تعدادی «کلوبهای ضربدری» تجارتی وجود دارند که حق ورودی می گیرند و محل (کلوب) خود را در اختیار علاقه مندان قرار می دهند. چنین به نظر می رسد که ضربدریها در عرصه های غیر جنسی زندگی خود، افراد محافظه کاری هستند. با این همه، «جامعه ضربدری» به هیچ وجه جامعه یکدستی نیست. اعضاء آن دارای پس زمینه های فرهنگی و تحصیلی بسیار متفاوتی می باشند.



یک نمونه عادی از آگهی یک کلوب ضربدری

در بسیاری از کشورها، جشن ها و تجمعات شبانه ضربدریها مرتباً برگزار می شوند. این مراسم در جاهای مختلفی، خانه های بزرگی در شهرها، یا خانه های بزرگ و مجللی در نقاط خارج از شهری با استخرهای شنا و جاکوزی، تا کلوبهای لوکس و تجملاتی، برگزار می شوند. معمولاً با توجه به قرارداد، فقط به جفتها (زن و مرد) و زنان مجرد، یا جفتها و مجردان به طور مختلط، و یا جفتها و زنان دوجنسگرا، اجازه ورود داده می شود. (برای پیشگیری از بازشناسی، اسم و جزئیات دیگری از آگهی فوق حذف شده اند، اما محتوای آن اصل می باشد).

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی

اقلیت های جنسی: 4 فetiš ها

همانطور که قبلاً اشاره شد، فنتیشیسم، به سطح، درجه و میزان مسئله بستگی دارد، و محدودهٔ ابژه های احتمالی آن آنچنان وسیع و گسترده است که عملاً حد و مرزی نمی شناسد. و این یعنی، جمع کردن همهٔ فنتیشیستها در زیر سقف یک جنبش بزرگ، عملاً غیر ممکن می باشد. با این حال، بعضی از چرم فنتیش ها، و لاستیک و نایلون فنتیش ها، وسعت و اندازهٔ گروههای خود را به حدی یافته اند که بتوانند خود را به عنوان یک اقلیت جنسی متشکل کنند و محلها، کلوبها، فروشگاهها، مجلات، وبسایتها و سازمانهای محلی، منطقه ای، ملی و کنگره های بین المللی خود را داشته باشند. بر این اساس، آنها خرده فرهنگ خاص خود را به وجود آورده اند، و در مواردی، از طریق سلیقه و مدهای خود در دنیای تبلیغات، بر ذوق و سلیقه های عمومی تأثیر می گذارند و آن را با خود دمساز می کنند.



یک نمونهٔ عادی از آگهی کنفرانسهای چرم فنتیشی

در بسیاری از کشورهای غربی، چرم فنتیشها در سطح محلی، کشوری و بین المللی متشکل شده اند. اعضاء این تشکلات ممکن است دگرجنسگرا، همجنسگرا، و یا مختلط باشند. (برای پرهیز از بازشناسی، طرح، اسم و جزئیات دیگر در آگهی فوق تغییر داده شده اند، اما محتوای اصلی آن دست نخورده باقی مانده است.)

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی اقلیت های جنسی: 5 سادومازوخیستها

در مورد اقلیت های چرم فتنش و سادومازوخیستها نوعی تداخل مرزی دیده می شود. زنان و مردان بسیاری به طور همزمان به هر دو رفتار جنسی علاقه مندند. در نتیجه، برخی گروههای سازماندهی شده، هر دو گروه را دربر می گیرند. ولی، سازمانهایی هم هستند که فقط مختص «اسارت و گوشمالی» (بونداژ و دیسپلین = بی دی)، و «اس. ام.» (سادومازوخیسم) می باشند. آنها وبسایتها و مجلات خاص خود را دارند و بسیاری از آنها جلسات محلی، ملی و بین المللی برگزار می کنند. بعضی از این گروهها به فعالیتهایی با هدف روشنگری عمومی درباره خود هم، دست می زنند و برخی دیگر صرفاً روی ایجاد امکانات و تسهیلات برای اعضا خود تمرکز می کنند.



Bringing BDSM lifestyle people together

We hold monthly meetings and regular workshops covering various aspects of safe, sane, consensual, and fun BDSM play.

We also hold regular social gatherings, special events, play parties, and fundraisers.

Why be alone
when you can meet someone with your interests in a safe environment.

یک نمونه عادی از وبسایت یک سازمان «بی. دی. اس. ام.»
حروف بی دی اس ام مخفف بونداژ و دیسپلین، و سادومازوخیسم هستند. گروههای مختلفی تحت این نام متشکل شده، وبسایتهای خاص خود را دارند، انواع خدمات حمایتی و آموزشی به اعضا خود ارائه می دهند، و زمینه مساعدی جهت یافتن شریک جنسی مناسب، برایشان فراهم می آورند. (برای پرهیز از بازشناسی، طرح و جزئیات دیگر در آگهی فوق تغییر داده شده اند.)



مگنوس هیرشفلد
(1868 – 1935)

اصطلاحات «ترانس

وستایت» و «ترانس وستیسیم» را

ابداع نمود. (لاتین؛ ترانس به

معنی طرف دیگر و وستیس یعنی

لباس). قبل از او، مردم لباس

جنس مخالف پوشیدن را معادل

همجنسگرایی می دانستند.

هیرشفلد که علاقه علمی خاصی

به «مراحل میانی جنسی»

“sexual intermediate

stages” داشت، از طریق

مطالعات عمقی خود به خطا بودن

این دیدگاه پی برد. به این خاطر

او، واژه های تازه ای ابداع نمود

که مرزبندیهای لازم را ارائه می

دادند.

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی

اقلیت های جنسی: 6 ترانس وستایت ها

اصطلاح «ترانس وستایت» در سال 1910 توسط مگنوس هیرشفلد ابداع، و به کسی که بنا به عادت لباس جنس مخالف می پوشید، اطلاق گردید. در آن زمان، پژوهشگران و محققان هنوز به روشنی تمایز بین رفتارهای جنسیتی (نقشهای جنسیتی)، و گرایش جنسی را مشخص نکرده بودند، در نتیجه، مردانی که لباس زنانه می پوشیدند، به سادگی به عنوان «همجنسگرا» دانسته شده، و با همجنسگرایان در یک گروه بندی گنجانده شدند. اما بعدها، هیرشفلد مجبور به پذیرش خطای خود گردید. چون در حقیقت معلوم شد که اگر نه همه، ولی اکثر افرادی که لباس جنس مخالف می پوشیدند، گرایش جنسی دگرجنسگرایانه داشتند. در نتیجه، واژه جدیدی که معرف آنها به عنوان یک گروه باشد، لازم بود. در واقع، همانطور که بعداً مشخص شد، ترانس وستایتها یک گروه متجانس نبودند. با نگاهی دقیق تر به آنها مشخص شد که ترانس وستایتها فقط دگرجنسگرا و همجنسگرا نیستند بلکه ترانس وستایتهای زن و مرد هم وجود دارند. به علاوه، بعضی از آنها فقط هرازگاهی، و بعضی دیگر اغلب اوقات، و آنهم به دلایل مختلفی، لباس جنس مخالف می پوشند؛ کوتاه سخن این که، وقتی پژوهشگران به مطالعه ترانس وستیسیم به عنوان پدیده ای در خود، پرداختند، با نوعی از رفتار جنسی چند بعدی رو به رو شدند که تمایزات و دسته بندیهای جدیدی می طلبید.

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی

اقلیت های جنسی: 6 ترانس وستایت ها

واژه ها

تمایزات و مرزبندیهای اولیه هیرشفلد، با گذر زمان، او را به مرزبندیهای جدیدی رهنمون گردیدند. برای مثال، او بعدها واژه «ترانس سکسوالیسیم» را هم مرسوم کرد، و بعد از او، دیگران تحقیقات در این زمینه را ادامه دادند. به هر حال، امروزه، چندین گروه متفاوت از افرادی که لباس جنس مخالف می پوشند، از هم باز شناخته می شوند.

1- ترانس وستایت ها (تی وی - ها) افرادی هستند که گهگاهی، مرتباً، و یا دائماً، لباس جنس مخالف می پوشند و همینطور رفتار، حرکات و ادا و اطوار جنس مخالف را هم در پیش می گیرند. ولی این رفتار، بازتابی از احساس هم هویتی آنان با جنس مخالف نمی باشد، بلکه بالعکس، درحالیکه ترانس وستایت ها هیچ شک و شبیه ای در مورد مرد یا زن بودن خود ندارند، اما آنها از ایفاء نقش جنسیتی مخالف هویت جنسیتی خودشان لذت می برند. در مورد مردان ترانس وستایت، می توان از تقلید زنانگی (Gynemimesis) و در مورد زنان ترانس وستایت می توان از تقلید مردانگی (Andromimesis)، سخن گفت.

2 - ترانس وستایت های فتشیسیت (ترانس وستوفیلی هم نامیده می شوند) کسانی هستند که با پوشیدن لباس جنس دیگر به نوعی تهییج و برانگیختگی جنسی دست می یابند.

3 - ترانس سکسوالها (تی اس ها) افرادی هستند که تلقی شان از مرد یا زن بودن خود، با فیزیک جنسیشان مطابقت ندارد. آنها در بدن «اشتباهی» خود احساس راحتی نمی کنند و می خواهند ظاهر خویش را

مطابق با درون و باطن حقیقی خود در آورند. بعضی از آنها خود را به عنوان یک اقلیت جنسی سازماندهی کرده اند

4 - اینترسکسوال یا اینترسکس ها کسانی هستند که در رابطه با اندامهای جنسی خود، با نوعی عدم تعادل فیزیکی متولد شده اند و نیازمند دخالت پزشکی برای رشد به سمت زن یا مرد شدن، می باشند. در دهه های اخیر، اصطلاح «دگرپوشی» (cross-dressing) عامه پسند شده است، چون خیلی راحت به رفتاری، بدون اشاره به عادت یا هدفی خاص، اشاره می کند. به همین دلیل می تواند در مورد همه انواع مورد اشاره در فوق، و حتی موارد دیگر (مثلاً دگرپوشی در مراسمی خاص هم)، به کار رود. در عوض، اصطلاح «ترانس جندر» هرچند که عمومی است اما، به نوعی انشعاب آگاهانه از نقشهای جنسیتی مؤنث و مذکر را تداعی می کند. اصطلاحات «ترانس جندریسم» و «ترانس جندرها» در ابتدا به ترانس سکسوالهایی که علاقه ای به تغییر جنسیت نداشتند و ترجیح می دادند که «بین دو جنس» باقی بمانند، اطلاق می شد. امروزه، این واژه کاربرد وسیع تری دارد، و هر رفتاری که در چارچوب تعاریف سنتی از زنانگی و مردانگی نمی گنجد، را شامل می شود. چنین رفتارهایی در افراد بسیار زیادی و در طول گستره وسیعی از رفتارهای جنسی دیده می شوند. پس ممکن است دگرپوشی در آن دخیل باشد یا نباشد، ولی کلاً به نوعی بیانگر نفی نقشهای جنسیتی سنتی می باشد.

در انتها، لطفاً توجه شود که نقشهای جنسیتی (جندر) و گرایش جنسی دو موضوع از هم مجزا می باشند. به همین دلیل، در اینجا چیزی درباره گرایش جنسی افراد مطرح نشده است، و آنچه که در فوق آورده شد، ربطی به گرایش جنسی افراد هیچکدام از گروههای نامبرده ندارد. این افراد ممکن است دگرجنسگرا، همجنسگرا و یا دوجنسگرا باشند.



سمبل ترانسجندر

ادغام نشانه بیولوژیکی زن و مرد و افزودن پیکان قطع شده به آن به عنوان معجونی از هر دو جنس.

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی

اقلیت های جنسی: 6 ترانس وستایت ها

واژه ها 2: یک کاربرد ویژه

در برخی از کشورها، اصطلاح «ترانس وستایت» به مردان مذکر تن فروشی که لباس زنانه می پوشند و ادا و اطوار زنانه در پیش می گیرند، اطلاق می شود. اما، چنین استفاده ای از این واژه، با کاربردی که مد نظر جنسیت پژوهان (سکسولوگها) است، فرق دارد. درواقع، مردان تن فروش مورد نظر- که اغلب جوان می باشند- لباس جنس مخالف را برای لذت بری جنسی نمی پوشند بلکه صرفاً به دلایل مالی این کار را انجام می دهند. آنها با پوشش زنانه خود، مشتریهای خاصی را به سمت خود جلب می کنند؛ یعنی مردان همجنسگرایی که حتی در خلوت خودشان هم قادر به اعتراف به همجنسگرا بودن خود نیستند. این مردان، بیشتر به دنبال مردانی هستند که لباس زنانه بر تن کرده اند و در بین این زنانه پوشان هم، بیشتر به دنبال آنهایی که ادا و اطوار زنانه غلیظ تری از خود نشان می دهند، می گردند. با این کار، این مردان همجنسگرای مخفی به خود می قبولانند که وارد رابطه همجنسگرایانه نشده اند و رفتار همجنسگرایانه از آنها سر نزده است. درحقیقت، این افراد بر این باور و تصورند که تماس جنسیشان با «ترانس وستایت ها»، «مردانگیشان» را تأیید و تقویت می کند.

البته این پدیده اغلب در جاهایی دیده می شود که همجنسگرایی را مترادف زنانگی و ادا و اطوار زنانه می دانند، و «مکتب خاصی از مردانگی» ارج نهاده می شود. برای مثال، در کشورهای مدیترانه و آمریکای لاتین. این افراد تن فروش، ممکن است در معنای علمی کلمه «دگرپوش» باشند یا نباشند، ممکن است با زنانگی و نقشهای جنسیتی زنانه دمساز باشند یا نباشند، و علاقه اروتیکی آنها ممکن است همجنسگرایی،

دگرجنسگرایی، یا دوجنسگرایی باشد. اما در تن فروشی، مسئله اصلی آنها نه «سکس»، بلکه پول می باشد. ولی جالب اینجاست که مشتریهای «مرد» این تن فروشان «ترانس وستایت»، ترجیح می دهند که «مفعول» باشند و هنگام آمیزش جنسی دخولی، «دریافت کننده» باشند، و نقش «فعال» و «فرو کننده» را به عهده «ترانس وستایت» می گذارند. توجه به این یافته ها، در امر برنامه ریزی جهت پیشگیری از گسترش ایدز، بسیار مهم می باشد.

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی

اقلیت های جنسی: 6 ترانس وستایت ها

یادداشتی تاریخی

همانطور که در دوره اول آموزشی (1) گفته شد، تقسیم بندی و مرکزکشی خشک و جامد بین زن و مرد همیشه بر فاکتورهای زیست شناختی منطبق نیست. چون به هر حال، «تفاوتهای جنسی، همانا تفاوتهای درجه ای می باشند.»

در عالم واقع، استثناها، یعنی رشد نامتعارف فیزیکی و روانی، همیشه وجود داشته و دارند. واکنشهای اجتماعی به این استثناها، همیشه از یک دوره تاریخی و منطقه جغرافیایی به دوره و منطقه ای دیگر متفاوت بوده است. بعضی از جوامع در امر پوشش و رفتارهای زن و مرد، استانداردهای خشک و تنگ نظرانه ای دارند و افرادی که توان و یا میل قرار گرفتن در چارچوب آن نرمها را ندارند، را بر نمی تابند. بعضی دیگر از جوامع، با اعطاء شأن و مقامی خاص به این گونه افراد، آنها را به نوعی مورد پذیرش قرار می دهند، و باز جوامعی دیگر، خیلی راحت هر انسانی را، چه عادی و چه غیر عادی، به عنوان عضو تمام عیار جامعه به رسمیت می شناسند.

درحقیقت، برای عدم همنوایی و انطباق جنسیتی (gender non-conformity) دلایل بسیار زیادی وجود دارد. بعضی از این دلایل ریشه زیست شناسی دارند - بدن فرد با توقعات عمومی انطباق ندارد، و برخی دیگر ریشه روانی دارند؛ یعنی فرد با نقشهای جنسیتی منطبق بر نرمهای اجتماعی، احساس راحتی نمی کند. بعضی از جوامع در مراسمی خاص، به «دگرپوشی» اجازه می دهند. یا حتی در شرایطی خاص توقع می رود که کسانی «دگرپوش» شوند - در موسم کارناوالها، در مراسم بالماسکه، و روی صحنه های تئاتر. و سرانجام، ما می دانیم که برخوردهای اجتماعی می توانند عوض شوند و درحقیقت همراه با گذر زمان، دچار تغییر و تحول می شوند. به هر حال، مسائل و قضایای مربوط به سکس و نقشهای جنسیتی فراوانند و بسیار پیچیده تر از آنند که در اینجا بتوان به طور تمام و کمال به آنها پرداخت. با این همه، در زیر، شمای تاریخی کوتاهی از حداقل بعضی از ابعاد دگرپوشی معرفی می شود.

(1) - شماره 4 فصلنامه جنسیت و جامعه ترجمه کامل همین دوره اول می باشد.

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی اقلیت های جنسی: 6. ترانس وستائیتها مردان دو روحی

در بسیاری از فرهنگهای پیش نوشتاری، افراد نابغه به عنوان **جادوگر**، یعنی رابط بین طبیعت و جهان روح عمل می کردند. جادوگری، نوع قدیمی مذهب است و زمانی، در همه جهان رواج داشت. امروزه جادوگری فقط در جاهای محدودی رواج دارد، اما نفوذ و رد پای آن را می توان در مذاهب دیگر یافت. جادوگران، متخصص مسائل ماوراء الطبیعه هستند و قادر به تعبیر خواب می باشند. آنها شفابخشی می کنند و به ایل و قبیله خود فوائد زیادی می رسانند. اغلب جادوگران، مرد هستند و در بسیاری از فرهنگها، مردان «دو روحی» - دارای یک روح مردانه و یک روح زنانه- نامیده می شوند. درواقع، این روح زنانه آنهاست که در رفتار و حرکات زنانه ای که آنها در پیش می گیرند، لباس زنانه ای که می پوشند، و «ازدواجی» که با یک مرد انجام می دهند، خود را بروز می دهد. بسیاری از قبائل آمریکایی، **مردان «دو روحی»** را به رسمیت می شناختند و با آنها با احترام زیادی برخورد می کردند. ناظران غربی این مردان را «برداش» *Berdache* می نامند. (لغت فرانسوی که از کلمه عربی «ابقی الصبی» به معنی «پسر جوان مانده» گرفته شده است).



برداش بومی
آمریکایی
از پیش نویس
«رقصی برای برداش»
نوسط جورج
کاتلین (1872 -
1796)

این واژه غلط انداز، حالا دیگر جا افتاده و همه گیر شده است چون مردم اصل آن را به یاد نمی آورند.

«برداش»، نقش یک شفابخش، معلم، رهبر معنوی و پیغمبر را داشت. او به عنوان یک «مرد-زن» از مقام والایی در جامعه برخوردار بود و به راحتی در هر دو دنیای مردان و زنان رفت و آمد می کرد.

در هندوستان، گروه دیگری از مردان هستند که نقشهای جنسیتی زنانه را در پیش می گیرند و **هیجرا** نامیده می شوند. هیجراها، گاهی «جنس سوم هند» هم نامیده می شوند. این مردان که مذکر بودن خود را رد می کنند، به وسیله جراحی آلت جنسی خود را قطع کرده و به اجتماع هیجراها، که کمکهای حمایتی به آنها می دهد، وارد می شوند. این اجتماع مثل خانواده بزرگی می ماند، و درآمد خود را از طریق رقص و آواز در جشنها و عروسیها به دست می آورد. بسیاری از هیجراها به شغل روسپیگری هم می پردازند. همه آنها به عنوان اقلیت برخوردار از استعداد معنوی و روحانی خاصی شناخته می شوند. آنها، به وسیله نیرو و قدرت خدای مادرانه شان، «باهوچارا ماتا» (*Bahuchara Mata*) می توانند دیگران را شفا دهند و یا لعن و نفرین کنند. بنا بر همین خصوصیت، موقعیت آنها از یک بعد مذهبی هم برخوردار است. ولی، مدرنیزاسیون سریع هند در چند دهه اخیر، پایه های سنتی این اقلیت را تحلیل برده و در نتیجه آن را هرچه بیشتر به حاشیه رانده است.

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی اقلیت های جنسی: 6. ترانس وستائیتها سنتهای تناتری

در تناتر، پوشیدن لباس جنس مخالف، سابقه دیرینه ای دارد. در طول قرنهای اخیر، زنان در بسیاری از کشورها حق رفتن به روی صحنه را نداشتند، و در نتیجه نقشهای زنان به وسیله مردان یا پسران اجرا می شد. برای مثال «اپرای پکن»، و **کابوکی** ژاپن دو مورد از این نمونه اند. در کشورهای غربی، معروفترین نمونه ها، تناتر انگلیسی در دوران شکسپیر می باشد. در نمایش تناترهای او و هم عصرانش، نقشهای مربوط به زنان توسط «پسران بازیگر» اجرا می شدند؛ یعنی پسران جوانی که در سن و سال دوران بلوغ بودند و می توانستند به طور قانع کننده ای در نقشهای اوفیلیا، جولیت، کلئوپاترا، و خانم مکبث ظاهر شوند. بعدها، در اواخر قرن هفدهم، زنان خواننده و هنرپیشه به تناتر راه داده شدند اما، بزرگترین هنرپیشگان اپرا، همانا خواجه ها بودند، یعنی افراد مذکر اخته شده ای که صدای بلندی داشتند. زمانی که در قرن نوزدهم، آن صداهای بلند مردانه دیگر نایاب شدند، عکس قضیه اتفاق افتاد؛ یعنی در تناتر، زنانی در لباس مردانه، به قول معروف

در «نقشهای شلواری» جای آن خواجه ها را گرفتند. با این حساب، بعضی از آهنگسازان، از این موضوع استفاده کرده و آگاهانه، چنین نقشهایی را در اپراهای خود می گنجاندند. نمونه دیگری از دگرپوشی تئاتری، پانتومیمهای کریسمس بریتانیا می باشند که در آنها، نقش شاهزاده دلربا توسط یک زن، و نقش «پسر اصلی» به وسیله یک دختر اجرا می شود، یا نمایش «پیتِر پان» (Peter Pan) که در آن یک زن، نقش مرد (پیتِر) را اجرا می کند، یا برنامه تلویزیونی «دایم ادنا» که در آن، مردی در نقش یک زن ظاهر می شود. ولی با این همه، این نوع دگرپوشی تئاتری، به عنوان ترانس وستیسم در معنای مدرن کلمه، تلقی نمی شود، و هیچ چیزی درباره علائق جنسی، یا رفتار و اعمال جنسی این افراد بازگو نمی کند. هرچند که با اطمینان نمی توان گفت، اما، ایفای این نقشها به احتمالی هیچ گونه اهمیت جنسی ویژه ای برای اجراکنندگان دربر نداشته است. البته همجنسگرایی برخی از هنرپیشه های معروف آسیایی که به اجرای نقش زن در تئاتر و نمایشها می پرداختند، موضوع آشنایی بوده است، اما «مشت نمونه خروار» دانستن آنها کاملاً اشتباه است. این نوع دگرپوشی برای اکثر هنرپیشه ها، چه در گذشته و چه در زمان حال، صرفاً یک حرفه و شغل هنری بوده و می باشد. موضوع شاید در مورد بعضی از مجریان مدرن «که به نقش زن در آمده» و در شوهای به اصطلاح «تراوستی» ظاهر می شوند، فرق کند، ولی در این حالت هم نباید ذهنیت و برداشت خاصی از هویت کیستی آنان، یا علاقه شهوانی و اروتیکی، یا گرایش جنسیشان، نتیجه گیری شود. ممکن است وجه اشتراک حیات هنری آنها و زندگی واقعیشان خیلی کمتر از آن چیزی باشد که در ظاهر جلوه می کند.



دگرپوشی در تئاتر و نمایش

از چپ به راست: پسر هنرپیشه ای در حال اجرای نقش خانم مکبث، در نمایشنامه شکسپیر. پسر هنرپیشه ای در حال اجرای شاهزاده خانم در «اپرای پکن»، پسر هنرپیشه ای در حال اجرای نقش زنانه ای در کابوکی ژاپنی، زنی در رل «نقش شلواری» اوکناویان در اپرای «سوارکار گل سرخ» ریشارد اشتراوس.

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی اقلیت های جنسی: 6. ترانس وستایتها دگرپوشان معروف و مشهور



دگرپوشی و جنگ

سمت چپ: اشیل (یا اخلیوس قهرمان داستان ایللیاد هومر) در لباس زنانه، اسلحه را بلند کرده است. (موزائیک روم کهن). وسط: هوا مولان، خود را برای نبرد آماده می کند. (از یک نقاشی چینی گرفته شده است). سمت راست: «جون د آرک» در لباس نظامی. (به فرانسه ژاندارک نامیده شود. او زنی بود که در جنگهای صد ساله سردار ارتش فرانسه بود و نیروهای تحت فرمان خود را به پیروزیهای درخشانی رساند. او بعدها دستگیر و به انگلیس تحویل داده شد، که انگلیسی ها بعد از محاکمه، او را آتش زدند. م.)

هم در تاریخ و هم در افسانه ها نمونه های فراوانی از دگرپوشی دیده می شوند. برای مثال، چون مادر جنگجوی افسانه ای، **آشیل** (قهرمان داستان ایللیاد هومر. م)، می ترسید که پسرش در جنگ تروا (تروژن) کشته شود، لباس دخترانه به او پوشاند و او را در بین دختران پادشاه پنهان نمود. اما، ادیسه از طریق گذاشتن جواهرات و سلاح در انبار بزرگ کاخ، او را کشف کرد. چون تنها «دختری» که به سمت اسلحه رفت و آن را برداشت، آشیل بود. او بلافاصله به جبهه دعوت شد و سرانجام هم در جنگ به قتل رسید. چهره معروف دیگر، باز هم احتمالاً شخصیتی افسانه ای، دختری به اسم **هوا مولان**، قهرمان یک شعر قدیمی چینی است که لباس مردانه پوشیده و در ارتش جای پدرش را می گیرد. قهرمانیهای او در جنگ زیانزد همه می شود اما، او مدالها و القاب افتخاری اهدایی را رد می کند و به زادگاه خود برمی گردد و مثل یک دختر معمولی زندگی عادی خود را ادامه می دهد. یک مثال تاریخی زنده و حقیقی، یک دختر روستایی قرن پانزدهم به نام **ژاندارک** (به انگلیسی «جون آرکی» (Joan of Arc) می باشد، که در جنگ بین فرانسه و انگلستان، رهبری ارتش فرانسوی را به عهده داشت و فرانسه را به پیروزی رساند. او عاقبت به وسیله دشمن دستگیر، به جرم ارتداد محاکمه و به طور زنده، به آتش افکنده شد.

ولی، علاوه بر این شخصیتهای قهرمان، نمونه های بسیار فراوانی از زنان عادی وجود دارند که لباس مردانه پوشیده و وارد ارتش شده اند. در اکثر اوقات، کسی به جنس واقعی آنها تا زمانی که خودشان اعلام نمی کردند، پی نمی برد. نمونه هایی از این دست تا قرن بیستم گزارش شده اند. امروزه، ارتشهای زیادی، سرباز زن می پذیرند و نیازی به پنهانسازیهای گذشته نیست.

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی اقلیت های جنسی: 6. ترانس وستایتها دگرپوشان معروف و مشهور 2

همانطور که تکرار و تأکید گردیده، افراد به علل و دلایل مختلفی، و به مدت زمانهای متفاوتی، لباس جنس دیگر را می پوشند. این رفتار برای بعضیها هر از گاهی است، و برای برخی دیگر، عادت می باشد. در اغلب اوقات، این افراد دگرپوش، شهروندان عادی جامعه هستند که زندگی روزانه خود را می گذرانند. اما شخصیتهای تاریخی معروفی که دگرپوشی شان معروف همه بوده، هم وجود داشته اند. مثلاً نمونه شوالیه **ژون** (Chevalier d'Eon)، برای روانشناسان قرن نوزدهم آنچنان جالب بود که آنها واژه اتونیسیم (eonism) که بعدها «ترانس وستیسیم» خوانده شد، را برای آن به کار بردند. به هر حال، دلیل زنانه پوشی او معلوم نیست. حداقل در ابتدا، شاید او به خاطر پنهانکاری در مأموریتهای جاسوسی خود، لباس زنانه می پوشیده، ولی شاید

هم او، در آن دوران که مفهوم ترانس ناشناخته، و جراحی تغییر جنسیت ممکن نبود، یک ترانس سکسوال بوده است. نویسنده زن فرانسوی، ژرژ ساند (جرج ساند)، که معشوقه مردان معروف زیادی بود، در اوائل شروع حرفه خود، به دگرپوشی به عنوان بازتابی از روح آزاد و شورشگر خود، رو آورد. خانم ردکلیف هول (Radclyffe Hall)، که از جهت جنسی به زنان گرایش داشت، در آنچنان دورانی می زیست که رابطه دو زن لزبین، در قالب رابطه زن و مرد دیده می شد، یعنی یکی از آنها حتماً باید نقش «مرد» (بوچ)، و دیگری نقش «زن» (فمه)، را به عهده می گرفت. ایفای نقش «بوچ» با خوی ردکلیف تجانس داشت.



ره گزینی نقشهای جنسیتی

از چپ به راست: شوالیه دژون بیومونت (1810 – 1728)، دیپلمات فرانسوی که شمشیر باز پرآوازه ای هم بود. از جهت فیزیکی مذکر بود اما گاهی به عنوان مرد (سمت چپ)، و گاهی به عنوان زن (سمت راست) زندگی می کرد. او در هر دو نقش، دلاوریهای دفاعی خود را به اثبات رساند. ژرژ ساند (1876 – 1804)، برای نوبستندگی خود یک نام مستعار مردانه انتخاب کرد، و در دوره ای هم، با پوشیدن لباس مردانه و کشیدن سپگار، تهمتهای همصرانش را به جان خرید. ردکلیف هول (1943 – 1880)، بریتانیایی و نویسنده داستان پرنفوذی به اسم «چاه تنهایی»، در انظار با ظاهری مردانه ظاهر می شد. («چاه تنهایی» در بخش انگلیسی کتابهای ویلاگ جنسیت و جامعه موجود می باشد. م.)

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی

اقلیت های جنسی: 6. ترانس وستایتها: تشکلات

ترانس وستایتها، اقلیت نسبتاً کوچکی را تشکیل می دهند و در نتیجه، سازمانها و تشکیلات آنها هم نسبتاً کوچک می باشند. تشکلات آنها اغلب محلی یا منطقه ای می باشند. هرچند که بسیاری از آنها از خدمات و حمایت انجمن های ملی یا بین المللی هم سود می جویند. اما با این وجود، بعضی از گروههای ترانس وستایت، مجلات، تجمعات، فعالیتهای آموزشی و وبسایتهای خاص خود را دارا می باشند. این گروهها خدمات مهمی به اعضاء و همسران آنها، ارائه می دهند. خانواده های این افراد، اغلب رفتار آنها را درک نمی کنند، اما، از دیدار با خانواده هایی که در وضعیت مشابهی هستند، سود می برند. (این دیدار و ملاقاتها می توانند با کمک و همکاری گروههای ترانس وستایت ترتیب داده شوند.) در زیر نمونه ای از آگهی این نوع گروهها دیده می شود.

Membership

Shopping

Styling

Events

Courses

Advice

囍

DTL

囍

Double Truth and Love

We are a registered association helping transvestites to blend into society.
We arrange social get-togethers and also teach several courses.
We help members to purchase clothes, wigs and other feminine accessories from suitable establishments.
Our membership consists of male heterosexual cross-dressers and some wives or significant others.
We are a social club for those who have accepted and are comfortable with their cross-dressing.
We are not a sex club or dating service and will not respond to solicitations.

نمونه ای از سایت یک گروه ترانس وستایت
بسیاری از گروههای ترانس وستایت، وبسایتها، گردهمایی ها و فعالیتهای آموزشی و اطلاع رسانی خاص خود را دارا می باشند. آنها امکانی برای همیابی افراد هم فراهم می آورند. (برای پیشگیری از بازشناسی، اسم، طرح و جزئیات دیگری از آگهی فوق حذف شده اند، اما محتوای آن اصل می باشد.)

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی

اقلیت های جنسی: 7. ترانس سکسوالها

واژه «ترانس سکسوالیسم»، اولین بار در یک مطلب علمی منتشره در دهه 1920، به کار برده شد، اما با انتشار کتاب «پدیده ترانس سکسوال» (1) در سال 1966 به وسیله هاری بنیامین، رواج بیشتری یافت. بنیامین اولین کسی بود که با هدف روشنگری عمومی، و تقسیم بندی سیستماتیک جهت کمک به خود افراد، به مطالعات و پژوهشهای گسترده ای حول ترانس سکسوالیسم دست یازید. ایده های او توسط همکاران جوانش، گسترش داده شدند و آنها انجمنی به اسم او به وجود آوردند که امروزه تحت نام انجمن جهانی متخصصان بهداشت ترانس جندر (The World Professional Association for Transgender Health) (WPATH) معروف است. مسائلی که در این قضیه دخیل می باشند، آنچنان پیچیده اند که در اینجا اجازه ورود به بحث را نمی دهند، ولی در یک دوره آموزشی خاص مربوط به جندر، مورد بحث و بررسی قرار خواهند گرفت. با این وجود، در اینجا، اطلاعات محدودی ارائه می گردند که ممکن است در جهت درک اینکه چرا بعضی از ترانس سکسوالها خود را به عنوان یک اقلیت سازماندهی کرده اند، سودمند باشند.



هاری بنیامین (1986-
1885)

پزشک آمریکایی آلمانی
الاصل، از هواداران و رهروان
پزشک اتریشی متخصص غدد
داخلی، اویگن اشتاین باخ، و از
دوستان مگنوس هیرشفلد، اولین
پژوهشها و مطالعات عمقی و
گسترده حول ترانس سکسوالیسم را
به نگارش درآورد.

(1) - «پدیده ترانس سکسوال» در بخش انگلیسی کتابهای وبلاگ جنسیت و جامعه
موجود می باشد. م.)

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی اقلیت های جنسی: 7. ترانس سکسوالها واژه ها

واژه «ترانس سکسوالیسم» (لاتین: ترانس یعنی فرا، طرف مقابل، و Sexus یعنی جنس) در سال
1923 به وسیله مگنوس هیرشفلد ابداع گردید و به مرور مورد پذیرش تعدادی از متخصصانی که در پی
مشخص کردن زیر مجموعه ای از ترانس وستائیتها بودند، قرار گرفت. سرانجام، کلمه «ترانس سکسوال»
به مرور وارد زبان روزمره گردید و معنی امروزی خود را به دست آورد. بر اساس کاربرد فعلی، چیزی
شبيه تعریف زیر به طور وسیعی پذیرفته شده است:

ترانس سکسوالها (تی اس)
افرادی هستند که درک و تلقیشان
از خود به عنوان زن یا مرد در
تضاد با جنس فیزیکیشان قرار
می گیرد. آنها در بدن «اشتباهی»
خود احساس راحتی نمی کنند، و
به این خاطر سعی بر آن دارند
که ظاهر بیرونی خود را با آن
عمیق ترین اعتقاد درونی خویش
انطباق دهند.

ولی با این حال، واژه «ترانس سکسوال» اغلب به عنوان یک
لغت همراه کننده، به دو دلیل مورد انتقاد قرار گرفته است:

1- فرد مزبور، مشکل «جنسی» ندارد، بلکه مشکل او جنسیتی
است.

2- فرد مزبور، «فرا»ی چیزی گذر نکرده است. بالعکس، او
ثابت و پابرجاست ولی درک و تلقی اش از هویت خود به عنوان زن
یا مرد، در تضاد با جنس فیزیکی اوست. به این دلیل، امروزه برخی
نویسندگان علمی، لغت ترانس سکسوالیسم را به کار نمی برند بلکه
به جای آن از «کسالت و آزردگی جنسیتی» (gender dysphoria)
استفاده می کنند. (از لغت یونانی به معنی خلق و

خوی آزرده، که از dys- و Phorein به معنی حمل کردن، گرفته شده است.) این واژه خیلی راحت
به عدم مطابقت جندر با جنس دلالت دارد.

بعضیها، واژه «ترانس جندر» را بر «ترانس سکسوال» ترجیح می دهند، چون به این ذهنیت که صحبت
از عدم کارکرد جنسی یا گرایش جنسی است، دامن نمی زند. به هرحال، امروزه واژه ترانس جندر و
«ترانس جندریسم»، به هر نوع رفتار جنسی که برداشت و تعریف سنتی از مردانگی و زنانگی را به چالش

می کشد اطلاق می شود. مسلماً، همه کسانی که چنین رفتارهایی را از خود بروز می دهند، ترانس سکسوال نمی باشند.

خلاصه اینکه، واژه ها و اصطلاحات در دسترس امروزی، چندان رضایتبخش نیستند، چون به خطاها و سوء برداشتها دامن می زنند، و احتمال دارد که در آینده با واژه های دقیق تری جایگزین شوند. تا آن زمان، ما در این دوره آموزشی از واژه های «ترانس سکسوال» و «ترانس سکسوالیسم» استفاده خواهیم کرد، چون واژه های شناخته شده ای هستند و توسط اغلب نویسندگان آکادمیک به کار برده می شوند.

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی

اقلیت های جنسی: 7. ترانس سکسوالها: یادداشتهای تاریخی

تا آنجا که اطلاع داریم، ترانس سکسوالیسم در همه بخشها و نقاط جهان وجود داشته است. مسلماً، در



تایرسایس، در نقش زن، بار دیگر با دو مار در حال جفت گیری رو به رو می شود. بعد از آنکه با عصای خود بر سر آنها می کوبد، دوباره به جنس مرد تبدیل می شود. (حکاکی چوبی قرن شانزدهم.)

گذشته، واژه مدرن علمی آن ناشناخته بود، اما اینکه مردم، در تضاد با جنس فیزیکیشان، خود را زن یا مرد دانسته اند، چیز تازه ای نیست. درواقع «تغییر جنسیت» برای مدت مدیدی، توجه بشر را به خود معطوف کرده است. در تاریخ و افسانه های بسیاری از فرهنگها و ملل، داستانهای زیادی از مرد شدن زنان و زن شدن مردان، گاهی به صورت موقتی و گاهی به صورت دائمی، وجود دارند. این پدیده زمانی به امری الهی و گاهی به سحر و جادو، نسبت داده شده است. در بعضی از افسانه های کهن، شخصیتهای دوجنسه یا دوجنسیتی و یا «جنس سومی» وجود دارند. این افسانه ها گاهی نمونه هایی از دگرپوشی موقتی و یا دائمی نیز در بر دارند. به طور خلاصه، چنین به نظر می رسد که همه انواع و اقسام عدم مطابقت و همناوایی جنسیتی (gender non-conformity) از تاریخی بس دراز و طولانی برخوردارند. و این تاریخ، قبل از هر چیز، درواقع، تاریخ برخورد فرهنگهای مختلف - از ارج نهادن و محترم شمردن گرفته تا، تحمل و مدارا، و تا سرکوب خشن و بی رحم- نسبت به این عدم همخوانیها است. یک نمونه کلاسیک آشنای غربی، پیشگوی معروف و افسانه ای یونان کهن؛ تایرسایس (Tiresias) می باشد، که هر دو

جنس را «از درون» می شناخت. او در جوانی، به خاطر آن که با عصا بر سر دو مار در حال جفتگیری می زند، به زن تبدیل می شود. هفت سال بعد، دوباره چشمش به همان مارها می افتد و باز هم با عصا به سرشان می زند، ولی این بار، به حالت اولیه خود، به مرد، تبدیل می شود. خدای اعظم «زئوس» و زنش «هرا»، از تایرسایس می پرسند که در خلال آمیزش جنسی، کدامیک لذت جنسی بیشتری می برد، زن یا مرد؟ جواب او که گفت زن لذت بیشتری می برد، هرا، زن زئوس، را به خشم می آورد و او را نابینا می کند. اما برای جبران این کار، زئوس قدرت پیشگویی و غیبگویی را به او می بخشد. در جهان کهن، مرزبندیهای مدرن موجود بین انواع ترانس جندرسم وجود نداشت، اما در قبال نامطابقات و دگرگونگیهای جنسیتی، تحمل، صبوری و بردباری حاکم بود.

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی

اقلیت های جنسی: 7. ترانس سکسوالها: یادداشتهای تاریخی 2

در طول قرنهای، در حق اروپائیان و آمریکائیانی که با قرانتهای سنتی از نقشهای جنسیتی همخوانی نداشتند، همه انواع تبعیض و بی عدالتی روا داشته می شد. تا این که مطالعات و پژوهشهای جنسیت شناسی، به همراه پیشرفت تکنیک جراحی، کل قضیه را به شکل جدیدی فرموله کرد. و درنتیجه، راه تفاوت گذاری بین انواع مشکلات مختلف جنسیتی، و ارائه راه حلهای متفاوت برای هرکدام، هموار گردید. مگنوس هیرشفلد که واژه «ترانس وستیس» و «ترانس سکسوالیسم» را ابداع کرده بود، در اولین تلاشها برای عمل اصلاح جنسی (تغییر جنسیت)، در سالهای دهه 1920 و اوائل دهه 1930 میلادی، به عنوان مشاور عمل نمود. اما، در

اواسط قرن بیستم بود که مردم عادی با این پدیده آشنا شدند. یک سرباز جوان آمریکایی به نام جرج ویلیام جورجگنسن (یورگنسن) (George William Jorgensen) در سال 1951، به دانمارک سفر کرد و یکسال بعد در نقش زنی زیبا و با اسم کریستین جورجگنسن، (Christine Jorgensen) به آمریکا بازگشت. هر چند که او اولین فردی نبود که تحت عمل یکسری جراحیهای «تغییر جنسیتی» قرار می گرفت، اما او نمونه جالب و موفقی بود. پوشش خبری ای که در سطح جهان به او داده شد، مسیر او را برای راه اندازی شووهای تفریحی و سرگرم کننده اش هموار نمود. مهمتر از آن، او سخنگوی جریان ترانسهای همسرشت خود شد و مردم را متوجه ترانس سکسوالیسم نمود، و تا حدود زیادی هم در این کار موفق گردید.

در دهه های اخیر، هورمون درمانی و تکنیکهای جراحی، پیشرفت زیادی کرده اند و تعداد هر چه بیشتری از ترانس سکسوالها قادر به گذر از مردانگی به زنانگی، و بالعکس، شده اند. علاوه بر آن، بسیاری از کشورها قوانین مدنی خود را به روز کرده و اجازه ایجاد تغییرات در اوراق شخصی (کارتهای شناسایی، پاسپورت و غیره) را می دهند. اما با این وجود، هنوز همه مشکلات حل نشده اند، و در نتیجه، ترانس سکسوالها کماکان به ایجاد گروههای حمایتی برای خود، آموزش افکار عمومی، و لابی گری قانونگذاران برای ایجاد رفرمهای بیشتر، نیاز دارند.



کریستین جورجگنسن (1926 – 1989) اولین ترانس سکسوالی بود که به شهرتی جهانی دست یافت. سمت چپ: سر خط خبری یک روزنامه. سمت راست: آگهی تبلیغاتی شووهای تفریحی او.

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی

اقلیت های جنسی: 7. ترانس سکسوالها

«تغییر جنسی»

واژه عمومی «تغییر جنسی» (sex change) گمراه کننده است چون به فرق کامل بین جنس و جندر بی توجه می ماند. همانطور که قبلاً گفته شد، در این قضیه، مسئله جنس نیست، بلکه مشکل، جندر می باشد. جنس کروموزمی فرد و استنباط و احساس او از زن یا مرد بودن خود، عوض نمی شود و تغییر نمی کند، بلکه، بدن او، با آن استنباط هویتی و «خودی» که از خویشتن درک می کند، مطابقت داده می شود و دمساز می گردد. این کار به کمک داروهای هورمونی و یک سری عملیات جراحی زیبایی، که طی آن مشخصه های اولیه و ثانویه جنسی یک جنس (مذکر یا مؤنث) برداشته می شوند و تا آنجا که ممکن است با مشخصه های اولیه و ثانویه جنسی جنس دیگر جایگزین می گردند، عملی می شود. این کار «عمل اصلاح جنسی» (1) (sex reassignment surgery) نامیده می شود. و به دو شکل صورت می گیرد - «مذکر به مؤنث» (M-F) و «مؤنث به مذکر» (F-M) در کل، بنا به دلائل روشنی، تغییر از مذکر به مؤنث با موفقیت بیشتری همراه است، چون ساختن یک واژن مصنوعی آسان تر از ساختن یک ذکر مصنوعی است. به هر حال، تکنیکهای مدرن امروزی، نتایج رضایت بخشی برای این بیماران به ارمغان آورده اند.

(1) Assignment یعنی واگذاری، ارجاع، انتقال، گماشتن، و Reassignment یعنی واگذاری مجدد یا گماشتن مجدد. در ایران sex reassignment را تغییر جنسیت می نامند. هر چند که ظاهراً این اصطلاح در کشور جا افتاده، اما همانطور که در بالا توضیح داده شد، در عمل جراحی، جنس فیزیکی و نه جنسیت که بیشتر به جندر مربوط می شود عوض می شود، یعنی نه درک و استنباط فرد از خود به عنوان زن یا مرد، بلکه جنس فیزیکی (آلت جنسی) فرد تغییر می یابد. به این دلیل شاید به جای اصطلاح «تغییر جنسیت»، هر چند که جا افتاده باشد، بهتر آن باشد که عمل اصلاح جنسی یا عمل ارجاع جنسی به کار برده شود. (اصلاح جنس فیزیکی فرد، و آن را مطابق برداشت جنسیتی اش از خود به عنوان زن یا مرد در آوردن). علاوه بر آن، اصطلاح «عمل اصلاح جنسی»، از آن ذهنیت منفی ای که «تغییر جنسیت» در ذهن تداعی می کند، تهی است. البته این فقط یک نظر است. اما امر مسلم این است که با توجه به محدودیت گفتمان مربوط به جنسیت شناسی در کشور، زبان ملی ما هم در این عرصه از رشد باز مانده است. امیدوارم که استادان زبان فارسی در تدقیق واژه ها و اصطلاحات مباحث جنسی اهتمام لازم را مبذول دارند.

م.

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی

اقلیت های جنسی: 7. ترانس سکسوالها: نفی جراحی

ترانس سکسوالهایی هم هستند که مخالف هرگونه عمل اصلاح جنسی (تغییر جنسیت) می باشند. آنها می خواهند آن طوری که هستند باقی بمانند و احترام و اقبال اجتماعی برای انواع تفاوتها و دگرگشتهای جنسی و جنسیتی را مطالبه می کنند. درواقع، برخی از محققان بر این باورند که نه تنها رلهای اجتماعی (نقشهای جنسیتی)، بلکه همچنین هویت جنسیتی ادراکی (هویت جنسیتی) هم، ساختاری اجتماعی دارد. در آخرین تجزیه و تحلیل، همه مشکلات جنسیتی به مسئله بزرگتر اجتماعی، یعنی تعریف بیش از اندازه تنگ و باریک زنانگی و مردانگی ربط پیدا می کند. بر اساس این دیدگاه، ترانس سکسوالیسم یک نوع بیماری نیست، بلکه این پدیده، عکس العمل و پاسخ افرادی خاص، آن هم در شرایطی خاص، به فشار ناشایست و بی مورد اجتماعی و تقاضاهای ناروای فرهنگی است. کوتاه سخن آن که، جراحی پاسخ اشتباهی به این مسئله بنیادی است که: چگونه ما می توانیم آنچنان جامعه ای بسازیم که در آن کل گستره انواع وضعیتها و حالات جنسی بشر مورد قبول واقع گردد.

چنین تعریفی از ترانس سکسوالی مورد انتقاد آنانی است که سبب و علت آن را زیست شناختی (بیولوژیکی) می دانند، و هنوز هم به نظر می رسد که اینان دلائل و استدلالهای بهتری ارائه می دهند. ولی، هیچکدام از دو طرف تا کنون اسناد و مدارک جامع و قابل قبولی ارائه نداده اند. در هر صورت، می توان گفت که، معمای ترانس سکسوالیسم حتی امروز هم، تا حل نهایی خود فاصله زیادی دارد. در اینجا فرصت پرداخت بیشتر به این مسئله وجود ندارد، اما دوره آموزشی جداگانه ای به آن اختصاص داده خواهد شد.

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی

اقلیت های جنسی: 7. ترانس سکسوالها: سازمانها و تشکلات

معلوم نیست که چه تعداد از افراد ترانس سکسوال می باشند. تعداد آنها از یک نفر در صدها نفر، تا یک نفر در هزاران نفر، تخمین زده می شود. به هر حال، آنها اقلیت نسبتاً کوچکی را تشکیل می دهند. به نظر می رسد که تعداد افراد مذکر و مؤنث ترانس سکسوال مساوی می باشد اما، باز هم به نظر می رسد که افراد مؤنث کمتر مایل به رفتن به دنبال دوا و درمان می باشند. درحقیقت، همانطور که اشاره گردید، روز به روز تعداد ترانس سکسوالهایی که مایل به عمل جراحی نیستند، بیشتر می شود. به همین سبب، و دلائلی چند، احتمالاً ما هیچگاه به آمار قابل اعتمادی در مورد تعداد ترانس سکسوالها دست نخواهیم یافت.

ترانس سکسوالها معمولاً تحت فشارهای روانی و اجتماعی زیادی هستند و در نتیجه از گروهها و تشکلات حمایتی استقبال می کنند. به عنوان یک قاعده، این گروهها معمولاً کوچکند اما امکان ملاقات و آشنایی با همدیگر، دیدار با کسانی که در شرایط مشابهی هستند، تبادل تجربه، و پیوستن به نیروی روشنگری و اطلاع رسانی به خانواده، دوستان، اطرافیان و کل جامعه را، برای اعضاء خود فراهم می آورند. متأسفانه، ترانس سکسوالها کماکان در کشورهای زیادی، با تبعیض مواجه اند و قربانی قوانین مدنی غیرمنصفانه و کهنه واقع می شوند. به این دلیل، بسیاری از ترانس سکسوالها در گروههای بزرگتر ملی و بین المللی مربوط به مسائل جنسیتی، ترانس جندر و اینتر سکس فعالانه شرکت دارند. وبسایتهای آنان، برای آشناسازی افراد با بسیاری از مشکلات حل نشده در این عرصه، اطلاعات جالبی در اختیار علاقه مندان قرار می دهند.

[MISSION STATEMENT](#) [EVENTS](#) [WHAT IS A TRANSEXUAL?](#) [LIVING THE LIFE](#)
[A BOY'S LIFE](#) [A SUCCESSFUL WORKPLACE TRANSITION](#) [ROLE MODELS](#)



Who We Are:

This group is for those who consider themselves transsexual, whether pre-op, post-op, or non-op. We also include those who are still searching for their identity. Also included are supporters of transsexuals: spouses, partners, adult children, family, and close friends.

نمونه ای از وبسایت سازمانی ترانس سکسوالها

از آنجا که تعداد ترانس سکسوالها کم می باشد، در نتیجه اندازه سازمانهای آنان هم محدود است. اغلب این سازمانها محلی و یا منطقه ای اند، اما با این همه، خدمات مهمی به اعضاء خود ارائه می دهند، از جمله حمایتهای معنوی و اخلاقی، و همچنین راهنماییهای عملی. (برای پیشگیری از بازشناسی، اسم، طرح و جزئیات دیگری از آگهی فوق حذف شده اند، اما محتوای آن اصل می باشد).

تفاوتها و تنوعات رفتارهای جنسی

اقلیت های جنسی: 8. آسکسوالها

در سالهای اخیر، گروه دیگری هم در تلاش برای سازماندهی خود به عنوان یک اقلیت جنسی برآمده است: «آسکسوال ها».

در علم زیست شناسی، کلمه «آسکسوال» معنی «بی جنس» می دهد که، بر عدم وجود آلت جنسی، یا فعالیت جنسی دلالت می کند. برای نمونه، اصطلاح جا افتاده «تولید مثل آسکسوالی» که در موجودات تک سلولی، و همینطور در بعضی از گیاهان و نباتات، و حتی در تعدادی از جانوران دیده می شود.

به هر حال، افراد فعال در این جنبش جدید، از جهت فیزیکی انسانهای کاملاً سالمی هستند که تعریف تازه ای برای خود دارند: آسکسوالها افرادی هستند که به کسی کشش جنسی نداشته و به هیچ گونه آمیزش جنسی

علاقه و رغبتی ندارند. بخشی از فعالان این گروه، برچسب اختلال جنسی به آسکسوالی را رد کرده و ادعا می کنند که آسکسوالی خود یک نوع گرایش جنسی مجزا، و یا هویت جنسی جداگانه ای است. اما دیگران این ادعا را نمی پذیرند. در هر صورت، چون جهان پیرامون آسکسوالها آنها را جدی نمی گیرد، بسیاری از آسکسوالها احساس می کنند که مورد بی مهری و بدفهمی دیگران واقع شده و تا حدودی تحت فشار و سرکوب قرار دارند. آنها با تلاش در گردآوری نیروی خود، امیدوارند که بتوانند خود را از زیر فشار تسلیم به دنباله روی از بقیه، خلاص کنند. اینکه اندازه چنین اقلیتی چقدر می باشد، به حدس و گمان خود فرد بستگی دارد. تحقیقی در این باره، تعداد آنها را یک درصد تخمین زده است، اما برای تأیید چنین آماری مقدار زیادی تحقیق و پژوهش لازم می باشد (1). به هر حال، آسکسوالی، مثل هر موضوع دیگری در جنسیت بشر، یک مسئله نسبی است. بعضی از کسانی که خود را آسکسوال می دانند، چه بسا از مقداری کشش و میل جنسی برخوردار باشند. آسکسوالی، امروزه گستره وسیعی از بی رغبتی و غیاب کشش یا میل خفیف جنسی تا موانع روانی در بروز احساسات جنسی و سرکوب و فشار را شامل می شود. ممکن است رشد فیزیکی بعضی از افراد هم به تأخیر افتاده باشد. درواقع، شاید سن و سال هم فاکتور مهمی در این قضیه باشد. به همین دلیل یعنی به خاطر فاکتور سن و سال، نمی توان به تخمین دقیقی از آمار افراد گروه دست یافت. در عین حال، می توان شانس اینکه آیا سازمانها و تشکلات آسکسوالها، به عنوان یک اقلیت، در درازمدت موفقیتی به دست خواهند آورد یا نه را هم مورد سؤال قرار داد.

ASEXUAL DIALOGUE

Asexual: A person who does not experience sexual attraction





**We want to create dialogue
among and about people who identify as asexual**

Everyone, sexual or asexual is welcome.

We also offer an online newsletter, an online library,
a chatroom, and a section for personal ads.

Please, register and join us.

نمونه ای از وبسایت تشکیلاتی آسکسوالها
تصویر فوق معجونی از دو وبسایت مختلف آسکسوالها می باشد.
(برای پیشگیری از بازشناسی، اسم، طرح و جزئیات دیگری از آگهی فوق حذف شده اند، اما محتوای آن اصل می باشد.)

(1) Bogaert, Anthony F. (August 2004). "Asexuality: prevalence and associated factors in a national probability sample".
Journal of Sex Research 41 (3): 279-81.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی

برخی از انواع رفتارهای جنسی، برای افرادی که بدانها دست می زنند، مشکلاتی ایجاد می کنند. در برخی از کشورها، این مشکلات بسیار جدی هستند. برای مثال، ممکن است فحشها، ترانس سکسوالها و ترانس وستایتها آنچنان تحت فشار و سرکوب باشند که حتی فرصت و امکان سازماندهی خود به عنوان یک اقلیت را هم نداشته باشند و یا، رفتارهای جنسی «ضربدریها»، همجنسگرایان زن و مرد، و دوجنسگرایان از نظر قانون جرم تعریف شده و قابل مجازات باشند. با این وضعیت، تنوعات جنسی نامبرده، در بعضی جاها، پیشاپیش به عنوان رفتارهای جنسی ممنوعه تعریف شده اند. البته، مسئله از یک بعد تاریخی هم برخوردار است: رفرمهای مترقی در اجتماع و قوانین آن، یا دولتهای سرکوبگری که به قدرت می رسند، هر دو می توانند شرایط را به مسیرهای مختلفی سوق دهند. این مسئله در گذشته اتفاق افتاده، در دوران حاضر اتفاق می افتد، و در آینده هم اتفاق خواهد افتاد.

به هر حال، ارائهٔ مبحث جداگانه ای دربارهٔ رفتارهای جنسی که در اغلب فرهنگها و در بیشتر دوران، ممنوع بوده اند، خالی از فایده نخواهد بود. برای مثال، تماس جنسی بزرگسالان با کودکان همیشه به طور وسیعی محکوم شده است، هر چند که استثنائاتی را باید در نظر گرفت. موضوع روسپیگری چندان روشن و واضح نیست؛ چون همانطور که هر تاریخ نویسی می داند، روسپیگری در بسیاری از فرهنگهای مهم گذشته، از جمله در سده های میانهٔ مسیحی، پذیرفته شده و دارای قوانین و مقررات خاص خود بوده است. لازم به گفتن نیست که روسپیگری کودکان در همه جا غیر قانونی است.

و نیز این که، ضروری به نظر می رسد که حداقل به شکل مقدماتی هم که شده، به موضوع خشونت جنسی هم اشاره شود. بعضی از اشکال خشونت جنسی، همیشه و کماکان امروز هم - تحمل، و حتی در شرایط خاصی تشویق شده است. در حقیقت، در تعدادی از کشورها، شنیع ترین نوع خشونت جنسی علیه کودکان، یعنی بریدن آلت جنسی دختران، قانوناً و با وجدانی آسوده اعمال می شود. در بخش زیر، اطلاعات عامی دربارهٔ مسائل گفته شده و چند مسئلهٔ جانبی مربوط به آن، ارائه می گردد. به دلیل پیچیدگی خود این مسائل، و برخوردهای بسیار متنوع قوانین و اجتماعات مختلف در قبال آنها، تدقیق کامل مسائل در اینجا عملی نمی باشد. شاید چنین تصور شود که حداقل در رابطه با قانونی یا غیر قانونی بودن موضوعات نامبرده نوعی توافق و اجماع جهانی وجود داشته باشد، اما چنین توافقی عملاً وجود ندارد. اگر از منظری جهانی نگاه شود، خواهیم دید که در اقصی نقاط جهان، انواع و اقسام متفاوتی از قوانین، در پی تنظیم رفتارهای جنسی بشر، بر اساس دیدگاههای تاریخی و فرهنگی خود، بوده اند و می باشند.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی تماس جنسی بزرگسالان با کودکان

پرداختن به مبحث تماس جنسی بین بزرگسالان و کودکان، در یک دورهٔ آموزشی عمومی همچون این دوره، کار چندان آسانی نیست. اما به عنوان مقدمه هم که شده، بد نیست که به سه سند بین المللی مربوط به این مسئله، توجه شود.



1. کنوانسیون حقوق کودک، 1990
2. پروتکل اختیاری الحاقی به معاهدهٔ حقوق کودک دربارهٔ تجارت کودکان، روسپیگری کودکان و پورنوگرافی، 2002
3. چارچوب تصمیمات اتحادیهٔ اروپا در مبارزه با سوء استفاده جنسی از کودکان و پورنوگرافی کودکان، 2003

در سالهای اخیر تقریباً همهٔ کشورها به کنوانسیون حقوق کودک پیوسته اند، و پذیرش پروتکل اختیاری الحاقی هم مسیر خوبی طی کرده است. در مقابل، «چارچوب تصمیمات اتحادیهٔ اروپا» که نسبتاً تازه می باشد، به خاطر تعریفی که از کودکی به عمل می آورد، مورد حمله و انتقاد قرار گرفته است. اما، تصمیمات اتحادیهٔ اروپا فقط کاریست نمونه های معاهده های قبلی سازمان ملل می باشد. در واقع، هر سه سند فوق، «کودک» را «موجود انسانی زیر هیجده سال» تعریف کرده اند. بدون شک، نویسندگان این اسناد، متأثر از این میل و آرزوی شریف خود بوده اند که حقوق مهم فردی، به کودکان هم تعمیم داده شوند. ولی، همانطور که بسیاری از جنسیت شناسان (سکسولوگها) و حقوقدانان اشاره کرده اند، در عرصهٔ جنسیت بشر، عاقلانه نیست که با کودک دانستن نوجوانان و جوانان، آنان را به اصطلاح «به خاطر خودشان»، به همین سادگی از چنین حقوقی محروم کرد. امتداد قانونی دوران کودکی به ورای بلوغ به معنی بی توجهی خودسرانه به فاکنهای بیولوژیکی است و بدون شک به نتایج منفی ناخواسته ای منجر می شود. در واقع، تعریف جدید، به احتمال زیاد به مجرم دانستن بخش وسیعی از تین ایجهای بی گناه می انجامد. برای مثال، آنها چنانچه از همدیگر عکسهای «لختی» بگیرند، یا «برای دریافت پاداش»، که می تواند شامل دعوت به سینما هم باشد، به آمیزش جنسی دست بزنند، آنوقت مرتکب قانون شکنی شده اند. (1). به علاوه، این تعریف از «کودک» در تضاد مستقیم با قوانین جزائی بسیاری از کشورها است. حالا نوشته های کتابهای روانپزشکی که جای خود دارند.

همانطور که این مثال نشان می دهد، امروزه توافقی عمومی حول تعریف «کودک»، و همچنین یک اجماع و توافق عمومی حول حقوق جنسی نوجوانان و جوانان وجود ندارد. این دیدگاههای متناقض فعلی، بازتابی از ادامه دوگانگی برخورد اجتماع ما در قبال جوانان می باشند.

(1) Helmut Graupner JD, "The 17-Year-Old Child: An Absurdity of the Late 20th Century", Journal of Psychology & Human Sexuality, Vol. 16, Nr 2/3.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی تماس جنسی بزرگسالان با کودکان: تعریف مفاهیم

مسئله تماس جنسی بین بزرگسالان و کودکان همانقدر که بغرنج و پیچیده است، جدل آور و بحث انگیز هم می باشد. مشکل از همان ابتدا با تعاریفی که از «تماس جنسی»، «بزرگسالان» و «کودک» ارائه می شود، شروع می گردد. بسیاری از افراد این لغات را در جاهای مختلفی، با معانی متفاوتی به کار می برند، و بعضیها هم گرایش به این دارند که تعریف بازی از آنها ارائه دهند:

- «تماس جنسی»: هر گونه تماس فیزیکی همراه با مهر و عاطفه «غیر عادی».
- «بزرگسالان» (Adults): افراد دارای بلوغ جنسی که مشخصاً مسن تر از «کودک» می باشند، و
- «کودکان»: شامل همه افراد زیر 18 سال می شود.

(این تعاریف توسط سازمان ملل و اتحادیه اروپا به کار برده شده اند.)

دیگران این تعاریف را سختگیرانه، غیر واقعی، غیر عملی، و متناقض می دانند، و به این خاطر تعاریف محدودتری را به کار می گیرند.

- «تماس جنسی»: تماس فیزیکی یا بینایی با اندامهای جنسی حداقل یک طرف رابطه با هدف تحریک و برانگیختگی جنسی.
- «بزرگسالان» (Adults): افرادی که حداقل دارای حق رأی می باشند (18 ساله به بالا)
- «کودکان»: افراد مذکر و مؤنث پیش از بلوغ.

(این تعاریف در کتابهای روانپزشکی و بیشتر قوانین جزائی کشورها آمده اند.)

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی تماس جنسی بزرگسالان با کودکان: تعریف مفاهیم 2

مسئله زمانی پیچیده تر می شود که موضوع سن قانونی که بر طبق آن فرد از حق اعلام رضایت خود برای مقاربت جنسی برخوردار می شود هم، در نظر گرفته شود. این «سن قانونی / رضایت» (age of consent) در کشورهای مختلف متفاوت می باشد؛ از 13 سالگی (در اسپانیا) تا 20 سالگی (در تونس). علاوه بر آن، برخی حوزه های قضایی، مرزهای سنی مختلفی را برای انواع متفاوت تماسهای جنسی به کار می بندند، و حتی «سن رضایت» (سن قانونی) متفاوتی را هم برای دگرجنسگرایان و همجنسگرایان منظور داشته اند. البته، همجنسگرایی در بسیاری از کشورها، حتی برای بزرگسالان هم، کاملاً غیرقانونی است. حتی ممکن است سن متفاوتی برای سکس تجارتي و غیر تجارتي هم در نظر گرفته شود. به هر حال، فارغ از این که سن رضایت و موافقت چگونه تعریف شود، تماس جنسی با دختر و پسر «زیر سن قانونی» (under age)، جرم محسوب می شود.

(در زبان روزمره، مردم چنین تماسهایی را «سکس با خردسال» (sex with minor) می نامند، و این ممکن است باعث سردرگمی شود. در صحبت از معنای دقیق کلمه، خردسال (minor) فردی است که به بزرگسالی (adulthood) نرسیده باشد، اما سن ورود قانونی به بزرگسالی معمولاً بیشتر از «سن رضایت» می باشد.)

به هر حال، موافقت اعلام شده توسط فردی که به سن قانونی نرسیده باشد، اعتبار ندارد و به این دلیل چنین تماسی «قانوناً تجاوز» (statutory rape) دانسته می شود. یعنی عملی که قانون آن را تجاوز تعریف کرده است. و بالاخره این که، بین افکار عمومی و قانون، همیشه تفاوتی وجود دارد. در برخی کشورها، مردم مرز سن قانونی را سختگیر و غیر واقع بینانه می دانند، و با وجدان راحت آنها را نادیده می گیرند. در کشورهای دیگری هم، مردم قانون را به گذشت و آسانگیری متهم می کنند. البته این قوانین اغلب برای بیشتر شهروندان ناشناخته هستند و به ندرت، یا به صورت گزینشی، اعمال می گردند. خلاصه اینکه، در این دوره عمومی آموزشی، نمی توان به جزئیات مسئله ای با این گستردگی وارد شد و بهتر است که به مشاهدات و ملاحظات عام بسنده کرد.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی

تماس جنسی بزرگسالان با کودکان: تعریف مفاهیم 3

هنگام بحث حول تماس جنسی بزرگسالان با کودکان، واژه و اصطلاحی که بیشتر به گوش می رسد، «پدوفیلی» است. (تحت الفظی به معنای عشق به بچه ها، از یونانی Pais یعنی پسر و Philia یعنی عشق). در روانپزشکی، پدوفیلی عشق اروتیکی یک بزرگسال به بچه ها، یا کشش جنسی نسبت به بچه ها، می باشد. درواقع، بزرگسالانی (اکثراً مرد) هستند که به طور مداوم و به شدت، چنین کششی را احساس می کنند. اینان «پدوفیل» نامیده می شوند. در لیست پارافیلیاهای راهنماهای روانپزشکی، پدوفیلی به عنوان اختلال روانی درج شده است.

به هر حال، در اینجا، درک و فهم دو فاکت ابتدایی مهم می باشد:

1. نه هر فرد بزرگسالی که به تماس جنسی با کودکی دست می زند، پدوفیل است، و
2. نه هر پدوفیلی به تماس جنسی با کودکان دست می زند.

تعاریف متفاوتی که قوانین مختلف از «بچه» (کودک) ارائه می دهند، و انواع «سنین قانونی» را که به کنار نهیم، موردی که هیچ شک و شبهه و جدلی باقی نمی گذارد این است که بعضی از افراد بزرگسال به تماس جنسی با کودکان دست می زنند، یعنی با دختران و پسرانی که به سن بلوغ نرسیده اند، تماس جنسی برقرار می کنند. اکثر این بزرگسالان پدوفیل نیستند، و میل و علاقه جنسی «واقعی» آنها جای دیگری است، و به این خاطر هم این رفتار آنها، یعنی تماس جنسی با بچه ها، هر از گاهی یا تصادفی است. آنها کلاً یا تسلیم یک حس گذاری ناگهان بر انگیزته شده می شوند، یا کنجکاو هستند، یا از یک فرصت پیش آمده سود می جویند، و یا، سوء استفاده از وابستگی کودک برایشان کار راحتی است. این افراد، «متخلفان موقعیتی» نامیده شده اند. (1) و در مقابل، به پدوفیلیایی که رابطه جنسی با کودکان را ترجیح می دهند، «متخلفان ترجیحی» گفته می شود.

به هر حال، تعداد زیادی از پدوفیلها در کنترل کردن خود موفق می باشند. بعضیها حتی آگاهانه از بچه ها دوری می کنند و از نزدیکی و مصاحبت با آنها می پرهیزند. این خود کنترلی هدف برنامه های درمانی برای پدوفیلها می باشد، چون تغییر میل و کشش جنسی آنها نامحتمل می باشد.

(1) Kenneth V. Lanning, "Child Molesters: A Behavioral Analysis. For Law Enforcement Officers Investigating Cases of Child Sexual Exploitation. In Cooperation with the FBI", Fourth Edition 2001.

(این کتاب در وبلاگ جنسیت و جامعه موجود می باشد.)

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی

تماس جنسی بزرگسالان با کودکان: تعریف مفاهیم 4

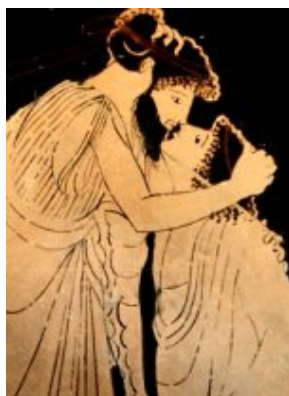
پیش از هر چیز، باز کردن مفهوم «پدوفیلی»، و همچنین بعضی از واژه های دیگری که در همین رابطه به گوش می رسند، خالی از فایده نخواهد بود:

پدوفیلی (Pedophilia): رو آوردن مداوم فانتزیهای عمیقاً شهوانی به فرد، احساس فوریت نیاز جنسی، یا رفتارهای دربرگیرنده فعالیت جنسی با کودک یا کودکان زیر سن بلوغ (13 ساله یا کمتر).

هیبوفیلی (Hebephilia): (از یونانی هیبه یعنی جوان): کشش جنسی یک بزرگسال – معمولاً مذکر – به جوانان حوالی سن بلوغ. گاهی به عنوان مترادف افیبوفیلی هم به کار برده می شود.

افیبوفیلی (Ephebophilia): (از یونانی افیبوس یعنی نوجوان): کشش جنسی یک بزرگسال – معمولاً مذکر – به جوانان بالای سن بلوغ. گاهی به عنوان مترادف هیبرفیلی هم به کار برده می شود.

پدراستی (Pederasty): (از یونانی اران به معنی عشق ورزی): کشش جنسی یک بزرگسال – معمولاً مذکر – به جوانان بالای سن بلوغ. (سنین 17 تا 14 سالگی). این اصطلاح اغلب مورد سوء برداشت و سوء استفاده واقع شده و بد نیست که به اصل معنای آن اشاره ای بشود. در یونان قدیم، پدراستی یک سنت پذیرفته شده ای بوده است که طبق آن یک مرد بزرگسال دلباخته (اراستوس)، به پسر نوجوانی اظهار عشق و علاقه می نمود و او را معشوق (ارومنوس) خود می کرد. با وجود آن که این رابطه شامل تماس جنسی هم می شد اما، عمدتاً و قبل از هر چیز از هدف آموزشی برخوردار بود.



پدراستی
نقاشی روی یک گلدان قدیمی
یونانی که عاشق بزرگسال
(اراستس) را در حال بوسیدن
معشوق نوجوان (ارومنوس) نشان
می دهد.

این واژه ها و اصطلاحات تمایز بین جوانان قبل و بعد از بلوغ را روشن می کنند، و درنتیجه، تعریفی از کودکی ارائه می دهند که در پزشکی، روانپزشکی، روانشناسی، زیست شناسی، نژاد شناسی، جامعه شناسی و تاریخ مورد پذیرش قرار گرفته است. (البته نه همیشه توسط قوانین جزائی)؛ و این تعریف چنین است: بچه ها (کودکان)، دختران و پسران پیش از بلوغ می باشند. فقط میل به تماس جنسی با آنها بایستی «پدوفیلی» (بچه بازی) نامیده شود. بی توجهی به این تمایز، غیر واقع بینانه و غیرعقلانه می باشد. پدوفیلی نادر است. هیبرفیلی موارد بیشتری دارد و باید جداگانه مورد قضاوت قرار گیرد.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی تماس جنسی بزرگسالان با کودکان: یادداشتهای تاریخی



لونیس کارول (1898 -

1832)

نویسنده انگلیسی کتاب

«ماجراهای آلیس در سرزمین عجایب»، به دختران کوچک کشش داشت اما هرگز به تماس جنسی با آنها دست نزد. در زیر عکس نویسنده، یک نقاشی اصل از آلیس، تیپ دخترانه ای که نویسنده را مجذوب می کرد، دیده می شود.

در تاریخ نمونه های فراوانی از تماس جنسی بزرگسالان با کودکان یافت می شوند. معروفترین فرد در غرب، شاید «تیبیریوس» باشد. (42 سال قبل از میلاد مسیح متولد شد و 37 سال بعد از میلاد درگذشت.) او نه تنها جوانان و نوجوانان، بلکه دختران و پسران خردسال را هم، برای ارضاء امیال جنسی خود، در قصرش روی جزیره کاپری (ایتالیا) نگهداری می کرد. اما، او به خاطر این کار، حتی در عهد باستان هم مورد لعن و نفرین قرار گرفت، چون از جهت جنسی، بچه های صغیر تابو محسوب می شدند. البته هنگامی که خردسالان به سن بلوغ نزدیک می شدند، یا به بلوغ می رسیدند، آنوقت اختیار کردن آنان به عنوان شریک جنسی، مسئله ای نبود. «تیبیریوس»، بچه باز (پدوفیل) نبود بلکه خیلی راحت، از قدرت حکمرانی خود برای عیش و نوش جنسی و تجربه انواع هوسرانیهای شهوانی خود سود می جست. در اروپای مسیحی و آمریکا، چنین رفتارهایی هرگز پذیرفته شده نبوده اند. با این همه، افراد بزرگسالی بوده و هستند، که به کودکان کشش جنسی دارند. یک نمونه جالب، «لونیس کارول» (نام نویسنده چارلز لودویگ دوجسون)، نویسنده «ماجراهای آلیس در سرزمین عجایب» (1) و «آنسوی آئینه» «Through the Looking Glass» می باشد. او دختران جوان را به دوستی می گرفت، آنها را سرگرم می نمود، برایشان داستان خوانی می کرد، و با اجازه والدینشان، از آنها عکسهای برهنه می گرفت. اما او هرگز پایش را آنسوی «برازندگی» نگذاشت و هیچوقت تلاشی جهت نزدیکی فیزیکی با این دختران به عمل نیاورد. بنا بر لغت شناسی امروزی، او بچه بازی بود که موفق به کنترل احساسات جنسی خود گردید. این نمونه ای است که پدوفیلیهای امروزی را به پیروی از آن ترغیب می کنند. برنامه های درمانی امروزی، قبل از هر چیز و عمدتاً، بر پیشگیری از قانون شکنی توسط پدوفیلها استوار می باشند. پس، با آموزش و تربیت یک فرد بچه باز، و با به کنار آمدن او با فانتزیهایش بدون عملی کردن آنها، هم خود او و هم کودکانی که در تماس با او قرار می گیرند را محافظت می کنند.

(1) اسم انگلیسی کتاب، ماجراهای آلیس در سرزمین عجایب «Alice's Adventures in Wonderland» می باشد.

تا به حال از این کتاب پنج ترجمه به فارسی صورت گرفته است؛ (اولین ترجمه توسط حسن هنرمندی - 1337، و جدیدترین ترجمه توسط زویا پیزاد - 1375)، اما همه مترجمین عنوان کتاب را «آلیس در سرزمین عجایب» ترجمه کرده اند. م.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی تماس جنسی بزرگسالان با کودکان: یادداشتهای تاریخی 2

درحالیکه کشورهای غربی در طول تاریخ تماس جنسی با کودکان را نفی کرده اند، اما چنین تماسی با نوجوانان، با نوع نگاه دیگری همراه بوده است. به هر حال، در بسیاری از فرهنگها در گذشته، دختران به محض رسیدن به بلوغ شوهر می کردند. در چین، بالعکس، یک «بچه داماد» را به ازدواج یک زن بزرگسال در می آوردند. آنها با هم همبستر می شدند و به محض رسیدن داماد به بلوغ، آمیزش جنسی را با هم شروع می کردند (1). در آلمان قرن هیجدهم، هنوز این امکان برای پروفیسور محترم رئیس دانشگاه، جرج کریستف لیشتن برگ (Georg Christoph Lichtenberg) وجود داشت که با یک دختر سیزده ساله زندگی مشترکی داشته باشد (2). دو شاهکار ادبی قرن بیستم، عشق مردان به افراد خیلی جوان را به تصویر کشیده

اند. در «مرگ در ونیز» توماس مان، معشوق یک پسر 14 ساله، و در «لولیتا»، نوشته ناباکوف، معشوق یک دختر 12 ساله می باشد (3).

در این دو اثر، مردان عاشق این نوجوانان، نه در قالب هیولا، بلکه در نقش شخصیت‌های غم انگیزی که سزاوار دلسوزی و همدردی خواننده می باشند، به تصویر کشیده می شوند. حتی در دهه هفتاد و هشتاد میلادی، تلاشی در آمریکا و چند کشور دیگر، جهت سازماندهی مردانی که به پسر بچه ها عشق و کشش داشتند، صورت گرفت، اما با مخالفت و مقاومت خصمانه ای، حتی از سوی «جنبش آزادی بخش گی ها»، مواجه شد.



جرج کریستف لیشتن برگ (1799 - 1742)

پروفسور فیزیک، ریاضی و ستاره شناسی، در دانشگاه گوتینگن آلمان. بذل و لطیفه های موز او امروز هم خوانندگان زیادی دارد. در سال 1977 با ماریا استخارد که 13 سال سن داشت، ملاقات نمود و او را با خود به خانه برده و خدمتکار و معشوقه خود کرد. ماریا در 18 سالگی در گذشت.

علی رغم این مسئله، در اوائل دهه 1980، یک کارگردان سوئیسی، پیشنهاد کمک مالی جهت ساختن فیلم نیمه مستندی از رابطه عشقی خود با یک دختر 13 ساله فاحشه در روم ایتالیا، دریافت نمود. این فیلم، در یک فستیوال حتی مورد تحسین و ستایش داوران مسیحی مسابقه هم قرار گرفت (4).

از آن زمان، افکار عمومی غرب دچار تحولات عمیقی گردیده، و امروزه، اینگونه روابط با نوجوانان، به شدت محکوم می شوند. درواقع این روابط در بسیاری از کشورها جرم محسوب شده و افراد مجرم نه از ترحم دادگاهها برخوردارند و نه از همدردی جامعه.

(1) See the comment by M.L.Ng [here](#).

(2) See the the book by Gert Hoffmann, *Die kleine Stechardin* 1999, Engl. "Lichtenberg and the Little Flower Girl", W.W. Norton, 2004

(3) Thomas Mann, "Death in Venice" 1912 (Film by Luchino Visconti 1971 and opera by Benjamin Britten 1973); Vladimir Nabokov "Lolita" 1955 (Film by Stanley Kubrick 1963)

(4) "Er moretto", a film by Simon Bischoff 1985



کاپیتان جیمز کوک (1779 - 1728)، سیاح مکتشف انگلیسی، به تماشای مراسم سنتی آمیزش جنسی مردی با یک دختر نارس (نابالغ) در ملاء عام - در تاهیتی - دعوت گردید. او به خاطر احترام به سنتهای محلی، نه در این کار دخالتی کرد و نه نارضایتی خود را ابراز نمود. اینجا را هم ببینید.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی تماس جنسی بزرگسالان با کودکان: یادداشتهای قومی-نژادی

وقتی مردم شناسان، به بررسی و تجزیه - تحلیل تماسهای جنسی بزرگسالان با کودکان پرداختند، متوجه شدند که تصورات و مفاهیم غربی آنها همیشه و در همه جا قابل انطباق نیستند. آنها به این پی بردند که تعاریف مدرن آنها از کودکی، نوجوانی (Adolescence)، بزرگسالی (Adulthood)، سن قانونی، و حتی رابطه و «تماس جنسی»، هیچکدام با واقعیات زندگی بسیاری از مردمان غیر اروپایی همخوانی ندارند. بسیاری از این مردمان و فرهنگها، رابطه جنسی بین افرادی که از جهت سنی دارای اختلاف فاحش بودند را منع کردند، و برخی دیگر آن را آزاد گذاشتند، و حتی در شرایطی خاص هم، چنین روابطی را مطالبه می کردند. یکی از روشن ترین و عامترین مثالها، ازدواج دختران به محض رسیدنشان به سن بلوغ بود. شوهران عموماً

بزرگسال بودند، و گاهی، پسران جوان مسن تر از خود دختر. (در واقع این رسم در قدیم در جوامع غربی هم وجود داشته است.) ولی به هر حال، بعضی از جوامع هم، مشوق تماس جنسی بین مردان بزرگسال و دختران خردسال بودند. مثلاً، وقتی **کاپیتان کوک** (Captain Cook) وارد تاهیتی شد، او و همراهانش را به تماشای مراسم آمیزش جنسی یک مرد بومی با دختری 12 – 11 ساله که در ملاء عام صورت می گرفت، دعوت کردند (1). بنا بر اعتقادات یکی از قبائل آفریقایی، دختران نابالغ برای رشد فیزیکی خود، به اسپرم مردان جنگاور نیاز دارند (2). در بعضی از قبائل هم، پسران جوانی که به بلوغ می رسیدند، تشویق می شدند که اولین آمیزش جنسی خود را با یک زن مسن انجام دهند (3). و آخر اینکه، در گذشته، بسیاری از جوامع دارای این سنت بوده اند که، والدین و یا مربیان، اندامهای جنسی اطفال، و بچه های خردسال را نوازش و تحریک می کردند، و یا وقتی که بچه ها به بلوغ می رسیدند، استمناء کردن را به آنها یاد می دادند (4). (باز هم این سنت در اروپای سده های میانه رواج داشته است.)

برای این دوره آموزشی، همین چند مثال برای یک نتیجه گیری کافی است: **افکار، رفتار و قوانین امروزی ما در رابطه با تماس جنسی بین بزرگسالان و کودکان، همیشه و در همه جا مورد توافق نبوده است.** این بدان معنا نیست که جوامع مدرن صنعتی ما، امروز باید سنتهای یونان کهن، امپراطوری چین، قبائل آفریقایی، یا تاهیتی پیش مستعمراتی را به کار بندند، اما بدین معناست که باید از برش تاریخی ای که در آن به سر می بریم، آگاه شویم. این برش و دوره ای از تاریخ که ما در آن به سر می بریم، ارزشهای اخلاقی ما را تعیین می کند، اما همراه با عوض شدن متن و برش تاریخی، مفاهیم و ارزشهای ما هم به همراه آن، عوض می شوند.

- (1) James Cook, "Account of a Voyage Around the World" (1769)
- (2) [Growing up among the Masai](#)
- (3) [Sex Training – Instruction of Boys](#)
- (4) [Sex Training - Genital Stimulation](#)

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی تماس جنسی بزرگسالان با کودکان: بچه بازی (پدوفیلی)



معلم و دانش آموز او
توصیفی طنز آمیز – واقعی از
یک بچه باز
(تصویری از قرن نوزدهم)

اصطلاح «پدوفیلی اروتیکی» (erotic pedophilia) به وسیله **ریشارد فون کرافت-ایبینگ**، ابداع گردید. او این اصطلاح را اولین بار در کتاب خود به نام «امراض روان جنسی» (Psychopathia sexualis, 1886) به کار برد. فون کرافت ایبینگ، پدوفیلی اروتیکی را در کنار سادیسم و مازوخیسم (که آنها را هم باز خود او ابداع نمود)، «بیماری جنسی روان» نامید. همکارانش بسیاری از واژه ها و ایده های او را به کار بستند، و مشخصه هایی که او برای بچه بازی (پدوفیلی) تعریف نمود، امروزه در رشته روانپزشکی مورد استفاده قرار می گیرند و از این قرارند:

«در طی یک دوره حداقل شش ماهه، مکرراً دچار فانتزیهای پرشور و محرک جنسی شدن، میل حاد و فشار جنسی، یا رفتارهایی که شامل فعالیت جنسی با بچه یا بچه های نابالغ (معمولاً 13 ساله یا کمتر) می شود.»

تعریف فوق در ادامه می گوید که این «فانتزیها، امیال شدید جنسی، یا رفتارها، باعث مسائل از جهت بالینی چشمگیر و بااهمیتی همچون فشار و اضطراب، افت اجتماعی، شغلی، یا افت در دیگر عرصه های مهم زندگی، می گردند.» و در ادامه می آورد که فرد بچه باز (پدوفیل) «حداقل 16 ساله، یا حداقل 5 سال بزرگتر از کودک یا کودکان مورد نظر می باشد.» این تعریف، «فردی که در مرز بالای نوجوانی (late adolescence) است و رابطه جنسی

با فردی 12-13 ساله دارد (چه همجنسگرا و چه دگرجنسگرا)، را شامل نمی شود.»
و آخر اینکه، تعریف فوق ملاحظات زیر را نمایان می کند:

«افراد مبتلا به پدوفیلی، معمولاً کشش خود به بچه های سن و سال خاصی را، گزارش می دهند. بعضی افراد پسران و بعضی دیگر دختران را بیشتر می پسندند، و بعضیها، هم به پسران و هم به دختران کشش دارند. بچه بازیهایی که قربانیانشان دخترها می باشند، بیشتر از بچه بازیهایی که قربانیانشان پسرها هستند، گزارش می شوند.» (1)

- (1) Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders, Fourth Edition
(2) (DSM-IV,TR) 2000

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی تماس جنسی بزرگسالان با کودکان: بچه بازی (پدوفیلی) 2

در بیماری شناسی روانپزشکی، علاوه بر کاربرد معیارهای فوق، این هم تثبیت می شود که فرد مزبور، به دختران، پسران، و یا هر دو جنس، کشش جنسی دارد. همچنین بین پدوفیل «منحصر» یعنی کسی که صرفاً و منحصرأ به کودکان کشش جنسی دارد، و پدوفیل «غیر منحصر» یعنی کسی که علاوه بر کودکان، به بزرگسالان هم کشش جنسی دارد، تمایزگذاری می شود. این نیز باید روشن گردد که آیا قضیه فقط به زنای با محارم محدود مانده است یا نه. (در صفحات بعدی به محرم آمیزی پرداخته شده است.)
پدوفیلها، «از سنخ» خاصی (تیبیک) نیستند که قابل بازشناسی باشند. ولی، این را می دانیم که اکثر پدوفیلها مرد هستند، و اغلب آنها هم متأهل می باشند. علائق جنسیشان (به کودکان)، معمولاً در دوران نوجوانی، و در موارد نادری، در بزرگسالی، بروز می کنند. پدوفیلها هنگام نزدیک شدن به بچه ها، ابتدا انگیزه جنسی خود را پنهان می کنند، اما به عنوان یک قاعده، معمولاً نسبت به نیازها و علائق خود حساسند. آنها به ندرت دست به خشونت می زنند، ولی سعی می کنند که اعتماد کودک، و رضایت او به نوعی تماس جنسی، که معمولاً به آمیزش دهانی، تماس آلتی و یا دخول نمی کشد، را جلب کنند. خشونت، زور، فشار، و آمیزش دخولی تنها در موارد نسبتاً محدودی اتفاق می افتند. قتل کودکان باهدف لذت و شهوت بری جنسی هم نادرتر از آن می باشد. مجرمان جنسی که علیه کودکان دست به خشونت می زنند، علاوه بر ابتلاء احتمالی به پدوفیلی، اختلال شخصیتی شدیدی را هم از خود بروز می دهند.

علل و دلایل بچه بازی (پدوفیلی) ناشناخته اند. برخی از پژوهشگران احتمال می دهند که دلایل زیست شناختی (بیولوژیکی) دارد، و برخی دیگر، معجونی از دلایل روانی- اجتماعی را علت آن می دانند. همچنین تعداد پدوفیلها و اینکه چه درصدی از جمعیت را تشکیل می دهند هم، معلوم نیست. به هر حال، همانگونه که قبلاً ذکر شد، اکثر جرائم جنسی علیه کودکان و بچه ها، نه به وسیله پدوفیلها بلکه، توسط مردان غیر پدوفیل، انجام می گیرند.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی تماس جنسی بزرگسالان با کودکان: بچه بازی (پدوفیلی) 3

اکثر بچه بازانی که برای درمان روانی مراجعه می کنند، این را به دلیل حکم دادگاهها انجام می دهند، هرچند برخی نیز دواطلبانه مراجعه می کنند. آنها معمولاً تحت نوعی رواندرمانی قرار می گیرند، اما در موارد خاصی، رواندرمانی با تجویز داروهایی جهت تخفیف میل جنسیشان همراه می شود. در مجموع، موفقیت درمان چندان مشخص نیست. در اغلب موارد میل و کشش فرد پدوفیل به بچه ها همچنان پابرجا باقی می ماند اما، اگر یاد بگیرد که میل و کشش خود را کنترل کند و مرتکب کاری خلاف قانون نشود، نتیجه رضایتبخش تلقی می شود. در سالهای اخیر، بحثی حول سودمند بودن یا نبودن قرار دادن بچه بازی به عنوان یک اختلال

روانی، در لیست پارافیلیاها درگرفته است. کتاب آمریکایی راهنمای تشخیص بیماریها (DSM-IV-TR) مورد این انتقاد قرار گرفته که بچه بازی را با «مسائل بالینی بااهمیتی همچون اضطراب، افت اجتماعی، شغلی، یا افت در دیگر عرصه های مهم زندگی» ربط داده است. منتقدان چنین استدلال می کنند که، بنا بر



تعریف فوق، فرد بزرگسالی که از تماس جنسی خود با کودکان دچار اضطراب، افت اجتماعی، شغلی، یا افت در دیگر عرصه های مهم زندگی خود نمی شود، پدوفیل محسوب نمی گردد. (نویسندگان کتاب راهنمای تشخیص، هرگز چنین منظوری نداشته اند.) به هر حال، بعضی از متخصصان معتقدند که گنجاندن بچه بازی در لیست دی. اس. ام. (DSM) کلاً گمراه کننده است چون این بهانه ساده را به دست پدوفیلها می دهد که ادعا کنند، اگر آنها بیمار روانی هستند، پس در قبال رفتارهای خود هم مسئول نمی باشند. (برای نمونه اینجا را ببینید.)

عده ای هم به دلایل دیگری با در لیست قرار گرفتن پدوفیلی مخالفت می کنند و می گویند، صرف غیر اخلاقی و یا جنایی بودن یک رفتار، لزوماً دال بر بیمار بودن آن رفتار نمی باشد. و چنانچه این رفتار، همانطور که در بعضی از فرهنگها و در ادواری از تاریخ، مورد پذیرش اجتماعی قرار گرفته، پذیرفته شود، آنوقت چه می شود؟ و باز این سؤال که آیا همه بزرگسالانی که به این عمل دست می زنند، بیمارند؟ پس آن دسته از بزرگسالان غیر پدوفیل که فانتزیهای اروتیکی نسبت به بچه ها دارند، چی؟ و اگر این دسته اخیر، فانتزی خود را عملی کنند، چی؟ و عاقبت اینکه، تکلیف آن دسته از بچه بازاری که از هرگونه تماس جنسی با کودکان می پرهیزند، چه می شود؟ با کدام معیارها می توان و باید این دسته از بچه بازان را دارای اختلال روانی دانست؟ آیا این به نفع روانپزشکی است که خود را به عنوان «پلیس اندیشه» تثبیت کند؟ آیا بهتر نیست که فقط با اعمال جنسی علنی و آشکار برخورد شود؟ آیا بهتر نیست که اخلاق، به اولیای اخلاق، و جرائم، به اهالی قانون، یعنی پلیس و دادگاهها، محول شوند؟(1)

(1) Richard Green, MD, JD, "Is Pedophilia a Mental Disorder?", Archives of Sexual Behavior, vol. 31, Nr. 6

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی تماس جنسی بزرگسالان با کودکان: بچه بازی: سازمانها و تشکلات



تلاشهای امروزی پدوفیلها (بچه بازان) برای سازمانیابی خود، احتمالاً ره به جایی نمی برد. قبل از هر چیز، خصومت عمومی که با آن مواجه اند، مانع پیوستن بیشتر افراد بالقوه علاقه مند می شود. دوم آنکه، چنین امیدی وجود ندارد که درخواست پدوفیلها مبنی بر کاهش سن قانونی و یا لغو کامل محدودیت سنی برای تماس جنسی، متحقق شود. و سوم آنکه، تشکلات محدود و کوچکی که وجود دارند هم، به طور مداوم با خطر نفوذ افراد ناگواری مواجه اند که این تشکلات را به پوششی برای مطامع خودخواهی خویش جهت تولید، تهیه و مبادله «پورنوگرافی کودکان»، و کسب فرصتهایی برای تماسگیری با کودکان و غیره، تبدیل می کنند. اما همه اینها، مانع از آن نشده که بعضی از پدوفیلها و هیبه فیلهای گروههای حمایتی خاص خود را به وجود نیاورند. برخی از مسائلی که آنها مطرح می کنند، شایسته یک بحث عمومی اند، و درواقع، بعضی از روانپزشکان، و کلاً، مجریان قانون، و دیگر متخصصان هم در این زمینه با آنها موافقت. برای نمونه، حذف پدوفیلی از لیست بیماریهای روانی، بازبینی و اصلاح قوانینی که هر فرد زیر 18 سال را کودک می شمارند، انجام تحقیقات و مطالعات بیشتر حول پدوفیلی، آموزش دهی عمومی، کمک به بچه بازان زندانی، و غیره. اما

با وجود این، تماس جنسی بزرگسالان با کودکان و نونهالان، آنچنان موضوع ممنوعه ای است که انتظار نمی رود در آینده قابل پیش بینی تغییری در آن ایجاد شود. با این حساب، نه تنها پدوفیلها بلکه هیبه فیلهای نیز، همچنان ایزوله و در حاشیه باقی مانده و امیدی به اعتراف به آنها به عنوان یک اقلیت جنسی وجود ندارد. آنها مدام در پی سازماندهی خود هستند اما، از هرسو با مقاومت شدیدی مواجه می شوند.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی

تماس جنسی بزرگسالان با کودکان: بچه بازی: ابعاد قضایی



امروزه، تماس جنسی بزرگسالان با بچه های زیر بلوغ، تقریباً در همه کشورها جرم محسوب می شود. اما در مورد نوجوانان در سن بلوغ و یا بلافاصله بعد از بلوغ، قوانین همه جا یکسان نیستند. (به بخش رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی: تماس جنسی بزرگسالان با کودکان: تعریف مفاهیم 2، که در چند صفحه قبل آمد، مراجعه شود.) به هر حال، مردم قبل از هر چیز، عموماً نگران این مسئله اند که افراد بزرگسالی به دنبال پسر بچه ها و دختر بچه های زیر سن بلوغ می باشند. این نگرانی اغلب توسط گزارشات جنجالی و سبیل ارتباط جمعی هنگام دستگیری گروههایی از افراد متهم به سوء استفاده جنسی از کودکان، تشدید می شود. ولی، محاکمات جمعی در آمریکا، آلمان و فرانسه، که گزارشات وسیعی حول آنها انتشار یافتند، همه به تبریئه متهمان منجر شدند (1). در موارد مورد اشاره، افراد کینه توز یا متوهم، اتهامات نادرست و بی اساسی مطرح کردند، و به دنبال آن تلویزیون و روزنامه ها هیستری عمومی را دامن زدند، و فضایی پر از کینه و خصومت نسبت به متهمان به وجود آوردند، کار پلیس پر از بی دقتی و سرهم بندی شد، و بچه ها مورد پرسش هایی که جواب آنها در متن سؤال پوشانده شده، قرار گرفتند که شهادتهای اولیه شان را بی اعتبار می ساختند، و «متخصصان» افرادی بی صلاحیت و فاقد شرایط لازم از آب درآمدند. همانطور که از این محاکمات می توان آموخت، دادرسی جرائم جنسی علیه کودکان می تواند برای هر دو طرف ناعادلانه باشد. اتهامات غیر واقعی ممکن است به راحتی پذیرفته شوند. کودکان ممکن است از هر طرف، یعنی نه تنها از طرف مجرم، بلکه همچنین از سوی سیستم قضایی بی صلاحیتی که آنها را به طور مرتب مورد بازجویی و سین جیم های مداوم قرار می دهد، قربانی شوند. همه اینها می تواند مسئله را مخدوش یا تضعیف کند، طوری که در آخر کار، بی گناه مجازات می گردد، و گناهکار آزاد می شود. (برای ورود به جزئیات بحث به اینجا سر بزنید.)

خوشبختانه، در سالهای اخیر، دادگاهها در بسیاری از کشورها، کارکرد خیلی بهتری داشته اند. آنها شروط صلاحیت کارشناسان خود را بهبود بخشیده اند، و هنگام بازجویی از کودکان به عنوان شاهد، سعی وافری جهت پرهیز از سؤالاتی که جواب آنها در متن سؤال پوشانده شده، به کار می برند. در حال حاضر، بچه ها فقط یکبار، و آنهم توسط فردی کارشناس مصاحبه می شوند، و مصاحبه هم روی نوار ویدئویی ضبط می شود. بنابراین، کودکان کلاً از اتفاقات دادگاهها، و آسیبهای روانی ناشی از پرسشهای نامناسب و یا خشن، دور نگه داشته می شوند.

پیچیدگی مسائل و مشکلات دخیل در این قضیه، ادای حق و عدالت کامل به آنان، در یک چنین دوره آموزشی را ناممکن می کند. یادگیری چگونگی برخورد مؤثر با هر کدام، نیازمند چندین دوره آموزشی پیشرفته می باشد.

(1) The McMartin Case, Los Angeles, USA 1983-90; the mass trial in Worms, Germany 1994-97; the Outreau trial, France 2001-05. These are just the most spectacular and notorious examples.

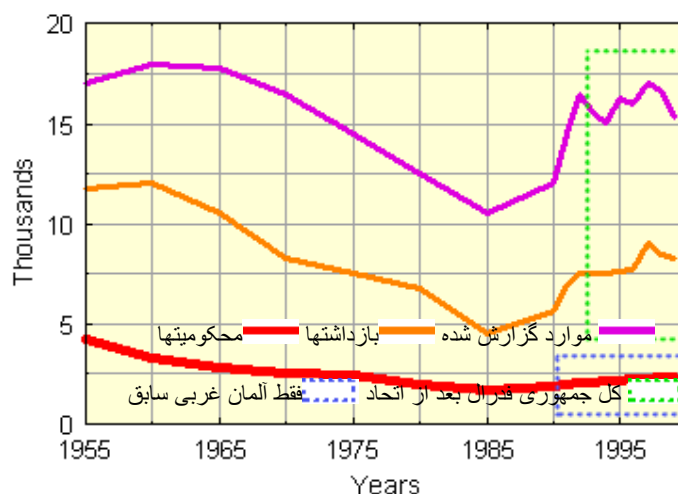
رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی

تماس جنسی بزرگسالان با کودکان: بچه بازی: ابعاد قضایی 2

همانطور که مشاهده شد، در محاکمات مربوط به جرائم جنسی علیه کودکان، دادگاهها باید نهایت دقت و احتیاط خود را به کار برند. ولی، این هشدار به معنای انکار حقایق انکارناپذیر نمی باشد که: به راستی که جنایات جنسی بسیار جدی علیه بچه ها و کودکان اعمال می شوند، و مرتکبین این جنایات باید محاکمه و مجازات گردند. اما تعداد و دفعات این جنایات خیلی کمتر از شماری است که اغلب به خورد مردم داده می شوند. نه تنها محاکمات جمعی و جنجالی «گروه بچه بازان»، بلکه، قتلهای شنیع کودکان، آنچنان پوشش خبری می یابند که خوانندگان روزنامه ها و بینندگان تلویزیون را به یکسان دچار شوک می کنند. با این حال، معمولاً تصویر مخدوش و تحریف شده ای به دست مردم می رسد. نگاه مختصری به آمار «موارد گزارش شده»، و «مجرمان محکوم شده» چشمان ما را به واقعیت مسئله، که اغلب در شلوغی بحث گم می شود، باز خواهد

کرد. برای نمونه، اسناد و مدارک خیلی قوی مبنی بر کاهش سوء استفاده فیزیکی و جنسی از کودکان در ایالات متحده در دهه 1990 در دست می باشند. آمار جالب دیگر را می توان در جمهوری فدرال آلمان یافت: در طول چهل و چهار سال، افزایش قابل توجهی در محکومیتهای مربوط به این مسئله، دیده نمی شود.

آمار پلیس آلمان از سوء استفاده های جنسی از کودکان



منبع: Hartmut A.L. ...

in: Sexuologie 8 (1) 2000, pp. 55-62 (p. 56)

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی تماس جنسی بزرگسالان با کودکان: بچه بازی (پدوفیلی): جنبه های روانی

اغلب جرائم جنسی علیه بچه ها، توسط مردان یا نوجوانان پسری صورت می گیرند که بچه ها آنها را می شناسند. اینها ممکن است پدران، پدربزرگها، عموها، یا دایی ها باشند، ولی در بیشتر موارد، مرتکبین، از دوستان یا آشنایان، همسایه ها، و یا کسانی هستند که والدین، کودکان را برای چند ساعت نگهداری به آنها می سپارند. تنها در موارد معدودی هم، غریبه ها در قضیه دست دارند. نسبت به مردان، زنان به ندرت مرتکب چنین عملی می شوند. بسیاری از مجرمین، خود در کودکی قربانی چنین جرمهایی بوده اند. در خیلی از موارد، تماس جنسی تنها یک حادثه اتفاقی نمی باشد، بلکه برای مدتها ادامه می یابد چون فرد بزرگسال معمولاً برای ارتباط مداوم با کودک تلاش می کند. در رابطه با خود بچه ها، بسته به شرایط و موقعیت، آنها ممکن است نسبت به تماس جنسی خیلی متفاوت برخورد کنند. مسئله تا حدود زیادی به سن بچه ها در زمان ارتکاب جرم، نوع تماس، و درجه خویشاوندی مجرم، بستگی دارد. چنانچه مجرم خویشاوند نزدیک، یا فرد بزرگسال قابل اعتمادی که از این اعتماد سوء استفاده کرده، باشد، به احتمال زیاد، به کودک آسیب و ضربه روانی جدی وارد می شود. مثلاً ممکن است کودکان به انواع مشکلات رفتاری، یا عدم اعتماد به نفس دچار شوند، و یا حملاتی از اضطراب و افسردگی به آنها دست دهد. بعضی از این کودکان به درمانهای روانی و مشورتی درازمدتی نیاز دارند، و برخی دیگر به نظر می رسند که دچار صدمه های پایدار نمی شوند.

بدیهی است که چنانچه کودک از عمل مجرم دچار شوک و آسیبهای روانی نشده باشد، آنوقت نباید او را با واکنشهای نامناسب دیگران که «سعی در کمک کردن دارند»، غمگین و ناراحت نمود. ولی، همانطور که اشاره شد، همه چیز به شرایط و موقعیت بستگی دارد، از جمله، این تماس و رابطه، قبل از کشف شدن چه مدت جریان داشته، آیا زور و خشونت به کار برده شده، واکنشها و برخوردهای صورت گرفته بعد از کشف رابطه چگونه اند، و اینکه خانواده کودک تا چه اندازه حامی و یاور او هستند. واکنش و برخورد آرام و متین والدین و خواهران و برادران، و عشق بی شرط و شائبه آنها، تأثیر مثبت هنگفتی بر جای می نهد. فهم این مسئله به کودک که «او تقصیری ندارد و خلافی مرتکب نشده» هم، فوق العاده مهم می باشد.

به هر حال، باید به خاطر داشت که هر موردی، بنا به درهم تنیدگی عوامل و فاکنهای دخیل در آن، ویژگیهای خاص خود را داراست و به همین دلیل هم، بایستی ترکیبی از واکنشها و راهکارهای افراد مختلف که مایل به کمک به کودک می باشند، ارائه گردد.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی تماس جنسی بزرگسالان با کودکان: زنا با محارم (Incest)



ازیریس و ایزیس

ازیریس که در مصر باستان به عنوان خدای مردگان شناخته می شد، با خواهر خود ایزیس که الهه آفرینش بود، ازدواج کرده بود.

(در تصویر فوق به اتفاق فرزندشان هوروس دیده می شوند). بعضی از فراعنه مصر آنها را سرمشق قرار داده و زنا با محارم را به یک رسم سلطنتی تبدیل کردند. ریشه و معنی این رسم و سنت کماکان مورد بحث و مشاجره می باشد، معلوم هم نیست که این سنت تا چه مدت ادامه داشته و آیا چنین سنتی به شدت رعایت می شده یا نه. ولی ما این را می دانیم که کلنوپاترای معروف، دختر بطلیموس دوازدهم، متعاقباً با برادران خود، ابتدا با بطلیموس سیزدهم و سپس با بطلیموس چهاردهم ازدواج نمود.

از دیرباز، نژاد بشر «تابوی زنا»، یعنی منع آمیزش جنسی بین بستگان نزدیک، را رعایت کرده است. تنها استثناء بر این امر در مصر باستان یافته شده، و گزارشاتی هم در رابطه با انجام آن در دوران گذشته در فرهنگ هائیتی، برخی از جزائر اقیانوس آرام، و آمریکای پیش از کریستف کلمب، به دست آمده اند. ولی با این حال، این استثنائات هم فقط به خانواده های سلطنتی و افرادی از اعیان و اشراف محدود بوده اند. ریشه و نسب این تابو دقیقاً معلوم نیست، چون قدمت آن از هرگونه دانش ژن شناسی قابل قبولی فراتر می رود. و به این دلیل هم تأثیرات و نتایج منفی ناشی از پیوند سببی (خویشاوندی) نمی توانسته علت آن باشد. بعضی از متفکران علت را صرفاً پیشگیری از حسادت و کدورت بین خویشاوندان که از نزدیک با هم کار و زندگی می کردند، دانسته اند. به هر حال، این موضوع باعث منع مردم از ازدواج خانوادگی یعنی درون زامی (endogamy) شد و آنها را به ازدواج با افرادی در بیرون از خانواده، یعنی برون زامی (exogamy) سوق داد. همین باعث گردید که رابطه قوم و خویشی و نزدیکی و اتحاد بین خانواده هایی که قبلاً با هم غریبه بودند، ایجاد شود. با ادامه این پروسه، شبکه وسیعی از خانواده های متحد و نزدیک به هم، به وجود آمد که بنیان اقتصاد، فرهنگ و سیاست جمعی و مشترکشان بر آن استوار گردید. با این مفهوم، تابوی زنا با محارم، منبع هر اتحاد و همبستگی گسترده انسانی، و سنگ بنای همه سیستمهای پیچیده اجتماعی می باشد.



زنوس و هرا

زنوس، خدای اعظم یونان باستان و همسرش هرا، نیز خواهر و برادر بودند. اما برای یونانیان، این رسمی نبود که باید سرمشق قرار می گرفت.
منبع: [FCIT](#)

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی تماس جنسی بزرگسالان با کودکان: زنا با محارم: یادداشت ادبی



«لوط و دخترانش»

در داستان انجیل درباره لوط بیوه آمده است که، دو دخترش او را مست می کنند، چون می خواهند که توسط او باردار شوند تا شجره خانوادگی ادامه یابد. آنها در کار خود موفق می شوند و هرکدام پسری به دنیا می آورد. این نقاشی اثر هندریک گولزیوس (Hendrik Goltzius) (1558 – 1617) می باشد.

در طول قرن‌ها، نویسندگان زیادی به موضوع زنا با محارم پرداخته اند؛ از داستان لوط و دخترانش در انجیل (36 – 30: 19 کتاب پیدایش)، گرفته، تا درام «ادیپ شهریار» سوفوکل - “Oedipus the King” (428 B.C.)، تا نمایش جان فورد به اسم { «تی، متأسفانه جنده است» } “T’ is Pity She’s a Whore” (1633 – 1634) و اپرای ریشارد واگنر به اسم “Die Walküre” (1870). در این شاهکارهای ادبی، شخصیتها مورد رحم و شفقت قرار می گیرند، و بیش از آنکه محکوم شوند، بیشتر به حالشان افسوس خورده می شود. با این وجود، به عمل زنا با محارم آنها به عنوان منبع مصیبت و تراژدی نگریسته می شود. این مسئله، احساسات مخاطبان را هم منعکس می کند، ولی فقط تا زمانی که زنا در محدوده افراد بالغ و مرضی الطرفین، یا خواهر و برادری تقریباً همسن و سال، باقی می ماند. در چنین مواردی، بسیاری از مردم آمادگی ابراز نوعی درک، یا همدردی را دارند. اما، هنگامی که خشونت و کودکان در مسئله دخیل داده شوند، آنوقت مرز تحمل مردم بخار می شود و به هوا می رود.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی

تماس جنسی بزرگسالان با کودکان: زنا با محارم: جنبه های قضایی



احتمالاً اکثر مردم با این تعریف زنا با محارم موافقت: «مقاربت جنسی بستگان نزدیک با هم». اما، برای قوانین جنایی، این تعریف نامشخص و مبهم می باشد. معنی دقیق «مقاربت جنسی» چیست؟ آیا منظور فقط مقاربت دخولی است، یا مقاربت دستی، دهانی، مقعدی، و یا حتی آمیزش بصری و بینایی، را هم شامل می شود؟ و همینطور، «بستگان نزدیک» یعنی چه؟ آیا این تنها به معنای نزدیکترین خویشاوندان خونی مثل والدین و کودکان، یا خواهران و برادران می باشد یا، خواهران و برادران ناتنی، پسران و دختران عموها، عمه ها، و خاله ها، و همچنین پسران و دختران ناتنی، عموها، عمه ها و خاله ها، را هم دربر می گیرد؟ آیا شامل پدربزرگها و مادر بزرگها و نوه ها هم می گردد؟ آیا زنا با محارم می تواند بین خویشاوندان همجنس هم اتفاق بیفتد؟ قانونگذاران مختلف، به این سؤالات پاسخهای متفاوتی داده اند، و مجازاتهای متفاوتی هم تعیین کرده اند. درواقع، در بعضی از کشورها، زنا با محارم، به خودی خود، تا زمانی که دو فرد هم نسل، مثلاً دو فرد خردسال همسن، و یا دو فرد بزرگسال و بالغ (1) باشند، جرم محسوب نمی شود. زنا با محارم افراد بزرگسال با کودکان، اغلب با استفاده از قوانین دیگری مورد پیگرد قرار می گیرد. با توجه به همه این مسائل، در اینجا فرصتی برای پرداختن به یک بحث عمقی و ورود به جزئیات وجود ندارد. در عوض، خود را به مشاهدات و یادداشتهایی عام در قضیه زنا با محارم بزرگسالان با بچه هایشان، محدود می کنیم.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی

تماس جنسی بزرگسالان با کودکان: زنا با محارم: جنبه های روانی



زنا با محارم، در اکثر کشورها جرم محسوب می شود. اما از آنجا که موضوع پنهانی و در خلوت اتفاق می افتد، به راحتی قابل کشف و پیگرد نمی باشد. اغلب پرونده هایی که به دادگاههای جنایی کشیده می شوند، به زنا با محارم پدران یا دختران خردسالشان مربوط می شوند. در برخی موارد، دختران حتی به سن بلوغ هم نرسیده اند. ولی، این به معنای بچه باز (پدوفیل) بودن پدر نمی باشد. (استثناء زمانی است که مرد بچه بازی با هدف دسترسی به کودکان، با زنی ازدواج می کند). به عنوان یک قاعده، پدر، از سوژه جنسی بی دفاع و به راحتی در دسترس بهره می گیرد. در اصل، این همان برخوردی است که او با فرزند خود در پیش می گیرد؛ یعنی با بچه اش به عنوان سوژه ای برای ارضاء امیال خودخواهانه خود رفتار می کند. او برای رسیدن به هدف خود ممکن است از، چاپلوسی و تملق، وعده و وعید، حيله و فریب، فشار و اجبار، تهدید و تشر و حتی زور و خشونت عریان، استفاده کند، و اگر عمل او کشف نشود، ممکن است تا سالها ادامه یابد.

این مسئله برای دختر، همیشه اثرات ویرانگر روانی به همراه دارد، و ممکن است سالها طول بکشد تا بتواند بر ضربه روحی، و شوک و تکانه روانی خود فائق آید، و چه بسا هرگز هم موفق نشود. او گاهی شاید، به دلایل موجهی، تقصیر را به گردن مادر خود بیندازد. به خاطر «نادیده گرفتن» و کم کاری در کمک به دختر خود. درکل، زنا با محارم پدر - دختر شرایط غیر قابل تحملی در محیط خانواده ایجاد می کند. (زنا با محارم مادر - پسر احتمالاً نتایج زیانبار کمتری به همراه دارد، اما خود این پدیده نسبتاً نادر می باشد). بعضی از خانواده ها، به دلایل مختلفی، مایل به گزارش قضیه نیستند. آنها ممکن است از این واهمه داشته باشند که نان آور خود را از دست بدهند، یا از داغ رسوایی می ترسند، و یا امیدوارند که «موضوع را بین خودشان حل و فصل کنند». بدون شک، صرف دادگاهی کردن و محکومیت، برای حل مسئله کفایت نمی کند. همه اعضاء خانواده، از جمله خود پدر، به کمک و مشاوره روانی نیاز دارند، تا حداقل اعتماد به همدیگر را، بازیابند. البته این اعتمادیابی مجدد چه بسا هرگز به دست نیاید. اغلب اوقات، خرابی و صدمه وارده بر رابطه آنها ورای هرگونه ترمیم و مرمتی است.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی تماس جنسی بزرگسالان با کودکان: زنا با محارم: فحشای کودکان

برخی از افراد بزرگسال، با دختران و پسرانی که به خاطر فقر مجبور به خودفروشی شده اند، رابطه جنسی برقرار می کنند. تن فروشی کودکان عمدتاً در کشورهای فقیر دیده می شود، و یک معضل جدی بین المللی است. همانطور که قبلاً اشاره شد، هم سازمان ملل و هم اتحادیه اروپا اسنادی رسمی منتشر کرده و طی آنها، رعایت حقوق کودکان و پایان دادن به بهره کشی جنسی از آنها را خواستار شده اند. (در ابتدای مبحث مربوط به رابطه جنسی با کودکان که قبلاً آمد، به این اسناد پرداخته شده است. م.) علاوه بر این، مدت مدیدی است که یونیسف و یونسکو هم، از جمله از طریق حمایت مالی از کنگره های بین المللی حول موضوع، از همین اهداف حمایت و پشتیبانی کرده اند. مضاف بر این، یونیسف و یونسکو، با سازمانها و گروههایی که متعهد به پایان دادن به فحشای کودکان، پورنوگرافی کودکان، و قاچاق کودکان برای مقاصد جنسی هستند، همکاری و تعاون دارند. گاهی، برخی از این گروهها خواستار پایان دادن به «بهره کشی و استثمار جنسی کودکان» می شوند. اما این مسئله موضوع را مبهم می کند. در عوض، همیشه باید این درخواست مطرح شود که کلاً هرگونه استثمار و بهره کشی جنسی از کودکان، چه تجاری و چه غیر تجاری، غلط است و باید محو شود. درحقیقت، هر نوع بهره کشی و سوء استفاده از هر انسانی نادرست می باشد، حال چه تجاری باشد یا نباشد.



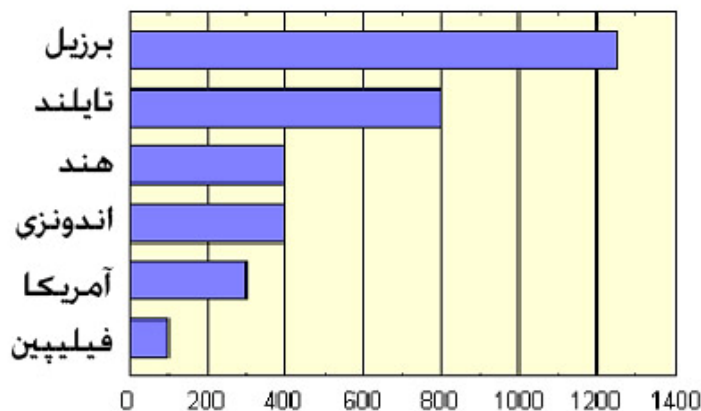
سه سازمان عمده که برای پایان دادن به فحشای کودکان فعالیت می کنند. علاوه بر سازمان ملل و اتحادیه اروپا، سازمانهای دیگری هم هستند که سعی می کنند کودکان را از سوداگری و استثمار جنسی محافظت کنند. سرشناس ترین آنها: 1. یونیسف- صندوق بین المللی اضطراری کودکان سازمان ملل متحد. 2. یونسکو - سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد. 3. اکپات - شبکه ای از سازمانها و افرادی که در راه محو بهره کشی جنسی از کودکان، با هم همکاری دارند.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی تماس جنسی بزرگسالان با کودکان: زنا با محارم: فحشای کودکان 2

مشکل فحشای کودکان با مشکل دیگری ربط می یابد؛ و آن قاچاق کودکان می باشد. یعنی انتقال و جا به جایی غیر قانونی بچه ها از مکانی به مکانی دیگر با هدف بهره کشی. معمولاً والدین، و خود کودکان هم، وقتی به «عامل» اجازه می دهند که بچه ها را با خود به مکانهای دور ببرد، از اینکه او چه آشی برایشان پخته بی خبرند. آنها این امید را دارند که کار ثابتی بیابند، اما طولی نمی کشد که خود را در چنگال تبهکارانی بی وجدان می یابند. بیشتر این بهره کشی ها از جنس اقتصادی اند - از کودکان به عنوان کارگران ارزان، یا خدمتکاران خانگی ارزان یا بدون حقوق، استفاده می شود. ولی، قاچاقچیهای در سطح ملی و بین المللی هم هستند که هدفشان صرفاً بهره کشی جنسی است - کودکان را با زور مجبور به تن فروشی می کنند تا برای «صاحب کارشان» پول در آورند. طبق تخمین یونیسف، سالانه حدود یک میلیون خردسال قربانی این اعمال می شوند.

در دهه های اخیر، با رشد صنعت گردشگری که مقدار معینی «توریسم سکس» را هم دربر می گیرد، مشکل وخیم تر شده است. تخمین اینکه چه تعداد از کودکان در این «تجارت» مورد سوداگری و بهره کشی قرار می گیرند، چندان ساده نیست. با توجه به تعاریف متعددی که از «کودک» می شود، برآوردها هم متفاوت می باشند. درحالیکه منظور سازمانهای بین المللی از کودک، «هر فرد زیر 18 سال» می باشد، بسیاری از قوانین جنایی کشوری، تعاریف محدودتری از «کودک» ارائه می دهند. مضاف بر این، همانطور که قبلاً اشاره گردید، آنها باز تعریف دیگری از «سن قانونی» ارائه می دهند، و همه آنها به بغرنجی موضوع دامن می زنند. و آخر اینکه، همیشه معلوم نیست که به طور دقیق، منظور از «صغیر» (خردسال) چه می باشد.

ولی به هرحال، شکی در این نیست که در بسیاری از موارد، نوجوانان (ادولسنس) و حتی دختران و پسران زیر سن بلوغ در این قضایا به دام افتاده اند.



فحشای کودکان در بعضی از کشورها
(در هزار)

طبق برآورد یونیسف، تعداد زیادی از کودکان در سراسر جهان مورد بهره کشی جنسی قرار می گیرند. در نمای فوق فحشای کودکان در شش کشور نشان داده شده است. تخمین زده می شود که بین پانصد هزار تا دو میلیون کودک در برزیل به فحشاء مشغولند. در اینجا میانگین کشورها آورده شده است.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی تماس جنسی بزرگسالان با کودکان: زنا با محارم: فحشای کودکان 3

مسیر اصلی قاچاق کودکان، از سمت کشورهای فقیر به سوی کشورهای غنی می باشد، به عبارت دیگر، عموماً از جنوب به سمت شمال، و از شرق به سوی غرب جریان دارد. ولی، با تغییر شرایط اقتصادی، مسیر قاچاق هم همراه با آن سریعاً عوض می شود. سوداگران فقط به فکر پول هستند و تقاضاهای «بازار» خود را دنبال می کنند. قاچاق کودکان امروزه عمدتاً در جنوب شرقی آسیا، آمریکای لاتین، و برخی از کشورهای فقیر اروپای شرقی دیده می شود. این مناطق به عنوان مقصد توریسم سکس هم معروفند.

توریسم سکس در جهت عکس حرکت می کند، یعنی از کشورهای غنی به سمت کشورهای فقیر – از شمال به جنوب، و از غرب به شرق. توریستهای نسبتاً پولدار از آمریکا، استرالیا، اروپا، و ژاپن، توان پرداخت مالی برای تماسهای جنسی را دارا می باشند، و در این رابطه، برخی از آنها به دنبال کودکان می گردند. اما، این بدان معنا نیست که مردان بومی و محلی از فرصتهای جنسی ایجاد شده استفاده نمی کنند، بلکه بالعکس. بعضی از این مردان، به خطا بر این باورند که ایدز از طریق آمیزش جنسی با دختران باکره، درمان می شود، و این خرافات، دختران بسیار جوان را در معرض خطرات جدی قرار می دهد. موقعیت پائین اجتماعی زنان و دختران، در بسیاری از کشورهای در حال رشد، آنها را، بخصوص در مقابل سوء استفاده ها و بهره کشی های جنسی، تضعیف و آسیب پذیر می سازد. البته، بیکاری و فقدان امکانات آموزشی، بعضی از پسران را هم مجبور به تن فروشی می کند.



توریسم سکس در جنوب شرقی آسیا

نقشه فوق، مقصد اصلی و مورد پسند توریستهای سکس از کشورهای رشد یافته را نشان می دهد. توجه به این نکته بسیار مهم است که، نه همه، بلکه تنها بخش بسیار کوچکی از این توریستها، به رابطه جنسی با کودکان علاقه مند می باشند. اکثریت بزرگی از آنها به دنبال روسپیان بالغ می گردند که توان پاسخدهی جنسی کامل را دارا هستند. این توریستها گاهی هم به دنبال مردان جوان می گردند.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی تماس جنسی بزرگسالان با کودکان: زنا با محارم: فحشای کودکان 4

همانطور که در بخش قبلی روشن گردید، فقر، ریشه فحشای کودکان است. این مسئله در مورد انگلستان دوران ویکتوریایی و فحشای کودکان آن صدق می کرد، و امروز هم در مورد بسیاری از کشورهای در حال رشد صدق می کند. فقر و ناداری است که بسیاری از دختران و پسران را جهت دستگیری از والدین و خواهران و برادران خود، ناگزیر می کند که به «کارگران جنسی» تبدیل شوند. کودکانی دیگر، خود را در موقعیت و شرایط استیصال کننده و نومیدانه تری می یابند، یعنی «کودکان رها شده خیابانی». این کودکان برای زنده ماندن راهی جز گدایی، دزدی و تن فروشی ندارند. بنابراین، درک این مسئله مهم است که، تلاشهای ستودنی سازمانهای ملی و بین المللی جهت پایان دادن به فحشای کودکان، فقط به موازات تلاشهای آنان برای زدودن فقر، موفقیت آمیز خواهد بود. برگزاری کنگره ها، کش و بسط دادن مفهوم «کودکی» تا حدی که نوجوانان را هم دربر گیرد، وضع قوانین جزائی سختگیرانه تر، دستگیری و مجازات مشتریان، بستن فاحشه خانه ها و غیره، چیزی جز درمان روبنا و ظاهر مسئله ای که ریشه زیر بنایی جدی تری دارد، نمی باشد. با وجود همه تلاشهای قابل تقدیر این سازمانها، اما اگر آنها به علل سیاسی و اقتصادی فقر نپردازند، آنوقت هدف و مسئله اصلی خود را فراموش کرده اند. تا زمانی که فقر کودکان ادامه دارد و آنها را مجبور به تن فروشی می کند، حتی بزرگترین «عملیات پاکسازی» هم به این کودکان کمکی نخواهند کرد.



مبارزه با سوء استفاده های جنسی و فقر

این کنگره یونسف که در یوکوهاما، ژاپن، برگزار گردید، بر درخواستهای خود جهت تصویب قوانین سختگیرانه تر و اجرای قانون، تأکید و پافشاری زیادی نمود، اما، در رابطه با فقر، به مسائل کلی بسنده کرد: «ما از برنامه های زیر استقبال می کنیم- تأکید بیشتر بر حقوق کودک، امکانات آموزشی بهتر برای کودکان، اقدامات حمایت اجتماعی برای خانواده ها و کودکان جهت مقابله با فقر». (برای اطلاع بیشتر روی آرم فوق کلیک کنید).

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی تماس جنسی بزرگسالان با کودکان: زنا با محارم: پورنوگرافی کودکان



ترسیم کودکان در حالت انجام فعالیت جنسی، به تنهایی یا با دیگران، به عنوان «پورنوگرافی کودکان» شناخته می شود و عملاً در همه جا ممنوع می باشد. بسته به هر مورد، این می تواند عکسهایی از بچه های لخت در «حالت های تحریک آمیز»، یا حتی بدون هرگونه بار معنایی جنسی را هم شامل شود. مفهوم قانونی «کودک» باز در اینجا هم شامل «هر فرد زیر 18 سال» می شود. تصاویر کودکان، در قالب رسم کشی، نقاشی، عکس، یا فیلم، ویدئو، دی وی دی و دوربین های زنده (وب کم)، و اغلب به کمک کامپیوترهای شخصی، انتشار می یابند. تولید و نگهداری اینگونه تصاویر یک جرم جدی محسوب می شود.

همانطور که توافقی عمومی حول مفهوم دقیق «پورنوگرافی» وجود ندارد، در مورد «پورنوگرافی کودکان» هم موافقتی همگانی دیده نمی شود، چون مردم حامل فرهنگ های مختلف، برخوردهای متفاوتی در پیش می گیرند. در واقع، حتی افراد با پیشینه مشابه هم، ممکن است در طول زمان برخوردهای خود را تغییر دهند. مثلاً در دهه 1970، در آمریکا و اروپا، کتابهایی در عرصه آموزش جنسی وجود داشتند که به وسیله متخصصان تربیتی هم توصیه می شدند، اما امروزه پورنوگرافی محسوب گردیده و در بازار نایاب می باشند. همینطور، عکسهایی که صد سال پیش، لوئیس کارول، نویسنده «آلیس در سرزمین عجائب» گرفت، و باعث شدند که هم والدین کودکان و هم بی شمار افرادی که علاقه ای وافر به عکاسی داشتند، تا این اواخر، بدون قصد و غرض و بی آنکه گناهی مرتکب شوند از دیدن آنها لذت ببرند، هم بحث انگیز شده اند. و آخر سر اینکه، همانطور که بازدیدکنندگان کلیساهای رنسانس و باروک در ایتالیا، به راحتی می توانند ببینند، در بعضی از آنها نقاشیها، دیوارنگاریها، و مجسمه های کودکان لختی وجود دارند که اگر هنرمندی امروز آنها را تولید کند، بلافاصله بازداشت و دستگیر می شود. معهذاً، در خارج از «محدوده خاکستری»، تعداد زیادی از عکسها، تصاویر و فیلمهای آشکار جنسی وجود دارند که توافقی عمومی درباره آنها وجود دارد: حصول آنها بدون بهره کشی و سوء استفاده جنسی از کودکان امکان ندارد. و به راستی که بعضی از کودکان مشخصاً قربانی خشونت جنسی اند.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی تماس جنسی بزرگسالان با کودکان: زنا با محارم: پورنوگرافی کودکان 2

امروزه، بیشتر موارد مربوط به پورنوگرافی کودکان، روی اینترنت گردآوری، رد و بدل، و به مشارکت گذاشته می شوند. در رابطه با سوء استفاده های جنسی، قوانین جدیدی جهت مقابله با این موضوع به تصویب رسیده اند.

در عین حال، سازمانهای مجری قانون، به روز شده، و همکاری بین المللی آنها هم تقویت شده است. نمونه ای از این همکاری بین المللی، ارتش مجازی جهانی می باشد، که با سوء استفاده از کودکان روی شبکه اینترنت مقابله می کند. این مؤسسه، برای اصطلاح سوء استفاده از کودکان روی شبکه این تعریف را ارائه می دهد:



ارتش مجازی جهانی
اتلافی از سازمانهای
مجری قانون از سراسر جهان،
که علیه سوء استفاده از کودکان
روی شبکه اینترنت، با هم
همکاری دارند. (برای اطلاع
بیشتر روی آرم کلیک کنید.)

سوء استفاده از کودکان روی شبکه، شامل:

ساختن یا دریافت (دانلود کردن) تصاویر کودکان در حالت مورد سوء استفاده قرار گرفتن، و نزدیک شدن به کودکان بر روی شبکه اینترنت برای سکس می باشد. این شامل سکس روی خط (یعنی فعالیت جنسی به کمک نوشته و دوربین)، یا گول زدن و به دست آوردن دل و اعتماد کودک بر روی شبکه به منظور ملاقات حضوری و سکس در عالم «واقع» هم می باشد.

این ارتش جهانی، از رابطه بین اینترنت و امکانی که برای گول زدن کودکان فراهم می کند، آگاه بوده و سعی دارد که با آن مقابله کند. دیدن چنین فرضی منطقی به نظر می رسد اما، اینکه این احتمال چقدر بالفعل و تا چه اندازه مهم می باشد، معلوم نیست. مشخص هم نیست که چه تعداد از کودکان و بزرگسالان در هر کدام از انواع سوء استفاده های جنسی، درگیرند. برآورد خود ارتش مجازی جهانی این است که «35% - 25% از کاربران جوان اینترنت، در معرض مطالب جنسی واقع شده اند». لیکن، باز هم معنی دقیق این برآورد همچنان دشوار می نماید. همه چیز به تعریفی که از «جوان» و «مطالب جنسی» می شود، بستگی دارد. هر چه که باشد، اینترنت امکان جدیدی برای سوء استفاده مجرمان از غافلان فراهم آورده است، و در این رابطه، بخصوص کودکان نیازمند محافظت از بزرگسالانی هستند که آنها را طعمه جنسی خود می کنند.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی

تماس جنسی بزرگسالان با کودکان: زنا با محارم: پورنوگرافی کودکان 3



استثمار تجاری و روانی کودکان در جهت اهداف پورنوگرافی و شهوانی، حیطه وسیعی از «تصاویر لخت» ظاهراً بی ضرر، تا صحنه های فجیع خشونت جنسی را شامل می شود. تولید کنندگان این مواد و مطالب، در هر گوشه ای از جهان زندگی می کنند، و اهل هر نوع شغل و حرفه ای می توانند باشند. البته، گاهی خود والدین بچه ها هم در قضیه دست دارند. توافقی عمومی حول ردیابی و پایان دادن به این بهره کشی و استثمار جنسی کودکان وجود دارد. با این همه، وقتی که موضوع، به نوجوانان و جوانان زیر بیست سال که از خود عکسهای لخت می گیرند و آنها را با دوستان همسن و سال خود رد و بدل می کنند مربوط شود، آنوقت قضیه شفافیت خود را از دست می دهد. نه تنها اینترنت، بلکه امروزه، تلفنهای موبایل هم امکان ارسال و دریافت عکس و تصویر را می دهند. تا زمانی که ارسال کننده زیر 18 سال باشد، قانوناً به عنوان کودک تعریف می شود، ولی هم خودش، و هم دریافت کننده تصاویر، به عنوان توزیع کنندگان تصاویر پورنوگرافی کودکان، مجرم و بزهدار شناخته می شوند.

می توان تصور نمود که این نوع توزیع هم اکنون روی اینترنت جریان دارد و در آینده هم گسترش خواهد یافت. اما این نوع از انتشار تصاویر تاکنون به طور وسیعی مورد بحث قرار نگرفته است، و هنوز معلوم نیست که قانون و مجریان آن در آینده چگونه با این مسئله برخورد خواهند کرد.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی

تماس جنسی بزرگسالان با کودکان: زنا با محارم: پورنوگرافی کودکان 4

تعاریف متفاوتی که از «کودکی» می شود، و یکسان نبودن مرز «سن قانونی» در کشورهای مختلف، پیشاپیش حکایت از آن دارد که مبارزه با پورنوگرافی کودکان کار ساده و همواری نیست، و تازه، چندین مسئله تکنیکی و قانونگذاری را هم پیش کشیده است. برای مثال:

از تعدادی از مردان که به نگهداری پورنوگرافی کودکان متهم شده بودند، رفع اتهام گردید چون مشخص شد که ویروس کامپیوتری خاصی («اسب تروژن») به کامپیوتر آنها سرایت و عکسها را بدون اطلاع آنها، روی کامپیوترشان داندلود کرده بود.

مدافعان حقوق مدنی اشاره کرده اند که مجازات افراد به جرم نگهداری خصوصی عکسها و تصاویر، حال هر چه که باشند، مشکل ساز است، این نوع دخالت دولت در حریم خصوصی، اسباب این نگرانی می شود که مبادا به تأسیس «پلیس اندیشه ای» بیانجامد و هر نوع افکار و نظرات مخالف دولت را سرکوب کند.

مجازات نگه دارندگان تصاویر پورنوگرافی کودکان، به قیمت پاداش دهی مجرمان تولید کننده و تشویق آنها برای آسیب رسانی و بهره کشی از کودکان بیشتری تمام می شود. با وجود این، تکنولوژی مدرن کامپیوتری امروزی، امکان تولید تصاویر پورنوگرافیک «مجازی» کودکان را فراهم آورده است؛ یعنی عکسها و تصاویر ساختگی که کاملاً حقیقی جلوه می کنند، اما این کودکان در عالم واقع وجود ندارند. تلاش برای ممنوعیت اینگونه تصاویر، پرسشهای کاملاً تازه ای مطرح می سازد. درواقع، دادگاه عالی ایالات متحده، این نوع ممنوعیت را ناقض قانون اساسی تضمین حق بیان، اعلام کرده است.

(United States Supreme Court in *Ashcroft v. Free Speech Coalition*, 2002)

با توجه به آنچه که در فوق آمد، و همینطور دیگر مسائل بحث انگیز، گروههای مدافع حقوق مدنی در این تلاشند که حوادث را زیر نظر داشته باشند و نسبت به هرگونه افراط از هر جهتی، هشدار می دهند.

حقوق سایبری و آزادیهای سایبری سازمان غیر انتفاعی حقوق و آزادیهای مدنی



وبسایت یک سازمان ناظر بر حقوق و آزادیهای مدنی در اینترنت.
(روی تصویر کلیک کنید.)

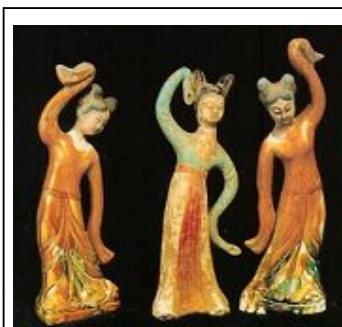
رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی روسپیگری

کلمه «روسپیگری» (prostitution) (از لغت لاتین *prostitution* یعنی به معرض نمایش گذاشتن، پیشنهاد کردن، تقدیم نمودن)، واژه و اصطلاح سنتی جا افتاده برای آن چیزی است که امروزه «کار جنسی» نامیده می شود. این زبان رک و بی پرده شاید صادقانه جلوه کند اما، کاربران آن باید متوجه باشند که آنها از کار و شغل بسیار خاصی صحبت می کنند. و به راستی که این کار به هیچ کار دیگری شباهت ندارد. حقایق اساسی به اندازه کافی ساده اند: برخی از مردان و زنان بنا به عادت، در قبال اجرای خواسته های جنسی مشتریان خود، پاداش مادی (پول، هدایا)، تقبل می کنند. این مسئله به طور سنتی، شامل تماس مستقیم فیزیکی می شود، اما انقلاب الکترونیکی حاضر، انواع جدیدی از روسپیگری، از «سکس تلفنی» تا تعامل و هم کنشی سمعی و بصری از طریق اینترنت و موبایل را ممکن کرده است. زنان و مردان، به تنهایی یا به همراه شریک جنسیشان، به مشتریان خود اجازه می دهند که به مقاربت جنسی آنها گوش دهند، نگاه کنند، و حتی به بینندگانی چند هم اجازه می دهند که نوع و شکل اعمال و حرکات مورد نظر خود را به آنها دیکته کنند.

تحولات اخیر، پرسشهای تازه ای درباره طبیعت و ماهیت مبادله به پیش می کشند. مثلاً، همراه با استدلال‌ات قابل توجهی، ادعا می شده که روسپیان همیشه مورد بهره کشی و سوء استفاده جنسی مشتریان خود قرار می گیرند. اما به نظر می رسد که «روسپیگری از راه دور» امروزی جای نقشها را عوض کرده است. به این شکل که افراد در قبال خدمات جنسی خود، از افراد ناشناخته ای پول دریافت می کنند و دو طرف هرگز همدیگر را ملاقات نمی کنند. درواقع، کارکنان جنسی امروزه قادرند که به چندین نفر از مشتریان خود به طور همزمان سرویس دهند و به این طریق، در قبال هر عمل جنسی ای که انجام می دهند، چند برابر درآمد دریافت می کنند. یک ناظر بی طرف خیلی راحت این سؤال را می تواند مطرح کند که «اگر در اینجا بهره کشی و استثمار اتفاق می افتد، کدام طرف دیگری را مورد بهره کشی قرار می دهد؟» پاسخ این سؤال چندان روشن نیست، و به راستی هم هرچه که بیشتر در این موضوع تعمق کنیم، بیشتر به پیچیدگی کل مسئله روسپیگری پی می بریم. تکنولوژی جدید ابعادی از مسئله را برملا می کند که همیشه وجود داشته اند اما بدانها توجهی نمی شده است.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی روسپیگری: یادداشتهای تاریخی

همیشه روسپیگری را «قدیمی ترین حرفه جهان» نامیده اند، والحق هم که از قدیم الایام در همه تمدنهای



روسپیان رقصان
روسپیان رقصان چینی (پورسلین)
قرون 8-9 بعد از میلاد.
(موزه سکس چین، تونگلی)

باستانی و مدرن وجود داشته است. در دوران باستان، روسپیگری در خاور نزدیک، حتی از یک بعد مذهبی برخوردار بود؛ و «روسپیان مقدس» در خدمت و رکاب الهه باروری بودند و در آمدشان به معبد تعلق می گرفت. البته، ما از طریق انجیل متوجه می شویم که این نوع «روسپیگری معبدی» از طرف قوم اسرائیل به شدت محکوم شده بود. با این وجود، روسپیگری در شکل دنیوی و این جهانی خود، در سراسر جهان باستان رونق یافت. به این خاطر، وقتی که باستان شناسان به حفاری شهر رومی پمپی (Pompeii)، که در سال 79 بعد از میلاد منهدم شده بود پرداختند، از یافتن چندین روسپی خانه تعجبی نکردند. بر دیوار یکی از این خانه ها نوشته شده بود: (Hic habitat felicitas) «در اینجا شادی می زید». در اروپای مسیحی سده های میانه، روسپیگری، که بنا بر اعتقاد توماس اکویناس قدیس، لغو آن باعث آشوب و اخلاص اجتماعی می گردد و «حتی یک کاخ هم به فاضلاب

نیاز دارد»، رسماً مورد مدارا قرار می گرفت و تحمل می شد. در امپراطوری چین، روسپیگری در طول قرن‌ها تحت نظارت و مقررات دولتی بود و بعداً به سازمان تجارت خصوصی گسترده ای تبدیل شد. با تأسیس جمهوری خلق چین در سال 1949، روسپیگری غیر قانونی اعلام گردید. درحقیقت، قبل از این هم، در طول تاریخ چین، تلاشهای مکرری برای محو روسپیگری صورت گرفته بود، اما همه آن تلاشها در درازمدت بیهودگی خود را به اثبات رساندند. همین موضوع در مورد کشورهای دیگر هم صدق می کند. مثلاً در آمریکا، بعد از جنگ جهانی اول، همه روسپی خانه های قانونی را بستند، اما با این کار خود به ایجاد اشکال تازه ای از روسپیگری، از جمله «بارهای محل بلند کردن»، «سالن های ماساژ»، «فاحشه های خیابانی»، «دختران تلفنی» و «خدمات اسکورتی» دامن زدند. در اروپا، امروزه دو نوع استراتژی متضاد هم دنبال می شوند: بازداشت مشتریان روسپیان (سوئد)، یا تبدیل روسپیگری به یک شغل رسمی همراه با بیمه های بهداشتی و طرح حقوق بازنشستگی (هلند). به نظر می رسد که نمونه هلند در اکثر کشورهای اروپایی هر چه بیشتر طرفدار می یابد. از آنجا که امکان تحقیق و تفحص حول تاریخ روسپیگری، در جاهای دیگر به راحتی امکان پذیر است، در این دوره آموزشی تنها به نوشتن یادداشتهای کوتاهی حول برخی از ابعاد آن که در شرایط فعلی کماکان اعتبار دارند، خواهیم پرداخت.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی روسپیگری: یادداشتهای تاریخی 2

«پدر سکسولوژی» ایوان بلوچ (Iwan Bloch)، روسپیگری را به دلیل برخوردار بودن از هر دو بعد زیست شناختی و اجتماعی- فرهنگی، مهمترین و باارزش ترین موضوع علم جدید خود می دانست. به همین دلیل، مطالعه آن نیازمند یک رویکرد میان رشته ای است، یعنی همکاری بین علوم طبیعی و علوم اجتماعی. درحقیقت، خود ایوان بلوچ پروژه تحقیقاتی بلند پروازانه ای در امتداد همین خطوط، به نام «روسپیگری» (Die Prostitution" vol. I, 1912) شروع کرد، اما قبل از اتمام آن، درگذشت.

پیش از این، یک پژوهش ناتمام دیگر حول روسپیگری، به عنوان بخشی از مطالعات «تاریخ وابستگی در نژاد انسانی». (History of Dependency in the Human Race" – 1826 / 27) توسط ویلهلم فون هامبولت انجام گرفته بود. هامبولت دررنوس مختصر مطالب خویش، کلید درک و فهم روسپیگری را یافته بود: وابستگی.

روسپیگری در شرایطی رشد می کند و شکوفا می شود که آن شرایط، افراد خاصی را از جهت اقتصادی، اجتماعی و روانی وابسته دیگران می کنند و به این خاطر، زمینه سوء استفاده از آنها هم فراهم می شود. این مسئله بخصوص در مورد زنان بسیاری صدق می کند که مجبورند به مردان وابسته باشند، اما شامل حال بسیاری از مردان تن فروش هم می شود که برای درآمد خود به مشتریان وابسته اند.

هرچند که همه حقیقت این نیست، چون واقعیت بسیار پیچیده تر از این می باشد، اما با این وجود، بینش هامبولت، نویدبخش ترین رویکرد علمی به روسپیگری را ارائه می دهد. این بینش مشخص می کند که چرا همراه با ازدیاد فقر، فحشا هم گسترش می یابد، چرا قاچاق سکس بیشتر دامنگیر زنان فقیر و کودکان می شود، و چرا مقصد توریسم سکس کشورهای فقیر می باشد. بینش هامبولت این را هم روشن می کند که چرا هروقت دسترسی زنان به امکانات تحصیلی بیشتر شده و آنها توانسته اند شرایط اقتصادی و موقعیت اجتماعی خود را بهبود بخشند، فحشاء هم کمتر شده است.



ژتونهای روسپی خانه ها

هنگام ورود به فاحشه خانه ها، این نوع ژتونها تهیه، و بعداً برای پرداخت خدمات دریافتی به کار برده می شدند. سمت چپ: ژتونهایی از دوران امپراطوری چین. سمت راست: ژتونهایی از دوران روم قدیم. (موزه سکس چین، تونگلی)



استفان زویگ (1942) –
(1881)

نویسنده درخشانی که بعد از
اشغال زادگاه بومی خود اتریش
توسط آلمان نازی، مجبور به
مهاجرت شد. کتابهای پرخواننده
او، همچون آثار دیگر نویسندگان
یهودی، ممنوع شدند. او موفق به
تکمیل خاطرات خود گردید و به
برزیل رفت، اما در آخر یاس و
نومیدی بر او غلبه کرد و دست به
خودکشی زد. کتاب خاطرات او
بعد از مرگ نویسنده منتشر شد.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی روسپیگری: یادداشتهای تاریخی 3

بسیاری از افرادی که امروزه از وجود روسپیگری می نالند، نمی دانند و یا فراموش می کنند که این پدیده «در روزهای خوش گذشته»، از این هم بیشتر بوده است. درحقیقت، تا اوایل قرن بیستم، نه تنها در محله های بدنام خاصی در شانگهای و دیگر شهرهای آسیایی، بلکه در شهرهای بزرگ اروپا و آمریکا هم، در مقایسه با امروز، فاحشه های بیشتری وجود داشتند. استفان زویگ (Stefan Zweig) در خاطرات دوران کودکی خود در وین دوران امپراطوری اتریش می نویسد:

«نسل حاضر تصور چندانی از گستره وسیع فحشاء در اروپای قبل از جنگ ندارد. در آن روزها، پیاده روها آنچنان مملو از زنان خودفروش بودند که گریز از آنها سخت تر از یافتنشان بود. مضاف بر این، تعدادی «خانه های سر بسته»، کلابهای شبانه، کایاره ها و رقاص خانه ها با دختران رقصنده و آوازه خوان، و بارهایی با مهمانداران زن، هم وجود داشتند. زنان مال التجاره، علناً هر ساعت و با هر قیمتی عرضه می شدند، و هر مردی برای خرید یک زن به مدت ربع ساعت، یک ساعت و یا یک شب، مشکلی بیش از خرید یک بسته سیگار یا روزنامه متحمل نمی شد.»

1944 (جهان دیروز) (Stefan Zweig, Die Welt von Gestern).

آنطور که زویگ خود متوجه گردید، بعد از جنگ جهانی اول، همزمان با ورود فزاینده زنان به نیروی کار منظم (جایگزین مردان مقتول در جنگ شدند)، و دستیابی جوانان به فرصتهای بیشتر برای تماس و برقراری ارتباط آشکار، که در سایه آزادیهای جدید جنسی به دست آمده بود، تصویر فوق دچار تحول گردید. و این به نوبه خود باعث شد که جوانان کمتر به روسپی خانه ها بروند. البته، در سالهای بلافاصله بعد از جنگ، بدبختی و فلاکت اقتصادی، افزایش فحشاء را به ارمغان آورد، ولی، با شروع آزادی زنان و مشارکت بیشتر آنها در امور، روند کاهش وابستگی آنان هم آغاز گردید و این روند تا امروز ادامه داشته است. استثناء همواره با رکود جدید اقتصادی گره خورده است. برای مثال رکود بزرگ 1939 در ایالات متحده آمریکا، یا فقر اروپای غربی بعد از جنگ دوم جهانی، یا پیوستن امروزی کشورهای توسعه نیافته اروپای شرقی به غرب ثروتمند. با وجود این عقبگردها اما، روسپیگری در ایالات متحده و اروپا، هرگز دوباره به سطح سابق خود نرسیده است.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی روسپیگری: یادداشتهای تاریخی 4



بعد از جنگ جهانی اول، روسپیگری در کشورهای صنعتی غربی به تدریج کاهش یافت. ولی با این حال، به دلایل گوناگونی، به عنوان یک معضل مهم اجتماعی باقی ماند، و چه ممنوع، تحت نظارت، و یا مورد اغماض واقع شده، اما در هر صورت یادآور ریا و دورویی اجتماعی، سیاسی و اخلاقی بود و ادامه وابستگی حیات بسیاری از زنان، که قربانی اخلاق دوگانه سیستم قضایی بودند را برملا می کرد. مثلاً، جاهایی که روسپیگری غیر قانونی بود، پلیس فقط روسپیان را دستگیر می کرد و کاری به مشتریان نداشت. اما با وقوع «انقلاب جنسی» جدید در اواخر دهه 1960 و ابتدای دهه 1970، همه چیز متحول شد. در سال 1973، اولین سازمان مدافع حقوق روسپیان به نام:

COYOTE (Call Off Your Old Tired Ethics)

در سانفرانسیسکو شکل گرفت، و به دنبال آن سازمانهای مشابهی در کشورهای زیادی تأسیس شدند. این سازمانها در سال 1985 در همکاری با هم، منشور جهانی حقوق روسپیان را تصویب و منتشر کردند. جنبش سازماندهی روسپیان خیلی سریع به ایجاد یک شبکه آموزشی منجر گردید که در مبارزه با ایدز، بیماری ای آمیزشی که غلبه بر آن همکاری هر دو گروه کارگران جنسی زن و مرد را می طلبد، مفید واقع شده است. هر جا که این همکاری حاصل شده، پیشرفتهای قابل توجهی در امر پیشگیری از ایدز هم به دست آمده است. برای دسترسی به وبسایتهای اطلاعاتی در رابطه با روسپیگری می توان به اینجا سر زد.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی روسپیگری: جنبه های قضایی



روسپیگری در بسیاری از کشورها غیر قانونی است. بسته به هر جامعه ای، ممکن است با آن به عنوان نوعی بزه کاری و تخطی ساده از قانون (نمونه اکثر ایالتهای آمریکا)، و یا به عنوان جنایتی عظیم که حکم اعدام دارد (نمونه بعضی از کشورهای اسلامی) برخورد شود. ولی، فارغ از این که قانون چه می گوید، «تجارت سکس» در همه این کشورها در حال شکوفایی است. بنا بر همین واقعیت، کشورهایی چند، در برخورد با این مسئله رویکردهای دیگری در پیش گرفته اند. از آنجا که غیر قانونی کردن روسپیگری نه تنها به محو آن منجر نمی شود، بلکه چه بسا ناخواسته ترین جنبه ها و ویژگیهای آن را هم تقویت می کند، امید آن می رود که تغییر رویکرد، مؤثر واقع شود. برای مثال:

- **جرم زدایی (Decriminalization)**، یعنی لغو قوانین جنایی علیه روسپیگری.
- **قانونی کردن (Legalization)**، یعنی آن را به عنوان فعالیتی دارای قانون و قاعده در آوردن.
- **هدفمند سازی (Regulation)**، یعنی کنترل و هدایت آن به کمک شیوه ها، مقررات و مکانیزمهای خاص.

می توان گفت که در رابطه با روسپیگری، توافقی کلی و عمومی حول معانی دقیق واژه های فوق وجود ندارد. درواقع، جای معانی آنها با هم عوض می شود (جرم زدایی معادل قانونی کردن، و این به نوبه خود معادل هدفمندسازی تلقی می شود)، و همین مسئله، بحث را دشوار می کند. در این دوره آموزشی، ما این واژه ها را معادل تعریفی که در فوق از آنها به عمل آمده، به کار می گیریم.

جرم زدایی، در سه رویکرد نامبرده، این از کمترین ابهام برخوردار است. چون روسپیگری را صرفاً به حال خود رها می کند. هرچند که مالیات بستن بر درآمد آنها، که گاهی قابل توجه می باشد را، مسکوت می گذارد. و در نتیجه نسبت به افراد دارای مشاغل دیگر که باید مالیات پرداخت کنند، اجحاف می شود.

قانونی کردن چه بسا فرصتی برای مالیات گیری فراهم آورد اما اغلب راه دوری نمی رود و در مجموع فرق چندانی با جرم زدایی نمی کند. اما می توان با قوانین عمومی روشن و بدون ابهام، بر آن نظارت کرد.

هدفمندسازی به ناچار نیازمند ورود به مقررات، و گاهی مقررات بسیار خرد و ریز، می باشد. برای نمونه، ممکن است فاحشه خانه ها را به داشتن پروانه کار مجبور سازد و بازرسی مرتب از آنها را الزامی کند، یا خود روسپیان را به داشتن پروانه کار، پرداخت بیمه بهداشت و بیکاری، انجام منظم معاینات بهداشتی و استفاده از کاندوم، مجبور سازد. هرکدام از سه رویکرد فوق، در عمل مزایا و اشکالات خاص خود را دارند، و هیچکدام به تنهایی راه حل ایده آلی برای مشکلات مربوط به روسپیگری ارائه نمی دهد. و این مشکل غیر قابل انکاری است.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی روسیگری: جنبه های قضایی 2

دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر
کنوانسیون مقابله با قاچاق افراد و سودجویی از روسپیگری دیگران



کنوانسیون 1949 سازمان ملل

این کنوانسیون راههای مبارزه با قاچاق بین المللی با هدف خرید و فروش سکس را توضیح می دهد. تا به حال کشورهای زیادی این کنوانسیون را امضاء کرده اند، اما برخی از کشورها هم از پیوستن بدان خودداری نموده اند. (برای جزئیات بیشتر روی آرم فوق کلیک کنید.)

در سال 1949، مجمع عمومی سازمان ملل به منظور پایان دادن به سوء استفاده و بهره کشی از افراد با هدف روسپیگری، قطعنامه ای صادر کرد. در این سند از جمله درخواست گردیده که همه کشورهای امضاء کننده، افراد دلال و صاحبان فاحشه خانه ها را مجازات، و کار به ثبت رساندن روسپیان را کنار نهند. ظاهراً، برخی از این درخواستها با موافقت عمومی مواجه نشدند. بعضی کشورها از امضای قطعنامه خودداری، و بر حق خود مبنی بر دنبال کردن سیاست دلخواهشان، که نسبت به سیاستهای قطعنامه کاملاً متفاوت بودند، پافشاری کردند. در واقع، در سال 1979 همزمان با تصویب کنوانسیون رفع همه اشکال تبعیض علیه زنان، به نظر می رسید که سازمان ملل به طور ضمنی از جرم زدایی از روسپیگری حمایت می کند. در هلند مثلاً، روسپیگری یک حرفه قانونی است. روسپیان معمولاً خود کارفرمای خود هستند؛ یعنی شغل آزاد دارند و مالیات بر درآمد پرداخت می کنند. آنها در جایی ثبت نشده اند و الزامی به چک آپهای بهداشتی ندارند. حداقل سن روسپیگری هیجده سال است و حداقل سن برای مشتریان شانزده سال در نظر گرفته شده است. کشورهای زیادی این راه دراز را طی نکرده اند، اما سیاست نسبتاً آزاد و لیبرالی، از جرم زدایی تا انواع مختلفی از هدفمندسازی، در پیش گرفته اند. در اینجا چند نمونه آورده می شود: آلمان، سوئیس، اسپانیا، فرانسه، ایتالیا، دانمارک، بلژیک، یونان، بلغارستان، ترکیه، کانادا، کاستاریکا، برزیل، نیوزلند، بعضی از ایالت های استرالیا و ژاپن، تنها انواعی از روسپیگری را منع کرده اند. هدفمندسازی در ایالت نوادا در آمریکا در پیش گرفته شده است. این لیست نه کامل است و نه قادر به ارائه تصویر کاملی است؛ چون، حتی در جایی که خود روسپیگری آزاد است، چه بسا فعالیتهای دیگر مرتبط با آن آزاد نباشند. (چاپ آگهی و تبلیغ، درخواست، «تجمع» روسپیان، رفتن به خیابانها، دلالی، دائر کردن فاحشه خانه و غیره). علاوه بر آن، جمله بندی دقیق قوانین مربوط به روسپیگری از کشوری به کشوری دیگر فرق می کند، و در مورد اینکه چیزی قانونی هست یا نیست هم، اختلاف نظر وجود دارد. و آخر اینکه، در امر اجرای قوانین هم تفاوت های فاحشی وجود دارند.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی

روسپیگری: جنبه های قضایی 3

در سوئد رویکرد منحصر به فردی در پیش گرفته شده است: فروش خدمات جنسی آزاد است اما خرید آنها ممنوع می باشد. به این ترتیب، درحالیکه مشتری دستگیر می شود، روسپی، آزادانه به راه خود ادامه می دهد. منطق پشت سر این قانون در اسناد دولتی مربوط به آن چنین آورده شده است:

«در سوئد، روسپیگری به عنوان جنبه ای از خشونت مردان علیه زنان و کودکان تلقی شده، رسماً به عنوان شکلی از استثمار زنان و کودکان مورد اعتراف بوده، و یک مشکل مهم اجتماعی است که نه تنها برای زن یا کودک روسپی مضر است، بلکه به زیان کل اجتماع می باشد. تا زمانی که مردان، زنان و کودکان را مورد خرید و فروش و بهره کشی قرار می دهند، برابری جنسیتی دست نیافتنی باقی خواهد ماند.»

از زمان تصویب این قانون در سال 1999، طرفدارانش آن را به عنوان یک موفقیت بزرگ ستوده و آن را به دیگر قانونگذاران توصیه می کنند. مخالفانش آن را به عنوان یک ناکامی محکوم کرده و کشورهای دیگر را از تکرار اشتباهی که سوئد مرتکب شده، برحذر می دارند. این بحث اغلب پرشور شامل انواع زیادی از استدلالهای حقوقی، روانی، اجتماعی، اقتصادی و ادعاهایی است که به سهولت نمی توان آنها را رد یا تأیید کرد. بنابراین، بد نیست که در اینجا به برخی از منابع استدلال دو طرف، اشاره شود.

رویکرد سوئد به روسپیگری			
شکست؟	موفقیت؟		
برای اطلاع بیشتر، با فشار دادن کلید کنترل، روی هر کدام کلیک کنید			

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی

روسپیگری: جنبه های قضایی 4

یکی از دلایل تصویب قانون سوئد، فعالیت مجرمانه مربوط به کشاندن زنان از همه جا بی خبر، از کشورهای فقیر (در این مورد از اروپای شرقی) به کشورهای غنی در غرب، به کمک وعده های کار با درآمد خوب، و بعداً اجبار آنها به تن فروشی، می باشد.

این به اصطلاح قاچاق، صنعت پر رونقی است که معمولاً با جرائم سازمان یافته مرتبط است و، قاچاقچیان را هر چه پولدارتر و، زنان را به گونه ای هولناک، مورد بهره کشی قرار می دهد.

این مشکل با جهانی شدن فزاینده «تجارت سکس»، جدی تر شده است. قاچاق انسانها در جهت بهره کشی جنسی، مرز قاره ها را در می نوردد و سود حاصل از آن سرسام آور است. در نتیجه سطح استثمار و بهره کشی هم به همان نسبت افزایش یافته است. به همین دلیل، و مجموعه ای از دلایل دیگر، همه دولتها توافق کرده اند که این «کسب و کار» باید متوقف گردد؛ اما در مورد چگونگی توقف آن، دیدگاههای کاملاً متفاوتی وجود دارد. سوئد بر این باور است که منع خرید خدمات جنسی به موفقیت در توقف «کسب و کار» مورد اشاره، می انجامد اما، کشورهای دیگر بر این اعتقادند که، تنها جرم زدایی کامل و قانونی یا هدفمند کردن روسپیگری باعث تقویت و قدرت یابی زنان می شود و آنها را از کنترل عناصر مجرم رها می کند.



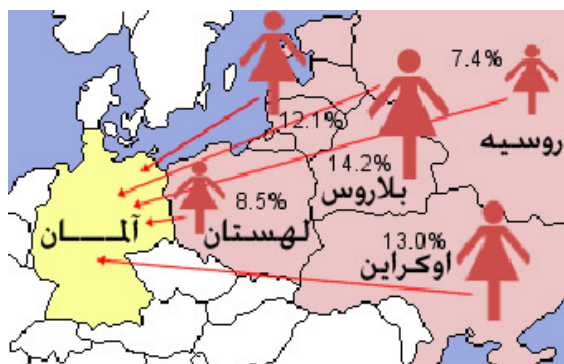
قاچاق انسانها

این وبسایتهای سازمان ملل، اطلاعاتی حول الگوهای قاچاق با اهداف جنسی و غیر جنسی، ارائه می دهند. (روی آرم کلیک کنید.)

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی روسپیگری: جنبه های قضایی 5

یکی از جنبه های به شدت منفی روسپیگری، همیشه این بوده که بعضی از مردان به وسیله کنترل، جمع آوری و به دست گرفتن درآمد روسپیان، از آنها بهره کشی می کنند. چنین مردانی معمولاً «جاکش» نامیده می شوند. مسلماً زنانی هم هستند که از درآمد روسپیان سهم می برند؛ مثلاً از طریق دایر کردن و گرداندن یک فاحشه خانه. چنین زنانی «خانم» نامیده می شوند. بعضی از این خانمها ممکن است صادقانه به رفاه «دختران» خود اهمیت دهند، و شاید جاکشهایی هم باشند که امنیت لازمه را برای «زنان» خود فراهم کنند؛ اما، این مسائل اسباب نگرانی فزاینده فعلی نیستند. در «جهان واقع» تصویر بسیار تیره و تارتر از این حرفهاست و به این خاطر هم در بسیاری از دولتها، حتی اگر روسپیگری جرم هم نباشد، اما جاکشان را مجازات می کنند. (البته بسیاری از دولتها اجازه دایر کردن فاحشه خانه را می دهند و با آن به عنوان جاکشی برخورد نمی کنند.) به هر حال، در جاهایی که روسپیگری ممنوع است، معمولاً تعداد روسپیان نیازمند جاکش هم بیشتر است. و بالعکس، جرم زدایی از روسپیگری، باعث کاهش تعداد و نفوذ افراد جاکش می شود.

امروزه، جدی ترین مشکل، رابطه بین جاکش و قاچاقچی می باشد. یا به افراد قربانی، در تهیه ویزای توریستی و ورود به کشور مقصد کمک شده، یا آنها را به طور غیر قانونی وارد کشور کرده اند. بدون اجازه اقامت قانونی، آنها در وابستگی مطلق به دام افتاده و قربانی آزار و اذیت فیزیکی و استثمار اقتصادی می شوند. به این ترتیب، آنها بر خلاف میل خود، به منبع درآمد مالی شبکه ای از مجرمان تبدیل می شوند.



«کارگران جنسی» خارجی در آلمان

در سال 2001 دفتر جنایی آلمان از 987 تن از قربانیان قاچاق، تجزیه و تحلیل به عمل آورد. از این عده، 69٪ اهل اروپای شرقی بودند. 3 درصد کمتر از 18 سال، 51 درصد بین 18، 24 و 32 سال و 3٪ بالاتر از 24 سال بودند. سن بقیه مشخص نبود. نقشه فوق درصد آنها را بر اساس تابعیت کشوریشان نشان می دهد. (لیتوانی: 12.1٪، لتونی 4.1٪). آنچه در اینجا آورده نشده این است که 9.9٪ قربانیان از آفریقا و آسیا، و 21٪ از مناطق دیگر می باشند.

منبع: (Bundeskriminalamt(BKA))

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی

روسپیگری: جنبه های قضایی 6

نه تنها روسپیگری غیر قانونی، بلکه نوع قانونی آن هم ممکن است با انواع بزه کاری من جمله فرار از پرداخت مالیات، جاکشی، استفاده از مواد مخدر و خشونت فیزیکی، متصل باشد. این بزه کاریها در جاهایی که روسپیگری آزاد است، کمترند اما به طور کامل از بین نمی روند. با این همه، **روسپیگری اغلب، جرم بی آزار یا «جرم فاقد قربانی» (victimless crime)** نامیده شده است. چنین چیزی چگونه قابل توجیه است؟ و برای شروع کار، کلاً جرم بدون قربانی یعنی چه؟

جرم فاقد قربانی، مبادله داوطلبانه اما غیر قانونی کالا و خدمات بین افرادی است که قانوناً توانایی اعمال نظر دارند. این مبادله در خدمت منافع هر دو طرف بوده و تا زمانی که به طور مستقیم یا غیر مستقیم به دیگری آسیبی نمی رساند، بی آزار می باشد. با این حال، این مبادله به آن خواسته و نیازی پاسخ می دهد که قانون سعی می کند آن را از مبادله کنندگان منع کند. بنابراین، آنها علاقه ای به اجرای قانون ندارند، و به این دلیل، نه به پیگرد قانونی روی می آورند و نه شواهدی به مقامات ارائه می دهند.

همانطور که تعریف فوق روشن می سازد، اجرای قانون علیه جرم و بزه کاری بی آزار، دشوار است. در نتیجه اقدام بدان، در عمل به سمت به کارگیری روشهای مشکوک، همچون جاسوسی سیستماتیک، مراقبت مخفیانه، به کارگیری عوامل مخفی، تطمیع و بدام انداختن، گرایش می یابد. و این به نوبه خود، زمینه را برای جرمهای دیگری مثل رشوه خواری و اشاعه فساد در دستگاه پلیس مساعد می کند. درحالیکه مفهوم نظری جرم و بزه کاری بی آزار به اندازه کافی روشن است اما، کاربرد آن در عمل مورد بحث و مشاجره می باشد. بعضی از جرائم در نگاه اول بی آزار به نظر می آیند اما عملاً به اشخاص ثالثی که دخالتی در آنها ندارند، آزار می رسانند. برای مثال، کسی که به صورت خصوصی یک مهاجر غیر قانونی را به عنوان سرایدار استخدام می کند، به مأمور مالیات کلک می زند. مصرف مواد خاصی، چه قانونی و چه غیر قانونی، (مشروب، ماری جوانا، کوکائین و غیره) نه تنها به مصرف کننده بلکه اگر به اعتیاد بیانجامد، آنوقت به طور غیر مستقیم به خانواده او هم زیان می رساند و اگر باعث حادثه رانندگی شود، چه بسا به فرد غریبه ای هم آسیب برساند. به این ترتیب، هرچند که استفاده از مواد به خودی خود ممکن است یک امر خصوصی تلقی شود، اما چه بسا عواقب عمومی هم داشته باشد. موارد دیگر از روشنی کمتری برخوردارند: کمک به انتحار ممکن است بنا به تعریف فوق، یک جرم بی آزار باشد اما نقض یک اصل اخلاقی است که بسیاری از جوامع آن را با ارزش می شمارند. چه بسا مباحثی جدی در طول زمان، چنین مسئله پیچیده ای را به شکلی حل کند. (امروزه کمک به انتحار، در چند کشور قانونی شده است.) به همین شکل، تعریف «تجاوز قانونی» (statutory rape) یعنی جماع با فردی زیر سن قانونی، هم ممکن است در ادامه مباحث فشرده ای، به شکل جدیدی مطرح شود. (در برخی کشورها، «سن قانونی» بسته به افکار عمومی، کاهش و یا افزایش داده شده است.) و اما در مورد روسپیگری چی؟

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی

روسپیگری: جنبه های قضایی 7

روسپیگری، تا زمانی که به دیگری آسیبی نرساند و به صورت مبادله خصوصی و داوطلبانه بین شرکت کنندگان رسیده به سن قانونی باقی بماند، در چارچوب تعریف بزه کاری و جرم بی آزار می گنجد. به این دلیل، مباحث مربوط به روسپیگری معمولاً روی دو مسئله زیر تمرکز می یابند:

1. هرچند که روسپیگری در بسیاری از موارد داوطلبانه است اما گاهی اوقات چنین نیست. روسپیان ممکن است به وسیله قاچاقچیان، جاکشان و یا خیلی ساده به دلیل اعتیاد خود به مواد مخدر، و یا از روی فقر، ناچار به ارائه خدمات، یعنی ناچار به تن فروشی شوند. به همین سبب، رضایت آنها مورد سؤال قرار می گیرد. از سوی دیگر، رضایت مردمی که فقر آنها را وادار می دارد تا به انجام مشاغل «روزمره» کم درآمدی که مضر بودن آنها برای سلامتیشان محرز می باشد، دست بزنند، تا چه اندازه می تواند معتبر باشد؟

2. روسپیگری، به عنوان معامله شخصی بین دو یا چند نفر، اگر نه همیشه، اما گاهی بر دیگری تأثیرگذار است. برای نمونه، هر چند که روسپیان خارجی خود قربانی پدیده قاچاق و تجارت انسانها هستند، اما حضور آنها در کشور خارجی اغلب برخلاف قوانین و مقررات مربوط به ویزا و اقامت بوده و بر درآمد خود مالیاتی نمی پردازند. البته فرار از پرداخت مالیات ممکن است توسط زنان روسپی بومی دارای پروانه کار هم انجام گیرد. به هر حال، این کار عادلانه نیست و در آخرین تجزیه و تحلیل، به ضرر هر شهروند پایبند به قانون و مقررات، تمام می شود.

همانطور که در مثالهای فوق نشان داده شد، مفهوم بزه کاری بی آزار همیشه بر روسپیگری منطبق نمی شود. شاید گاهی واقعاً هیچ قربانی ای نداشته باشد و به کسی آزاری نرساند، اما گاهی به خود فرد، جامعه و یا هردو، زیان می رساند. با این همه، قربانی دانستن هر روسپی، در هر شرایط و موقعیتی، مسئله را کمی لوث می کند. چون این واقعیت که برخی از روسپیان بدون وابستگی کار می کنند و از انتخاب خود راضی اند، را نادیده می گیرد. موضوع بخصوص در مورد زنانی صدق می کند که در انواع و اقسام وسایل ارتباطی الکترونیکی مشغول به کارند و با مشتریان خود ملاقات حضوری ندارند. در این رابطه، پیگرد بسیاری از مشتریان آنلاین آنها نامحتمل است و هیچ سودی نخواهد داشت. درواقع، افکار عمومی هم ممکن است از اجرای خشک چنین سیاستی در عرصه جهانی حمایت نکند. از سوی دیگر، اگر این سیاست در همه جا به طور یکسان اجرا نشود، آنوقت مسئله دلبخواهی می گردد و در نتیجه ناعادلانه خواهد بود.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی

روspiگری: جنبه های قضایی 8

این ایده که فحشا را می توان با دستگیری مشتریان و در نتیجه با «خشک شدن تقاضا» از بین برد، واقع بینانه نیست.

در پدیده روسپیگری، «تقاضا» به ندرت مورد بررسی و پژوهش قرار گرفته است، ولی هروقت پژوهشگران مشکل را بر خود هموار کرده و به بررسی آن پرداخته اند، با تصویر بسیار پیچیده ای مواجه شده اند که تعمیم طلبی آسانگیر را به چالش کشیده است (1). حتی «عرضه» هم بسیار پیچیده تر از آن است که تصور می شود. در کل، تا آنجا که روسپیگری یک مشکل محسوب شود، این پدیده، همه چیز یا هیچ چیز، و سیاه یا سفید نیست، بلکه، موضوع دارای ابعاد، جنبه ها، درجات و سایه روشنهای زیادی است. روسپیگری، گستره ای از بدترین شکل بهره کشی از نوع «بردگی جنسی» تا تجارت سودآور زنان خودمختار و مستقل را دربر می گیرد. برخی از زنان برای حداقل گذران زندگی و امرار معاش به تن فروشی وابسته اند و برخی هم به صورت نیمه وقت کار می کنند تا بر درآمد نسبتاً خوب خود از شغل دیگری که دارند، بیفزایند. بعضی از روسپیان، هدفمندسازی دولتی، و امنیتی که این امر با خود به همراه می آورد را، ترجیح می دهند، و بعضی دیگر با هدفمندسازی مخالفند چون ترجیح می دهند که دست و پای خود را آزاد حس کنند.

هرجا که خرید و فروش خدمات جنسی ممنوع می شود، این کار به طور زیرزمینی ادامه می یابد، اما همراه با بدترین شرایط کاری برای زنان. ولی به هر حال، هدفمندسازی هم، کل روسپیگری را به سطح نمی آورد. نوعی از روسپیگری غیر قانونی همچنان ادامه می یابد؛ چون بعضی از زنان نمی خواهند به تن فروشی به عنوان یک «شغل منظم» بپردازند و مایل نیستند محدودیتی که این شغل منظم با خود به همراه می آورد را به جان بخرند.

خلاصه اینکه، فقط یک نوع رهیافت وجود ندارد. تنها امر مسلم این است که، کشورهایی که با خود روسپیگری به عنوان کار و فعالیتی مجرمانه برخورد نمی کنند، از شانس بهتری برای کاهش جرائم مربوط به آن برخوردارند. برای این کشورها، مبارزه با گسترش بیماریهای مقاربتی، از جمله اچ. آی. وی. و ایدز هم آسان تر می باشد. (برای اطلاع بیشتر اینجا را کلیک کنید.)

(1) Julia O'Connell Davidson, *Men, middlemen, and migrants - The demand side of "sex trafficking"*, in EUROZINE, 07, 27, 2006).

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی

روسپیگری: جنبه های قضایی 9

روسپیگری چه قانونی باشد و چه نباشد، به هرحال، در همه جهان وجود دارد، و این واقعیتی است که با آمدن بیماری همه گیر اچ. آی. وی. و ایدز، بر ملا گردید. و باز این مسئله هم روشن شد که خطر مبتلا کردن روسپیان توسط مشتریان بیشتر است تا بالعکس. با این وجود، در بسیاری از کشورها، روسپیگری به یکی از راههای اصلی انتقال ویروس اچ. آی. وی. تبدیل شد.

به ویژه در کشورهای در حال توسعه، بسیاری از روسپیان با چگونگی حفاظت از خود در برابر ابتلا به این ویروس آشنا نبودند، و اگر هم آشنا بودند، نمی توانستند آن را در عمل به کار گیرند. (نبود کاندوم، ناتوانی در اصرار به مشتری جهت استفاده از کاندوم، و غیره). لذا، با توجه به خطری که از این راه، سلامت و بهداشت عمومی را تهدید می کرد، مقامات راهی نداشتند جز جلب همکاری روسپیان و کسانی که از این راه امرار معاش می کردند. این کار به نوبه خود، چشمان زیادی را گشود و در بحثهای اغلب داغ و صرفاً نظری، مقداری واقع گرایی وارد کرد. مثلاً در تایلند که روسپیگری غیر قانونی است، مسئولان **کمپین افزایش کاربرد کاندوم بین روسپیان**، صاحبان فاحشه خانه هایی که با کمپین همکاری می کردند را به ثبت رساندند و همین به موفقیت بزرگی منجر گردید. (چون مشتریان بیشتر به این جاها روی آوردند). در آلمان که روسپیگری آزاد است، دولت بروشورهای اطلاعاتی درباره چگونگی محافظت از خود در برابر ایدز را به زبان مادری روسپیان مهاجر، در بین آنها توزیع نمود. کشورهای دیگر، راه حل های خاص خود را در پیش گرفته و یا در حال تدوین آنها هستند.



پیشگیری از ایدز برای کارگران جنسی مهاجر

دولت آلمان، در همکاری با سازمان روسپیان، بسته ها و بروشورهای رایگان پیشگیری از ایدز را در بین کارگران جنسی مهاجر و به زبان خودشان، توزیع نمود. اغلب، دسترسی به این زنان به دلیل وضعیت اقامت غیر قانونیشان، دشوار می باشد. در اینجا بروشوری به زبان روسی و یکی از بسته های حاوی کاندوم، لوپریکانت (روان کننده)، حوله و تامپون، دیده می شود.

منبع: مرکز فدرال آموزش بهداشت و سلامتی (BZgA)

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی

روسپیگری: روسپیگری زنان



امر مسلم آن است که انواع و اقسام مختلف روسپیان، همیشه و در همه ادوار وجود داشته اند. مثلاً در چین قدیم، بین روسپیان قصر، روسپیان نظامیان، روسپیان خانه ای، و روسپیان بازاری، تمایز قائل می شدند. همچنین، بسته به درجه تحمل حکومتی در ادوار مختلف، می توان روسپیان قانونی و غیر قانونی را از هم متمایز نمود. در یونان باستان، جایی که روسپیگری آزاد بود، دو نوع عمده روسپیان به رسمیت شناخته می شدند؛ روسپیان عادی (porne)، و روسپیان اشراف تک پران (hetaira). رومیان قدیم، دسته بندیهای زیادی برای روسپیان داشتند؛ از «دختران حال ده» شاغل در میخانه ها (copae) گرفته، تا روسپیان آزاد (lupae) و روسپیان شبگرد (noctiliae) تا زنان مختص ثروتمندان (delicatae). امپراطوری چین و همینطور یونان و روم باستان همه دارای فاحشه خانه های تحت نظارت قانون بودند.

در دوران فعلی هم انواع و اقسام روسپیان وجود دارند، و انقلاب الکترونیکی جدید هم، انواع تازه ای از روسپیگری خلق کرده است. با این همه، در مسائل جزئی قضیه، کشورهای مختلف با هم فرق دارند، چون

تحت تأثیر عوامل اجتماعی - فرهنگی شکل می گیرند و از آن تبعیت می کنند. از جمله، انواع قوانین مدنی و جزائی، نوع تفسیری که از آنها می شود و شدت و حدتی که در اجرای قوانین به کار برده می شود، سنتهای مذهبی، نقش و موقعیت زنان در آن جامعه، سطح فقر و ناداری، نوع و سطح توریسم، درجه رشد تکنولوژی و بسیاری عوامل دیگر. به همین دلیل، در اینجا، امکان ارائه تصویر کاملی از انواع واقعاً موجود روسپیگری وجود ندارد. در عوض به چند نوع از سنخهای معمولی آن اشاره می شود. بعضی از این انواع فقط در برخی از کشورها وجود دارند: روسپیگری خیابانی، فاحشه خانه ها، روسپیان شاغل در آپارتمانها و محلات خصوصی و کلوبهای شبانه، «دختران تلفنی»، خدمات «اسکورتی»، «سکس تلفنی» و روسپیگری اینترنتی.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی روسپیگری: روسپیگری زنان: روسپیگری خیابانی

روспیان خیابانی، در کنار پیاده روها و یا نبش خیابانها منتظر مشتری می ایستند. معمولاً خیابانهای



منطقه خاصی در سطح شهر، و یا در خارج از محدوده شهری، برای این کار انتخاب می شوند، و پلیس به خوبی از آن مطلع می باشد. عموماً، شماری از زنان، در طول خیابانی به ردیف می ایستند. برخی مشتریان پیاده به آنجا می روند، اما اغلب آنان با ماشین آنجا را دور زده و با پائین کشیدن شیشه پنجره ماشین خود، با یکی از این زنان به چانه زنی می پردازند. به محض رسیدن به توافق، زن وارد ماشین می شود. سرویس

جنسی معمولاً در داخل ماشین، یا گوشه - کناری در همان نزدیکیها، و یا در اتاقی که برای همین منظور کرایه شده، ارائه می شود. این، کم مایه ترین و ارزانترین نوع روسپیگری است. بسیاری از زنانی که به این نوع تن فروشی مشغولند، معمولاً توسط «قوادان» کنترل می شوند. برخی از زنان هم به مواد مخدر (بیشتر هروئین و کوکائین) معتادند. این، شغل پر مخاطره ای است؛ چون زنان ممکن است به دام مردان خشن و یا روان پریش بیافتند و قربانی شوند. زنان معتاد بیشتر از بقیه در معرض کتک خوری، جیب بری، و ابتلا به عفونتهای جنسی قرار دارند؛ چون به پول بیشتری نیازمندند و در نتیجه از امکان کمتری برای دقت در انتخاب مشتری یا اصرار بر استفاده از کاندوم برخوردارند.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی روسپیگری: روسپیگری زنان: محلهای ثابت

بیشتر روسپیان در بنگاهها و محلهای ثابتی کار می کنند. فاحشه خانه ها، کلوبهای شبانه و آپارتمانهای



خصوصی از این جمله اند. این محلهای، از جنبه راحتی و فضایی که در اختیار می گذارند، با هم فرق زیادی دارند، و به همان نسبت هم شرایط کاری در آنها متفاوت می باشد؛ از امکانات مجلل گرفته تا شرایط دهشتناک. زنان شاعل ممکن است توسط صاحبان این بنگاهها، خوار شوند و مورد استثمار قرار گیرند و یا اینکه با درآمد خوبی استخدام شوند. بسیاری از آنها ناچار می شوند از بنگاهی به بنگاهی دیگر تغییر مکان دهند تا برای مدتی، در نظر مشتریان، «نوبر» جلوه کنند. برخی هم شاید صرفاً جایی

را در بنگاه یا فاحشه خانه ای کرایه کرده و به طور مستقل برای خود کار کنند. برخی از این زنان دسته اخیر در خانه های خودشان کار می کنند؛ یعنی مشتری را به خانه خود دعوت می کنند. به طور خلاصه، وضعیت آنها یکدست نیست. نیازی به گفتن هم نیست که، گستردگی اشکال این نوع از روسپیگری به شرایط محلی بستگی دارد؛ یعنی شرایط قانونی، کدها و مقررات ساختمانی، شدت اجرای قانون، وضعیت اقتصادی کشور یا شهر مربوطه و غیره. محلهای و بنگاههایی خاص هم، فقط در مناطقی خاص دیده می شوند و در جاهای دیگر اثری از آنها نیست. البته بنگاههایی هم وجود دارند که سرویس خدماتی انواع «مختلطی» از روسپیگری را با هم و یکجا ارائه می دهند. در آخر، این را هم باید به خاطر داشت که روسپیگری، مانند هر کسب و کار دیگری، در حال تحول و انطباق با چالشهای جدید است. بخشهای زیر صرفاً مثالهایی از این مورد می باشند.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی روسپیگری: روسپیگری زنان: محلهای ثابت: روسپی خانه ها

یک روسپی خانه، یا عشرتکده، محلی است که با هدف تن فروشی دایر و اداره می شود. ممکن است یک خانه یا آپارتمان باشد، و یا مجموعه ای از اتاقکهای ترابری، و یا ساختمانی کوچک یا بزرگ باشد. در برخی از کشورها، روسپیگری قانونی است و تبلیغات برای آن آزاد می باشد، و در برخی دیگر، غیر قانونی است و در نتیجه در خفاء و در محلی «مخفی» دایر می شود (معمولاً پلیس از آن با خبر است). در بعضی شهرهای بزرگ، روسپیگری ممکن است تنها در محدوده مناطق معروف به «محلات شهر آشوب» (red-light districts) باقی بماند. کار در یک روسپی خانه، از برده داری تمام عیار تا شغلی با درآمد مخفی نوسان می کند. در بعضی موارد، روسپی خانه چیزی نیست به جز آپارتمانی معمولی که در آنجا تعدادی از زنان شاغلند و از مشتریان خود استقبال می کنند. بعضی روسپی خانه های بزرگ (در آلمان «مراکز اروس» نامیده می شوند)، صرفاً جا و مکانی را برای زنانی که روسپی گری را به عنوان یک شغل آزاد برگزیده اند، کرایه می دهند؛ و این زنان در اتفاقی که کرایه کرده اند، از مشتریان خود پذیرایی می کنند. این نمونه، بیشتر در شهرهای بزرگ و یا حواشی آنها دیده می شود. در هر صورت، صاحبان این مراکز همیشه سهم بیشتری می برند، چون کرایه ها معمولاً بالا است. اما در عوض، زنان در برابر اجحافات برخی مشتریان، از نوعی محافظت برخوردارند.

در سالهای اخیر، نوع تازه ای از روسپی خانه ها شکل گرفته اند: باشگاههای وسیع و مجلل «سلامتی» (wellness clubs) که دارای اکرانهای سینمایی، استخرهای شنا و سونا بوده و هرکدام در آن واحد می توانند صدها مشتری را در خود جای دهند. در هزینه ورودی، غذا و نوشیدنیهای غیر الکلی مجانی هم منظور شده است. در این باشگاهها، مردان کلاً لم داده، به آرامش و استراحت می پردازند و در عین حال زنان برهنه ای را در محوطه باز باشگاه ملاقات کرده و با آنها حول سرویس جنسی خصوصی مذاکره می کنند، و در صورت توافق، با هم به اتفاقی خصوصی می روند. در این باشگاهها زنان به طور مستقل کار کرده و مزد خود را مستقیماً دریافت می کنند. محلات وسیع اینچینی «عشرتکده های کلان» نامیده می شوند.

نوع دیگر، تقریباً استثنایی، روسپیگری در شهرهای بزرگ اروپایی، به مشتریان خود خدمات جنسی رایگان ارائه می دهد؛ یعنی در آنجا زنان به صورت مجانی به مشتریان خدمات جنسی می دهند، اما تنها به شرطی که مشتریان موافقت کنند که در حین انجام عمل، از آنها فیلمبرداری شود. این فیلمها بعداً روی شبکه گذاشته می شوند و علاقمندان می توانند در قبال پرداخت پول آنها را روی اینترنت مشاهده کنند. این فیلمها به عنوان دی وی دی هم فروخته می شوند. و درآمد حاصل صرف اداره کردن و گرداندن فعالیت می شود.



وبسایت یک روسپی خانه کلان

در بسیاری از کشورهای اروپایی، فاحشه خانه ها آزادانه روی اینترنت تبلیغ می کنند. نمونه فوق بخشی از وبسایت وسیع متعلق به یک روسپی خانه کلان است. (جهت اجتناب از بازشناسی، نام و طرح تغییر داده شده اند، اما متن نوشته اصل می باشد.)

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی روسپیگری: روسپیگری زنان: محلهای ثابت: انواع دیگر

باشگاههای شبانه



بعضی کلوبهای شبانه و محلهای رقص اروتیک وجود دارند که در آنها دختران جوان درصدی از درآمد را به خود اختصاص می دهند. به این خاطر، آنها عموماً مشتریان را به خود جلب کرده و

آنان را به خرید نوشیدنیهای (اغلب گران قیمت) تشویق می کنند. «کارکنان بار» (زنان ساقی)، برای ارائه خدمات جنسی در قبال دریافت پول هم آماده اند. چنین ترتیبی ممکن است در بارهای جدید «رقص رو میزی» هم دیده شود.

«سکس سینما» ها

در برخی از شهرهای اروپا، «سکس سینما» های خاصی وجود دارند که فیلمهای پورنوگرافیک نمایش داده و به مردان اجازه می دهند که در صورت تمایل، حین تماشای فیلم استمناء کنند. در بعضی از این سینماها، زنان در قبال دریافت پاداشی، به مردان «دست کمکی» می رسانند. به هر حال، از آنجا که ویدئو، دی وی دی و اینترنت هر چه بیشتر در دسترس قرار می گیرند، به نظر نمی رسد که این نوع سینماها آینده چندان روشنی داشته باشند.

استودیوهای سلیطه ها (Domina Studios)

در برخی کشورها، زنان، خدمات خود را تحت عنوان «سلیطه ها» تبلیغ می کنند. این نوع تبلیغات، برای مردانی گிரایی و جذابیت دارند که به سادومازوخیسم علاقه مندند. سلیطه، معمولاً به طور مستقل، و در آپارتمان خصوصی، کار، و برای مردان مازوخیست، نقش سادیست را ایفاء می کند. این مردان به سلیطه پول می دهند تا او دست و پایشان را بسته، بر آنها حاکم شود، یا به آنها فرمان دهد و تحقیر و تنبیه شان کند. حتی روسپیان مسن هم می توانند در این شاخه از روسپیکری افراد موفق باشند. چون به هر حال، در اینجا، جوانی و زیبایی مطرح نیست بلکه پاسخدهی به نیاز مشتری و تجربه، تعیین کننده می باشد.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی روспیکری: روسپیکری زنان: خدمات تلفنی

دختران تلفنی



«دختران تلفنی»، روسپیان جوانی هستند که خدمات خود را مستقیماً در روزنامه ها و مجلات محلی تبلیغ می کنند، و یا در بنگاهی مشغول به کار می شوند. مشتری می تواند به شماره تلفن آنها زنگ زده و ملاقاتی را با آنها، در خانه شخصی یا هتلی، ترتیب دهد. بسیاری از دختران تلفنی لیستی از مشتریان خود دارند که به طور مرتب به آنها سر می زنند.

خدمات اسکورتی

«خدمات اسکورتی» در روزنامه ها، مجلات و حتی دفترچه های تلفن تبلیغ می شوند، اما روز به روز هر چه بیشتر به اینترنت کشیده می شوند. بعضی از این بنگاهها متخصص اسکورت «طبقات بالا» شده اند؛ یعنی زنان آراسته و «متشخصی» به مشتریان تحویل می دهند که هم زیبایی و با وقار، و هم قادرند در مصاحبه های جدی مشارکت کنند. این زنان اغلب، مردان ثروتمند را در سفرهای شغلی و مراوده های اجتماعی همراهی می کنند، و لزوماً خدمات جنسی ارائه نمی دهند. با این وجود، بسیاری از بنگاهها، «اسکورت» با اهداف جنسی ارائه می دهند و این زنان را می توان برای چندین روز، و حتی به مدت چند هفته، مثلاً برای یک سفر کامل، اجاره کرد.

امروزه، بسیاری از بنگاههای «خدمات اسکورتی»، وبسایتهای خاص خود را دارند و عکسهای «زنان سرگرم کننده» خود را در قسمت گالری سایت به چاپ می رسانند.

آنها صرفاً بنگاهی برای پسران و دختران تن فروشی هستند که به خاطر زیبایی خود «قیمتهای اعلا» مطالبه می کنند. این افراد، یا هزینه ای ثابت، و یا درصدی از درآمد خود را به بنگاه می دهند. این نوع تجارت امروزه از ابعاد بین المللی برخوردار شده است.



وبسایت پنگاه خدمات اسکورتی

در بسیاری از کشورها، خدمات اسکورتی روی اینترنت تبلیغ می شوند. بعضیها خدماتی جهانی ارائه می دهند. نمونه فوق، ترکیبی از چند وبسایت می باشد. (جهت اجتناب از بازشناسی، نام و طرح تغییر داده شده، اما متن نوشته اصل می باشد).

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی روسپیگری: روسپیگری زنان: الکترونیک

در سالهای اخیر، شکل گیری و گسترش چند نوع روسپیگری الکترونیکی مشاهده شده است. این امر دلایل زیادی دارد اما مهمترین آنها از این قرارند:

1. ادامه «انقلاب الکترونیکی» در عرصه تلفن، موبایل، تلفنهای تصویری، اینترنت و وب کم یا همان دوربینهای اینترنتی.
2. ترس از «ابتلا به عفونت» اچ. آی. وی. / ایدز و «بی خطر» بودن «سکس از راه دور».
3. قابل «دسترس بودن» روسپیگری الکترونیکی در همه جا، حتی جاهایی که سابقاً امکان ارائه سکس تجارتي وجود نداشت.

این فاکتورها در تعامل با همدیگر، به گسترش صنعتی منجر شده اند که هنوز به اوج خود نرسیده است. اما با این حال، سئوالات مهمی را در مورد رابطه روسپیان و مشتریانشان به میان کشیده اند.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی روسپیگری: روسپیگری زنان: الکترونیک سکس تلفنی

«سکس تلفنی» در دهه 1980 همزمان با تهدید فزاینده اپیدمی ایدز، محبوبیت یافت. مشتری هنگام زنگ زدن، به شماره تلفن خاصی، یا به دستگاه ضبط صوتی متصل می شد که حرفهای سکسی شهوت برانگیزی از آن پخش می گردید (نوع ارزان)، و یا مستقیماً به زنی متصل می شد که با او وارد صحبتهای شهوانی می شد (نوع گران قیمت). هدفی که مشتری دنبال می کند، در هر دو حالت یکی است؛ یعنی او در حالی که به صحبتهای مهیج آن طرف خط گوش می دهد، برای خود استمناء می کند و به محض رسیدن به ارگاسم، تلفن را قطع می کند. انواع راههای پرداخت برای این نوع خدمات وجود دارند که عادی ترین آنها، کارتهای اعتباری می باشند. در مورد تلفنهای صوتی، عموماً هزینه بالای تلفن «قیمت» خدمات را هم دربر می گیرد.



از آنجا که زنان شاغل در این نوع تجارت تنها از صدای خود استفاده می کنند، بنابراین سن و قیافه آنها هم مطرح نیست. ولی به هر حال برای موفقیت در کار خود بایستی نسبت به فانتزی و خواسته های مشتری انعطاف داشته باشند. سکس تلفنی «امن» است و برای هر دو طرف کار راحتی است. زنان لزومی به تهیه جنسی شدن ندارند و احساس خود را درگیر نمی کنند، لزومی به دلال ندارند، می توانند راحت از خانه خود،

و یا در یک «مرکز تلفنی» همراه با زنان دیگر کار کنند. بسیاری از زنان شاغل، این کار را به عنوان یک شغل نیمه وقت دنبال می کنند. در آینده، موبایلهای تصویری بعد تازه ای به این نوع تجارت خواهند داد.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی

روسپیگری: روسپیگری زنان: الکترونیک

روسپیگری اینترنتی

اینترنت امکانات تازه ای پیش روی کسب و کار روسپیگری گشوده است. امروزه خدمات جنسی به کمک دوربینهای اینترنتی (وب کم) با فاصله های بسیار دور قابل ارائه می باشند. باز در اینجا هم تماس فیزیکی بین روسپی و مشتری او وجود ندارد. مرد مشتری قادر است صدای زن را بشنود و ببیند که او در حال انجام چه کاری است، اما قادر نیست به زن دست بزند. با این وجود روسپی قادر است به مشتری خدمات جنسی ارائه دهد و مشتری هم قادر به پرداخت هزینه می باشد. انواع روسپیگری اینترنتی که امروزه وجود دارند از این قرارند:

1. عکسها و تصاویر کاملاً لخت
2. ویدئوها و فیلمهای ضبط شده
3. وب کم بدون امکان تعامل
4. وب کم با امکان تعامل

اینها گاهی به صورت خصوصی توسط افراد، و گاهی توسط شرکتها، تهیه و تولید شده اند. بعضی از سایتها، حتی تصاویر و فیلمهای تهیه شده توسط افراد غیر حرفه ای، که از نمایش برهنگی خود لذت می برند و یا به دنبال شریک جنسی هستند را، به طور مجانی نمایش می دهند. برای مشتریان دارای کارتهای اعتباری تقریباً همه نوع مواد محرک جنسی قابل دسترس می باشد. کاربر فقط باید سن قانونی خود را ثابت کند. تنها استثناء وارده بر این قاعده، تماس مستقیمی است که دو نفر در هر سن و سالی، از جمله افراد زیر بیست سال، می توانند از طریق وب کم با هم برقرار کنند. برخی از اینها از این نوع تماسها برای دید زدن همدیگر در حین استمناء سود می جویند، اما مسلماً هزینه ای هم از همدیگر مطالبه نمی کنند و در نتیجه کارشان هم ربطی به روسپیگری ندارد. قانونی بودن یا نبودن عمل این افراد بستگی به سیستم قضایی کشورشان دارد. ولی به هر حال، در جاهایی که «هر فرد زیر 18 سال» به عنوان «کودک» تعریف می شود، و قانون، مبادله و نگهداری «پورنوگرافی کودکان» را منع کرده، افراد زیر هیجده سالی که به مبادله تصاویر با هم و یا به کمک وب کم به استمناء با هم دست می زنند، بدون آنکه خود آگاه باشند، خواه ناخواه قوانین را نقض کرده اند و از نگاه قانون مجرم محسوب می شوند. نتیجه این می شود که این جوانان به طور همزمان هم مجرمند و هم قربانی.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی

روسپیگری: روسپیگری زنان: الکترونیک

روسپیگری اینترنتی 2

تصاویر ثابت، فیلم و ویدئو



این بحث، شامل تصاویر و مواد جنسی در اینترنت که به تعامل دو طرفه نمی انجامند، نمی شود؛ چون آن تصاویر بیشتر در رده پورنوگرافی می گنجند تا اینکه به روسپیگری مربوط شوند. این مسئله که مشتریان برای مشاهده آنها پول پرداخت می کنند، واقعیت قضیه را عوض نمی کند. هرچند که مسلماً استثنائاتی وجود دارند، اما به عنوان یک قاعده، رابطه بین خدمت جنسی و هزینه پرداختی، به مقدار بسیار زیادی غیر مستقیم می باشد.

وب کم های غیر تعاملی

می توان استدلال کرد که دریافت پول در قبال انتقال تصاویر زنده شهوانی به وسیله وب کم، حتی در غیاب تعامل دو طرفه، باز بر تعریف روسپیگری منطبق است. بیننده قادر به تأثیرگذاری بر فعالیتی که اتفاق می افتد نیست و نمی تواند آن را مطابق میل خود هدایت کند، اما قادر است از منوی وسیعی که روی صفحه کامپیوتر در معرض دید اوست، آن موردی را انتخاب کند که به سلیقه جنسی اش نزدیکترین باشد. البته برای سرویسی که دریافت می کند باید هزینه بپردازد.

وب کم های ارتباطی و تعاملی

شیوه دیگری از انتقال تصاویر با وب کم وجود دارد که در آن زنان از بینندگان خود دستور دریافت می کنند که چه کاری و چگونه حرکاتی را انجام بدهند. این زنان، گاهی با شرکای جنسی خود (همجنس یا غیر همجنس) در برابر وب کم ظاهر شده و کارها و حرکاتی که مشتریان به آنها پیشنهاد می کنند، را انجام می دهند. مشتریان، خواسته های خود را، یا از طریق ایمیل، و یا از طریق صحبت های مستقیم، به شکل کنفرانس های ویدئویی، به زنان منتقل می کنند.

این نوع وب کم ها، معمولاً توسط خود زنان و به طور مستقل، از خانه های خودشان اداره می شوند و گاهی، شوهرانشان هم از آنها حمایت می کنند. ولی زنان و دختران جوان هم از این روش برای کسب درآمد سود می جویند، و به راستی هم که این کار سودآوری است. با این حساب، شکی نیست که ما در اینجا با نوع تازه ای از روسپیگری مواجه هستیم. هرچند که هنوز، مفهوم آن در عرصه های قضایی، اقتصادی، و روانی ناروشن است. اگر روسپیگری خشونت علیه زنان است، در کجای این کار خشونتی دیده می شود؟ اگر صحبت از استثمار باشد، کدام طرف، دیگری را استثمار می کند؟



آگهی اینترنتی خدمات جنسی زنده به وسیله وب کم
برای اجتناب از بازشناسی، نام و طرح تغییر داده شده اند، اما متن نوشته اصل می باشد.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی روسپیگری: روسپیگری زنان: جمع بندی

روسپیگری زنان، با انواع و اقسام خود در گذشته، حال و آینده، چالش های جدی پیش روی پژوهشگران جنسی قرار می دهد. چون پدیده ای است با ترکیبی از ویژگی های بیولوژیکی و اجتماعی – فرهنگی در پیچیده ترین شکل خود؛ یعنی، شوق و میل جسمی و فیزیکی از یک طرف، و نیاز روانی از طرف دیگر، با هم صیقل خورده، عجین می گردند و به شکلی پاسخ داده می شوند که منعکس کننده الگوی بسیار کهن نابرابری جنسیتی است. به این خاطر، شاید شناخت روسپیگری بدون درک و فهم جنبه های گوناگون وابستگی انسان، غیر ممکن باشد. ابتدا، ما باید به این معترف شویم که در کل، جنس مؤنث، نه تنها از جهت اقتصادی، بلکه همچنین از جنبه های سیاسی و فرهنگی نیز به جنس مذکر وابسته است. بسیاری از ساختارهای پدرسالاری، حتی در جوامع مدرن صنعتی و فرا صنعتی، کماکان باقی مانده اند. با وجود این، شاید مهمترین جنبه وابستگی، همانا روانی باشد. آن رفتارهای جنسیتی (جندری) که به افراد مذکر و مؤنث آموزش داده می شوند، نوعی عدم تعادل روانی به وجود می آورند، که راه را برای انواع و اقسام بهره کشی هموار می کنند. (به بخش رشد و نمو رفتارهای جنسی: مراحل رشد: نوجوانی و جوانی: رفتارهای جنسیتی، مراجعه شود. م)

استثمار اقتصادی زنان در محلهای کار همچنان باقی است و پیشرفت شغلی چندان نصیبشان نمی شود. در سراسر جهان، زنان، نسبت به مردان، موقعیت پائین تری دارند، از امکانات تحصیلی برابر برخوردار نیستند، در قبال کار مساوی حقوق مساوی با مردان دریافت نمی کنند، و تعداد بیشتری از آنان زندگی خود در فقر

زندگی می گذارند. همه این عوامل به نوبه خود، امر قاچاق و تجارت زنان را تسهیل می کنند. درواقع، بسیاری از «کارگران جنسی» برای بقای محض به درآمد بسیار ناچیز خود وابسته اند. علاوه بر این، تصادفی نیست که مراکز بزرگ گردشگری جنسی در کشورهای فقیر یافت می شوند. و آخر اینکه، قوانین جنایی و مدنی که به طور مستقیم یا غیر مستقیم به روسپیگری مربوط می شوند، تا حدود زیادی دستپخت قانونگذاران مرد می باشند.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی

روسپیگری: روسپیگری زنان: جمع بندی 2

با توجه به ادامه وابستگی زنان به مردان در همه مناطق جهان، سالهای سال است که جنبش زنان خواستار انجام اصلاحاتی است، و حداقل در بسیاری از کشورهای غربی، پیشرفتهایی هم حاصل شده است. در عین حال، مشخص گردیده که اصلاحات، هرچند هم که خوب باشند، اما، به آن حدی نیستند که به تغییراتی بنیادین، در جهت از بین بردن عدم تعادل جنسیتی، که در عمل، در روسپیگری زنان تجلی می یابد، بیانجامد. با این همه، یک «انقلاب جنسیتی»، در افق چشم انداز دیده نمی شود، و به این دلیل، ادامه اصلاحات تنها گزینه واقعی است.

گاهی مشاهده شده که فعالان زنان در برخورد با اصلاحات خاصی همیشه هم نظر نیستند. مثلاً در مورد دو سیاست کاملاً متضاد **سوئد** و **هلند** در قضیه روسپیگری، فمینیستها در هر دو اردو دیده می شوند. اینکه این مسائل نهایتاً چگونه حل می شوند، فقط به تجربه ثابت خواهد شد. همین مسئله در مورد مسیری که روسپیگری اینترنتی طی خواهد کرد هم صدق می کند. برخی ناظران این امکان را از نظر دور نمی دارند که ممکن است بهره کشی حالت عکس به خود بگیرد؛ یعنی زنان کاملاً مستقلی پیدا شوند که از ضعف مردان استفاده کرده و آنها را مورد بهره کشی قرار دهند. ناظرانی هم، نوع حداقلی از جا به جایی تازه ای در توازن قدرت را حدس می زنند. برخی دیگر از ناظران هم هر تغییری را تصنعی و فاقد اهمیت می دانند. از نقطه نظر پژوهشهای جنسی، مسئله همچنان به صورت لاینحل باقی مانده است. این نوع روسپیگری به اندازه کافی مورد مطالعه قرر نگرفته تا بتوان به ارزیابی معتبری از آن دست یافت.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی

روسپیگری: روسپیگری زنان: جمع بندی 3

روسپیگری زنان، واکنش اجتماعی شدید، دمدی مزاج و متناقضی را بر می انگیزاند، چون دو مسئله حساس را در بر می گیرد - نقش زنان و فعالیت جنسی. بدون شک، بخشی از این تناقض و دمدی مزاجی از عذاب وجدان ناشی می شود. بسیاری از مردم چنین احساس می کنند که رفتارهای سنتی در قبال زنان، از پایه و اساس غیر منصفانه اند، و این بی انصافی، کل سیستم ما را، جهت کنترل رفتارهای جنسی بشر، خدشه دار می کند. سیستم پدرسالار تا زمانی پایدار می ماند که زنان به جایگاهی که به آنها اختصاص داده شده، راضی بمانند، و آنطور که پیداست نه تنها زنان خانه دار، بلکه روسپیان هم، از اصل سلطه مردان حمایت می کنند و فعالیت جنسی هم تا زمانی که در خدمت تولید مثل و لذت بری مرد است، تهدیدی محسوب نمی شود. با این همه، تهدید دوگانه ای است که ممکن است در آینده رشد کند: ممکن است زنان بخواهند که خودشان سرنوشت و نقش اجتماعی خویش را به دست خود گیرند و لذت بری خود را خواستار شوند. این مسئله، به نوبه خود، چه بسا معنی و مفهوم فعالیت جنسی را از نو تعریف کند و آن را از قید و بندهای پدرسالارانه فعلی رها کند. این چشم انداز به همان نسبت که ترسناک است، مهیج هم می باشد.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی

روسپیگری: روسپیگری مردان



روسپیگری مردانه هرگز مثل روسپیگری زنانه عادی نبوده است، اما قدمت آن نیز به عهد عتیق بر می گردد. در این مورد هم، امپراطوری چین، یونان باستان و روم کهن، مثالهای آشنایی هستند. در این کشورها «تجارت سکس» مردانه تنظیم و قانونمند شده بود، اما، در گذر تاریخ، بسیاری از کشورهای دیگر هم

دارای انواع رسمی و غیر رسمی روسپیگری مردانه شدند. به هر حال، روسپیگری مردانه همیشه بیشتر در خدمت مردان بوده تا در خدمت زنان. علت این امر دو چیز است:

1. از جهت تاریخی، تنها اقلیت بسیار کوچکی از زنان، از آنچنان موقعیت اجتماعی و اقتصادی ای برخوردار بوده اند که قادر به خرید خدمات جنسی شوند.

2. اقلیت قابل توجهی از مردان دارای گرایش جنسی دوجنسگرایانه (بایسکسوال) و یا همجنسگرایانه (هموسکسوال) هستند، یعنی یا به هر دو جنس مذکر و مؤنث گرایش دارند یا صرفاً به مردان همجنس خود متمایلند. بعضی از این مردان در خرید خدمات جنسی از مردان دیگر مشکلی ندارند.

همانطور که مشاهده می شود، روسپیگری مردان، به نیاز و تقاضایی پاسخ می دهد که همیشه با محدودیت مواجه بوده است. تعداد و اندازه زنان و مردان مشتری بالقوه محدود است، و به این دلیل، روسپیگری مردان هیچوقت به وسعت و اهمیت روسپیگری زنان نبوده و هرگز هم نخواهد بود. در زیر به ترتیب، ابتدا به روسپیگری مردان همجنسگرا و سپس به روسپیگری مردان دگرجنسگرا می پردازیم.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی روسیگری: روسپیگری مردان: روسپیگری همجنسگرایانه

مردان روسپی، درست همانند زنان همکار خود، به چند گروه تقسیم می شوند؛ از مردان خیابانی و کافه ها گرفته تا «پسران تلفنی» و «اسکورت‌های» کلاس بالا. البته مرزها نه ثابت، بلکه سیال می باشند. در روسپیگری مردانه، قاچاق، روسپی خانه و دلالتی همیشه امر نادری بوده است. اغلب مردان روسپی به طور مستقل کار می کنند، اما در بعضی کشورها «شاغلان کافه ها»، «رقصندگان بارها» (table dancers) و «پسران بزن برقص» (go-go boys) هم وجود دارند که درآمد خود را با صاحب بار قسمت می کنند، و بعضی از مردان روسپی که از زیبایی خاصی برخوردارند هم ممکن است در بنگاههای خاصی شاغل شوند.

در روسپیگری مردانه، زیبایی و جوانی مهمتر از هر چیزی است و در نتیجه دوره اشتغال آنها به این حرفه، خیلی کوتاهتر از دوره اشتغال زنان روسپی می باشد. البته در اکثر موارد، مردان جوان قصد ماندگاری در «کار جنسی» برای مدتی مدید را ندارند، بلکه در دوره ای خاص از زندگی خود و یا در شرایطی خاص به آن دست می زنند. به این دلیل، ول کردن «صحنه» و بازگشت به زندگی «عادی» هم برای آنها ساده تر و آسانتر است. این موضوع مثلاً ممکن است در مورد نوجوانانی که «پول توجیبی» می خواهند، یا دانشجویانی که می خواهند هزینه تحصیلی خود را از طریق روسپیگری به دست آورند، صدق کند. گاهی هم پسران جوان فراری از خانه یا بیکار، و یا جوانان بی خانمان به دام دنیای تجارت سکس گرفتار می شوند و همانجا می مانند تا زمانی که دیگر خریداری نداشته باشند. مردان روسپی بالای 30 سال نادر هستند، و اغلب روسپیان مرد بین 18 تا 25 ساله می باشند.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی روسیگری: روسپیگری مردان: روسپیگری همجنسگرایانه سنتها 1

«لگوریه‌ها»

مردان جوان شاید تنها به فروش خدمات جنسی خود در بیرون (پیاده روها، حوالی ایستگاههای راه آهن و غیره) اکتفا نکنند، بلکه آن را به کافه ها، بارها و محلات نمایش ویدئوها هم بکشانند. به همین دلیل یک فرد ممکن است در عین حال که یک «لگوری خیابانی» است، یک «لگوری کافه ای» هم باشد که در خلال روز جای خود را از کافه به خیابان و بالعکس عوض می کند. لگوریه‌ها همچون روسپیان مؤنث یک گروه یکدست نمی باشند. برخی لگوریه‌ها ممکن است در یک بار «شاغل» و ماندگار شوند و درآمد خود را با صاحب بار قسمت کنند، برخی دیگر شغل «پسران تلفنی» را انتخاب می کنند.



«رقاصان اروتیک»



برخی از «بارهای رقص» و «سینماهای سکس» جهت سرگرم کردن مشتریان خود از پسران رقص برهنه یا نیمه برهنه استفاده می کنند. بعضی از این پسران رقص در قبال دریافت پول، مدتی را در اتاقی جداگانه و «در خلوت خصوصی با مشتری علاقه مند» می گذرانند.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی

روسپیگری: روسپیگری مردان: روسپیگری همجنسگرایانه

سنتها 2

پسران خانه ای



برخی پسران جوان تن فروش، از مردان پولدار مسن دعوت دریافت می کنند که مدتی را در خانه و کنار آنها بگذرانند و در قبال دریافت پول تو جیبی، مسکن، خورد و خوراک، و حتی حقوق، خدمات جنسی به آنها ارائه دهند. این نوع قراردادها گاهی فقط برای چند هفته، یا چند ماه منعقد می شوند اما گاهی سالها و دهه ها هم به طول می انجامند. در چنین وضعیتی، مسلماً رابطه دو نفر کلاً دگرگون می شود و مدتی بعد، خصلت روسپیگری خود را از دست می دهد.

پسران تلفنی



بعضی از پسران روسپی، خدمات خود را در روزنامه ها، مجلات همجنسگرایان، و با روی اینترنت تبلیغ می کنند. کار این افراد کم و بیش شبیه کار «دختران تلفنی» است؛ یعنی یا به طور مستقل کار می کنند و یا از طریق یک بنگاه.

اسکورتی ها

بعضی از پسران روسپی که از زیبایی خاصی برخوردارند، در بنگاهی ثبت نام کرده و شغل «اسکورت» که درآمد نسبتاً خوبی دارد، را برای خود انتخاب می کنند. این افراد درست مثل دختران اسکورتی ممکن است هزینه ای ثابت و یا درصدی از درآمد خود را به بنگاه بپردازند. امروزه «کسب و کار اسکورت» از یک بعد جهانی برخوردار شده است.

Pollux international male escorts

Free browsing – Make Direct Contact

[Home](#)
[Boys](#)
[Preview](#)
[Service](#)
[Price](#)
[S/M](#)
[Contact](#)
[Members](#)



وب سایت خدمات اسکورتی

در بسیاری از کشورها، خدمات اسکورتی «گی» در اینترنت تبلیغ می شوند. بعضیها دارای ارتباطات جهانی هستند. (نمونه فوق معجونی از چند وبسایت می باشد که برای اجتناب از بازشناسی، نام و طرح تغییر داده شده، اما متن نوشته اصل می باشد).

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی

روسپیگری: روسپیگری مردان: روسپیگری همجنسگرایانه

الکترونیک



در سالهای اخیر، مشاهده شده که فرصت های شغلی از طریق وسایل الکترونیک، نه تنها برای روسپیگری زنان، بلکه برای روسپیگری مردان هم گسترش یافته اند. درواقع، فحشای مردان، هر چند هرگز به وسعت فحشای زنان همکارشان نبوده، اما امروزه به تجارت قابل ملاحظه ای فرا روئیده است. باز هم در اینجا، ارائه یک بحث وسیع ممکن نیست و فقط به

مواری چند اشاره می شود.

سکس تلفنی

سکس تلفنی «گی» به همان شکل سکس تلفنی بین دو غیر همجنس عمل می کند. کسی که زنگ می زند به یک دستگاه خودکار با صدایی ضبط شده، متصل می شود. نحوه پرداخت هم یکی است؛ یعنی یا با کارت اعتباری یا به صورت تلفنی با هزینه خاص. با این همه، سکس تلفنی بین «مردان عادی» هم وجود دارد که هزینه ای از هم مطالبه نمی کنند، ولی گاهی بنگاهی جهت ایجاد امکانات و تسهیلات اینگونه ارتباطات مجانی، هزینه محدودی دریافت می کند. بدون شک موبایلهای دارای امکانات مبادله تصاویر، ابعاد تازه ای به این مسئله خواهند داد.

تصاویر ثابت، فیلم و ویدئو



مواد جنسی از پیش ضبط شده بیشتر در مقوله پورنوگرافی می گنجد تا روسپیگری. اما استثنائاتی هم وجود دارند، ولی به عنوان یک قاعده، رابطه بین خدمت جنسی و پرداخت هزینه بسیار غیر مستقیم می باشد.

وب کم های غیر تعاملی

بعضی از تصاویر انتقالی به وسیله وب کم سکس زننده را نمایش می دهند، اما حالت تعاملی ندارند. با این همه بر تعریف روسپیگری مطابقت دارند. بیننده قادر به تأثیرگذاری بر فعالیتی که اتفاق می افتد نیست و نمی تواند آن را مطابق میل خود هدایت کند، اما از منوی وسیعی که روی صفحه کامپیوتر در معرض دید اوست، می تواند موردی را انتخاب کند که به سلیقه جنسی اش نزدیکتر باشد. البته برای سرویسی که دریافت می کند باید به وسیله کارت اعتباری هزینه پرداخت کند.

وب کم های ارتباطی و تعاملی

شیوه دیگری از انتقال تصاویر مردان با وب کم وجود دارد که در آن، آنها با بینندگان مذکر خود تماس مستقیم برقرار می کنند. مشتریان خواسته های خود را یا از طریق ایمیل به آنها منتقل می کنند و یا از طریق صحبت های مستقیم، مانند موارد کنفرانسهای ویدئویی. بدون شک، در اینجا ما با نوع تازه ای از روسپیگری مواجه هستیم که چه بسا در سالهای آینده برای همه ما سمت و سوی غافلگیر کننده ای به خود بگیرد.



GAY CAM CENTRAL

Gay Webcam Boys for You

Live Gay Webcams are a good way to find your dream-boy. Dream of him or ask him for a live date. On Gay Cam Central you can chat for free. Watching the webcam just costs a little fee to motivate the boys. Just register and get in touch.

You have to be at least 18 years old.

[Gays](#) [Bi Boys](#) [Straight Boys](#) [Shemales](#) [Couples](#)

وبسایت یک بنگاه «گی» با امکانات وب کم

چنین بنگاههایی برای مردان مجرد این امکان را فراهم می آورند که با یک نفر یا با جفتهای مذکر که حاضرند در قبال دریافت حق الزحمه، در برابر وب کم های خود دست به عمل جنسی بزنند، ارتباط برقرار کنند. همانطور که در تصویر دیده می شود، آنها برای ملاقات حضوری هم آمادگی دارند. (برای اجتناب از بازشناسی، نام و طرح، تغییر داده شده اند، اما متن نوشته اصل می باشد.)

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی

روسپیگری: روسپیگری مردان: روسپیگری مردان دگرجنسگرا

روسپیگری مردان دگرجنسگرا عمدتاً به دو نوع بزرگ تقسیم می شود:

1. مردان «تلفنی» (پسران تلفنی و اسکورتی ها)

2. معشوقان کوتاه مدت

روسپیگری مردان دگرجنسگرا و همجنسگرا در بسیاری از جهات شبیه هم می باشند. با این حال، همانطور که خواهیم دید، بین این دو تفاوت‌های قابل توجهی هم وجود دارند. در مجموع، مردانی که خدمات جنسی خود را به زنان می فروشند، با انگ و ننگ چندانی مواجه نمی شوند. این کار برای بسیاری از آنان یک شغل نیمه وقت محسوب می شود. آنها به ندرت با حقارت و توهین مواجه می شوند و کنار گذاشتن حرفه روسپیگری برایشان آسانتر است.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی

روسپیگری: روسپیگری مردان: روسپیگری مردان دگرجنسگرا

تلفنی

برای پسران دگرجنسگرای تلفنی و اسکورتی، ارائه خدمات به زنان مشتری شبیه کار همکاران «گی» شان می باشد که به مردان خدمات جنسی ارائه می دهند؛ زنان یا به طور مستقیم و یا از طریق بنگاه با آنها تماس می گیرند، و ملاقات بین آنها ترتیب داده می شود. با این حال، یک تفاوت اساسی وجود دارد: زنان خواهان چیزی بیش از جذابیت فیزیکی می باشند. آنها از مردی که برای او پول پرداخت کرده اند توقع دارند که از روش مراوده خاصی برخوردار باشد، نسبت به خلق و خوی آنها حساس بوده و قادر به مکالمه ای معنادار باشد. به طور خلاصه، الزامات مورد نیاز برای یک مرد دگرجنسگرای روسپی نسبتاً بالاست و در نتیجه، هزینه آنها هم به همان نسبت بالاتر می باشد. در ژاپن، کلوبهای متشکل از مردان روسپی دگرجنسگرا با قیمتهای گران وجود دارند که به طور انحصاری با هدف جذب زنان پولدار تشکیل شده اند. پسران گارسن جوان و خوش قیافه، درصدی از درآمد حاصل از فروش نوشیدنیها را دریافت می دارند و به این دلیل زنان را به خرید هرچه بیشتر ترغیب می کنند. در این محله‌ها، به طور رسمی، خدمات جنسی ارائه نمی شوند، اما هر کسی می داند که استثنائات همیشه وجود دارند، بخصوص در جاهایی که کمتر اعیانی اند.



Exquisite Escort Agency

Escorts for the Ladies

For the pleasure of today's selective woman

We offer stylish, seductive heterosexual gentlemen who know how to romance and seduce a woman. You may be looking for simple emotional fulfillment, or a few compliments, or a ravishing date to make your friends jealous. Or you may need some soul-refreshing sexual healing. We look forward to providing some special company for you.

Photo Gallery Service Rates Contact

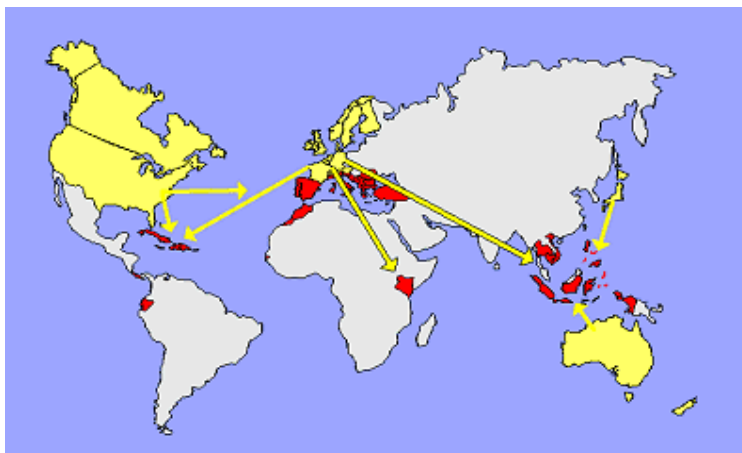
وبسایت بنگاه خدمات اسکورتی برای زنان

بعضی از بنگاه‌ها اسکورتهایی را برای همدمی و هم مونسی ارائه می دهند، اما دسته ای دیگر نیازمندیهای جنسی زنان مشتری خود را هدف قرار می دهند و اسکورتهایشان، به فروش خدمات جنسی به زنان می پردازند. (نمونه فوق معجونی از چند وبسایت می باشد که برای اجتناب از بازشناسی، نام و طرح تغییر داده شده، اما متن نوشته اصل می باشد).

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی روسپیگری: روسپیگری مردان: روسپیگری مردان دگرجنسگرا معشوقان کوتاه مدت

بعضی از زنان آمریکایی، اروپایی، و به طور فزاینده ای زنان ژاپنی هم، کشورهای دوردستی را برای گذران تعطیلات خود انتخاب می کنند، با این هدف که در آنجا معشوقان کوتاه مدتی برای خود بیابند. این معشوقان معمولاً جوان هستند و برخوردار بودنشان از جذابیت فیزیکی مهم می باشد. مقصد ترجیحی این به اصطلاح توربسم جنسی، کشورهای جنوبی اروپا، آفریقا، و کشورهای کارائیب می باشد، ولی بر محبوبیت برخی از مناطق دارای کشورهای با سطح بالای بیکاری مردان هم افزوده شده است.

این زنان اغلب به تنهایی سفر می کنند و هنگام رسیدن به مقصد، «دوست پسر محبوب» خود را از بین خدمه هتل، گارسنها، صاحبان کافه ها، باغبانهای شاغل در هتلها، تاکسی رانان، راهنماهای تور مسافرتی، گارد شнай ساحلی، خدمه کرانه ساحل، سوغات فروشان و غیره، انتخاب می کنند. و وقتی که فرد مورد نظر خود را یافتند، او را به شام دعوت کرده و برایش لباس و هدایا می خرند و حتی به او پول نقد می پردازند. بعضی از مردان در برخی از کشورها هیچ چیزی مطالبه نمی کنند. برای آنها اثبات مردانگی و قابلیت های جنسی شان، کافی است. این نشان می دهد که مردان در چنین توافقاتی به ندرت احساس می کنند که مورد سوء استفاده و یا تحقیر واقع شده اند. حتی وقتی که هدایا و پول دریافت می دارند، درواقع ممکن است با این کار، در بین دوستان خود اعتبار بیشتری کسب کنند و رشک دیگران را برانگیزند. به طور خلاصه، این نوع «تجارت سکس» مورد بسیار خاصی است و به سادگی قابل مقایسه با دیگر انواع روسپیگری نمی باشد. علی رغم همه این مسائل، اما کل مسئله به طور روزافزونی تحت الشعاع گسترش فزاینده ای. وی. / ایدز در بین مردان کشورهای در حال توسعه، بخصوص در کارائیب و آفریقا، قرار گرفته است.



مقصد گردشگری جنسی زنان

زنان کشورهایی از اروپا، آمریکای شمالی، استرالیا و ژاپن (که همه به رنگ زرد مشخص شده اند) در نقاط دور دست، بخصوص در کشورهای در حال توسعه (سرخ رنگ)، به دنبال معشوقان کوتاه مدت می گردند. مقاصد ترجیحی این زنان، جنوب اروپا، آفریقا، و کشورهای کارائیب می باشد، ولی اخیراً اندونزی، تایلند، فوجی و آمریکای لاتین هم پرطرفدار شده اند. اما علی رغم این موضوع، باید به خاطر داشت که توربسم جنسی مردان خیلی گسترده تر از این می باشد. درحقیقت، در مقایسه این دو با هم، توربسم جنسی زنان بسیار ناچیز است.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی

خشونت جنسی: مقدمه 1



گزارش جهانی از خشونت و
سلامتی

Krug EG et al.

سازمان بهداشت جهانی، ژنو

2002

برای خواندن فشرده ای از فصل

6

[اینجا را کلیک کنید](#)

و برای مطالعه کل گزارش

[اینجا را کلیک کنید](#)

(پی دی اف کامل گزارش در بخش
انگلیسی کتابخانه ویلاگ ج.و.ج هم موجود
است.م)

«خشونت جنسی یک مشکل جدی و رایج
سلامت و بهداشت عمومی است که سالانه بر
میلیونها نفر در جهان تأثیر می گذارد. و
نیروی محرک آن عوامل زیادی هستند که در
طیف وسیعی از زمینه های اجتماعی،
فرهنگی و اقتصادی عمل می کنند. ریشه
خشونت جنسی علیه زنان، نابرابری جنسیتی
است.»

گزارش نامبرده انواع خشونتهای جنسی را از این قرار می شمارد:

- تجاوز در زناشویی یا روابط دوستی
- تجاوز توسط غریبه ها
- تجاوزات سیستماتیک در خلال درگیریهای مسلحانه
- دست درازیهای جنسی ناخواسته یا تعدی و ستوه جنسی از جمله درخواست سکس در ازای لطف یا عنایتی خاص
- سوء استفاده جنسی از افراد معلول ذهنی یا جسمی
- سوء استفاده جنسی از کودکان
- ازدواج اجباری یا اجبار به زندگی مشترک، از جمله ازدواج کودکان
- محرومیت از حق استفاده از پیشگیری از بارداری یا برگزیدن دیگر اقدامات لازم در برابر بیماریهای مقاربتی
- سقط جنین اجباری
- اعمال خشونت آمیز علیه اصل حقوق جنسی زنان، از جمله ختنه و قطع اندامهای جنسی و بازرسی اجباری باکرگی زنان
- روسپیگری اجباری و قاچاق انسانها با هدف بهره کشی جنسی

گزارش همچنین اعلام می دارد که هدف اصلی خشونت جنسی «اعمال مداوم قدرت و سلطه بر فرد مورد تعرض واقع شده، می باشد»

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی

خشونت جنسی: مقدمه 2

بخش اعظم خشونت جنسی مبنای جنسیتی دارد، درست به همان شکلی که سازمان ملل در سال 1992 عنوان کرد:

«خشونت مبتنی بر جنسیت شکلی از تبعیض است که به طور جدی از توانایی زنان در استفاده از حقوق و آزادی خود بر مبنای برابری با مردان ممانعت به عمل می آورد. نگرش و برخورد سنتی که زن را مادون و تابع مرد می داند و یا نقشهای کلیشه ای برای او در نظر می گیرد، به تداوم شیوه های گسترده خشونت یا فشار و تهدید مانند خشونت خانوادگی و تجاوز، ازدواج اجباری، مرگ و میرهای ناشی از خشونت و ادعاهای مهریه ای، اسید پاشی، و ختنه زنان، می انجامد. چنین تعصبات و رفتارهایی ممکن است خشونت جنسیتی را تحت لوای محافظت و یا کنترل زنان، توجیه کند.»

همانطور که در بخشهای زیر خواهیم دید، خشونتهای جنسی مرد علیه مرد و خشونت جنسی زن علیه زن و زن علیه مرد، هم وجود دارند. اما با این حال، بخش اعظم خشونتهای جنسی واقعاً «مبنای جنسیتی» دارد، یعنی زنان قربانی اند و مردان مجرم.

شعبه رفاه و ترقی زنان
اداره امور دارایی و اجتماعی



سازمان ملل متحد علیه تبعیض نسبت به زنان

در سال 1979 سازمان ملل کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان را تصویب نمود، و در سال 1992 توصیه های کلی خود را منتشر کرد که بند 19 آن تصریح می کند که خشونت مبتنی بر جنسیت شکلی از تبعیض است. برای مطالعه متن کامل توصیه ها

[اینجا را کلیک کنید.](#)

(متن فارسی کنوانسیون و توصیه های مربوط به آن را می توان از طریق گوگل جستجو کرد. م.)

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی

خشونت جنسی: مزاحمت جنسی

سازمان ملل متحد در شماره 19 توصیه های خود حول رفع هرگونه تبعیض علیه زنان- 1992، به موضوع تعرض و آزار جنسی هم می پردازد:

«هرگاه دست رسانیه و دست درازیه های جنسی ناخواسته، درخواستهای مبنی بر انجام لطف و خدمت جنسی، و دیگر سلوک لفظی یا فیزیکی با خمیرمایه جنسی، به طور ضمنی یا آشکار، بر اشتغال فرد و عملکرد شغلی او، تأثیر منفی بر جای نهند و یا محیط کار را تهدید آمیز، خصمانه، و یا توهین آمیز کنند، در زمره مزاحمت های جنسی قرار می گیرند.»

البته، باید به خاطر داشت که هم زنان و هم مردان هر دو می توانند هم عامل و هم قربانی مزاحمت های جنسی شوند، ولی توجه به این واقعیت که اکثر قربانیان مزاحمت های جنسی، زنان هستند، هم بسیار مهم می باشد.

در ایالت متحده آمریکا، کمیسیون فرصتهای استخدامی برابر (EEOC) اعلام کرده است که مزاحمت‌های جنسی، نقض قانون حقوق مدنی مصوب سال 1964 می باشد و دستورالعملهایی درباره چگونگی برخورد با آن صادر کرده است. همانطور که این دستورالعملها روشن می کنند:

«هنگامی که زنان در محیط کار خود در معرض خشونت‌های با مبنای جنسیتی همچون مزاحمت‌های جنسی واقع می شوند، موضوع برابری در اشتغال به طور جدی نقض و مختل می گردد. تعرض و اذیت و آزار جنسی، شامل رفتارهای مشخص ناخواسته همچون دست درازی و تماس فیزیکی، حرفها و اشارات جنسی، نشان دادن پورنوگرافی، و تقاضاهای جنسی، در کردار یا گفتار می شود. چنین اقداماتی می توانند بسیار تحقیرآمیز باشند و باعث مشکلات سلامتی و امنیتی شوند. اجحاف زمانی اتفاق می افتد که زن به دلایل منطقی باور داشته باشد که اعتراض او به تعرض و آزار جنسی، در امر استخدام یا پیشرفت کاری به ضررش تمام می شود، یا باعث تشویش فضای محیط کار می گردد.»

درواقع، تعرض و اذیت و آزار جنسی ممکن است اشکال مختلفی از متلک پرانی تا تلاش و اقدام مداوم برای تجاوز، به خود بگیرد. البته، موارد شدید و بسیار خطرناک آن را می توان با استفاده از قوانین مختلف کیفری، تحت پیگرد قانونی قرار داد.

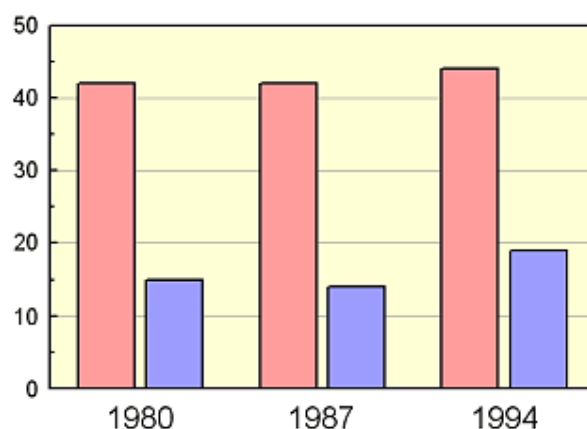
رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی خشونت جنسی: مزاحمت‌های جنسی: انواع مزاحمت‌های جنسی

موارد بارز خشونت فیزیکی با انگیزه های جنسی به کنار، اما تعدادی از رفتارهای زننده و نامطبوعی وجود دارند که در گذشته جدی گرفته نمی شدند. یک پژوهش آمریکایی در بین کارمندان فدرال، شش نوع مزاحمت و اذیت و آزار جنسی را بر ملا می کند:

نامه ها و تماسهای تلفنی ناخواسته، و یا مسائل ناخواسته دارای خمیر مایه جنسی.
تماس و لمس عمدی ناخواسته، نگاه و یا حرکت جنسی ناخواسته.
وارد آوردن فشار ناخواسته برای یک لطف جنسی.
وارد آوردن فشار برای قرار ملاقات.
سربه سر گذاشتنها، جوکها و یا اشارات سکسی ناخواسته.

نتیجه این پژوهش که در سال 1995 انجام شد، بدون آنکه تعجب کسی را برانگیزاند، دال بر آن داشت که زنان به مراتب خیلی بیشتری نسبت به مردان، در معرض این نوع رفتارهای اهانت آمیز قرار دارند. نمودار زیر تحولات در طول 14 سال را نشان می دهد. دلیل چندانی برای این باور که تعادل فوق از آن زمان تا کنون دچار تغییرات عمده ای شده است، وجود ندارد.

مزاحمت‌های جنسی در محل کار فدرال ایالات متحده



چه تعداد از کارکنان در دو سال گذشته با اذیت و آزار جنسی مواجه شدند؟ همانطور که آمار و ارقام نشان می‌دهند، زنان بیشتری نسبت به مردان، مزاحمت‌های جنسی را تجربه می‌کنند.
منبع:

*Sexual Harassment in the Federal Workplace: Trends, Progress, Continuing Challenges
A Report to the President and the Congress of the United States by the U.S. Merit
Systems Protection Board.*

[برای مطالعه گزارش کامل اینجا را کلیک کنید](#)

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی خشونت جنسی: مزاحمت‌های جنسی: انواع مزاحمت‌های جنسی 2

در سال 2001، وزارت آموزش و پرورش ایالات متحده، دستورالعمل‌های خود در رابطه با مزاحمت‌های جنسی دانش آموزان و دانشجویان را مورد بازبینی قرار داد(1). این سند اظهار می‌دارد که:

«مزاحمت جنسی، رفتار ناخوشایند و ناخواسته همراه با خمیرمایه جنسی است. مزاحمت جنسی شامل دست درازیهای ناخواسته، درخواست انجام لطف و عنایت جنسی، و دیگر رفتارهای لفظی، غیر لفظی، و یا فیزیکی دارای طینت و طبیعت جنسی، می‌باشد. اذیت و آزار جنسی بر مبنای جنسیت می‌تواند امکان و توان محصل در مشارکت یا دریافت مزایا، خدمات، یا فرصتهایی در برنامه آموزشی را انکار یا محدود کند.»

به هر حال، دستورالعمل جدید این را هم تأکید می‌کند که:

«اعتراف به این مسئله مهم است که ممنوعیتهای مربوط به مزاحمت‌های جنسی، شامل لمس، تماس و رفتارهای مشروع و تهی از خمیرمایه جنسی نمی‌شوند. برای مثال، رفتار معلم ورزش که محصلی را هنگام زدن گل بغل می‌کند، یا وقتی معلم کودکستان، کودکی که زانویش زخمی شده را با یک آغوش تسلی می‌دهد، هیچکدام مزاحمت و آزار و اذیت جنسی محسوب نمی‌شوند. همینطور، اگر اجرای حرکات ورزشی محصلی نیازمند تماس او با محصل دیگری باشد، باز هم این تماس، از جنس مزاحمت جنسی نمی‌باشد. ولی با این حال، گاهی در شرایطی، ممکن است یک رفتار و سلوک تهی از خمیرمایه جنسی، به طور ضمنی بار و معنای جنسی به خود بگیرد و سطح مزاحمت جنسی را افزایش دهد. مثلاً، معلمی که بی مورد و بی جهت، بارها و بارها محصلی را بغل و دستان خود را به دور وی حلقه کند. این کار می‌تواند محیط خصمانه، ناخوشایند و نامساعدی ایجاد کند.»

احتیاط مورد اشاره در فوق، معضل امکان بالقوه سوء استفاده احتمالی از قانون مقابله با مزاحمت‌های جنسی را عیان می‌کند. در حالی که موارد بدون ابهام زیادی وجود دارند، مواردی هم هستند که قابلیت تفسیرهای متفاوتی را دارا می‌باشند. بعضی کلمات و ایماء و اشارات می‌توانند مورد سوء تعبیر واقع شوند. یک بغل کردن و درآغوش گرفتن که برای یکی ممکن است کاملاً بی‌خطر به نظر برسد، چه بسا در نظر دیگری دارای بار و پیامد جنسی باشد. چون به هرحال، مردمان با پیش زمینه‌های فرهنگی مختلف، در رابطه با درجه نزدیکی فیزیکی و تعدد دفعات دست زدن به دیگری، اغلب آداب و رسوم و احساسات بسیار متفاوتی با هم دارند. به هرحال، در یک محیط چند فرهنگی مانند ایالات متحده آمریکا، بسیاری از معلمان در مورد اینکه تا چه اندازه می‌توانند به محصلان خود نزدیک شوند، نامطمئن و بیش از اندازه محتاط شده‌اند. این می‌تواند به ایجاد تصنعی فاصله عاطفی، و فقدان گرمی روابط معلم و دانش آموز منجر شود. به طور خلاصه، در حالی که باید با مزاحمت و آزار و اذیت‌های جنسی مقابله شود، اما بایستی از قضاوت نسنجیده و سرسری در رابطه با هر نوع بی‌تکلفی فیزیکی یا لفظی هم اجتناب نمود.

(1) U.S. Department of Education: Revised Sexual Harassment Guidance: Harassment of Students by School Employees, other Students, or Third Parties. [برای اطلاع بیشتر اینجا کلیک کنید.](#)

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی

خشونت جنسی: مزاحمت‌های جنسی: انواع مزاحمت‌های جنسی 3

یک گزارش آماری حول **مزاحمت‌های جنسی در مدارس** در بین دانش آموزان 14 تا 17 ساله در آمریکا، نشان می‌دهد که از هر پنج دانش آموز دختر و پسر، چهارتای آنها در مدرسه، به نوعی مورد مزاحمت جنسی واقع شده‌اند. طبق این گزارش «مزاحمت‌های جنسی- لفظی و عملی- در مدارس اغلب اتفاق می‌افتند؛ در مدارس ابتدایی شروع می‌شوند، در جلو چشمان معلمان رخ می‌دهند، و باعث رنجش و دلگیری دختران و پسران می‌شوند.» خلاصه این که «مزاحمت جنسی بخشی از زندگی روزمره دختران و پسران در مدارس می‌باشد.» (1)

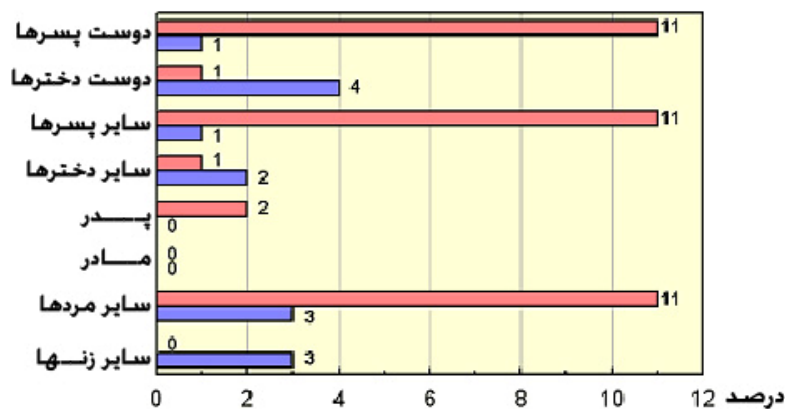
گزارش دوم حول آمارگیری **مزاحمت‌های جنسی در محیط دانشگاهی** (افراد 18-24 ساله) است. طبق این گزارش، «دو سوم دانشجویان اظهار داشته‌اند که در محیط دانشگاهی با نوعی مزاحمت جنسی مواجه شده‌اند»، و همچنین، «یک سوم دانشجویان اعلام کرده‌اند که مورد ضرب و شتم جسمی، همچون دست درازی فیزیکی، چنگ زدن یا نیشگون گرفتن با حال و هوای جنسی، واقع شده‌اند.» در این گزارش اظهار شده که «احتمال مواجه شدن دانشجویان دختر و پسر همجنسگرا، دوجنسگرا و فراجنسیتی با اذیت و آزارهای جنسی، بیشتر از احتمال مواجه شدن دانشجویان دگرجنسگرا است.» (2)

معلوم نیست که آیا می‌توان از این یافته‌ها به نتیجه‌گیری کلی رسید یا نه. مثلاً در یک **نظرسنجی ملی سکس** در فنلاند از پرسش‌شوندگان پرسیده شد که آیا تا قبل از 18 سالگی مورد مزاحمت جنسی واقع شده‌اند یا نه. نتایج کلی هر دو مطالعات آمریکایی و فنلاندی مشابه هم از آب درآمدند: افراد مونث، و نوجوانان همجنسگرا بیشتر از همسن و سالان خود در معرض مزاحمت‌ها و اذیت و آزارهای جنسی واقع شده بودند. ولی، ارقام واقعی بسیار متفاوت از هم بودند: تنها 17 درصد زنان و 8 درصد مردان اظهار داشته‌اند که با چنین مزاحمت‌هایی مواجه شده‌اند. از سوی دیگر، بسیاری از آنها نه تنها توسط یک نفر، بلکه توسط چندین نفر (دوست پسر، دوست دختر، دختران و پسران دیگر، بزرگسالان) مورد مزاحمت قرار گرفته‌اند.

تفاوت‌های آماری موجود احتمالاً منعکس‌کننده برخی تفاوت‌های عمده فرهنگی بین اروپا و ایالات متحده آمریکا می‌باشند. این تفاوت‌ها تنها در رابطه با خود رفتارها نیستند، بلکه به چگونگی برداشت پرسش‌شوندگان و چگونگی بررسی و درک پاسخ‌ها توسط پژوهشگران هم مربوط می‌شوند. ممکن است بعضی فرهنگ‌ها از جهت جنسی تهاجمی‌تر از فرهنگ‌های دیگر باشند. همچنین ممکن است که بعضیها نسبت به کل موضوع مزاحمت‌های جنسی حساسیت بیشتری داشته باشند. و آخر اینکه، ابزارهای پژوهشی به کار برده شده در کشور‌های مختلف، اغلب مانع یک مقایسه معتبر می‌شوند.

(1) AAUW: *Hostile Hallways - Bullying, Teasing, and Sexual Harassment in School* [کلیک کنید برای اطلاع بیشتر اینجا](#). (2001)

(2) AAUW: *Drawing the Line - Sexual Harassment on Campus* (2006). [برای اطلاع بیشتر اینجا](#). [کلیک کنید](#).



مزاحمت‌های جنسی در فنلاند

نمودار فوق درصد دختران و پسران زیر 18 سال که در معرض مزاحمت‌های جنسی واقع شده اند را نشان می دهد.
منبع:

O. Kontula and E. Haavio-Mannila, *Sexual Pleasures - Enhancement of Sex Life in Finland, 1971-1992, Chapter 11* [برای اطلاع بیشتر اینجا کلیک کنید](#).

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی

خشونت جنسی: تجاوز جنسی

در گذشته، تجاوز جنسی به معنای تنگ و محدود «جماع قهری» بود و «جماع» هم به عنوان جماع واژنی، یعنی دخول، تعریف می شد. در نتیجه، بسیاری از اعمال خشونت آمیز جنسی، تجاوز تلقی نمی شدند و به همین دلیل تحت پیگرد قانون مربوط به تجاوز جنسی هم قرار نمی گرفتند. مثلاً آمیزش دستی، دهانی و یا مقعدی اجباری با زنان و مردان، تجاوز محسوب نمی شد. ممکن است که چنین رفتارهایی تحت عنوان تعرض جنسی مورد مجازات قرار می گرفته اند اما این مجازات به شدت مجازات مربوط به تجاوز جنسی نبوده و نیستند. علاوه بر آن، در بسیاری از قوانین کیفری، قانونی در منع تجاوز شوهر به همسر خود، یا تجاوز مشتری به روسپی وجود نداشت. در این مدت، به لطف تلاشهای آموزشی جنبش زنان، بسیاری از قانونگذاران، تا حدود زیادی، قوانین خود را اصلاح کرده اند. این قوانین امروزه دو مسئله را قبول کرده و مورد تصدیق قرار می دهند:

1. تجاوز جنسی بیشتر یک جرم خشونتی است تا جرم جنسی،

و
2. تجاوز جنسی به هیچ وجه به نوع واحدی از عمل جنسی محدود نمی شود.

امروزه، این امر به خوبی درک شده است که هم زنان و هم مردان، هردو، ممکن است قربانیان تجاوز جنسی شوند، و تجاوز جنسی به همسر یا روسپی همانقدر جرم محسوب می شود که تجاوز جنسی به دیگری. قبل از ورود به بحث شرایط فعلی، بد نیست به تاریخچه تجاوز جنسی نگاهی بیاندازیم.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی

خشونت جنسی: تجاوز جنسی: یادداشتهای تاریخی

در اسطوره های یونان باستان، خدای اعظم، زئوس، در دو دوره متفاوت دلباخته دو انسان فانی – شاهزاده خانم اروپا، و پسری به اسم گانیمد، گردید. او بعد از ربودن و عشق باختن با آنها، پاداش سخاوتمندانه ای به آنان بخشید؛ اروپا را ملکه جزیره کرت نمود، و گانیمد را به عنوان ساقی خود انتخاب کرد. افسانه های تأسیس روم، از تجاوزات جنسی در مقیاسی وسیع، سخن می گویند. از آنجا که شهر تازه، نسلوانهای کافی برای تضمین رشد جمعیت خود نداشت، قبائل «نسابین» ساکن در همسایگی شهر را به مراسم

یک جشن مذهبی دعوت کردند. در وسط جشن، مهمانداران غافلگیرانه به مهمانها حمله کرده و زنان سابین را می ربایند و به آنها تجاوز می کنند. زنان مورد تجاوز واقع شده، مجبور به ازدواج با تجاوزگران خود شدند و نسلی از فرزندان تازه که شدیداً مورد نیاز بود، به شهروندان روم افزودند. این اسطوره های کهن، پیشاپیش به دو انگیزه تجاوز اشاره دارند: میل خودانگیخته جنسی (نمونه زنوس)، و انقیاد از پیش برنامه ریزی شده (نمونه شهر روم). این دو انگیزه اغلب در هم عجین شده اند، و رد پای آنها در طول تاریخ بشر تا به امروز دیده می شود.



تجاوز جنسی در اسطوره های یونان و روم

(چپ) «تجاوز به اروپا»: برای نزدیکی به شاهزاده اروپا، زنوس در نقش یک ورزا ظاهر شد و هنگامی که اروپا بر پشتش نشست، او را ربود. این تصویر در قرن اول بعد از میلاد روی دیواری در شهر پمپی ایتالیا نقاشی شده است. (برای ربودن گانیمد، زنوس به هیبت یک عقاب درآمد.)

(راست) «تجاوز به زنان سابین»: اثر نیکولای پوشین (1595 – 1665)

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی خشونت جنسی: تجاوز جنسی: یادداشتهای تاریخی 2

در روم باستان و بسیاری از فرهنگهای کهن دیگر، تجاوز به یک زن، قبل از هر چیز، جرم و توهینی علیه خانواده او محسوب می شد، و عدم رضایت خود زن مسئله تعیین کننده ای نبود. همانطور که در نمونه های اساطیری دیده می شود، ربودن و تجاوز جنسی، با هم اتفاق می افتادند و دور بردن زن از خانواده، جدی ترین جرم را تشکیل می داد. مجازات چنین تخلفی یا مرگ بود و یا جریمه نقدی که به پدر یا شوهر زن پرداخت می شد. تجاوز به یک دختر باکره، یک جرم و تخلف بسیار جدی تلقی می شد. طبق تعریف قانون، امکان نداشت که زنان شوهردار، روسپیان و بردگان مورد تجاوز واقع شوند. چون حق مقاومت در برابر دست درازی جنسی شوهران، مشتریان و صاحبان خود را نداشتند. قبل از لغو برده داری در ایالات متحده که بعد از جنگ داخلی (65-1861) اتفاق افتاد، ایالتهای جنوبی قوانین قدیمی خود را حفظ کرده بودند. بر اساس آن قوانین، زنان برده سیاهپوست کماکان در اختیار صاحبان سفید پوست خود بودند و هر مقاومتی در برابر خواسته جنسی مالک خود، کار بیپوده ای بود. در عوض، مردان سیاه پوستی که به زنان سفید پوست تجاوز می کردند، اغلب بدون محاکمه بی طرفانه ای اعدام می شدند، اما مردان سفید پوست متهم به تجاوز به زنان سیاه پوست، کلاً به ندرت مورد پیگرد قرار می گرفتند. برای مدتی طولانی، اجرای قوانین آمریکا در رابطه با تجاوز، از یک بی تعادلی و عدم توازن جدی رنج می برد. در طول قرن بیستم 90% مردان اعدام شده به جرم تجاوز جنسی در آمریکا، سیاهپوست می باشند. این مسئله تنها بی عدالتی نبود؛ اجرای قانون مربوط به تجاوز به عنف نقض جدی دیگری هم داشت: قضات و هیئت منصفه نسبت به اتهام تجاوز با سوء ظن برخورد می کردند و در نتیجه بی طرف



سازمان ملی زنان (ناو)

یک گروه فمینیستی بزرگ و با نفوذ در ایالات متحده آمریکا است که، همچنان به مبارزه خود با تمام اشکال خشونت علیه زنان ادامه می دهد. (برای اطلاع بیشتر روی آرم فوق کلیک کنید.)

نبودند. حرفهای زنان قربانی اغلب اوقات پذیرفته نمی شدند، و آنها حتی در داخل دادگاه هم مورد حمله قرار می گرفتند. شخصیت و اخلاق جنسی آنان مورد سؤال قرار می گرفت، و بسیاری از جزئیات زندگی خصوصیشان در انتظار عمومی مورد بررسی قرار می گرفتند. به طور خلاصه، افرادی که یکبار قربانی تجاوز به عنف شده بودند، با این خطر هم مواجه بودند که بار دیگر توسط سیستم قضایی قربانی شوند. در دهه 1960، زمانی که جنبش تازه پای زنان به این مسائل پرداخت، پیشرفتهای قابل ملاحظه ای حاصل گردید. برای مثال، در اوائل دهه هفتاد میلادی سازمان ملی زنان (آمریکا) (NOW)، کارزاری را برای بازتعریف تجاوز به عنوان یک جرم خشونت و راه اندازی مراکز بحران تجاوز، جهت ارائه کمک، پشتیبانی، و مشاوره به قربانیان، شروع نمود. اضافه بر آن، در آمریکا و بسیاری از کشورهای دیگر، تجاوزشوهر به همسر، و همچنین تجاوز به یک روسپی هم به عنوان جرم شناخته شد.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی خشونت جنسی: تجاوز جنسی: یادداشتهای تاریخی 3

در بسیاری از کشورها، اصلاح قوانین در چند دهه اخیر به انصاف و عدالت بیشتری منجر شده و قربانیان تجاوز از حمایت بیشتری برخوردار شده اند. آنها برای اثبات عدم رضایت خود، دیگر لزومی برای اثبات اینکه «نهایت مقاومت خود» را به کار برده اند، ندارند. به علاوه، امروزه در اغلب اوقات، خود قوانین، تعاریف خنثای جنسی، همچون «تعرض جنسی»، که می تواند در مورد هر دو جنس به کار رود و در عین حال نه تنها شامل دخول مهبلی اجباری، بلکه دربرگیرنده همه انواع خشونتهای جنسی می باشد، را به کار می برند.

گام مهم دیگر در سال 1998، یعنی زمانی برداشته شد که دادگاه جنایی سازمان ملل برای رسیدگی به جنایات رخ داده در کشور رواندا، خشونت جنسی را در زمره جنایت جنگی قرار داد. از همان شروع تاریخ، تجاوز، یک ابزار جنگی بوده، و در انجیل هم آمده است. تجاوز قبل از هر چیز به هدف تحقیر تمام عیار دشمن خدمت می کند؛ بخصوص اگر این کار به آستان شدن زنان و حمل فرزندان ناخواسته منتهی شود. ارتشهای ایران، یونان و روم باستان به طور مداوم زنان و مردان جوان شهرهایی که فتح می کردند را مورد تجاوز قرار می دادند. البته، اولین کدهای نظامی مسیحیان قرون وسطی، چنین اقدامی را منع و مجازات می کردند. با این وجود، همانطور که هر دانشجوی تاریخ و هر روزنامه خوانی می داند، این اقدامات در بسیاری از جنگها تا به امروز، و اغلب هم به تشویق فرماندهان نظامی، ادامه داشته اند. تحت کنترل مؤثر در آوردن این نوع خشونت شاید مدت زمان زیادی طول بکشد، اما دادگاه رواندا رسم و سنت امیدوارکننده ای را بنیان نهاده است.



جنگ و تجاوزات جنسی

تصویر، نمایی از جنگ تروی را نشان می دهد: آژاکس، کاساندرا را از معبد بیرون می کشد تا به او تجاوز کند. (نقاشی روی گلدانی از قرن چهارم قبل از میلاد یونان باستان.)

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی

خشونت جنسی: تجاوز جنسی: تعریف

کلمه انگلیسی «Rape» (تجاوز) از فعل لاتین «rapere»، که به معنای تصرف با زور می باشد، مشتق شده است. همانطور که مشاهده گردید، این لغت در اصل به هر دو مورد ربودن و تعرض جنسی دلالت داشت، چون این دو عمل درواقع دو روی یک سکه (جرم) بودند. این واژه حتی تا امروز هم بعضی از معانی ضمنی خود را حفظ کرده است (مثل اصطلاح «تجاوز به یک کشور»، و شعر بلند پاپ اسکندر در سال 1712 به اسم «تجاوز به لوک»). در متن حاضر ما تعریف زیر را به کار می بریم:

تجاوز جنسی آن نوع تماس جنسی است که بدون رضایت معتبر یکی از طرفین صورت بگیرد.

این تعریف بر همه موارد خشونت جنسی منطبق است، اما در همه جا پذیرفته نشده است. بسیاری از قانونگذاران، تجاوز را در قالب تنگ و محدود «آمیزش مهملی بدون اذن» تعریف می کنند، و این مشخصاً آمیزش دهانی اجباری یا دخول مقعدی اجباری را شامل نمی شود. البته برخی قانونگذاران، آمیزش دهانی یا مقعدی بدون رضایت فرد را در زمره تجاوز جنسی تعریف می کنند اما تنها به شرطی که «دخول»، به وسیله آلت جنسی مردانه صورت گرفته باشد. برخی دیگر فراتر از این می روند و دخول بدون رضایت فرد، با هر وسیله ای، از جمله با دسته جارو، بطری، و یا آلت مصنوعی (ویبراتور) را هم به عنوان تجاوز جنسی تعریف می کنند. و باز قانونگذاران دیگری هم هستند که استنماء اجباری و بدون اجازه مالیدن آلت جنسی خود به آلت فرد را هم در زمره تجاوز جنسی تعریف می کنند. بعضی تعاریف حقوقی فقط تجاوز به زن را دربر می گیرند و در نتیجه به کمک قوانین دیگری، به تجاوز جنسی به افراد مذکر رسیدگی می شود. و آخر اینکه، توافقی جهانشمول حول تعریف اعتبار «رضایت» هم وجود ندارد. چون به هر حال، موافقت و اجازه اعلام شده ممکن است به این دلیل که، فرد رضایت داده «زیر سن قانونی»، و یا دارای اختلال روانی بوده، و یا تحت تأثیر مشروبات الکلی، مواد مخدر، یا به وسیله تهدید و شکنجه، به دست آمده، از اعتبار ساقط باشد. همه موارد نامبرده، در کشورهای مختلف، به طور یکسان تحت پیگرد قانونی قرار نمی گیرند و هر کشوری بنا به قوانین خود و تعریفی که از مفاهیم مربوطه دارد، عمل می کند.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی

خشونت جنسی: تجاوز جنسی: زنان قربانی



همانطور که در بخشهای قبلی این دوره آموزشی آمده، در رابطه با رفتارهای جنسی بشر تقریباً هیچ محدودیتی وجود ندارد. هر رفتار جنسی می تواند با قهر و اجبار هم عملی گردد، و بنا به تعریف ما، کاربرد قهر و اجبار در سکس، تجاوز جنسی محسوب می شود. اما، بنا به سنتهای متفاوت حقوقی، این عمل ممکن است در همه جا قابل مجازات نباشد و یا مجازات مختلفی برای آن در نظر گرفته شود. بدیهی است که در این دوره آموزشی نمی توان به بسیاری از جزئیات پرداخت، اما ارائه لیست مختصری از مهمترین انواع تجاوزات جنسی خالی از فایده نخواهد بود

تجاوز به کودکان

وقتی که افراد بزرگسال، تحت هر شرایطی، با کودکان تماس جنسی برقرار می کنند، این کار مسلماً، بنا به تعاریف، «تجاوز کیفری» (statutory rape) است. یعنی بر تعریف قانونی تجاوز، منطبق می شود؛ به این علت که، کودکان قانوناً نمی توانند رضایت معتبر دهند. در قضیه تجاوز به کودکان چنانچه والدین یا خواهران و برادران دخیل باشند، این امر زنا یا محارم هم محسوب می شود. (به بخش رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی: تماس جنسی بزرگسالان با کودکان: زنا یا محارم، مراجعه شود.)

تجاوز کیفری

(statutory rape) به عنوان یک قاعده، قانون همچنین سعی می کند تا با تعیین «سن قانونی»، از نوجوانان در مقابل دست درازیهایی مضر افراد بزرگسال محافظت کند. نوجوانان زیر «سن قانونی» نمی

توانند رضایت قانونی بدهند، و هر نوع تماس جنسی با آنان هم تجاوز کیفری تعریف می گردد. ولی به هر حال، مرز «سن قانونی» در کشورهای مختلف متفاوت است.

تجاوز در دوستی ها (ملاقاتهای دوستی و آشنایی)

برخی از زنان توسط کسانی که آنها می شناسند (یک فرد آشنا، دوست پسر، کسی که با او قرار ملاقات گذاشته اند) مورد تجاوز قرار می گیرند. چنین سوء استفاده ای از اعتماد فرد، برای قربانی، تکان دهنده و شوک آور می باشد، اما متأسفانه پیگرد جرم چندان ساده نیست چون متهم ادعا می کند که کار با رضایت خود زن صورت گرفته است. موارد چشمگیر زیادی وجود داشته اند که در برخی از آنها متهمان محکوم و در برخی دیگر تبرئه شده اند.

تجاوز همسری

در گذشته، تجاوزات جنسی شوهر به زن و کلاً تجاوزات جنسی در روابط زناشویی، جرم محسوب نمی شد، اما در دهه های اخیر قوانین مربوط به تجاوز جنسی تغییر کرده اند تا تجاوزات شوهران به همسران خود را هم پوشش دهند. این نوع خشونت خانوادگی برای فرد قربانی ضایعه بزرگی است، چون او به راحتی نمی تواند درخواست کمک کند.

تجاوز توسط غریبه

این نوع تجاوز جنسی در مقایسه با دیگر موارد تجاوزات جنسی نسبتاً نادر می باشد، با این حال، برای قربانی ضایعه بزرگی است و متجاوزان اغلب افراد خشن و خطرناکی هستند.

تجاوز به روسپیان

فاحشه ای که در یک محیط ناامن (خیابان، تنها در یک آپارتمان و یا به صورت تلفنی) کار می کند، با خطر تجاوز و یا ضرب و جرح از سوی مشتریان پرخاشگر و یا روانپزش قرار دارد. در کشورهایی که حقوق روسپیان تضمین شده، مجرمان مورد پیگرد و محاکمه قرار می گیرند.

تجاوز گروهی

گاهی سه یا تعداد بیشتری از افراد با هم در یک تجاوز گروهی شرکت می کنند. این «تجاوز باندی» توسط سه نفر یا بیشتر، اغلب خشونت آمیز و موهن می باشد، چون، در این مردان نوعی ذهنیت گروهی شکل می گیرد که در حین ارتکاب عمل نیرومندتر عمل می کند. بنابراین، این مردان ممکن است به اعمال و کارهایی دست بزنند که اگر تنها بودند، از آن پرهیز می کردند. زمانی این نوع تجاوز در زبان محاوره ای «گنگ بنگ» (ترق تروق) نامیده می شد. اما در این اواخر این اصطلاح هر چه بیشتر به تماسهای جنسی مبتنی بر توافق طرفهای ذینفع در سکس ضربدری، اطلاق می گردد.

تجاوز به عنوان شکنجه

از تجاوز جنسی اغلب در ارتباط با شکنجه زنان و مردان زندانی هم استفاده شده و می شود.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی

خشونت جنسی: تجاوز جنسی: زنان قربانی: ذات، اساس و جوهر تجاوز جنسی

امروزه، این مسئله کاملاً پذیرفته شده است که تنها دخول مهبل، دهانی و یا مقعدی در بدن فرد قربانی، تجاوز قلمداد نمی گردد، بلکه، هر نوع نزدیکی جنسی بدون رضایت معتبر فرد، تجاوز محسوب می شود. و همین عدم رضایت معتبر است که تجاوز را به جرم تبدیل می کند. به همین سبب، مشخصه بارز تجاوز، نوع و شکل عمل جنسی نیست بلکه، تخلف و زیر پا گذاشتن تمامیت حریم جسمی و روانی فرد است که ویژگی تجاوز را تشکیل می دهد.

ذات، اساس و جوهر تجاوز، خشونت و سوء استفاده از قدرت می باشد. تجاوز بیان و نمود امیال غیر قابل کنترل، یا انباشت میل جنسی نیست، بلکه، مظهر و تجسمی از خشم و نفرت می باشد.

بی جهت نیست که، برای فرد قربانی، بزرگترین ضربه جزئیات «عمل جنسی» نیست، بلکه همانا تجربه خشونت، بی قدرتی، بیچارگی، درماندگی، و بدنامی است.



آگاهی رسانی درباره
تعرضات جنسی
روبان کوچک به رنگ
آبی سیر، که جهت زدن روی
لباس یا بقیه روپوش طراحی
شده، امروزه اغلب برای
ابراز حمایت و همدردی با
قربانیان تعرضات جنسی
استفاده می شود.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی خشونت جنسی: تجاوز جنسی: زنان قربانی: کمک به قربانیان

به محض وقوع تجاوز، باید هرآنچه که ممکن است را انجام داد تا متجاوز دستگیر و تحویل عدالت گردد. این امر در اکثر موارد مستلزم همکاری فرد قربانی است. ولی، در اینگونه مواقع، فرد قربانی خود معمولاً آشفته حال و پریشان است و برای کنار آمدن با تجربه تلخ خود نیازمند کمک می باشد. به همین دلیل بسیار ضروری است که مسئولان پزشکی و پلیس جهت یافتن مدارک لازم، همکاری نزدیکی با هم داشته باشند، بدون آنکه فشار روحی و روانی بیشتری بر فرد قربانی وارد شود. این همکاری ضروری، در سالهای اخیر در بسیاری از کشورها تا حدود زیادی بهبود یافته است، و در عین حال، پزشکان و افسران پلیس نسبت به نیازهای فرد قربانی حساسیت مثبت بیشتری نشان می دهند. در هر صورت، بلافاصله بعد از وقوع تجاوز، فرد قربانی باید سعی کند که:

- خود را به جای امنی، خارج از دسترس فرد مهاجم برساند. (خانه شخصی، منزل یک دوست، اورژانس بیمارستان، ایستگاه پلیس)
- کمک پزشکی درخواست کند. او نباید لباس خود را عوض کند یا خود را بشورد. پزشکان و پرستاران می توانند با استفاده از ابزار تست تجاوز، مدرک و شواهد لازم را به دست آورند. در این زمان زخم و جراحات احتمالی هم تشخیص داده شده و درمان می شوند.
- گزارش حادثه به پلیس و ارائه اطلاعات دقیق به همراه جزئیات در مورد تهاجم صورت گرفته. این کار به پلیس در دستگیری مهاجم کمک می کند.

بعد از انجام این مراحل اضطراری، فرد قربانی باید به دنبال مشاوره (به صورت تلفنی یا حضوری با یک مشاور متخصص تجاوز) باشد، یا به یک جلسه مشاوره گروهی برود. ضربه وارده شدید بوده و اثرات آسیبهای روحی - روانی آن طولانی مدت می باشد. فرد قربانی نباید سعی کند که خود به تنهایی از پی اینهمه فشار و سختی برآید.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی خشونت جنسی: تجاوز جنسی: زنان قربانی: کمک به قربانیان 2

در روزها و هفته های بعد از تجاوز، قربانیان معمولاً دچار انواع و اقسام مشکلات و ناراحتیهای روحی و روانی می شوند. از جمله عدم توان تمرکز، ترس و دلهره، تحریک پذیری، خواب نامنظم، تکرار بی اراده و مداوم حادثه در ذهن، کابوسهای تکراری و حملات اضطرابی. آنها ممکن است جزئیاتی از تهاجم را در درون خود دفن، یا به طور مرتب در ذهن خود تکرار کنند. چنین حالتی ممکن است تا ماهها ادامه یابد. در مواردی، دلالتی جهت نگرانی از امکان بارداری ناخواسته یا ابتلا به بیماریهای مقاربتی هم وجود دارند. انجام این آزمایشات و نتایج آنها طول می کشد و این دلیل دیگری است برای ادامه مراقبتهای پزشکی از قربانیان تجاوزات جنسی. همه قربانیان، با ضربه وارده به یک شیوه برخورد نمی کنند. بعضیها قادر به کنترل احساسات خود نمی شوند؛ گریه می کنند، از خشم می لرزند، یا خنده های عصبی و ناخوشایندی سر می دهند. برخی دیگر ظاهری آرام و منطقی به خود می گیرند اما این فقط سرپوشی است بر آشفتگی درونیشان. و بعضی شاید به انکار روی آورند چون ممکن است یادآوری واقعیت برایشان بیش از اندازه دردناک باشد.

برخی پژوهشگران از «سندروم ضغطة تجاوز» (Rape Trauma Syndrome) دو مرحله ای سخن به میان آورده اند که، مرحله (فاز) اول شبیه شوک پزشکی و فاز بعدی یک نابسامانی (اختلال) ناشی از استرس مابعد ضغطة (PTSD-post-traumatic stress disorder) می باشد. قربانیان تجاوز اغلب احساس می کنند که به آنها خیانت شده و نسبت به دیگران مشکوک می شوند. آنها ممکن است خود را منزوی کنند و این کار، کمک رسانی دیگران را دشوار می سازد. اما با این حال، در امر بازگرداندن آنها به حالت عادی، کمک و حمایت های روانی بسیار ضروری اند. اعضاء خانواده، دوستان، مشاوران و دیگر درمانگران باید با حوصله و بدون هیچ قید و شرطی به درد دل های قربانی گوش داده و حمایت های بی دریغ خود را در اختیار او قرار دهند. واداشتن زن قربانی به درک این موضوع که خود او در بلایی که بر سرش آمده خطایی مرتکب نشده و مقصر نیست و کسی او را ملامت و سرزنش نمی کند، از اهمیت زیادی برخوردار است. در حال حاضر، در بسیاری از کشورها مراکز بحران تجاوز و خطوط تلفنی برای ارائه کمک و مشاوره به قربانیان تجاوز دایر می باشند. تماس با این مراکز، نه تنها برای قربانیان، بلکه برای خانواده و دوستان آنها هم مفید می باشد. با این وجود، علی رغم نیاز شدید به کمک و حمایت، ولی نباید افراد قربانی را، برخلاف میلشان به برقراری تماس با مراکز موجود تحت فشار قرار داد. آنها برای حلاجی و هضم اتفاق پیش آمده به زمان نیاز دارند.

یک سازمان آمریکایی که علیه تعرضات جنسی مبارزه می کند:

	شبکه ملی تجاوز، تعدی و زنا با محارم بزرگترین سازمان کشوری ضد تعرضات جنسی می باشد. RAINN خط تلفنی تعرضات جنسی کشوری را اداره می کند و برنامه هایی برای پیشگیری از تجاوزات، کمک به قربانیان، و حصول اطمینان از محاکمه متجاوزان، به پیش می برد. برای اطلاع بیشتر روی آرم سازمان کلیک کنید.
---	---

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی

خشونت جنسی: تجاوز جنسی: مردان قربانی: مقدمه

این نکته مسلم که ذات، اساس و جوهر تجاوز، نه میل و خواهش جنسی، بلکه خشونت می باشد، در مسئله تجاوز مردان به مردان دیگر کاملاً آشکار می شود. این موضوع از ابتدا در داستان لوط در انجیل مشخص شده است. زمانی که لوط به دو مرد غریبه (درواقع دو فرشته) در خانه خود پناه داد، هر فرد ساکن شهر سدوم «از پیر و جوان، همه تا آخرین نفر خانه را محاصره کردند» و خواستار آن شدند که آن دو مرد را تسلیم شان کند تا به آنها تجاوز کنند. (پیدایش 19:4)

مسئله بدیهی این است که ادعایی مبنی بر همجنسگرا بودن «اولین تا آخرین نفر» مردمان شهر وجود ندارد. در عوض، این مردمان شرور خواسته اند که کینه و نفرت خود نسبت به غریبه ها را با نقض رسوم مهمان نوازی به اهانت آمیزترین و شنیع ترین شکل ممکن ابراز دارند. (و به همین دلیل هم، آنها پیشنهاد لوط مبنی بر تجاوز به دخترانش به جای مردان غریبه را رد کردند). تجاوز، محکم ترین شکل تحمیل خواری و تحقیر و، نهایی ترین نوع انقیاد و مقهوریت می باشد. و به همین خاطر هم ارتشهای باستانی ظفرمند برای به رخ دشمن کشیدن پیروزی خود، به سربازان ارتش شکست خورده تجاوز می کردند. تحقیر مطلق دشمن و به اوج رساندن خواری و زبونی او، پیروزی به دست آمده را تکمیل می کرد.

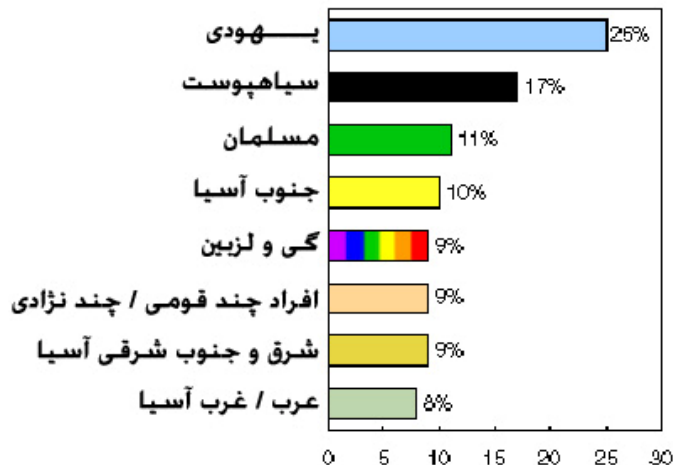
رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی

خشونت جنسی: تجاوز جنسی: مردان قربانی 2

در مسئله تجاوز به مردان، تحقیر و خوار و زبون کردن قربانی همیشه هدف اصلی بوده، هست و خواهد بود. درحقیقت، این امر گاهی شکلی از خشونت اعمال شده علیه همجنسگرایان می باشد. و تناقض اینجاست که مردان دگرجنسگرا برای بیان کینه و نفرت خود نسبت به همجنسگرایان، به آنها تجاوز می کنند. آنها در خلال تحمیل مقاربت دهانی یا مقعدی اجباری، بارانی از توهین، فحش، ناسزا و لعن و نفرین بر سر فرد

قربانی فرو می آورند و بر آنها نامهای زشت و ناپسند می نهند. این نوع خشونت‌ها، در برخی قوانین، تحت عنوان «**جرائم نفرتی**» (hate crimes) شناخته می شوند. این جرمهای نفرتی انواع تعرضات و دست درازیها را شامل می شوند و تعرضات جنسی تنها بخش کوچکی از آنها می باشند. این مسئله، هنگامی که تجاوز به عنوان **نوعی از شکنجه** دشمن دستگیر شده مورد استفاده قرار می گیرد، را هم می توان مشاهده کرد. شکنجه گران در خلال تعرض خود، قربانی را مورد تمسخر قرار می دهند و گاهی حتی زنانی را به عنوان شاهد یا دستیار خود انتخاب می کنند تا درجه احساس زبونی و حقارت قربانی را دوچندان کنند.

به جز این موارد مفرط و نامتعارف، تجاوزات به مردان به طور مرتب تری در **زندانها** رخ می دهند، یعنی جایی که افراد نگهداری شده قوی تر، بر افراد جوان تر و ضعیف تر از خود غلبه کرده و بر آنها چیره می شوند. بسیاری اوقات این وضع به تجاوز گروهی می انجامد. با این وجود، بیشتر موارد تجاوز به مردان در خارج از دیوارهای زندانها اتفاق می افتند.



جرائم نفرتی در سالهای 2002 و 2001 در کانادا

کانادا، «جرائم نفرت» را اینگونه تعریف کرده است: «جرائمی که انگیزه آنها اجحاف، تعصب یا نفرت نسبت به نژاد، منشأ ملی یا قومی، زبان، رنگ، مذهب، جنس، سن، معلولیت ذهنی یا جسمی، گرایش جنسی، یا هر عامل مشابه دیگر باشد.» همانطور که آمار پلیس در نمودار فوق نشان می دهد، نوک تیز جرائم نفرتی متوجه پیروان مذاهب غیر مسیحی (یهودیت و اسلام) در کنار نژادهای غیر سفید (سیاه پوستان و آسیاییها) می باشد. 9 درصد انگیزه های جرائم صورت گرفته متوجه همجنسگرایان بوده است، که درصد قابل توجهی است، چون بنا به گزارش پلیس:

«امکان اینکه افراد به دلیل گرایش جنسی خود مورد حمله، از جمله تعرض جنسی، قرار گیرند، بیش از دیگران است.» به هرحال، تعرضات جنسی تنها بخش کوچکی از آمارهای فوق را تشکیل می دهند.

منبع:

Statistics Canada (The Daily, June 1, 2004)

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی

خشونت جنسی: تجاوز جنسی: قربانیان مذکر 3

چنین برآورد شده که 10 درصد قربانیان تجاوز را مردان تشکیل می دهند. در عین حال، بنا به شواهد محکمی، اکثر تجاوزاتی که علیه مردان صورت می گیرند، هرگز گزارش داده نمی شوند. جمع آوری ارقام دقیق دشوار است؛ چون مردان غالباً تمایلی به این ندارند که مورد تجاوز قرار گرفتن خود را به کسی بازگو کنند. بسیاری از آنها از این می ترسند که مهر همجنسگرا بودن بخورند، و به طور کلی، همدردی چندانی هم از مقامات، خانواده ها و دوستان خود توقع ندارند. بسیاری از افراد در مواجهه با مسئله تجاوز به مردان، حتی بیش از موارد تجاوز به زنان، خود فرد قربانی را مقصر می دانند.

بیشترین موارد تجاوز به مردان، در بیرون از خانه، در پس کوچه ها، پارکها، جاهای متروکه، محلهای دورافتاده، یا در اتومبیل، هنگام سوار شدن به ماشین غریبه ها، اتفاق می افتند. نوجوانان و جوانان بیش از بزرگسالان در معرض خطر مورد تجاوز واقع شدن قرار دارند.

تجاوزات به افراد مذکر معمولاً به صورت مقاربت‌های اجباری دهانی یا مقعدی اتفاق می‌افتند. بعضی از متخلفان، با زور، قربانی خود را به تن دادن به انواع اعمال جنسی مجبور می‌سازند، و تهدید فیزیکی از جمله کشیدن چاقو یا اسلحه هم چندان نامعمول نمی‌باشد. احتمال جراحات و آسیب دیدگی مردان قربانی تجاوز بیش از زنان مورد تجاوز واقع شده، می‌باشد. در موارد بسیار نادری هم، زنان به مردان تجاوز کرده‌اند، مثلاً با تهدید اسلحه آنها را به لیسیدن مهبل خود مجبور نموده‌اند.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی

خشونت جنسی: تجاوز جنسی: قربانیان مذکر: کمک به قربانیان

آنچه که در بخش کمک به زنان قربانی تجاوز گفته شد، در امر کمک رسانی به مردان مورد تجاوز واقع شده هم صدق می‌کند. آنها باید در اسرع وقت:

- خود را به جای امنی برسانند
- کمکهای پزشکی درخواست و مدرک فیزیکی مبنی بر مورد تجاوز واقع شدن تهیه کنند.
- جرم را به پلیس گزارش دهند و در یافتن مجرم با پلیس همکاری کنند.

بعد از انجام این مراحل اضطرابی، قربانی باید به دنبال یافتن مشاوره باشد؛ چون ضربه روانی وارده، شدید است و تأثیر درازمدتی بر جای می‌نهد. فرد قربانی نباید سعی کند که به تنهایی در پی حل مشکل برآید. مردان قربانی تجاوز معمولاً مشکلاتی مشابه زنان مورد تجاوز واقع شده، تجربه می‌کنند: ترس و دلهره، تشویش و اضطراب، تکرار مداوم و بی‌اراده صحنه واقعه در ذهن خود، بی‌خوابی، کابوسهای تکراری، افسردگی، گوشه‌گیری و انزوای روحی و غیره. و بالاخره، این امکان وجود دارد که مردان قربانی شده هم، دچار نوعی «سیندروم ضغطة تجاوز» (Rape Trauma Syndrome) شوند که فاز اول آن شبیه شوک پزشکی است و فاز بعدی، اختلال استرسی ناشی از تنش پس ضربه ای-post (PTSD=traumatic stress disorder) می‌باشد. اضافه بر این، مردان قربانی تجاوز، اغلب مشکلات خاص دیگری هم دارند چون مجرم و قربانی هر دو مذکر می‌باشند.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی

خشونت جنسی: تجاوز جنسی: قربانیان مذکر: کمک به قربانیان 2

از آنجا که در تجاوز به یک مرد، مرد دیگری دخیل است، موضوع همجنسگرایی هم همیشه در پس زمینه قضیه خودنمایی می‌کند. به همین دلیل، تعداد زیادی از قربانیان تمایلی به گزارش جرمی که علیه‌شان واقع شده را ندارند؛ چون نمی‌خواهند مهر «همجنسگرا بودن» بر آنها زده شود. ولی، همانطور که بارها تأکید شده، تجاوز جنسی، یک خشونت است و گرایش جنسی موضوع کاملاً مجزایی می‌باشد. درحقیقت، در بسیاری از موارد، قربانی و مجرم هر دو دارای گرایش جنسی دگرجنسگرایانه می‌باشند، اما حتی اگر یکی از آنها (یا هر دو) «گی» باشند باز هم در اصل قضیه، یعنی تعرض صورت گرفته، تفاوتی ایجاد نمی‌کند. اصل قضیه در اینجا همانا تهاجم صورت گرفته و عواقب ویرانگر آن برای قربانی است.

هرچند که افراد قربانی گاهی از درک آنچه بر سرشان آمده، عاجزند اما، همچون بسیاری از زنان مورد تجاوز واقع شده، قربانیان مذکر هم گاهی خود را شماتت می‌کنند که مبدا خودشان باعث تحریک متجاوز شده‌اند یا چرا در برابر تهاجم صورت گرفته به اندازه کافی مقاومت نکرده‌اند. برخلاف قربانیان مؤنث، برخی از قربانیان مذکر، به خاطر لذتی که از اتفاق پیش آمده برده‌اند، خود را سرزنش و ملامت می‌کنند. به علت وجود این احتمال که، افراد مذکر در همان حالی که مورد تجاوز واقع می‌شوند، علی‌رغم شرایط، ولی باز به نوعی، از جهت جنسی برانگیخته می‌شوند و حتی ممکن است به انزال هم برسند. درحقیقت، بعضی از متجاوزین تمام زور خود را به کار می‌گیرند تا قربانی را به انزال برسانند تا بدین طریق او را تمام و کمال تحقیر کرده باشند. ولی، برانگیختگی جنسی فرد قربانی در حین عمل تجاوز به معنای رضایت و موافقت او با این کار، و عمل صورت گرفته نمی‌باشد. چون برانگیختگی جنسی و انزال احتمالی قربانی فقط واکنشهای فیزیولوژیکی غیر ارادی او هستند و نه چیز دیگری. با این حال، همین امر ممکن است باعث سردرگمی و تشویش بیشتر قربانی شود و فشار و تنش عاطفی او را دو چندان کند.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی

خشونت جنسی: تجاوز جنسی: قربانیان مذکر: کمک به قربانیان 3

برای مردان دگرجنسگرا که قربانی تجاوز شده اند، ضغطه (Trauma) وارده اغلب مهلك تر می باشد. در نتیجه اتفاق پیش آمده، آنها ممکن است گرایش جنسی خود را مورد سؤال قرار دهند. در نتیجه، این افراد ممکن است جنبه جنسی تهاجم و تعرض صورت گرفته را مشوش آورتر از خشونت به کار برده شده حس کنند. افراد قربانی برای حل تضاد و تناقضات پیش آمده در درون خود، نیازمند کمک، مشاوره و حمایت مشاوران خبره می باشند.

امر مسلم این است که، همه مردان قربانی تجاوز، نه تنها برای مشکلات روانی، بلکه برای مسائل عملی هم، نیازمند مشاوره می باشند. قبل از هر چیز، باید در درک این مسئله به آنها کمک شود که در اتفاق پیش آمده مقصر نیستند، و کسی آنها را به خاطر عملی که بر خلاف میلشان بر سرشان آمده، سرزنش نمی کند. ثانیاً، باید به استرس و تنش روانی آنها هم رسیدگی شود و بایستی پروسه التیام یابی شناسایی شده و کمکها در آن جهت هدایت شوند. افراد خانواده و دوستان هم باید بدون هیچ قید و شرطی حمایت‌های بی دریغ خود را در اختیار قربانی قرار دهند. و آخر اینکه، یک نگرانی مهم دیگر هم باید مد نظر قرار گیرد و آن احتمال انتقال بیماریهای مقاربتی است. برخی از این بیماریها عوارض فوری بروز نمی دهند. این موضوع بخصوص در مورد عفونت اچ. آی. وی. / ایدز صدق می کند. به این دلیل، قربانیان تجاوز بایستی برای انواع عفونتهای ممکن آزمایش دهند. گاهی این آزمایشات باید در طی مدت زمانی طولانی تکرار شوند. آنچه گفته شد، در مورد افرادی که در زندانها مورد تجاوز قرار می گیرند هم صدق می کند. هرچند که افراد در زندان مورد تجاوز واقع شده، اکثریت قربانیان تجاوزات جنسی را تشکیل نمی دهند اما با این وجود، تجاوز به افراد در زندانها یک مسئله مهم اجتماعی است که نیاز به توجه جدی دارد. این موضوع نیز باید درک شود که تجاوزات در زندانها ربطی به همجنسگرایی ندارد چون اکثر زندانیان دارای گرایش دگرجنسگرایانه می باشند. تجاوزات جنسی در زندانها درواقع یک خشونت گسترده فیزیکی است که در یک مؤسسه در بسته اتفاق می افتد. کاملاً واضح است که مسئولیت سلامت فیزیکی زندانیان و افراد بازداشتی بر عهده مسئولین زندان و بازداشتگاهی است که افراد در آنها نگهداری می شوند، اما متأسفانه به این مسئولیت همیشه عمل نمی شود. در بسیاری از کشورها، گروههای مدنی خاصی وجود دارند که این مسئولیت را مرتباً به مسئولین یادآوری می کنند.

تجاوز به زندانیان را متوقف کنید



یک سازمان آمریکایی که با تجاوزات در زندانها مبارزه می کند.

این سازمان سراسری و ملی همه فعالیت خود را جهت مقابله با خشونت جنسی علیه مردان، زنان و جوانان نگهداری شده در انواع مؤسسات، زندانها و بازداشتگاهها صرف کرده و تسهیلاتی برای دسترسی به انواع خدمات و امکانات مربوطه تدارک دیده است. برای اطلاع بیشتر روی آرم سازمان کلیک کنید.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی

خشونت جنسی: تجاوز جنسی: جمع بندی

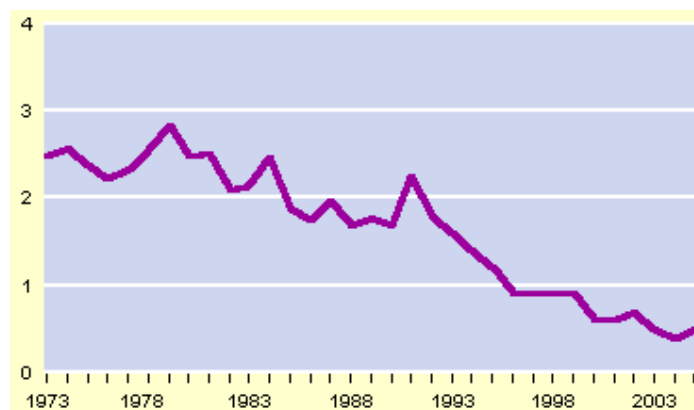
شکی نیست که تجاوز جنسی یک مشکل و معضل جدی است که در بسیاری از کشورها وجود دارد. با این حال، دسترسی به آمار دقیق در مورد گستردگی آن، اگر نه غیر ممکن، اما بسیار دشوار می باشد. یکی از دلایل این امر تفاوت‌های موجود در تعریف تجاوز در قوانین کشورهای مختلف می باشد. (در ایالات متحده آمریکا حتی ایالت‌های مختلف هم از تجاوز تعریف مشابهی ندارند.) از منظر جهانی که نگاه کنیم، با توجه به تفاوت‌های گسترده موجود در قوانین جزایی کشورهای مختلف، تصویر هر چه مبهم تر و پیچیده تر می شود. به علاوه، درحالیکه بسیاری از موارد تجاوز گزارش نمی شوند، اما از طرف دیگر اتهامات دروغین و کاذب مربوط به وقوع تجاوز هم نادر نمی باشند. با توجه به همه این مسائل، معروف است که به آمار مربوط به تجاوزات جنسی نمی توان چندان اعتماد کرد، و در نتیجه انجام یک مقایسه جهانی هم مشکل می باشد. با این

وجود، با مطالعه کل آمار یک کشور خاص، می توان به یک روند کلی دست یافت. این روندها در کل مایوس کننده نیستند. مثلاً، در ایالات متحده آمریکا، آمار تجاوزات جنسی در طول سی سال گذشته، آهسته اما به طور پیوسته، کاهش یافته است. («تجاوز» به شکل تنگ و محدود «دخول اجباری» تعریف شده است).

وزارت دادگستری آمریکا: دفتر برنامه های دادگستری
اداره آمار دادگستری



آمار تجاوزات در سالهای اخیر ثابت مانده است.
نرخ تعدیل شده قربانیان بالای 12 سال.



نمودار خطی فوق آمار تجاوزات در هر هزار نفر در فاصله سالهای 1973 - 2003 را نشان می دهد.
در اینجا، تجاوز به معنای آمیزش جنسی اجباری، چه با فشار روانی و چه به وسیله زور فیزیکی، تعریف شده است. آمیزش جنسی اجباری یعنی دخول به وسیله فرد (افراد) مجرم. نمودار فوق، هم تجاوزات کامل و هم تلاشهای صورت گرفته برای انجام تجاوزات، هم زنان و هم مردان قربانی، هم همجنسگرا و هم دگرجنسگرا را دربر می گیرد. تهدید لفظی به تجاوز هم جزء تلاش برای تجاوز محسوب می شود. [برای اطلاع بیشتر اینجا کلیک کنید](#).
منبع: وزارت دادگستری آمریکا، دفتر آمار دادگستری.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی خشونت جنسی: تجاوز جنسی: جمع بندی 2

فارغ از اینکه تجاوز جنسی در مفهومی تنگ و محدود، و یا وسیع و گسترده تعریف شده باشد، و همچنین فارغ از اینکه آمار و ارقام تجاوزات قابل اعتماد باشند یا نباشند، اما یک توافق کلی و عمومی در این باره وجود دارد و آن اینکه، **پیشگیری، بهترین راه برای کاهش این نوع خشونت جنسی است**. بدیهی است که، آموزش جنسی در مدارس و دانشگاهها، و دوره های جنسیت شناسی برای پزشکان، پرستاران، مددکاران اجتماعی، روانشناسان، مشاوران خانواده، روحانیون و همینطور نیروی انتظامی، می تواند در کاهش تجاوزات جنسی تا حدود زیادی مؤثر باشد. افرادی که با جنسیت خود، و مسائل جنسی درکل آشنا هستند امکان تشخیص شرایط خطرناک و در نتیجه پیشگیری از تعرض را دارند. در هر صورت، آن دسته از افرادی که به کمک قربانیان تجاوزات جنسی می شتابند، ضروری است که با علل و اشکال خشونت جنسی آشنایی داشته باشند. آنها باید جنبه روانی هر مورد و تأثیری که بر سلامت جنسی فرد قربانی بر جای می نهد، را هم در نظر بگیرند.

بنا به همین بینش، امروزه تعدادی از سازمانها مقدار زیادی اطلاعات لازم در اختیار متخصصان عرصه های مختلف، و همینطور عموم مردم قرار می دهند. این سازمانها درحالیکه امکان ارائه کمکهای فردی به

قربانیان را ندارند، اما با ارائه لیستی از آدرسها و لینکهای مفید، سهم مهمی در امر پیشگیری از تجاوز و دیگر انواع خشونتهای جنسی ایفاء می کنند.

دو منبع اینترنتی آمریکایی

این دو مرکز، اطلاعات مفیدی در مورد جنبه های مختلف خشونتهای جنسی به متخصصان و عموم مردم ارائه می دهند. (روی آرم هر کدام کلیک کنید).

مرکز ملی منابع خشونت جنسی

مرکز ملی تحقیقات پیشگیری از خشونت علیه زنان



رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی خشونت جنسی: مثله اندامهای جنسی دختران و زنان: مقدمه

آذین بندی، دستکاری پزشکی، و حتی مثله کردن عمدی و آگاهانه اندامهای جنسی دختران، زنان، پسران و مردان، از قدیم الایام در بسیاری از فرهنگها صورت می گرفته است.

پسران و مردان

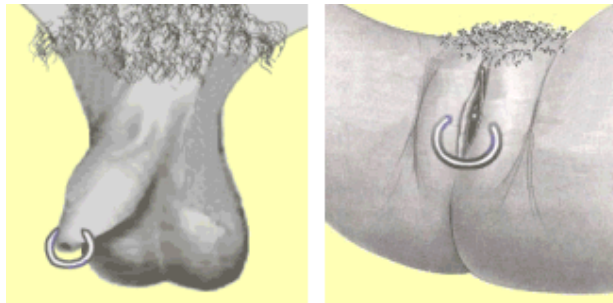
در مورد افراد مذکر، بهترین نمونه شناخته شده ختنه کردن، یعنی بریدن حشفه (پوست غلفه) یا همان پوست سر ذکر می باشد. (به بخش اندامهای جنسی افراد مذکر: اندامهای جنسی بیرونی- در شماره چهار فصلنامه جنسیت و جامعه مراجعه شود. م.)

دلایل این امر ممکن است بهداشتی (فیموز یعنی تنگی پوست سر آلت و عدم عقب نشینی آن در موارد ضروری)، مذهبی (یهودیان و مسلمانان) و یا فرهنگی (امروز ایالات متحده آمریکا)، باشد. این عمل نسبتاً ساده، عواقب جسمانی چندانی ندارد به جز اینکه طبق برخی پژوهشهای اخیر، به نظر می رسد که در کاهش خطر عفونت اچ. آی. وی. / ایدز مؤثر می باشد. برخی از انواع حاد آن، انجام تزئینات و قرار دادن موادی انعطاف پذیر و یا سفت در دو طرف آلت جنسی است. این مورد در تعدادی از جوامع پیش الفبایی دیده شده و امروزه برخی از مردان کشورهای غربی هم آنها را در قالب **سوراخ کردن** و حلقه انداختن در نقاط مختلف بدن خود، به کار می گیرند. (سوراخ کردن و حلقه انداختن سر آلت جنسی، نوک پستانها، ناف، زبان و گوشه ابرو از جمله این موارد می باشند. م.) در جهان باستان، گاهی نوع خاصی از سوراخ کردن آلت جنسی، معروف به **چفت زنی (قلاب زنی) (Infibulation)** روی مردان برده اجرا می شد تا از دست زدن آنها به مقاربت جنسی ممانعت شود. برای این کار، پوست حشفه را روی سر آلت کشیده، آن را سوراخ می کردند و حلقه ای فلزی در آن می انداختند. این کار هر نوع نمود را ناممکن می ساخت. در قرن نوزدهم، برخی از پزشکان غربی از این عمل به عنوان روشی جهت جلوگیری از استمناء کردن مردان، استفاده می کردند. جهت پاسخدهی به هدفی کاملاً متفاوت، یعنی «آرایش تزئینی»، در قدیم حتی عمل رادیکالتری هم اجرا می شد که به «**زیر برشی (Subincision)**» معروف است. به این شکل که برشی در طول قسمت زیرین ذکر ایجاد می شد و مجرای ادرار را عیان می کرد. بدیهی است که در نتیجه این عمل، ادرار و آبستن کردن همسر هم مشکل می شد. با این وجود، این نوع ممارست که به تشدید غرور مرد می انجامید در میان قبائل استرالیا، آفریقا، آمریکای جنوبی و جزائر اقیانوس آرام رایج بود. و در آخر، **اخته کردن** هم هست، که مثله کردن جدی اندام جنسی مرد می باشد. این کار در طول قرنها در فرهنگهای شرقی و غربی اعمال می شد.

دختران و زنان

در بسیاری از فرهنگها، اندامهای جنسی زنان نیز در معرض جرح و تعدیل قرار داشته اند. برای مثال، یک جراحی نسبتاً ساده ممکن است باعث بریدگی، خراش و یا قطع بخشی یا کل حشفه (پوست سر) کلیتوریس شود. این کار ممکن است در قیاس با عمل مشابهی روی آلت جنسی مردان، **ختنه زنان** نامیده شود. ولی در قرن نوزدهم، برخی از پزشکان غربی سر چوپوله را می بریدند تا بدینوسیله از استمناء افراد مؤنث جلوگیری کرده باشند. چنین عملی که در پزشکی **کلیتوریدکتومی** نامیده می شود، چیزی جز نقص

خطرناک، فلج سازی و مثله کردن اندام جنسی زن نمی باشد. امروزه این عمل به عنوان یک سنت در مناطق خاصی از جهان کماکان اجرا می شود. در آخر، این را هم باید اضافه نمود که در عهد عتیق (پیش از قرون وسطی) گاهی عمل «چفت زنی» روی زنان برده هم اجرا می شد. در این حالت، به لبهای بزرگ مهبل حلقه انداخته می شد. در اینجا هم هدف همانا پیشگیری از دست زدن به عمل دخول مهبل بود.



چفت زنی (قلاب زنی)
(Infibulation)

در دوران باستان، و حتی گاهی در دوران مدرن هم، عمل چفت کردن زنان و مردان، یعنی حلقه انداختن اندامهای جنسی بیرونیشان، با هدف منع آنها از آمیزش جنسی انجام می گرفت. واژه «Infibulation» از لغت لاتین Fibula به معنی سنجاق یا قلاب مشتق شده است. در تصویر فوق آلت‌های قلاب زده زن و مرد دیده می شوند.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی

خشونت جنسی: مثله اندامهای جنسی دختران و زنان: اصطلاحات

در چند دهه اخیر، برخی دستکاریهای سنتی وارده بر اندامهای جنسی دختران و زنان در بعضی از کشورها، باعث جلب توجه جهانی شده اند. بیشترین اصطلاحاتی که در این باره به گوش می خورد، «**ختنه دختران و زنان**»، «**قطع اندام تناسلی**»، و «**مثله کردن اندامهای تناسلی دختران و زنان**»، می باشند. (FGM= “female circumcision”, “genital cutting”, and “female genital mutilation”)

متأسفانه، هیچکدام از این اصطلاحات به اندازه کافی رضایتبخش نیستند. اولی تقریباً فقط یک نوع تعبیر می باشد؛ چون ختنه ساده پوست سر کلیتوریس عمل بسیار نادری است، و اغلب اوقات چیزهای بیشتری دخیلند. اصطلاح گنگ و مبهم دومی، این واقعیت که، این عمل آسیب و جراحات ماندگاری بر اندامهای جنسی زنان و دختران می نهد، را تحریف کرده، و بر آن سرپوش می نهد. در این مفهوم، سومین اصطلاح بهتر منظور را می رساند. ولی با این وجود صفت «تناسلی» (genital) مشکل ساز است. کلمه اسم genitals از لغت لاتین *genitalia* به معنی «اندامهای زایش نسلی» یا «اندامهای تولید مثلی» گرفته شده است، و این برای اندامهای جنسی لغتی است زیانبخش و نامناسب. (برای توضیحات بیشتر به شماره چهار فصلنامه جنسیت و جامعه، بخش اصطلاحات، مراجعه شود. م.) و این لغت در اینجا هم بخصوص گمراه کننده می باشد، زیرا در بسیاری از موارد، صحبت از **کلیتوریدکتومی** (بریدن سر چوچوله) است. درحالیکه **کلیتوریس** (چوچوله) هیچ کارکرد تولید مثلی ندارد، و به این دلیل هم «تناسلی» نمی باشد. و بالاخره، همانطور که ملاحظه خواهد شد، این عمل بسیار فراتر از کلیتوریدکتومی می رود و آسیبها و صدمات جدی وارد می کند. بنا بر آنچه گفته شد، تنها توصیف دقیق همانا «**مثله اندامهای جنسی دختران و زنان**» می باشد.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی

خشونت جنسی: مثله اندامهای جنسی دختران و زنان: انواع

در حال حاضر، بریدن و مثله کردن اندامهای جنسی دختران و زنان در بخشی از آفریقا و خاورمیانه به یک جنجال بحث انگیز بین المللی تبدیل شده است. یک **ختنه** ساده یعنی برداشتن پوسته سر کلیتوریس بحث انگیز تلقی نمی شود اما انواع زیر اسباب بحث و مشاجره اند:

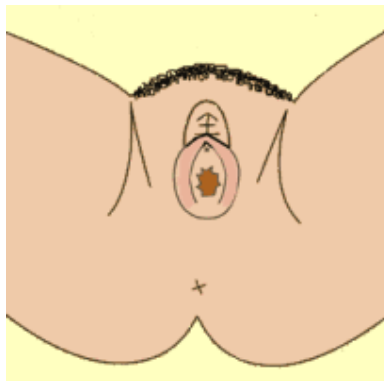
1. کلیتوریدکتومی، (Clitoridectomy) یعنی قطع کردن و بریدن سر کلیتوریس.
2. اکسشن (برش حذفی)، (Excision) یعنی کلیتوریدکتومی به اضافه قطع و برداشتن کامل لبهای داخلی، یا بخشی از آنها.
3. چفت زنی (Infibulation) از نوع بسیار خاص، یعنی اکسشن به اضافه قطع و برش کامل لبهای بیرونی یا بخشی از آنها. بعداً باقیمانده لبها را به هم می دوزند طوری که دهانه واژن بسته می شود، و تنها سوراخ کوچکی برای خروج ادرار و خون قاعدگی باقی می گذارند.

این کارها معمولاً توسط زنان مسن (دایه ها)، و بدون استفاده از داروی بیهوشی یا بی حسی موضعی، علیه دختران جوان اعمال می شوند. سن این دختران هنگام مواجه شدن با این عمل، بسته به آداب و رسوم محلی، متفاوت می باشد و از نوزادی تا اوائل نوجوانی را دربر می گیرد. سن آنها در اکثر موارد بین 3 تا 8 سال است. وسایلی که برای این عمل به کار برده می شوند، اغلب چاقو یا تیغهای ضد عفونی نشده می باشند. در بخشهای زیر جزئیات بیشتری از سه نوع مئله گفته شده آورده می شود.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی

خشونت جنسی: مئله اندامهای جنسی دختران و زنان: انواع: کلیتوریدکتومی

قطع و برش سر کلیتوریس خیلی فراتر از یک «ختنه» ساده می باشد. این کار درواقع فلج کردن و نقص شدید اندامهای جنسی دختران و زنان است. کلیتوریس در کلیت خود به داخل بدن امتداد می یابد و درنتیجه بیشتر یک اندام داخلی است تا بیرونی. با این حال، قطع حساس ترین بخش، یعنی نوک (و شاید بخشی از بدنه) آن به نقص و فلجی جدی واکنش و پاسخدهی جنسی فرد منجر می شود. البته، مقداری، یا بخش بیشتری از امکان پاسخدهی جنسی باقی می ماند چون بقیه سیستم کلیتوریس دست نخورده باقی می ماند ولی، این امر، به هیچ وجه صدمات و لطمه های فیزیکی و روانی وارده را توجیه نمی کند.

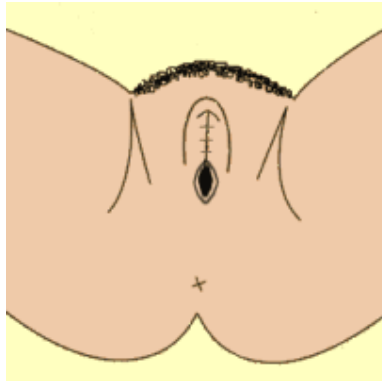


تصویری از فرج بعد از عمل کلیتوریدکتومی

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی

خشونت جنسی: مئله اندامهای جنسی دختران و زنان: انواع: اکسشن (برش حذفی) (Excision)

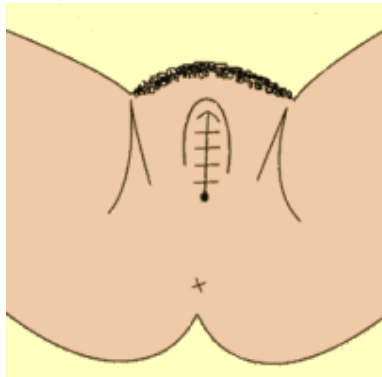
وقتی که کلیتوریدکتومی با برش جزء یا کل لبه های داخلی ترکیب شود، این عمل را «اکسشن» (برش حذفی) می نامند. این عمل، به قطع جزئی یا کامل مهبل یعنی Vulvectomy جزئی یا کامل، منجر می شود. لبه های داخلی مهبل نقش مهمی در برانگیختگی و پاسخدهی جنسی زن ایفاء می کنند و نبود آنها به معیوبی و تضعیف پاسخدهی جنسی فرد می انجامد. به طور خلاصه، این عمل نسبت به کلیتوریدکتومی به تنهایی، جدی تر و خطرناک تر می باشد.



تصویری از یک فرج بعد از اکسشن.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی خشونت جنسی: مثله اندامهای جنسی دختران و زنان: انواع: دوختن واژن (Infibulation)

در اینجا، بر خلاف قلاب انداختن ساده به وسیله یک حلقه فلزی، صحبت از یک عمل بسیار جدی و خطرناک می باشد؛ یعنی ولوکتومی کامل (Total Vulvectomy) که بریدن کامل مهبل می باشد. (گاهی «ختنه فرعون» هم نامیده می شود). بعد از برش حذفی (اکسشن)، یعنی بعد از بریدن سر کلیتوریس و لبه های داخلی، لبه های بیرونی هم به طور کامل یا نیمی از آنها قطع می شود. سپس حاشیه های باقیمانده لبه های بیرونی را به هم می دوزند، طوری که دهانه ورودی فرج بسته می شود و تنها منفذ کوچکی برای دفع ادرار و خون قاعدگی باقی می ماند. این نوع برش مثله ای، بسیار مضر است و برای سلامتی دختران عواقب و پیامدهای خطرناک و درازمدتی دربر دارد. قبل از هر چیز، خود این کار عمل خطرناکی است (ممکن است باعث مرگ شود) و معمولاً هفته ها طول می کشد تا زخمهای وارده التیام یابند. (به عنوان یک قاعده، در این دوره، پاهای دختر را به هم گره می زنند تا زخمها زودتر شفا یابند و، تکه ای از نقره یا چوب در سوراخ باقی مانده فرو می کنند که در هنگام ادرار یا قاعدگی می توان آن را بیرون کشید.) با این وجود، خطر ادامه خونریزی و عفونت وجود دارد. مسئله دیگر این است که عمل دفع ادرار ممکن است آنچنان دردآور شود که دختر برای پرهیز از درد، از خوردن آب اجتناب کند. تازه ممکن است که دختر به عفونت مجاری ادراری مبتلا شود. اضافه بر این، ممکن است مقدار زیادی زخم یافت (بافتهای مرده حاصل از الیتام زخم)، آبرسه و دمل، و کیستهای چرکین در این قسمت از بدن دختر ایجاد شوند. این احتمال هم وجود دارد که خون قاعدگی به جای بیرون رفتن، در بدن جمع شده و به ناباروری بیانجامد. و نهایتاً اینکه، چنانچه یک وسیله ضدعفونی نشده برای چندین دختر مورد استفاده قرار گیرد، آنوقت خطر انتقال ویروس یرقان (هپاتیت) و اچ. آی. وی. / ایدز جدی است. با این حال، همانطور که مشاهده خواهد شد، مشکلات به اینجا ختم نمی شوند.



واژن دوخته شده.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی

خشونت جنسی: مثله اندامهای جنسی دختران و زنان: انواع: دوختن واژن 2

نوع رادیکال چفت زنی یعنی دوختن می تواند به مانعی در راه زایمان فرا روید. بافت زخمهای بیش از حد که ممکن است بر اثر مثله کردن ایجاد شوند، کار زایمان را مشکل می سازند و در لحظات حساسی از زایمان، مانع رسیدن اکسیژن به نوزاد می گردند. این امر می تواند به خفگی و مرگ نوزاد منجر شود و در نتیجه عوارضی برای مادر به همراه داشته باشد. قابل ذکر است که برای آبستن شدن زنی که مهبل او دوخته شده، ابتدا باید بخیه های موجود باز شوند.

باز کردن چفت و بست واژن

عمل باز کردن چفت و بست موجود مهبل، تحت عنوان Defibulation (باز کردن چفت و بست ها) معروف است و معمولاً در شب زفاف انجام می گیرد. بخشهای به هم دوخته شده واژن از هم باز می شوند و مهبل بار دیگر قابل دسترس می شود.

دوختن مجدد

بعد از وضع حمل، واژن زن را معمولاً دوباره به هم می دوزند تا او بتواند «پاک» باقی بماند. این عمل را دوخت مجدد می نامند. با این حال، بعد از چندین بار دوختن و باز کردن، دیگر چیز زیادی از مهبل باقی نمی ماند. البته دوختن تکراری نسبت به اولین دفعه، با درد کمتری همراه است اما، تصور اینکه این کارها چه تأثیری بر تجارب جنسی چنین زنی دارد، چندان دشوار نیست.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی

خشونت جنسی: مثله اندامهای جنسی دختران و زنان: انواع: دوختن واژن 3

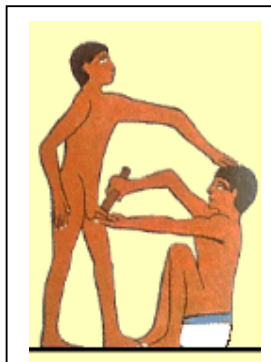
علاوه بر مشکلات جسمی که قبلاً مورد اشاره قرار گرفتند، دختران و زنانی که این چنین مثله شده اند، دچار آسیبهای روانی و جنسی فراوانی هم می شوند. آنها ممکن است به بی خوابی و بی اشتها بی دچار شوند و افسردگی روانی بر آنها غلبه کند. آنها ممکن است قدرت تمرکز خود را از دست بدهند و در نتیجه نسبت به درس و مشق خود بی علاقه شوند. و همین به نوبه خود، امکان آنها برای بهبود زندگی خویش و به دست گرفتن سرنوشت خود را، از بین می برد.

پیامدهای این عمل بر سلامت جنسی زنان و دختران مختلف، متفاوت می باشد. برخی از آنها در هنگام آمیزش جنسی مهلی دچار درد و ناراحتی می شوند و به این دلیل سعی می کنند که از این کار پرهیز کنند، و برخی دیگر قادرند که علی رغم مسائل پیش آمده اما همچنان از لذت جنسی بهره مند شوند. بعضی از زنان نمی توانند تجربیات تلخ خود را فراموش کنند و در نتیجه نسبت به هر نوع فعالیت جنسی نگرشی منفی در پیش می گیرند، و بعضی دیگر موفق می شوند که علیه آسیبهای روانی خود فائق آیند. همه چیز به شرایط و موقعیتهای فردی بستگی دارد.

از جهت فیزیکی، چنانچه به مهبل صدمه ای نرسیده باشد، آسیبهها ممکن است کمتر از چیزی باشند که به تصور می آیند. چون به هرحال، قسمت بیشتر کلیتوریس در درون بدن قرار دارد و کارکرد خود به عنوان یک اندام لذت آور را حفظ می کند هرچند که سر آن را بریده باشند.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی

خشونت جنسی: مثله اندامهای جنسی دختران و زنان: منشاء



ختنه پسران در مصر
باستان
(نقاشی از دوران هزاره سوم
پیش از میلاد.)

به نظر می رسد که مبداء و منشاء قطع اندامهای جنسی، مصر هزاره سوم پیش از میلاد باشد. به هرحال، ما می دانیم که عبرانیان باستان، رسم ختنه کردن پسران را از مصریان به عاریت گرفتند و پس از مهاجرت جمعی خود از مصر، این رسم را به نماد و سمبل قبیله ای خود تبدیل کردند. ولی با این وجود، بسیاری از پژوهشگران به وجود منشائی برای سنت ختنه اعتقادی ندارند و بر این باورند که ختنه کردن پسران به طور مستقل در بسیاری از نقاط جهان رسم بوده است. به همین دلیل، معنی، منظور و هدف اصلی ختنه افراد مذکر همچنان ناشناخته باقی است. ختنه پسران شاید از نوع قربانی کردنهای مذهبی باشد، یا، آزمایش توان تحمل درد، و یا شاید معادل اولین قاعدگی دختران، یا پاره شدن بکارت او، در نظر گرفته می شده است.

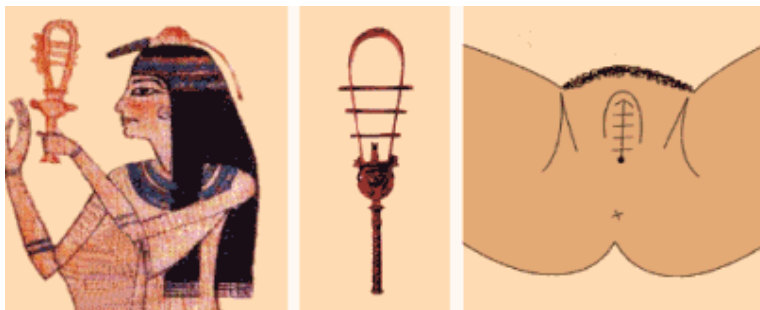
جزئیات مربوط به مبداء و منشاء قطع اندامهای جنسی دختران حتی بیشتر از مورد ختنه پسران ناروشن است. اما گفتنی است که شواهدی مبنی

بر انجام این عمل بر زنان طبقه حاکم مصر هزاره اول پیش از میلاد وجود دارند. این کار شاید برای افزایش قدرت جادویی آنها در نظر گرفته می شده است. به هرحال، مردمان مناطق همسایه مصر هم این رسم را به کار گرفتند و بعدها همراه با فتح شمال آفریقا توسط اعراب، این سنت به دیگر نقاط جهان هم گسترش یافت. در دوران اخیر هم، مهاجران آفریقایی این رسم را با خود به آمریکا و اروپا برده و پزشکان این کشورها را با تناقضی در اخلاق پزشکی مواجه کرده اند. اخلاق پزشکی اجازه چنین کاری را نمی دهد اما در صورت امتناع پزشکان، این کار توسط افراد غیر حرفه ای انجام می شود و شاید هم والدین، دختران خردسال خود را «برای گذراندن تعطیلات» به زادگاه خود بفرستند.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی

خشونت جنسی: مثله اندامهای جنسی دختران و زنان: منشاء 2

زیگموند فروید و روانکاوان دیگر در مورد مفهوم عمیق تر مثله عمدی اندامهای جنسی، حدس و گمانهایی زده اند، و به شکلی، نوعی سرکوب جنسی از آن برداشت کرده اند. به هرحال، امروزه بریدن سر کلیتوریس (کلیتوریدکتومی)، دوختن واژن (اینفیبولایشن)، و برش حذفی (اکسشن) عمدتاً در مناطقی که مردمان فقیر و بی سواد زندگی می کنند و زنان آنجا از موقعیت اجتماعی کمتری برخوردارند، اتفاق می افتند. این مردمان کل زندگی خود را در درون ساختار خشک و سختگیر مردسالاری ادامه می دهند: باکرگی معادل «پاکی» دانسته می شود، زنان قاعده «ناپاک» دانسته می شوند و ازدواج اجباری رسم جا افتاده ای است. مردان بر قوانین و مقررات مذهبی، سیاسی و قانونی مسلط اند و خود، قوانین حاکم بر خانواده و وراثت را وضع می کنند. تحت چنین شرایطی، زنان طوری بار آورده می شوند که باور کنند که حتماً باید به وسیله نوعی مثله جنسی «پاکیزه» شوند وگرنه شانسی برای ازدواج ندارند. البته، ازدواج هم تنها راه آنها برای کسب وجهه اجتماعی و دسترسی به امنیت اقتصادی است. بنا به همین دلایل، زنان سرسخت ترین مدافعان سنت مثله کردن اندامهای جنسی هستند. چنین به نظر می رسد که به جان خریدن درد و رنج راحت تر از مطرود شدن و زائده اجتماع گردیدن می باشد.



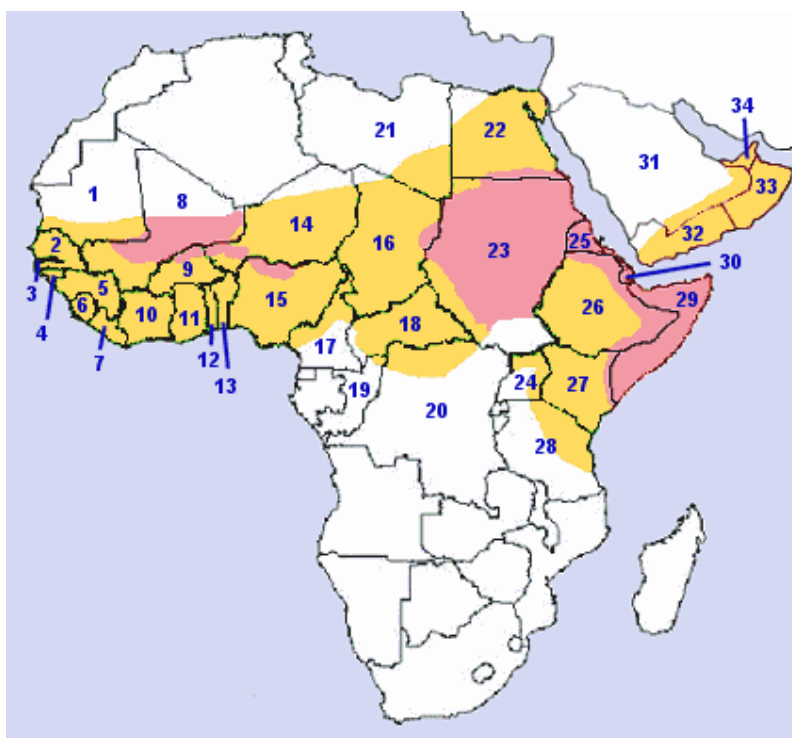
جغجغه سیمی مصری

این جغجغه یک ابزار موسیقایی در مصر باستان بود و طوری ساخته شده بود که هنگام تکان دادن، صدایی جغجغه ای از آن متصاعد می شد. دانشجویان جنسیت شناسی اغلب به این پی می برند که این جغجغه یک مهبل دوخته و چفت و بست شده را تداعی می کند.

سمت چپ: یک زن مصری در حال حمل جغجغه، وسط: جغجغه سیمی، سمت راست یک مهبل دوخته شده.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی خشونت جنسی: مثله اندامهای جنسی دختران و زنان: منشاء: شیوع

امروزه بریدن و مثله کردن اندامهای جنسی زنان عمدتاً در مناطق خاصی از آفریقا و شبه جزیره عربی (و به مقدار محدودی، در پاکستان، هند، مالزی، و اندونزی) دیده می شود. در نقشه زیر مهمترین کشورهایایی که این اعمال در آنها صورت می گیرند، و نوع عمل، مشخص شده اند. همانطور که مشاهده می شود این عمل در برخی، و نه در همه کشورهای مسلمان انجام می شود. درحقیقت، این سنت در بسیاری از کشورهای مسلمان ناشناخته می باشد. مشخصاً این یک سنت و فرهنگ منطقه ای است و ربطی به مذهب ندارد.



رواج و شیوع بریدن اندامهای جنسی و نوع آنها

نقشه فوق کشورهایایی که مثله کردن اندامهای جنسی زنان در آنها رواج دارد را نشان می دهد.

رنگها دو نوع اصلی بریدن را نشان می دهند:

برش حذفی (اکسشن) (رنگ زرد) دوختن (اینفیبولایشن) (رنگ صورتی)

منبع: ارگانه‌های سازمان ملل، سازمان عفو بین الملل، خبرگزاری آفریقا (افرول نیوز)

(29) سومالی	(22) مصر	(15) نیجریه	(8) مالی	(1) موریتانی
(30) جیبوتی	(23) سودان	(16) چاد	(9) بورکینه فاسو	(2) سنگال
(31) عربستان سعودی	(24) اوگاندا	(17) کامرون	(10) ساحل عاج	(3) گامبیا
(32) یمن	(25) اریتره	(18) جمهوری مرکزی آفریقا	(11) غنا	(4) گینه بیسائو
(33) عمان	(26) اتیوپی	(19) کنگو	(12) توگو	(5) گینه
(34) امارات متحده عربی	(27) کنیا	(20) جمهوری دمکراتیک کنگو	(13) بنین	(6) سری لنون
	(28) تانزانیا	(21) لیبی	(14) نیجر	(7) لیبریا

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی

خشونت جنسی: مثله اندامهای جنسی دختران و زنان: منشاء: شیوع 2

مناطق که مثله کردن اندامهای جنسی زنان در آنها اتفاق می افتد، به خوبی شناخته شده اند، ولی در مورد گستردگی شیوع این عمل آمار دقیقی در دست نیست. بیشتر آمارهای موجود تخمینی اند و بر اساس آمارهای کوچک و بزرگ موجود، به کل تعمیم داده شده اند. اضافه بر این، متدهای مختلف آمارگیری، امکان مقایسه را هم مشکل می سازد. گفتنی است که، حتی در درون یک کشور هم این رسم ممکن است فقط در درون گروه قومی خاصی، و نه کل جمعیت کشور رواج داشته باشد. با این حساب، آمارهای موجود تنها یک تصویر برآوردی و تقریبی را نشان می دهند. طبق یک برآورد سازمان ملل متحد، حدود 130 میلیون زن و دختر در جهان وجود دارند که این عمل بر آنها صورت گرفته و سالانه دو میلیون نفر بر این تعداد افزوده می شود. (سازمان بهداشت جهانی تعداد کل را 170 میلیون نفر برآورد کرده است که 150 میلیون نفر از آنها در آفریقا زندگی می کنند).

لیست زیر توسط یک خبرگزاری آفریقایی آنلاین ارائه گردیده که هرچند آمار دقیقی ارائه نمی دهد اما درصد زنانی که اندامهای جنسیشان مثله شده، و نوع عمده قطع عضو را ارائه می دهد.

مثله کردن اندامهای جنسی بر اساس کشور و نوع عمل		
کشور	درصد شیوع	نوع
بنین	5-50%	برش حذفی (اکشن)
بورکینه فاسو	تا 70%	برش حذفی (اکشن)
کامرون	منطقه ای	برش حذفی و کلیتوریکتومی
جمهوری مرکزی آفریقا	45-50%	برش حذفی و کلیتوریکتومی
چاد	60%	برش حذفی و دوختن
جزائر قمر	بسیار منطقه ای است	برش حذفی (اکشن)
ساحل عاج	تا 60%	برش حذفی (اکشن)
کنگو	منطقه ای	برش حذفی (اکشن)
جیبوتی	98%	برش حذفی و دوختن
مصر	85-95%	برش حذفی، دوختن و کلیتوریکتومی
اریتره	95%	برش حذفی، دوختن و کلیتوریکتومی
اتیوپی	70-90%	برش حذفی، دوختن و کلیتوریکتومی
گامبیا	60-90%	برش حذفی و دوختن
غنا	15-30%	برش حذفی (اکشن)

برش حذفی، دوختن و کلیتوریکتومی	65-90%	گینه
برش حذفی و کلیتوریکتومی	منطقه ای	گینه بیسائو
برش حذفی، دوختن و کلیتوریکتومی	50%	کنیا
برش حذفی (اکسشن)	50%	لیبیریا
برش حذفی، دوختن و کلیتوریکتومی	94%	مالی
برش حذفی و کلیتوریکتومی	25%	موریتانی
برش حذفی (اکسشن)	منطقه ای	نیجر
برش حذفی، دوختن و کلیتوریکتومی	60-90%	نیجریه
برش حذفی (اکسشن)	20%	سنگال
برش حذفی (اکسشن)	90%	سری لنون
دوختن (اینفیبولیشن)	98%	سومالی
برش حذفی و دوختن	90%	سودان
برش حذفی، دوختن	18%	تانزانیا
برش حذفی (اکسشن)	12%	توگو
برش حذفی و کلیتوریکتومی	منطقه ای	اوگاندا

بر اساس آمار سازمان عفو بین الملل، دولت آمریکا، ارگانهای مختلف سازمان ملل متحد، و آرشیو خبرگزاری آفریقا.

منبع: خبرگزاری آفریقا

[برای اطلاع بیشتر اینجا کلیک کنید.](#)

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی

خشونت جنسی: مثله اندامهای جنسی دختران و زنان: توجیهات

بدیهی است که مثله کردن آگاهانه و عمدی اندامهای جنسی دختران، یکی از بدترین اشکال خشونت جنسی علیه کودکان می باشد. با این وجود، امروزه، این عمل با وجدان راحت، کماکان در بسیاری از کشورها اتفاق می افتد. بزرگسالان دخیل در قضیه، این رفتار را با جشن و سرور برگزار می کنند، و والدین سپاسگزارانه، به دایه ها، پزشکان و پرستاران پول می دهند تا عمل بی رحمانه و شنیع «اجحاف و تعدی جنسی» را علیه دختران خردسالشان به اجرا درآورند. چرا؟

فرهنگهای مختلف، به این سوال، پاسخهای مختلفی می دهند. بعضی ها مثلاً می گویند که قطع کردن و بریدن بنا به دلایل زیر حتماً باید انجام بگیرد:

رسم و سنتی برای عبور از کودکی و ورود به بلوغ
 بهداشتی
 زیبا شناختی
 سمبلی از عفت و پاکدامنی
 الزام مذهبی
 مالی و اقتصادی

در زیر، توجیهات فوق به طور مختصر مورد بحث و بررسی قرار می گیرند.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی

خشونت جنسی: مثله اندامهای جنسی دختران و زنان: توجیهات 2

پژوهشگران مردم شناسی، اساطیر و تاریخ باستان، در مورد معنی و مفهوم اولیهٔ مثله اندامهای جنسی، حدس و گمانهایی زده و نظریه های حیرت آوری ارائه داده اند. به عنوان مثال این نظریه که، در برخی از ادیان ماقبل تاریخ، تنها خدایان اجازه داشتند که از هر دو قدرت زن و مرد برخوردار شوند و نمی خواستند که انسان با آنها رقابت کند. بنابراین، مردان فانی می بایست عنصر «مادینگی» موجود در خود که همانا پوستهٔ ذکرشان می باشد را قربانی کنند، و زنان هم عنصر «نرینگی» موجود در خود که در کلیتوریس جمع شده بود را از خود بزدایند. ولی، این گمانه زنیهای جالب در این بحث نمی گنجد و بهتر است که روی چند استدلال علمی مدرن تمرکز کنیم.

رسم و سنت

اغلب زنانی که از عمل مثله جنسی دفاع می کنند بر نقش رسم و سنت تأکید می ورزند. نقض این سنت آنها را از اجتماع طرد می کند. انجام این عمل بر روی آنها نمادی است از ورودشان به جامعه که معمولاً با آداب و مراسم مفصلی همراه می شود. به طور خلاصه، این کار بخشی از آماده سازی دختر برای نقشهای آینده خود به عنوان همسر و مادر می باشد. چنانچه دختری این اقدام آماده سازی خود را نپذیرد، این کار به معنای آن است که او به نقش اجتماعی خود پشت پا زده و در نتیجه، برای او نوعی خودکشی اجتماعی می باشد. در هر صورت، برای گردن نهادن به این رسم و سنت، نه تنها دختر، بلکه والدین او هم تحت فشار قرار می گیرند. این فشار، تنها با کمک به کل جامعه جهت اصلاح سنتها و رسوم خود، از بین می رود.

دلایل بهداشتی

برخی از استدلالها برای قطع اندامهای جنسی دختران و زنان به سادگی، جهل پزشکی طرفداران آن را برملا می کند. به عنوان مثال، مردم برخی جوامع بر این اعتقادند که این عمل به افزایش باروری می انجامد، و یا، سر کلیتوریس مانعی در برابر زایمان بچه ایجاد می کند و بهتر است که پیشاپیش از میان برداشته شود. عده ای هم بر این اعتقادند که این عمل از آبه و دمل زدن واژن دختر، و دیگر مشکلات بهداشتی او پیشگیری می کند. تنها از طریق آموزش دهی می توان بر این جهل و نادانی فائق آمد.

دلایل زیباشناختی

در بسیاری از جوامع اندامهای جنسی مثله نشده دختران، زشت و نفرت انگیز تلقی می شوند و ایده آل غالب از زیبایی زنانگی ایجاب می کند که اندامهای جنسی افراد مؤنث به شکلی سنتی دست برده شوند. برخی از این جوامع بر این باورند که واژن «خنثه نشده» بوی بدی می دهد و عمل «خنثه» بوی بد آن را از بین می برد. این اعتقادات و باورهای عمیق را به سختی می توان تغییر داد.

عفت و پاکدامنی

مردان مدافع مثله کردن اندامهای جنسی دختران و زنان، چندین دلیل و استدلال دارند که برخی از آنها هرگز علناً ابراز نمی شوند:

- این عمل باعث کاهش ظرفیت و توان جنسی دختر شده و در نتیجه او را «با عفت و پاکدامن» نگه می دارد. شهوانیت زنان «به طور طبیعی» زیاد از حد بوده و برای خیر و خوبی خود دختران و زنان هم که شده، بهتر است که از شدت شهوت آنان کاسته شود. بزرگترین فضیلت زنان همانا عفت و پاکدامنی آنان است. میل جنسی زن نشانه ای از «هرزگی»، تردامنی و بی اخلاقی اوست. اجازه لذت جنسی زیاد به زنان و دختران ممکن است به ناباروری آنها بیانجامد و باعث هرزگی و به فحشاء کشانده شدن آنها شود. دختر باید تا ازدواج خود باکره، و به دور از هرگونه میل و خواهش جنسی باقی بماند. این کار باعث می شود که او به شوهر خود وفادار باقی مانده و احترام او را نگه دارد. البته، دختر از طریق خودارضایی هم «ناپاک» می شود و به این دلیل بریدن سر کلیتوریس او از همان کودکی، مانع ناپاکی او می شود.
- بیشتر مردان حامل چنین اعتقاداتی، در عین حال بر این باور هم هستند که انواع مثله کردن اندامهای جنسی دختران، باعث می شود که هنگام عمل جنسی، خودشان لذت بیشتری ببرند. به عبارتی آنها لذت آمیزش

جنسی زناشویی را یک بازی «همه چیز بر صفر» می دانند. لذت مرد به قیمت بی لذتی زنش حاصل می شود؛ یعنی افزایش جنسی شوهر به قیمت کاهش جنسی زن به دست می آید. در تحلیل نهایی، این باورها و نگرشها در ساختارهای اجتماعی پدر سالار ریشه دارند و تغییر آنها امر دشواری است و به مدت زمانی طولانی نیاز دارد.

الزامات مذهبی

برخی از جوامع اسلامی بر این باورند که قطع اندامهای جنسی دختران یک الزام مذهبی است. درحالیکه، قطع اندامهای جنسی دختران پیش از تولد حضرت محمد صورت می گرفته و در هیچ کجای قرآن ذکری از آن نشده است. اما با این وجود، طرفداران این عمل به ذکر حدیث و اعمال و سخنان پیامبر رو می آورند. هرچند که بعضی از برداشتهای ارائه شده از احادیث و سخنان پیغمبر نادرست می باشند. درواقع، بالاترین مقام مذهبی مسلمان در مصر یعنی شیخ بزرگ الازهر در یک بیانیه رسمی تأکید کرده که «هیچ حکم دینی در اسلام، این عمل را توجیه نمی کند». در ضمن، سنت «خنثه دختران» در بین اکثریت بزرگی از مسلمانان در جهان مرسوم نیست و در عین حال، این رسم در بین بعضی از غیر مسلمانان هم مرسوم می باشد.

اقتصادی

قطع اندامهای جنسی دختران از ابعاد مالی و اقتصادی هم برخوردار است:

1. برای کسانی که این کار را انجام می دهند، یک منبع درآمد محسوب می شود، و پایان دادن به این عمل، آنها را از امرار معاش خود محروم می کند.
2. در برخی فرهنگها، برای دختری که مثله جنسی شده، قیمت بیشتری پرداخت می شود. یعنی خانواده داماد پول بیشتری به والدین عروس می دهند. همین پاداش بهتر، والدین را وادار می دارد که بر مثله کردن اندامهای جنسی دختران خود پافشاری کنند.
3. در بسیاری از این فرهنگها، ازدواج تنها راهی است که دختران به وسیله آن به امنیت اقتصادی دست می یابند و بدون تن دادن به مثلگی اندامهای جنسی خود، هیچ شانس برای شوهر کردن ندارند. مسلماً عوض کردن و تغییر دادن همه این مسائل زمان می برد.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی

خشونت جنسی: مثله اندامهای جنسی دختران و زنان: پیشگیری

انواع توجیهاتی که برای مثله کردن اندامهای جنسی دختران و زنان ارائه می شوند، اغلب به هم مرتبط و در هم تنیده اند. به همین دلیل، مدافعان این کار، اغلب ترکیبی از دلایل را مطرح می کنند. یک یا دوتای این دلایل ممکن است در جامعه ای وزن مخصوصی داشته باشند اما نه لزوماً در جوامع دیگر که چه بسا اولویتهای سنتی و فرهنگی دیگری دارند. به عبارت دیگر، هر جامعه ای یک یا چند دلیل خاص خود را برای ادامه چنین سنتی، دارا می باشد و به همین دلیل هم نمی توان نسخه پیشگیری واحدی برای همه آنها نوشت. پس صرف محکوم کردن آن به عنوان نقض حقوق بشر کافی نیست. وضع قوانین و غیر قانونی کردن آن هم حتی نوید کمتری دارد. درواقع، افرادی که خود را به پیشگیری از وقوع این نوع خشونت جنسی متعهد کرده اند، بنا به تجربه آموخته اند که ابتدا باید پیش زمینه فرهنگی که چنین خشونتی در آن اتفاق می افتد را به خوبی بشناسند. تنها در این صورت است که آنها مؤثرترین عوامل محلی کمک به غلبه بر مشکلات و اصلاح فرهنگی را می شناسند و همراه با آنها سیاستها و راهکارهای موفقی را برای رسیدن به اهداف مشترک به پیش می برند. البته، این بدان معنا نیست که بیانیه دادن و تأکید بر پرنسپهای اصولی کار زائدی است. برعکس، این کار اولین قدم می باشد و بسیاری از سازمانهای جهانی هم درست همین کار را کرده و رسماً مثله کردن اندامهای جنسی دختران و زنان را محکوم کرده اند. در زیر چندتای آنها آورده می شوند.

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی

خشونت جنسی: مثله اندامهای جنسی دختران و زنان: پیشگیری: بیانیه های رسمی

سازمان ملل



در ماه مارس 2007، [کمیسیون موقعیت زنان سازمان ملل](#)، ممنوعیت مثله کردن اندامهای جنسی زنان و ازدواج اجباری را خواستار گردید. شش هزار زن از سازمانهای دولتی و مدنی این بیانیه را امضاء کردند. این بیانیه «از دولتها تقاضا می کند که اقدامات لازم، از جمله تصویب و اجرای قوانینی جهت محافظت از دختران و زنان در مقابل مثله شدن اندامهای جنسیشان، و پایان دادن به مصونیت عاملان این خشونت از مجازات، را به عمل آورند».

یونیسف

[صندوق اضطراری بین المللی کودکان سازمان ملل متحد \(یونیسف\)](#) (United Nations) International UNICEF– Children's Emergency Fund هم موضع روشنی اتخاذ کرده است. یونیسف اعلام نموده که مثله اندامهای جنسی دختران «نقض اساسی حقوق دختران است. این کار تبعیض آمیز بوده و ناقض حقوق مربوط به فرصتها و بهداشت برابر، و زندگی عاری از خشونت، صدمه، آزار، شکنجه و رفتارهای بی رحمانه و تحقیرآمیز، می باشد.» یونیسف همچنین تأکید می کند که همه این حقوق هم اکنون در قوانین بین المللی تضمین شده می باشند. [برای اطلاع بیشتر اینجا کلیک کنید.](#)

انجمن پزشکی جهانی

[انجمن پزشکی جهانی](#) (World Medical Association) یک سازمان بین المللی است که خود را وقف دستیابی به بالاترین استاندارد پزشکی برای همه مردم جهان کرده است. این سازمان با صراحت و بدون هرگونه ابهامی «عمل قطع اندامهای جنسی از جمله ختنه زنان و دختران، و همچنین مشارکت پزشکان در این کار را محکوم می کند».

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی

خشونت جنسی: مثله اندامهای جنسی دختران و زنان: پیشگیری: استراتژی

بسیاری از سازمانهای دولتی و غیر دولتی که رسماً مثله کردن اندامهای جنسی را محکوم کرده اند، به خوبی از این امر آگاهند که بیانیه های آنها باید با گامهای عملی مشخصی دنبال شود. آنها این را هم می دانند که بدون همکاری دواطلبانه جوامع مد نظر، کار چندانی از پیش نخواهد رفت. در بسیاری از موارد، تغییرات بزرگ اجتماعی زمانی عملی می شوند که سود و مزایایی برای همه طرفهای درگیر دربر داشته باشند. به همین دلیل کارزار پایان دهی به مثله جنسی باید اصلاحات قانونی را با آموزش دهی عجین کند، و این دو باید توسط پیشوایان مذهبی، مقامات حکومتی و دیگر رهبران جامعه مورد حمایت و پشتیبانی قرار گیرند.

مراقبت بین المللی

(CARE International)



این سازمان معروف که علیه فقر در جهان مبارزه می کند هم، در راه پایان دادن به مثله اندامهای جنسی تلاش می ورزد. در سال 2006 خانم رئیس این سازمان طی درخواستی از مردم جهان تقاضا نمود که بیانیه مربوط به درخواست توقف مثله اندامهای جنسی را امضاء کنند. او در عین حال تأکید نمود که دستیابی به این هدف تنها با گفتگوهای محترمانه اجتماعی صورت می گیرد:

رهیافت ما از این قرار است:
آموزش رهبران اجتماعی و مذهبی و ریش سفیدان روستاها، شروع گفتگوهای اجتماعی و ترتیب دادن مباحث جمعی و گروهی با شرکت گروههای مختلف مردم، حمایت و پشتیبانی از اقدامات افرادی که در خانواده خود این رسم را به کنار می نهند.

همانطور که مشاهده می شود، «مراقبت بین المللی» از تجربیات خود سود جسته و اقدامات عملی مشخصی را برای مقابله با مثله اندامهای جنسی به کار می گیرد. [برای اطلاع بیشتر اینجا کلیک کنید.](#)

یونیسف



یونیسف هم با همین جوهره معنوی، یک فراخوان و راهنمای عملی جهت رسیدن به هدف مورد نظر، تحت عنوان: «تغییر یک سنت مضر اجتماعی: مثله / قطع کردن اندامهای جنسی دختران و زنان» منتشر کرده است. این فراخوان روی اقدام اجتماعی تمرکز کرده و ایجاد «محیطی که امکان تغییر را فراهم می آورد» را پیشنهاد می کند و به همین دلیل هم بر نکات زیر تأکید می کند:

دیالوگ و مباحث تهی از پیش داوری
مناسک جایگزین (برای اعلام عبور دختران از مرحله کودکی و ورود به بلوغ)
فرصتهای شغلی جایگزین برای افرادی که این کار منبع درآمد آنها محسوب می شود،
و
همکاری با جمعیت‌های مهاجر در کشورهای صنعتی.

[برای اطلاع بیشتر اینجا کلیک کنید.](#)

رفتارهای جنسی ممنوعه و خشونت جنسی خشونت جنسی: مثله اندامهای جنسی دختران و زنان پیشگیری: استراتژی 2



الازهر در قاهره

تمبر پستی که در سال 1957 برای بزرگداشت هزاره الازهر منتشر گردید.

این مسجد در قرن دهم بعد از میلاد ساخته شد و بلافاصله به صورت یک مرکز دانشگاهی درآمد که قدیمی ترین نوع خود در جهان می باشد. مسلمانان سنی مذهب، الازهر را معتبرترین مرکز مطالعات اسلامی می دانند.

در سال 2003، گام مهمی در کسب حمایت رهبران مذهبی و اجتماعی از مبارزه با مثله جنسی، در قاهره برداشته شد. نمایندگان 28 کشور آفریقایی و عرب که مثله اندامهای جنسی در آنها صورت می گیرد، بیانیه قاهره جهت از میان بردن مثله اندامهای جنسی دختران و زنان را صادر کردند. چنین سندی بسیار ضروری بود چون نمی توانست به «فتنه گران غربی» نسبت داده شود. بیانیه دو تن از با نفوذترین رهبران مسلمان و مسیحی، شیخ بزرگ الازهر، شیخ سید محمد طنطاوی، و نماینده پاپ قبطی، شنودای سوم از اهمیت ویژه ای برخوردار بودند. هر دوی آنها بر این نکته تأکید کردند که «هیچ حکم مذهبی، چه در اسلام و چه در مسیحیت، این عمل را توجیه نمی کند». بیانیه قاهره، شالوده جدیدی برای همکاریهای محلی و بین المللی در جهت ایجاد رفرم و تغییرات فراهم می آورد. برای دسترسی به متن کامل بیانیه [اینجا کلیک کنید.](#)

سئوالات آزمونى – درست يا غلط

- 1- اصطلاح «رفتار جنسى» چندين بار در آثار شكسپير به كار برده شده است.
- 2- كل كتاب فون كرافت ابينگ به نام «سايكوپاتولوژى جنسى» (Psychopathia Sexualis) به زبان لاتين نوشته شده بود.
- 3- آلفرد س. كينزى تعريف جديدى براى «رفتار جنسى» پيشنهاده نمود.
- 4- رفتارهاى مربوط به نقشهاى جنسى بعد از بلوغ آموخته مى شوند.
- 5- اصطلاح «انگيزه جنسى» به توان فرد در تحريك جنسى شدن و رسيدنش به ارگاسم اشاره دارد.
- 6- ظرفيت جنسى، انگيزه جنسى و عملکرد و كارايى جنسى فرد از بلوغ تا كهولت ثابت باقى مى ماند.
- 7- در اكثر بزرگسالان مذكر، توان جنسى همراه با گذر زمان، بخصوص بعد از پنجاه سالگى، تضعيف مى شود.
- 8- جان گانون و ويليام سيمون زيست شناسان شاغل در مؤسسه كينزى بودند.
- 9- نسخه ها و پيش نويسهاى جنسى ممكن است از جامعه اى به جامعه اى ديگر متفاوت باشند اما در درون يك جامعه فرقى با هم ندارند.
- 10- در دهه هاى اخير، درصد مردان و زنانى كه به تنهائى زندگى مى كنند، افزايش يافته است.
- 11- مردمان يونان و روم باستان بر اين اعتقاد بودند كه استمناء كردن به ديوانگى منجر مى شود.
- 12- ويلهلم رايش استمناء كردن را عملى بسيار خطرناك و مضر براى سلامتى مى دانست.
- 13- شيطان روح خبيثى است كه با افتادن روى زنان در خواب با آنها به آميزش جنسى مى پردازد.
- 14- زنان و مردان- هر دو- مى توانند در خواب به ارگاسم برسند.
- 15- افراد بالغ سالم هرگز استمناء نمى كنند.
- 16- در قوانين قديمى آمريكا و اروپا، «سودومى» بر هر دو آميزش دهانى و مقعدى دلالت مى كرد.
- 17- در قوانين قديمى اروپا و آمريكا، واژه «سودومى» مى توانست به رابطه جنسى انسان با حيوان اطلاق شود.
- 18- سرانيت اچ. آى. وى. از طريق آميزش دهانى غير ممكن مى باشد.
- 19- ماهيچه هاى «پى سى» با تمرين تقويت نمى شوند.
- 20- جفتهائى كه در آميزش جنسى از «موضع مبلغى» (missionary position) استفاده مى كنند، شانس آبستنى بيشترى دارند.
- 21- در گذشته، ممكن بود كه هم جفتهائى همجنسگرا و هم جفتهائى دگرجنسگرا، در آمريكا و اروپا، تحت قوانين لواط محكوم شوند.

- 22- در اوائل قرن نوزده، قوانین مربوط به لواط در اروپا و آمریکا لغو شدند.
- 23- رسم پیدراستی یونان قدیم هرگز مانعی در برابر ازدواج و پدر شدن ایجاد نمی کرد.
- 24- فرو کردن یک دست کامل در مقعد ممکن است به جراحات شدید و حتی مرگ بیانجامد.
- 25- لیسیدن مقعد ممکن است منجر به عفونتهای جدی شود.
- 26- طبق افسانه های یونان، مینوتاور، انسان هیولایی که سر ورزا داشت، در نتیجه آمیزش جنسی یک زن با گاو نر زاده شد.
- 27- تماس جنسی انسان با حیوان در کشورهای پیشرفته صنعتی امر نادری است.
- 28- کلمه انگلیسی «سکس» اولین بار در یکی از ترجمه های انجیل ظاهر شد.
- 29- مقیاس اندازه گیری کینزی ظرفیت و توان جنسی فرد را اندازه می گیرد.
- 30- ممکن است عملکرد و کارایی جنسی یک مرد بیشتر از توان و ظرفیت جنسی او باشد.
- 31- ممکن است عملکرد و کارایی جنسی یک زن بیشتر از انگیزه جنسی او باشد.
- 32- ممکن است انگیزه جنسی یک مرد بیشتر از عملکرد و کارایی جنسی او باشد.
- 33- ممکن است توان و ظرفیت جنسی یک زن بیشتر از انگیزه جنسی او باشد.
- 34- مقیاس اندازه گیری کینزی فقط ارگاسمها را در نظر می گیرد.
- 35- در اروپای قرن هیجدهم، پزشکان استمناء را به عنوان یک امر مفید برای سلامتی، توصیه می کردند.
- 36- ویلهلم فون هامپلت اولین نویسنده مدرنی بود که طبقه بندی رفتارهای جنسی بشر را به صورتی بی طرفانه و فارغ از قضاوتهای اخلاقی ارائه نمود.
- 37- آمیزش (سکس) دهانی در یونان باستان ناشناخته بود.
- 38- آمیزش (سکس) دهانی، پیش از کشف کلمبو، در آمریکا ناشناخته بود.
- 39- خودتحریکی جنسی شایع ترین نوع فعالیت جنسی بشر است.
- 40- آلفرد کینزی به این نتیجه رسید که رفتارهای همجنسگرایانه در بین زنان کمتر از رواج آن در بین مردان می باشد.
- 41- کینزی به این نتیجه رسید که همجنسگرایان به وضوح قابل تشخیص از دگرجنسگرایان می باشند.
- 42- زیگموند فروید اولین مرحله رشد جنسی بشر را «دوره خفگی» نامید.
- 43- در سن پنج سالگی، حدود نیمی از کودکان ارگاسم را تجربه کرده اند.
- 44- کودکان زیر سه سال نمی توانند به ارگاسم برسند.

- 45- ریشارد فون کرافت - ابینگ واژه «اروتیک فتیسیسم» را ابداع کرد.
- 46- آلفرد بینت پیشنهاد کرد که قانون منع «سودومی» ملغی شود.
- 47- آگوست فورل واژه های «سادیسیم» و «مازوخیسم» را ابداع کرد.
- 48- جان مونه تفاوت بین جنس و جندر را معرفی کرد.
- 49- ژان ژاک روسو می خواست که کودکان در اسرع وقت ممکن آموزش جنسی ببینند.
- 50- شلاق زنی به خود در مسیحیت هرگز یک سنت مذهبی نبوده است.
- 51- مثله کردن اندامهای جنسی دختران و زنان یک حکم مذهبی در اسلام می باشد.
- 52- زنای با محارم در همه کشورها غیر قانونی است.
- 53- اکثریت ترانس وستایتها دارای گرایش جنسی دگرجنسگرایانه می باشند.
- 54- در چین باستان روسپیگری وجود نداشت.
- 55- در سوئد روسپیگری غیر قانونی است، اما فقط روسپیان دستگیر می شوند و مشتریان آنها هرگز.
- 56- در هلند روسپیگری غیر قانونی است، اما فقط روسپیان دستگیر می شوند و مشتریان آنها هرگز.
- 57- پسران نوجوان بیشتر از مردان در معرض مورد تجاوز واقع شدن قرار دارند.
- 58- در اسناد رسمی سازمان ملل متحد، «کودک» به عنوان «هر انسان زیر سن شانزده سال» تعریف می شود.
- 59- بیشترین جرائم جنسی علیه کودکان نه به وسیله بچه بازان، بلکه توسط افراد غیر بچه باز اعمال می شوند.
- 60- در چند دهه گذشته، سوء استفاده جنسی از کودکان در ایالات متحده آمریکا افزایش یافته است.
- 61- در مصر باستان، برخی از فراعنه، زنای با محارم را به عنوان یک سنت سلطنتی به جا می آوردند.
- 62- اولین سازمان مدافع حقوق روسپیان در سال 1905 در وین تأسیس شد.
- 63- توریسم سکس زنان وجود ندارد.
- 64- کلئوپاترا متناوباً با دو برادر خود ازدواج کرد.
- 65- در کشورهای غربی، تجاوز شوهر به همسر همیشه به عنوان یک جرم محسوب می شده است.
- 66- واژه قدیمی تر «ترانس وستیسیم» و واژه جوان تر «ترانس سکسوالیسیم» به یک معنا می باشند.
- 67- «عقده اویدیپوس» واژه ای بود که زیگموند فروید به جای اصطلاح «غریزه زندگی» به کار برد.
- 68- «تنتانوس» اصطلاحی بود که زیگموند فروید برای «غریزه مرگ» به کار برد.

- 69- انگیزه جنسی مرد به معنای «آنچه که او از جهت جنسی می تواند انجام دهد» تعریف می شود.
- 70- عملکرد جنسی زن به معنای «آنچه که او از جهت جنسی می خواهد انجام دهد» تعریف می شود.
- 71- ظرفیت جنسی به معنای «آنچه که او از جهت جنسی می تواند انجام دهد» تعریف می شود.
- 72- اصطلاح Hebephilia به معنای «جاذبه جنسی به کودکان خردسال» می باشد.
- 73- سوزاک می تواند از راه مقاربت دهانی منتقل شود.
- 74- اصطلاح «اقلیت جنسی» از همان ابتدا توسط فلاسفه یونان باستان به کار برده شد.
- 75- اصطلاح «ضربدری» به نوع خاصی از سادومازوخیسم اشته دارد.
- 76- اولین جنبش حقوق همجنسگرایان در ایتالیای قرون وسطی شروع شد.
- 77- هیچ سازمان و تشکل ترانس وستایت وجود ندارد.
- 78- هاری بنجامین اولین کسی بود که به مطالعات گسترده ای حول ترانس وستیسیم دست زد.
- 79- در زمان شکسپیر، نقش «ژولیت» در «رومئو و ژولیت» توسط یک پسر اجرا می شد.
- 80- در زمان شکسپیر، نقش «رومئو» در «رومئو و ژولیت» توسط یک بازیگر زن اجرا می شد.
- 81- اصطلاح «پارافیلیا» توسط س. کراوس ابداع گردید.
- 82- «کمیته علمی انسانی» اولین سازمانی بود که قانونی کردن روسپیگری را خواستار گردید.
- 83- اولین سازمان متعلق به لژیون ها در سان فرانسیسکو تأسیس گردید.
- 84- هر پدوفیلی با کودکان تماس جنسی ندارد.
- 85- نه هر بزرگسالی که با کودکان تماس جنسی برقرار می کند، پدوفیل می باشد.
- 86- واژه «subincision» به معنای جراحی بریدن کلپتوریس می باشد.
- 87- برای جلوگیری از استمناء کردن دختران و زنان، همیشه واژن آنها را دوخته اند.
- 88- عمل چفت (قلاب) زنی هرگز بر روی افراد مذکر اعمال نشده است.
- 89- «ختنه فرعون» نوع خاصی از ختنه پسران می باشد.
- 90- عمل سنتی مثله کردن اندامهای جنسی زنان و دختران توسط انجمن پزشکی جهانی محکوم شده است.
- 91- دردوران قرون وسطی، در اروپا روسپیگری وجود نداشت.
- 92- دوره بین بلوغ و بزرگسالی، در همه جای جهان همواره حداقل به مدت 10 سال بوده است.
- 93- در سراسر جهان، متوسط سن اولین مقاربت جنسی 15 سال می باشد.

- 94- مردان معمولاً قبل از بیست سالگی به اوج ظرفیت و توان جنسی خود می‌رسند.
- 95- در جهان، جفتهای فقیر نسبت به جفتهای ثروتمند، فرزندان بیشتری دارند.
- 96- همراه با افزایش سن، پاسخدهی جنسی فرد هم تضعیف می‌شود.
- 97- در راهنمای آمار و تشخیص بیماریهای انجمن روانپزشکی آمریکا (DSM IV) حیوان بازی (زوفیلیا) به عنوان یک اختلال جنسی آورده شده است.
- 98- اصطلاح «autophilia» به معنی دارا بودن جذبه فتنیستی به اتوموبیل می‌باشد.
- 99- سادیسم بیانگر میل به دریافت و تجربه درد در یک مقاربت جنسی است.
- 100- کریستین جورگنسن یک ترانس وستایت معروف بود.
- 101- همه ترانس سکسوالها خواهان عمل اصلاح جنسی (تغییر جنسی) می‌باشند.
- 102- ایوان بلوچ، روسپیگری را مهمترین و با ارزش ترین مبحث جنسیت شناسی می‌دانست.
- 103- انقلاب الکترونیک نوع تازه ای از روسپیگری خلق کرده است.
- 104- آفریقای جنوبی ازدواج همجنسگرایان و تمام حقوقی که ازدواج به همراه می‌آورد، را به طور کامل به رسمیت می‌شناسد.
- 105- فرانسه ثبت پیوند مشترک دو همجنس را به رسمیت می‌شناسد.
- 106- دختران زودتر از پسران به رشد و بلوغ جسمی می‌رسند.
- 107- امروزه نسبت به 500 سال قبل مردم خیلی زودتر ازدواج می‌کنند.
- 108- امروزه پسران در کل جهان، نسبت به 100 سال پیش، حداقل 10 سال زودتر به بلوغ می‌رسند.
- 109- امروزه دختران در کشورهای توسعه یافته، در سن بین 8 تا 12 سالگی اولین قاعدگی خود را تجربه می‌کنند.

سئوالات آزموننی چند جوابی جواب صحیح را انتخاب کن. گاهی بیش از یک جواب صحیح می‌باشد

- 1- مدل زیگموند فروید از رشد جنسی اولیه توالی خاصی را پیشنهاد می‌کند. کدامیک از موارد زیر صحیح می‌باشند؟
- دهانی، مقعدی، فالوسی
 - فالوسی، تناسلی، دهانی
 - مقعدی، دهانی، تناسلی
- 2- معمولاً بین سه جنبه نسخه ها و پیش نویسهای جنسی تمایز قائل می‌شوند.
- درون فرهنگی، فی مابین افراد، روانی
 - بین المللی، فی مابین افراد، مداخله ای
 - جسمانی، فی مابین افراد، فرهنگی

- 3- کدامیک از پزشکان زیر استمناء را به عنوان معیاری از سلامتی پیشنهاد نمود؟
- ساموئل تیسوت
- گالن
- بنیامین راش
- 4- کدامیک از پزشکان زیر نسبت به خطرات ناشی از استمناء هشدار داد؟
- جان کلگ
- ویلهلم رایش
- هنری مودسلی
- 5- روانپزشکان تماس جنسی انسان با حیوان را چه می نامند؟
- جانورخواهی
- لواط
- حیوان بازی
- 6- چه کسی لغو قوانین مربوط به منع تماس جنسی انسان با حیوانات را خواستار گردید؟
- ساموئل تیسوت
- اوگوست فورل
- پاولو مونتگازا
- 7- چه کسی تمایز بین «جنس» و «جندر» را ابداع کرد؟
- زیگموند فروید
- فردریش س. کراوس
- جان مونی
- 8- واژه «پارافیلیا» به وسیله چه کسی ابداع شد؟
- زیگموند فروید
- فردریش س. کراوس
- جان مونی
- 9- اصطلاح «ختنه فرعونی» به چه چیزی اشاره دارد؟
- کلیتوریدکتومی
- دوختن مهبل
- برش حذفی (اکسشن)
- 10- کتاب تأثیرگذار «انسان – ماشین» در چه زمانی نوشته شد؟
- در قرن بیستم
- در قرن نوزدهم
- در قرن هیجدهم
- 11- سیل وستر گراهام که بود؟
- پزشک و روانپزشک
- خیاز
- یک کشیش مسیحی
- 12- کدام یک از موارد زیر یکی از این سه عامل اساسی در رفتار جنسی محسوب نمی شود؟
- انگیزه جنسی
- لذت جنسی
- توان و ظرفیت جنسی

13- مفهوم «نسخه نویسی جنسی» توسط چه کسی ابداع شد؟

- ویلیام هارتمن و ماریلین فیتیان
- ویلیام ماسترز و ویرجینیا جانسون
- ویلیام سایمون و جان گانون

14- کدام یک از موارد زیر لیست درست سه جنبه پیش نویسی است؟

- اجتماع، روانی، روابط فی مابین افراد
- روابط فی مابین، روانی-اجتماعی، فرهنگی
- جسمانی، فی مابین افراد، فرهنگی

15- چه کسی «امیل یا تربیت» را نوشت؟

- ساموئل تیسوت
- ولتر
- ژان ژاک روسو

16- کدامیک از موارد زیر جزء مراسم عبور از کودکی و ورود به بزرگسالی محسوب نمی شود؟

- بارمیتزوا
- مراسم بلوغ و تکلیف در مسیحیت
- عشای ربانی

17- کدامیک از مناطق جهان، از جهت افزایش جمعیت نوجوان خود، در دهه های آینده، بالاترین نرخ رشد را خواهند داشت؟

- امریکای لاتین و کارائیب
- بخش صحرای پائین آفریقا
- آسیا و اقیانوسیه

18- کدامیک از گروههای جمعیتی زیر می تواند در آینده بیشترین میزان رشد جمعیتی را داشته باشد؟

- گروههای کم درآمد
- گروههای دارای درآمد متوسط
- گروههای با درآمد بالا

19- زن قربانی تجاوز جنسی باید در اسرع وقت:

- خود را بشوید و تمیز کند
- خود را به جای امنی برساند
- واقعه را به پلیس گزارش دهد.

20- عمل سنتی مثله کردن اندامهای جنسی دختران و زنان در کجا توسط کشورهای عرب و آفریقایی که این عمل در آنها صورت می گیرد، محکوم شد؟

- بیانیه 1921 که علیه خشونت جنسی بود.
- اعلامیه 1954 دمشق علیه مثله کردن اندامهای جنسی زنان و دختران.
- بیانیه 2003 قاهره جهت محو مثله کردن اندامهای جنسی دختران و زنان.

21- یک نسخه (پیش نویس جنسی):

- یک پروسه ممتد و طولانی می باشد.
- یک پروسه مربوط به روابط فی مابین است.
- قبل از بلوغ تکمیل می شود.

22- بعضی از شاهکارهای تناتر به موضوع زنا با محارم می پردازند. از جمله:

- «ادیب شاه» نوشته سوفوکل
- «ترستان» ریشارد واگنر

- «رومنو و جولیت» توسط ویلیام شکسپیر

23- برخی از آثار تخیلی به میل جنسی بزرگسالان نسبت به نوجوانان می پردازند، از جمله:

- «مرگ در ونیز» نوشته توماس مان

- «هاکلبری فین» توسط مارک تواین

- «لولیتا» توسط ولادیمیر ناباکوف

24- برخی از اعمال خشونت‌های جنسی تاریخ روم را تداعی می کنند، از جمله:

- تجاوز به لوکریتا

- تجاوز به اروپا

- تجاوز به زنان ساییین

25- کدامیک از موارد زیر اول آموخته می شود؟

- رفتارهای اروتیکی

- رفتارهای جنسیتی

- رفتارهای تولید مثلی

موضوعات برای مقالات کوتاه

از 10 موضوع زیر، شش تای آنها را انتخاب کنید و حول هر کدام مقاله کوتاهی بنویسید.

وقت برای هر شش مقاله: 3 ساعت

بخش اول:

1- تاریخچه مختصری از عبارت «رفتار جنسی» ارائه دهید.

2- تاریخچه مختصری از «قوانین لواط / سودومی» ارائه دهید.

3- تفاوت ممکن بین ظرفیت و توان جنسی یک مرد با ظرفیت و توان او در احساس شادی و خرسندی را مورد بحث قرار دهید.

4- مفهوم «چرخه زندگی» را شرح دهید.

5- انواع منابع و سرچشمه های نسخه (پیش نویس) های جنسی را مورد بحث و بررسی قرار دهید.

6- جنبه فرهنگی نسخه های جنسی را مورد بحث و بررسی قرار دهید.

7- اصطلاح جایگزینی الگویی (paradigm shift) را توضیح دهید.

8- اصطلاح «پارافیلیا»، تاریخچه آن، معنی، و تأثیر آن بر زندگی فرد را مورد بحث و بررسی قرار دهید.

9- ذات و جوهر فتیشیسم را توضیح دهید.

10- انواع خشونت‌های جنسی را توضیح و آنها را مورد بحث و بررسی قرار دهید.

بخش دوم:

1- معانی مختلف «رفتار جنسی» را مورد بحث و بررسی قرار دهید.

2- رابطه بین توان جنسی، انگیزه جنسی، و عملکرد جنسی را مورد بحث و بررسی قرار دهید.

3- مدل‌های مختلف رفتار جنسی در گذشته و حال را شرح دهید.

4- تغییرات حاصله در رفتارهای جنسی بشر که از تولد تا کهنولت اتفاق می افتند را به بحث بگذارید.

5- فرایند تعاملی بین نسخه های جنسی مختلف را شرح دهید.

6- دلایل مذهبی و پزشکی در رابطه با تفاوت‌های موجود در رفتارهای جنسی را توضیح دهید.

7- ذات و اساس سادومازوخیسم را توضیح دهید و حول آن بحث کنید.

8- مفهوم «جنسیت کودکی» را شرح دهید و حول آن بحث کنید.

9- تعاریف «بچه» (کودک)، «خردسال» و «سن قانونی» را مورد بحث و بررسی قرار دهید.

10- شکل گیری و انحلال اقلیت های جنسی را مورد بحث و بررسی قرار دهید.

بخش سوم:

- 1- جنبه های مالی روسپیگری را مورد بحث و بررسی قرار دهید.
- 2- انواع توضیحات حول زنانی با محارم را مورد بحث قرار دهید.
- 3- بعضی از جنبه های مشکل ساز مبارزه با «پورنوگرافی کودکان» را مورد بحث و بررسی قرار دهید.
- 4- امیدبخش ترین استراتژی برای پایان دادن به سنت مثله کردن اندامهای جنسی زنان و دختران را شرح دهید.
- 5- مفهوم «کشش جنسی» را مورد بحث و بررسی قرار دهید.
- 6- تفاوت بین «رفتارهای جنسیتی»، «رفتارهای شهوانی/اروتیکی»، «رفتارهای تولید مثلی» و «رفتارهای بهبود بخش زندگی» را توضیح دهید.
- 7- نظریه زیگموند فروید درباره رشد جنسی را مورد بحث و بررسی قرار دهید.
- 8- انواع توجیهاتی که برای مثله کردن اندامهای جنسی دختران و زنان آورده می شوند را توضیح دهید.
- 9- مفهوم «جرم فاقد قربانی» (جرم بی آزار) را شرح دهید و حول آن بحث کنید.
- 10- پنج نوع فتیش را نام ببرید و آنها را توضیح دهید.

موضوعات برای مقالات بلند 3 از 3

لطفاً حول هرکدام از سه موضوع زیر مقاله ای بنویسید.

وقت: سه ساعت

بخش اول:

- 1- تاریخ مبارزات پزشکی اروپایی و آمریکایی علیه استمناء، پیش زمینه فرهنگی آن، و تأثیری که بر برخوردهای غربیان نسبت به رفتارهای جنسی برجای گذاشت، را مورد بحث و بررسی قرار دهید.
2. تئوری نسخه ها (پیش نویسهای) جنسی، کمکی که در رسیدن به دیدگاههای تازه کرده، و محدودیتهای آن را مورد بحث و بررسی قرار دهید.
3. تأثیر مذهب بر تئوریهای پزشکی غربی حول سکس را مورد بحث و بررسی قرار دهید.

بخش دوم:

- 1- مفهوم «کشش جنسی» بشر را مورد بحث و بررسی قرار دهید.
2. تاریخ اصطلاح «رفتار جنسی» و تأثیرات آن را مورد بحث و بررسی قرار دهید.
3. مفهوم اقلیتهای جنسی را مورد بحث و بررسی قرار دهید و مثالهایی بیاورید.

بخش سوم:

1. انواع اصلی روسپیگری را مورد بحث و بررسی قرار دهید.
2. در رابطه با مثله کردن اندامهای جنسی دختران و زنان: گستردگی این مسئله، بهانه هایی که برای آن آورده می شوند، و استراتژی مناسب جهت مقابله با آن را مورد بحث و بررسی قرار دهید.
3. موضوع تماس جنسی بزرگسالان با کودکان را از ابعاد مردم شناسی، قضایی، و روانی مورد بحث و بررسی قرار دهید.